

www.facebook.com/hektips

www.hektips.com

حقوق تجارت بين الملل

www.hektips.com

حقوق تجارت

فهرست مطالب

16	- تعریف تاجر.....
17	1 - 1 - تکرار عملیات.....
21	- عملیات تجارتي.....
21	1 - عملیات تجارتي تويي.....
22	I- عملیات تجارتي ذاتي يا مطلق.....
22	II- عملیات تجارتي به حکم قانون.....
22	III - عملیات تجارتي تبعي يا نسبي.....
32	عملیات تجارتي تبعي.....
35	معاملات غير منقول.....
37	- نکات مهم مبحث اعمال تجارتي.....
42	* سوالات چهار گزینه‌ای اعمال تجارتي *.....
43	پاسخنامه.....
44	- دفاتر تجارتي.....
44	1- دفتر روزنامه.....
45	2 - دفتر کل.....
45	3- دفتر دارائی.....
46	دفتر کپيه.....
46	- سندیت دفاتر تجارتي.....
49	نکات مهم مبحث دفاتر تجارت.....
51	سوالات چهار گزینه‌ای دفاتر تجاری.....
52	پاسخنامه.....
53	شرکتهای تجاری.....
53	- کلیات.....
53	ماهیت حقوقی شرکت.....
54	شخصیت حقوقی شرکت تجاری.....
54	- نظریه فرضی بودن شخصیت حقوقی:.....
54	- نظریه دارائی اختصاصی:.....
55	- اقسام شرکتهای تجاری:.....
55	- شرکت سهامی عام و خاص:.....
56	موضوع شرکت سهامی:.....
56	انواع شرکتهای سهامی:.....
56	- تأسیس و تشکیل شرکتهای سهامی:.....

60	- سهام
60	4- نقل و انتقال سهام:
62	- اوراق قرضه:
63	1- اوراق قرضه ساده.....
64	2- اوراق قرضه مرکب
64	- ارکان شرکت سهامی:
67	1- مجامع عمومی
67	- نکاتی درباره دعوت مجمع عمومی عادی:
71	- برگزاری جلسات مجمع عمومی عادی:
72	- مقررات مشترک مجامع عمومی:
72	- تعداد اعضای هیأت مدیره
74	- نکاتی چند در رابطه با ماده 112 لایحه قانونی:
75	- محرومیت از مدیریت شرکت سهامی:
76	- حقوق و تکالیف فردی مدیر:
76	- اختیارات هیأت مدیره:
76	- محدودیت‌های مدیران:
78	- مسئولیت مدیران:
81	3- بازرسان
81	- تغییرات در سرمایه شرکت
83	2- کاهش سرمایه:
83	- انحلال و تصفیه:
84	- نکات مهم مبحث شرکتهای سهامی:
90	مجموعه تست
90	مجموعه تست
94	پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای
111	پاسخنامه
112	- شرکت با مسئولیت محدود:
124	- حیات شرکت با مسئولیت محدود:
125	1- مسئولیت مدیران:
125	2- تصمیمات جمعی راجع به شرکت با مسئولیت محدود:
126	- انحلال شرکت با مسئولیت محدود:
128	- ذکر چند نکته در مورد این ماده ضروری است:
130	- نکات مهم شرکت با مسئولیت محدود:
130	سوالات چهار گزینه ای شرکت با مسئولیت محدود
131	مجموعه سوالات
132	پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای
138	پاسخ سوالات
138	- شرکتهای تضامنی و نسبی:
141	

- 141..... شرکت تضامنی: -
- 142..... حقوق و مسئولیت‌های شرکاء در شرکت تضامنی: -
- 143..... انحلال شرکت تضامنی: -
- 145..... خلاصه مبحث شرکت تضامنی: -
- 145..... شرکت نسبی
- 146..... حقوق و مسئولیت شرکاء در شرکت نسبی: -
- 147..... انحلال شرکت نسبی: -
- 147..... شرکت نسبی در موارد زیر منحل میشود: -
- 148..... نکات مهم شرکتهای نسبی: -
- 149..... مجموعه تست
- 150..... مجموعه تست
- 154..... پاسخ سوالات
- 154..... پاسخ نامه
- 156..... شرکت مختلط غیر سهامی
- 156..... اداره شرکت مختلط غیر سهامی
- 157..... مسئولیت شرکاء در شرکت مختلط غیر سهامی: -
- 158..... انحلال شرکت مختلط غیر سهامی: -
- 158..... نکات مهم شرکتهای مختلط غیر سهامی
- 159..... شرکت مختلط سهامی: -
- 159..... اداره شرکت مختلط سهامی: -
- 160..... مسئولیت شرکاء در شرکت مختلط سهامی
- 160..... انحلال شرکت مختلط سهامی: -
- 161..... خلاصه مبحث شرکتهای مختلط سهامی: -
- 162..... معرفی شرکت تعاونی
- 162..... تشکیل شرکت تعاونی
- 166..... نکات کلیدی
- 168..... اسناد تجاری « برات - سفته - چک »
- 168..... تعریف اسناد تجاری: -
- 168..... فواید اسناد تجاری
- 169..... برات
- 170..... 1- انتقال طلب:
- 170..... 2- تئوری تبدیل تعهد:
- 170..... 3- تئوری وکالت:
- 171..... 4- تئوری تعهد یک جانبه:
- 171..... 5- تئوری عمل به ظاهر
- 171..... شرایط شکلی برات
- 175..... شرایط ماهوی برات
- 175..... رضایت

176.....	- اهلیت
176.....	- محل برات
177.....	- قبول و نکول برات
177.....	- قبول برات
177.....	- ارائه برات برای قبولی
179.....	- شکل قبولی ویژگیهای آن:
180.....	- آثار قبولی برات
181.....	- نکول برات
182.....	- قبولی شخص ثالث
184.....	- ظهنویسی
185.....	- ظهنویسی به نام شخص معین:
185.....	- ظهنویسی سفید امضاء:
185.....	- ظهنویسی در وجه حامل
186.....	- ظهنویسی به منظور وکالت
187.....	- ظهنویسی به منظور وثیقه
187.....	- ضمانت
188.....	- مسئولیت امضاء کنندگان برات
189.....	1- برانگیر:
189.....	2- براتکش:
190.....	3- ظهنویسان
191.....	4- ضامنین:
191.....	- پرداخت
193.....	- پرداخت بوسیله شخص ثالث
194.....	- حقوق و وظایف دارنده برات
197.....	- اعتراض یا واخواست (پروتست)
197.....	- واخواست نکول
198.....	- واخواست عدم تادیه
198.....	- برات رجوعی
198.....	- قوانین خارجی
199.....	- سفته
202.....	- مجموعه تست
204.....	"پاسخنامه تشریحی
205.....	:صدور سفته
208.....	- مجموعه تست
212.....	- پاسخنامه تشریحی
214.....	- اصل عدم تأثیر ایرادات
216.....	- مجموعه تست
219.....	- پاسخنامه تشریحی

220	حقوق دارنده سفته
223	مجموعه تست
229	پاسخنامه تشریحی
230	مسئولیت تضامنی
233	مجموعه تست
237	پاسخنامه تشریحی
238	ضمانت
240	مجموعه تست
243	پاسخنامه تشریحی
244	قبض انبار عمومی
244	کاربرد قبض انبار
245	مجموعه تست
246	پاسخنامه تشریحی
247	صدور قبض انبار عمومی
248	پرداخت و تضمین های آن
249	مجموعه تست
249	پاسخنامه تشریحی
250	حفاظت اسنادی
250	مجموعه تست
251	- چک:
264	مجموع تست
268	پاسخنامه
269	صدور چک
274	مجموع تست
275	پاسخنامه
276	ظهور نویسی
280	مجموعه تست
282	پاسخنامه
283	پرداخت
286	حق دارنده در صورت فوت صادر کننده
289	وظایف و اختیارات بانک در خصوص چک با محل
293	مجموعه تست
296	پاسخنامه
297	تضمین های پرداخت چک
312	مجموعه تست
317	پاسخنامه
318	رجوع های چک
320	پاسخنامه

321	حفاظت قانونی چک
323	مجموعه تست
324	پاسخنامه
325	اسناد در وجه حامل
326	مجموعه تست
326	پاسخنامه
327	مقایسه اسناد در وجه حامل و اسناد با نام
328	مجموعه تست
328	پاسخنامه
329	تمهید حفاظتی - گم شدن اسناد در وجه حامل
330	مجموعه تست
330	پاسخنامه
331	بروات بیگانه
333	اجرای تعهدات بروات و قواعد حل تعارض
335	پاسخنامه
336	- خلاصه مبحث اسناد تجاری:
338	مجموعه تست
342	مجموعه تست
358	پاسخ سوالات چهارگزینه‌ای
359	مجموعه تست
369	- دلالی:
369	ب- وظایف و مسئولیت دلال:
371	ج- حقوق و اجرت دلال:
372	نکات مهم مبحث دلالی:
374	مجموعه تست
375	مجموع تست
378	پاسخنامه
378	پاسخنامه
380	- حق العمل کاری
381	ب- وظایف حق العمل کار
385	ج- حقوق و حق الزحمه حق العمل کار:
386	د- مسئولیت حق العمل کار:
388	نکات مهم مبحث حق العمل کاری:
389	مجموعه تست
389	پاسخنامه
390	تعریف قرارداد حمل و نقل
391	- حقوق و وظایف ارسال کننده:
393	- حقوق و وظایف متصدی حمل و نقل:

394	- مسئولیت متصدی حمل و نقل:
396	- خسارت تاخیر:
397	- محدودیت مسئولیت:
397	تسلیم کالا و پایان مسئولیت متصدی حمل و نقل:
398	وظایف گیرنده کالا:
399	مرور زمان دعاوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل:
401	نکات مهم مبحث قرارداد حمل و نقل:
402	مجموعه تست
404	پاسخنامه
405	قائم مقام تجاری
405	اجتماع قائم مقامان تجاری
407	نکات کلیدی
408	- ورشکستگی
408	تعریف ورشکستگی:
408	- شرایط ورشکستگی:
410	- دادگاه صالح برای صدور حکم ورشکستگی:
410	- اشخاص ذینفع در ورشکستگی:
411	- محتویات حکم ورشکستگی:
412	- خصوصیات حکم ورشکستگی:
413	- آثار حکم ورشکستگی:
414	- اثر حکم ورشکستگی نسبت به معاملات تاجر:
414	- دوره اول: دوره قبل از تاریخ توقف تاجر:
416	- دوره دوم: دوره بین تاریخ توقف و تاریخ صدور حکم ورشکستگی:
417	- دوره سوم: دوره بعد از صدور حکم ورشکستگی:
418	- قرارداد ارفاقی:
419	- اعاده اعتبار:
420	- ورشکستگی به تقلب و ورشکستگی به تقصیر:
421	- نکات مهم مبحث ورشکستگی:
424	مجموعه تست
427	مجموعه تست
437	پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای
438	پاسخنامه
444	مجموعه تست
449	پاسخ تشریحی
451	مجموعه تست
454	پاسخ تشریحی
457	منابع

تجارت

- تعریف تاجر

طبق ماده یک قانون تجارت « تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد. » برای آنکه کسی تاجر شناخته شود دو شرط لازم است اول آنکه شغل معمول خود را معاملات تجاری قرار داده دو آنکه معاملات مزبور را به حساب خود انجام دهد. این تعریف علاوه بر افراد شامل اشخاص حقوقی نیز می‌شود. چون طبق ماده 588 قانون تجارت: شخص حقوقی می‌تواند دارای کلیه حقوق و تکالیفی شود که قانون برای افراد قائل است. بنابراین اشخاص حقوقی که منظور در اینجا شرکت‌های تجاری می‌باشند، نیز تاجر شناخته می‌شوند.

1- تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد.

قبل از آنکه معاملات تجاری را تعریف نماییم باید در نظر داشت که اغلب قوانین تشخیص تاجر از غیر تاجر را موکول به این نموده اند که شخص مبادرت به معاملات تجاری نماید و از طرف دیگر بعضی از قوانین برخی از اعمال را از لحاظ آنکه تاجر آنها را انجام می‌دهد تجاری شناخته اند و به این طریق برای تعریف تاجر و اعمال تجاری دو نظریه مختلف وجود دارد: نظریه شخصی حقوق تجارت و نظریه موضوعی حقوق تجارت.

طبق نظریه شخصی، حقوق تجارت حقوقی است که بر روابط بین تجار حاکم است و بیشتر جنبه یک نوع حقوق صنفی داشته و هیچگونه معامله تجاری محسوب نمی‌شود؛ مگر آنکه به وسیله تجار صورت گیرد. در صورتی که طبق نظریه موضوعی اساس حقوق تجارت بر روی معاملات تجاری استوار است و هر شخصی که معاملات تجاری را انجام دهد باید تابع مقررات و اصول حقوق تجارت باشد در طریقه اول شخص معامله کننده مورد نظر است و شخص تاجر و شغل تجارت مورد بحث قرار می‌گیرد در صورتی که در طریقه دوم عمل معامله کننده مورد بحث قرار می‌گیرد و اعمال تجاری دارای اهمیت می‌شوند.

طرفداران نظریه شخصی - حقوق تجارت می‌گویند اصول و قواعد حقوق تجارت در ابتدا کاملاً صنفی بوده و از طرف تجار بوجود آمده است و با وجود حذف اصناف و حقوق آنان باز تجار موظف نگاهداری دفاتر تجاری - قواعد ورشکستگی - مراجعه به محاکم اختصاصی و غیره. این قیود فقط مختص کسانیست که تاجر نامیده می‌شوند. چون اعمال این طبقه از لحاظ ماهیت با افراد عادی در اصل اختلافی ندارند اگر قواعد استثنایی برای حقوق تجارت وضع شده از این جهت است که اشخاصی که این اعمال را انجام می‌دهند تاجر نامیده شده و از لحاظ تاجر بودن تابع آن اصول می‌باشند.

این نظریه گرچه در ظاهر سهل و ساده به نظر می‌رسد در عمل اشکالات فراوان دارد زیرا اگر چه تشخیص تاجر و غیر تاجر با دفاتر ثبت تجاری و کارت بازرگانی به نظر آسان می‌آید اما شماره اشخاصی که به طریق نامرئی مشغول تجارت هستند یا اتفاقاً مبادرت به عملیات تجاری می‌نمایند فوق‌العاده زیاد است و با ثبت دفاتر تجاری هر قدر هم سختگیری شود تفکیک تاجر و غیر تاجر مشکل است و عرف و عادت است که طبقه تاجر و غیر تاجر را در هر کشور مشخص

می‌سازد. علاوه بر این تمام عملیات بازرگانان تجارتي محسوب نمی‌شوند. یک قسمت از معاملات آنان که ارتباط مستقیم با حوائج شخصی و غیر تجارتي آنان دارد تجارتي نیستند و مخصوصاً اغلب قوانین معاملات مربوط به اموال غیر منقول را اگر چه برای حوائج تجارتي نیز باشد تجارتي محسوب نمی‌دارد. از طرف دیگر در اغلب کشورها برخی از معاملات چه به وسیله تاجر صورت گیرد چه به وسیله غیر تاجر تجارتي محسوب می‌شوند. این اشکالات باعث گردیده که این نظریه عمومیت پیدا نکرده است. قانون تجارت آلمان از نظریه شخصی حقوق تجارت پیروی کرده و در تحت نه عنوان مشاغل تجارتي را ذکر نموده است.

طرفداران نظریه موضوعی - حقوق تجارت اظهار می‌دارند اگر معاملات اشخاص را از لحاظ ماهیت آنها در نظر بگیریم چنین نتیجه گرفته می‌شود که کلیه عملیات تجارتي از اصول حقوقی معینی پیروی می‌کنند و از این لحاظ که معاملات مزبور تجارتي هستند مشمول حقوق تجارت می‌شوند و چون قانونگذار قانون تجارت تدوین نموده نه قانون تاجر بنابراین صرفنظر از شخص معامله کننده هر کس این معاملات را انجام دهد عملش مشمول مقررات حقوق تجارت می‌گردد مانند معاملات مربوط به بروات تجارتي و معاملات شرکاء شرکت‌های تجارتي که از لحاظ امور شرکت تابع مقررات حقوق تجارت می‌باشند. اگر کلیه عملیات تجارتي دارای مشخصات لازم بود این نظریه صحیح به نظر می‌رسید ولی اصولاً اغلب معاملات تجارتي با معاملات عادی تفاوتی نداشته و بسته به اینکه از ناحیه چه شخصی و برای چه منظوری انجام گرفته است تجارتي یا عادی محسوب می‌شوند. با قبول کردن این نظریه نیز باید در هر مورد منظور متعاملین از لحاظ اقتصادی تحقیق شود و بالاخره باز به این نتیجه می‌رسیم که اگر معامله از طرف تاجر انجام گرفته باشد تجارتي است و الا عادی است خصوصاً که در قوانینی که از نظریه موضوعی پیروی نموده اند، مانند قوانین فرانسه، بلژیک و ایران موادی در آن گنجانده شده است که بعضی از معاملات را که معاملات تبعی نامیده می‌شوند از لحاظ تاجر بودن طرف معامله آن را تجارتي محسوب می‌دارند.

چون هیچکدام از نظریات شخصی و موضوعی جامع و کامل نیست قانون تجارت ایران مانند قوانین اغلب کشورها تعریف تاجر و عملیات تجارتي را به هم مربوط ساخته است. در ماده یک تاجر را کسی می‌شناسد که مبادرت به عملیات تجارتي می‌کند. در ماده 2 عملیات تجارتي را یک به یک شرح می‌دهد و بعداً در ماده سه به معاملات دیگری اشاره می‌کند و به اعتبار تاجر بودن طرف معامله آنها را تجارتي محسوب می‌دارد. به هر حال برای آنکه شخص را تاجر بشناسیم باید شغل معمولی او معاملات تجارتي باشد و چون اغلب اشخاص در زندگانی خود معاملاتی انجام می‌دهند که کم و بیش جنبه تجارت دارد باید دید در چه مواردی مبادرت به عملیات تجارتي شغل معمولی تلقی می‌شود.

1-1 - تکرار عملیات

اگر اشخاص بطور اتفاقی مبادرت به عملیات تجارتي نمایند نمی‌توان آنها را مشمول تعریف قانون تجارت نمود. بنابراین لازمه شغل تجارت تکرار معاملات تجارتي از طرف تاجر است، میزان تکرار معاملات تجارتي به نحوی که مشمول تعریف

حقوق تجارت گردد بستگی به عرف و عادت محل دارد و نمی‌توان تعداد معینی برای آن قائل شد و باید دید آیا حجم و میزان معاملات تجارتهی شخص باعث آن می‌گردد که او را تاجر محسوب نمایند یا خیر و به این جهت نمی‌توان ملاک تشخیص که عمومیت داشته باشد برای میزان و تعداد معاملات تعیین نمود.

2-1 - شغل تجارت

تعیین اینکه در چه موقعی تکرار عملیات تجارتهی از طرف شخص به او صفت تاجر می‌دهد نیز بستگی به عرف و عادت دارد. عده‌ای اظهار می‌دارند که شخص باید در عملیات خود جنبه جلب نفع را در نظر داشته باشد. عده دیگر می‌گویند برای آنکه تجارت شغل معمولی اشخاص قرار گیرد تاجر باید قصد خود را تجارت صراحتاً به وسیله ثبت تجارتهی - نگاهداری دفاتر تجارتهی - تابلو و سرلوحه نامه‌های خود یا بطور ضمنی به وسیله پرداخت مالیات بازرگانان - قبول صلاحیت اصول و قواعد تجارتهی در محاکم و غیره اعلام کرده باشد ولی هیچکدام از این دو نظریه کامل نیست؛ زیرا جنبه جلب نفع از عملیات امر کلی است و اعلام صریح یا ضمنی تاجر نیز یک طرفه است. اگر کسی اصولاً تجارت نکند و خود را تاجر قلمداد کند آیا به صرف اعلام خودش تاجر شناخته می‌شود یا برعکس اگر کسی مبادرت به معاملات تجارتهی کند و از اعلام شغل خود ابا نماید آیا تاجر محسوب نمی‌شود؟ این اشکال آخر در مواردی که شخص دارای مشاغل مختلف است اهمیت زیادتری پیدا می‌کند خصوصاً که تشریفات ثبت تجارتهی یا نگاهداری دفاتر تجارتهی جنبه اعلامی داشته و ادارات ثبت موظف نیستند در اطراف اظهار تاجر تحقیقات کافی بنمایند و اکتفا به ثبت اظهارات متقاضی می‌نمایند. بدین جهت برای تعیین آنکه در چه موقعی شغل معمولی اشخاص تجارت است یا خیر باید به عرف و عادت محل مراجعه نمود و رأی محاکم در این موضوع چون تشخیص واقعه است قابل رسیدگی فرجامی نیست. در صورتی که مورد تفسیر عملیات تجارتهی و تشخیص اینکه آیا معامله عمل تجارتهی است یا خیر موضوع چون تفسیر قانونی است دیوان کشور می‌تواند درباره آن اظهار نظر نماید و در صورتی که استنباط محاکم بدایت و استیناف را مخالف قانون بداند حکم آنان را نقض نماید.

در مواردی که شخص فقط دارای یک شغل باشد تشخیص آنکه آیا شغل معمولی او تجارت است یا خیر زیاد اشکال ندارد ولی در مواردی که اشخاص دارای مشاغل مختلف می‌باشند تعیین آنکه آیا شغل معمولی آنان تجارت است یا خیر کسب اهمیت می‌نماید و برای حل موضوع سه مورد را می‌توان تصور نمود:

الف - شخص دارای چند شغل می‌باشد ولی شغل اصلی او تجارت بوده و زندگی او از این ممر تأمین می‌شود. مثلاً پزشک است و دارای املاک می‌باشد اما بطور مستمر به شغل طبابت اشتغال نداشته و در تجارتخانه‌ای که دایر نموده است مشغول تجارت است. این شخص ممکن است گاهی هم به معالجه مریض بپردازد و عایدی هم از املاک خود داشته باشد ولی چون اکثر اوقات خود را صرف تجارت می‌نماید بدون شک تاجر محسوب می‌شود.

ب - شخص دارای چند شغل می‌باشد ولی شغل تجارت او در درجه دوم اهمیت قرار دارد و زندگی او از سایر موارد

تأمین می‌شود مانند همین مثال بالا که پزشک مزبور مرتباً در مطب خود حاضر می‌شود و به املاک خود سرکشی می‌کند و بیشتر عایدی او از این دو ممر تحصیل می‌شود ولی ضمناً به امور تجارت نیز اشتغال دارد با وجود آنکه شغل تجارت در مرتبه دوم اهمیت برای او قرار دارد ولی چون مبادرت به عملیات تجارتي می‌نماید باید او را تاجر محسوب داشت و او را تابع اصول و قواعد تجارتي دانست حتی اگر شغل اصلی او با تجارت منافات داشته باشد.

ج - شخص دارای شغل معینی است که جنبه تجارتي ندارد ولی مجبور است برای انجام کارهای مراجعین خود به حساب آنها مبادرت به بعضی از عملیات تجارتي نماید مانند سردفتران یا وکلای دادگستری. در این صورت چون اینگونه اعمال تجارتي به حساب دیگران انجام می‌شود و تابع شغل اصلی شخصی است نمی‌توان او را تاجر محسوب نمود.

2- تاجر باید معاملات تجارتي را به حساب خود انجام دهد.

معاملات تاجر باید به حساب و به نام خودش صورت گیرد. بنابراین کسانی که به حساب دیگری معاملات تجارتي می‌نمایند مانند کارمندان تجارتخانه، مدیران شرکتهای تجارتي تاجر محسوب نمی‌شوند. در این قسمت باید دلالت و حق‌العمل کاران و کسانی را که به وسیله تسهیل معاملات می‌شوند؛ استثناء نمود. زیرا طبق بند 3 ماده 2 قانون تجارت اینگونه اشخاص گرچه به حساب دیگران یا برای دیگران معاملاتی انجام می‌دهند ولی عملیات آنها تجارتي بوده و خودشان تاجر محسوب می‌شوند و اصولاً اینگونه اشخاص برای اجرت خدمات خود حق‌العملی به تناسب معاملات انجام شده دریافت می‌دارند، در صورتی که کارمندان تجارتخانه یا مدیران شرکت‌ها حقوق بگیر بوده و در نفع و ضرر معامله یا انجام آن دخالتی ندارند. شکی نیست که معاملات کارمندان و مدیران شرکت‌ها طبق بند 3 ماده 2 قانون تجارتي محسوب شده و کارفرمای او تاجر محسوب می‌شود ولی خود آنها حقوق بگیر و مستخدم بوده و تاجر نمی‌باشند.

3- تاجر باید اهلیت داشته باشد

طبق ماده 210 قانون مدنی «متعاملین باید برای معامله اهلیت داشته باشند.» و طبق ماده 211 همان قانون «برای آنکه متعاملین اهل محسوب شوند باید بالغ و عاقل و رشید باشند.» چون شغل تجارت مستلزم انجام معاملات می‌باشد بنابراین اگر کسی اهلیت برای معامله نداشته باشد نمی‌تواند به شغل تجارت اشتغال ورزد و نمی‌توان او را تاجر شناخت. زیرا به موجب ماده 212 قانون مدنی «معامله با اشخاصی که بالغ و یا عاقل و یا رشید نیستند به واسطه عدم اهلیت باطل است.» و به همین طریق به موجب ماده 213 قانون مدنی معامله محجورین نافذ نیست.

طبق ماده 1207 قانون مدنی محجورین عبارتند از: صغیر، اشخاصی غیر رشید و مجانین. چون در حقوق مدنی به تفصیل راجع به محجورین بحث شده است از تفصیل در این موضوع خودداری می‌شود ولی موضوعی که قابل توجه است این است که آیا نمایندگان قانونی محجورین مانند ولی یا قیم می‌توانند به نام محجورین تجارت نمایند یا خیر؟ اگر به وظایف ولی و قیم در قانون مدنی مراجعه نماییم ملاحظه خواهد شد که وظایف نمایندگان قانونی محجور فقط محدود به

اداره اموال اوست و اختیار فروش اموال جز در موارد مخصوصی یا معاملات تجارتي که مستلزم بعضی خطرات است در

وظایف آنها ذکر نشده و به این جهت به نظر مشکل می‌آید که نمایندگان قانونی محجور بتوانند به نام محجور تجارت نمایند. موضوع اشتغال به تجارت درباره محجورین در موقعی که تجارتخانه محجور باید منحل شود و در نتیجه ممکن است زیان غیر قابل جبرانی به منافع محجور وارد گردد و اگر ادامه شغل تجارت را به وسیله نمایندگان قانونی محجور جایز بدانیم ممکن است در نتیجه عملیات تجارتي زیان‌هایی به محجور وارد شود که برخلاف منافع محجور تشخیص داده شود و بعداً معاملات مزبور مورد ابطال قرار گیرند و به نمایندگان قانونی او ایراد شود که از اختیارات خود تجاوز کرده اند. اگر به مواد صریح قانون مدنی درباره وظایف قیم مراجعه شود به عقیده ما بعد از حدوث حجر معاملات تجارتي جدید از طرف نماینده قانونی محجور جایز نیست و نماینده قانونی محجور باید به اداره اموال او اکتفا نماید مگر آنکه محجور از طرف خود قبل از حدوث حجر قائم مقام تجارتي تعیین نموده باشد که با توجه به ماده 400 قانون تجارت که مقرر می‌دارد « با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم مقام تجارتي منعزل نیست. » می‌توان استدلال نمود که قائم مقام مزبور می‌تواند امور تجارتخانه را اداره نماید. باید در نظر داشت که ماده 400 قانون تجارت با ماده 678 قانون مدنی تعارض دارد. زیرا قائم مقام تجارتي در حکم وکیل است و به موجب ماده 678 قانون مدنی وکالت به موت یا به جنون وکیل یا موکل منقضی می‌شود و ماده 400 قانون تجارت به کلی مخالف این اصل است. چون قانون تجارت در این قسمت بعد از قانون مدنی به تصویب رسیده است، بنابراین می‌توان استناد نمود که در مورد قائم مقام تجارتي مفاد ماده 400 قانون تجارت معتبر است. علاوه بر آن چون نمایندگان قانونی محجورین در هر مورد باید غبطه محجور را رعایت نمایند می‌توان استدلال نمود که اگر انحلال تجارتخانه محجور به ضرر او باشد نماینده قانونی او ملزم به نگهداری آنست منتهی اعمال او باید منحصر به اداره و نگهداری تجارتخانه مزبور باشد و لاغیر و اگر معاملاتی می‌نماید کاملاً در حدود عرف و عادت باشد. بنابراین در مورد معاملات تجارتي صغیر باید درجات مختلف قائل باشد.

1- نگاهداری تجارتخانه و اداره اموال محجور که از وظایف قانونی ولی و قیم بوده و در حفظ و حراست آن باید مراقبت نماید.

2- معاملات عادی و محکم تجارتي که از وظایف صریح نمایندگان قانونی محجور خارج بوده ولی از لحاظ غبطه محجور ممکن است تجویز شود و در بعضی موارد مانند خاتمه دادن به اختلافات محجور به صلح مستلزم اجازه دادستان است.

3- معاملات تجارتي که مستلزم تعهدات و خطراتی باشد.

در این قبیل موارد نماینده قانونی محجور اصولاً نباید به چنین معاملاتی مبادرت کند مانند معاملات بورسی یا شرکت در شرکتهای تضامنی یا نسبی که هر یک از شرکاء بابت معاملات شرکاء دیگر ضامن می‌باشند.

بالاخره این مسئله پیش می‌آید که اگر به واسطه عملیات تجارتي که از طرف قائم مقام تجارتي یا نمایندگان قانونی تاجر صورت می‌گیرد نمایندگان مزبور نتوانند از عهده انجام تعهدات خود برآیند آیا محجور ورشکسته قلمداد می‌شود یا

خیر؟ قضیه دچار اشکال فراوان می‌گردد. از لحاظ حقوق تجارت چون عملیات مزبور جنبه تجارتي دارند باید حکم ورشکستگی صادر شود و مطابق مقررات ورشکستگی رفتار شود ولی از لحاظ اصول چون صفت تاجر از محجور سلب می‌شود باید مشمول مقررات اعسار گردد، زیرا شخص محجور را نمی‌توان مسئول معاملات خود قرار داد.

- عملیات تجارتي

عملیات تجارتي اصولاً عملیاتی هستند که به طور مستمر به وسیله تاجر برای جلب نفع انجام می‌گیرد. این عملیات اصولاً به 4 نوع تقسیم می‌شوند:

1 - عملیات تجارتي توزیعی

عملیات مربوط به پخش و توزیع که عبارتند از عملیاتی که تاجر انجام می‌دهد تا اجناس را از تولید کننده یا فروشنده عمده تحصیل نموده و در اختیار مصرف کنندگان قرار دهد. این عملیات اصولاً تجارتي بوده و کاملترین نوع عملیات تجارتي می‌باشد مانند تاجری که مقداری جنس به کارخانه سفارش می‌دهد و بعداً آنها را به مشتریان خود با منظور نمودن نفعی برای خود به فروش می‌رساند.

2- عملیات تجارتي تولیدی

عملیات مربوط به تولید که عبارتند از عملیاتی که تاجر انجام دهد تا اجناسی را که قابل مصرف اشخاصی نیست تغییر شکل داده یا با اجناس دیگری مخلوط نموده و به صورتی که قابل مصرف برای عموم یا طبقه مخصوصی باشد، آنها را عرضه نماید. مانند صاحب کارخانه نساجی که مقداری پنبه یا پشم خریداری نموده و آنها را در کارخانه خود تبدیل به پارچه نموده و برای مصرف عموم عرضه می‌دارد. این عملیات گرچه اصولاً تجارتي نیستند ولی اغلب قوانین تجارت آنها را در زمره عملیات تجارتي محسوب می‌دارند.

3 - عملیات تجارتي خدماتی

عملیات مربوط به خدمات تجارتي عبارتند از عملیاتی که تغییری در نوع جنس نمی‌دهند، ولی خدماتی انجام می‌دهند که لازمه تجارت است. مانند عملیات حمل و نقل که بدون وجود آن توسعه تجارت میسر نیست یا بنگاه‌هایی که اجناس مشتریان را در انبار خود نگاهداری می‌نمایند به همین طریق مؤسساتی که اجناس مختلف را برای رفع حوائج مشتریان خود اجاره می‌دهند.

4 - عملیات تجارتي کمکی

عملیات مربوط به کمک به تاجر عملیاتی هستند که کار تاجر را تسهیل کرده و با همکاری با تاجر باعث رونق و توسعه تجارت می‌شوند مانند عملیات بانکی، بیمه، دلالی، حق‌العمل کاری.

عملیات تجارتي که در بالا شرح داده شد بعضی ذاتاً تجارتي می‌باشند و برخی به موجب قانون، تجارتي تلقی می‌شوند و بالاخره عملیات دیگری از لحاظ این که به وسیله تاجر انجام می‌شوند جزء عملیات تجارتي محسوب می‌شوند.

I- عملیات تجارتي ذاتی یا مطلق

الف - عملیاتی که اصولاً تجارتي هستند:

- 1- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد.
- 2- هر قسم عملیات دلالی.
- 3- هر قسم عملیات حق‌العمل کاری
- 4- هر قسم عملیات عاملی
- 5- عملیات بیمه بحری و غیر بحری
- 6- کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آنها
- 7- عملیات بانکی

ب - عملیاتی که به وسیله مؤسسات انجام می‌گیرند:

- 1- تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب و هوا
- 2- تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه یا تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره
- 3- تأسیس و بکار انداختن هر گونه کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد.
- 4- تصدی به عملیات حراجی
- 5- تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی

II- عملیات تجارتي به حکم قانون

معاملات برواتی اعم از این که بین تاجر یا غیر تاجر باشد. در قانون تجارت ایران فقط معاملات برواتی مشمول مقررات حقوق تجارت است در صورتی که در بعضی از کشورها عملیات دیگری را به موجب قوانین مخصوص مشمول حقوق تجارت می‌دانند. مانند استخراج معادن یا عملیات شرکت‌های سهامی.

III - عملیات تجارتي تبعی یا نسبی

عملیات تجارتي تبعی عبارتند از عملیاتی که به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجارتي محسوب می‌شوند ولو اینکه عمل اصولاً تجارتي نباشد به شرح زیر:

- 1- کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانکها
- 2- کلیه معاملاتی که تاجر یا غیر تاجر برای رفع حوائج تجارتي خود می‌نماید.

3- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود می‌نمایند.

4- کلیه معاملات شرکت‌های تجاری.

بنا به مراتب بالا عملیات تجاری بر دو نوعند: عملیات تجاری اصلی که شامل عملیات مشروحه در قسمت اول و دوم می‌شوند و ماده 2 قانون تجارت آنها را تعریف نموده است و عملیات تجاری تبعی که شامل عملیات قسمت سوم شده و در ماده 3 قانون تجارت تعریف شده است و ما ذیلاً به شرح هر یک از آنها می‌پردازیم.

- عملیات تجاری اصلی

تشخیص عملیات تجاری از عملیات غیر تجاری در کشورهایی که ملاک تشخیص تاجر را با غیر تاجر بر اساس اشتغال آنان بدین گونه عملیات قرار می‌دهند، اهمیت فوق‌العاده دارد و در مواردی که حقوق تجارت بر جنبه موضوعی آن استوار است، قوانین تجارت عملیات تجاری را مشروحاً بیان نموده اند، ولی چون تجارت دائماً در توسعه بوده و عملیات تجاری جدیدی پیدا می‌شود که در موقع تدوین قانون پیش بینی آن امکان نخواهد داشت و به این جهت علمای حقوق برای آنکه ملاک تشخیص برای عملیات تجاری از غیر تجاری پیدا نمایند سعی نموده اند تعریف کلی برای عملیات تجاری پیدا نمایند. عده‌ای ملاک تشخیص عملیات تجاری را جلب نفع دانسته اند ولی این تعریف خیلی کلی است و شامل کلیه عملیات تجاری و غیر تجاری مانند زراعت، خرید و فروش املاک و غیره می‌شود. اصولاً باید گفت که جز در موارد استثنایی کلیه عملیات انسان برای جلب نفع است منتهی در تجارت جنبه جلب نفع بیشتر مورد نظر است. عده‌ای دیگر عقیده دارند عملیات تجاری کلیه عملیاتی است که در توزیع ثروت دخالت دارد و تاجر کسی است که بین تولید کننده و مصرف کننده قرار می‌گیرد. به این ترتیب زراعت و استخراج معادن از تجارت دور می‌گردد ولی سازمان‌هایی که برای امور عام‌المنفعه یا کمک به اعضای خود تشکیل می‌شوند نیز جزء این تعریف قرار می‌گیرند، پس باید جنبه جلب نفع هم اضافه شود. بالاخره عده‌ای اعمال تجاری را عملیاتی می‌دانند که به وسیله مؤسسات تجاری انجام می‌گیرد ولی این نظریه بیشتر از نظریه شخصی حقوق تجارت پیروی می‌نماید و اعمال تاجر را اصولاً تجاری فرض می‌نماید. قانون تجارت ایران به پیروی از قانون تجارت فرانسه و بلژیک از نظریه موضوعی قانون تجارت پیروی کرده و عملیات تجاری را در ماده 2 ذکر نموده و بعداً در ماده 3 به پیروی از نظریه شخصی قانون تجارت بعضی از عملیات را از لحاظ آنکه به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها انجام می‌شود، تجاری محسوب می‌دارد. بنابراین دایره عملیات تجاری بر حسب قانون تجارت ایران خیلی وسیع‌تر از قوانین تجارت فرانسه و بلژیک می‌گردد.

- به موجب ماده 2 قانون تجارت عملیات زیر تجاری محسوب می‌شوند:

1- خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد:

در اغلب قوانین تجاری فقط عملیات مربوط به اموال منقول را تجاری می‌دانند و عملیات مربوط به اموال غیر منقول

صراحتاً استثناء شده است. قانون تجارت ایران نیز اولین عملیات تجارتي را آنهایی می‌داند که مربوط به خرید و فروش اموال منقول می‌گردد. اموال منقول باید به معنای وسیع آن ذکر شود. مثلاً علاوه بر کلیه اموال منقولي که صراحتاً در قانون مدنی ذکر شده است اموال دیگری را هم که منقول محسوب می‌شوند مانند مطالبات، اوراق تجارتي، سهام و اوراق قرضه، حقوق مالکیت تجارتي و صنعتی را نیز باید مشمول اموال منقول قرار داد.

قانون تجارت ایران با عبارت خرید یا تحصیل، کلیه طرفی که برای به دست آوردن مالی پیش بینی می‌شود در نظر گرفته است. زیرا تاجر ممکن است مال را از طریق خرید به دست آورد یا از طریق معاوضه یا مجانی و کلمه تحصیل شامل کلیه شقوق اخیر می‌شود، ولی قانون تجارت هر نوع خرید یا تحصیل مالی را عملیات تجارتي نمی‌داند، بلکه این خرید یا تحصیل باید به قصد فروش یا اجاره باشد. مثلاً تاجری مقداری پارچه می‌خرد و برای آنکه آن را به مشتریان خود بفروشد یا تاجر دیگری مقداری ائانه از قبیل مبل و صندلی و بشقاب و غیره خریداری می‌نماید که آنها را به مشتریان خود اجاره دهد البته قصد فروش متضمن جلب نفع هم برای تاجر می‌باشد زیرا بدون این قصد عمل شخصی تجارتي نخواهد بود. تعیین قصد خریدار در موقع خرید یا تحصیل اشیاء مشکل به نظر می‌رسد ولی این قصد برای کسانی که مستمراً مبادرت به عملیات تجارتي می‌نمایند تقریباً واضح است و تشخیص آن در موارد اختلاف با محکمه است. از نقطه نظر حقوقی لزومی ندارد که حتماً جنس خرید شده یا تحصیل شده به فروش برسد و اگر به واسطه موانعی جنس مزبور فروش نرفت این موضوع باعث از بین بردن جنبه تجارتي عمل نمی‌شود. مثلاً تجاری که تجارت مواد فاسد شدنی را می‌نمایند در بعضی موارد جنسشان خراب شده و قابلیت فروش آن از بین می‌رود یا تجاری از ادامه عملیات تجارتي خود صرف نظر می‌کند و اموال تجارتيخانه را برای احتیاجات شخصی خود نگاه می‌دارد این امر به هیچ وجه در تجارتي بودن خرید این اشیاء تاثیری ندارد. علاوه بر آن لزومی ندارد که خرید یا تحصیل مال قبل از فروش آن وقوع پیدا کند. اغلب اتفاق می‌افتد که تجار بعد از فروش جنس مبادرت به خرید اجناس مورد معامله می‌نمایند و با وجود آنکه فروش قبل از خرید انجام گرفته است باز عمل خرید یا تحصیل مال تجارتي محسوب می‌شود. گرچه قانون تجارت درباره فروش ذکری از تجارتي بودن معامله نکرده است ولی واضح است که خرید به قصد فروش شامل هر دو عمل خرید و فروش می‌گردد و نمی‌توان فروش اجناس را به وسیله تجار عمل تجارتي محسوب نمود.

اموالی را که تاجر می‌خرد یا تحصیل می‌کند ممکن است عیناً به فروش برساند یا در آن دخل و تصرفاتی بنماید، مثلاً تجاری مقداری چای به طور کلی می‌خرد و آنها را بسته بندی نموده و به صورت جزئی به فروش می‌رساند، یا اینکه مقداری چرم خرید و آنها را به کفش تبدیل نموده و به فروش می‌رساند، منتهی در اینجا باید فرقی بین تجار و پیشه‌وران قائل شد. زیرا پیشه‌ور کسی است که در مقابل مزد و اجرت عملی را انجام می‌دهد و از خود سرمایه ندارد که بکار اندازد تا قبلاً اجناس را خریده و بعداً آنها را تبدیل و به فروش برساند.

مثلاً کفاشی که شخصاً چرم خریده، آن را در مغازه خود تبدیل به کفش نموده و کفشهای دوخته حاضر را به فروش

می‌رساند عملی تجارتي انجام می‌دهد در صورتی که پاره دوزی که در مقابل اجرت معین کفش دیگران را تعمیر می‌کند پیشه ور است و اگر هر برای لوازم کار خود چرم حاضر داشته باشد آن را به حساب مشتری منظور خواهد نمود و خرید او به قصد فروش نبوده است بلکه برای تسهیل انجام مراجعات مشتریان خود را تعمیر می‌کند یا به منازل مشتریان خود رفته و تأسیسات آنها را در مقابل اجرت تعمیر می‌کند پیشه ور است و ممکن است خریدهایی نیز به حساب مشتریان خود بکند.

2 - تصدی به حمل و نقل از راه خشکی یا آب یا هوا به هر نحوی که باشد:

حمل و نقل از ارکان مهم تجارت بوده و بسط و ترقی تجارت مرهون ترقیات آنست. بدون توسعه حمل و نقل، تجارت فقط جنبه محلی داشته و تجارت بین‌المللی به صورت امروزی تحقق پیدا نمی‌کند. حمل و نقل عملی است که در توزیع ثروت دخالت داشته و اجناس را در دسترس مصرف‌کنندگان قرار می‌دهد. در زمان سابق هر تاجری شخصاً حمل و نقل مال‌التجاره خود را انجام می‌داد ولی امروزه حمل و نقل مال‌التجاره از تجارت معمولی کاملاً مجزی بوده و رشته بخصوصی را تشکیل می‌دهد بنابراین قانون تجارت کلیه مؤسساتی را که کارشان حمل و نقل مال‌التجاره یا مسافر است مشمول حقوق تجارت می‌داند. از عبارت تصدی به حمل و نقل باید نتیجه گرفت که اشخاصی که برای کار خود مبادرت به عملیات حمل و نقل می‌نمایند تاجر محسوب نمی‌شوند، زیرا اینعمل فرعی بوده و برای رفع احتیاجات آنهاست در صورتی که اشخاص و مؤسساتی که کارشان حمل و نقل اجناس دیگران در مقابل دریافت کرایه است اگر هم به عمل تجارتي دیگری مبادرت نمایند مشمول حقوق تجارت خواهند بود. علاوه بر آن باید بین اشخاصی که دارای یک دستگاه وسیله حمل و نقل بوده و خودشان متصدی آن می‌باشند و مؤسساتی که دارای وسایل حمل و نقل مختلف بوده و دارای تشکیلات و کارمندان مختلف می‌باشند، تفاوت قائل شد. زیرا یک شوfer تاکسی یا یک راننده کامیون اگر صاحب وسیله نقلیه نباشد عنوان مزدور و کارگر را دارد و تاجر شناخته نمی‌شود و اگر خودش صاحب همان وسیله نقلیه باشد بیشتر مشمول تعریف پیشه ور می‌شود تا تاجر. در صورتی که اگر کسی وسایل حمل و نقل متعدد داشت و به وسیله رانندگانی که استخدام می‌کند امر حمل و نقل را انجام دهد اگر چه خودش هم یکی از وسایل مزبور را براند تاجر محسوب می‌شود. قانون تجارت ایران تصدی به حمل و نقل را چه از راه خشکی و چه از راه هوا و چه از راه آب عمل تجارتي می‌داند ولی مقررات قانون تجارت ما بیشتر مربوط به حمل و نقل از راه خشکی است و نسبت به حمل و نقل دریایی و هوایی مقررات مخصوص وجود دارد. مقررات حقوق دریایی و حمل و نقل با وسایل آبی از زمان قدیم دارای اهمیت بسیار بوده و اغلب کشورهای دنیا قبل از تدوین قوانین مخصوصی برای تجارت دارای مقررات خاصی برای این رشته بوده اند و از طرف دیگر با توسعه روز افزون هواپیمایی حمل و نقل هوایی نیز اهمیت خاص کسب نموده است به طوری که درباره حمل و نقل دریایی و هوایی کنفرانس‌های بین‌المللی بسیاری تشکیل شده و دول مختلف با عقد قرارداد یا با قبول طرح‌های تهیه شده از اصول متحدالشکلی پیروی می‌نمایند. در ایران نیز قوانین مخصوصی روی اصول حمل و نقل هوایی و حمل و نقل

دریایی اخیراً تصویب گردیده است.

هر قسم عملیات دلالی یا حق‌العمل کاری (کمسیون) و یا عاملی و همچنین تصدی به هر نوع تأسیساتی که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود از قبیل تسهیل معاملات ملکی یا پیدا کردن خدمه، تهیه و رسانیدن ملزومات و غیره: اشخاص بالا معمولاً عملیاتی را که انجام می‌دهند برای شخص خود نبوده و به حساب دیگران آنها را انجام می‌دهند. بنابراین اگر عملیات اشخاص مزبور صریحاً در قانون تجارت پیش بینی نمی‌گردید اطلاق تاجر به آنان دچار اشکال می‌گردید. طبق ماده 335 قانون تجارت «دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می‌کند.» بنابراین دلال فقط واسطه است و حدود عملیات او محدود به معرفی کردن طرفین معامله به یکدیگر است و ضامن اجرای معامله نیست.

علاوه بر موادی که در قانون تجارت درباره دلالی پیش بینی شده قانون راجع به دلالان مصوب 18 اسفند ماه 1317 و آیین نامه‌های مربوطه به آن مقرراتی برای دلالی وضع کرده است.

عنوان دلالی معمولاً به کسانی تعلق می‌گیرد که واسطه عملیات تجارتي و معاملات بین تجار می‌باشند ولی اگر دلال، معامله‌ای برای اشخاص غیر تاجر انجام دهد با وجود آنکه معامله مزبور از لحاظ طرفین معامله تجارتي محسوب نخواهد شد عمل دلالی تجارتي محسوب می‌گردد.

حق‌العمل کار نیز مانند دلال واسطه معامله است با این تفاوت که دلال در معامله دخالت نمی‌کند و طرف قرارداد واقع نمی‌شود ولی حق‌العمل کار شخصاً معامله را انجام می‌دهد منتهی نتیجه عمل او متوجه آمر اوست و حتی ممکن است طرف معامله از این که معامله به حساب دیگری است بی اطلاع باشد. طبق ماده 357 قانون تجارت «حق‌العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق‌العملی دریافت می‌دارد.»

- طبق تعریف قانون تجارت در این قسمت عاملین نیز جزء تجار محسوب می‌شوند.

قانون تجارت تعریفی از عامل ننموده و تعریف عامل و تشخیص آن با سایر نمایندگان تجارتي ممکن است اشتباه شود، زیرا نمایندگان تجارتي اصولاً تاجر محسوب نمی‌شوند.

به طور کلی عامل کسی است که مانند حق‌العمل کار در مقابل دریافت اجرت به نمایندگی دیگری عملی انجام دهد ولی وجه تمایز عامل با سایر نمایندگان این است که عامل برای شخص معینی کار نمی‌کند و اغلب اوقات اجرت او مانند دلال و حق‌العمل کار به میزان چند درصدی از مبلغ عمل انجام شده است، در صورتی که سایر نمایندگان تجارتي که برای شخص معینی در مقابل دریافت حقوق خود عمل می‌کنند، عامل محسوب نمی‌گردند.

قسمت سوم ماده 2 قانون تجارت تصدی به هر نوع تأسیساتی را که برای انجام بعضی امور ایجاد می‌شود نیز عمل تجارتي می‌داند. این موضوع درباره کسانی که واسطه معاملات ملکی هستند حائز اهمیت است. زیرا طبق ماده 4 قانون تجارت معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی‌شوند و اگر در این ماده چنین تصریحی وجود نداشت

تعیین جنبه تجارتي عمل اینگونه اشخاص که واسطه معاملات غیرتجارتی هستند به اشکال بر می خورد. به همین ترتیب بنگاههایی که برای پیدا کردن خدمه تشکیل می شوند واسطه عملیاتی هستند که تجارتي محسوب نمی شود. زیرا کسی که می خواهد خدمه استخدام کند ممکن است تاجر نباشد و خادم هم اصولاً کارگر است و با قبول کار در مقابل دریافت دستمزد تاجر محسوب نخواهد شد.

بند 3 ماده 2 قانون تجارت با اضافه کردن « تأسیساتی که برای تهیه یا رسانیدن ملزومات و غیره » دامنه این عملیات را توسعه داده و می توان چنین نتیجه گرفت که کلیه مؤسساتی که به عنوان واسطه کاری انجام می دهند مشمول قواعد حقوق تجارت می باشند، مانند مؤسساتی که کار آنها تبلیغ اجناس دیگران است. ولی آیا مؤسساتی که عمل آنها جنبه مشورتی دارد مانند دفاتر فنی که برای نقشه کشی یا برای مشاوره در کارهای ساختمانی یا تحقیقات خصوصی و دادن اطلاعات تأسیس می شوند جزء این تعریف قرار می گیرند یا خیر؟ زیرا اینگونه مؤسسات اشیاء منقول را مورد خرید و فروش قرار نمی دهند بلکه در ازای خدمتی که انجام می دهند حق الزحمه دریافت می دارند. این خدمات بعضی اوقات مشمول مقررات خاصی است و به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی شوند مانند خدمات وکلای دادگستری یا سردفتران رسمی، پزشک و دندانساز و امثال آنها و در سایر موارد تشخیص تجاری بودن عملیات آنها بسته به عرف و عادت و نظر دادگاه است.

4 - تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه مشروط بر اینکه برای رفع حوائج شخصی نباشد:

همانطوری که در مقدمه قانون تجارت گفته شد حقوق تجارت فقط شامل اعمال تجارتي به معنایی که در اقتصاد تعریف می شود نمی گردد بلکه شامل امور صنعتی نیز می شود. طبق بند 4 ماده 2 کلیه عملیات کارخانجات تجارتي محسوب می شود جز کارخانجاتی که برای رفع حوائج شخصی باشد. در عرف و عادت نیز به کارخانه هایی که برای رفع حوائج شخصی تأسیس می شوند کمتر کارخانه اطلاق می شود بلکه کارخانه چه در آن ماشین نصب شده باشد چه عملیات آن بدون ماشین انجام گیرد برای مصارف شخصی نبوده بلکه منظور از آن تغییر و تبدیل اجناس به صورت دیگر است و صاحب کارخانه در نتیجه این تغییر و تبدیل و با احتساب هزینه های انجام عمل، نفعی برای خود منظور می دارد. کارخانجات اصولاً احتیاج به استخدام کارگر دارند. روابط بین کارگر و کارفرما امروزه مورد توجه بسیار قرار گرفته و از این لحاظ قوانین مخصوصی برای آنها پیش بینی شده است که مربوط به قوانین کار می شود.

از طرف دیگر از لحاظ اهمیتی که کارخانجات در اقتصاد کشورها پیدا نموده اند یک رشته مقرراتی که بیشتر مربوط به حقوق عمومی است باید درباره آنها در نظر گرفته شود خصوصاً در کشورهایی که اغلب صنایع مهم ملی شده است ولی اصولاً از لحاظ خرید و فروش و معاملاتی که می نمایند این کارخانجات تابع حقوق تجارت بوده و باید از مقررات قانون تجارت پیروی نمایند.

گرچه تعریف کارخانه جنبه کلی دارد و این تعریف را باید شامل کلیه تأسیساتی نمود که با استخدام کارگر عملیاتی

انجام می‌دهند ولی در بعضی موارد مثلاً در مورد استخراج معادن یا عملیات مقاطعه کاری یا روزنامه تشخیص اینکه عملیات آنها تجارتي محسوب می‌شود یا خیر به اشکال بر می‌خورد.

در مورد معادن چون استخراج کننده واسطه بين تولید کننده و مصرف کننده قرار نمی‌گیرد اغلب آنها را مانند عملیات کشاورزی غیر تجارتي محسوب می‌نمودند. ولی با تغییر وضع استخراج معدن و سرمایه‌های هنگفتی که در این راه خرج می‌شود و با در نظر گرفتن تعداد کارمندان و کارگرانی که در این قبیل مؤسسات کار می‌کنند امروزه اغلب قوانین دنیا آنها را مشمول حقوق تجارت دانسته اند و قانون سال 1919 فرانسه نیز صراحتاً اینگونه مؤسسات را تجارتي محسوب می‌نمایند. طبق قانون تجارت ما اگر بتوان استخراج معدن را به یک کارخانه تشبیه نمود بدون شک اعمال استخراج معدن تجارتي محسوب می‌شود ولی اگر استخراج معدن را به یک کارخانه تشبیه نمود بدون شک اعمال استخراج معدن تجارتي محسوب می‌شود ولی اگر استخراج معدن جنبه شخصی داشته باشد مانند کسانی که سنگ گچ و آهک را از کوه استخراج نموده و به فروش می‌رسانند عمل آنها مشمول حقوق تجارت نخواهد بود.

به همین طریق مقاطعه کاران که واسطه عملی برای دیگران و به حساب دیگران هستند اگر مشمول تعریف دایر کردن کارخانه نشوند چون واسطه انجام بعضی امور هستند بنا به تعریفی که در بند 3 ماده 2 قانون تجارت شده است باید عمل آنان را تجارتي محسوب داریم البته باید در نظر داشت که پیشه وران که در مقابل دریافت مزد عملی را انجام می‌دهند مشمول این تعریف نخواهند شد.

راجع به روزنامه گرچه منظور اصلی از دایر کردن روزنامه ممکن است هدفهای غیر مالی باشد ولی اگر روزنامه برای جلب نفع تأسیس گردد باید آن را مشمول حقوق تجارت دانست خصوصاً که روزنامه دارای چاپخانه نیز باشد که در این صورت در حقیقت مشمول بند 4 ماده 2 قانون تجارت خواهد گردید.

5- تصدی به عملیات حراجی

عملیات حراجی عبارت است از این که مؤسسه‌ای اجناس اشخاص مختلف را برای فروش قبول می‌کند و در عوض آنکه آنها را به طور معمول به قیمت معینی به فروش برساند آنها را به یک عده از کسانی که مایل به خریدن چنین اشیایی هستند در یک جلسه عمومی عرضه می‌نماید تا هر کس مبلغ بیشتری را پیشنهاد نمود جنس به او واگذار شود. متصدیان عملیات حراجی در حقیقت واسطه هستند که اجناس دیگران را به فروش می‌رسانند. ممکن است فروشنده و یا خریدار هیچ کدام تاجر نباشند، ولی با تصریح قانون تجارت عملیات متصدیان مزبور مانند عملیات دلالان و حق‌العمل کاران تجارتي تلقی می‌شوند.

6 - تصدی به هر قسم نمایشگاه عمومی

متصدیان نمایشگاههای عمومی اشخاصی هستند که واسطه بین مصنف و مردم برای دادن نمایش می‌باشند و نمایشگاه عمومی محلی است که مردم در مقابل پرداخت وجهی آثار نویسندگان و مصنفینی را مشاهده نموده و وسایل سرگرمی آنان فراهم می‌شود. البته در نمایشگاه عمومی جنسی مورد توزیع قرار نمی‌گیرد بلکه ذوق و هنر به معرض استفاده عموم قرار داده می‌شود. بنا به مراتب بالا اگر هنرمندی شخصاً آثار خود را به معرض نمایش قرار دهد نمی‌توان او را تاجر محسوب داشت و به همین طریق قراردادی که بین مولف و متصدی نمایشگاه و هنرمندان تابع قوانین کار می‌شود و از نظر هنرمندان تجارتي تلقی نمی‌شود. ولی اگر دسته‌ای از هنرمندان با یکدیگر تشریک مساعی نمایند و نمایشگاهی را اداره نمود منافع آن را بین خود تقسیم نمایند عمل آنها مشمول مقررات حقوق تجارت خواهد گردید. موضوع دیگر آنست که تصدی به امور نمایشگاه باید مستمر و برای جلب نفع باشد والا نمایشگاه‌هایی که به طور اتفاقی و برای امور خیریه تشکیل می‌شود مانند تاتر، سینما، سیرک، کنسرت حتی کنفرانس‌هایی که برای جلب نفع تشکیل می‌گردد.

7 - هر قسم عملیات صرافی و بانکی

عملیات صرافی و بانکی اساس تجارت امروزی بوده و بدون آن توسعه تجارت فوق‌العاده محدود می‌شود و کسی که مبادرت به این عملیات می‌نماید واسطه توزیع پول و اوراق بهادار می‌باشد. پول وسیله مبادله است و از این جهت لازمه کار تاجر می‌باشد. بدون وجود پول خرید و فروش و عملیات تجارتي میسر نمی‌شود. . تجار اغلب ممکن است برای خریدهای خود وجه نقد موجود نداشته باشند یا خریداران اجناس آنها را به نسیه بخرند. برای فراهم کردن پول نقد یا نقد کردن مطالبات خود، تجار به مؤسسات صرافی و بانکی مراجعه می‌نمایند تا وسایل کار آنها را فراهم نمایند. علاوه بر آن خود پول ممکن است جنس تلقی شود و کسانی که این جنس را به طرقي تحصیل می‌کنند و در اختیار دیگران می‌گذارند واسطه توزیع ثروت قرار می‌گیرند. عملیات صرافی و بانکی از قدیم الایام رواج داشته ولی عملیات مزبور در چند قرن اخیر توسعه فوق‌العاده زیادی پیدا کرده است، مخصوصاً که عملیات پولی در قدیم الایام منحصر به پول فلزی بود که طبیعتاً محدود بود، در صورتی که با رواج اسکناس و اعتبارات بانکی حدود عملیات مزبور فوق‌العاده توسعه یافته است.

بانکها امروزه به معاملات مختلفی مبادرت می‌ورزند که اهم آنها عبارتست از معاملات پولی و صرافی، معاملات ارزی، اعطای اعتبار، تنزیل بروات تجارتي، افتتاح حسابهای سپرده ثابت و حساب جاری، خرید و فروش سهام و اوراق بهادار، باز کردن اعتبار اسنادی، اجاره گاو صندوق، انتقال وجوه، مشارکت در شرکتها و مؤسسات تجارتي و صنعتی و تعداد زیادی معاملات دیگر که اغلب برای تسهیل امور مشتریان خود و انجام دستورهایی آنها انجام می‌دهند. در کلیه عملیات بالا بانک واسطه معاملات و باعث تسهیل امور تجار می‌شود البته برای هر کاری حق‌العملی نیز دریافت می‌دارد. بانکها معمولاً در رشته بخصوصی عمل می‌کنند ولی کم و بیش به معاملات دیگر نیز مبادرت می‌نمایند. از لحاظ طبقه بندی،

بانکها به طبقات زیر تقسیم می‌شوند: بانکهای مرکزی ناشر اسکناس که در اغلب کشورها با دولتی هستند یا تحت نظارت دولت عمل می‌نمایند و در حقیقت بانک بانکها می‌باشند. وظایف این بانک نشر اسکناس و نظارت در جریان پول و انجام معاملات بانکی دولتی و اعطای اعتبار مخصوصاً به بانکها و مؤسسات عمده است، بانکهای تجاری که مبادرت به عملیات تجاری نموده و عمده عملیات آنها مربوط است به دادن اعتبار به تجار و تنزیل بروات تجاری و انجام دستور مشتریان نسبت به اوراق تجاری؛ بانکهای مالی که بیشتر به امور صنعتی توجه نموده و وسایل پیشرفت و تسهیلات مالی برای بنگاه‌هایی صنعتی فراهم می‌نمایند، اینگونه بانکها اغلب در تأسیس بنگاه‌های صنعتی و فروش سهام آنها مشارکت می‌نمایند، بانکهای رهنی که بیشتر برای ساختمان و امور کشاورزی وام‌های طویل‌مدت اعطا می‌کنند و در مقابل اغلب املاک مزبور را به رهن می‌گیرند، بانکهای تعاونی که برای کمک به کارگران تشکیل می‌شود، تقسیمات دیگری هم برای بانکها می‌توان قائل شد. بانکها اصولاً رشته مخصوصی را برای خود انتخاب می‌نمایند ولی کم و بیش اغلب امور بانکی را انجام می‌دهند.

8- معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر و غیر تاجر باشد

معاملات برواتی اصولاً شامل برات و سفته می‌شود. چک اگر چه طبق ماده 314 قانون تجارت از لحاظ ضمانت صادر کننده و ظهرنویس‌ها و اعتراض و اقامه دعوی ضمان و مفقود شدن چک مشمول مقررات راجع به بروات می‌شود، ولی طبق قسمت اول همان ماده صدور چک ذاتاً عمل تجاری محسوب نمی‌شود. برات و سفته برعکس سایر عملیات تجاری اگر هم به طور اتفاقی و به وسیله اشخاص غیر تاجر صورت گیرد عمل تجاری محسوب می‌شود.

این موضوع در کشور ما اهمیت زیادی دارد. زیرا قانون تجارت برای برات و سفته مزایایی قائل شده است که قانون مدنی برای اسناد معمولی پیش بینی نمی‌کند. مثلاً کلیه اشخاصی که در برات تعهدی می‌کنند یا به عنوان ظهرنویسی یا ضامن آن را امضاء می‌کنند مسئولیت تضامنی دارند در صورتی که ضمانت اشخاص غیر تاجر تضامنی نیست. همچنین قانون تجارت در صورت عدم پرداخت وجه برات در سررسید و انجام و اخواست از طرف دارنده برات محاکم را مکلف می‌سازد که به تقاضای دارنده برات اموال خوانده را به عنوان تأمین توقیف نمایند. اگر تصریح قانون تجارت نبود روابط اشخاص غیر تاجر مشمول مقررات قانون مدنی می‌گردید ولی با این تصریح هر کسی برات و سفته را امضاء نماید مشمول مقررات قانون تجارت راجع به معاملات برواتی سایر اسناد تجاری مانند بارنامه یا قبوض رسمی انبار یا سایر اوراق بهادار مانند سهام و اوراق قرضه اگر از طرف اشخاص غیر تاجر صادر شوند مشمول حقوق تجارت نمی‌شوند.

برات نوشته ایست که به موجب آن شخصی به کس دیگر امر می‌دهد که مبلغی در وجه دارنده برات پرداخت کند. کسی که برات را صادر می‌کند برات کش یا محبل و کسی که برات را باید بپردازد برات گیر یا محال علیه و کسی که برات را دریافت می‌کند گیرنده برات یا محال علیه نامیده می‌شود. در صورتی که سفته نوشته ایست که شخصی به نفع دیگری صادر می‌کند و به موجب آن تعهد می‌کند که در مدت معین مبلغ مذکور در آن را بپردازد. به این ترتیب در سفته برات

کش و برات گیر یک نفر می‌باشد و به این جهت در صورتی که برات بعد از صدور باید به قبولی برات گیر برسد، در سفته احتیاجی به قبولی برات گیر دیگر نیست ولی عادت بر این جاریست که در سفته متعهد دو مرتبه امضاء می‌کند تا قبولی او نیز محرز باشد. برای آنکه برات و سفته از مزایای قانون تجارت استفاده کند باید شرایط صوری که برای تنظیم آنها در قانون تجارت پیش بینی شده است رعایت گردد و الا سند مزبور مشمول مقررات حقوق تجارت نشده و سند عادی غیر تجارتي شناخته خواهد شد. در پایان این قسمت باید در نظر داشت که قوانین بعضی از کشورها معاملات برواتی را اگر بین اشخاص غیر تاجر صورت گرفته باشد، تجارتي نمی‌دانند. مثلاً در فرانسه سفته‌هایی که بین اشخاص غیر تاجر معامله می‌شود جنبه تجارتي ندارند و تابع اصول قانون مدنی می‌باشند.

9 - عملیات بیمه بحری و غیر بحری

عملیات بیمه چه بحری و چه غیر بحری تجارتي محسوب می‌شوند. علت اینکه بیمه بحری تصریح شده این است که بیمه بحری خیلی قدیمی‌تر از بیمه بری معمول شده است. در قانون تجارت صحبتی از عملیات بیمه نشده است و قانون مخصوصی که در 7 اردیبهشت ماده 1317 به تصویب رسیده اصول مربوط به بیمه را به طور مختصر تصریح کرده است. به موجب ماده 1 قانون مزبور:

«بیمه عقدی است که به موجب آن یک طرف تعهد می‌کند در ازای پرداخت وجه یا وجوهی از طرف دیگر در صورت وقوع یا بروز حادثه خسارت وارده بر او را جبران کند یا وجه معینی بپردازد»

بیمه در اصل یک نوع تعاون بوده و هنوز شرکت‌هایی وجود دارند که مطابق این اصل رفتار می‌نمایند. بنابراین اصولاً مؤسسات بیمه بر دو قسمند: مؤسسات بیمه تعاونی و مؤسسات بیمه معمولی. مؤسسات بیمه تعاونی مؤسساتی هستند که عده‌ای تعهد می‌کنند در صورت بروز حادثه برای یکی از آنها سایرین خسارت وارده به او را جبران نمایند، در صورتی که در مؤسسات بیمه معمولی، بیمه گر متعهد می‌شود در صورت بروز حادثه خسارت وارده به بیمه گذار را جبران کند. قوانین بعضی از کشورها بیمه تعاونی را مشمول مقررات حقوق تجارت نمی‌دانند در صورتی که عملیات مؤسسات بیمه معمولی در تمام ممالک مشمول قواعد حقوق تجارت است. در ایران هنوز مؤسسه بیمه تعاونی وجود ندارد.

معاملات بیمه اصولاً بر دو نوع اند یکی بیمه اشخاص که عبارتست از بیمه عمر و بیمه حوادث و بیماری ها، که برای پیش بینی حوادث است که ممکن است برای انسان پیش آید و در نتیجه از قدرت کار و توانایی او کاسته شود. دیگر بیمه اشیاء که برای پیش بینی خساراتی است که ممکن است در نتیجه حوادث باعث از بین رفتن یا آسیب دیدن اشیاء شود مانند بیمه آتش سوزی، دزدی اتومبیل؛ حمل و نقل؛ آفات ارضی و سماوی و غیره. دامنه عملیات بیمه امروزه به قدری توسعه پیدا کرده است که گاهی اوقات صورت شرط بندی را پیدا می‌کند.

10 - کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتیرانی داخلی یا خارجی یا معاملات راجع به آنها

قانون تجارت در قسمت 2 ماده 2 تصدی به امر حمل و نقل دریایی را جزء عملیات تجارتي محسوب می‌دارد. خرید و

فروش کشتی نیز اگر به وسیله اشخاصی به طور مستمر صورت گیرد مشمول عملیات تجارتي می‌گردد. با تصریح بالا قانون تجارت کلیه عملیات مربوط به کشتی سازی و خرید و فروش کشتی و کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع به آنها را مشمول حقوق تجارت نموده است. موضوع این عملیات بیشتر مربوط به حقوق دریایی بازرگانی می‌شود که در اغلب کشورها مقررات مخصوصی برای آن وضع شده است ولی در ایران مقررات راجع به حقوق دریایی هنوز کافی نیست و از این لحاظ اشکالاتی در دعاوی مربوط به حمل و نقل بین المللی ایجاد می‌گردد. زیرا اغلب دول مقررات بین المللی مزبور را قبول کرده اند و حمل و نقل بین المللی بر اساس اصول نامبرده عمل می‌شود. در صورتی که به واسطه نبودن مقررات مخصوصی ناچار باید اصول مزبور را به عنوان عرف و عادت بین المللی یا توافق طرفین به مواد قراردادهای حمل و نقل قبول نمود.

در خاتمه این فصل باید متذکر گردید که قانون تجارت ایران مانند کلیه قوانینی است که به شرح و تفصیل اعمال تجارتي می‌پردازند، نتوانسته است کلیه عملیات تجارتي را پیش بینی کند خصوصاً که دامنه تجارت روز به روز توسعه یافته و ابتکارات و عملیات جدیدی پیدا می‌شود که قابل پیش بینی نیستند. مثلاً در قانون تجارت ایران عملیات بورسی پیش بینی نشده، در صورتی که عملیات بانکی و صرافی عمل تجارتي است و در بورس‌ها چه بورس اوراق بهادار چه بورس کالا، اوراق و اجناس مورد معامله جنبه تجارتي دارند، عملیات مربوط به انبارهای رسمی که کار تجار را تسهیل نموده و قبوض رسمی انبار (ورانت) (Waranet) صادر می‌نمایند جنبه تجارتي کامل دارد و باید تابع مقررات قانون تجارت باشد، عملیات مربوط به حمل و نقل هوایی که امروزه اهمیت شایانی کسب کرده و مقررات بین المللی برای آن وضع شده است تابع اصول و قواعد مخصوصی است که در قانون تجارت ما به هیچ وجه نسبت به آن اشاره نشده است به همین طریق تعداد زیادی عملیات دیگر مانند بنگاه‌های تبلیغاتی، چاپخانه‌ها، روزنامه‌ها، عملیات مقاطعه کاران و استخراج معادن به هیچ وجه مشخص و معین نیست و اگر ما بخواهیم مقررات حقوق تجارت را استثنائی فرض کنیم، ناچار باید آنچه را که قانون تصریح نکرده است، تابع مقررات حقوق تجارت ندانیم، در صورتی که عملاً اغلب این امور برای تسهیل امور تجار بوده یا جنبه تجارتي آنها بر جنبه غیر تجارتي آنها غلبه دارد.

عملیات تجارتي تبعی

قانون تجارت در ماده 2 از لحاظ موضوع عملیات تجارتي را تعیین کرده است، ولی در ماده 3 بیشتر از نظریه شخصی پیروی کرده و تقریباً هر نوع معامله‌ای را که تاجر انجام می‌دهد، به اعتبار تاجر بودن او تجارتي قلمداد می‌کند به این ترتیب دامنه حقوق تجارت فوق‌العاده وسیع شده و اگر هم از زمره معاملاتی که در ماده 2 ذکر شده است نباشد، تجارتي محسوب می‌شود. به این ترتیب می‌توان گفت که معاملات تجارتي بر دو قسمند: معاملات تجارتي اصلی و معاملات تجارتي تبعی که در صورتی تجارتي شناخته می‌شود که به وسیله تاجر انجام گرفته باشد.

قانون تجارت ایران در ماده 3 دامنه این عملیات را توسعه می‌دهد به طوری که می‌توان گفت کلیه عملیاتی که تاجر

انجام می‌دهد، جز معاملات راجع به غیر منقول، تجارتی محسوب می‌شود.

عملیات تجارتی تبعی که در قانون تجارت ایران ذکر شده است به شرح زیر می‌باشد:

1 - کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانکها

عبارت این ماده به قدری صریح و روشن است که اگر هم تجار بین خود معاملاتی بنمایند که به هیچ وجه مربوط به تجارت آنها نباشد باز آنها را باید تجارتی محسوب نماییم. در صورتی که طبق قانون فرانسه اگر موضوع معامله غیرتجارتی باشد اگر چه بین تجار انجام یافته باشد تجارتی محسوب نمی‌شود مثلاً اگر تاجری از تاجر دیگر برای آذوقه منزل خود مقداری برنج بخرد گرچه معامله مزبور غیرتجارتی است و به هیچ وجه قصد فروش و انتفاع در آن موجود نیست ولی به موجب ماده 3 تجارتی محسوب می‌شود. ماده بالا یک حسن عمده دارد زیرا دیگر قصد و اراده طرفین مورد معاملات بین تجار موثر نیست و قاضی مجبور نمی‌شود در هر مورد تحقیق کند که معامله برای چه منظوری انجام گرفته است، فقط کافی است که معامله بین دو تاجر واقع شده باشد تا آن را تجارتی تلقی کنیم. در ماده بالا اگر اشاره به کسبه و صرافان و بانکها نشده بود مفاد مزبور تغییری پیدا نمی‌کرد زیرا کسبه اصولاً جزء تجار محسوب می‌شوند منتهی قانون تجارت کسبه جزء را از بعضی الزامات تجار معاف کرده است و چه بسا بعضی کسبه معاملات و اعتبارشان از بعضی از تجار زیادتر است به همین طریق چون طبق بنده 7 ماده 2 قانون تجارت هر قسم عملیات صرافی و بانکی عمل تجارتی محسوب می‌شود منظور قانونگذار تصریح زیادتری بوده است خصوصاً که در مورد عملیات تجارتی ضمانت تضامنی ممکن است در صورتی که طبق مقررات قانون مدنی ما ضمانت نقل ذمه به ذمه است.

2 - کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای حوائج تجارتی خود می‌نماید:

به طوری که ملاحظه شد در قسمت اول ماده 3 به طور کلی معاملات بین تجار اگر هم برای حوائج غیر تجارتی باشد تجارتی محسوب می‌شود، ولی در معاملاتی که تاجر با غیر تاجر می‌نماید در صورتی معامله تجارتی محسوب می‌شود که معامله برای رفع حوائج تجارتی باشد. البته از نظر غیر تاجر معامله‌ای که انجام می‌شود چه مربوط به رفع حوائج تجارتی تاجر باشد چه نباشد تجارتی محسوب نمی‌شود فقط از لحاظ تاجر این عملیات تجارتی محسوب می‌شوند مثلاً اگر تاجری برای قفسه بندی مغازه خود نجاری را استخدام کند چون عمل مزبور برای رفع حوائج تجارتی است برای تاجر تجارتی محسوب می‌شود و باید وجوهی را که از این بابت می‌پردازد در دفاتر خود وارد کند و اشخاص نیز می‌توانند برای اثبات مطالعات خود به دفاتر بازرگانی تاجر استناد کنند ولی اگر همین نجار برای ساختمان منزل شخصی تاجر کار کند در این صورت این عمل تجارتی نیست و تابع مقررات قانون تجارت نمی‌باشد. تشخیص اینکه معامله برای رفع حوائج تجارتی است یا خیر با قاضی است ولی برای آنکه کار قاضی تسهیل شده باشد ماده 5 قانون تجارت مقرر می‌دارد که کلیه معاملات تجار تجارتی محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مزبور مربوط به امور تجارتی نیست. این موضوع فرض قانونی است و بر تاجر است که ثابت کند معامله مربوط به امور تجارتی نیست. علت این فرض قانونی این است که اصولاً

تجار در معاملات خود از تسهیلات بیشتری برخوردار می‌شوند و در موقع معامله برای طرف مشکل است تحقیق کند برای چه منظور معامله انجام می‌گیرد خصوصاً که قانون تجارت تسهیلات و امکانات زیادتری برای دریافت مطالبات از تاجر و اثبات تعهدات او قائل شده است.

3 - کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود انجام می‌دهند:

اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر اگر معامله‌ای برای ارباب خود می‌نمایند عمل مزبور را به عنوان وکالت و نمایندگی از طرف ارباب خود انجام می‌دهند و چنانچه این تصریح هم به عمل نمی‌آید چون عملیات اشخاص مزبور به حساب خودشان صورت نمی‌گیرد واضح است که مربوط به تجارتخانه می‌شود. قانون تجارت در مواد 395 تا 401 قائم مقام تجاری و حدود اختیارات آنها را به طور مجمل تعریف کرده است. ولی اجزاء و خدمه و شاگردان تجارتخانه قائم مقام یا نماینده تجاری محسوب نمی‌شوند. اشخاص بالا به طور ضمنی ممکن است از طرف ارباب خود اجازه بعضی معاملات مختصر را داشته باشند در این صورت چون معامله مربوط به تجارتخانه است عمل تجاری محسوب می‌شود چنانچه این تصریح در قانون وجود نداشت ممکن بود تصور شود چون اشخاص بالا تاجر نیستند پس معامله آنها تجاری نیست در صورتی که به این ترتیب ابهامی باقی نمی‌ماند.

4 - کلیه معاملات شرکت‌های تجاری

قانون کلیه معاملات شرکت‌های تجاری را تجارت محسوب داشته است ولی در عمل موضوع اینکه چه شرکت‌هایی تجاری هستند و چه شرکت‌هایی غیر تجاری خیلی مشکل است زیرا اگر چه در قانون مدنی شرکت تعریف شده ولی قانون مدنی برای شرکت‌های مدنی شخصیت حقوقی قائل نشده و شرکت‌های مزبور بیشتر مشمول تعریف اشاعه می‌شوند تا شرکت به معنی امروز آن در صورتی که قانون تجارت در باب سوم انواع شرکت‌های تجاری را تعریف کرده و نام برده است. بنا به مراتب بالا چنین می‌توان نتیجه گرفت که شرکت‌هایی که به صورت یکی از انواع مندرج در قانون تجارت تشکیل شوند شرکت‌های تجاری محسوب می‌شوند. البته عده‌ای عقیده دارند که برای تشخیص اینکه آیا شرکتی تجاری است یا غیر تجاری باید به موضوع آن مراجعه نمود اگر موضوع شرکت عملیات تجاری باشد شرکت تجاری محسوب می‌شود و اگر موضوع شرکت عملیات تجاری نباشد نباید آن را شرکت تجاری دانست. اگر ما استدلال فوق را قبول نماییم بنابراین اصول و تشکیلات شرکت‌های تجاری در اینگونه شرکت‌ها نباید رعایت شود و شرکاء باید اختیار داشته باشند در قرارداد شرکت و اساسنامه آن مقررات دیگری غیر از اصول مقرر در قانون تجارت پیش بینی کنند در صورتی که عملاً چنین امری میسر نیست و اداره ثبت شرکتها، شرکتهایی را که برخلاف اصول قانون تجارت تشکیل شده باشند به هیچ وجه ثبت نمی‌نماید. در برخی از کشورها مانند فرانسه قوانین مخصوصی وجود دارد که شرکت‌هایی را که به صورت سهامی تشکیل شده باشد صرف نظر از موضوع شرکت تجاری می‌دانند ولی با سکوت قانون تعریف شرکت تجاری در عمل فوق‌العاده مشکل است و باید به موضوع شرکت مراجعه نمود تا معلوم شود آیا شرکت مبادرت به عملیات

تجارتی می‌نماید یا خیر خصوصاً که در اساسنامه شرکت‌ها موضوع شرکت خیلی وسیع تعیین می‌شود و اگر مربوط به عملیات مخصوص باشد باز عباراتی استعمال می‌شود که شامل عملیات بازرگانی نیز می‌گردد. مثلاً در اغلب شرکتها بعد از شرح موضوعات شرکت عبارت زیر اضافه می‌شود:

«و کلیه عملیات بازرگانی و مالی که به طور مستقیم یا غیر مستقیم مربوط به موضوع شرکت شود.»

گر چه عملیات بازرگانی و مالی مزبور در این صورت فرع بر موضوع شرکت می‌باشد ولی اساسنامه شرکت عملیات بازرگانی و مالی مزبور را نیز پیش بینی کرده است بنابراین اگر قصد و اراده مؤسسين شرکت را بخواهيم در نظر بگيريم می‌توان چنین نتیجه گرفت که اشخاصی که مبادرت به تشکیل شرکت طبق اصول مقرر در قانون تجارت می‌نمایند قصد خود را نسبت به تجارتی بودن شرکت اعلام می‌دارند و با وجود فرض قانونی که در ماده 5 قانون تجارت وجود دارد می‌توان عملیات کلیه شرکت‌هایی را که به موجب قانون تجارت تشکیل می‌شوند تجارتی دانست مگر آنکه در هر مورد خلاف آن ثابت شود.

در پایان این مبحث باید اضافه نمود که رویه قضایی در اغلب کشورها دامنه عملیات تجارتی تبعی را فوق‌العاده توسعه داده و حتی درباره آثار جرم و شبه جرم نیز این رویه را اعمال می‌نماید و خساراتی را که از طرف تاجر در نتیجه اعمال او به دیگران وارد می‌شود چه عمل مزبور جنبه حقوقی داشته باشد، چه جزایی، مشمول مقررات حقوق تجارت می‌داند. مثلاً تاجری که اتومبیل خود را می‌راند و باعث قتل می‌گردد یا اینکه برای فروش اجناس خود مرتکب رقابت مکارانه می‌شود عملیات بالا به موجب قوانین جزایی جرم محسوب شده و علاوه بر جنبه کیفری از لحاظ شاکی خصوصی نیز قابل تعقیب و دریافت خسارت می‌باشد. محکومیتی که تاجر از این بابت پیدا می‌نماید چون در نتیجه عملی است که تاجر برای تجارت خود مرتکب شده است جنبه تجارتی داشته و جزء دیون تجارتی او محسوب می‌شود و خسارات مزبور را باید در دفاتر تجارتی خود عمل کند و چنانچه نتواند از عهده پرداخت آن برآید مشمول مقررات ورشکستگی شده و از مقررات مربوط به اعسار نمی‌تواند استفاده کند.

معاملات غیر منقول

- ماده 4 قانون تجارت مقرر می‌دارد که معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتی محسوب نمی‌شود.

اغلب قوانین از رویه بالا پیروی نموده و معاملات غیر منقول را تابع مقررات حقوق تجارت نمی‌دانند زیرا:

1 - موضوع تجارت توزیع و جریان ثروت و جلب نفع است و فقط اموال منقول ممکن است دست به دست منتقل گردیده و جریان پیدا کند و کسانی که آنها را خریداری می‌نمایند فقط برای مدت کوتاهی آنها را نگه می‌دارند تا بعداً به فروش برسانند در صورتی که اموال غیر منقول ثابت بوده و نه تنها عملاً دست به دست منتقل نمی‌شوند بلکه خرید آنها اغلب برای فروش نبوده و سالها در دست یک نفر یا یک خانواده باقی می‌مانند. 2 - تشریفات انتقال اموال منقول و غیر منقول با هم تفاوت بسیاری دارد در صورتی که در مورد اموال منقول تصرف دلیل مالکیت است و انتقال آنها به قبض و

اقباض به عمل می‌آید. انتقال اموال غیر منقول تابع تشریفات خاص بوده و به موجب اسناد رسمی عمل می‌شود و برای اثبات حقوق مربوط به اموال غیر منقول به دفاتر تجارتي و اسناد معمولی که در تجارت معمول است نمی‌توان استناد نمود.

دلایل بالا امروزه طرفداران زیادی ندارد زیرا املاک امروزه مورد خرید و فروش و به اصطلاح در بورس قرار می‌گیرند و اشخاصی هستند که شغلشان فقط خرید و فروش املاک است و از این رو استفاده‌های زیادی تحصیل می‌کنند و به همین طریق شرکتهای سهامی تشکیل می‌شود که کار آنها خرید زمین و بنای ساختمانی و فروش یا اجاره آنها است. بنابراین املاک غیر منقول نیز برای قصد انتفاع و خرید برای فروش مانند اموال منقول قرار می‌گیرند و صحیح نیست که این گونه اشخاص که ثروت عمده را در اختیار دارند تابع مقررات قانون تجارت نباشند زیرا آنها در حقیقت تجارت زمین و ساختمان می‌کنند. راجع به تشریفات مربوط به اموال غیر منقول نیز این موضوع نمی‌تواند دلیل تمایز آنها از معاملات منقول شود زیرا وسایل حمل و نقل مخصوصاً هواپیما و کشتی از لحاظ تشریفات و انتقال تقریباً تابع همان تشریفات اموال غیر منقول می‌باشند و با وجود این عملیات مربوط به اموال مزبور عملیات تجارتي محسوب می‌شوند. به همین ترتیب وقتی مالک ساختمانی عمارت خود را تبدیل به مهمانخانه می‌کند شکی نیست که عملیات مربوطه جنبه تجارتي پیدا می‌کند.

بنا به مراتب بالا این نظریه که معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نشود دیگر طرفدار ندارد و رویه قضایی در اغلب کشورها سعی می‌کند تفسیر این اصل را تا آنجا که ممکن است محدود کند مثلاً در مورد مؤسساتی که زمین خریداری نموده و در آنها خانه و مغازه ساخته و به فروش می‌رساند به اعتبار این تعبیر عمده عملیات این مؤسسات مربوط به مصالح ساختمانی است و مسئله مزبور منقول هستند عملیات آنها را تجارتي اعلام می‌نمایند به همین ترتیب مقاطعه کارانی که عملیات ساختمانی انجام می‌دهند چون عمل آنها مربوط به تهیه کارگر و مصالح ساختمانی است عمل آنها را تجارتي قلمداد می‌کنند. تفسیر بالا را به قدری می‌توان توسعه داد که حتی عملیات مربوط به استخراج معادن و حتی عملیات کشاورزی نیز ممکن است مشمول آن گردد.

موضوع دیگری که باید در نظر داشت این است که با وجود آنکه معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی‌شوند این موضوع دلیل بر آن نمی‌شود که اگر تاجری برای رفع حوائج تجارتي خود معاملات غیر منقول انجام دهد آنها را در زمره عملیات خود قلمداد ننماید و در دفاتر مربوطه ثبت ننماید بلکه باید اموال مزبور را در دارایی خود ثبت نموده و معاملات مربوط به آنها را در دفاتر خود عمل نماید منتهی دفاتر تجارتي تجار برای معاملات غیر منقول نمی‌توانند مورد استفاده قرار گیرند به همین ترتیب با وجود استثنائی که قانون قائل شده است اگر تاجری ورشکسته شود طلبکاران می‌توانند از کلیه دارائی او چه منقول و چه غیر منقول استفاده نمایند و تاجر نمی‌تواند به استناد ماده 5 اموال غیر منقول خود را از دارایی تجارتي خود خارج سازد.

- نکات مهم مبحث اعمال تجاری

- 1 - تاجر کسی است که شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد.
- 2 - برای آنکه کسی تاجر شناخته شود دو شرط لازم است اول آنکه شغل معمولی خود را معاملات تجاری قرار دهد و دوم آنکه معاملات مزبور را به حساب خودش انجام دهد.
- 3 - اشخاص حقوقی نیز می‌توانند به عنوان تاجر شناخته شوند.
- 4 - برای تعریف تاجر و اعمال تجاری دو نظریه مختلف وجود دارد نظریه شخصی حقوقی تجارت و نظریه موضوعی حقوق تجارت.
- 5 - طبق نظریه شخصی؛ حقوق تجارت حقوقی است که بر روابط بین تجار حاکم است و هیچ‌گونه معامله تجاری محسوب نمی‌شود مگر آنکه به وسیله تاجر صورت گیرد.
- 6 - طبق نظریه موضوعی اساس حقوق تجارت بر روی معاملات تجاری استوار است و هر شخصی که معاملات تجاری را انجام دهد باید تابع مقررات و اصول تجارت باشد.
- 7 - تاجر باید اهلیت داشته باشد.
- 8 - عملیات تجاری عملیاتی هستند که به طور مستمر به وسیله تاجر برای جلب نفع انجام می‌گیرد.
- 9 - عملیات تجاری به چهار دسته، 1 - عملیات تجاری توزیعی 2 - عملیات تجاری تولیدی 3 - عملیات تجاری خدماتی 4 - عملیات تجاری کمکی تقسیم می‌شود.
- 10 - بعضی از عملیات تجاری ذاتاً تجاری هستند و برخی به موجب قانون تجاری تلقی می‌شوند.
- 11 - خرید یا تحصیل هر نوع مال منقول به قصد فروش یا اجاره اعم از اینکه تصرفاتی در آن شده یا نشده باشد (عملیات تجاری ذاتی)
- 12 - هر قسم عملیات دلالی (عملیات تجاری ذاتی)
- 13 - هر قسم عملیات حق‌العمل کار (عملیات تجاری ذاتی)
- 14 - هر قسم عملیات عاملی (عملیات تجاری ذاتی)
- 15 - عملیات بیمه بحری (عملیات تجاری ذاتی)
- 16 - کشتی سازی و خرید و فروش کشتی رانی داخلی یا خارجی و معاملات راجع آن (تجاری ذاتی)
- 17 - عملیات بانکی (عملیات تجاری ذاتی)
- 18 - معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد عملیات تجاری به حکم قانون محسوب می‌شوند.
- 19 - عملیات تجاری تبعی عملیاتی هستند که به اعتبار تاجر بودن متعاملین یا یکی از آنها تجاری محسوب می‌شوند ولو اینکه عمل اصولاً تجاری نباشد.

- 20 - کلیه معاملات بین تجار و کسبه و صرافان و بانکها (عملیات تجاری تبعی)
- 21 - کلیه معاملاتی که تاجر با غیر تاجر برای رفع حوائج تجاری خود می‌نماید (عملیات تجاری تبعی)
- 22 - کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجاری ارباب خود می‌نماید (عملیات تجاری تبعی)
- 23 - کلیه معاملات شرکتهای تجاری (عملیات تجاری تبعی)
- 24 - معاملات غیر منقول به هیچ وجه تجاری محسوب نمی‌شوند.
- 25 - دلالی یا حق‌العمل کاری در معاملات غیر منقول عمل تجاری محسوب می‌شود.
- 26 - در ماده 2 لایحه اصلاح قانون تجارت مصوب 1347 معاملات اموال غیر منقول توسط شرکتهای تجاری به تبع شرکت اعمال تجاری تبعی محسوب می‌شود.
- 27 - ماده 5 قانون تملک آپارتمانها استثنائی بر غیر تجاری بودن معاملات غیر منقول است که به موجب آن «انواع شرکتهای موضوع ماده 20 قانون تجارت که به قصد ساختمان خانه و آپارتمان و محل کسب به منظور سکونت یا پیشه یا اجاره یا فروش تشکیل می‌شود، از انجام سایر معاملات بازرگانی غیر مرتبط به کارهای ساختمانی ممنوع هستند» به موجب ماده مزبور برخی معاملات راجع به اموال غیر منقول تجاری هستند.
- 28 - کلیه معاملات تجار تجاری محسوب است مگر اینکه ثابت شود معامله مربوط به امور تجاری نیست.
- دو نظریه شخصی و موضوعی در حقوق تجارت برای تشخیص تاجر از غیرتاجر وجود دارد.
 - براساس نظریه شخصی در حقوق تجارت هیچ‌گونه معامله‌ای تجاری محسوب نمی‌شود مگر آن که به وسیله تجار صورت گیرد.
 - براساس نظریه شخصی در حقوق تجارت شخص تاجر مورد اهمیت است.
 - براساس نظریه موضوعی حقوق تجارت اعمال تجاری دارای اهمیت هستند.
 - در صورت تحقق دو امر است که مبادرت به عملیات تجاری بعنوان شغل معمولی تلقی می‌شود.
 - تکرار عملیات، 2- شغل تجارت.
 - لازمه شغل تجارت تکرار معاملات تجاری از طرف تاجر است.
 - میزان تکرار معاملات تجاری از طرف تاجر است.
 - میزان تکرار معاملات تجاری برای این که این معاملات شغل معمولی تاجر محسوب شوند. بسته به نظر عرف و عادت دارد.
 - تعیین این که در چه موقعی تکرار عملیات تجاری از طرف شخص به او صفت تاجر می‌دهد بستگی به عرف و عادت دارد.
 - تاجر باید معاملات تجاری را به حساب خود انجام دهد.

- یکی از مشخصه‌های تجار این است که معاملات تجارتي را بنام و حساب خود انجام می‌دهند.
- دلال و حق‌العمل‌کار برای دیگری کار می‌کنند ولی چون قرارداد دلالی و حق‌العمل‌کاری بنام و حساب خودشان هست تاجر محسوب می‌شوند.
- معاملاتی را که مدیران شرکت برای شرکت انجام می‌دهند تجارتي هستند.
- مدیران شرکت‌ها تاجر محسوب نمی‌شوند چون معاملات را بنام و به حساب شرکت انجام می‌دهند.
- تاجر باید برای معامله اهلیت داشته باشد.
- محدودیت در اشتغال به تجارت به دو نوع تقسیم می‌شود: محدودیت مربوط به اشخاص، محدودیت مربوط به موضوع.
- به موجب برخی از قوانین بعضی از اشخاص از اشتغال به تجارت ممنوع هستند.
- اگر اشخاصی که از اشتغال به تجارت ممنوع شده‌اند معاملات تجارتي انجام دهند معاملاتشان صحیح است.
- دولت‌ها فعالیت‌های مربوط به تجارت خارجی و ارز را بیش‌تر در انحصار خود می‌گیرند، این امر یکی از محدودیت‌های مربوط به موضوع تجارت است.
- عملیات تجارتي اصولاً عملیاتی هستند که به‌طور مستمر به وسیله تاجر برای جلب نفع انجام می‌گیرد.
- عملیات تجارتي به عملیات تجارتي توزیعی، تولیدی، خدماتی، کمکی تقسیم می‌شوند:
- عملیات تجارتي توزیعی عملیاتی هستند که تاجر انجام می‌دهد تا اجناس را از تولیدکننده یا فروشنده عمده تحصیل کند و در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهد.
- عملیات تجارتي توزیعی عملیاتی هستند که تاجر انجام می‌دهد تا اجناس را از تولیدکننده یا فروشنده عمده تحصیل کند و در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهد.
- عملیات تجارتي تولیدی عملیاتی هستند که تاجر انجام می‌دهد تا اجناسی را که قابل مصرف اشخاص نیست تغییر شکل داده یا با اجناس دیگری مخلوط نموده و برای عموم قابل مصرف نماید.
- عملیات حمل و نقل از عملیات تجارتي خدماتی هستند.
- عملیات مربوط به عملیات تجارتي کمکی عملیاتی هستند که کار تجار را تسهیل کرده و با همکاری با تجار باعث رونق تجارت می‌شوند.
- عملیات بانکی، بیمه، دلالی و حق‌العمل‌کاری از عملیات تجارتي کمکی می‌باشند.
- برخی از عملیات ذاتاً تجارتي محسوب می‌شوند و برخی از آن‌ها به موجب حکم قانون تجارتي تلقی می‌شوند.
- برخی از عملیات به این اعتبار که به وسیله تجار انجام می‌شوند جزء عملیات تجارتي محسوب می‌شوند.
- خرید یا تحصیل اموال منقول به قصد فروش یا اجاره از عملیات تجارتي ذاتی محسوب می‌شوند.

- منظور از تحصیل کلیه طرق به دست آوردن مال (تملک) است.
- تحصیل مال منقول باید به قصد اجاره یا فروش باشد و متضمن جلب منفعت باشد.
- تصرف با عدم تصرف شخص در اموال منقول تحصیل شده هیچ تأثیری در تجارتي بودن عمل ندارد.
- دلالي و حق العمل کاري و عاملي عمليات تجارتي ذاتي محسوب مي شوند.
- عمليات صرافي و بانكي از عمليات تجارتي ذاتي هستند.
- عمليات بيمه جزء عمليات تجارتي ذاتي محسوب مي شوند.
- معاملات راجع به کشتي از عمليات تجارتي ذاتي هستند.
- برخي از عمليات براي اين که تجارتي محسوب شوند بايد به وسيله مؤسسات انجام شوند.
- قانون تجارت کليه مؤسساتي را که کارشان حمل و نقل مال التجاره يا مسافر است را مشمول حقوق تجارت مي داند.
- از عبارت «تصدی به حمل و نقل» بايد نتیجه گرفت که اشخاصي که براي کار خود مبادرت به عمليات حمل و نقل مي کنند، تاجر محسوب نمي شوند.
- کساني که خودشان یک وسيله نقلیه دارند و با آن به حمل و نقل مي پردازند تاجر محسوب نمي شوند.
- کساني که داراي چندین وسيله نقلیه هستند و خودشان رانندگی یکی از آنها را برعهده داشته و رانندگانی نیز داشته باشند و به حمل و نقل بپردازند تاجر محسوب مي شوند.
- کساني که واسطه معاملات ملکی هستند تاجر محسوب مي شوند در حالی که معاملات امواج غيرمنقول تجارتي نيستند.
- بنگاههایی که واسطه پيدا کردن خدمه هستند تجارتي محسوب مي شوند.
- کليه مؤسساتي که به عنوان واسطه، کاري انجام مي دهند مشمول قواعد حقوق تجارت مي باشند.
- مؤسساتي که کارشان تبليغ اجناس ديگران است تبليغاتي محسوب مي شوند.
- خدمات و کلاي دادگستري به هيچ وجه تجارتي محسوب نمي شوند.
- قانون تجارت کليه عمليات کارخانجات را تجارتي مي داند مگر کارخانجاتي که براي رفع حوائج شخصي باشد.
- منظور از تأسيس کارخانه، نفس ايجاد و راه اندازي کارخانه نيست بلکه کاري است که در کارخانه انجام مي شود.
- تصدی به عمليات حراجي تجارتي محسوب مي شود.
- در حراجي اشخاصي به عنوان متصدیان حراجي حضور دارند که در حقيقت واسطه هستند.
- عمليات متصدیان حراجي مانند عمليات دلالت و حق العمل کاران تجارتي تلقی مي شود.
- عمليات حراجي در صورتي تجارتي تلقی مي شوند که به نحو تصدی انجام شوند.
- تصدی به نمايشگاههاي عمومي تجارتي محسوب مي شوند.

- برگزاری عمومی در صورتی تجارتي هستند که به قصد انتفاع بوده و به نحو تصدی و مستمر باشد.
- عملیات تجارتي حکمی آن دسته از اعمال هستند که قانونگذار بنابه مصالحی احکام و آثار اعمال تجارتي را بر آنها بار می‌کند.
- منظور از معاملات برواتی اعمال حقوقی است که روی برات انجام می‌شود و ایجاد و انتقال آن را محقق می‌کند.
- هیأت عمومی دیوان عالی یک رأی اصراری در مورد معاملات برواتی صادر کرده و منظور از معاملات برواتی را خرید و فروش برات دانسته یا به عبارت دیگر معاملاتی که مورد معامله آنها بروات است.
- اگر خریدار به جای وجه نقد و برای ثمن معامله برات صادر کند این معامله برواتی محسوب نمی‌شود.
- صدور سفته و چک ذاتاً عمل تجارتي محسوب نمی‌شود.
- فقط صدور برات و معاملات راجع به آن تجاری محسوب می‌شود اعم از این که بین تاجر باشد یا غیرتاجر.
- قانون تجارت ایران در ماده 3 از نظریه شخصی حقوق تجارت پیروی کرده است.
- عملیات تجارتي تبعی عملیاتی هستند که به اعتبار تاجر بودن یکی از طرفین تجارتي محسوب می‌شوند.
- کلیه معاملات بین تاجر و کسبه و صرافان و بانک‌ها تجارتي محسوب می‌شوند.
- عده‌ای معتقدند که اگر تاجر برای امور غیرتجارتي خود با تاجر دیگری معامله کند این امر تجارتي محسوب می‌شود.
- کلیه معاملاتی که تاجر با غیرتاجر برای حوائج تجارتي خود می‌نماید تجارتي محسوب می‌شوند.
- کلیه معاملاتی که اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر برای امور تجارتي ارباب خود می‌نمایند تجارتي محسوب می‌شوند.
- اجزاء یا خدمه یا شاگرد تاجر به سمت و کالت از ارباب خود معاملاتی را انجام می‌دهند.
- کلیه معاملات شرکت‌های تجارتي، تجاری محسوب می‌شوند.
- معاملات امواج غیرمنقول به هیچ وجه تجارتي محسوب نمی‌شوند.
- ماده 5 قانون تملک آپارتمان‌ها برخی معاملات راجع به اموال غیرمنقول را که توسط شرکت‌های تجارتي انجام می‌شود را تجاری می‌داند.
- معاملات اموال غیرمنقول حتی اگر توسط شرکت‌های سهامی انجام می‌شود، تجاری محسوب نمی‌شود.
- ماده 5 قانون تملک آپارتمان‌های برخی معاملات راجع به اموال غیرمنقول را که توسط شرکت‌های تجارتي انجام می‌شود را تجاری می‌داند.
- معاملات اموال غیرمنقول حتی اگر توسط شرکت‌های سهامی انجام می‌شود، تجاری محسوب نمی‌شود و عموم ماده 2 لایحه شامل حکم خاص ماده 4 ق. ت نمی‌شود.
- کلیه معاملات تاجر، تجارتي محسوب می‌شوند مگر این که ثابت شود معامله مربوط به امور تجارتي نیست.
- تجارتي محسوب شدن اعمال تاجر، یک اماره قانونی است که اثبات خلاف آن، برعهده کسی است که اظهارات او خلاف ظاهر می‌باشد.

* سوالات چهار گزینه‌ای اعمال تجاری *

1- مدیران شرکتهای تجاری

- 1- تاجر محسوب می‌شوند چون به نام خود عمل می‌کنند.
 - 2- تاجر محسوب نمی‌شوند چون به نام دیگری و به حساب دیگری عمل می‌کنند.
 - 3- تاجر محسوب می‌شوند چون به نام خود و به حساب خود عمل می‌کنند.
 - 4- تاجر محسوب نمی‌شوند چون به نام خود و به حساب دیگری عمل می‌کنند.
- 2- کسبه به میزان فروش سالانه آنها از.....ریال تجاوز نکند کسبه جزء محسوب می‌شوند.

- 1- پنجده میلیون
- 2- یکصد میلیون
- 3- یکصد هزار
- 4- یکصد و بیست هزار

3- کدامیک از اشخاص زیر تاجر محسوب نمی‌شود؟

- 1- حق‌العمل کار
 - 2- دلال
 - 3- عامل
 - 4- قائم مقام تجاری
- 4- خرید خانه توسط تاجر:
- 1- در صورتی تجاری است که برای رفع حوائج شخصی نباشد.
 - 2- در صورتی تجاری است که به قصد فروش یا اجاره باشد.
 - 3- در صورتی تجاری است که شغل معمولی او باشد.
 - 4- مطلقاً عمل تجاری محسوب نمی‌شود.

5- کدامیک از اعمال زیر ذاتاً تجاری نیست؟

- 1- عمل خرید مال منقول به قصد اجاره
- 2- عمل عاملی
- 3- عمل صدور چک
- 4- عمل خرید مال منقول به قصد فروش

6 - کدامیک از اعمال زیر تجارتي تبعی «فرعی» محسوب می‌گردد؟

1 - تأسیس و به کار انداختن هر قسم کارخانه

2 - تصدی به حمل و نقل

3 - معاملات اجزاء یا خدمه تاجر برای امور تجارتي تاجر صورت می‌گیرد.

4 - معاملات برواتی اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد

7 - معامله کدام سند یا اسناد ذاتاً تجارتي است:

1 - برات و سفته

2 - برات

3 - سفته

4 - هیچکدام

پاسخنامه

1 - گزینه (2) صحیح است.

2 - گزینه (2) صحیح است.

3 - گزینه (4) صحیح است.

4 - گزینه (4) صحیح است.

5 - گزینه (3) صحیح است.

6 - گزینه (3) صحیح است.

7 - گزینه (2) صحیح است.

- دفاتر تجارتي

فن دفتر داری و حسابداری وسیله‌ای است که اطلاعات لازم را راجع به وضع تاجر و مؤسسات تجارتي و تحصيل و جمع آوری نموده و به تاجر و اشخاص ذینفع امکان می‌دهد در هر موقع از وضع دارایی، دیون و مطالبات و تعهدات و پیشرفت یا عدم پیشرفت امور مؤسسه تجارتي اطلاع حاصل نمایند. فن دفتر داری که سابقاً "فرعی بوده امروزه اهمیت زیادی کسب کرده و هیچ مؤسسه‌ای تا اندازه‌ای برای خود اهمیت قائل شود نمیتواند بدون تنظیم و نگهداری دفاتر تجارتي امور خود را اداره کند. دفاتر تجارتي نه تنها وسیله نظارت در امور مؤسسه میباشد بلکه بین تاجر به عنوان دلیل و مدرک مورد استفاده قرار میگیرند علاوه بر آن دفاتر تجارتي مهمترین وسیله برای تعیین مالیات مؤسسات تجاری بوده و دفاتر مزبور در صورتی که صحیح و طبق قوانین تنظیم شده باشند اعتبار زیادی دارند و قوانین کلیه کشورها اساساً مالیات مؤسسات را بر ارقام مندرج در دفاتر تجارتي قرار داده اند.

تقریباً در کلیه کشورها امروزه داشتن دفاتر تجارتي برای تاجر اجباری است. ماده 6 قانون تجارت ایران مقرر میدارد: «هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف است دفاتر ذیل یا دفاتر دیگری را که وزارت عدلیه به موجب نظامنامه‌ای قائم مقام این دفاتر قرار میدهد داشته باشد:

1- دفتر روزنامه

2- دفتر کل

3- دفتر دارائی

4- دفتر کپیه

علاوه بر آن قوانین مالیاتی ایران در آمد بازرگانان و شرکت‌ها را بر اساس ترازنامه و حساب سود و زیان آنان که از روی دفاتر قانونی تنظیم میشود قرار میدهد. بنابراین برای احتساب مالیات نیز به موجب قوانین مالیاتی تنظیم و نگهداری دفاتر اجباری است.

در دفاتر تجارتي عملیات مؤسسه به صورت ارقام وارد شده و حسابها از روی ارقام مزبور تعیین میشود.

1- دفتر روزنامه

- طبق ماده 7 قانون تجارت:

«دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دین و داد و ستد تجارتي و معاملات راجع به اوراق تجارتي (از قبیل خرید و فروش و ظهرنویسی) و به طور کلی جمیع واردات و صادرات تجارتي خود را به هر اسم و رسمی که باشد و جوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت میکند در آن دفتر ثبت نماید»

دفتر روزنامه اساس حسابداری تاجر را تشکیل میدهد. در دفتر مزبور کلیه معاملات عملیات تاجر به ترتیب تاریخ انجام آنها ثبت می‌گردد. بنابراین دفتر روزنامه به تنهایی نمیتواند اطلاعات منجزی به تاجر بدهد بلکه بیشتر برای نشان دادن انجام معامله یا عمل در تاریخ وقوع آن میباشد و کلیه عملیات حسابداری بعدی از روی آن استخراج می‌شود.

طبق قانون تجارت دفتر روزنامه باید روز به روز نوشته شود ولی عملاً "به واسطه تراکم امور نوشتن دفتر روزنامه روز به

روز فوق العاده مشکل است مخصوصاً" که اسناد حسابداری را که در آخر وقت صادر میشود نمیتوان همان روز در دفاتر عمل نمود به این جهت نوشتن دفتر روزنامه اغلب مؤسسات چند روزی با تاخیر میافتد و عملاً" اگر تأخیر زیادی در تنظیم دفتر روزنامه رخ ندهد انجام تاخیر چند روزه که قهری است مورد اغماض قرار میگیرد.

2 - دفتر کل

- طبق ماده 8 قانون تجارت:

« دفتر کل دفتری است که باید کلیه معاملات را لااقل هفته‌ای یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص داده و جدا نموده هر نوعی را در صفحه مخصوص در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند. »

ارقامی که در دفتر روزنامه وارد میشوند تجزیه و تحت عنوان حسابهای مشخصی در دفتر کل وارد میشوند تا تاجر بتواند انواع عملیات خود را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد. هر قدر عملیات تاجر متنوع تر باشد تعداد حسابهای دفتر کل بیشتر خواهد بود. حسابهایی که در دفتر کل باز می‌شود یا مربوط است به اشخاص و مؤسساتی که با او طرف معامله هستند یا مربوط است به حساب تشکیلات خود مؤسسه مانند صندوق، انبار، کالا و غیره. علاوه بر حسابهای بالا که ممکن است تعداد آنها خیلی زیاد و متنوع باشد تجار و شرکتهای تجاری معمولاً" دو حساب دیگر هم باز میکنند یکی حسابهای انتظامی که در آن حسابهایی را که در پایان سال هنوز کاملاً" مشخص نیستند نگاهداری میکنند و دیگر حساب سود و زیان که نفع یا ضررهای حاصله را نشان میدهد.

با تنظیم دفتر کل تاجر در هر آن میتواند به حساب مشتریان خود یا حساب تشکیلات خودمراجعه نموده و با احتساب تفاوت بین ستونهای دائن و مدیون از وضع هر حساب مطلع گردد. قانون تجارت تنظیم دفتر کل را هفته به هفته مقرر نموده است یعنی در پایان هر هفته تاجر موظف است ارقام مندرج در دفتر روزنامه را تجزیه و تلفیق نموده و در دفتر کل وارد سازد. بدیهی است چنانچه تنظیم دفتر روزنامه به تاخیر افتد تنظیم دفتر کل نیز به تاخیر خواهد افتاد.

3- دفتر دارایی

- طبق ماده 9 قانون تجارت:

« دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضاء نماید و این کار تا پانزدهم فروردین ماه سال بعد انجام میپذیرد»

تجار و شرکتهای تجاری برای اطلاع از وضع مؤسسه خود ناچارند در پایان سال صورت جامعی از نتیجه عملیات خود را تدوین نمایند تا با مقایسه آن با صورت وضعیت سال گذشته از افزایش یا کاهش دارایی و در نتیجه از سود و زیان مؤسسه خود اطلاع حاصل نمایند. در دفتر دارایی نتیجه حسابهای دفتر کل در پایان سال به صورت باقیمانده هر حساب که ممکن است مثبت یا منفی باشد وارد میشود و از مجموع آنها دارایی شرکت تعیین میگردد.

دفتر کپی

- طبق ماده 10 قانون تجارت:

«دفتر کپی دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.»

و طبق تبصره ماده مزبور:

«تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورتحسابهای وارده را نیز به ترتیب تاریخ ورود مرتب نموده و در لفاف مخصوصی ضبط کند.»

دفتر کپی به صورتی که در قانون تجارت پیش بینی شده امروز متروک شده است. در سابق که مکاتبات و مراسلات به وسیله ماشین تحریر نوشته نمی شد اغلب تاجر از مکاتبات و مراسلات خود به وسیله دستگاه پرس مخصوصی در دفتر کپی رونوشت بر می داشتند و رونوشت مزبور که مانند عکس آنها بود سند ارسال نامه های مؤسسه به شمار میرفت ولی امروز کلیه مراسلات و مکاتبات به وسیله ماشین تحریر نوشته میشود هر نامه در چند نسخه ماشین میشود و یک نسخه از آن در پوشه مخصوصی نگاهداری میشود و این پوشه جانشین دفتر کپی شده است. منتهی در مؤسسات مهم برای آنکه ترتیب نامه ها محفوظ باشد دفتری تهیه میشود که دارای شماره ردیف است. یک طرف آن مربوط است به نامه های وارده به ترتیب ورود در دفتر مزبور تحت شماره ردیف وارد میشود و شماره دفتر با قید تاریخ به وسیله ی مهری روی نامه زده میشوند و طرف دیگر مربوط است به نامه های صادره که آنها هم تحت شماره ردیف وارد دفتر میگرددند و شماره مزبور روزنامه باقی تاریخ درج میشود. به این ترتیب در هر موقع میتوان با توجه به شماره ردیف معلوم نمود در چه تاریخی نامه مورد بحث به مؤسسه واصل شده یا از مؤسسه صادر گردیده است.

غیر از دفاتری که قانون نگاه داشتن آنها را الزامی نموده است مؤسسات تجاری نسبت به اهمیتی که دارند دفاتر معین نگهداری میکنند که به کار آنها کمک می کنند. مانند دفتر انبار، دفتر سهام و غیره و حتی برای آنکه دفتر روزنامه و دفتر کل خط خوردگی پیدا نکند دفاتر روزنامه و دفتر کل قبلاً" به عنوان مسوده تنظیم میشود و بعد از آنکه از صحت درج ارقام اطمینان حاصل شد ارقام مزبور به دفتر روزنامه و دفتر کل قانونی منتقل میشود. دفتر روزنامه و دفتر کل اهمیت زیادیتری از دفاتر دیگر دارند و معمولاً" مؤسسات تجاری به پلمب این در دو دفتر که اساس حسابداری آنها را تشکیل می دهد اکتفا مینمایند.

- سندیت دفاتر تجاری

عملیات مستلزم سرعت است و اغلب معاملات به وسیله تلفن یا سفارشهای حضوری انجام میشود و اعتماد بین تاجر یکی از وسایل توسعه و ترقی تجارت است. به این جهت معاملات تجاری تابع تشریفات معاملات مدنی نبوده و جز در موارد مهم قرار داد کتبی بین طرفین معامله امضاء نمیشود. علاوه بر آن چون معاملات تاجر اصولاً" باید در دفاتر تجاری

آنها منعکس شود هر معامله که انجام میگیرد در روز معامله در دفاتر هر یک از طرفین وارد میشود و به این ترتیب کافی است به دفاتر مذکور مراجعه شود تا معامله و شرایط آن معلوم شود به این دلیل است که قانون تجارت دفاتر تجاری را در صورتی که بین تجار و برای امور تجاری باشد دارای اعتبار تلقی نموده و به آن سندیت داده است.

- ماده 14 قانون تجارت مقرر میدارد:

« دفاتر مذکور در ماده 6 و سایر دفاتری که تجار برای امر تجاری خود بکار میبرند در صورتیکه مطابق مقرر آن قانون مرتب شده باشد بین تجار در امور تجاری سندیت خواهد داشت و در غیر اینصورت بر علیه صاحب آن معتبر خواهد بود»

- طبق ماده بالا بری آنکه دفتر تجاری سند محسوب شود سه شرط زیر لازم است:

1- دفاتر مطابق مقررات قانون تجارت تنظیم شده باشند.

2- دعوی بین تجار باشد.

3- دعوی مربوط به امور تجاری باشد.

1- **دفاتر مطابق مقررات قانون تجار تنظیم شده باشد.**

دفتر تجاری برای آنکه اعتبار داشته باشد، باید اولاً "مطابق قانون پلمب شده و به ترتیبی که در قانون تجارت پیش بینی شده نوشته شده باشد، یعنی در ورود دفتر روزنامه روز به روز و درمورد کل هفته به هفته علاوه بر آن دفاتر مزبور دارای تراشیدگی یا حک و اصلاح و قلم خوردگی نباشد.

بنابراین اگر طرف دعوی ثابت کند که تاجر دفتر خود را بعد از گذشتن مدت زمانی تنظیم کرده اعتبار قانونی آن از بین می‌رود. زیرا تاجری که عملیات خود را مرتباً وارد فنر نمی‌کند نه تنها سهل انگار است بلکه این موضوع قرینه‌ای برای سوء نیت او شمره می‌شود چه تاجر منتظر بوده است ببیند عواقب معامله چگونه بوده است تا آن را وارد دفتر خود نماید یا مبلغ معامله را کمتر یا زیادتر قلمداد کند. مثلاً" تاجری که سفارش جنسی را به مبلغی میدهد اگر در همان روز معامله شرایط آن را در دفتر وارد کند چون تصور میکند معامله به سود اوست (زیرا اگر چنین تصویری نمیکرد معامله را انجام نمیداد) معامله را به همان طریقی که انجام داده است در دفتر وارد میکند ولی اگر چند روز بعد نرخ این جنس تنزل کند و تاجر معامله را هنوز وارد نکرده باشد در صورتیکه سوء نیت داشته باشد میتواند معامله را به نرخ کمتری در دفتر خود وارد نماید. به همین طریق دفتر تاجر باید بدون دست خوردگی و اصلاح باشد زیرا اگر اصلاح در دفتر به عمل آمده باشد معلوم نیست اصلاح مزبور در روز معامله انجام گرفته یا بعد از آن. به طوری که قبلاً تذکر داده شد در صورتی که اشتباهی در دفتر رخ دهد در همان روز اشتباه به وسیله عمل متقابل در دفتر انجام میگیرد و تجار باید عبارات مندرج در دفتر را حک و اصلاح نمایند.

- ماده 1299 قانون مدنی مقرر می‌دارد:

« دفتر تجاری در موارد مفصله ذیل دلیل محسوب نمیشود:

1- در صورتیکه مدلل شود اوراق جدیدی به دفتر داخل کرده اند یادفتر تراشیدگی دارد.

2- وقتی که در دفتر بی ترتیبی و اغتشاشی کشف شود که به نفع صاحب دفتر باشد.

3- وقتی که بی اعتباری دفتر سابقاً" به جهتی از جهات در محکمه مدلل شده باشد»

چنانچه دفتر تجارته مطابق مقررات قانون تجارت تنظیم نشده باشد فقط سندیت و اعتبار او برای صاحب دفتر از بین می‌رود ولی دفتر مزبور اگرهم مخدوش باشد بر علیه صاحب آن اعتبار دارد.

ماده 1300 قانون مدنی تصریح میکند: « در مواردی که دفاتر تجارته بر نفع صاحب آن دلیل نیست بر ضرر او سندیت دارد»

بنا بر مراتب بالا دفاتر تجارته در صورتی سندیت دارند که مطابق مقررات قانون تجارت تنظیم شده باشند.

2- دعوی بین تجار باشد.

دفتر تجارته فقط بین تجار سندیت دارد زیرا دفتر تجارته سند یک طرفه‌ای است که از طرف تاجر تنظیم می‌شود. اگر در مقابل او تاجر دیگری باشد که او هم ملزم به نگاهداری دفاتر است ارائه دفاتر او ممکن است اثر دفاتر تاجر اول را خنثی کند ولی در صورتیکه طرف معامله غیر تاجر باشد چون دارای دفتر تجارته نیست وسیله‌ای در دست نخواهد داشت تا بتواند تجارته یک طرف تاجر را خنثی کند، به این جهت ماده 1298 قانون مدنی تایید می‌کند:

« دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود لیکن اگر کسی به دفتر تاجر استناد کرد نمیتواند تفکیک کرده آنچه را بر نفع اوست قبول و آنچه که به ضرر اوست رد کند مگر آنکه بی اعتباری آنچه را که بر ضرر اوست ثابت کند»

بنابراین دفتر تجاری بر له و علیه تاجر بین تجار سندیت دارند ولی در معاملات بین تاجر و غیر تاجر فقط ممکن است قرینه و امارات بر له تاجر محسوب می‌شود ولی به هر حال دفتر تاجر بر علیه خود تاجر سندیت دارد زیرا مندرجات دفتر تجارته به منزله اقرار تاجر است و طبق ماده 1275 قانون مدنی: « هر کس اقرار به حقی برای غیر کند ملزم به اقرار خود خواهد بود» ولی ماده 1298 قانون مدنی تصریح کرده است که در صورت استناد غیر تاجر به دفاتر تجارته مدعی نمیتواند مندرجات دفتر را تفکیک نموده آنچه به نفع اوست قبول نماید و آنچه به ضرر اوست رد کند و این موضوع مفاد ماده 1292 قانون مدنی در مورد اقرار در مورد اقرار است که مقرر میدارد:

«اگر موضوع اقرار در محکمه مقید به قید یا وصفی باشد مقرر له نمیتواند آن را تجزیه کرده و قسمتی از آن را که به نفع اوست بر ضرر مقرر استفاده نماید و از جزء دیگران صرفنظر نماید.»

در صورتی که غیر تاجر قسمتی از مندرجات دفتر را قبول نداشته باشد به شرطی میتواند آن را رد کند که به دلایل دیگری بتواند کذب مندرجات را که به نفع او نیست ثابت نماید.

3- دعوی مربوط به امور تجاری باشد.

تاجر موظف است کلیه امور تجاری خود را در دفاتر تجاری خود وارد کند ولی اموری که مربوط به امور تجارت آنها نیست در دفاتر آنها وارد نمیشود. مثلاً "تاجری که برای رفع حوائج شخصی خود اشیایی خریداری میکند آنها را در دفتر خود ثبت نمی‌کند و اگر بخواهیم خیلی دقیق باشیم تنها الزامی که تاجر دارد اینست که وجوهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت میکند در دفتر روزنامه وارد کند. بنابراین در مورد امور غیر تجاری تاجر مانند اشخاص غیر تاجر بوده و سندیت دفاتر تجاری دیگر مورد پیدا نمیکند و ماده 1297 قانون مدنی تصریح میکند:

«دفاتر تجاری در موارد دعوی تاجر ی بر تاجر دیگر در صورتی که دعوی از محاسبات و مطالبات تجاری حاصل شده باشد دلیل محسوب میشود مشروط بر اینکه دفاتر مزبور مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد»

نکات مهم مبحث دفاتر تجارت

- هر تاجری به استثنای کسبه جزء مکلف هستند دفاتر روزنامه، کل، دارائی، کپیه را داشته باشند. دفتر روزنامه دفتری است که تاجر باید همه روزه مطالبات و دیون و داد و ستد تجاری و مطالعات راجع به اوراق تجاری را در دفتر ثبت نماید.

- تاجر باید در دفتر روزنامه جمیع واردات و صادرات تجاری خود را به هر اسم و رسمی که باشد و وجهی را که برای مخارج شخصی خود برداشت میکند در دفتر ثبت نماید.

- دفتر کل دفتری است که تاجر باید کلیه معاملات را لااقل هر هفته یک مرتبه از دفتر روزنامه استخراج و انواع مختلفه آن را تشخیص و جدا کرده هر نوعی را در صفحه مخصوصی در آن دفتر به طور خلاصه ثبت کند.

- دفتر دارایی، دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیر منقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را در آن بیاورد.

- دفتر کپیه دفتری است که تاجر باید کلیه مراسلات و مخابرات و صورت حسابهای صادره خود را در آن به ترتیب تاریخ ثبت نماید.

- کلیه دفاتر تاجر در صورتیکه مطابق مقررات قانون مرتب شده باشد بین تاجر در امور تجاری سندیت خواهد داشت و در غیر اینصورت فقط علیه صاحب آن معتبر خواهد بود.

- دفتر تاجر در مقابل غیر تاجر سندیت ندارد فقط ممکن است جزء قرائن و امارات قبول شود.

- برای آنکه دفتر تجاری سند محسوب گردد باید: 1- مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشند. 2- دعوی بین تاجر باشد.

3- دعوی مربوط به امور تجاری باشد.

- دفاتر تجاری در موارد دعوی تاجر ی بر تاجر دیگر در صورتی که دعوی از محاسبات و مطالبات تجاری حاصل شده باشد دلیل محسوب میشود مشروط بر اینکه دفاتر مزبور مطابق قانون تجارت تنظیم شده باشد.

- دفاتر تجارتي وسيله نظارت در امور مؤسسات تجارتي و تجارخانه‌ها مي‌باشند.
- هر تاجري موظف است دفتر روزنامه، دفتر كل، دفتر دارايي و دفتر كپيه داشته باشد.
- كسبه جزء موظف نيستند كه دفتر تجارتي داشته باشند.
- تاجر بايد همه‌روزه مطالبات و ديوان و داد و ستد تجارتي و معاملات راجع به اوراق تجارتي خود را در دفتر روزنامه وارد كند.
- در دفتر روزنامه كليه معاملات و عمليات تاجر به ترتيب تاريخ انجام آن‌ها ثبت مي‌گردد.
- تاجر بايد هر هفته يك‌بار كليه معاملات خود را در دفتر كل وارد نمايد.
- دفتر دارايي دفتري است كه تاجر بايد هر سال صورت جامعي از كليه دارايي منقول و غيرمنقول و ديون و مطالبات سال گذشته خود را در آن ثبت كند.
- دفتر كپيه دفتري است كه تاجر بايد كليه مراسلات و مخابرات و صورت حساب‌هاي خود را در آن ثبت نمايد.
- سه شرط براي سنديت دفتر تجارتي لازم است:
- 1- دفاتر بايد مطابق قانون تجارت تنظيم شده باشند؛
- 2- دعوي بين تاجر باشد؛
- 3- دعوي مربوط به امور تجارتي باشد.
- چنانچه دفتر تجارتي مطابق مقررات قانون تجارت تنظيم نشده باشد فقط سنديت و اعتبار آن له صاحب دفتر از بين مي‌رود.
- دفتري كه مطابق قانون تجارت تنظيم نشده است عليه صاحب آن قابل استناد است.
- دفتر تجارتي فقط بين تاجر سنديت دارد.
- در صورتي كه دعوايي بين دو تاجر وجود داشته باشد و هر دوي آن‌ها داراي دفتر تجارتي معتبر باشند ولي اظهارات متعارض با همدیگر در آن دفتر وجود داشته باشد، اثر آن اظهارات بوسيله اظهارات دفتر تاجر دوم خنثي مي‌شود.
- دفتر تاجر در مقابل غيرتاجر سنديت ندارد و فقط ممكن است جزء قرابين و امارات قضايي قبول شود.
- دفتر تاجر در مقابل غيرتاجر به نفع تاجر جزء امارات قضايي محسوب مي‌شود.
- دفتر تاجر در مقابل تاجر له و عليه تاجر سنديت دارد.
- دفتر تاجر در مقابل تاجر زماني سنديت دارد كه معامله براي امور تجارتي بوده باشد نه حوايج شخصي.
- دفاتر تجارتي در موارد دعوي تاجر بر تاجر ديگر در مورد امور تجارتي دليل محسوب مي‌شود مشروط بر اين كه دفاتر مزبور مطابق قانون تجارت تنظيم شده باشد.
- در مواردی كه دفاتر تجارتي بر نفع صاحب آن دليل نيست به ضرر او سنديت دارد.

سوالات چهار گزینه‌ای دفاتر تجاری

1- دفاتر تجاری تاجر..... او قابل استناد است:

- (1) به نفع
- (2) فقط به ضرر
- (3) بر تاجر دیگر در صورتیکه دعوی ناشی از معاملات تجاری باشد و دفاتر منطبق با مقررات قانونی تنظیم شده باشد به نفع
- (4) بر تاجر دیگر به نفع

2- دفتر تجاری تاجر "الف" مثبت ادعای "الف" و دفتر تجاری تاجر "ب" نافی ادعای "الف" است. با فرض قانونی بودن هر دو دفتر فقدان دلایل و امارات دیگر دادگاه چه حکمی خواهد داد؟

- (1) رد دعوی "الف" (2) محکومیت "ب" به میزان ادعا
- (3) رد دعوی "ب" (4) محکومیت "ب" فقط در صورت عدم اختلاف شغل دو تاجر
- 3- دفتر تجاری تاجر در مقابل یکدیگر به عنوان..... قابل استناد است.
- (1) دلیل
- (2) اصل عملی
- (3) اماره قضایی
- (4) اماره قانونی

4- دفاتر تاجر علیه غیر تاجر

- (1) سندیت دارد.
- (2) سندیت دارد مشروط بر اینکه مطابق مقررات قانون تجار تنظیم شده باشد.
- (3) به عنوان قرینه ممکن است قبول شود.
- (4) سندیت دارد بشرط آنکه دعوی ناشی از معاملات تجاری باشد.
- 5- دفاتر تجاری در مورد دعاوی..... تاجر علیه تاجر دیگر دلیل محسوب میشود.

(1) تجاری (2) مدنی (3) مدنی و تجاری (4) تجاری تا مبلغ معین

6- دفتر تاجر زمانی علیه تاجر دلیل محسوب میشود که دعوی.....

- (1) مربوط به معاملات و مطالبات تجاری باشد.
- (2) مربوط به اسناد تجاری باشد.
- (3) مربوط به معاملات شخصی باشد.
- (4) مربوط به غیر از مطالبات تجاری باشد.

پاسخنامه

- 1- گزینه (1) صحیح است.
- 2- گزینه (1) صحیح است.
- 3- گزینه (1) صحیح است.
- 4- گزینه (3) صحیح است.
- 5- گزینه (1) صحیح است.
- 6- گزینه (1) صحیح است.

شرکتهای تجاری

- کلیات

1- تعریف شرکت تجاری

در حقوق ایران شرکت تجاری شرکتی است که یا به موجب مقررات قانون تجارت و یا به موجب لایحه قانونی 1347 تشکیل می‌شود و یا به صورتی غیر از آن، ولی مبادرت به عملیات تجاری می‌کند. در صورتی که مطابق شرکتهای موضوع ماده 20 قانون تجارت باشد، گاه به صرف صورت، شرکت تجاری محسوب می‌شود حتی اگر معاملات غیر تجاری انجام دهد (مانند آنچه که در ماده 2 لایحه اصلاحی قانون تجارت 1347 در مورد شرکتهای سهامی عام و خاص آمده است) و یا اینکه موضوع شرکت به وجود آمده تجاری است و به این علت تجاری محسوب می‌شود مانند آنچه که در مورد شرکتهای نسبی و تضامنی صادق است.

با توجه به مطالب بالا می‌توان گفت که شرکت تجاری قراردادی است که به موجب آن یک یا چند نفر توافق می‌کنند سرمایه مستقلی را که از جمع آورده‌های آنها تشکیل می‌شود، ایجاد کنند و به مؤسسه‌ای که برای انجام مقصود خاصی تشکیل شده است اختصاص می‌دهند و در منافع و زیانهای احتمالی حاصل از به کارگیری سرمایه سهیم شوند.

ماهیت حقوقی شرکت

بحث در مورد ماهیت حقوقی شرکت در مورد رابطه شرکاء (اعضای شرکت) با همدیگر و با اداره کنندگان شرکت دارای اهمیت است.

در مورد ماهیت حقوقی شرکت یک نظریه قدیمی به نام «نظریه قراردادی» وجود دارد که به موجب این نظریه شرکت را قراردادی می‌دانند که بین اعضاء آن منعقد می‌شود و همین قرارداد بعنوان تنظیم کننده روابط افراد شرکت است و در مواردی مقررات وضع شده در این قرارداد بر مقررات قانون تجارت ارجحیت دارد و همین قرارداد در مقابل اشخاص قابلیت استناد داشته و آنها نمی‌توانند این قرارداد را نادیده بگیرند.

با وجود اعتقاد طرفداران نظریه قراردادی جنسی بر اینکه تمامی روابط شرکاء در شرکت با توجه به قرارداد، مشخص شده و باید مطابق با آن عمل کرد در بعضی از مواقع در قانون تجارت، قانون گذار مقررات آمره‌ای را وضع کرده است که تخطی از آنها شرکت را از اعتبار می‌اندازد و از سوی دیگر شرکت فقط با یک قرارداد ایجاد نمی‌شود بلکه تشکیل شرکت تجاری منوط به انجام و رعایت یکسری مقررات است برای مثال شرکت تضامنی وقتی تشکیل می‌شود که شرکاء تمام سرمایه نقدی را تأدیه و سهم الشرکه غیر نقدی تقویم و تسلیم کرده باشند پس در می‌یابیم که فقط قرارداد میان شرکاء کارساز نیست.

در مقابل این نظریه: نظریه دیگری تحت عنوان «نظریه سازمانی» برای ماهیت حقوقی شرکت مطرح شده است. به موجب این نظریه جدید شرکت یک تأسیس حقوقی است که بر خلاف قرارداد که تمامی عناصر آن پایدار بود، حقوق و تعهدات

طرفین به طور پایدار تثبیت نمیکند. در نتیجه حقوق و تکالیف و تعهدات شرکاء در طول حیات شرکت تغییر میکند و مدام در حال تحول است و شرکاء با توافق اکثریت می‌توانند برخی حقوق و یا تعهدات را وارد شرکت کنند و برای شرکاء به رسمیت بشناسند.

اما با تمامی این تفاسیر نه نظریه قراردادی و نه نظریه سازمانی، هیچ یک به تنهایی ماهیت حقوقی شرکت تجاری را بیان نمیکند بلکه باید گفت که شرکت تجاری تأسیس حقوقی خاصی است که قانون گذار در اختیار افراد گذاشته است تا با تشریک مساعی و روی هم گذاردن امکانات مالی خود آن را افزایش دهند.

این تأسیس حقوق مدتها در قالب قرارداد بود ولی با توجه به اینکه کارکرد قرارداد برای اهداف کوتاه مدت است ولی اغلب شرکت‌ها برای مدتهای طولانی می‌خواهند به فعالیت پردازند در نتیجه صرفاً بوسیله یک قرارداد نمی‌توان تمامی حقوق و تکالیف و تعهدات طرفین را در طول حیات شرکت معین و مشخص کرد بلکه رژیم حقوقی خاصی لازم است تا امکان تغییر و تبدیل حقوق و تعهدات طرفین را در طول حیات شرکت میسر سازد. در نتیجه شرکت در مفهوم امروزی، نیاز به قالب خاصی دارد و این قالب را نه اراده اشخاص بلکه قانون به وجود می‌آورد.

شخصیت حقوقی شرکت تجاری

قانون تجارت ایران در ماده 583 خود برای شرکت‌های تجاری شخصیت حقوقی شناخته است.

دارا بودن شخصیت حقوقی به این معناست که شرکت صلاحیت داشتن حقوق و تکالیف و نیز صلاحیت اجرای آنها را دارد.

درباره ماهیت شخصیت حقوقی سه نظریه عمده مطرح شده است: نظریه واقعی بودن شخصیت حقوقی و نظریه فرضی بودن شخصیت حقوقی و نظریه دارائی اختصاصی.

طبق نظریه واقعی بودن شخصیت حقوقی هر گروهی که واجد اراده مستقل بوده، بتواند فعالیت‌های جدا انجام دهد، شخصیتی جدا از فرد فرد گروه دارد به نظریه اینان، شخصیت حقوقی جنبه واقعی دارد و مولود اراده قانون گذار نیست بلکه به صرف ایجاد گروه به وجود می‌آید.

- نظریه فرضی بودن شخصیت حقوقی:

طبق این نظریه فقط اشخاص حقیقی دارای شخصیت حقوقی واقعی هستند و سایر موجودات فقط با اراده قانون گذار دارای شخصیت حقوقی میشوند. قانون گذار برای تسهیل روابط گروه با اشخاص ثالث آن را موجود تلقی میکند به همین دلیل فقط قانونگذار می‌تواند بگوید چه گروهی دارای شخصیت حقوقی است.

- نظریه دارائی اختصاصی:

طبق این نظریه وقتی گروهی تشکیل میشود و یک دارائی جمعی تشکیل می‌شود اعضای گروه حق انفرادی تصرف در این دارائی را ندارند ولی با اعطای شخصیت حقوقی به این دارائی، تصرف گروهی در آن مسیر و در نتیجه، معامله

اشخاص ثالث با این دارایی امکان پذیر می‌گردد.

اصلی که میتوان از مطالب بالا استنتاج کرد این است که شرکت دارای شخصیت حقوق است در حقوق ایران، شرکت شخصیت حقوق خود را بر اساس اراده قانونگذار بدست می‌آورد به عبارت دیگر، اصل بر این است که گروه فاقد شخصیت حقوقی است، مگر آنکه قانونگذار چنین شخصیتی را به آن عطا کرده باشد. ماده 583 قانون تجارت مقرر می‌دارد: (کلیه شرکتهای تجاری مذکور در قانون، شخصیت حقوقی دارند) (نظریه فرضی بودن شخصیت حقوقی) همانطوریکه گفته شد در حقوق ایران شخصیت حقوقی شرکت مولود اراده قانون گذار است اما مسئله‌ای که باید متذکر شد این است که آغاز شخصیت حقوقی شرکت از چه زمانی می‌باشد. تعیین آغاز شخصیت حقوقی از این نظر واجد اهمیت است که نقطه آغاز تعهدات شرکت را معین میکند در واقع تا قبل از به وجود آمدن شخصیت حقوقی نمی‌توان تعهداتی را که شرکاء بر عهده گرفته اند بر عهده شرکت گذاشت چرا که شرکتی وجود ندارد تا بتواند متعهد شود. در حقوق ایران چرا که شرکتی وجود ندارد تا بتواند متعهد شود. در حقوق ایران شرکت از تاریخی دارای شخصیت حقوقی خواهد بود که ایجاد و به عبارت دیگر تشکیل شده باشد. شرکت تجاری پس از انحلال نیز دارای شخصیت حقوقی است و تا پایان یافتن امر تصفیه، شرکت دارای شخصیت حقوقی است.

- اقسام شرکتهای تجاری:

ماده 20 قانون تجارت شرکتهای تجاری را بر 7 قسم می‌داند. شرکتهای سهامی، شرکت با مسئولیت محدود، شرکت تضامنی، شرکت مختلط غیر سهامی، شرکت مختلط سهامی، شرکت نسبی، شرکت تعاونی تولید و مصرف شرکتهایی هستند که قانون تجارت آنها را به عنوان شرکتهای تجاری موجود به رسمیت شناخته است.

- شرکت سهامی عام و خاص:

شرکتهای سهامی موجود در حقوق ایران شرکتهایی سهامی خاص هستند و این دو نوع شرکت سهامی دارای یکسری مقررات مشابه در زمینه تشکیل و فعالیت هستند ولی در مقابل، بعضی از مقررات مختص و مخصوص شرکت سهامی عام بوده و در شرکت سهامی خاص اعمال نمیشود و بعضی از مقررات نیز مختص شرکت سهامی خاص بوده و قابل اعمال در شرکت سهامی عام نمی‌باشد.

1- تعریف شرکت سهامی:

طبق تعریفی که ماده 1 لایحه اصلاحی 1347 از شرکت سهامی ارائه میکند شرکت سهامی شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی سهام آنهاست.

از این تعریف درمیابیم که در شرکتهای سهامی اعم از عام یا خاص بودن آنها، هر یک از شرکاء سرمایه‌ای را وارد در شرکت میکنند و سرمایه آنها بصورت سهام در می‌آید که همین سهام معرف میزان تعهدات و تکالیف هر یک از شرکاء و

مصرف میزان حقوق شرکاء در شرکت می‌باشد. در شرکت سهامی مسئولیت هر کدام از صاحبان سهام محدود به همان مبلغی است که در بدو تأسیس شرکت وارد در شرکت کرده اند بدین معنی که اگر شریکی مبلغ 1 میلیون ریال را وارد در شرکت کرده و در صورتی که شرکت از پرداخت دیون خود ناتوان گردد این شریک فقط همان مبلغی را که وارد در شرکت نموده است را از دست می‌دهد ولی هیچ تعهد دیگری در مقابل قروض شرکت نداشته و نمی‌توان از دارائی شخص شرکاء برای جبران قروض شرکت اموالی را تحصیل نمود.

شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.

موضوع شرکت سهامی:

مطابق ماده 2 لایحه اصلاحی قانون تجارت شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شود ولو اینکه موضوع عملیات آن امور بازرگانی نباشد. مطابق این ماده آنچه که موجب می‌شود تا شرکت سهامی، تجاری محسوب گردد شکل شرکتهای سهامی است و نه موضوع فعالیت آنها. در نتیجه اگر این شرکتهای اعمالی را که ذاتاً تجاری محسوب نمیشوند را انجام دهند باز هم تجاری محسوب میشود. پس نتیجه‌ای که گرفته میشود این است که شرکتهای سهامی در هر صورت بازرگانی محسوب میشود و تجاری محسوب شده این شرکتها مربوط به شکل آنهاست نه موضوع فعالیت آنها. در نتیجه اگر این شرکتهای اعمالی را که ذاتاً تجاری محسوب نمیشوند را موضوع فعالیت خود قرار دهند باز هم تجاری محسوب خواهند شد.

انواع شرکتهای سهامی:

شرکتهای سهامی به دو نوع شرکت سهامی عام و شرکت سهامی خاص تقسیم میشود. شرکت سهامی عام شرکتی است که مؤسسين آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین میکنند به عبارت دیگر در شرکتهای سهامی عام علاوه بر کسانی که تأسیس و به راه اندازی شرکت را مد نظر داشته اند مردم نیز در این نوع شرکتها از طریق خرید سهام وارد شده و سهامدار آن شناخته میشوند. شرکت سهامی خاص، شرکتی است که در آن تمام سرمایه شرکت در موقع تأسیس آن منحصرأ توسط مؤسس تأمین گردیده است به عبارت دیگر در این نوع شرکتها، سهام آنها برای فروش به عموم عرضه نمی‌شود.

- تأسیس و تشکیل شرکتهای سهامی:

برای تأسیس شرکتهای سهامی در بدو امر به چند شریک نیازمند هستیم مطابق ماده 3 لایحه اصلاحی قانون تجارت در شرکت سهامی تعداد شرکاء نباید از سه نفر کمتر باشد.

این ماده در پی بیان این امر است که حداقل شرکاء برای شرکت سهامی سه نفر است ولی در ماده 107 لایحه اصلاحی

شرکت سهامی بوسیله هیأت مدیره‌ای که کمتر از 5 نفر نخواهد بود اداره میشود. پس به نوعی میان مقررات ماده 3 لایحه و مقررات ماده 107 لایحه اصلاحی تزامم وجود دارد چرا که ماده 3 لایحه تعداد شرکاء را برای شرکت سهامی 3 نفر میداند و ماده 107 لایحه اصلاحی برای شرکتهای سهامی خاص بوده و مقررات ماده 107 برای شرکت سهامی عام بوده در نتیجه حداقل شرکاء برای شرکت سهامی خاص 3 نفر و برای شرکت سهامی عام 5 نفر است و حداقل تعداد شرکاء هم شرط تشکیل شرکت بوده و هم لازمه استمرار و بقای آن می‌باشد. گام دوم برای تشکیل شرکت سهامی علاوه بر وجود شرکاء و رسیدن آنها به حداقل شرکاء لازم برای تشکیل شرکت، وجود سرمایه برای شرکت است به عبارت دیگر هر یک از شرکاء باید چیزی را به عنوان سرمایه به شرکت اختصاص دهند چرا که شرکت برای انجام فعالیتها و امور خود نیاز به سرمایه دارد در موقع تأسیس شرکت سهامی عام سرمایه آن نباید از 5 میلیون ریال کمتر نباشد و برای تأسیس شرکت سهامی خاص حداقل سرمایه آن 1 میلیون ریال می‌باشد. این مقدار سرمایه هم در بدو تأسیس شرکت سهامی و هم در زمان حیات شرکت سهامی لازم است و در صورتی که سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علتی از حداقل مقرر در قانون کمتر شود باید ظرف مدت 1 سال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مقرر در قانون اقدام نمایند یا اینکه شرکت را به نوع دیگری از شرکتهای مذکور در قانون تجارت تبدیل نمایند.

ضمانت اجرایی که برای شرکتی که میزان سرمایه‌اش از حداقل مقرر در قانون کمتر شده است در نظر گرفته شده است این است که هر ذینفعی میتواند انحلال آن شرکت را از دادگاه درخواست نماید اما قانون برای اینکه حیات شرکتهای سهامی را که به نوعی در چرخه اقتصاد فعالیت دارند را به خاطر این عوامل متزلزل نکند مقرر داشته است هر گاه قبل از صدور رأی قطعی موجب درخواست انحلال منتفی گردد دادگاه رسیدگی را متوقف خواهد نمود. در قانون میزان سرمایه لازم برای تأسیس شرکت سهامی ذکر شده و در مواردی نیز به نحوه تأمین این سرمایه اشاره شده است. ابتدا به بررسی نحوه تأمین سرمایه و سایر مراحل تأسیس شرکت سهامی عام پرداخته میشود و سپس به بررسی نحوه بررسی سرمایه و مراحل دیگر تأسیس شرکت سهامی خاص می‌پردازیم.

الف - تأمین سرمایه و مراحل تشکیل شرکت سهامی عام:

مطابق ماده 6 لایحه اصلاحی قانون تجارت برای تأسیس شرکت سهامی عام مؤسسین باید لااقل 20 درصد سرمایه شرکت را خودشان تعهد کنند به عبارت دیگر حداقل 20 درصد سرمایه شرکت را مؤسسین تأمین کنند و حداقل 35 درصد مبلغ تعهد شده را در حسابی بنام (شرکت در شرف تأسیس نزد بانک بسپارند.)

مؤسسین می‌توانند هم سرمایه نقدی و هم سرمایه غیر نقدی را وارد در شرکت بکنند و اگر آورده یکی از مؤسسین غیر نقدی باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن در همان بانکی که برای پرداخت مبلغ نقدی حساب باز شده است تودیع و گواهی بانکی را این مورد بگیرد باید توجه داشت که مقداری از شرکت سهامی را که مؤسسین در ابتدای تأسیس (35)

درصد از مبلغ تعهد شده) به نام (شرکت در شرف تأسیس) می‌گذارند باید به صورت نقدی باشند و نمی‌تواند این مقدار (35 درصد غیر نقدی باشد). پس از اینکه مقداری از سرمایه توسط مؤسسين تعهد شد وسی و پنج درصد از آن را در بانک و به حساب شرکت در شرف تأسیس واریز کردند یک اظهارنامه‌ای را به همراه طرح اساسنامه شرکت و طرح اعلامیه پذیره نویسی که به امضاء کلیه مؤسسين رسیده و اگر قسمتی از تعهد مؤسسين غیر نقدی بوده و عین یا مدارک مالکیت آن را به بانکی که در آن گشایش حساب کرده اند، تقدیم نموده اند گواهی بانک را نیز به همراه اظهار نامه و طرح اعلامیه پذیره نویسی و طرح اساسنامه شرکت در تهران به اداره ثبت شرکتها و در شهرستانها به دایره ثبت شرکتها و یا در صورت فقدان دایره ثبت به اداره ثبت اسناد و املاک تسلیم کنند و رسید دریافت کنند.

پس از اینکه اظهارنامه و ضمايم آن به اداره ثبت شرکتها تحویل داده شد، مرجع ثبت شرکتها به مطالعه آنها پرداخته و آنها را با قانون تطبیق می‌دهد و پس از طی این مراحل اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر می‌کند بوسیله این اجازه که از سوی مرجع ثبت شرکتها صادر شده است، مؤسسين اعلامیه پذیره نویسی را در جراید آگهی می‌کنند بعبارت دیگر عموم مردم را برای خرید سهام دعوت می‌کنند که علاقمندان نیز به بانک مراجعه می‌کنند و ورقه تعهد سهام را امضاء می‌کنند و مبلغی را نقداً می‌پردازند و مبلغی را تعهد به پرداخت آن کرده و رسید دریافت می‌کنند. امضاء ورقه تعهد سهام به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می‌باشد.

پس از اتمام مدت لازم برای پذیره نویسی، مؤسسين حداکثر تا یکماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی می‌کنند و پس از احراز اینکه تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد شده است و حداقل سی و پنج درصد سرمایه شرکت را پرداخت کرده اند تعداد سهام هر یک از سهامداران را معین می‌کنند و مجمع عمومی مؤسسين را دعوت می‌کنند. در واقع پس از اتمام مدت پذیره نویسی یک وظیفه مهم را بر عهده مؤسسين می‌آید و آن هم این است که باید بررسی نمایند که آیا تمامی سرمایه شرکت صحیحاً تعهد شده است و حداقل سی و پنج درصد آن پرداخت شده است یا نه. اگر تمامی سرمایه شرکت صحیحاً تعهد شده باشد مؤسسين تعداد سهام هر یک از تعهد کنندگان را تعیین و اعلام می‌کنند و مجمع عمومی مؤسسين را دعوت می‌کنند.

مجمع عمومی مؤسس تشکیل می‌شود و پس از اینکه احراز کرد که پذیره نویسی کلیه سهام بدرستی انجام شده و تادیه مبالغ لازم برای تشکیل شرکت را احراز کرد و اساسنامه شرکت را تصویب نمود اولین مدیران و بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند که این مدیران و بازرسان باید کتباً قبول سمت کنند.

قبول سمت توسط مدیران و بازرسان شرکت بخودی خود دلیل براین است که آنها با علم به تکالیف و مسئولیتهای سمت خود را عهده دار آن گردیده اند.

شرکت سهامی عام از تاریخ صدور اعلامیه قبولی سمت توسط مدیران و بازرسان شرکت تشکیل می‌شود. پس از تصویب طرح اساسنامه مجمع عمومی مؤسس و انتخاب مدیران و بازرسان و صدور اعلامیه قبولی مدیران و

بازرسان، اساسنامه به ضمیمه اعلامیه قبولی مدیران و بازرسان جهت ثبت شرکت به مرجع ثبت شرکتها تسلیم می‌شود. اگر مؤسسین اظهارنامه‌ای را به مرجع ثبت شرکتها داده باشند و مدت شش ماه از تاریخ تسلیم این اظهارنامه گذشته باشد ولی هنوز مؤسسین شرکت را به ثبت نرسانده باشند به درخواست هر یک از پذیره نویسان مرجع ثبت شرکتها گواهی نامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن بعمل آمده است ارسال می‌کنند تا مؤسسین و پذیره نویسان به بانک مراجعه کنند و تعهد نامه و وجوه پرداختی خود را پس بگیرند. در اینصورت اگر هزینه‌ای برای تأسیس شرکت پرداخت شده یا تعهد شده باشد بر عهده مؤسسین است چرا که مطابق ماده 23 لایحه اصلاحی قانون تجارت مؤسسین شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تأسیس و به ثبت رساندن شرکت انجام می‌دهند مسئولیت تضامنی دارند.

نکته: از وجوهی که به نام شرکت‌های سهامی در شرف تأسیس تادیه شده است نمی‌توان استفاده کرد مگر اینکه شرکت به ثبت برسد یا اینکه مؤسسین اظهارنامه را به مرجع ثبت شرکتها داده باشند ولی تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه به مرجع ثبت شرکتها، شرکت را ثبت نکرده باشند و یکی از مؤسسین پذیره نویسان درخواست صدور گواهی نامه عدم ثبت شرکت را بنماید که با صدور این گواهی نامه وجوه پرداختی مسترد می‌شود و تعهد نامه پذیره نویسان برگردانده می‌شود.

ب- تأمین سرمایه و مراحل تشکیل شرکت سهامی خاص

برای تشکیل شرکت سهامی خاص به سه نفر شریک احتیاج است و حداقل سرمایه لازم برای تأسیس آن یک میلیون ریال می‌باشد. سرمایه شرکت سهامی توسط خود مؤسسین تادیه می‌گردد و باید از میزان سرمایه در نظر گرفته شده برای شرکت سهامی خاص، حداقل سی و پنج درصد آن فوراً پرداخت گردد. سرمایه شرکت سهامی خاص می‌تواند کلاً بصورت غیر نقدی باشد و لزومی ندارد که نقدی باشد. اگر تمام یا قسمتی از سرمایه شرکت سهامی خاص غیر نقدی باشد باید تمام قسمت غیر نقدی آن تأدیه گردد و در صورت تقویم آن در اظهارنامه منعکس شود. مدارکی که برای تأسیس شرکت سهامی خاص نیاز است عبارتند از: اظهارنامه به ضمیمه اساسنامه شرکت که به امضاء کلیه سهامداران رسیده است و اظهارنامه‌ای که مشعر بر تعهد کلیه سهام و گواهی نامه بانکی حاکی از تادیه قسمت نقدی که کمتر از سی و پنج درصد کل سهام نباید باشد و این اظهارنامه باید به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. انتخاب اولین مدیران و بازرسان شرکت که قبول سمت کرده و آن را کتباً قبول کرده باشند که در صورت جلسه‌ای منعکس شده و به امضای کلیه سهامداران رسیده باشد. با تسلیم این مدارک ثبت شرکتها، شرکت سهامی خاص تأسیس شده و به ثبت می‌رسد. شرکت سهامی خاص نمی‌تواند خود را برای پذیره نویسی یا فروش در بورس اوراق بهادار یا توسط بانکها عرضه کند مگر اینکه به شکل شرکت سهامی عام درآمد که برای تبدیل به شرکت سهامی عام، باید ابتدا در مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام این تبدیل را بررسی و به تصویب برساند سپس اساسنامه‌ای را که برای شرکت سهامی عام تنظیم شده و

به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده رسیده است را به همراه دو تراز نامه و حساب سود و زیان شرکت و صورت دارایی شرکت و اعلامیه تبدیل شرکت که باید به امضاء دارندگان امضای مجاز شرکت رسیده است را به مرجع ثبت شرکتها تسلیم کند که مجمع ثبت شرکتها آنها را بررسی کرده و تبدیل شرکت را ثبت کرده و به هزینه شرکت آگهی می‌کند.

- سهام

1- تعریف سهام و انواع آن:

مطابق ماده 24 لایحه اصلاحی قانون تجارت، سهم قسمتی از سرمایه شرکت سهامی است که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد.

عناصر تعریفی که این ماده از سهم را ارائه می‌دهد عبارتند از: اول: سهم قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق پذیره نویسی تأمین کرده اند. دوم: این سهم مشخص کننده و تعیین کننده میزان حقوق و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد. عبارت دیگر هر چقدر میزان سهامداری در شرکت بیشتر باشد منافع بیشتر و حقوق بیشتر و تعهدات بالاتری در شرکت خواهد داشت.

سهام به شکل ورقه سهم است بدین معنی که در یک ورقه‌ای میزان مشارکت سهامدار در شرکت مشخص شده است. طبق قسمت اخیر ماده 24 لایحه اصلاحی قانون تجارت، ورقه سهم، سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.

- سهم ممکن است با نام باشد یا بی نام

منظور از سهام با نام سهمی است که در ورقه سهم مشخصات صاحب سهم ذکر شده است ولی سهم بی نام سهمی است که ورقه سهام متضمن نام صاحب سهم نیست بلکه بصورت سند در وجه حامل است و در دست هر کسی که باشد متعلق به وی شناخته می‌شود.

در صورتیکه برای بعضی از سهام شرکت مزایایی را در نظر بگیرند به این نوع سهام، سهام ممتاز می‌گویند. عبارت دیگر سهام ممتاز سهمی است که به صاحب آن امتیازاتی می‌دهد که به صاحبان سهام عادی تعلق نمی‌گیرد. در حقوق ایران اعطای هرگونه امتیاز به بعضی از صاحبان سهام ممکن است، مشروط بر اینکه مطابق با مقررات ماده 42 لایحه اصلاحی قانون تجارت باشد. این ماده مقرر می‌دارد: «هر شرکت سهامی می‌تواند به موجب اساسنامه و همچنین تا موقعی که شرکت منحل نشده است طبق تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده سهام، سهام ممتاز ترتیب دهد. امتیازات این گونه سهام و نحوه استفاده از آن باید بطور وضوح تعیین گردد. هرگونه تغییر در امتیازات وابسته به سهام ممتاز باید به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت یا جلب موافقت دارندگان نصف بعلاوه این گونه سهام انجام گیرد.»

مطابق این ماده شرکت می‌تواند به موجب اساسنامه یا تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده در زمان حیات شرکت، سهام ممتاز برای بعضی از سهامداران ترتیب دهد که این امر می‌تواند یا در زمان تشکیل یا هنگام افزایش سرمایه صورت گیرد.

از سوی دیگر در شرکتهای سهامی اصل بر این است که همه دارندگان سهام حقوق مساوی دارند و در نتیجه امتیازات این گونه سهام باید بطور صریح و واضح در اساسنامه قید شود. برای اینکه بتوان در امتیازات وابسته به سهام ممتاز تغییری ایجاد کرد باید دارندگان نصف بعلاوه یک اینگونه سهام موافقت خود را با این تغییر اعلام کنند که تصویب مجمع عمومی فوق العاده نیز ضروری می باشد. عده ای معتقد هستند که میان ماده 42 لایحه اصلاحی سال 1347 و ماده 93 تعارض وجود دارد ولی باید گفت که ماده 42 راجع به سهام ممتاز است و فقط در این مورد صحبت می کند ولی ماده 93 لایحه اصلاحی عام بوده و شامل همه انواع حقوق صاحبان سهام می شود و حکم خاص، را تخصیص زده و برای دریافتن شیوه تغییر در سهام همه انواع حقوق صاحبان سهام می شود و حکم خاص، را تخصیص زده و برای دریافتن شیوه تغییر در سهام ممتاز بید به ماده 42 و در تغییر سایر حقوق مربوط به صاحبان سهام به ماده 93 رجوع کرد.

2- نحوه صدور سهام:

در شرکتهای سهامی در بدو تأسیس، مؤسسين اعلامیه پذیره نویسی را منتشر می کنند و اشخاص به پذیره نویسی سهام دعوت می شوند که بدین وسیله آنها مقداری از مبالغ سهام را بصورت نقدی می پردازند و مقداری را نیز تعهد به پرداخت می نمایند که در این حال که تمامی مبلغ اسمی هنوز پرداخت نشده است شرکت به صاحبان سهام، گواهینامه موقت با نام می دهد که این گواهینامه در حکم سهم است. (تا زمانی که تمام مبلغ اسمی سهم پرداخت نشده است نمی توان گواهینامه موقت بی نام یا سهم بی نام داد)

شرط صدور گواهینامه موقت سهم و صدور ورقه سهم، ثبت شرکت است و مادامی که شرکت به ثبت نرسیده باشد صدور ورقه سهم یا گواهینامه ممنوع بوده و در صورت تخلف، امضاء کنندگان مسئول جبران خسارت اشخاص ثالث خواهند بود. شرکت باید ظرف مدت یکسال پس از پرداخت تمامی مبلغ اسمی باید ورقه سهم را صادر و به صاحب سهم تسلیم و گواهینامه موقت سهم مسترد و ابطال گردد.

3- نحوه پرداخت مبلغ پرداخت نشده سهام

همانطوری که قبلاً متذکر شدیم پذیره نویسان حداقل سی و پنج درصد مبلغ اسمی سهام را در هنگام پذیره نویسی پرداخت می کنند و برای مابقی آن تعهد به پرداخت می دهند چرا که کسی که تعهد ابتیاع سهمی را نموده است مسئول پرداخت تمامی مبلغ اسمی آن می باشد و در صورتیکه قبل از تادیه تمام مبلغ اسمی سهام آن را به دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهم دارنده سهم مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود. مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه که بیشتر از پنج سال نباید باشد مطالبه می شود و اگر در ظرف مدت مقرر بقیه مبلغ پرداخت نشده مطالبه نشود حیات مدیره باید مجمع عمومی فوق العاده را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند و گرنه هر ذی نفعی خواهد توانست برای تقلیل سرمایه ثبت شده شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده به دادگاه مراجعه نماید. (م 33 لایحه اصلاحی 1347)

هر موقع که شرکت بخواهد تمام یا قسمتی از مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند مراتب را در یک روزنامه کثیرالانتشار که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن منتشر می‌شود به صاحبان فعلی سهام اطلاع می‌دهد و یک مهلت مناسبی را برای پرداخت مبلغ مورد مطالبه مقرر می‌دارد و پس از انقضای مهلت مقرر هر مقداری از مبلغ اسمی که پرداخت نشده باشد خسارت دیرکرد نیز به آن علاوه خواهد شد و شرکت به صاحب سهم اخطار می‌کند و پس از گذشت یک ماه از اخطار اگر مبلغ مورد تعهد پرداخت نشده باشد، شرکت سهام را در بورس و یا از طریق مزایده بفروش رسانده و کلیه هزینه‌های خود را برداشت کرده و مازاد را به صاحب سهم بر می‌گرداند.

هر صاحب سهمی که مبلغ تعهد شده خود را در موعد مقرر پرداخت کنند حق حضور و حق رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهد داشت و حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهم جدید شرکت برای اینگونه صاحبان سهام معلق خواهد شد و برای اینکه بتوانند دوباره در مجامع عمومی حضور یافته و حق رأی داشته باشند باید تمامی بدهی و خسارت خود را بپردازند.

4- نقل و انتقال سهام:

انتقال سهام بی نام با قبض و اقباض بعمل می‌آید چرا که سهام بی نام در حکم اسناد در وجه حامل است و متعلق به کسی شناخته می‌شود که سهم در تصرف وی می‌باشد گواهینامه موقت سهام بی نام نیز در حکم سهام بی نام است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی نام می‌باشد.

انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقال دهنده یا نماینده قانونی او باید انتقال را در دفتر ثبت سهام امضاء کند.

آیا می‌توان نقل و انتقال سهام را در شرکتهای سهامی مشروط به موافقت مدیران شود؟

ماده 41 لایحه اصلاحی 1347 مقرر می‌دارد: «در شرکتهای سهامی عام نقل و انتقال سهام نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی صاحبان سهم بشود.»

5- تبدیل سهام:

هرگاه شرکت بخواهد سهام بی نام خود را به سهام با نام تبدیل کند یا اینکه سهام با نام را به سهام بی نام تبدیل کند باید مطابق مقررات اساسنامه یا مطابق تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده عمل نماید.

برای تبدیل سهام بی نام به سهام با نام مراتب را در روزنامه کثیرالانتشار که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن نشر می‌گردد و در سه نوبت به فاصله پنج روز منتشر شده و یک مهلت شش ماهه را به صاحبان سهام می‌دهد تا نسبت به تبدیل سهام بی نام خود به سهام بانام اقدام کنند. البته در این آگهی تصریح خواهد شد که پس از انقضای مهلت شش ماهه، کلیه سهام بی نام شرکت باطل می‌شود.

اگر در تاریخی که برای تبدیل سهام بی نام به سهام با نام معین شده است تعدادی سهام بی نام بدون تبدیل باقی مانده

باشد به تعداد آنها سهام با نام صادر می‌شود و اگر سهام شرکت در بورس اوراق بهادار پذیرفته شده باشد در بورس، و اگر سهام شرکت در بورس ارائه نشده باشد از طریق حراج به فروش می‌رسد که آگهی حراج حداکثر تا یکماه پس از انقضای مهلت شش ماهه، یک نوبت در روزنامه کثیرالانتشار منتشر شده و تاریخ آگهی و حراج حداقل ده روز و حداکثر یکماه خواهد بود. پس از فروش سهام، ابتدا هزینه‌های شرکت را که برای حراج و فروش سهام صرف شده است را کسر می‌کنند و مازاد آن را در یک حساب بانکی نگه می‌دارند و اگر ظرف ده سال از تاریخ فروش، سهام باطل شده و به شرکت مسترد گردد وجه را به صاحب سهام می‌دهند و اگر در این مدت مراجعه صورت نگیرد این وجوه در حکم مال بلاصاحب بوده و به خزانه دولت منتقل می‌گردد.

برای تبدیل سهام با نام به سهام بی نام مطابق ماده 47 لایحه اصلاحی، مراتب یکبار در روزنامه کثیرالانتشار که آگهی‌های مربوط به شرکت در آن منتشر می‌گردد، نشر می‌شود و مهلتی که نباید کمتر از دو ماه باشد به صاحبان سهام با نام داده می‌شود تا در طی آن برای سهام خود به مرکز شرکت مراجعه کنند. پس از انقضای مهلت دو ماه، سهام بی نام در مرکز شرکت نگهداری خواهد شد و هر موقع که صاحب سهام مراجعه نمود سهام با نام آنان اخذ و باطل شده و در مقابل، سهام بی نام به آنها داده خواهد شد. برای تعویض گواهینامه موقت سهام با اوراق سهام با نام یا بی نام به همین ترتیب که برای سهام با نام و بی نام مقرر شد عمل می‌گردد. اگر صاحب سهامی، سهام خود را طبق اعلام شرکت، تعویض ننموده باشد از حق رأی و حق حضور در مجامع عمومی صاحبان سهام محروم می‌شود. (م 49 لایحه اصلاحی 1347)

شرکت سهامی پس از تبدیل سهام خود باید مراتب را به مرجع ثبت شرکتها اعلام کند تا طبق مقررات به ثبت رسیده و برای اطلاع عموم آگهی گردد. (ماده 48 لایحه اصلاحی 1347)

- اوراق قرضه:

در لایحه قانونی 1347 از ماده 51 تا ماده 71 به اوراق قرضه اختصاص داده شده است. در همین موارد نیز تعریفی از ورقه قرضه ارائه شده است. ماده 52 لایحه اصلاحی 1347 مقرر می‌دارد: «ورقه قرضه قابل معامله‌ای است که معرف مبلغی وام است با بهره معین که تمامی آن یا اجزاء آن در موعد یا مواعد معینی باید مسترد گردد. برای ورقه قرضه ممکن است علاوه بر بهره حقوق دیگری نیز شناخته شود.»

با توجه به این تعریف در می‌یابیم که شرکتها از لحاظ اقتصادی برای دریافت وامهای دراز مدت و برای اینکه بتوانند آن را باز پرداخت کنند از اوراق قرضه استفاده می‌کنند. در حقوق ما کسانی که اوراق قرضه شرکت را خریداری کرده و در پرداخت وام به شرکت سهیم می‌شوند فقط بستانکار شرکت شناخته می‌شوند و هیچ حقی در درون شرکت و اداره شرکت ندارند. (ماده 53 لایحه قانونی 1347)

اوراق قرضه در دو نوع ساده و مرکب وجود دارد که قانونگذار ما نیز به آنها اشراف داشته و این موارد را متذکر شده است.

1- اوراق قرضه ساده

منظور از اوراق قرضه ساده اوراقی هست که پس از انتشار تغییر صورت نمی‌دهد و تا استرداد کامل وجه آن بصورت ورقه قرضه باقی می‌ماند.

از بین شرکتهای سهامی موجود فقط شرکت سهامی عام است که می‌تواند اوراق قرضه را منتشر نماید. (ماده 51 لایحه اصلاحی 1347)

شرکت سهامی عام نیز برای اینکه بتواند اوراق قرضه را منتشر کند باید یکسری شرایطی داشته باشد ماده 55 ماده اصلاحی 1347 شرایط شرکت سهامی عام را برای صدور اوراق قرضه مقرر داشته است. یکی از این شرایط این است که سرمایه ثبت شده شرکت تماماً تادیه شده باشد، چرا که شرکت برای رفع نیاز مالی خود به شرکائی مراجعه میکند که هنوز بستانکار شرکت هستند یعنی بقیه مبلغ اسمی سهام را از سهامداران و کسانی که پذیره نویسی کرده اند مطالبه می‌کند.

یکی دیگر از شرایط صدور اوراق قرضه این است که دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته و دو تراز نامه آن به تصویب مجمع عمومی رسیده باشد. قانونگذار چنین فرض کرده است که پس از گذشت دو سال دوران دشوار آغاز کار شرکت خاتمه یافته و پذیره نویسان می‌توانند به شرکت و امور مالی وی اعتماد کرده و با آگاهی تصمیم بگیرند. شرکت سهامی عام در صورتی میتواند به صدور اوراق قرضه مبادرت کند که علاوه بر دارا بودن شرایط فوق‌الذکر، اساسنامه شرکت به وی چنین اجازه‌ای را داده باشد یعنی در اساسنامه شرکت، صدور اوراق قرضه پیش بینی شده باشد و اگر این امر در اساسنامه پیش بینی نشده باشد مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام می‌توانند بنا به پیشنهاد هیأت مدیره انتشار اوراق قرضه را تصویب و شرایط آن را تعیین کنند. اساسنامه یا مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیأت مدیره شرکت اجازه دهد طی مدتی که از دو سال بیشتر نباشد یک یا چند بار به انتشار اوراق قرضه مبادرت کند. (ماده 56 لایحه اصلاحی 1347). اما میزان وامی که شرکت سهامی می‌تواند در هر بار منتشر کند در قانون معین نشده است بعبارت دیگر مبلغ وام منتشر شده حد معینی ندارد بنابراین هر شرکت سهامی عام می‌تواند بدون توجه به میزان سرمایه‌اش، هر تعداد اوراق قرضه را که مایل باشد منتشر کند. وقتی شرکت سهام عام، تصمیم گرفت که مبادرت به انتشار اوراق قرضه کند تصمیم راجع به فروش اوراق قرضه و شرایط صدور و انتشار آن باید همراه با طرح اطلاعیه انتشار اوراق قرضه کتباً به مرجع ثبت شرکتهای اعلام شود. مرجع ثبت شرکتهای مفاد تصمیم را ثبت و خلاصه آن را همراه با اطلاعیه انتشار اوراق قرضه به هزینه شرکت در روزنامه رسمی آگهی خواهد نمود.

2- اوراق قرضه مرکب

دارنده اوراق قرضه ساده فقط طلبکار شرکت است و در نهایت ارتباط با شرکت قطع می‌شود اما اوراق قرضه مرکب متضمن امتیازات مضاعفی برای دارنده آن است که در قانون پیش بینی شده است. در واقع دارنده ورقه قرضه مرکب

می‌تواند در صورت بهتر شدن وضع اقتصادی شرکت موقعیت طلبکار را ترک کرده و شریک شرکت شود که این امر از دو طریق میسر خواهد شد: پذیره نویسی اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام و پذیره نویسی اوراق قرضه قابل تعویض با سهام.

الف - اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام

اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام به اوراقی گفته می‌شود که دارندگان آن می‌توانند تحت شرایطی که هنگام انتشار این اوراق معین می‌گردد و شریک شرکت شوند. این نوع اوراق قرضه برای دارنده آن متضمن این امتیاز است که می‌تواند در صورتیکه شرکت سودآور باشد با شریک شدن در آن از سود حاصل منتفع گردد و برای شرکت نیز این فایده را دارد که در قبال امتیازی که به دارنده ورقه قرضه می‌دهد، بهره کمتری را به ورقه قرضه اختصاص دهد، ضمن اینکه با شریک شدن دارندگان اوراق قرضه مساله باز پرداخت مبلغ ورقه قرضه نیز منتفی می‌شود.

در شرکت سهامی عام برای اینکه بتوان اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام را منتشر کرد باید مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش خاص بازرسان اتخاذ تصمیم نماید. عبارت دیگر در بدو امر پیشنهاد انتشار اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام با هیأت مدیره است که این پیشنهاد خود را به مجمع عمومی فوق‌العاده می‌دهد و مجمع عمومی فوق‌العاده نیز پس از استماع گزارش بازرسان که در این خصوص تهیه شده است اقدام به اخذ تصمیم می‌نماید. (ماده 71 لایحه اصلاحی 1347)

مجمع عمومی فوق‌العاده اگر نظر به اجازه انتشار اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام را داشته باشد شرایط و مهلتی که طی آن دارندگان اینگونه اوراق خواهند توانست اوراق خود را به سهام شرکت تبدیل کنند تعیین و اجازه افزایش سرمایه را به هیأت مدیره شرکت خواهد داد.

بعبارت دیگر شرکت می‌خواهد اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام را منتشر کند همراه با اجازه انتشار این اوراق که توسط مجمع عمومی فوق‌العاده به هیأت مدیره داده می‌شود، اجازه افزایش سرمایه را نیز به هیأت مدیره می‌دهد.

موقعی که شرکت سهامی عام مبادرت به انتشار اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام نمود به پذیره نویسان اوراق قرضه اعلام میکند که میتوانند تحت شرایطی در قبال اوراق قرضه خود، سهام شرکت را دریافت کنند در این صورت در پایان مهلت مقرر معادل مبلغ باز پرداخت نشده اوراق قرضه‌ای که جهت تبدیل به سهام شرکت عرضه شده است سرمایه شرکت را افزایش میدهند (اجازه این افزایش سرمایه قبلاً توسط مجمع عمومی فوق‌العاده به هیأت مدیره داده شده است.) و این افزایش سرمایه را در مرجع ثبت شرکتهای به ثبت رسانده و سهام جدید را صادر و به دارندگان اوراق قرضه‌ای که در مهلت مقرر برای دریافت وجه خود مراجعه نکرده اند و در واقع با این کار تمایل خود به دریافت سهام شرکت را اعلام داشته اند، داده می‌شود.

ب - اوراق قرضه قابل تعویض با سهام

هیأت مدیره ابتدا پیشنهاد انتشار اوراق قرضه قابل تعویض با سهام را به مجمع عمومی فوق‌العاده میدهد و مجمع عمومی

فوق العاده نیز پس از استماع گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را اقلاً برابر با مبلغ قرضه تصویب میکند.

به دنبال این اقدامات، شرکت سرمایه خود را به مبلغ دست کم که باید معادل مبلغ قرضه باشد افزایش می دهد. تعداد سهام نماینده این افزایش سرمایه باید لااقل معادل تعداد اوراق قرضه‌ای باشد که به شکل قابل تعویض با سهام صادر شده است. این سهام قبل از انتشار اوراق قرضه باید بوسیله یک یا چند بانک یا مؤسسه مالی معتبر که شرایط این بانکها را شورای پول و اعتبار معین میکند، پذیره نویسی شده باشد. در سر رسید اوراق قرضه، هر کسی که تمایل داشته باشد به بانک یا مؤسسه مالی مراجعه کرده و مبلغ اوراق قرضه خود را از آنها مطالبه میکند و هیچ الزامی به تعویض ورقه قرضه با سهام وجود ندارد بلکه تعویض ورقه قرضه با سهام تابع میل و رضایت دارنده ورقه قرضه است. (ماده 64 لایحه اصلاحی 1347)

هر تعداد ورقه‌ای که مسترد نشده و دارندگان آنها خواهان تعویض این اوراق خود با سهام شرکت باشند، به آنها سهام داده خواهد شد و بقیه سهام در مالکیت بانک یا مؤسسه مالی پذیره نویس باقی می ماند.

مساله‌ای که طرح آن بنظر ضروری می آید این است که چه بانک یا مؤسسه‌ای حاضر است که خود را به مخاطره انداخته و در اثر عدم میل و رضایت دارندگان اوراق قرضه، سهام شرکت روی دستش بماند، چرا که مطابق ماده 64 لایحه اصلاحی 1347، تعویض اوراق قرضه با سهام تابع میل رضایت دارنده ورقه قرضه می شود.

در پاسخ باید گفت که مطابق توافقی که میان بانک پذیره نویس و شرکت در مورد پذیره نویسی منعقد می شود این امر پیش بینی می شود و مقدار سهامی که با ورقه قرضه تعویض نشود باطل می شود و شرکت طلب بانک را به وی می پردازد. بدین ترتیب تفاوت میان اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام و اوراق قرضه قابل تعویض با سهام در این است که افزایش سرمایه در اوراق قرضه قابل تعویض با سهام همزمان با انتشار اوراق قرضه بعمل می آید در حالیکه در صورت انتشار اوراق قرضه قابل تبدیل به سهام فقط زمانی که دارنده اوراق قرضه بخواهند اوراق خود را به سهام تبدیل کنند، افزایش سرمایه صورت می گیرد.

انتشار اوراق قرضه قابل تعویض با سهام دارای نتایجی است که قانونگذار ما در چند ماده این نتایج را پیش بینی کرده است.

اول اینکه پس از انتشار اوراق قرضه و تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه شرکت نمی تواند اوراق قرضه جدید قابل تعویض یا قابل تبدیل ابهام منتشر کند یا سرمایه خود را مستهلک سازد یا آن را از طریق باز خرید سهام کاهش دهد یا اقدام به تقسیم اندوخته کند یا در نحوه تقسیم منافع تغییراتی بدهد. کاهش سرمایه شرکت در نتیجه زیانهای وارده که به منتهی به تقلیل مبلغ اسمی سهام و یا تقلیل عده سهام بشود شامل سهامی که دارندگان اوراق قرضه در نتیجه تبدیل اوراق خود دریافت میدارند می گردد و چنین تلقی می شود که اینگونه دارندگان اوراق قرضه از همان موقع انتشار اوراق

مزبور سهامدار شرکت بوده اند. (ماده 65 لایحه اصلاحی 1347)

دوم اینکه مطابق ماده 67 لایحه قانونی 1347، سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می‌شود با نام بوده و تا انقضای موعد یا مواعد اوراق قرضه وثیقه تعهد پذیره نویسان در برابر دارندگان اوراق قرضه دایر به تعویض سهام با اوراق مذکور می‌باشد و نزد شرکت نگهداری خواهد شد اینگونه سهام تا انقضاء موعد یا مواعد اوراق قرضه فقط قابل انتقال به دارندگان اوراق مزبور بوده و نقل و انتقال اینگونه سهام در دفاتر شرکت ثبت نخواهد شد مگر وقتی که تعویض ورقه قرضه با سهام احراز گردد.

سوم اینکه: سهامی که جهت تعویض با اوراق قرضه صادر می‌شود و مادامی که این تعویض بعمل نیامده باشد تا انقضاء موعد یا مواعد اوراق قرضه قابل تأمین و توقیف نخواهد بود.

- ارکان شرکت سهامی:

سازماندهی شرکت سهامی بر عهده سه رکن اصلی شرکت می‌باشد: رکن تصمیم گیرنده (مجمع عمومی) رکن اداره کننده (هیأت مدیره) و رکن نظارت کننده (بازرس)

مجمع عمومی صاحبان سهام به منزله فرمانده قواست و ارکان دیگر شرکت باید گزارش طرز کار شرکت را تهیه کرده و به مجمع عمومی بدهد. تصمیمات مهم و حیاتی شرکت توسط مجمع عمومی اتخاذ می‌شود ولی مجمع عمومی ساز و کار پیچیده و وقت گیری دارد و نمی‌توان برای اداره شرکت هر روز مجمع عمومی را دعوت کرد بلکه برای رفع این مشکل هیأت مدیرانی را در نظر گرفته اند که در رأس آنها مدیر عامل است که کارهای روزانه شرکت را بر عهده می‌گیرد. اما مدیران شرکت را نمی‌توان به حال خود تعجب کرد بلکه اشخاص را بعنوان بازرس معین می‌کنند تا بر امور شرکت نظارت کننده و وضعیت شرکت و طرز عمل مدیران را گزارش نمایند.

1- مجمع عمومی

مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود و صورت واحدی ندارد بلکه چندین مجمع عمومی برای شرکتهای سهامی پیش بینی شده است یکی از این مجامع مجمع عمومی مؤسس است که در واقع اولین اجتماع صاحبان سهام برای تصویب اساسنامه و تعیین مدیران و بازرسان شرکت است یکی دیگر از این مجامع، مجمع عمومی عادی است که بطور سالانه و برای تصویب حسابها و سایر امور تشکیل می‌شود و بالاخره نوع دیگر از این مجامع، مجمع عمومی فوق العاده است که برای تغییر اساسنامه و امور دیگری که قانونگذار بر عهده این مجمع گذارده است تشکیل شود.

الف - مجمع عمومی مؤسس

مجمع عمومی مؤسس زمانی تشکیل می‌شود که مهلتی که برای پذیره نویسی معین شده است منقضی شود و مؤسسین حداکثر تا یک ماه به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی و پس از اینکه احراز کردند تمام سرمایه شرکت صحیحاً تعهد شده

و از این مقدار حداقل سی و پنج درصد آن نقداً پرداخت شده است. مجمع عمومی مؤسس پس از اینکه تشکیل جلسه داد به تعهدات پذیره نویسان رسیدگی می‌کند و به بررسی پذیره نویسی می‌پردازد تا پذیره نویسی کلیه سهام شرکت صورت گرفته باشد و مبالغ لازم تادیه شده باشد.

مجمع عمومی مؤسس سپس در مورد طرح اساسنامه شرکت به شور و بررسی می‌پردازد.

ولی سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا مجمع عمومی مؤسس می‌تواند قسمتهایی از طرح اساسنامه را تغییر دهد؟ دکتر اسکینی به این سوال اینگونه جواب می‌دهند که مطابق ماده 83 لایحه قانونی 1347 تغییر اساسنامه فقط در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است و مجامع دیگر چنین حقی ندارند.

اما از ظاهر بند دوم ماده 74 لایحه اصلاحی چنین بر می‌آید که مجمع عمومی مؤسس حق اصلاح اساسنامه را دارد از این رو بین مواد 83 و 74 لایحه 1374 تعارض ظاهری به وجود می‌آید. دکتر اسکینی به این موارد این گونه پاسخ می‌دهند که میان این دو ماده تعارض وجود ندارد چرا که بند 2 ماده 74 لایحه اصلاحی از ضد اصلاح طرح اساسنامه صحبت می‌کند که به معنی اصلاح عبارتی است نه تغییر در آن.

از نظر منطقی نیز نباید به مجمع عمومی مؤسس حق تغییر در مواد اساسنامه را داد چرا که پذیره نویسان با توجه به مفاد طرح اساسنامه رضایت خود به شریک شدن در شرکت اعلام داشته اند.

مجمع عمومی مؤسس یکی دیگر از عواملی را که بر عهده دارد انتخاب اولین مدیران و بازرسان شرکت سهامی است که این مدیران و بازرسان باید بطور کتبی قبول سمت کنند و این قبول سمت بخودی خود دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم به تکالیف و مسئولیتهای سمت خود عهده دار آن گردیده اند.

مجمع عمومی مؤسس علاوه بر این وظایفی که بر عهده دارد باید روزنامه کثیرالانتشاری که اطلاعیه‌های مربوط به شرکت در آن منتشر می‌شود را تعیین کنند مجمع عمومی مؤسس با حضور عده‌ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده اند تشکیل می‌شود و اگر در اولین دعوت اکثریت مزبور حاصل نشد مجامع عمومی جدید فقط تا دو نوبت توسط مؤسسین دعوت می‌شوند. مجمع عمومی مؤسس جدید با حضور دارندگان لااقل یک سوم سرمایه شرکت قانونی است.

اگر بار سوم اکثریت مورد نیاز (یک سوم تعهد کنندگان سهام) حاضر نشد مؤسسین عدم تشکیل شرکت را اعلام می‌کنند. تصمیمات مجمع عمومی مؤسس با اکثریت دو سوم حاضران آغاز می‌شود و هر سهم دارای یک رأی است. و کلیه مؤسسین و پذیره نویسان حق حضور در مجمع عمومی مؤسس را خواهند داشت. همانطوری که قبلاً گفته شد برای تشکیل شرکت سهامی عده‌ای به عنوان مؤسس اولین اعمال و اقدامات لازم برای تشکیل شرکت را به انجام می‌رسانند و وقتی اعلامیه پذیره نویسی را منتشر کردند پس از اتمام پذیره نویسی به بررسی تعهدات پذیره نویسان می‌پردازند و اگر قسمتی از آورده مؤسسین غیر نقد باشد مؤسسین قبل از دعوت مجمع عمومی مؤسس نظر کتبی کارشناسان رسمی

دادگستری را در این مورد جلب می‌کنند و آن را در اختیار مجمع عمومی مؤسس قرار می‌دهند و اگر مؤسسین برای خود مزایایی را مطالبه کرده باشند باید توجیه آن به مجمع عمومی مؤسس داده شود (ماده 76 لایحه اصلاحی 1347) این امر برای شرکتهای سهامی خاص نیز لازم است. (ماده 82 لایحه قانونی مجمع عمومی مؤسس وقتی تشکیل شد به بررسی آورده غیر نقد مؤسسین و مزایای مطالبه شده آنها می‌پردازند در حین رأی گیری و تصمیم گیری در مورد آورده غیر نقد و مزایای مؤسسین آنها حق رأی نخواهند داشت (ماده 77 لایحه اصلاحی 1347) هر گاه آورده غیر نقد و مزایای مطالبه شده مؤسسین تصویب نگردد جلسه دیگری تشکیل می‌شود و در این جلسه اگر مؤسسین به جای آورده غیر نقد آن را تبدیل کنند یا اینکه از مزایای مورد مطالبه خود انصراف دهند می‌توانند در شرکت باقی بمانند در غیر اینصورت تعهد آنان نسبت به سهام خود باطل می‌شود و سایر پذیره نویسان می‌توانند بجای آن سهام شرکت را تعهد و مبالغ لازم را تادیه کنند.

اگر در جلسه دوم که برای بررسی آورده غیر نقدی مؤسسین و مزایای آنها تشکیل می‌شود معین شود که در اثر خروج عده‌ای از مؤسسین و عدم تعهد و تادیه سهام آنها از سوی سایر پذیره نویسان قسمتی از سرمایه شرکت تعهد نشده است و شرکت بدین ترتیب قابل تشکیل نباشد مؤسسین باید ظرف مدت ده روز از تاریخ تشکیل آن مجمع مراتب را به مرجع ثبت شرکتهای اطلاع دهند تا مرجع ثبت شرکتهای گواهی عدم تشکیل شرکت را صادر کنند.

ب- مجمع عمومی فوق‌العاده

مجمع عمومی فوق‌العاده از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود و با توجه به اساسنامه شرکت ممکن است داشتن حداقل معینی از سهام را شرط حضور در مجمع و شرط داشتن حق رأی معرفی نمایند. حق حضور در مجمع با داشتن حق رأی متفاوت است چرا که ممکن است اساسنامه داشتن حداقل خاصی از سهام را برای داشتن حق رأی لازم بداند در اینصورت سهامدارانی که حد نصاب مذکور از سهام را مالک نباشند فقط حق حضور در مجمع عمومی را دارند بدون آنکه حق رأی داشته باشند.

سوالی که مطرح می‌شود این است که هرگاه اساسنامه شرکت داشتن حداقل معینی از سهام با شرط داشتن حق رأی در مجمع قرار دهد آیا سهامدارانی که تعداد سهام آنها از حداقل مقرر کمتر است می‌توانند به یک نفر تا اندازه‌ای که تعداد سهام برای داشتن حق رأی کافی باشد برای دادن رأی در مجمع عمومی وکالت دهند؟

در پاسخ باید گفت که از آنجا که سهامداران مذکور حق رأی در مجمع را ندارند همین علت با توجه به قاعده مقرر در قانون مدنی ماده 662 نمی‌توانند این حق را به دیگری توکیل کنند. ماده 662 قانون مدنی مقرر می‌دارد: (وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آنرا بجا آورد)

برای تشکیل مجمع عمومی فوق‌العاده دارندگان پیش از نصف سهامی که حق رأی دارند باید حاضر باشند و اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت و با حضور دارندگانی بیش از یک سوم سهامی که حق

رأی دارند رسمیت یافته و اتخاذ تصمیم خواهند نمود به شرط آنکه در دعوت دوم نتیجه دعوت اول قید شده باشد (ماده 84 لایحه اصلاحی) مساله‌ای که مطرح می‌شود این است که اگر جلسه دوم بدلیل عدم حضور دارندگان بیش از یک سوم سهام رسمیت نیابد آیا می‌توان جلسه سومی هم تشکیل داد دکتر اسکینی به این سوال جواب منفی می‌دهد چرا که قانونگذار این امر را پیش بینی نکرده است حد نصابی که برای تشکیل جلسه در نظر گرفته شده است باید در هنگام رأی گیری نیز موجود باشد پس اگر در موقع رأی گیری حد نصاب لازمه (حضور دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند) حضور نداشته باشند این رأی گیری معتبر نخواهد بود.

نحوه اخذ تصمیمات در مجمع عمومی فوق العاده با اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمی می‌باشد (ماده 85 لایحه اصلاحی) این قاعده، قاعده آمره می‌باشد و نمی‌توان در اساسنامه خلاف آن را پیش بینی نمود صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده در ماده 83 لایحه اصلاحی 1347 پیشگیری شده است.

مطابق این ماده هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده می‌باشد.

هدف قانونگذار از انحصار صلاحی مجمع عمومی فوق العاده در تغییر مفاد اساسنامه و یا تغییر در سرمایه شرکت یا انحلال قبل از موعد شرکت این است که مجمع عمومی فوق العاده نمی‌تواند صلاحیت خود را به هیأت مدیره تفویض کند یا تغییرات مذکور را در صلاحیت مجمع عمومی عادی قرار دهد.

مجمع عمومی فوق العاده و همچنین مجمع عمومی عادی نمی‌توانند در مورد بعضی از امور مندرج در اساسنامه تصمیم گیری کنند از جمله:

1- به موجب ماده 94 لایحه اصلاحی هیچ مجمع عمومی نمی‌تواند تعهدات شرکت را تغییر دهد یا اینکه بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید.

2- مجمع عمومی فوق العاده حق خدشه وارد کردن به حقوق فردی شناخته شده صاحبان سهام را ندارد مانند اینکه یکی از صاحبان سهام را اخراج کنند یا این شخص را از دادن رأی محروم کند.

3- مجمع عمومی نمی‌تواند دست به اتخاذ تصمیماتی بزند که در صلاحیت مجمع عمومی عادی یا نهادهای دیگر شرکت می‌باشد، مانند انتخاب هیأت مدیره که در صلاحیت هیأت مدیره است.

ج - مجمع عمومی عادی:

مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار تشکیل شود به همین علت به آن مجمع عمومی سالانه نیز گفته می‌شود البته نباید به شرایطی هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان شرکت می‌توانند در صورت ضرورت مجمع عمومی عادی را بطور فوق العاده در طول سال دعوت کنند که شرایط تشکیل و رأی گیری آن همانند مجمع عادی سالانه خواهد بود.

مطابق ماده 87 لایحه اصلاحی مجمع عمومی عادی برای اینکه رسمیت یابد باید دارندگان اقلای بیش از نصف سهامی که

حق رأی دارند حاضر باشند و اگر دوباره اول چنین حد نصابی حاصل نشود مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود و با حضور هر عده از صاحبان سهام که حق رأی دارند رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهند نمود.

از ظاهر ماده 87 لایحه اصلاحی می‌توان استنباط کرد که اساسنامه شرکت می‌تواند حق رأی سهامداران در مجمع عمومی عادی را منوط به دارا بودن تعداد معینی از سهام بکند.

نحوه اتخاذ تصمیم در مجمع عمومی عادی مطابق ماده 88 لایحه اصلاحی با اکثریت نصف بعلاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی صورت می‌گیرد مگر در مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی کافی خواهد بود.

در مورد انتخاب مدیران تعداد آراء هر رأی دهنده در عدد مدیرانی که باید انتخاب شوند ضرب می‌شود و حق رأی هر رأی دهنده برابر حاصل ضرب مذکور خواهد بود و رأی دهنده می‌تواند آراء خود را به یک نفر بدهد یا آن را بین چند نفری که مایل باشد تقسیم کند و اساسنامه شرکت نمی‌تواند خلاف این ترتیب را مقرر دارد. مطابق ماده 86 لایحه اصلاحی مجمع عمومی می‌تواند نسبت به کلیه امور شرکت بجز آنچه در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق‌العاده است تصمیم بگیرد.

مجمع عمومی عادی باید سالی یک بار در موقعی که در اساسنامه پیش بینی شده است برای رسیدگی به تراز نامه و حساب سود و زیان سال مالی قبل و صورت دارائی و مطالبات و دیون شرکت و صورتحساب دوره عملکرد سالیانه شرکت و رسیدگی به گزارشات مدیران و بازرس یا بازرسان و سایر امور مربوط به حسابهای سالی مالی تشکیل شود. (ماده 89 لایحه اصلاحی) تبصره ماده 89 لایحه اصلاحی مقرر می‌دارد که بدون قرائت گزارش بازرس یا بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به تراز نامه و حساب سود و زیان سالی مالی معتبر نخواهد بود.

علاوه بر این موارد ممکن است تصمیمات مهم دیگری نیز در مجمع عمومی عادی اتخاذ شود مانند نصب و عزل مدیران یا انتخاب بازرس یا بازرسان و عزل آنها.

یکی دیگر از مواردی که می‌توان در اساسنامه پیش بینی کرد و آن را در صلاحیت مجمع عمومی عادی قرار داد این است که بعضی از اموری را که دارای اهمیت هستند و در صلاحیت هیأت مدیره است بدلیل اهمیت این امور حتماً باید به تائید مجمع عمومی عادی برسند. یکی از این موارد معاملاتی هستند که بین شرکت و یکی از اعضای هیأت مدیره منعقد می‌شود که اگر این معاملات به تصویب مجمع عمومی نرسد قابل ابطال خواهند بود.

- نکاتی درباره دعوت مجمع عمومی عادی:

- دعوت مجمع عمومی عادی بطور اصولی مختص هیأت مدیره شرکت است.
- هرگاه هیأت مدیره بنا به دلایلی به وظیفه خود در دعوت مجمع عمومی عادی عمل نکنند سهامدارانی که اقلایک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را از هیأت مدیره خواستار شوند و هیأت مدیره باید حداکثر تا بیست روز مجمع مورد درخواست را با رعایت تشریفات مقرر در قانون دعوت کند در غیر اینصورت،

درخواست کنندگان می‌تواند دعوت مجمع عمومی را از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهند و بازرسان مکلف هستند حداکثر تا ده روز مجمع عمومی عادی را دعوت کنند و گرنه سهامدارانی که اقلاً یک پنجم سرمایه شرکت را در اختیار دارند می‌توانند مجمع عمومی را مستقیماً دعوت کنند.

اما مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که آیا سهامدارانی که اقلاً دارای یک پنجم سرمایه شرکت هستند برای دعوت مجمع عمومی عادی حتماً باید دلیل مثبت باشند؟

در حقوق فرانسه گفته شده که برای آنکه سهامدارانی بتوانند هیأت مدیره را وادار کنند که مجمع عمومی را دعوت کند باید عهد کنند که منفعت شرکت آن را ایجاد می‌کند و تشخیص منفعت هم با دادگاه است.

اما در حقوق ما قانونگذار در واقع امر چنین تلقی کرده است که همین که سهامداران دارای حداقل یک پنجم سرمایه شرکت تقاضای تشکیل جلسه کنند، بیانگر وضعیتی است که تشکیل مجمع عمومی را توجیه می‌کند.

- هرگاه مدت مأموریت مدیران منقضی شود هیأت مدیره تا زمان انتخاب مدیران جدید وظایف خود را انجام می‌دهد ولی اگر در این مورد اقدام به دعوت مجمع عمومی نکند هر ذی نفعی می‌تواند از مرجع ثبت شرکتها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا کند.

- برگزاری جلسات مجمع عمومی عادی:

ماده 101 لایحه اساسی مقرر می‌دارد مجامع عمومی توسط هیأت رئیسه‌ای مرکب از یک رئیس و یک منشی و دو ناظر اداره می‌شود در صورتیکه ترتیب دیگری در اساسنامه پیش بینی نشده باشد ریاست مجمع با رئیس هیأت مدیره خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آنها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در اینصورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. ناظران از بین صاحبان سهام انتخاب خواهند شد ولی منشی جلسه ممکن است صاحب سهم نباشد.

- مقررات مشترک مجامع عمومی:

مجامع عمومی (مؤسس، فوق‌العاده، عادی) وجه مشترکی که با هم دارند این است که همگی آنان از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شوند و هر صاحب سهمی که دارای تعداد لازم سهام برای حق حضور و حق رأی باشد می‌تواند خودش یا وکیل یا قائم مقام قانونی وی در مجامع عمومی حاضر شوند و اگر صاحب سهمی شخصیت حقوقی داشته باشد نماینده شخصیت حقوقی می‌تواند در مجمع حاضر شود علی‌الحال وکیل یا نماینده مزبور باید مدرک وکالت یا نمایندگی را ارائه بدهد که در اینصورت به منزله حضور خود صاحب سهم است (ماده 102 لایحه اصلاحی اگر مجمع عمومی که برای رسیدگی به اموری تشکیل جلسه داده است نتواند به همه امور مربوطه رسیدگی کند هیأت رئیسه مجمع با تصویب مجمع می‌تواند اعلام تنفس کند و تاریخ جلسه را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند (ماده 104 لایحه اصلاحی)

در مواردی که تصمیمات مجمع عمومی متضمن انتخاب مدیران و بازرس یا بازرسان شرکت یا متضمن تصویب ترازنامه یا کاهش و افزایش سرمایه و یا تغییر در اساسنامه یا انحلال شرکت و نحوه تصفیه آن باشد یک نسخه از صورتجلسه مجمع باید جهت ثبت به مرجع ثبت شرکتها ارسال گردد.

1- هیأت مدیره

در لایحه قانونی 1347 قانونگذار به اداره جمعی شرکت بوسیله مدیران جنبه قانونی داده و پیش بینی کرده است که اداره شرکت سهامی بر عهده هیأت مدیره است و هیأت مدیره باید حداقل یک شخص حقیقی را به مدیریت عامل شرکت انتخاب کنند که در مقابل اشخاص ثالث به نمایندگی از طرف شرکت حق امضاء داشته باشد.

هیأت مدیره هر شرکت سهامی را باید متشکل از تعداد مدیرانی باشد که قانونگذار معین کرده است. مطابق ماده 107 لایحه قانونی 1347 بوسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل باشند اداره خواهد شد عده اعضای هیأت مدیره در شرکتهای سهامی عام نباید از پنج نفر کمتر باشد که این ماده در تضاد آشکار با ماده 3 لایحه قانونی 1347 قرار دارد که مقرر داشته است که تعداد شرکاء شرکت سهامی نباید از سه نفر کمتر باشد. برای حل این تضاد باید گفت که ماده 107 لایحه قانونی مربوط به شرکتهای سهامی عام است و ماده 3 لایحه قانونی مربوط به شرکتهای سهامی خاص می‌باشد.

با توجه به این ماده حداقل تعداد مدیران در شرکت سهامی خاص سه نفر خواهد بود چرا که هیأت مدیره بصورت انفرادی نمی‌تواند محقق شود و تصمیمات آن باید به اکثریت آراء حاضرین اتخاذ شود.

مدیران شرکت در بدو تأسیس شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس انتخاب می‌شوند و در طول حیات شرکت توسط مجمع عمومی عادی انتخاب می‌شوند. (ماده 108 لایحه قانونی)

مدت مأموریت مدیران در اساسنامه معین می‌شود ولی این مدت از دو سال تجاوز نمی‌کند.

یکی دیگر از شرایط احراز سمت مدیریت در شرکت سهامی، سهامدار بودن می‌باشد. مدیران شرکت باید سهامدار شرکت باشند؛ مطابق ماده 114 لایحه قانونی مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است دارا باشند و این تعداد سهام نباید از تعداد سهامی که به موجب اساسنامه جهت دادن رأی در مجامع عمومی لازم است کمتر باشد.

اما سوالی که مطرح می‌شود این است که مدیران این تعداد سهام به چه منظوری نیاز است و هدف از قرار دادن شرط مالکیت مدیر بر تعداد معینی سهام چیست؟

این سهام برای تضمین خساراتی است که ممکن است از تقصیرات مدیران منفرداً یا مشترکاً بر شرکت وارد آید این سهام با نام هستند و قابل انتقال نیستند و مادام که مدیری مفاصا حساب دوره تصدی خود در شرکت را دریافت نداشته است سهام مذکور در صندوق شرکت بعنوان وثیقه باقی خواهد ماند. (ماده 114 لایحه قانونی)

منظور از مفاصا حساب دوره تصدی مدیران، تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت برای همان دوره

مالی می‌باشد و پس از تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان دوره مالی که طی آن مدت مدیریت مدیران منقضی یا به هر نحو دیگری از آنان سلب سمت شده است سهام مورد وثیقه اینگونه مدیران خود به خود از قید وثیقه آزاد می‌شود. (ماده لایحه قانونی)

اما شریک باید از چه زمانی دارای سهم باشد تا بتواند مدیر شود؟ مدیران باید در هنگام انتخاب به سمت مدیریت مالک سهم در شرکت باشند و در صورتیکه مدیری در هنگام انتخاب شدن مالک تعداد سهام لازم نباشد یا در طول مدت مدیریت سهام لازم را از دست بدهد باید ظرف مدت یکماه تعداد سهام لازم را تهیه کند و به مشارکت بسپارد و گرنه منتفی محسوب می‌شود. (ماده 115 لایحه قانونی)

سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود؟ ماده 110 لایحه قانونی به این سوال جواب مثبت می‌دهد و متذکر می‌شود که اشخاص حقوقی را می‌توان به مدیریت شرکت انتخاب نمود در این صورت شخص حقوقی همان مسئولیتهای مدنی شخص حقیقی عضو هیأت مدیره را داشته و باید یک نفر را به نمایندگی دائمی خود جهت انجام وظایف مدیریت معرفی نماید. نماینده شخصیت حقوقی همان شرایط و تعهدات و مسئولیتهای مدنی و جزائی عضو هیأت مدیره را داشته و از جهت مدنی با شخص حقوقی که او را به نمایندگی تعیین نموده است مسئولیت تضامنی خواهد داشت.

مسئله اساسی در مورد این ماده (ماده 110 لایحه قانونی) مسئولیت نماینده شخصیت حقوقی است که شخصاً دارای مسئولیت بوده و مسئولیت او مسئولیت تضامنی می‌باشد در حالیکه نماینده شخصیت حقوقی وکیل شخص حقوقی است و باید دستورات موکل را در هیأت مدیره اجرا کند پس چگونه است که نماینده شخص (نماینده) مسئولیت شخصی داشته باشند؟ در جواب این مسئله باید گفت که نماینده شخص حقوقی در عین اینکه وکیل شخص حقوقی است به عنوان رکنی از ارکان شرکت منصوب میشود و بنابراین باید مسئولیت شخصی داشته باشد.

- تعداد اعضای هیأت مدیره

تعداد اعضای هیأت مدیره در اساسنامه شرکت معین میشود و در هر حال اساسنامه میتواند حد نصاب معینی را برای هیأت مدیره در نظر بگیرد که این حد نصاب نمی‌تواند برای شرکت‌های سهامی عام از 5 نفر و در شرکت‌های سهامی خاص از 3 نفر کمتر باشد.

اما اگر تعداد اعضای هیأت مدیره بر اساس فوت یا استعفا یا سلب شرایط از یک یا چند نفر از مدیران، از حداقل مقرر در قانون کمتر شود اعضاء علی‌البدل به ترتیب مقرر در اساسنامه والا به ترتیب مقرر توسط مجمع عمومی جای آنان را خواهند گرفت و در صورتی که اعضاء علی‌البدل تعیین نشده باشد و یا تعداد اعضاء علی‌البدل کافی برای تصدی محل‌های خالی در هیأت مدیره نباشد مدیران باقی مانده باید بلافاصله مجمع عمومی عادی شرکت را جهت تکمیل اعضاء هیأت مدیره دعوت نمایند. (ماده 112 لایحه قانونی)

- نکاتی چند در رابطه با ماده 112 لایحه قانونی:

استعفای مدیر یا ارادی است یعنی خود استعفا میکند یا اینکه استعفا وی اجباری است. منظور از سلب شرایط در صدر و ماده این است که مدیر معزول شود یا به دلیلی از دلایل قانونی از ادامه سمت مدیریت ممنوع گردد یعنی یا محجور شود یا ورشکسته یا مرتکب جرمی شود یا اینکه مدت مدیریت مدیر منقضی شود.

مقررات این ماده ناظر به موردی است که تعداد اعضاء هیأت مدیره از حداقل مقرر در قانون کمتر شود که این حداقل برای شرکتهای سهامی عام 5 نفر و برای شرکتهای سهامی خاص 3 نفر است. اگر تعداد اعضاء هیأت مدیره از حداقلی که در اساسنامه معین شده کمتر شود در این صورت به چه ترتیبی باید اقدام گردد؟ مسلم است که اگر تعداد اعضاء علی البدل به حدی باشد که بتوان هیأت مدیره را بر اساس دستور العمل اساسنامه تکمیل کرد اعضای علی البدل جایگزین سمتهای خالی خواهند شد اما اگر اعضاء علی البدل معین نشده باشند یا تعداد آنها کم باشند مجمع عمومی عادی برای انتخاب مدیران دعوت میشوند.

هرگاه تمام اعضاء هیأت مدیره شرایط مدیریت را از دست بدهند (همگی استعفا دهند یا فوت شوند) و همچنین اگر اعضاء باقی مانده هیأت مدیره به وظیفه قانونی خود در دعوت مجمع عمومی برای انتخاب مدیران عمل نکند ذینفع حق دارد از بازرس یا بازرسان شرکت بخواهد که به دعوت مجمع عمومی عادی جهت تکمیل عده مدیران با رعایت تشریفات لازم اقدام کنند و بازرس یا بازرسان مکلف به انجام چنین درخواستی می‌باشند. (ماده 113 لایحه قانونی)

- محرومیت از مدیریت شرکت سهامی:

قانونگذار به منظور حفاظت و صیانت از سلامت اداری شرکت، بعضی از اشخاص را از عضویت در هیأت مدیره شرکت سهامی محروم کرده است. ماده 111 لایحه قانونی مقرر داشته است که محجورین و کسانیکه حکم ورشکستگی آنها صادر شده است نمی‌توانند به سمت مدیریت شرکت منصوب شوند. ماده 111 لایحه قانونی در بند دوم خود مقرر داشته است که: به کسانیکه به علت ارتکاب جنایت یا یکی از جنبه‌های ذیل به موجب حکم قطعی از حقوق اجتماعی کلاً یا بعضاً محروم شده باشند که این جرایم عبارتند از سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری، جرایمی که در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده، اختلاس، تدلیس، یا تصرف غیر قانونی در اموال عمومی.

اگر شخص بر خلاف مفاد این ماده (ماده 111 لایحه قانونی) به سمت مدیریت شرکت انتخاب شود هر ذینفع می‌تواند از دادگاه شهرستان تقاضای عزل مدیر را بنماید که این حکم عزل قطعی می‌باشد.

اما باید متذکر شد که همه اعمال و اقدامات مدیری که بر خلاف مقررات مزبور به سمت مدیریت انتخاب شده است در مقابل اشخاص ثالث نافذ و معتبر است و نمی‌توان به عضو عدم اجرای تشریفات مربوط به طرز انتخاب آنها اعمال و اقدامات آنان را غیر معتبر دانست. (ماده 135 لایحه قانونی)

- حقوق و تکالیف فردی مدیر:

مسئله‌ای که مطرح می‌باشد این است که آیا مدیر شرکت سهامی می‌تواند که در عین حال کارمند شرکت و به تعبیر قانون گذار، موظف باشد؟ راه حل قانون گذار ایران بر آزادی اراده استوار است و این امر را به نظر شرکای شرکت محول کرده است که اگر این امر را تصویب کنند، قانون مانع اراده آنها نخواهد بود. بنابراین در شرکت سهامی مدیر می‌تواند یا موظف باشد یا غیر موظف مدیران موظف، یعنی مدیرانی که علاوه بر عضویت در هیأت مدیره، سمت دیگری در شرکت دارند. مدیران غیر موظف مدیرانی هستند که به جز رابطه مدیریت ارتباط کاری دیگری با شرکت ندارند. مجمع عمومی عادی می‌تواند پرداخت مبلغی را به چنین مدیرانی بابت شرکت در جلسات هیأت مدیره تصویب کند. مبلغ قابل پرداخت به اعضای هیأت مدیره که معمولاً با عنوان «حق جلسات» شناخته میشوند به همه اعضاء پرداخت میشود مگر کسانی که غایب بوده اند. علاوه بر حق الزحمه‌ای که برای مدیران غیر موظف با عنوان «حق جلسات» در نظر گرفته شده است در صورت پیش بینی اساسنامه مجمع عمومی می‌تواند تصویب کند که نسبت معینی از سود خالص سالانه شرکت به عنوان پاداش به اعضاء هیأت مدیره تخصیص داده شود که این نسبت از سود خالص در شرکتهای سهامی عام از 5 درصد و در شرکتهای سهامی خاص از 10 درصد نباید بیشتر باشد. (ماده 134 لایحه قانونی و ماده 241 لایحه قانونی)

- اختیارات هیأت مدیره:

هیأت مدیره باید در اولین جلسه خود و از بین اعضاء هیأت یک رئیس و یک نایب رئیس را که باید شخص حقیقی باشند انتخاب کنند. مدت ریاست رئیس و نیابت نایب رئیس هیأت مدیره بیش از مدت عضویت آنها در هیأت مدیره نخواهد بود (ماده 119 لایحه قانونی) برای تشکیل جلسات هیأت مدیره حضور بیش از نصف اعضاء هیأت مدیره لازم است و تصمیمات باید به اکثریت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آنکه در اساسنامه اکثریت بیشتری مقرر شده باشد. (ماده 121 لایحه قانونی)

ترتیب دعوت و تشکیل جلسات هیأت مدیره در اساسنامه معین میشود ولی در هر صورت عده‌ای از مدیران که حداقل یک سوم اعضاء آن باشند می‌توانند در صورتیکه از تاریخ تشکیل آخرین جلسه هیأت مدیره حداقل یکماه گذشته باشد با ذکر دستور جلسه هیأت مدیره را دعوت نماید. (ماده 122 لایحه قانونی). یکی دیگر از اختیارات هیأت مدیره این است که حداقل یک نفر شخص حقیقی را به مدیر عامل شرکت انتخاب می‌کنند و حدود اختیارات و مدت تصدی و حق الزحمه او را تعیین می‌کنند. هیأت مدیره می‌تواند شخصی را از خارج شرکت به عنوان مدیر عامل شرکت انتخاب کند یا اینکه شخصی را از بین هیأت مدیره به عنوان مدیر عامل انتخاب کنند که در این صورت مدت تصدی وی بیشتر از مدت عضویت وی در هیأت مدیره نخواهد بود. مدیر عامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیأت مدیره باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر مجمع عمومی. هیأت مدیره توانایی عزل مدیر عامل در هر برهه‌ای از زمان را دارد. (ماده 124 و 125 لایحه قانونی) مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است نماینده

شرکت محسوب شده و از طرف شرکت حق امضاء دارد. (ماده 125 لایحه قانونی)

اصولاً مدیر عاملی که یک امر مباشرتی است و مدیر عامل حق ندارد کارهای خود را از طریق دیگران انجام دهد مگر اینکه این اختیار (وکالت در توکیل) در اساسنامه یا بوسیله هیأت مدیره به او داده باشد در این صورت مدیر عامل می تواند معاونانی برای خود انتخاب کند که در هر حال مسئولیت اعمال آنها با مدیر عامل است و باید در کار آنها نظارت کند.

اختیارات مدیر عامل محدود به میزانی است که توسط هیأت مدیره به او اعطا میشود و مقررات ماده 118 لایحه قانونی صرفاً راجع به اختیارات هیأت مدیره است و در مورد مدیر عامل صادق نیست و مقررات ماده 135 لایحه قانونی صرفاً بیانگر غیر قابل استناد بودن بطلان عملیات انتخاب مدیران (هیأت مدیره و مدیر عامل) در برابر اشخاص ثالث است از این رو استناد به مقررات ماده 118 و 135 در مورد حدود اختیار مدیر عامل غیر موجه است.

مقررات ماده 128 لایحه قانونی و ماده 7 ثبت شرکتهای اختیارات مدیر عامل را در حدودی دانسته که بوسیله هیأت مدیره تعیین شده و در اداره ثبت شرکتهای به ثبت رسیده است.

هیأت مدیره مکلف است بعد از انقضای سالی مالی شرکت مجمع عمومی سالانه را برای تصویب عملیات سالی مالی قبل و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت دعوت نماید. (ماده 13 لایحه قانونی)

هیأت مدیره مکلف است هر سال یک بیستم سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی موضوع نماید همین که میزان اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه شرکت رسید موضوع کردن اندوخته قانونی اختیاری خواهد بود. (ماده 140 لایحه قانونی)

هیأت مدیره تکلیفی را نیز در رابطه با دعوت مجمع عمومی فوق العاده در موقعی که بر اثر زیانهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود، بر عهده دارد و پس از دعوت مجمع عمومی فوق العاده توسط هیأت مدیره موضوع انحلال بقای شرکت مورد شور و رای قرار میگیرد و هرگاه مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام رأی به انحلال شرکت ندهد باید سرمایه شرکت را در همان جلسه کاهش دهد و البته باید از حداقل مقرر در قانون کمتر نشود. (ماده 141 لایحه قانونی)

اگر بر اساس زیانهای وارده حداقل نصف سرمایه شرکت از میان برود و هیأت مدیره به وسیله خود در دعوت مجمع عمومی فوق العاده اقدام نکند هر ذینفع میتواند انحلال شرکت را از دادگاه صلاحیت دار درخواست کند.

- محدودیت‌های مدیران:

ماده 107 لایحه قانونی مقرر میدارد که شرکت سهامی بوسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد.

مسئله منظور قانون گذار از لفظ اداره، اداره امور داخلی شرکت است و ارتباط شرکت با اشخاص ثالث فقط از طریق مدیر عامل امکان پذیر است به عبارت دیگر هیأت مدیره تصمیم می‌گیرد و مدیر عامل اجرا می‌کند.

- اما حدود حق اداره کردن شرکت چیست؟

ماده 118 لایحه قانونی به این سوال پاسخ می‌دهند: « جز درباره موضوعاتی که به موجب مقررات این قانون اخذ تصمیم و اقدام درباره آنها در صلاحیت خاص مجامع عمومی است مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجامع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است. »

بطور دقیق در این ماده ملاحظه می‌شود که قانون گذار چند نوع محدودیت را برای حدود اختیارات هیأت مدیره معین کرده است یکی از آنها رعایت حدود صلاحیت خاص مجامع عمومی است. با توجه به این محدودیت هیأت مدیره نمی‌تواند اعضای خودش را انتخاب کند یا حق جلسات آنرا به تصویب برساند یا اینکه نسبت معینی از سود خالص را به خود اختصاص دهد چرا که این موارد در صلاحیت مجمع عمومی عادی است. هیأت مدیره نمیتواند اوراق قرضه منتشر کند یا تغییر و اصلاح اساسنامه را خود بر عهده بگیرد یا سرمایه شرکت را کاهش یا افزایش دهد یا تصمیم به انحلال شرکت قبل از موعد بگیرد چرا که این موارد در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است.

نوع دیگر محدودیت هیأت مدیره در مقابل مدیر عامل است.

ماده 135 لایحه قانونی، مدیر عامل شرکت را در مقابل اشخاص ثالث نماینده شرکت محسوب میکند و وی را دارای حق امضاء معرفی میکند. بنابراین با توجه به این ماده هیأت مدیره نمی‌تواند نماینده باشد اما می‌تواند به یکی از اعضای هیأت مدیره به همراه مدیر عامل حق امضاء بدهد که همراه مدیر عامل در مقابل اشخاص ثالث، حق امضاء داشته باشد. در شرکتهای سهامی این مدیر عامل است که به نمایندگی از طرف شرکت وارد عمل میشود و دارای حق امضاء است و هیأت مدیره دارای نمایندگی نیست بلکه این هیأت فقط وظیفه اداره کردن شرکت را برعهده دارد و اداره شرکت با عنوان نمایندگی یکی نیست. از سوی دیگر اگر ما به همراه مدیر عامل برای هیأت مدیره نیز نمایندگی در برابر اشخاص ثالث قایل شویم این امر خطر آفرین بوده و زمینه بروز مشکلات بیشماری را فراهم خواهد آورد. چرا که ممکن است مدیر عامل شرکت با توجه به اختیارات خودش با شخص وارد در معامله شده باشد و هیأت مدیره نیز با شخص دیگری وارد معامله شود. قانونگذار با وضع این قاعده و اعطای نمایندگی به مدیر عامل در نظر داشته که از بروز چنین اشکالاتی

جلوگیری کند. پس به طور خلاصه میتوان گفت که مدیر عامل تنها نماینده شرکت در برابر اشخاص ثالث است و لفظ مدیر عامل مبین این امر است که هیأت مدیره تصمیم میگیرد و مدیر عامل عمل میکند.

محدودیت دیگر هیأت مدیره مراعات موضوع شرکت است.

اقدامات و تصمیمات مدیران شرکت در مقابل اشخاص ثالث در صورتی معتبر است که این اقدامات در حدود موضوع شرکت باشد. (ماده 118 لایحه قانونی)

در حقوق فرانسه مدیران هر اقدام و تصمیمی که برای اداره شرکت صورت میدهند باید در حدود موضوع شرکت باشد اما اقدامات حتی اگر خارج از شرکت باشد در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر اینکه ثابت شود اشخاص ثالث از اینکه مدیران خارج از مدیریت شرکت عمل میکنند مطلع بوده اند یا با توجه به اوضاع و احوال خاص هر مورد، نمی توانسته اند بی اطلاع باشند.

اما در حقوق ایران قانونگذار راه حلی که برای حفظ حقوق شرکت و شرکایی شرکت مقرر کرده بیشتر با قواعد وکالت مطابقت دارد و به موجب این راه حل مدیران شرکت نمی توانند بیشتر از شرکت دارای حق باشند چرا که مطابق ماده 662 قانون مدنی «وکالت باید در امری داده شود که خود موکل بتواند آنرا به جا بیاورد.»

بنابراین اگر مدیران شرکت خارج از موضوع شرکت عمل کنند عمل آنان باطل و کان لم یکن است.

علاوه بر محدودیت های فوق الذکر، مدیران شرکت در انعقاد با شرکت محدودیت هایی نیز دارند.

به طور اصولی، مدیران شرکت باید بتوانند با توجه به شخصیت حقوق مستقل شرکت هر گونه معامله ای را با شرکت منعقد کنند اما قانون گذار در لایحه قانونی 1347 برای انعقاد چنین قراردادهایی یک سیستم کنترل وضع کرده است چرا که با توجه به موقعیت مدیران در شرکت بیم سوء استفاده آنان از شرکت وجود دارد به همین علت کنترل آنها لازم است ولی از سوی دیگر چون امکان مفید بودن معاملات برای شرکت وجود دارد منع کامل مدیران از انعقاد قرارداد با شرکت درست نیست. به همین علت یک راه حل میانه ای در نظر گرفته شده است و آن هم کنترل قراردادهای منعقد شده مدیران با شرکت می باشد.

قانونگذار در ماده 129 لایحه قانونی مقرر داشته است که اعضای هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکتهایی که اعضای هیأت مدیره و یا مدیر عامل شرکت شریک یا عضو هیأت مدیره یا مدیر عامل آنها باشند.

* اولین نکته ای که در مورد این ماده باید متذکر شد این است که مدیر عامل یک شرکت نمی تواند در عین حال مدیر عامل شرکت دیگری شود. ولی اعضای هیأت مدیره یک شرکت می توانند مدیر عامل شرکت دیگری نیز باشند یا اینکه مدیر عامل یک شرکت می تواند عضو هیأت مدیره شرکت دیگر باشد و فقط محدودیت در رابطه با مدیریت عامل یک مدیر برای چند شرکت می باشد.

اشخاصی که مطابق ماده 129 لایحه قانونی آورده شده اند نمی توانند بدون رعایت تشریفات کنترل مقرر شده در

معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت می‌شود به طور مستقیم یا غیر مستقیم طرف معامله واقع شود و یا سهام شوند.

قانون گذار در لایحه قانونی 1347 دو نوع قرارداد را از همدیگر تفکیک کرده است و بعضی از قراردادهایی که مطلقاً باطل هستند قراردادهایی می‌باشند که در ماده 132 لایحه قانونی آورده شده است و به موجب این ماده: مدیر عامل شرکت و اعضای هیأت مدیره حق ندارند هیچگونه وام یا اعتبار از شرکت تحصیل نمایند و شرکت نمی‌تواند دیون آنان را تضمین یا تعهد کند اینگونه معاملات به خودی خود باطل هستند به موجب این ماده مدیر عامل شرکت و اعضاء هیأت مدیره نمی‌توانند از شرکت وام یا اعتبار بگیرند یا شرکت دیون آنها را تضمین کند و همچنین اشخاصی که به نمایندگی از شخص حقوقی عضو هیأت مدیره در شرکت است نمی‌تواند از شرکت وام یا اعتبار بگیرد، این نوع قراردادها مطلقاً باطل هستند و مشمول کنترل نیستند. این ممنوعیت شامل اشخاصی نیست که به نمایندگی شخص حقوقی عضو هیأت مدیره در جلسات هیأت مدیره شرکت میکنند و همچنین شامل همسر و پدر و مادر و اجداد و اولاد و اولاد و اولاد و برادر و خواهر اشخاص مذکور در این ماده می‌باشد.

اما قانونگذار بر این ممنوعیت یک استثناء وارد آورده است و مقرر کرده است در مورد بانکها و شرکتهای مالی و اعتباری معاملات مذکور در این ماده به شرط آنکه تحت قیود و شرایط عادی و جاری قرار گیرد معتبر خواهد بود. تشخیص اینکه چه معاملهای « تحت قیود و شرایط عادی و جاری » انجام گرفته است در صورت اختلاف با دادگاه است به هر حال قراردادهایی که به طور معمول و در چهارچوب فعالیتهای شرکت منعقد میشود از مصادیق قراردادهای عادی و جاری است و اثبات اینکه این ادعا که قراردادی تحت قیود و شرایطی عادی منعقد نشده است. باید مدعی باشد چرا که بر اساس اصل صحت قراردادهایی که بانک یا شرکت مالی و اعتباری منعقد می‌کند این قراردادها معمول بر صحت تلقی میشود مگر آنکه خلاف آن ثابت شود. در مقابل قراردادهایی که کلاً باطل هستند یکسری دیگر از قراردادها نیز هستند که در صورتی قابل ابطال هستند که تشریفات کنترل در آنها رعایت نشده است.

ماده 129 لایحه قانونی مقرر داشته است که اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل شرکت و همچنین مؤسسات و شرکتهایی که اعضای هیأت مدیره و یا مدیر عامل شرکت شریک یا عضو هیأت مدیره یا مدیر عامل آنها باشند نمی‌توانند بدون اجازه هیأت مدیره در معاملاتی که در شرکت یا به حساب شرکت می‌شوند به طور مستقیم یا بطور غیر مستقیم طرف معامله واقع شوند و یا سهام شوند.

از صدر ماده 129 لایحه قانونی درمی‌یابیم که اعضاء هیأت مدیره و مدیر عامل و مؤسسات و شرکتهایی که اعضاء هیأت مدیره و یا مدیر عامل شرکت شریک یا عضو هیأت مدیره و یا مدیر عامل آنها هستند اگر خواهان انجام معامله با شرکت هستند باید اولاً اجازه هیأت مدیره را کسب کنند البته این اجازه در صورتی لازم است که این اشخاص در این معامله سهام باشند اما تنها با اجازه هیأت مدیره این قرارداد معتبر محسوب نیست بلکه بازرس شرکت باید این معامله را بررسی

کند و بازرس این گزارش را به اولین مجمع عمومی عادی صاحبان سهام می‌دهد و بازرس نظر خود را نیز به مجمع در رابطه با این معامله تقدیم میکند.

پس از اینکه مجمع عمومی عادی تشکیل شد به وضعیت این معامله رسیدگی می‌شود، اگر با وجود صدور اجازه از جانب هیأت مدیره، مجمع عمومی شرکت این معامله را تصویب نکند این معامله در مقابل اشخاص ثالث معتبر است مگر در مورد تدلیس و تقلب که شخص ثالث در آن شرکت کرده باشد. و اگر بر اثر انجام چنین معامله‌ای به شرکت خسارت وارد آید اعضای هیأت مدیره و مدیرانی که اجازه آنرا صادر کرده اند همگی متضمن مسئول جبران خسارت هستند.

اما اگر مجمع عمومی نیز این قرارداد را تصویب کند این معامله صحیح و معتبر خواهد بود. در صورتیکه مدیران بدون اینکه اجازه هیأت مدیره را کسب کنند اقدام به انعقاد معامله کرده باشند در این حالت باز این امر در مجمع عمومی مطرح میشود و اگر مجمع آن را تصویب کند این معامله معتبر خواهد بود. اما اگر مجمع عمومی این قرارداد را تصویب نکند آن معاملات تا سه سال از تاریخ انعقاد آن قابل ابطال خواهد بود. اما اگر این معامله مخفیانه صورت گرفته باشد و مجمع عمومی آنرا تصویب نکند تا سه سال از تاریخ کشف آن بطلان معامله را میتوان از دادگاه درخواست کرد و در هر حال مسئولیت مدیر عامل و مدیران شرکت باقی است.

در مورد درخواست بطلان یا عدم بطلان معامله مجمع عمومی عادی صاحبان سهام تصمیم میگیرد.

- مسئولیت مدیران:

ماده 142 لایحه قانونی مقرر میدارد: «مدیران و مدیر عامل شرکت در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلف از مقررات قانونی یا اساسنامه شرکت و یا مصوبات مجمع عمومی بر حسب مورد منفرداً یا مشترکاً مسئول می‌باشد و دادگاه حدود مسئولیت هر یک را برای جبران خسارت تعیین خواهد نمود.»

مجموع مواردی که در این ماده آورده شده است همگی مربوط به «اداره بر شرکت» می‌باشند. پس اگر مدیری کارمندان بی کفایتی را استخدام کرده باشد در حالیکه در اساسنامه شرکت یا صورت جلسات مجمع عمومی شرایط خاصی برای استخدام پیش بینی نشده است آیا نمیتوان مدیر عامل را به جبران زیان وارده به شرکت محکوم کرد؟

پاسخ این سوال مثبت است ولی طرح چنین دعوایی تابع مقررات مسئولیت مدنی خواهد بود نه مقررات ماده 142 لایحه قانونی. اگر پس از اینکه شرکت ورشکسته شد یا پس از انحلال آن معلوم شود که ورشکستگی شرکت و یا کافی نبودن دارائی شرکت برای پرداخت دیون به نحوی است از انحاء معلول تخلفات مدیر یا مدیر عامل است دادگاه صلاحیت دار می‌تواند به تقاضای هر ذینفع هر یک از این مدیران یا مدیر عامل را منفرداً یا متضامناً به تادیه آن قسمتی که پرداخت آن دیون از دارائی شرکت ممکن نیست محکوم کنند. (ماده 143 لایحه قانونی)

3- بازرسان

سهامداران در اداره شرکت اختیار کامل دارند. اما خود چون نمیتوانند اداره شرکت را بر عهده بگیرند باید هیأت مدیره

برای آن انتخاب کنند. نظارت بر کار هیأت مدیره نیز ضروری است. از سوی دیگر چون خود سهامداران دائماً در خود شرکت و اداره آن حضور ندارند و نیز در امور مالی و اداری تخصص کافی ندارند در نتیجه اشخاصی را برای نظارت بر کار هیأت مدیره پیش بینی کرده اند این اشخاص در لایحه قانونی 1347 با عنوان بازرسان شرکت شناخته شده اند. انتخاب اولین بازرسان یا بازرسان شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس صورت میگیرد و پس از آن انتخاب بازرسان شرکت هر سال توسط مجمع عمومی عادی می باشد و مجمع مزبور هر موقع می تواند بازرسان را عزل کند و جانشین آنها را معین کند. مجمع عمومی عادی می تواند از بین کسانی که نام آنها در فهرست رسمی بازرسان شرکتها درج شده است اشخاصی را به سمت بازرسان شرکت انتخاب کند ولی مطابق ماده 147 لایحه قانونی اشخاصی نمی توانند به سمت بازرسان شرکت انتخاب شوند که این اشخاص عبارتند از:

1- اشخاصی که مرتکب سرقت، خیانت در امانت، کلاهبرداری شده اند و یا جدایی که به موجب قانون در حکم خیانت در امانت یا کلاهبرداری شناخته شده اند، اختلاس، تدلیس، تصرف غیر قانونی در اموال عمومی.

2- مجبورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است.

3- مدیران و مدیر عامل شرکت

4- اقرباء سببی و نسبی مدیران و مدیر عامل تا درجه سوم از طبقه اول و دوم

5- هر کس که خود یا همسرش از مدیران و مدیر عامل شرکت موظف اند حقوق دریافت میکنند.

بازرسان شرکت باید درباره درستی و صحت دارائی و صورتحساب دوره عملکرد و حساب سود و زیان و ترازنامه ای که مدیران برای تسلیم به مجمع عمومی تهیه میکنند و همچنین درباره صحت مطالب و اطلاعاتی که مدیران در اختیار مجامع عمومی گذاشته اند اظهار نظر کنند.

علاوه بر این بازرسان باید اطمینان حاصل کنند که حقوق صاحبان سهام در حدودی که قانون و اساسنامه شرکت تعیین کرده است بطور یکسان رعایت شده است یا نه.

بازرسان شرکت در راستای انجام وظایف خود می توانند در هر موقع هرگونه رسیدگی و بازرسی لازم را انجام داده و اسناد و مدارک و اطلاعات مربوط به شرکت را مطالبه کرده و مورد رسیدگی قرار دهند. (ماده 149 لایحه قانونی)

یکی از تکالیفی که بر عهده بازرسان شرکت گذاشته شده است این است که هر گونه تخلف با تقصیری را که در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیر عامل مشاهده کنند باید به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند و در صورت اطلاع از وقوع جرمی در حین انجام مأموریت خود باید به مرجع قضایی صلاحیت دار اعلام کنند و جریان را به اولین مجمع عمومی گزارش دهند.

قانون گذار ما در لایحه قانونی 1347 به گزارشات بازرسان اعتبار و ارزش خاصی داده است تا جایی که اگر مجمع عمومی بدون دریافت گزارش بازرسان صورت دارائی و ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت را مورد تصویب قرار دهد این

تصویب به هیچ وجه اثر قانونی نداشته و از درجه اعتبار ساقط است.

بازرسان در مقابل شرکت و اشخاص ثالث نسبت به تخلفاتی که در انجام وظایف خود مرتکب شده اند طبق قواعد مربوط به مسئولیت مدنی مسئول جبران خسارت وارده خواهند بود. علاوه بر این بازرسان شرکت نمی‌توانند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذی نفع شوند (ماده 156 لایحه قانونی)

- تغییرات در سرمایه شرکت

سرمایه شرکت سهامی را می‌توان به دو طریق افزایش داد:

1- از طریق صدور سهام جدید

2- بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود

اگر افزایش سرمایه در شرکت سهامی از طریق صدور سهام جدید باشد تادیه مبلغ اسمی سهام جدید یا بطور نقد صورت می‌گیرد یا مطالبات نقدی حاصل شده اشخاص از شرکت به سهام جدید تبدیل می‌شود یا اینکه سود تقسیم نشده شرکت به سهام جدید تبدیل می‌شود یا اینکه اوراق قرضه به سهام تبدیل می‌شوند.

سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا می‌توان مبلغ اسمی سهام جدید را بصورت غیر نقد تادیه کرد؟ پاسخ این سوال تبصره 1 ماده 158 لایحه قانونی آورده شده است به موجب این ماده فقط در شرکتهای سهامی خاص تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد مجاز است.

افزایش سرمایه با بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود در صورتیکه برای صاحبان سهام ایجاد تعهد کند ممکن نخواهد بود مگر آنکه کلیه صاحبان سهام یا آن موافق باشند. (ماده 159 لایحه قانونی)

برای افزایش سرمایه در شرکت سهامی پس از اینکه سرمایه شرکت تماماً تادیه شد مجمع عمومی فوق‌العاده به پیشنهاد هیأت مدیره و پس از قرائت گزارش بازرسان شرکت در مورد افزایش سرمایه تصمیم می‌گیرد. مجمع عمومی فوق‌العاده می‌تواند به هیأت مدیره اجازه دهد که ظرف مدت معینی که نباید از پنج سال تجاوز کند سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ معینی افزایش دهد. (ماده 162 لایحه قانونی)

اساسنامه شرکت نمی‌تواند متضمن اختیار افزایش سرمایه برای هیأت مدیره باشد. (ماده 164 لایحه قانونی)

هیأت مدیره مکلف است در هر نوبت پس از عملی ساختن افزایش سرمایه حداکثر ظرف مدت یک ماه مراتب را ضمن اصلاح اساسنامه در قسمت مربوط به مقدار سرمایه ثبت شده شرکت به مرجع ثبت شرکتهای اعلام کند تا پس از ثبت جهت اطلاع عموم آگهی شود.

2- کاهش سرمایه:

کاهش سرمایه در شرکتهای سهامی یا بصورت اجباری صورت می‌گیرد یا بصورت اختیاری.

یکی از مواردیکه کاهش اجباری سرمایه صورت می‌گیرد در ماده 141 لایحه قانونی ذکر گردیده است: «اگر در اثر

زیانهای وارده نصف سرمایه شرکت از میان برود هیأت مدیره مکلف است بلافاصله مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را دعوت کند تا موضوع بقاء یا انحلال شرکت مورد شور و رأی واقع شود هرگاه مجمع مزبور رأی به انحلال شرکت ندهد باید در همان جلسه سرمایه شرکت را به مبلغ سرمایه موجود کاهش دهد. «

کاهش اجباری سرمایه از طریق کاهش تعداد یا مبلغ اسمی سهام صورت می‌گیرد. (تبصره ماده 189 لایحه قانونی) کاهش اختیاری سرمایه باید ابتدا توسط هیأت مدیره این امر به مجمع عمومی فوق العاده پیشنهاد گردد و لزوم کاهش سرمایه نیز به مجمع مزبور ارائه گردد و گزارش امور شرکت از بدو سالی مالی در جریان تقویم مجمع عمومی فوق العاده شود. بازرسان شرکت پیشنهاد هیأت مدیره را مورد رسیدگی قرار می‌دهند و نظر خود را به مجمع عمومی فوق العاده تسلیم خواهند کرد.

کاهش اختیاری سرمایه فقط از طریق کاهش بهای اسمی سهام به نسبت متساوی ورود مبلغ کاهش یافته هر سهم به صاحب آن انجام می‌گیرد.

- انحلال و تصفیه:

شرکت سهامی پس از مدتی فعالیت ممکن است منحل شود. ماده 199 لایحه قانونی مواردی را که شرکت سهامی در آنها منحل می‌شود را بیان می‌کند.

1- وقتی که شرکت موضوعی را که برای آن تشکیل شده است انجام دهد یا انجام آن غیر ممکن شود.

شرکت سهامی ممکن است فقط برای انجام امر خاصی (مثلاً احداث سد) تشکیل شود و بعد از اینکه آن موضوع را انجام داد منحل شود یا اینکه موضوعی را که بخاطر آن تأسیس شده است انجامش غیر ممکن شود (مثلاً در زمینه صادرات گندم می‌خواسته فعالیت کند ولی به موجب مصوبه مجلس صادرات گندم ممنوع می‌شود) در اینصورت شرکت منحل می‌شود.

2- در صورتیکه شرکت برای مدت معینی تشکیل گردد و آن مدت منقضی شود مگر اینکه مدت قبل از انقضاء تمدید شده باشد.

ممکن است شرکت برای مدت معینی تشکیل شده باشد که پس از انقضای آن مدت شرکت منحل می‌گردد.

3- در صورت ورشکستگی

4- در هر موقع که مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام به هر علتی رأی به انحلال شرکت بدهد.

5- در صورت صدور حکم قطعی دادگاه

مواردیکه به حکم دادگاه، شرکت منحل می‌شود در ماده 201 لایحه قانونی آمده است.

1- در صورتیکه تا یکسال پس از به ثبت رسیدن شرکت هیچ اقدامی جهت انجام موضوع آن صورت نگرفته باشد و نیز در صورتیکه فعالیتهای شرکت در مدت بیش از یکسال متوقف شده باشد.

2- در صورتیکه مجمع عمومی سالانه برای رسیدگی به حسابهای هر یک از سالهای مالی تا ده ماه از تاریخی که اساسنامه تعیین کرده است تشکیل نشده باشد.

3- در صورتیکه سمت تمام یا بعضی از اعضای هیأت مدیره و همچنین سمت مدیر عامل شرکت طی مدتی زاید بر شش ماه بلا متصدی مانده باشد.

4- در صورتیکه موضوعی که شرکت بخاطر آن تشکیل شده است انجام شده یا انجام آن غیر ممکن شود یا در صورتیکه مدت شرکت منقضی شود و مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام جهت انحلال شرکت تشکیل نشود و یا رأی به انحلال شرکت ندهد. در تمامی این موارد هر ذی نفعی می تواند انحلال شرکت را از دادگاه تقاضا کند.

- نکات مهم مبحث شرکتهای سهامی:

1- شرکت سهامی، شرکتی است که سرمایه آن به سهام تقسیم شده و مسئولیت صاحبان سهام، محدود به مبلغ اسمی سهام آنها است.

2- شرکت سهامی شرکت بازرگانی محسوب می شود ولو اینکه موضوع عملیات آنها امور بازرگانی نباشد.

3- شرکت سهامی به دو نوع شرکت سهامی عام و شرکت سهامی خاص تقسیم می شود.

4- شرکتهایی که مؤسسين آنها قسمتی از سرمایه شرکت را از طریق فروش سهام به مردم تأمین می کنند، شرکت سهامی عام نامیده می شوند.

5- شرکتهایی که تمام سرمایه آنها در موقع تأسیس منحصرأ توسط مؤسسين تأمین گردیده است شرکت سهامی خاص نامیده می شوند.

6- در موقع تأسیس، سرمایه شرکتهای سهامی عام از پنج میلیون ریال نباید کمتر باشد.

7- در موقع تأسیس، سرمایه شرکتهای سهامی خاص از یک میلیون نباید کمتر باشد.

8- در صورتیکه سرمایه شرکت بعد از تأسیس به هر علت از حداقل مذکور در قانون کمتر شود باید ظرف مدت یکسال نسبت به افزایش سرمایه تا میزان حداقل مزبور اقدام شود یا اینکه شرکت به نوع دیگری از انواع شرکتهای مذکور در قانون تجارت تغییر شکل یابد و گرنه هر ذی نفع می تواند انحلال آن را از دادگاه صلاحیتدار در خواست کند.

9- برای تأسیس شرکتهای سهامی عام مؤسسين باید حداقل بیست درصد سرمایه شرکت را تعهد نمایند.

10- مؤسسين باید حداقل سی و پنج درصد از سرمایه تعهد شده شرکت توسط خود را در حسابی بنام «شرکت در شرف تأسیس» نزدیکی از بانکها بگذارند.

11- هرگاه قسمتی از تعهد مؤسسين بصورت غیر نقدی باشد باید عین آن یا مدارک مالکیت آن را در همان بانکی که در آن حساب باز کرده اند تودیع و گواهی بانک را بگیرند.

12- مطالبه بقیه مبلغ اسمی سهام باید حداکثر در ظرف مدت پنج سال مطالبه شود.

- 13- مرجع ثبت شرکتها پس از مطالبه اظهارنامه و ضمام آن، اجازه انتشار اعلامیه پذیره نویسی را صادر خواهد کرد.
- 14- امضاء ورقه تعهد سهم به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه شرکت و تصمیمات مجامع عمومی صاحبان سهام می‌باشد.
- 15- اولین مدیران و بازرسان شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس انتخاب می‌شوند.
- 16- قبول سمت توسط مدیران و بازرسان شرکت دلیل بر این است که مدیر و بازرس با علم به تکالیف و مسئولیتهای سمت خود عهده دار آن گردیده اند.
- 17- از تاریخ قبول سمت توسط مدیران و بازرسان شرکت سهامی تشکیل شده محسوب می‌شود.
- 18- برای تأسیس و ثبت شرکتهای سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه و اساسنامه و اظهارنامه تعهد کلیه سهام به مرجع ثبت شرکتها کافی خواهد بود.
- 19- اساسنامه شرکت سهامی خاص باید به امضای کلیه سهامداران برسد.
- 20- در شرکت سهامی خاص اگر تمام یا قسمتی از سرمایه بصورت غیر نقدی باشد باید تمام آن تادیه گردیده و صورت تقویم آن را در اظهارنامه قید شود.
- 21- سهام قسمتی است از سرمایه شرکت سهامی که مشخص میزان مشارکت و تعهدات و منافع صاحب آن در شرکت سهامی می‌باشد.
- 22- ورقه سهام سند قابل معامله‌ای است که نماینده تعداد سهامی است که صاحب آن در شرکت سهامی دارد.
- 23- سهام ممکن است با نام باشد یا بی نام.
- 24- تا وقتی که شرکت به ثبت نرسیده است صدور ورقه سهام یا گواهینامه موقت سهام ممنوع است.
- 25- مادامی که تمامی مبلغ اسمی هر سهام پرداخت نشده صدور ورقه سهام بی نام یا گواهینامه موقت بی نام ممنوع است.
- 26- نقل و انتقال گواهینامه موقت با نام تابع مقررات مربوط به سهام به نام است.
- 27- مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود.
- 28- مطالبه مبلغ پرداخت نشده سهام یا هر مقدار از آن باید از کلیه صاحبان سهام و بدون تبعیض به عمل آید.
- 29- کسی که تعهد ایتباع سهامی را نموده مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن می‌باشد و در صورتی که قبل از تادیه تمام مبلغ اسمی سهام آن را به دیگری انتقال دهد بعد از انتقال سهام دارنده سهام مسئول پرداخت بقیه مبلغ اسمی آن خواهد بود.
- 30- شرکت سهامی عام می‌تواند تحت شرایط مندرج در این قانون اوراق قرضه منتشر کند.
- 31- ورقه قرضه قابل معامله‌ای است که معرف مبلغ معینی وام است با بهره معین که تمامی آن یا اجزاء آن در موعد یا

- مواعد معینی باید مسترد گردد.
- 32- دارندگان اوراق قرضه در اداره امور شرکت هیچگونه دخالتی نداشته و فقط بستانکار شرکت محسوب می‌شوند.
- 33- پذیره نویسی و خرید اوراق قرضه عمل تجاری محسوب نمی‌شود.
- 34- انتشار اوراق قرضه ممکن نیست مگر وقتی که کلیه سرمایه ثبت نشده شرکت تادیه شده و دو سال تمام از تاریخ ثبت شرکت گذشته باشد و دو ترازنامه آن به تصویب عمومی رسیده باشد.
- 35- اوراق قرضه ممکن است قابل تعویض و یا قابل تبدیل با سهام شرکت باشد.
- 36- اگر اوراق قرضه قابل تعویض با سهام شرکت باشد در اینصورت مجمع عمومی فوق‌العاده باید بنا به پیشنهاد هیأت مدیره و گزارش خاص بازرسان شرکت مقارن اجازه انتشار اوراق قرضه افزایش سرمایه شرکت را تصویب کند.
- 37- هیأت عمومی شرکت سهامی عام مقارن تصمیم مجمع عمومی معادل مبلغ باز پرداخت نشده اوراق قرضه مبادرت به افزایش سرمایه شرکت می‌کند.
- 38- مجمع عمومی شرکت سهامی از اجتماع صاحبان سهام تشکیل می‌شود.
- 39- در شرکتهای سهامی مجامع عمومی عبارتند از: مجمع عمومی عادی - مجمع عمومی فوق‌العاده و مجمع عمومی مؤسس.
- 40- تصویب طرح اساسنامه شرکت و در صورت لزوم اصلاح آن بر عهده مجمع عمومی مؤسس است.
- 41- انتخاب اولین مدیران و بازرسان شرکت بر عهده مجمع عمومی مؤسس است.
- 42- در مجمع عمومی مؤسس حضور عده‌ای از پذیره نویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است.
- 43- در مجمع عمومی مؤسس کلیه مؤسسین و پذیره نویسان حق حضور دارند و هر سهام‌دارای یک رأی خواهد بود.
- 44- هرگونه تغییر در مواد اساسنامه یا در سرمایه شرکت یا انحلال شرکت قبل از موعد منحصراً در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده می‌باشد.
- 45- در مجمع عمومی فوق‌العاده دارندگان بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند باید حاضر باشند.
- 46- تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده همواره به اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.
- 47- مجمع عمومی عادی می‌تواند نسبت به کلیه امور شرکت به جز آنچه در صلاحیت مجمع عمومی مؤسس و فوق‌العاده است تصمیم بگیرد.
- 48- در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلای بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند ضروری است.
- 49- در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف بعلاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.
- 50- در مورد انتخاب مدیران و بازرسان شرکت تصمیمات مجمع عمومی با اکثریت نسبی خواهد بود.

- 51- بدون قرائت گزارش بازرسان شرکت در مجمع عمومی اخذ تصمیم نسبت به ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی معتبر نخواهد بود.
- 52- تقسیم سود و اندوخته بین صاحبان سهام فقط پس از تصویب مجمع عمومی جایز خواهد بود.
- 53- در صورت وجود منافع تقسیم ده درصد از سود ویژه سالانه بین صاحبان سهام الزامی است.
- 54- سهامدارانی که اقلاً یک پنجم سهام شرکت را مالک باشند حق دارند که دعوت صاحبان سهام را برای تشکیل مجمع عمومی از هیأت مدیره خواستار شوند.
- 55- شرکت سهامی بوسیله هیأت مدیره‌ای که از بین صاحبان سهام انتخاب شده و کلاً یا بعضاً قابل عزل می‌باشند اداره خواهد شد.
- 56- عده اعضای هیأت مدیره در شرکتهای سهامی عام نباید کمتر از پنج نفر باشد.
- 57- عده اعضای هیأت مدیره در شرکتهای سهامی نباید کمتر از سه نفر باشد.
- 58- مدت مدیریت مدیران در اساسنامه تعیین می‌شود اما این مدت نمی‌تواند از دو سال متجاوز باشد.
- 59- مدیران باید تعداد سهامی را که اساسنامه شرکت مقرر کرده است را دارا باشند.
- 60- مادامی که مدیری مفاصا حساب دوره تصدی خود را دریافت نکرده سهام وی در صندوق شرکت بعنوان وثیقه باقی خواهد ماند.
- 61- مدیر باید ظرف مدت یکماه تعداد سهام لازم بعنوان وثیقه را تهیه و به صندوق شرکت بسپارد وگرنه مستعفی محسوب خواهد شد.
- 62- تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر دوره مالی شرکت به منزله مفاصا حساب مدیران برای همان دوره مالی می‌باشد.
- 63- مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند مشروط بر آنکه تصمیمات و اقدامات آنها در حدود موضع شرکت باشد.
- 64- هیأت مدیره باید حداقل یک نفر شخص حقیقی را به سمت مدیر عاملی شرکت انتخاب کند.
- 65- مدیر عامل شرکت نمی‌تواند در عین حال رئیس هیأت مدیره همان شرکت باشد مگر با تصویب سه چهارم آراء حاضر در مجمع عمومی.
- 66- بازرسی یا بازرسان باید هرگونه تخلف یا تقصیری در امور شرکت از ناحیه مدیران و مدیر عامل مشاهده کنند به اولین مجمع عمومی اطلاع دهند.
- 67- بازرسی نمی‌تواند در معاملاتی که با شرکت یا به حساب شرکت انجام می‌گیرد بطور مستقیم یا غیر مستقیم ذینفع شود.

- 68- سرمایه شرکت را می‌توان از طریق صدور سهام جدید و یا از طریق بالا بردن مبلغ اسمی سهام موجود افزایش داد.
- 69- فقط در شرکت سهامی خاص تادیه مبلغ اسمی سهام جدید به غیر نقد مجاز است.
- 70- انتقال اندوخته قانونی به سرمایه ممنوع است.
- 71- مادامی که سرمایه قبلی شرکت تماماً تادیه نشده است افزایش سرمایه شرکت تحت هیچ عنوانی مجاز نخواهد بود.
- 72- شرکت سهامی وقتی موضوعی را که برای آن تشکیل شده است را انجام دهد یا انجام آن غیر ممکن شده باشد منحل می‌شود.
- 73- در صورتیکه شرکت برای مدت معین تشکیل گردیده و آن مدت منقضی شده باشد شرکت منحل می‌شود.
- 74- در صورت ورشکستگی شرکت سهامی، شرکت منحل می‌شود.
- 75- در صورت تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت سهامی منحل می‌شود.
- 76- در صورت صدور حکم قطعی از دادگاه شرکت سهامی منحل می‌شود.
- 77- تا خاتمه امر تصفیه شخصیت حقوقی شرکت جهت انجام امور مربوطه به تصفیه باقی خواهد ماند و مدیران موظف به خاتمه دادن کارهای جاری شرکت می‌باشند.
- 78- انحلال شرکت مادامی که به ثبت نرسیده باشد و اعلان نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلا اثر است.
- 79- محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان لم یکن است.
- 80- مدیران تصفیه کلیه اختیارات لازم را جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی به داوری و حق سازش دارا می‌باشند.

مجموعه تست

1- نتایج حاصل از 500 رأی اخذ شده برای انتخاب سه عضو اصلی هیأت مدیره شرکت سهامی عبارت است از: شخص (الف): 250 رأی، شخص (ب): 100 رأی، شخص (ج): 100 رأی، شخص (د): 25 رأی و شخص (ه): 25 رأی، بنابراین:

- 1) الف و ب و ج حائز اکثریت مطلق بوده و عضو اصلی هیأت مدیره اند.
 - 2) الف و ب و ج حائز اکثریت نسبی و عضو اصلی هیأت مدیره اند.
 - 3) فقط الف که حائز اکثریت مطلق آراء است عضو اصلی هیأت مدیره است.
 - 4) هیچیک از نامزدها حائز اکثریت مطلق نبوده و انتخابات مجدد ضروری است.
- 2- محدود ساختن اختیارات مدیران شرکت سهامی به موجب اساسنامه یا مصوبه مجمع عمومی.....
- 1) در صورتیکه با اکثریت سه چهارم آراء در مجمع عمومی تصویب شود در مقابل همه اشخاص دارای اعتبار است.
 - 2) در صورت آگهی در روزنامه کثیرالانتشار شرکت نسبت به همه معتبر است.
 - 3) در مقابل ثالث بی اعتبار و فقط در رابطه داخلی شرکت معتبر است.
 - 4) هیچگونه اثر قانونی ندارد.

3- سرمایه یک شرکت سهامی 10/000/000 ریال است. در زمان تأسیس، مؤسسان 20% آن را تعهد کرده و 40% آن را پرداخت کرده اند. تمامی پذیره نویسان چند ریال از این سرمایه را باید بپردازند؟

1) 2/800/000

2) 3/200/000

3) 4/000/000

4) 8/000/000

4- مدیر عامل شرکت سهامی (الف) از سمت خود استعفاء نمود. از نظر قانون تجارت، مسئول اعلام استعفای مزبور به مرجع ثبت شرکتهای کیست؟

1) مدیر عامل مستعفی

2) مدیر عامل مستعفی و شرکت

3) تکلیفی به اعلام مزبور وجود ندارد

4) مدیر عامل جدید

5- اکثریت مدیران شرکت سهامی (الف) بعنوان مدیران شرکت سهامی (ب) انتخاب شدند. در اینصورت

معاملات بین دو شرکت:

(1) صحیح است

(2) باطل است

(3) فقط نیاز به تصویب مجمع عمومی شرکت (الف) دارد.

(4) منوط به تنفیذ مجامع عمومی سهامداران آن دو شرکت است.

6- مجمع عمومی عادی شرکت سهامی، معاملات غیر منقول شرکت را منوط به تصویب مجمع عمومی نمود

ولی هیأت مدیره، ساختمانی را با بهای معقول خریداری کرد. در اینصورت:

(1) قرارداد صحیح است.

(2) قرارداد خرید باطل است

(3) قرارداد صحیح است و از سوی مجمع عمومی قابل فسخ می‌باشد.

(4) قرارداد خرید نافذ نیست و صحت آن منوط به تصویب مجمع عمومی است.

7- حکم با کدام هدف یا اهداف سازگاری دارد؟

(1) تشویق به سرمایه گذاری

(2) سهولت تصمیم گیری در شرکت

(3) تشویق به سرمایه گذاری و حفظ حقوق انتقال گیرنده سهم

(4) حفظ حقوق انتقال گیرنده سهم و سهولت اداره امور شرکت

8- حد نصاب لازم جهت تصمیم گیری در مجمع عمومی که بطور فوق العاده تشکیل می‌شود:

(1) دارای حکم خاص قانونی است

(2) همان حد نصاب لازم جهت تصمیم گیری در مجمع عمومی مؤسس است.

(3) همان حد نصاب لازم جهت تصمیم گیری در مجامع عمومی عادی سالیانه است.

(4) همان حد نصاب لازم جهت تصمیم گیری در مجامع عمومی عادی سالیانه است.

9- کدام عبارت در مورد گواهینامه موقت سهام بی نام درست است؟

(1) از نظر نقل و انتقال مشمول مقررات سهام با نام است.

(2) در حکم سهام بی نام است، لیکن از نظر نقل و انتقال در حکم سهام با نام است.

(3) در حکم سهام بی نام است و با قبض و اقباض قابل انتقال است.

(4) از نظر نقل و انتقال و مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام با نام است.

10- در صورتیکه در اثر خروج دارندگان آورده غیر نقد و عدم تعهد و تادیه سهام آنها از طرف سایر تعهد

کنندگان سرمایه شرکت قسمتی از سرمایه شرکت سهامی (در شرف تأسیس) تعهد نشود:

(1) شرکت منحل می‌شود.

(2) شرکت قابل تشکیل نیست.

(3) انحلال شرکت را می‌توان از دادگاه درخواست نمود.

(4) مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت به منظور کاهش سرمایه شرکت تشکیل می‌شود.

11- اگر در مجمع عمومی شرکت سهامی، اعلام تنفس شود، تمدید جلسه.....

(1) محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول رسمیت خواهد داشت.

(2) محتاج به آگهی مجدد است و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول، رسمیت خواهد داشت.

(3) محتاج به آگهی مجدد است و تاریخ جلسه بعد نباید دیرتر از یک هفته باشد.

(4) محتاج به آگهی مجدد نیست و تاریخ جلسه بعد نباید دیرتر از یک هفته باشد.

12- کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده باشد:

(1) فقط از انتخاب شدن به عنوان عضو هیأت مدیره شرکت سهامی ممنوعند.

(2) فقط از انتخاب شدن بعنوان بازرس قانونی شرکت سهامی ممنوعند.

(3) فقط از انتخاب شدن بعنوان عضو هیأت مدیره و بازرس قانونی شرکت سهامی ممنوعند.

(4) از انتخاب شدن بعنوان عضو هیأت مدیره، مدیر عامل و بازرس قانونی شرکت سهامی ممنوعند.

13- چنانچه مبلغ پرداخت نشده سهام شرکت سهامی عام در ظرف مدت مهلت مقرر در اساسنامه مطالبه

نشود.....

(1) شرکت باید منحل شود.

(2) شرکت مجاز است سرمایه خود را افزایش دهد.

(3) سرمایه شرکت خود به خود تا میزان مبلغ پرداخت شده، کاهش می‌دهد.

(4) مجمع عمومی فوق‌العاده باید سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ پرداخت شده، کاهش دهد.

14- تأمین اسمی سهام جدید منتشره از سوی شرکتهای سهامی به کدامیک از طریق زیر غیر قانونی است

(1) تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سرمایه

(2) انتقال سود تقسیم نشده به سرمایه شرکت

(3) انتقال اندوخته قانونی به سرمایه شرکت

(4) تبدیل اوراق قرضه به سهام

15- اگر در مجمع عمومی عادی شرکت سهامی عزل یکی از مدیران شرکت جزء دستور جلسه مجمع باشد،

ریاست مجمع

(1) با مدیر عامل شرکت است

(2) با رئیس هیأت مدیره شرکت خواهد بود

(3) از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت مطلق انتخاب می‌شود

(4) از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد.

16- شرکت سهامی خاص:

(1) نمی‌تواند سهام خود را در بورس اوراق بهادار عرضه نماید، مگر اینکه از مقررات شرکت سهامی عام تبعیت کند.

(2) می‌تواند با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده سهام خود را در بورس اوراق بهادار عرضه نماید.

(3) می‌تواند پس از گذشت مدت دو سال از تاریخ تأسیس، سهام خود را در بورس اوراق بهادار عرضه نماید.

(4) می‌تواند سهام خود را با موافقت شورای بورس، در بورس اوراق بهادار عرضه نماید.

17- طبق مقررات قانون تجارت، می‌تواند بنام و از طرف شرکت علیه مدیران شرکت سهامی دعوی

مسئولیت اقامه کنند.

(1) فقط بازرسان شرکت

(2) حداقل پنج تن از شرکای شرکت

(3) دارندگان حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت

(4) حداقل یک پنجم دارندگان مجموع سهام

18- طبق مقررات فعلی کدامیک از شرکتهای تجاری می‌توانند اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام منتشر کنند؟

(1) شرکت سهامی عام

(2) شرکت سهامی

(3) شرکت سهامی خاص

(4) تمامی انواع شرکتهای تجاری

19- در شرکت سهامی، ترتیب دادن سهام ممتاز و تغییر امتیاز آنها به ترتیب در صلاحیت مجمع

عمومی / مجمع عمومی است.

(1) عادی/عادی

(2) عادی/فوق‌العاده

(3) فوق‌العاده/عادی

(4) فوق‌العاده/فوق‌العاده

20- حق تقدم سهامداران در خرید سهام جدید شرکت سهامی:

(1) حقی غیر مالی است و صرفاً قابل انتقال به سهامدار شرکت است.

(2) حقی مالی است و صرفاً قابل انتقال به سهامدار شرکت است.

(3) حقی مالی است و قابل انتقال به سهامدار شرکت و غیر سهامدار است.

(4) حقی غیر مالی است و قابل انتقال به سهامدار شرکت و غیر سهامدار است.

مجموعه تست

1- در شرکت سهامی عام، نقل و انتقال سهام نمی تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجامع عمومی

صاحبان سهام شود. این حکم با کدام هدف یا اهداف سازگاری دارد؟

(1) تشویق به سرمایه گذاری

(2) سهولت تصمیم گیری در شرکت

(3) تشویق به سرمایه گذاری و حفظ حقوق انتقال گیرنده سهم

(4) حفظ حقوق انتقال گیرنده سهم و سهولت اداره امور شرکت

2- مجمع عمومی عادی شرکت سهامی، معاملات غیرمنقول شرکت را منوط به تصویب مجمع عمومی نمود

ولی هیأت مدیره، ساختمانی را با بهای معقول خریداری کرد. در این صورت:

(1) قرارداد صحیح است.

(2) قرارداد خرید باطل است.

(3) قرارداد صحیح است ولی از سوی مجمع عمومی قابل فسخ می باشد.

(4) قرارداد خرید نافذ نیست و صحت آن منوط به تصویب مجمع عمومی است.

3- اکثریت مدیران شرکت سهامی (الف) به عنوان مدیران شرکت سهامی (ب) انتخاب شدند. در این صورت

معاملات بین دو شرکت:

(1) صحیح است.

(2) باطل است.

(3) فقط نیاز به تصویب مجمع عمومی شرکت (الف) دارد.

(4) منوط به تنفیذ مجامع عمومی سهامداران آن دو شرکت است.

4- مدیر عامل شرکت سهامی (الف) از سمت خود استعفاء نمود. از نظر قانون تجارت، مسئول اعلام استعفای

مزبور به مرجع ثبت شرکت ها کیست؟

(1) مدیر عامل مستعفی

(2) مدیر عامل مستعفی و شرکت

(3) تکلیفی به اعلام مزبور وجود ندارند.

(4) مدیر عامل جدید

5- سرمایه یک شرکت سهامی 10/000/000 ریال است در زمان تأسیس، مؤسسان 20% آن را تعهد کرده و 40%

آن را پرداخت کرده‌اند. تمامی پذیرهنویسان چند ریال از این سرمایه را باید بپردازند؟

2/008/000 (1)

3/200/000 (2)

4/000/000 (3)

8/000/000 (4)

6- محدود ساختن اختیارات مدیران شرکت سهامی به موجب اساسنامه یا مصوبه مجمع عمومی

(1) در صورتی که با اکثریت سه چهارم آراء در مجمع عمومی تصویب شود در مقابل همه اشخاص دارای اعتبار است.

(2) در صورت آگهی در روزنامه کثیرالانتشار شرکت نسبت به همه معتبر است.

(3) در مقابل ثالث بی اعتبار و فقط در رابطه داخلی شرکت معتبر است.

(4) هیچ گونه اثر قانونی ندارد.

7- نتایج حاصل از 500 رأی اخذ شده برای انتخاب سه عضو اصلی هیأت مدیره شرکت سهامی عبارت است

از، شخص (الف): 250 رأی، شخص (ب): 100 رأی، شخص (ج): 100 رأی، شخص (د): 25 رأی و شخص (ه): 25

رأی، بنابراین:

(1) الف و ب و ج حائز اکثریت مطلق بوده و عضو اصلی هیأت مدیره‌اند.

(2) الف و ب و ج حائز اکثریت نسبی بوده و عضو اصلی هیأت مدیره‌اند.

(3) فقط الف که حائز اکثریت مطلق آراء بوده و عضو اصلی هیأت مدیره است.

(4) هیچ یک از نامزدها حائز اکثریت مطلق نبوده و انتخابات مجدد ضروری است.

8- در مورد فروش حق تقدم خرید سهام، کدام گزینه صحیح است؟

(1) حق تقدم خرید سهام فقط قابل فروش به سایر سهامداران است.

(2) حق تقدم خرید سهام مالکیت نداشته و قابل فروش نیست.

(3) حق تقدم خرید سهام فقط قابل فروش به اشخاص ثالث است.

(4) اصولاً حق تقدم خرید سهام قابل فروش به سایر سهامداران و اشخاص ثالث است.

9- تحقق کدام گزینه ممکن است مبنای منع قانونی خرید سهام شرکت سهامی توسط خود شرکت باشد؟

(1) زیان سایر سهامداران (2) تقلیل پنهان سرمایه شرکت

(3) کاهش پنهان تعداد سهامداران (4) زیان سای سهامداران و تقلیل پنهان سرمایه شرکت

10- در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران شرکت سهامی، هرگاه مراجع موظف به دعوت مجمع عمومی

جهت انتخاب مدیران جدید به وظیفه خود عمل نکنند، هر ذی نفع می تواند

(1) شخصاً مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران دعوت نماید.

(2) از مرجع ثبت شرکتها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا کند.

(3) از دادگاه دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا نماید.

(4) از دادگاه تقاضا کند مدیران جدید انتخاب نماید.

11- تمدید مدت مأموریت تصفیه در شرکت های سهامی با است.

(1) دادگاه و مجمع عمومی

(2) دادگاه

(3) مجمع عمومی

(4) ثبت شرکتها

12- شرکت سهامی خاص:

(1) نمی تواند سهام خود را در بورس اوراق بهادار عرضه نماید. مگر این که از مقررات شرکت سهامی عام تبعیت کند.

(2) می تواند با تصویب مجمع عمومی فوق العاده سهام خود را در بورس اوراق بهادار عرضه نماید.

(3) می تواند پس از گذشت مدت دو سال از تاریخ تأسیس، سهام خود را در بورس اوراق بهادار عرضه نماید.

(4) می تواند سهام خود را با موافقت شورای بورس اوراق بهادار عرضه نماید.

13- کدام عبارت در مورد گواهینامه موقت سهام بی نام درست است؟

(1) از نظر نقل و انتقال مشمول مقررات سهام با نام است.

(2) در حکم سهام با نام است و با قبض و اقباض قابل انتقال است.

(3) در حکم سهام بی نام است و با قبض و اقباض قابل انتقال است.

(4) از نظر نقل و انتقال و مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام با نام است.

14- اگر در مجمع عمومی عادی شرکت سهامی عزل یکی از مدیران شرکت جزء دستور جلسه مجمع باشد،

ریاست مجمع:

(1) با مدیر عامل شرکت است.

(2) با رئیس هیأت مدیره شرکت خواهد بود.

(3) از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد.

(4) از بین سهامداران حاضر در جلسه به اکثریت مطلق آراء انتخاب خواهد شد.

15- در صورتی که در اثر خروج دارندگان آورده غیرنقد و عدم تعهد و تأدیه سهام آن‌ها از طرف سایر

تعهدکنندگان سرمایه شرکت، قسمتی از سرمایه شرکت سهامی (در شرق تأسیس) تعهد نشود:

(1) شرکت منحل می‌شود.

(2) شرکت قابل تشکیل نیست.

(3) انحلال شرکت را می‌توان از دادگاه درخواست کند.

(4) مجمع عمومی فوق‌العاد شرکت به منظور کاهش سرمایه شرکت تشکیل می‌شود.

16- کسانی که حکم ورشکستگی آن‌ها صادر شده باشد:

(1) فقط از انتخاب شدن به‌عنوان عضو هیأت مدیره شرکت سهامی ممنوعند.

(2) فقط از انتخاب شدن به‌عنوان عضو بازرس شرکت سهامی ممنوعند.

(3) فقط از انتخاب شدن به‌عنوان عضو هیأت مدیره و بازرس قانونی شرکت سهامی ممنوعند.

(4) از انتخاب شدن به‌عنوان عضو هیأت مدیره، مدیر عامل و بازرس قانونی شرکت سهامی ممنوعند.

17- اگر در مجمع عمومی شرکت سهامی، اعلام تنفس شود، تمدید جلسه

(1) محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول، رسمیت خواهد داشت.

(2) محتاج به آگهی مجدد است و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول، رسمیت خواهد داشت.

(3) محتاج به آگهی مجدد است و تاریخ جلسه بعد نباید دیرتر از یک هفته باشد.

(4) محتاج به آگهی مجدد نیست و تاریخ جلسه بعد نباید دیرتر از یک هفته باشد.

18- چنانچه مبلغ پرداخت نشده سهام شرکت سهامی عام در ظرف مهلت مقرر در اساسنامه مطالبه نشود

(1) شرکت مجاز است سرمایه خود را افزایش دهد.

(2) شرکت مجاز است سرمایه خود را کاهش دهد.

(3) سرمایه شرکت خودبه‌خود تا میزان مبلغ پرداخت شده تقلیل خواهد یافت.

(4) مجمع عمومی فوق‌العاده باید سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ پرداخت شده، کاهش دهد.

19- تأمین مبلغ اسمی سهام جدید منتشره از سوی شرکت‌های سهامی به کدام یک از طرق زیر غیرقانونی

است؟

(1) تبدیل مطالبات نقدی حال شده اشخاص از شرکت به سرمایه

(2) انتقال سود تقسیم نشده به سرمایه شرکت

(3) انتقال اندوخته قانونی به سرمایه شرکت

(4) تبدیل اوراق قرضه به سهام

20- تعیین حق الزحمه بازرس شرکت سهامی با است.

(1) مجمع عمومی عادی

(2) مجموع عمومی فوق العاده

(3) هیأت مدیره

(4) دادگاه

21- اگر امر تصفیه شرکت سهامی انحلال یافته به یک نفر محول شده باشد و او فوت کند..... مجمع

عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت تعیین جانشین مدیر تصفیه مذکور دعوت نماید.

(1) هر یک از طلبکاران می تواند (2) $\frac{1}{5}$ طلبکاران می تواند

(3) ثبت شرکتها به تقاضای ذی نفع باید (4) مدیر عامل شرکت منحل شده باید

22- هرگاه شرکت سهامی مبلغ پرداخت نشده سهام را مطالبه کند و ظرف مهلت مقرر این پرداخت صورت

نگیرد، شرکت می تواند این گونه سهام را

(1) باطل کند.

(2) به هر کس که خریدار باشد بفروشد.

(3) از طریق بورس به فروش رساند.

(4) از طریق بورس یا مزایده بفروشد.

23- ثبت شرکت سهامی عام به عهده می باشد.

(1) مدیر عامل (2) هیأت مدیره

(3) مؤسسين (4) مجمع عمومی مؤسس

24- هرگاه آورده یکی از مؤسسين شرکت سهامی در شرف تأسیس، عرصه و اعیان شش دانگ یک باب

فروشگاه باشد، باید قبل از ثبت شرکت:

(1) اسناد مالکیت عرصه و اعیان فروشگاه تسلیم مؤسسين گردد.

(2) تمام مؤسسين نسبت به قیمت عرصه و اعیان فروشگاه توافق کنند.

(3) اسناد مالکیت عرصه و اعیان فروشگاه تسلیم بانک مربوط شود.

(4) عرصه و اعیان فروشگاه رسماً به نام شرکت در شرف تأسیس منتقل شود.

25- حق تقدم سهامداران در خرید و فروش سهام جدید شرکت سهامی:

(1) حقی غیرمالی است و صرفاً قابل انتقال به سهامداران شرکت است.

(2) حقی مالی است و صرفاً قابل انتقال به سهامداران شرکت است.

(3) حقی مالی است و صرفاً قابل انتقال به سهامداران شرکت و غیرسهامدار است.

(4) حقی غیرمالی است و صرفاً قابل انتقال به سهامداران شرکت و غیرسهامدار است.

26- در شرکت سهامی، ترتیب دادن سهام ممتاز و تغییر امتیاز آنها به ترتیب در صلاحیت مجمع عمومی

...../ مجمع عمومی است.

(1) عادی/ عادی (2) عادی/ فوق العاده

(3) فوق العاده/ عادی (4) فوق العاده/ فوق العاده

27- طبق مقررات فعلی، کدام یک از شرکت های تجاری می توانند اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام منتشر کنند؟

(1) شرکت های سهامی عام (2) شرکت های سهامی

(3) شرکت های سهامی خاص (4) انواع شرکت های تجاری

28- طبق مقررات قانون تجارت، می توانند به نام و از طرف شرکت علیه مدیران شرکت سهامی

دعوای مسئولیت اقامه کنند.

(1) فقط بازرسان شرکت

(2) حداقل پنج تن از شرکای شرکت

(3) دارندگان حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت

(4) حداقل یک پنجم دارندگان مجموع سهام شرکت

29- در مجامع عادی و فوق العاده شرکت های سهامی برخی از سهامداران حق رأی نداشته باشند.

(1) در صورت پیش بینی اساسنامه ممکن است.

(2) ممکن است.

(3) امکان ندارد.

(4) حتی در صورت پیش بینی اساسنامه امکان ندارد.

30- در شرکت سهامی افزایش سرمایه شرکت از طریق اندوخته قانونی به سرمایه امکان دارد.

(1) دارد.

(2) دارد، در صورت پیش‌بینی اساسنامه.

(3) دارد، در صورت تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده.

(4) ندارد.

31- آیا سهامداران شرکت سهامی می‌توانند به نام شرکت علیه مدیران شرکت اقامه دعوی نمایند؟

(1) بله، هر سهامدار دارای چنین حقی است.

(2) خیر، زیرا سهامداران نماینده شرکت محسوب نمی‌گردند.

(3) بله، در صورتی که حد نصاب معینی از سرمایه را دارا باشند.

(4) بله، در صورتی که حد نصاب معینی از سرمایه را دارا بوده و مدت مأموریت مدیران سپری شده باشد.

32- اکثریت لازم برای تصمیم‌گیری در هیئت مدیره شرکت سهامی خاص و عام عبارت است از:

(1) اکثریت سهام حاضر

(2) اکثریت عددی حاضرین

(3) اکثریت عددی حاضرین در سهام عام و اکثریت سهام حاضر در سهامی خاص

(4) اکثریت عددی حاضرین در سهامی خاص و اکثریت سهام در سهامی عام

33- موضوع کدام یک از شرکت‌های تجاری ممکن است معاملات تجاری نباشد؟

(1) تضامنی

(2) سهامی

(3) با مسئولیت محدود

(4) مختلط غیرسهامی

34- تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت سهامی همواره با آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر است.

(1) با اکثریت 50 درصد

(2) با اکثریت نسبی

(3) با اکثریت مطلق

(4) با دو سوم

35- در شرکت سهامی، مجمع عمومی می‌تواند با بر تعهدات سهامداران بیفزاید.

(1) فوق‌العاده - $\frac{3}{4}$ آراء

(2) عادی - اتفاق آراء

(3) فوق‌العاده - اتفاق آراء

(4) عادی به‌طور فوق‌العاده - اتفاق آراء

36- در شرکت سهامی کدام یک از مراجع موظف است هر ساله مبلغی از سود خالص را به عنوان اندوخته

قانونی موضوع کند؟

(1) هیأت مدیره و مجمع عمومی فوق العاده (2) هیأت مدیره و مدیر عامل

(3) مجمع عمومی عادی سالانه (4) هیأت مدیره

37- در ارتباط با شرکت سهامی عام و شرکت دولتی می توان اظهار داشت که:

(1) شرکت سهامی عام همان شرکت دولتی است.

(2) هیچ شرکت سهامی عام، شرکت دولتی نیست.

(3) ممکن است شرکت سهامی عام شرکت دولتی باشد.

(4) هر شرکت سهامی عام، شرکت دولتی محسوب می شود.

38- در صورتی که شرکت سهامی بازرسان متعدد داشته باشد.....

(1) کلیه بازرسان می توانند گزارش واحد تهیه کنند.

(2) کلیه بازرسان باید گزارش واحد تهیه کنند.

(3) هر یک از بازرسان باید گزارش جداگانه تهیه کنند.

(4) هر یک از بازرسان می توانند گزارش جداگانه تهیه کنند.

39- انتخاب مدیر عامل در شرکت سهامی آگهی شود.

(1) باید در روزنامه کثیرالانتشاری که برای درج آگهی های شرکت تعیین شده است.

(2) باید در روزنامه رسمی.

(3) باید در روزنامه رسمی و روزنامه کثیرالانتشار تعیین شده هر دو.

(4) در هر کدام از روزنامه رسمی یا روزنامه کثیرالانتشار مربوط به شرکت که اداره ثبت شرکتها مایل باشد می تواند

40- انتقال سهام با نام شرکت های سهامی در دفتر باید به ثبت برسد.

(1) اسناد رسمی (2) ثبت شرکتها

(3) سهام شرکت (4) ثبت شرکتها و سهام شرکت

41- در صورتی که برخی از اعضای هیأت مدیره در شرکت سهامی مالک تعداد سهام لازم به عنوان وثیقه

نباشند:

(1) بنابه تصمیم مجمع عمومی عزل می شوند. (2) دادگاه باید حکم به عزل آنها صادر کند.

(3) مستعفی شناخته می شوند. (4) انتخاب آنها به عنوان مدیر کأن لم یکن تلقی می شود.

42- موضوع شرکت سهامی:

- (1) به هیچ وجه تجاری نیست.
- (2) در هر حال غیرتجاری محسوب می شود.
- (3) در هر حال تجاری محسوب می شود.
- (4) ممکن است تجاری باشد.

43- چنانچه در ظرف مهلت مقرر، مبلغ پرداخت نشده سهام شرکت سهامی مطالبه نشود:

- (1) مجمع عمومی فوق العاده شرکت باید سرمایه شرکت را به میزان مبلغ پرداخت نشده افزایش دهد.
- (2) مجمع عمومی شرکت باید سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ پرداخت شده کاهش دهد.
- (3) مجمع عمومی فوق العاده شرکت باید سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ پرداخت شده کاهش دهد.
- (4) هیأت مدیره شرکت می تواند رأساً سرمایه شرکت را تا میزان مبلغ پرداخت شده کاهش دهد.

44- در مجمع عمومی مؤسس شرکت سهامی عام حضور عده ای از که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد کرده باشند، ضروری است.

- (1) پذیره نویسان
- (2) مؤسسین و پذیره نویسان
- (3) مؤسسین و پذیره نویسان
- (4) مؤسسین

45- مدیر عامل شرکت سهامی در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده نماینده محسوب می شود.

- (1) رئیس هیأت مدیره
- (2) سهامداران
- (3) شرکت
- (4) هیأت مدیره

46- توقیف وجوهی که به حساب افزایش سرمایه شرکت سهامی تأدیه می شود.....

- (1) با اجازه هیأت مدیره شرکت امکان پذیر است.
- (2) پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت ممکن است.
- (3) حتی پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت ممکن نیست.
- (4) قانوناً به هیچ وجه امکان ندارد.

47- در صورتی که مدت شرکت سهامی منقضی و مجمع عمومی فوق‌العاده صاحبان سهام از قبل مدت آن را

تمدید ننموده باشد:

(1) شخصیت حقوقی شرکت همچنان پابرجا بوده، لکن از تاریخ انقضای مدت تابع مقررات حاکم بر شرکت‌های تضامنی خواهد بود.

(2) شرکت به خودی خود منحل و شخصیت حقوقی خود را از دست می‌دهد.

(3) با درخواست هر ذی‌نفع دادگاه حکم به اعلام انحلال شرکت خواهد داد.

(4) از تاریخ مدت، شرکت مکلف به توقف عملیات بوده و مدیران باید کلیه اسناد و دفاتر شرکت را به انضمام صورت‌داری شرکت به اداره تصفیه تسلیم نمایند.

48- در شرکت سهامی، مدیران تصفیه باید همه‌ساله گزارش اعمالی را که انجام داده‌اند به

تسلیم کنند:

(1) هیأت مدیره (2) دادگاه (3) مدیر عامل (4) مجمع عمومی عادی

49- تعیین حق‌الزحمه بازرس شرکت با است.

(1) هیأت مدیره (2) مجمع عمومی عادی

(3) مدیر عامل (4) مجمع عمومی فوق‌العاده

50- برای تشکیل هیأت مدیره شرکت سهامی حضور اعضای هیأت مدیره لازم است؟

(1) بیش از نصف (بشرط دعوت) (2) نصف

(3) کلیه (4) بیش از نصف

51- اگر سرمایه شرکت سهامی افزایش یابد، کسر سود خالص شرکت به‌عنوان سرمایه احتیاطی

الزامی است:

(1) یک‌دهم

(2) یک بیستم

(3) یک بیستم تا وقتی که اندوخته قانونی به حد مقرر برسد.

(4) یک دوم

52- در شرکت‌های سهامی خاص پرداخت پاداش به هیأت مدیره نباید از تجاوز کند.

(1) 5 درصد سود شرکت

(2) 10 درصد سودی که در آن سال به صاحبان سهام تعلق می‌گیرد.

(3) 10 درصد سود شرکت

(4) 5 درصد سودی که در آن سال به صاحبان سهام تعلق می‌گیرد.

53- مدیر عامل شرکت سهامی در حدود اختیاراتی که توسط به او تفویض شده است نماینده شرکت

محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد؟

(1) هیأت مدیره (2) مجمع عمومی

(3) قانون (4) اساسنامه

54- شرکت‌های دولتی تابع می‌باشند.

(1) قوانین تأسیس و اساسنامه خود

(2) قانون تجارت

(3) قوانین تأسیس و مقررات راجع به شرکت‌های سهامی

(4) قوانین تأسیس و اساسنامه خود و مقررات راجع به شرکت‌های سهامی

55- در شرکت سهامی، چنانچه هیأت مدیره در موعد مقرر مجمع عمومی عادی سالانه را دعوت نکند:

(1) اداره ثبت شرکت‌ها می‌تواند بنابه تقاضای هر ذی‌نفع، مجمع عمومی را دعوت کند.

(2) بازرس شرکت موظف است رأساً مجمع عمومی را دعوت کند.

(3) بازرس شرکت می‌تواند رأساً مجمع عمومی را دعوت کند.

(4) شرکت منحل شده محسوب است.

56- در نظام شرکت سهامی، اصل بر آن است که:

(1) کلیه شرکاء آرای مساوی دارند. (2) کلیه شرکاء سهام مساوی دارند.

(3) هر شریک فقط یک رأی دارد. (4) هر سهم فقط یک رأی دارد.

57- در شرکت سهامی عام، نتیجه عدم حصول حد نصاب جلسه مجمع عمومی مؤسس با دعوت سوم، چیست؟

(1) احتمال انحلال شرکت (2) انحلال شرکت

(3) عدم تشکیل شرکت (4) لزوم تشکیل مجمع عمومی بعدی

58- شخصیت حقوقی شرکت سهامی عام در چه مرحله‌ای اعطا می‌شود؟

(1) اعلام قبولی مدیران شرکت

(2) پایان مرحله پذیره‌نویسی

(3) ثبت شرکت

(4) دعوت جلسه مجمع عمومی مؤسس

59- شرکت سهامی خاص نمی‌تواند سهام خود را در بورس اوراق بهادار عرضه کند مگر این‌که:

(1) از مقررات مربوط به بورس اوراق بهادار تبعیت کند.

(2) به شرکت سهامی عام تبدیل شود.

(3) مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت اجازه دهد.

(4) مجمع عمومی عادی شرکت اجازه دهد.

60- از جمله تفاوت‌های شرکت سهامی و شرکت با مسئولیت محدود عبارت است از:

(1) مسئولیت شرکاء در مقابل اشخاص ثالث

(2) نحوه تقسیم سود و زیان

(3) حداکثر سرمایه شرکت

(4) تأثیر اکثریت عددی شرکاء در اداره شرکت

61- در جلسات هیأت مدیره شرکت سهامی، ملاک تصمیم‌گیری عبارت است از رأی اکثریت

(1) سهام حاضر

(2) عددی اعضای حاضر

(3) عددی و سرمایه‌ای حاضر

(4) عددی تمام اعضای هیأت مدیره

62- انحلال شرکت سهامی مادام که به ثبت نرسیده و اعلان نشده باشد نسبت به بلااثر است:

(1) سهامداران

(2) سهامداران و اشخاص ثالث

(3) اشخاص ثالث

(4) کلیه اشخاص

63- کسی که نمی‌تواند عضو هیأت مدیره در شرکت سهامی انتخاب شود:

(1) حکم ورشکستگی او صادر شده باشد.

(2) به ورشکستگی به تقلب محکوم شده باشد.

(3) به ورشکستگی به تقصیر محکومیت یافته باشد.

(4) دعوای ورشکستگی علیه او طرح شده باشد.

64- انتقال سهام با نام در شرکت‌های سهامی در صورتی که مطابق مقررات به ثبت نرسد در قبال

فاقد اعتبار است:

(1) شرکت

(2) اشخاص ثالث

(3) شرکت و اشخاص ثالث

(4) منتقل‌الیه

65- اساسنامه شرکت سهامی خاص برای این که قانوناً معتبر شناخته شود باید امضاء شود:

- 1) وسیله اکثریت سهامداران
- 2) توسط هیأت مدیره
- 3) وسیله رئیس هیأت مدیره
- 4) توسط سهامداران

66- اساسنامه شرکت سهامی عام برای این که قانونی شناخته شود باید:

- 1) به امضای مؤسسين برسد.
- 2) توسط مرجع مقرر به تصویب برسد.
- 3) وسیله مؤسسين و پذیرهنویسان امضاء شود.
- 4) توسط پذیرهنویسان امضاء شود.

67- امضای ورقه تعهد سهم بخودی خود مستلزم قبول

- 1) اساسنامه شرکت است.
- 2) تصمیمات مجمع عمومی فوق العاده شرکت نیست.
- 3) فقط تصمیمات مجمع عمومی مؤسس است.
- 4) هیچ تعهدی برای پذیرهنویس نیست.

68- اولین مدیران شرکت سهامی عام ممکن است شرکت انتخاب شوند.

- 1) با حضور دارندگان کم تر از $\frac{1}{3}$ سرمایه
- 2) با آرای کلیه سهامداران
- 3) در مجمع عمومی مؤسس
- 4) در مجمع عمومی عادی

69- تصمیمات مجامع عمومی عادی شرکت های سهامی، همواره به اکثریت

- 1) دو سوم آرای حاضر معتبر است.
- 2) فقط نصف به علاوه یک سهامداران معتبر است.
- 3) نصف به علاوه یک آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر است مگر در موارد مقرر در قانون تجارت.
- 4) نصف به علاوه یک آرای حاضر معتبر است.

70- در شرکت سهامی عام عزل مدیر عامل از اختیارات کدام مرجع است؟

- 1) بازرس
- 2) مجمع عمومی عادی
- 3) مجمع عمومی فوق العاده
- 4) هیأت مدیره

71- انتشار اوراق قرضه، در صورتی که ممکن نیست.

(1) شورای پول و اعتبار اجازه نداده باشد.

(2) کلیه سرمایه ثبت شده شرکت تأدیه نشده باشد.

(3) در اساسنامه شرکت پیش‌بینی نشده باشد.

(4) کلیه شرکاء موافق نباشند.

72- تأدیه مبلغ اسمی سهام جدید در شرکت سهامی به کدام طریق امکان‌پذیر نمی‌باشد:

(1) انتقال اندوخته قانونی

(2) پرداخت مبلغ اسمی سهم به نقد

(3) تبدیل اوراق قرضه به سهام

(4) تبدیل مطالبات نقدی حاصل شده اشخاص از شرکت به سهام جدید.

73- اگر مدیر تصفیه شرکت سهامی که طبق تصمیم مجمع عمومی شرکت منحل گردیده فوت شود، تعیین

جانشین توسط به عمل می‌آید:

(1) دادگاه

(2) مجمع عمومی

(3) مجمع عمومی در برخی از موارد و دادگاه در موارد دیگر

(4) هم مجمع عمومی و هم دادگاه به اختیار متقاضی

74- شرط مندرج در تصمیم مجمع عمومی شرکت سهامی که در رفع مسئولیت مدیران آن شرکت باشد:

(1) نافذ است.

(2) در قبال کلیه صاحبان سهام باطل است.

(3) نسبت به سهامدارانی که به آن تصمیم رأی مخالف داده‌اند باطل است.

(4) در صورتی که تصمیم به ثبت نرسیده باشد باطل است.

75- کدام گزینه در مورد تشکیل شرکت تجاری صحیح است؟

(1) هیچ‌یک از شرکاء نباید شرکت تجاری باشد.

(2) ممکن است کلیه شرکاء شرکت تجاری باشد.

(3) جز برای تشکیل شرکت‌های مختلط ممکن است کلیه شرکاء شرکت تجاری باشند.

(4) جز برای تشکیل شرکت تضامنی ممکن است کلیه شرکاء، شرکت تجاری باشند.

76- جلسه مجمع عمومی عادی شرکت سهامی «الف» در نتیجه اولین دعوت رسمیت نیافته و برای دومین بار دعوت صورت می‌گیرد اما به دلیل عدم اتخاذ تصمیم راجع به همه موضوعات مندرج در دستور، جلسه برای دو هفته دیگر تمدید می‌شود. در این صورت حد نصاب لازم برای رسمیت یافتن جلسه اخیر عبارت است از:

1) حضور دارندگان حداقل بیش از نصف سهام دارای حق رأی

2) حضور همان تعداد سهامی که در جلسه اول حاضر بوده است.

3) حضور همان سهامدارانی که در جلسه اول حاضر بوده‌اند.

4) حضور هر عده از صاحبان سهام دارای حق رأی

77- در مجمع عمومی عادی شرکت سهامی دارندگان 100 سهم با حق رأی حاضرند. با فرض رسمیت داشتن جلسه، چنانچه چهار رأی از 100 رأی اخذ شده ممتنع باشد حداقل چه تعداد رأی موافق برای تصویب ترازنامه ضروری است؟

1) 48 (2) 49 (3) 50 (4) 51

78- در یک شرکت سهامی، الف 2 سهم، ب 3 و ج 5 سهم دارد. با افزایش سرمایه به دو برابر، از طریق افزایش مبلغ اسمی، سهام سهم هر یک از شرکاء چه تعداد خواهد بود؟

1) الف 2 سهم، ب 3 سهم، ج 5 سهم

2) الف 4 سهم، ب 6 سهم، ج 10 سهم

3) مجموعاً 10 سهم دارند که براساس مصوبه مجمع عمومی توزیع می‌شود.

4) مجموعاً 30 سهم دارند که براساس مصوبه مجمع عمومی توزیع می‌شود.

79- شرکت سهامی «الف» و شخص حقیقی «ب» و شرکت تضامنی «ج» یک شرکت سهامی تشکیل می‌دهند. در این صورت در قبال طلبکاران شرکت جدید:

1) فقط مسئولیت «الف» و «ب» محدود به آورده آنان است.

2) فقط مسئولیت «ب» محدود به آورده اوست.

3) مسئولیت تمامی شرکا محدود به آورده آنان است.

4) همه شرکا مسئولیت تضامنی دارند.

80- در شرکت‌های سهامی، دعوت از صاحبان سهام برای تشکیل مجمع عمومی

(1) همواره توسط مدیر عامل شرکت صورت می‌پذیرد.

(2) همواره توسط هیأت مدیره شرکت انجام می‌شود.

(3) همواره توسط رئیس هیأت مدیره شرکت انجام می‌شود.

(4) ممکن است توسط مرجع ثبت شرکت‌ها صورت پذیرد.

81- در مواقعی که کلیه صاحبان سهام شرکت سهامی در مجمع عمومی حاضر باشند،

(1) نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی است.

(2) نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست.

(3) نشر آگهی و تشریفات دعوت در پاره‌ای موارد الزامی است.

(4) نشر آگهی الزامی است، لیکن رعایت تشریفات دعوت الزامی نیست.

82- در مقایسه میان سود خالص و سود قابل تقسیم، سود خالص

(1) همواره مساوی با سود قابل تقسیم است.

(2) همواره بیش از سود قابل تقسیم است.

(3) همواره کم‌تر از سود قابل تقسیم است.

(4) ممکن است مساوی با سود قابل تقسیم باشد.

83- در خرید سهام جدید شرکت سهامی، صاحبان سهام شرکت حق تقدم دارند و این حق قابل نقل

و انتقال

(1) به نسبت سهامی که مالکند- است. (2) به تعداد سهامی که مالکند- است.

(3) به تعداد سهامی که مالکند- نیست. (4) به نسبت سهامی که مالکند- نیست.

84- در مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت سهامی، دارندگان 99 سهم دارای حق رأی حاضرند، با فرض رسمیت

داشتن جلسه، برای تصویب انحلال شرکت حداقل آرای موافق عبارت است از:

(1) 50 (2) 51 (3) 66 (4) 67

85- کاهش اختیاری سرمایه از طریق کاهش سهم شرکا به نسبت مساوی

(1) در همه انواع شرکت جز شرکت‌های تضامنی، نسبی و مختلط متصور است.

(2) در همه انواع شرکت جز شرکت‌های سهامی متصور است.

(3) فقط در شرکت‌های سهامی متصور است.

(4) در همه انواع شرکت متصور است.

86- مجمع عمومی عادی شرکت سهامی برای دومین بار دعوت شده و در نتیجه صاحبان 20 سهم دارای حق رأی در مجمع حاضر شده و می خواهند درباره عزل یکی از مدیران تصمیم بگیرند. در این صورت مجمع مزبور

(1) رسمیت داشته و 11 رأی مثبت کافی است.

(2) رسمیت داشته و 10 رأی مثبت کافی است.

(3) رسمیت دارد اما برای عزل مدیر صلاحیت ندارد.

(4) به دلیل عدم کفایت تعداد آرای حاضر رسمیت ندارد.

87- سرمایه یک شرکت سهامی عام 5000 ریال است. در زمان تأسیس، مؤسسین 30% آن را تعهد کرده و 50% آن را پرداخته اند. پذیره نویسان چه مبلغی از این سرمایه را باید به هنگام تأسیس بپردازند؟

(1) 1225 ریال (2) 1500 ریال (3) 1750 ریال (4) 3500 ریال

88- سهام یک شرکت سهامی به میزان 25% از آن «الف» است. چنانچه سرمایه شرکت از طریق افزایش مبلغ مبلغ اسمی سهام به دو برابر افزایش یابد، نسبت سهم «الف» از کل سهام عبارت خواهد بود از:

(1) 12/5% (2) 25% (3) بین 25% تا 50% (4) 50%

89- هیأت مدیره شرکت با انتقال سهم «الف» به «ب» موافقت می کند اما طرفین، دفتر ثبت سهم شرکت را امضا نمی کنند. در این صورت حق حضور در مجامع عمومی متعلق به

(1) «الف» است.

(2) «ب» است.

(3) هیچ یک از آنها نیست.

(4) هر دو است اما دارای رأس واحد هستند.

پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای

- 1- گزینه (2) صحیح است.
- 2- گزینه (3) صحیح است.
- 3- گزینه (4) صحیح است.
- 4- گزینه (3) صحیح است.
- 5- گزینه (4) صحیح است.
- 6- گزینه (1) صحیح است.
- 7- گزینه (3) صحیح است.
- 8- گزینه (4) صحیح است.
- 9- گزینه (1) صحیح است.
- 10- گزینه (2) صحیح است.
- 11- گزینه (1) صحیح است.
- 12- گزینه (4) صحیح است.
- 13- گزینه (4) صحیح است.
- 14- گزینه (3) صحیح است.
- 15- گزینه (4) صحیح است.
- 16- گزینه (1) صحیح است.
- 17- گزینه (3) صحیح است.
- 18- گزینه (1) صحیح است.
- 19- گزینه (4) صحیح است.
- 20- گزینه (3) صحیح است.

پاسخنامه

1- گزینه «3» - (دشوار)

در شرکت‌های سهامی عام، نقل و انتقال سهام نمی‌تواند مشروط به موافقت مدیران شرکت یا مجمع عمومی صاحبان سهام شود. این امر به منظور تشویق به سرمایه‌گذار و حفظ حقوق انتقال گیرنده سهم است.

2- گزینه «1» - (دشوار)

ماده 118 لایحه اصلاحی مقرر می‌دارد که مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره امور شرکت می‌باشند، مشروط برای آن که تصمیمات آن‌ها در حدود موضوع شرکت باشد. محدود کردن اختیارات مدیران در اساسنامه یا به موجب تصمیمات مجمع عمومی فقط از لحاظ روابط بین مدیران و صاحبان سهام معتبر است و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن است. بنابراین اگر مدیران فراتر از محدودیت ایجاد شده عمل کنند معامله انجام شده صحیح است ولی اگر خسارتی به شرکت وارد آید مدیران شرکت مسئول خواهند بود.

3- گزینه «4» - (د)

در صورتی که اعضاء هیأت یک شرکت عضو هیأت مدیره شرکت دیگر باشند، این شرکت‌ها نمی‌توانند بدون اجازه هیأت مدیره معاملاتی را با هم انجام دهند و این معاملات باید از سوی مجمع عمومی عادی نیز تنفیذ شوند، به عبارت دیگر اگر معامله‌ای بدون اجازه هیأت مدیره انجام گیرد ولی مجمع عمومی عادی آن را تنفیذ کند این معاملات قابل ابطال نیستند، ولی مدیران ذی‌نفع مسئول خسارات وارده خواهند بود. (مواد 129 و 130 و 131 لایحه اصلاحی)

4- گزینه «3» - (دشوار)

در صورت استعفای مدیر عامل هیچ تکلیفی به اعلام این استعفا به مرجع ثبت شرکت‌ها وجود ندارد و هیأت مدیره، مدیر عامل جدید را انتخاب کرده و نام وی را به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام می‌کند.

5- گزینه «4» - (متوسط)

مطابق ماده 6 لایحه اصلاحی مؤسسين شرکت سهامی باید حداقل بیست درصد سرمایه شرکت را تعهد کنند و سی و پنج درصد مبلغ تعهد شده را نقداً بپردازند. بنابراین بیست درصد ده میلیون رال دو میلیون ریال است که هشت میلیون سرمایه را باید پذیره‌نویسان تعهد کنند.

6- گزینه «3» - (متوسط)

مطابق ماده 118 لایحه اصلاحی مدیران شرکت دارای کلیه اختیارات لازم برای اداره شرکت هستند و محدود کردن اختیارات مدیران به وسیله تصمیم مجمع عمومی یا به موجب اساسنامه شرکت فقط میان سهامداران و مدیران معتبر بوده و در مقابل اشخاص ثالث باطل و کأن لم یکن است.

7- گزینه «2» - (دشوار)

برای انتخاب مدیران در شرکت‌های سهامی اکثریتی که مدنظر است اکثریت نسبی است، بنابراین کسانی که اکثریت نسبی آراء را به دست آورند به عنوان مدیران شرکت انتخاب می‌شوند. (ماده 88 لایحه اصلاحی)

8- گزینه «4» - (دشوار)

حق تقدم در خرید سهام جدید شرکت یک حق مالی و قابل نقل و انتقال است و کسانی که مالک این حق باشند می‌توانند آن را به سهامداران شرکت یا اشخاص ثالثی که سهامدار نیستند انتقال دهند. (ماده 166 لایحه اصلاحی)

9- گزینه «4» - (دشوار)

مطابق ماده 198 لایحه اصلاحی خرید سهام شرکت توسط خود شرکت ممنوع است، چرا که این امر به منزله کاهش سرمایه است اما این کاهش سرمایه به صورت پنهانی صورت می‌گیرد و باعث لطمه و وارد آمدن زیان به سایر سهامداران شرکت می‌شود.

10- گزینه «2» - (متوسط)

در صورت انقضای مدت مأموریت مدیران شرکت سهامی مدیران باید مجمع عمومی عادی را دعوت کنند تا نسبت به انتخاب مدیران جانشین اقدام کند وگرنه هر ذی‌نفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران جانشین خواستار شود. (ماده 136 لایحه اصلاحی)

11- گزینه «1» - (متوسط)

تمدید مدت مأموریت مدیران تصفیه در صورتی که مدیران توسط مجمع عمومی فوق‌العاده انتخاب شده باشند با مجمع مزبور است. ولی اگر مدیران تصفیه توسط دستگاه معین شده باشند تمدید مدت مأموریت آن‌ها با دادگاه است. (مواد 214 و 215 لایحه اصلاحی)

12- گزینه «1» - (متوسط)

شرکت سهامی خاص نمی‌تواند سهام خود را در بورس اوراق بهادار عرضه کند، مگر این که از مقررات شرکت‌های سهامی عام تبعیت کند. (ماده 21 لایحه اصلاحی)

13- گزینه «3» - (متوسط)

گواهینامه موقت سهام بی‌نام در حکم سهام بی‌نام است و با قبض و اقباض قابل انتقال است و از لحاظ مالیات بر درآمد مشمول مقررات سهام بی‌نام است. (ماده 39 لایحه اصلاحی)

14- گزینه «3» - (متوسط)

تصمیمات در مجمع عمومی عادی به اکثریت مطلق آراء صورت می‌گیرد، مگر در مورد انتخاب مدیران که اکثریت نسبی آراء ملاک عمل است. رئیس هیأت مدیره، رئیس مجمع عمومی خواهد بود مگر در مواقعی که انتخاب یا عزل بعضی از مدیران یا کلیه آن‌ها جزو دستور جلسه مجمع باشد که در این صورت رئیس مجمع از بین سهامداران حاضر در جلسه به

اکثریت نسبی انتخاب خواهد شد. (ماده 101 لایحه اصلاحی)

15- گزینه «2» - (متوسط)

بعضی از مؤسسين شرکت سهامی ممکن است آورده غیرنقد داشته باشند که این آورده باید به تصویب مجمع عمومی مؤسس برسد در صورت عدم تصویب آن توسط مجمع مزبور دارندگان آورده غیرنقد یا باید آورده خود را به آورده نقدی تبدیل کنند یا از شرکت خارج شوند. اگر آنها راه دوم را انتخاب کنند، سایر پذیرهنویسان باید قسمت تعهد نشده سرمایه را خودشان تعهد کنند. در صورت عدم تعهد این قسمت از سرمایه شرکت قابل تشکیل نیست و این امر باید به مرجع ثبت شرکتها اطلاع داده شود. (مواد 79 و 80 و 81 لایحه اصلاحی)

16- گزینه «4» - (متوسط)

محبورین و کسانی که حکم ورشکستگی آنها صادر شده است، از انتخاب شدن به عنوان مدیر و مدیر عامل و بازرس شرکت ممنوع می باشند. (مواد 111 و 126 و 147 لایحه اصلاحی)

17- گزینه «1» - (دشوار)

ماده 104 لایحه اصلاحی مقرر می دارد: «هرگاه در مجمع عمومی تمام موضوعات مندرج در دستور ممع مورد اخذ تصمیم واقع نشود هیأت رئیسه مجمع با تصویب مجمع می تواند اعلام تنفس نموده و تاریخ جلسه بعد را که نباید دیرتر از دو هفته باشد تعیین کند تمدید جلسه محتاج به دعوت و آگهی مجدد نیست و در جلسات بعد مجمع با همان حد نصاب جلسه اول، رسمیت خواهد داشت.

18- گزینه «4» - (دشوار)

مبلغ پرداخت نشده سهام هر شرکت سهامی باید ظرف مدت مقرر در اساسنامه مطالبه شود و در غیراین صورت هیأت مدیره شرکت باید مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام را به منظور تقلیل سرمایه شرکت تا میزان مبلغ پرداخت شده سرمایه دعوت کند. (ماده 33 لایحه اصلاحی)

19- گزینه «3» - (متوسط)

انتقال اندوخته قانونی به سرمایه شرکت هم در شرکت های سهامی عام و هم در شرکت های سهامی خاص ممنوع است. (تبصره 2 ماده 157 لایحه اصلاحی)

20- گزینه «1» - (ساده)

تعیین حق الزحمه بازرس شرکت سهامی با مجمع عمومی عادی است. (ماده 155 لایحه اصلاحی)

21- گزینه «3» - (متوسط)

در صورتی که مدیر تصفیه شرکت سهامی یک نفر باشد و این شخص فوت کند، مرجع ثبت شرکتها به تقاضای هر ذی نفع مجمع عمومی عادی را برای انتخاب جانشین مدیر تصفیه دعوت می نماید. (ماده 231 لایحه اصلاحی)

22- گزینه «4» - (دشوار)

مطابق ماده 34 و 35 لایحه اصلاحی، کسی که تعهد اکتیاع سهمی را کرده است مسئول پرداخت تمام مبلغ اسمی آن است و اگر در مهلت مقرر و با توجه به مطالبه شرکت از پرداخت آن امتناع کند، شرکت می‌تواند سهام مزبور را از طریق مزایده یا بورس به فروش برساند.

23- گزینه «3» - (دشوار)

24- گزینه «3» - (دشوار)

مطابق تبصره ماده 6 قانون تجارت مؤسسين باید مدارک مالکیت آورده غیرنقدی خود را به بانکی که حساب شرکت در شرف تأسیس را افتتاح کرده‌اند بسپارند.

25- گزینه «3» - (دشوار)

حق تقدم سهامداران در خرید سهام جدید شرکت حقی مالی و قابل انتقال به سهامدار و غیرسهامدار می‌باشد. (ماده 166 لایحه اصلاحی)

26- گزینه «4» - (متوسط)

در شرکت سهامی ترتیب دادن سهام ممتاز چون مستلزم تغییر اساسنامه است در صلاحیت مجمع عمومی فوق‌العاده است و همچنین تغییر در امتیاز سهام ممتاز نیز منوط به تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده با جلب موافقت دارندگان نصف به علاوه یک این‌گونه سهام می‌باشد. (ماده 42 لایحه اصلاحی)

27- گزینه «1» - (متوسط)

فقط شرکت‌های سهامی عام می‌توانند اوراق مشارکت قابل تبدیل به سهام منتشر کنند. (ماده 51 لایحه اصلاحی)

28- گزینه «3» - (دشوار)

دارندگان حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت می‌توانند به نام و از طرف شرکت علیه مدیران شرکت اقامه دعوی کنند. (ماده 276 لایحه اصلاحی)

29- گزینه «1» - (متوسط)

در مجمع عمومی مؤسس هر سهمی دارای یک رأی است، اما در مجامع عمومی عادی و فوق‌العاده ممکن است اساسنامه شرکت داشتن میزان معینی سهم را برای حق رأی الزامی بداند مثلاً ممکن است اعلام شود کسانی که صد سهم یا بالاتر دارند می‌توانند رأی بدهند.

30- گزینه «4» - (متوسط)

انتقال اندوخته قانونی به سرمایه شرکت در شرکت‌های سهامی عام و خاص ممنوع است. (تبصره 2 ماده 157 لایحه اصلاحی)

31- گزینه «3» - (دشوار)

کسانی که حداقل یک پنجم مجموع سهام شرکت را دارا باشند می‌توانند علیه مدیران شرکت اقامه دعوی کنند و این دعوی نام و حساب شرکت صورت می‌گیرد. (ماده 276 لایحه اصلاحی)

32- گزینه «2» - (دشوار)

تصمیمات هیأت مدیره باید با اکثریت آراء حاضرین اتخاذ گردد مگر آن که اساسنامه اکثریت بیش‌تری مقرر کرده باشد. (ماده 121 لایحه اصلاحی)

33- گزینه «2» - (متوسط)

شرکت‌های سهامی شرکت بازرگانی محسوب می‌شوند ولو این که موضوع عملیات آن‌ها تجارتي نباشد. چرا که تجاری محسوب شدن شرکت‌های سهامی به‌خاطر شکل آن‌هاست نه موضوع فعالیت آن‌ها. (ماده 2 لایحه اصلاحی)

34- گزینه «4» - (ساده)

تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت دو سوم آراء اتخاذ می‌شود. (ماده 85 لایحه اصلاحی)

35- گزینه «4» - (دشوار)

هیچ مجمع عمومی نمی‌تواند بر تعهدات صاحبان سهام بیفزاید مگر آن که تمامی اعضای شرکت به اتفاق آراء با این امر موافق باشند که این موافقت در یکی از جلسات مجمع عمومی می‌تواند جلب شود و البته این مجمع باید به‌طور فوق‌العاده دعوت شود و همه سهامداران شرکت حاضر شوند.

36- گزینه «4» - (متوسط)

هیأت مدیره مکلف است هر ساله یک بیستم از سود خالص شرکت را به عنوان اندوخته قانونی شرکت منظور نماید. (ماده 140 لایحه اصلاحی)

37- گزینه «3» - (دشوار)

شرکت سهامی عام ممکن است دولتی بوده یا دولتی نباشد.

38- گزینه «2» - (متوسط)

اگر شرکت سهامی بازرسان متعدد داشته باشد، این بازرسان می‌توانند به‌طور جداگانه فعالیت کنند اما باید گزارش واحدی را تهیه کنند. (تبصره ماده 150 لایحه اصلاحی)

39- گزینه «2» - (دشوار)

نام و مشخصات و حدود اختیارات مدیر عامل باید با ارسال نسخه‌ای از صورت جلسه هیأت مدیره به مرجع ثبت شرکت‌ها اعلام و پس از ثبت در روزنامه رسمی آگهی شود. (ماده 128 لایحه اصلاحی)

40- گزینه «3» - (متوسط)

انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد. (ماده 40 لایحه اصلاحی)

41- گزینه «3» - (متوسط)

مدیران شرکت باید دارای تعداد خاصی سهام به عنوان وثیقه باشند و مدت یک‌ماه از تاریخ انتصاب به مدیریت شرکت فرصت دارند تا سهام لازم را تهیه کنند وگرنه مستعفی شناخته می‌شوند. (ماده 115 لایحه اصلاحی)

42- گزینه «4» - (دشوار)

موضوع شرکت سهامی ممکن است تجاری باشد یا غیرتجاری ولی در هر صورت شرکت تجاری محسوب می‌شود. (ماده 2 لایحه اصلاحی)

43- گزینه «3» - (متوسط)

مبلغ پرداخت نشده سهام شرکت ظرف مهلت مقرر در اساسنامه باید مطالبه شود وگرنه هیأت مدیره باید مجمع عمومی فوق‌العاده را برای کاهش سرمایه تا میزان مبلغ پرداخت شده دعوت نماید. (ماده 33 لایحه اصلاحی)

44- گزینه «1» - (متوسط)

در مجمع عمومی مؤسس حضور عده‌ای از پذیرهنویسان که حداقل نصف سرمایه شرکت را تعهد نموده باشند ضروری است. (ماده 75 لایحه اصلاحی)

45- گزینه «3» - (متوسط)

مدیر عامل شرکت در حدود اختیاراتی که توسط هیأت مدیره به او تفویض شده است، نماینده شرکت محسوب و از طرف شرکت حق امضاء دارد. (ماده 125 لایحه اصلاحی)

46- گزینه «2» - (دشوار)

وجوهی که به حساب افزایش سرمایه تأدیه می‌شود باید در حساب مخصوصی نگهداری شود. تأمین و توقیف و انتقال وجوه مزبور به حساب‌های شرکت ممکن نیست، مگر پس از به ثبت رسیدن افزایش سرمایه شرکت. (ماده 184 لایحه اصلاحی)

47- گزینه «3» - (متوسط)

با انقضای مدت شرکت سهامی مجمع عمومی فوق‌العاده باید انحلال شرکت را اعلام کند وگرنه هر ذی‌نفع می‌تواند از دادگاه انحلال شرکت را خواستار شود. (مواد 199 و 201 لایحه اصلاحی)

48- گزینه «4» - (متوسط)

مدیران تصفیه شرکت سهامی باید همه ساله گزارش اعمال خود را به مجمع عادی بدهند. (ماده 277 لایحه اصلاحی)

49- گزینه «2» - (ساده)

تعیین حق الزحمه بازرس شرکت سهامی با مجمع عمومی عادی است. (ماده 155 لایحه اصلاحی)

50- گزینه «4» - (متوسط)

برای تشکیل جلسات هیأت مدیره حضور بیش از نصف اعضاء هیأت مدیره لازم است. (ماده 121 لایحه اصلاحی)

51- گزینه «3» - (متوسط)

کسر یک بیستم سود خالص شرکت برای هیأت مدیره الزامی است و اگر سرمایه شرکت افزایش یابد این روند ادامه می‌یابد تا اندوخته قانونی به یک دهم سرمایه شرکت برسد. (ماده 140 لایحه اصلاحی)

52- گزینه «2» - (دشوار)

پاداشی که به اعضاء هیأت مدیره شرکت‌های سهامی خاص پرداخت می‌شود، نباید از ده درصد سودی که در همان سال به صاحبان سهام پرداخت می‌شود تجاوز کند. (مواد 134 و 241 لایحه اصلاحی)

53- گزینه «1» - (متوسط)

اختیارات مدیرعامل توسط هیأت مدیره به وی تفویض می‌شود. (ماده 125 لایحه اصلاحی)

54- گزینه «1» - (متوسط)

شرکت‌های دولتی تابع قوانین تأسیس و اساسنامه‌های خود می‌باشند و فقط نسبت به موضوعاتی که در قوانین و اساسنامه‌های آن‌ها ذکر نشده است تابع مقررات لایحه اصلاحی می‌باشند. (ماده 300 لایحه اصلاحی)

55- گزینه «2» - (دشوار)

چنانچه هیأت مدیره مجمع عمومی عادی سالانه را در موعد مقرر دعوت نکند، بازرسان شرکت مکلفند رأساً اقدام به دعوت مجمع مزبور بنمایند. (ماده 91 لایحه اصلاحی)

56- گزینه «4» - (متوسط)

در شرکت‌های سهامی هر سهم بیانگر یک رأی است که این امر فقط در مجمع عمومی مؤسس رعایت می‌شود و در مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده می‌توانند حق رأی را منوط به داشتن تعداد معینی سهم بنمایند.

57- گزینه «3» - (متوسط)

نتیجه عدم حصول حد نصاب جلسه مجمع عمومی مؤسس با دعوت سوم عدم تشکیل شرکت است. (ماده 75 لایحه اصلاحی)

58- گزینه «1» - (متوسط)

به محض تشکیل شرکت سهامی این شرکت شخصیت حقوقی پیدا می‌کند و تشکیل شرکت زمانی محقق می‌شود که مجمع عمومی مؤسس دعوت شده و تشکیل جلسه دهد و وظایف خود از جمله انتخاب مدیران و بازرسان را انجام دهد.

(ماده 17 لایحه اصلاحی)

59- گزینه «2» - (متوسط)

در صورت تبدیل شرکت سهامی عام این شرکت می‌تواند سهام خود را در بورس عرضه کند.

60- گزینه «4» - (دشوار)

در شرکت‌های سهامی اکثریت‌های مختلفی برای اداره شرکت در نظر گرفته شده است که در آن‌ها هم به اکثریت عددی سهامداران توجه می‌شود و هم اکثریت سرمایه.

61- گزینه «2» - (متوسط)

تصمیمات در هیأت مدیره به اکثریت آراء حاضرین اتخاذ می‌گردد. (ماده 121 لایحه اصلاحی)

62- گزینه «3» - (متوسط)

انحلال شرکت سهامی مادام که به ثبت نرسیده و اعلام نشده باشد نسبت به اشخاص ثالث بلااثر است. (ماده 210 لایحه اصلاحی)

63- گزینه «1» - (متوسط)

کسی که حکم ورشکستگی او صادر شده است نمی‌تواند مدیر شرکت باشد. (ماده 111 لایحه اصلاحی)

64- گزینه «3» - (متوسط)

انتقال سهام با نام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد وگرنه از نظر شرکت و اشخاص ثالث معتبر نیست ولی میان انتقال‌دهنده و انتقال‌گیرنده معتبر است. (ماده 40 لایحه اصلاحی)

65- گزینه «4» - (متوسط)

اساسنامه شرکت سهامی خاص باید به امضای کلیه سهامداران شرکت برسد. (بند 1 ماده 20 لایحه اصلاحی)

66- گزینه «2» - (متوسط)

اساسنامه شرکت سهامی عام باید در مجمع عمومی مؤسس تصویب شود. (ماده 17 لایحه اصلاحی)

67- گزینه «1» - (متوسط)

امضای ورقه سهم به خودی خود مستلزم قبول اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی صاحبان سهام است. (ماده 15 لایحه اصلاحی)

68- گزینه «3» - (متوسط)

اولین مدیران شرکت توسط مجمع عمومی مؤسس انتخاب می‌شوند. (ماده 17 لایحه اصلاحی)

69- گزینه «3» - (متوسط)

در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره به اکثریت نصف به علاوه یک آرای حاضر در جلسه رسمی معتبر است مگر در

مورد انتخاب مدیران و بازرسان که اکثریت نسبی لازم است. (ماده 88 لایحه اصلاحی)

70- گزینه «4» - (متوسط)

انتخاب و عزل مدیر عامل وظیفه هیأت مدیره شرکت سهامی است. (ماده 124 و تبصره آن)

71- گزینه «2» - (متوسط)

یکی از شرایط صدور اوراق قرضه این است که تمامی سرمایه ثبت شده شرکت تأدیه باشد. (ماده 55 لایحه اصلاحی)

72- گزینه «1» - (متوسط)

انتقال اندوخته قانونی به سرمایه شرکت ممنوع است. (تبصره 2 ماده 157 لایحه اصلاحی)

73- گزینه «3» - (دشوار)

اگر مدیری تصفیه شرکت سهامی که طبق تصمیم مجمع عمومی شرکت منحل شده فوت شود، تعیین جانشین وی با مجمع عمومی عادی است و اگر مجمع مزبور تشکیل نشود، دادگاه مدیر تصفیه جدید را معین خواهد کرد. (ماده 231 لایحه اصلاحی)

74- گزینه «2» - (دشوار)

مقررات اساسنامه و تصمیمات مجمع عمومی نباید به نحوی از انحاء حق صاحبان سهام را در مورد اقامه دعوی مسئولیت علیه مدیران شرکت محدود نماید. (ماده 277 لایحه اصلاحی)

75- گزینه «2» - (س)

برای تشکیل یک شرکت تجاری حتماً لازم نیست شرکاء اشخاص حقیقی باشند بلکه اشخاص حقوقی نیز می‌توانند جزء شرکاء یک شرکت تجاری باشند.

76- گزینه «4» - (دشوار)

در مجمع عمومی عادی حضور دارندگان اقلماً بیش از نصف سهامی که حق رأی دارند ضروری است. اگر در اولین دعوت حد نصاب مذکور حاصل نشد مجمع برای بار دوم دعوت خواهد شد و با حضور هر عده از صاحبان سهام که حق رأی دارد رسمیت یافته و اخذ تصمیم خواهد نمود. حال اگر تمامی موضوعات مورد بحث قرار نگیرند جلسه تمدید شده که در این صورت حضور هر عده از صاحبان سهام دارای حق رأی ضروری خواهد بود. ماده 104 قانون تجارت «با همان حد نصاب جلسه اول» را به کار برده که منظور از جلسه اول همان جلسه‌ای بوده که مجمع تشکیل شده و به بررسی موضوعات مورد بحث پرداخته است نه جلسه‌ای که تعداد اعضا به حد نصاب نرسیده است.

77- گزینه «4» - (ساده)

در مجمع عمومی عادی تصمیمات همواره با اکثریت نصف به علاوه یک آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود. (ماده 88 لایحه اصلاحی قانون تجارت) بنابراین نصف به علاوه یک 100 همان 51 خواهد بود.

78- گزینه «1»- (متوسط)

افزایش سرمایه از طریق افزایش مبلغ اسمی سهام به تعداد سهامداران افزوده نمی‌شود در نتیجه تعداد سهام سهامداران ثابت خواهد ماند.

79- گزینه «3»- (متوسط)

مسئولیت هر یک از شرکاء در شرکت‌های سهامی محدود به آورده آنان است یعنی در مقابل طلبکاران شرکت، سهامداران شرکت‌های سهامی فقط آورده خود را ممکن است از دست بدهند و از این رهگذر نیز هیچ فرقی بین شریکی که شخص حقوقی بوده فارغ از این که به صورت تضامنی است یا مسئولیت محدود، وجود ندارد.

80- گزینه «4»- (متوسط)

دعوت مجمع عمومی صاحبان سهم فقط توسط هیأت مدیره شرکت نیست بلکه سهامدارانی که حداقل یک پنجم سهام شرکت را داشته باشند می‌توانند تقاضا کنند تا مجمع عمومی صاحبان سهام دعوت شوند و در ماده 136 لایحه اصلاحی قانون تجارت مقرر شده «در صورتی که با وجود انقضاء مدت مدیریت مدیران، مراجع موظف به دعوت عمومی مجمع عمومی به وظیفه خود عمل نکنند هر ذینفع می‌تواند از مرجع ثبت شرکت‌ها دعوت مجمع عمومی عادی را برای انتخاب مدیران تقاضا کند.» پس دعوت مجمع عمومی صاحبان سهام در مواردی توسط مرجع ثبت شرکت‌ها نیز انجام می‌شود.

81- گزینه «2»- (ساده)

تبصره ماده 97 لایحه اصلاحی قانون تجارت مقرر می‌دارد: «در مواقعی که کلیه صاحبان سهام در مجمع حاضر باشند نشر آگهی و تشریفات دعوت الزامی نیست.»

82- گزینه «4»- (دشوار)

سود قابل تقسیم از سود خالص به دست می‌آید بدین توضیح که پس از کسر زیان‌های سال‌های مالی قبل از سود خالص و همچنین کسر کردن اندوخته قانونی و سایر اندوخته‌های اختیاری از سود خالص، سود قابل تقسیم به دست می‌آید که ممکن است چون شرکت فاقد زیان مالی در سال‌های قبل بوده و همچنین اندوخته اختیاری هم نداشته باشد بنابراین سود قابل تقسیم و سود خالص مساوی باشند. البته این مورد کمی دور از ذهن است و چون سود قابل تقسیم از سود خالص به دست می‌آید منطقاً سود خالص باید همواره بیش‌تر از سود قابل تقسیم باشد. (گزینه‌ی 2 تا حدودی صحیح است.)

83- گزینه «1»- (متوسط)

در خرید سهام جدید شرکت سهامی دارندگان قبلی سهام به تعداد سهامی که مالک هستند در خرید سهم جدید دارای حق تقدم خواهند بود و این حق نیز قابل نقل و انتقال است.

84- گزینه «3»- (متوسط)

تصمیمات در مجمع عمومی فوق العاده با اکثریت $\frac{2}{3}$ دارندگان سهامی که حق رأی دارند صورت می‌گیرد. یکی از مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی فوق العاده است تصمیم‌گیری در مورد انحلال بیش از موعد شرکت سهامی است که آن هم باید با اکثریت دو سوم آراء صورت گیرد.

85- گزینه «4» - (متوسط)

با عنایت به این که از نظر قانونی این شیوه کاهش سرمایه به نوع خاصی از شرکت اختصاص نیافته است و یا در نوع خاصی از شرکت منع نشده است.

86- گزینه «1» - (متوسط)

با عنایت به مواد 87 و 88 لایحه اصلاحی قانون تجارت مصوب سال 1347 در دعوت مجمع عمومی عادی برای بار دوم، جلسه مجمع با حضور هر تعداد از سهامداران تشکیل می‌شود و تصمیمات اصولاً به اکثریت نصف به علاوه یک (مطلق) حاضرین اخذ می‌شود.

87- گزینه «3» - (متوسط)

پاسخ سازمان سنجش گزینه (3) می‌باشد ولی گزینه (2) به نظر صحیح می‌رسد.

88- گزینه «2» - (متوسط)

با عنایت به این که افزایش سرمایه از طریق افزایش مبلغ اسمی سهام بوده است، لذا این امر تأثیری در نسبت سهام هر یک از سهامداران به کل سهام شرکت ندارد. در این نسبت ثابت باقی خواهد ماند.

89- گزینه «1» - (متوسط)

نظر به ماده 40 لایحه اصلی قانون تجارت، انتقال سهام باید در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت برسد و انتقالی که موافق ترتیبات قانونی در دفتر ثبت سهام شرکت به ثبت نرسیده از منظر شرکت و اشخاص ثالث بلااثر تلقی خواهد شد.

- شرکت با مسئولیت محدود:

- معرفی شرکت با مسئولیت محدود

شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است. (ماده 94 قانون تجارت) مطابق این تعریفی که ماده 94 قانون تجارت از شرکت با مسئولیت محدود ارائه می‌کند در می‌یابیم که: اولاً برای تشکیل شرکت با مسئولیت محدود حداقل دو نفر لازم است و این شرکت برای امور تجاری است. ثانیاً سرمایه شرکاء که از آن به سهم شرکت تعبیر می‌شود به قطعات سهام تقسیم نمی‌شود و مسئولیت هر یک از شرکاء محدود به آورده آنها در شرکت می‌باشد. یعنی اگر شرکت ورشکسته شود شرکاء فقط سرمایه‌ای را که وارد شرکت کرده اند از دست می‌دهند.

- تشکیل شرکت با مسئولیت محدود:

قرارداد شرکت با مسئولیت محدود، همانند هر قرارداد دیگری باید دارای شرایط، صحت، مندرج در ماده 190 قانون مدنی بوده، مخاتی با مفاد 975 قانون مدنی نیز نداشته باشد. بنابراین، شرکت با مسئولیت محدود وقتی می‌تواند تشکیل شود که شرکاء اهلیت و رضایت داشته باشند، موضوع شرکت نیز باید تجاری باشد و مخالف قانون نباشد و جهت معامله باید مشروع باشد و قرارداد شرکت با نظم عمومی مخالفت نداشته باشد.

علاوه بر اینها تشکیل شرکت با مسئولیت محدود موقوف است به آوردن حصة از جانب هر یک از شرکاء قصد همکاری به منظور بردن سود، و تقسیم سود و زیان بین تمام شرکاء.

تشکیل شرکت با مسئولیت محدود باید به موجب قرارداد کتبی میان شرکاء باشد و کلیه شرکاء باید این قرارداد را شخصاً یا توسط وکیل دارای اختیار امضاء کند. این قرارداد باید حتماً بصورت رسمی تنظیم شود والا طبق مواد 47 و 48 قانون ثبت بلااثر در شرکتنامه باید صراحتاً قید شده باشد که سهم الشرکه‌های غیر نقدی هر کدام به چه میزان تقویم شده است. (ماده 97 قانون تجارت)

این موضوع در مورد شرکتهای با مسئولیت محدود دارای اهمیت ویژه‌ای است و در ماده 100 قانون تجارت به این موضوع اشاره شده است و گفته شده که اگر شرکت با مسئولیت محدود بدون اینکه سهم الشرکه‌های غیر نقدی تقویم شده باشد تشکیل شود از درجه اعتبار ساقط و باطل شمرده می‌شود ولی شرکاء در مقابل اشخاص ثالث نمی‌توانند به این بطلان استناد کنند بلکه در مقابل اشخاص ثالث ضامن جبران خسارات وارده به اشخاص ثالث می‌باشد.

البته تنها چیزی که موجب بطلان قرارداد شرکت است، عدم قید میزان تقویمی سهم الشرکه غیر نقدی است. بنابراین هرگاه در شرکتنامه میزان سرمایه نقدی قید نشده باشد و یا به صراحت قید نشده باشد که سرمایه کلاً یا جزاً پرداخت شده است یا خیر، قرارداد شرکت باطل نیست.

شرکت با مسئولیت محدود برای تشکیل نیاز به حداقل دو شریک دارد و برای این شرکاء نیز شرایط دیگری لازم نیست و اهلیت خاصی برای شریک شدن در این نوع شرکت وجود ندارد بنابراین، اشخاص محجور نیز می‌توانند به واسطه نماینده قانونی خود، در این نوع شرکتهای سهامی شوند.

برای تشکیل شرکت با مسئولیت محدود شرکاء باید میزانی از سرمایه را وارد در شرکت بنمایند. قانونگذار ایران هیچگونه حداقل و حداکثری برای سرمایه شرکت با مسئولیت محدود در نظر نگرفته است بنابراین، سرمایه شرکت می‌تواند به هر میزانی باشد. آورده شرکاء می‌تواند بصورت نقدی یا غیر نقدی باشد.

اگر آورده شرکاء نقدی باشد باید تمام سرمایه نقدی تادیه گردد. (ماده 96 قانون تجارت)

و اگر بعضی از شرکاء آورده غیر نقدی داشته باشند این آورده غیر نقدی باید در شرکتنامه تقویم شود و میزان سهم الشرکه هر یک از شرکاء نیز باید معین گردد.

ماده 96 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی و تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.»

ضمانت اجرای ماده 96 قانون تجارت ماده 100 قانون تجارت است که شرکت را باطل و از درجه اعتبار ساقط می‌داند و در صورت صدور حکم بطلان شرکت، شرکایی که بطلان مستند به عمل آنها است و هیأت نظارت و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر و کار بوده اند و انجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشی از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود. (ماده 101 قانون تجارت)

از سوی دیگر شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم الشرکه‌های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند. (ماده 98 قانون تجارت)

بدین توضیح که اگر شرکاء آورده غیر نقدی یکی از شرکاء را بالاتر از میزان واقعی آن آورده در نظر گرفته باشند نسبت به آن میزان در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

در شرکت با مسئولیت محدود سهم الشرکه شرکاء نمی‌تواند به شکل اوراق تجارتي قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره درآید. سهم الشرکه را نمی‌توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده‌ای از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند. و انتقال این سهم الشرکه فقط به موجب سند رسمی بعمل می‌آید. (مواد 102 و 103 قانون تجارت)

شرکت با مسئولیت محدود بعد از اینکه تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد. تشکیل می‌شود. (ماده 96 قانون تجارت).

- حیات شرکت با مسئولیت محدود:

شرکت با مسئولیت محدود بوسیله یک یا چند نفر مدیر موظف یا غیر موظف که از بین شرکاء یا از خارج برای مدت

محدود یا نامحدودی معین می‌شوند اداره می‌گردد. (ماده 104 قانون تجارت)

در شرکت با مسئولیت محدود یک یا چند نفر را بعنوان مدیر انتخاب می‌کنند که این مدیران یا از شرکاء شرکت انتخاب می‌شوند یا از اشخاصی خارج از شرکت برای اداره امور شرکت انتخاب می‌شوند.

مدیران شرکت با مسئولیت محدود دارای کلیه اختیارات لازمه برای نمایندگی و اداره شرکت را دارند و در اساسنامه شرکت می‌توان اختیارات مدیران را محدود کرد. محدود کردن اختیارات مدیران در مقابل اشخاص ثالث در صورتی معتبر است که در اساسنامه به آن تصریح شده باشد. (ماده 105 قانون تجارت)

مدیران شرکت در صورتیکه به نمایندگی از شرکت عمل کرده باشد مقررات ماده 105 قانون تجارت در مورد وی اعمال می‌شود و همچنین شرکت با مسئولیت محدود باید دارای اساسنامه باشد تا مقررات ماده 105 قانون تجارت در مورد آن اعمال شود و اگر شرکت اساسنامه نداشته باشد فقط مقررات عام حقوق مدنی راجع به وکالت در مورد او قابل اعمال است نه مقررات ماده 105 قانون تجارت. چرا که تنظیم اساسنامه برای شرکت با مسئولیت محدود الزامی نیست.

اختیارات مدیران شرکت فقط در حدود موضوع شرکت است و خارج از حدود موضوع شرکت مدیران اختیاری ندارند.

هرگاه شرکاء در اساسنامه اختیارات مدیر یا مدیران را محدود کرده و برای مثال، پیش بینی کنند که اسناد تعهد آور مهم باید توسط اکثر شرکاء امضاء شود، یا تصمیم بگیرند که اموال شرکت قابل وثیقه گذاشتن نیست، یا فروش اموال غیر منقول شرکت موکول به تصمیم کلیه شرکاست، این شروط در مورد مدیر لازم الرعایه است و اگر مدیر آنها را رعایت نکند، شرکت و شرکاء مسئول انجام دادن تعهدات نخواهند بود بلکه خود مدیر مسئول محسوب می‌شود.

اگر اساسنامه درباره اختیارات مدیر ساکت باشد، مدیر دارای اختیارات مطلق است، مشروط بر اینکه قرارداد جداگانه‌ای بین شرکاء و مدیر، اختیارات او را محدود نکرده باشد. بعبارت دیگر، اختیارات مدیر را می‌توان در مورد شرکت و شرکاء به موجب قرارداد خصوصی، محدود کرد که در اینصورت، هرگاه مدیر از حدود اختیارات قراردادی خارج شود، در مقابل شرکت و شرکاء مسئول خواهد بود اما این قرار که بنا بر فرض، در اساسنامه نیامده، نسبت به اشخاص ثالث بلا اثر است.

1- مسئولیت مدیران:

شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می‌شود که کلیه سرمایه نقدی آن تادیه و سرمایه غیر نقدی آن نیز تقویم و تسلیم شده باشد بنابراین هر شرکت با مسئولیت محدودی که بر خلاف این امر تشکیل شده باشد باطل است و شرکایی که بطلان هستند به عمل آنها است و هیأت نظار و مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده اند و انجام وظیفه نکرده اند در مقابل شرکاء دیگر و اشخاص ثالث نسبت به خسارات ناشیه از این بطلان متضامناً مسئول خواهند بود. (ماده 101 قانون تجارت)

مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که آیا در صورت تعدد مدیران، هر مدیری بدلیل انجام ندادن وظیفه خودش مسئول است یا اینکه انجام نیافتن وظیفه از جانب هر یک از مدیران موجب مسئولیت مدیر دیگر هم خواهد بود. ماده 101 قانون

تجارت تاکید می‌کند: «..... مدیرهایی که در حین حدوث سبب بطلان یا بلافاصله پس از آن سر کار بوده و انجام وظیفه نکرده اند، در مقابل شرکای دیگر و اشخاص ثالث..... متضامناً مسئول خواهند بود.»

آیا مسئولیت تضامنی به این معنا نیست که خطای یک مدیر موجب مسئولیت همه آنها است؟

پاسخ به این سوال بنظر دکتر اسکینی منفی است چرا که مسئولیت مندرج در ماده 101، قانون تجارت بجز تضامنی بودن آن، یک نوع مسئولیت ناشی از خطا است و بنابراین، تا هر مدیری شخصاً خطا نکرده باشد، مسئول نخواهد بود. البته اگر خطا مشترکاً و توسط مدیران متعدد شرکت صورت گرفته باشد، موجب مسئولیت تضامنی آنان خواهد بود یعنی هر یک از آنان را می‌توان به پرداخت تمامی زیان وارده به اشخاص ذی نفع محکوم کرد تا آنکه عموم زیان اشخاص اخیر پرداخت شود.

در ماده 115 قانون تجارت مواردی بر شمرده شده است که در این موارد مدیران کلاهبردار معرفی شده و مسئولیت جزایی دارند.

در بند الف ماده 115 قانون تجارت مؤسسين و مدیرانی که بر خلاف واقع پرداخت تمام سهم الشرکه نقدی و تقویم و تسلیم سهم الشرکه غیر نقدی را در اوراق قرضه و اسنادی که باید برای ثبت شرکت بدهند اظهار کرده باشند، که این اشخاص را کلاهبردار می‌داند.

در بند ب ماده 115 قانون تجارت به اشخاصی اشاره شده است که به وسایل متقلبانه متوسل شده اند و سهم الشرکه غیر نقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده اند.

در بند ج ماده 115 قانون تجارت عده‌ای از مدیران را کلاهبردار معرفی می‌کند که این مدیران با نبودن صورت دارایی با به استناد صورت دارایی مزور منافع موهومی را بین شرکاء تقسیم می‌کنند.

2- تصمیمات جمعی راجع به شرکت با مسئولیت محدود:

تصمیمات شرکت با مسئولیت محدود تابع قاعده اکثریت است. در واقع شرکت توسط اکثریت اتخاذ می‌شود و به منزله اداره شرکت است.

تصمیمات شرکت با مسئولیت محدود ممکن است بصورت عادی باشد یا بصورت فوق‌العاده.

تصمیمات عادی شرکت ممکن است راجع به موضوعات مختلف باشد؛ مانند اعطای اختیار به مدیر برای انجام دادن پاره‌ای از امور، انتخاب مدیر جدید، تصویب ترازنامه شرکت.

تصمیمات شرکت بصورت شورایی اتخاذ می‌شود. ماده 109 قانون تجارت مقرر کرده است: «هر شرکت با مسئولیت محدود که عده شرکاء آن بیش از دوازده نفر باشد باید دارای هیأت نظارت بوده و هیأت مزبور لااقل سالی یک مرتبه مجمع عمومی شرکاء را تشکیل دهد هیأت نظاره باید بلافاصله بعد از انتخاب شدن تحقیق کرده اطمینان حاصل کند که دستور مواد 96 و 97 رعایت شده است. هیأت نظاره می‌تواند شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی فوق‌العاده دعوت

نماید.»

اگر تعداد شرکاء شرکت با مسئولیت محدود بیشتر از دوازده نفر باشد هیأت نظاره تشکیل می‌شود و دعوت مجمع عمومی عادی و فوق‌العاده بر عهده این هیأت خواهد بود. ولی اگر تعداد شرکاء با مسئولیت محدود کمتر از دوازده نفر باشد تشکیل هیأت نظاره الزامی نخواهد بود.

مجمع عمومی شرکاء عالی‌ترین شکل شرکاء است که اختیار تصمیم درباره کلیه امور شرکت را دارد. انتخاب مدیران، بازرسان و تعیین خط‌مشی‌های کلی شرکت، موافقت با ورود اعضای جدید، تغییر اساسنامه و تغییر تابعیت شرکت از اختیارات مجمع عمومی شرکاء است. معمولاً مجمع عمومی اختیار اداره امور جاری شرکت را به مدیر یا هیأت مدیران واگذار می‌کند.

تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمامی شرکاء مجدداً دعوت شوند در اینصورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می‌شود اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشند. اساسنامه شرکت می‌تواند ترتیبی بر خلاف مراتب فوق مقرر دارد. (ماده 106 قانون تجارت) نحوه تصمیم‌گیری در شرکت با مسئولیت محدود به اینصورت است که هر یک از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای زای خواهد بود و اساسنامه نیز می‌تواند خلاف این امر مقرر دارد.

تصمیمات فوق‌العاده شرکت با مسئولیت محدود عمدتاً راجع به تغییر اساسنامه است. ماده 111 قانون تجارت مقرر می‌کند که تصمیمات راجع به تغییر اساسنامه باید به اکثریت عددی شرکاء که لاقبل سه ربع سرمایه را نیز داشته باشند بعمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد. قانونگذار به این قاعده اکثریت دو استثناء وارد کرده است: اکثریت شرکاء، نه می‌توانند تابعیت شرکت را تغییر دهند و نه می‌توانند شریک را مجبور به ازدیاد سهم الشرکه خود کنند، بلکه این تصمیمات حتماً باید به اتفاق آرای شرکا باشد (مواد 110 و 112 قانون تجارت)

شرکا نمی‌توانند با اکثریت آراء، مرکز اصلی شرکت را به یک کشور خارجی منتقل کنند، چرا که این امر به منزله تغییر تابعیت شرکت است که در مورد آن باید به اتفاق آراء تصمیم‌گیری شود. (ماده 110 قانون تجارت)

شرکاء نمی‌توانند شریکی را وادار به افزایش آورده‌اش بکنند چرا که این امر تعهدات او را بیشتر می‌کند و تا خود او نیز به آن رضایت نداشته باشد ازدیاد تعهد او موثر نخواهد بود به همین دلیل، شرکاء نمی‌توانند شرکاء نمی‌توانند شرکت با مسئولیت محدود را جز با توافق کلیه شرکاء به شرکت تضامنی تبدیل کنند. بر عکس تبدیل شرکت با مسئولیت محدود به شرکت سهامی، با اکثریت آرای شرکاء بلا اشکال است زیرا میزان مسئولیت شریک در هر دو شرکت یکسان است. البته در صورت اخیر، شریک با مسئولیت محدود را نمی‌توان مجبور کرد سرمایه جدیدی به شرکت سهامی بیاورد.

قانونگذار برای تصمیمات فوق‌العاده، اکثریت دو گانه‌ای را پیش‌بینی کرده است:

اکثریت عددی، یعنی نصف بعلاوه یک شرکاء و اکثریت سرمایه‌ای، یعنی شرکای مزبور باید سه چهارم سرمایه شرکت را

داشته باشند. منظور از اکثریت شرکاء، اکثریتی است که شرکت را تشکیل می‌دهند. برای مثال اگر شرکت از هشت نفر تشکیل شده باشد، شش نفر از آنان که سه ربع سرمایه شرکت را داشته باشند باید در تصمیم‌گیری شرکت کنند تا تصمیم‌گیری موثر باشد.

- انحلال شرکت با مسئولیت محدود:

شرکت با مسئولیت محدود ممکن است مانند دیگر شرکتها در این موارد منحل شود:

1- در صورتیکه شرکت مقصودی را که برای آن تشکیل شده است را انجام داده یا انجام دادن آن غیر ممکن شده باشد.

2- وقتی که شرکت برای مدت معینی تشکیل و مدت منقضی شده باشد.

3- در صورت تصمیم همه شرکاء

4- در صورت انتفای تعدد شرکاء، یعنی در صورتی که به هر دلیلی، بیش از یک شریک در شرکت باقی نماند.

5- در صورت ورشکستگی

علاوه بر این موارد، موارد دیگری نیز وجود دارند که در این موارد شرکت با مسئولیت محدود منحل می‌شود.

1- در صورت تصمیم عده‌ای از شرکاء که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد. این اکثریت، اکثریت سرمایه‌ای است و بنابراین حتی اگر دو نفر از شرکاء دارای بیش از 50 درصد سرمایه باشند. شرکت قابل انحلال است ولو اینکه تعداد شرکای دیگر بسیار زیاد باشد و راضی به انحلال نباشند. (بند ب ماده 114 قانون تجارت)

2- در صورتی که بواسطه زیانهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند. (بند ج ماده 114 قانون تجارت)

- ذکر چند نکته در مورد این ماده ضروری است:

اول اینکه انحلال شرکت موکول به این است که از دادگاه تقاضا شده باشد.

دوم اینکه درخواست از دادگاه فقط در صورت بروز ضروری است که منجر به از بین رفتن نصف سرمایه شرکت شده است و هرگاه چنین وضعیتی وجود نداشته باشد تقاضای انحلال شرکت را نمی‌توان مطرح کرد.

سوم اینکه حکم انحلال شرکت در صورتی توسط دادگاه صادر می‌شود که سایر شرکاء حاضر نباشند سهم الشرکه شریک متقاضی انحلال در شرکت را پرداخت کنند. این نکته به این معناست که صرف وجود ضرر برای شرکت مجوز حکم انحلال آن نیست، بلکه شریک متقاضی باید ثابت کند که رفع ضرر شخصی او بدون انحلال میسر نیست، بنابراین هرگاه شرکاء بتوانند سهم او را بپردازند، دلیلی برای انحلال شرکت وجود ندارد.

فوت یکی از شرکاء در صورتی که به موجب اساسنامه، فوت موجب انحلال باشد. (بند د ماده 114 قانون تجارت)

فوت یکی از شرکاء شرکت با مسئولیت محدود وقتی موجب انحلال شرکت است که در اساسنامه شرکت این امر قید

شده باشد.

- نکات مهم شرکت با مسئولیت محدود:

- 1- شرکت با مسئولیت محدود شرکتی است که بین دو یا چند نفر برای امور تجاری تشکیل شده و هر یک از شرکاء بدون اینکه سرمایه به سهام یا قطعات سهام تقسیم شده باشد فقط تا میزان سرمایه خود در شرکت مسئول قروض و تعهدات شرکت است.
- 2- در اسم شرکت باید عبارت (با مسئولیت محدود) قید شود والا آن شرکت در مقابل اشخاص ثالث تضامنی محسوب و تابع مقررات آن خواهد بود.
- 3- شرکت با مسئولیت محدود وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.
- 4- شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم الشرکه‌های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.
- 5- سهم الشرکه شرکا نمی‌تواند به شکل اوراق تجاری قابل انتقال اعم از با اسم یا بی اسم و غیره درآید. سهم الشرکه را نمی‌توان منتقل به غیر نمود مگر با رضایت عده‌ای از شرکاء که لا اقل سه ربع سرمایه متعلق به آنها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.
- 6- انتقال سهم الشرکه بعمل نخواهد آمد مگر به موجب سند رسمی.
- 7- مدیران شرکت کلیه اختیارات لازمه را برای نمایندگی و اداره شرکت خواهند داشت مگر اینکه در اساسنامه غیر این ترتیب مقرر شده باشد. هر قراردادی راجع به محدود کردن اختیارات مدیران که در اساسنامه تصریح به آن نشده در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن است.
- 8- تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود اگر در دفعه اول این اکثریت حاصل نشد باید تمام شرکاء مجدداً دعوت شوند در اینصورت تصمیمات به اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می‌شود. اگر چه اکثریت مزبور دارای نصف سرمایه نباشد. اساسنامه شرکت می‌تواند ترتیبی بر خلاف مراتب فوق مقرر دارد.
- 9- هر تغییری که راجع به اساسنامه شرکت باشد باید با اکثریت عددی شرکاء که لاقبل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند بعمل آید مگر اینکه در اساسنامه اکثریت دیگری مقرر شده باشد.
- 10- شرکت با مسئولیت محدود، در صورت تصمیم عده‌ای از شرکاء که سهم الشرکه آنها بیش از نصف سرمایه شرکت باشد یا در صورتی که به واسطه ضررهای وارده نصف سرمایه شرکت از بین رفته و یکی از شرکاء تقاضای انحلال کرده و محکمه دلایل او را موجه دیده و سایر شرکاء حاضر نباشند سهمی را که در صورت انحلال به او تعلق می‌گیرد پرداخته و او را از شرکت خارج کنند.

سوالات چهار گزینه ای شرکت با مسئولیت محدود

1- در شرکت با مسئولیت محدود، تعداد آرای هر یک از شرکاء:

(1) حداکثر 7 رأی است.

(2) به نسبت سهمی است که در شرکت دارد، ولی به هر حال بیش از 7 رأی نخواهد بود.

(3) به نسبت سهمی است که در شرکت دارد، مگر اینکه اساسنامه شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

(4) به نسبت سهمی است که در شرکت دارد و اساسنامه شرکت نمی‌تواند ترتیبی بر خلاف آن بدهد.

2- ماده 98 قانون تجارت مقرر می‌دارد شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت با مسئولیت

محدود برای سهم الشرکه‌های غیر نقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند. مبنای

این حکم عبارت است از:

(1) نگرانی از تقویم گران و نتیجتاً اضرار به شرکاء

(2) نگرانی از تقویم گران و نتیجتاً اضرار به طلبکاران شرکت.

(3) نگرانی از اضرار به خریداران اموال شرکت پس از انحلال

(4) نگرانی از تقویم ارزان و نتیجتاً اضرار به مالک آورده غیر نقدی

3- در شرکت با مسئولیت محدود تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود و

اگر این اکثریت حاصل نشد در جلسه دوم به اکثریت عددی شرکا اگر چه دارای نصف سرمایه نباشند اتخاذ

می‌شود بنابراین:

(1) در جلسه اول رأی دارندگان نصف سرمایه لازم است و در جلسه دوم اکثریت عددی.

(2) در جلسه اول اکثریت عددی و سرمایه لازم است و در جلسه دوم اکثریت عددی.

(3) در جلسه اول اکثریت عددی دارای نصف سرمایه لازم است و در جلسه دوم اکثریت سرمایه

(4) در جلسه اول اکثریت عددی دارای نصف سرمایه لازم است و در جلسه دوم اکثریت عددی.

4- افزایش تعهدات شرکای شرکت با مسئولیت محدود:

(1) قانوناً ممنوع است.

(2) به هیچ وجه امکان پذیر نیست.

(3) به اتفاق آرای شرکاء امکان پذیر است.

(4) با اکثریت آرای سه چهارم شرکاء امکان‌پذیر است.

مجموعه سوالات

1- در شرکت‌های با مسئولیت محدود، برای تغییر اساسنامه

(1) اتفاق آراء شرکاء لازم است.

(2) اکثریت عددی شرکای دارنده لاقفل سه ربع سرمایه شرکت ضرورت دارد.

(3) ترکیب شرکای موافق با توجه به موضوع تغییر و وضعیت شرکت متفاوت است.

(4) اکثریت مطلق آراء شرکاء کافی است.

2- در شرکت با مسئولیت محدود، تعداد آرای هر یک از شرکاء:

(1) حداکثر 7 رأی است.

(2) به نسبت سهمی است که در شرکت دارد، ولی به هر حال بیش از 7 رأی نخواهد بود.

(3) به نسبت سهمی است که در شرکت دارد، مگر این‌که اساسنامه شرکت ترتیب دیگری مقرر داشته باشد.

(4) به نسبت سهمی است که در شرکت دارد و اساسنامه شرکت نمی‌تواند ترتیبی برخلاف آن بدهد.

3- اگر در اسم شرکت با مسئولیت محدود، نام یکی از شرکاء قید گردد.....:

(1) شرکت تضامنی محسوب می‌شود.

(2) شریکی که اسم او قید شده در حکم شریک شرکت تضامنی شناخته می‌شود.

(3) مسئولیت کلیه شرکاء محدود است.

(4) شرکت باطل می‌باشد.

4- در شرکت با مسئولیت محدود، در صورتی که یک سهم‌الشرکه غیرنقدی بیش از قیمت واقعی آن تقویم

شده باشد

(1) شریک آورنده آن سهم‌الشرکه نسبت به بدهی‌های شرکت مسئولیت تضامنی دارد.

(2) همه شرکا نسبت به مابه‌التفاوت قیمت مسئولیت تضامنی دارند.

(3) همه شرکا نسبت به کلیه بدهی‌های شرکت مسئولیت تضامنی دارند.

(4) شریک آورنده آن سهم‌الشرکه نسبت به مابه‌التفاوت قیمت مسئولیت تضامنی دارد.

5- در شرکت با مسئولیت محدود تصمیمات راجع به شرکت باید به اکثریت لاقبل نصف سرمایه اتخاذ شود و اگر این اکثریت حاصل نشد در جلسه دوم به اکثریت عددی شرکاء اگر چه دارای نصف سرمایه نباشند اتخاذ می شود، بنابراین:

(1) در جلسه اول رأی دارندگان نصف سرمایه لازم است و در جلسه دوم اکثریت عددی

(2) در جلسه اول اکثریت عددی و سرمایه لازم است و در جلسه دوم اکثریت عددی

(3) در جلسه اول اکثریت عددی دارای نصف سرمایه لازم است و در جلسه دوم اکثریت سرمایه

(4) در جلسه اول اکثریت عددی دارای نصف سرمایه لازم است و در جلسه دوم اکثریت عددی

6- افزایش تعهدات شرکای شرکت با مسئولیت محدود:

(1) قانوناً ممنوع است. (2) به هیچ وجه امکان پذیر نیست.

(3) به اتفاق آرای شرکا امکان پذیر است. (4) با اکثریت آرای $\frac{3}{4}$ شرکاء امکان پذیر است.

7- در شرکت های با مسئولیت محدود مؤسسینی که برخلاف واقع آورده های غیر نقدی را تقویم کرده باشند محسوب می شوند.

(1) کلاهبردار

(2) جاعل

(3) خائن در امانت

(4) به شرط آن که در اسنادی که به ثبت شرکتها داده اند اظهار کرده باشند کلاهبردار

8- در شرکت با مسئولیت محدود، کدام گزینه غلط است؟

(1) اصولاً سود به نسبت سرمایه شرکاء تقسیم می شود.

(2) تحدید اختیارات مدیر در مقابل اشخاص ثالث باطل است، مگر در اساسنامه تصریح به آن شده باشد.

(3) حدود مسئولیت مدیر شرکت در مقابل شرکا همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد.

(4) رابطه مدیر و شریک همان رابطه وکیل و موکل است.

9- ماده 98 قانون تجارت به شرکت با مسئولیت محدود مقرر می‌دارد، شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی معین شده، در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند. بنابراین، شرکاء نسبت به ضامنند.

(1) تمامی ارزش واقعی در زمان تقویم

(2) تفاوت ارزش واقعی و اسمی سهم‌الشرکه در زمان تأدیه دیون شرکت

(3) تمامی ارزش واقعی در زمان تأدیه دیون شرکت

(4) تفاوت ارزش واقعی و اسمی سهم‌الشرکه در زمان تقویم

10- در شرکت‌های با مسئولیت محدود، انتقال سهم‌الشرکه:

(1) با اکثریت آراء و با سند رسمی و عادی صورت می‌پذیرد.

(2) با رضایت دو سوم شرکاء که حداقل سه چهارم سرمایه شرکت را در اختیار دارند و با سند عادی و یا رسمی صورت می‌پذیرد.

(3) با رضایت عده‌ای از شرکاء که حداقل سه چهارم سرمایه شرکت را در اختیار داشته و اکثریت عددی نیز داشته باشند و فقط از طریق سند رسمی صورت می‌گیرد.

(4) با اکثریت آراء شرکاء و به صورت سند رسمی امکان‌پذیر است.

11- اگر مال غیرمنقول به یکی از شرکاء شرکت با مسئولیت محدود بیش از قیمت واقعی آن تقویم گردد.

(1) همه شرکاء در قبال اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند.

(2) شرکاء تماماً در مقابل طلبکاران شرکت مسئولیت دارند.

(3) آن شریک در قبال شرکای دیگر مسئول است.

(4) مسئولیت آن شریک نسبت به همه محدود است.

12- مؤسسين شرکت با مسئولیت محدود نسبت به قیمتی که برای سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی تعیین می‌کنند در مقابل اشخاص ثالث، چه نوعی مسئولیتی دارند؟

(1) مسئولیت تضامنی

(2) مسئولیت محدود به سهم‌الشرکه خود

(3) مسئولیت به نسبت سهم‌الشرکه خود

(4) مسئولیتی که در اساسنامه شرکت مقرر شده باشد.

13- در صورتی که مال غیرمنقول آورده شده توسط یکی از شرکاء در شرکت با مسئولیت محدود خلاف واقع

تقویم شود، مسئولیت تضامنی در قبال اشخاص ثالث برقرار می‌شود.

1) کلیه شرکاء نسبت به تفاوت قیمت

2) همه شرکاء نسبت به کل مطالبات بستانکاران

3) شریکی که مال توسط او آورده شده نسبت به کل مطالبات طلبکاران

4) شریکی که مال متعلق به او بوده نسبت به تفاوت قیمت

14- در شرکت‌های با مسئولیت محدود، انتقال سهم‌الشرکه:

1) با اکثریت آراء شرکاء و با سند رسمی، و یا عادی صورت می‌پذیرد.

2) با رضایت دو سوم شرکاء که حداقل سه چهارم، سرمایه شرکت را در اختیار دارند و با سند عادی و یا رسمی صورت می‌پذیرد.

3) با رضایت عده‌ای از شرکاء که حداقل سه چهارم سرمایه شرکت را در اختیار داشته و اکثریت عددی نیز داشته باشند

و فقط از طریق سند رسمی صورت می‌گیرد.

4) با اکثریت آراء شرکاء و به صورت سند رسمی امکان‌پذیر است.

15- در شرکت با مسئولیت محدود انتقال سهم‌الشرکه موکول به :

1) رضایت شرکای دیگر نیست.

2) رضایت کلیه شرکاء است.

3) رضایت آن تعداد شرکاء است که نصف سرمایه شرکت را در اختیار دارند.

4) رضایت شرکایی که سه چهارم سرمایه متعلق به آن‌ها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

16- برای انتقال سهم‌الشرکه شرکت با مسئولیت محدود موافقت چه تعدادی از شرکاء لازم است؟

1) تعدادی از شرکاء که لااقل 50% سرمایه متعلق به آنان باشد.

2) تعدادی از شرکاء که لااقل ربع سرمایه متعلق به آنان باشد.

3) تعدادی از شرکاء که لااقل ثلث سرمایه متعلق به آنان باشد.

4) تعدادی از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آن‌ها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند.

17- تصمیمات راجع به شرکت با مسئولیت محدود دربار دوم:

1) با اکثریت نصف به‌علاوه یک آراء حاضر در جلسه معتبر است.

2) با اکثریت نصف سرمایه معتبر است.

3) با اکثریت عددی شرکاء اتخاذ می‌شود.

4) با اکثریت دو سوم آراء حاضر در جلسه رسمی معتبر خواهد بود.

18- در شرکت با مسئولیت محدود تصمیمات راجع به شرکت باید با اکثریت لاقفل نصف سرمایه اتخاذ شود و اگر این اکثریت حاصل نشد در جلسه دوم با اکثریت عددی شرکاء اگر چه دارای نصف سرمایه نباشند اتخاذ می‌شود، بنابراین:

- 1) در جلسه اول رأی دارندگان نصف سرمایه لازم است و در جلسه دوم اکثریت عددی
 - 2) در جلسه اول اکثریت عددی و سرمایه لازم است و در جلسه دوم اکثریت عددی
 - 3) در جلسه اول اکثریت عددی دارای نصف سرمایه لازم است و در جلسه دوم اکثریت سرمایه
 - 4) در جلسه اول اکثریت عددی دارای نصف سرمایه لازم است و در جلسه دوم اکثریت عددی
- 19- فوت یکی از شرکاء با مسئولیت محدود

- 1) از موارد انحلال شرکت است و باعث انحلال می‌شود.
- 2) موجب انحلال شرکت نمی‌شود.
- 3) از موارد کاهش اجباری سرمایه است.
- 4) موجب انحلال شرکت می‌شود مشروط بر این که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد.

20- فوت یکی از شرکاء شرکت با مسئولیت محدود

- 1) نمی‌تواند از موارد انحلال شرکت محسوب شود.
- 2) به هر حال از موارد انحلال شرکت است.
- 3) از موارد انحلال شرکت است مگر خلاف آن در اساسنامه شرکت پیش‌بینی شده باشد.
- 4) از موارد انحلال شرکت نیست مگر خلاف آن در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد.

21- شرکت با مسئولیت محدود در صورت منحل می‌شود.

- 1) تصمیم هر یک از شرکاء
- 2) تصمیم دو سوم تعداد شرکاء
- 3) تصمیم نصف به علاوه یک تعداد شرکاء
- 4) تصمیم عده از شرکاء که دارای بیش از نصف سرمایه شرکت باشند.

22- افزایش تعهدات شرکاء شرکت با مسئولیت محدود:

- 1) قانوناً ممنوع است.
- 2) به هیچ وجه امکان پذیر نیست.
- 3) به اتفاق آراء شرکاء امکان پذیر است.
- 4) با اکثریت آرای سه چهارم شرکاء امکان پذیر است.

23- در اساسنامه شرکت با مسؤولیت محدود انتخاب مدیران از سوی مجمع عمومی به اتفاق آرای شرکا منوط شده است. به دلیل عدم تحقق اجماع، شرکای دارنده نصف سرمایه که فاقد اکثریت عددی هستند مبادرت به انتخاب مدیر می نمایند. دادگاه تقاضای ابطال این تصمیم را به دلیل

(1) عدم تحقق حد نصاب آرای لازم که در قانون تجارت مقرر شده است، می پذیرد.

(2) تحقق حد نصاب آرای لازم که در قانون تجارت مقرر شده است، نمی پذیرد.

(3) مغایرت شرط مندرج در اساس نامه با قواعد آمره نمی پذیرد.

(4) مغایرت با شرط مندرج در اساس نامه می پذیرد.

24- در حقوق فعلی ایران، کدام عبارت، صحیح است؟

(1) حداقل تعداد شرکای شرکت های تجاری، دو شخص است.

(2) شرکت تجاری، به هیچ وجه نمی تواند تک شریکی باشد.

(3) حداقل تعداد شرکای شرکت های تجاری، سه شخص است.

(4) قانون گذار می تواند با اصلاح قانون تجارت، شرکت های تجاری تک شریکی را از نوع شرکت با مسؤولیت محدود بپذیرد.

پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای

- 1- گزینه (3) صحیح است.
- 2- گزینه (2) صحیح است.
- 3- گزینه (1) صحیح است.
- 4- گزینه (3) صحیح است.

پاسخ سوالات

1- گزینه «2» - (متوسط)

مطابق ماده 111 قانون تجارت هر تغییری در اساسنامه شرکت با مسئولیت محدود باید با اکثریت عددی شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه را نیز دارا باشند، به عمل می‌آید و اساسنامه می‌تواند اکثریت بیش‌تری را مقرر کند.

2- گزینه «3» - (دشوار)

هر یک از شرکاء به نسبت سهمی که در شرکت دارد دارای رأی خواهد بود مگر این‌که اساسنامه ترتیب دیگری مقرر کرده باشد. (ماده 107 قانون تجارت)

3- گزینه «2» - (دشوار)

اسم شرکت نباید متضمن اسم هیچ یک از شرکاء باشد والا شریکی که اسم او در اسم شرکت قید شده در مقابل اشخاص ثالث حکم شریک ضامن در شرکت تضامنی را خواهد داشت. (ماده 95 قانون تجارت)

4- گزینه «2» - (دشوار)

تمامی شرکایی که در حین تشکیل شرکت شرکتنامه را امضاء کرده‌اند نسبت به مابه‌التفاوت قیمت واقعی و قیمت تقویم شده سهم‌الشرکه در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی خواهند داشت.

5- گزینه «1» - (دشوار)

تصمیمات در مجمع عمومی شرکت با مسئولیت محدود در جلسه اول با رأی دارندگان لااقل نصف سرمایه صورت می‌گیرد که ممکن است آن‌ها اکثریت عددی را نداشته باشند و در جلسه دوم فقط اکثریت عددی مدنظر است. (ماده 106 قانون تجارت)

6- گزینه «3» - (متوسط)

افزایش تعهدات شرکاء به هیچ‌وجه ممکن نیست مگر با تصویب این امر به اتفاق آراء.

7- گزینه «1» - (ساده)

کسانی که به وسایل متقالبانه سهم‌الشرکه غیرنقدی را بیش از قیمت واقعی آن تقویم کرده باشند کلاهبردار شناخته می‌شوند. (بند ب ماده 115 قانون تجارت)

8- گزینه «4» - (دشوار)

مدیر شرکت با مسئولیت محدود و وکیل نماینده شرکت است و حدود مسئولیت او در مقابل شرکاء همان مسئولیت وکیل در مقابل موکل است، اما روابط فی مابین شرکاء و مدیر چیزی فراتر از رابطه وکیل و موکل است.

9- گزینه «4» - (متوسط)

شرکای شرکت نسبت به مابه‌التفاوت قیمت واقعی و قیمت تقویم شده در حین تشکیل شرکت در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی خواهند داشت. (ماده 98 قانون تجارت)

10- گزینه «3» - (متوسط)

انتقال سهم‌الشرکه در شرکت با مسئولیت محدود به عمل نخواهد آمد، مگر با رضایت عده‌ای از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آن‌ها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند. (ماده 102 قانون تجارت)

11- گزینه «1» - (متوسط)

تمام شرکایی که سهم‌الشرکه غیرنقدی را تقویم کرده‌اند و شرکتنامه را امضاء کرده‌اند در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی خواهند داشت. (ماده 98 قانون تجارت)

12- گزینه «1» - (ساده)

شرکاء نسبت به قیمتی که در حین تشکیل شرکت برای سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی معین شده در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند. (ماده 98 قانون تجارت)

13- گزینه «1» - (متوسط)

شرکاء شرکت نسبت به مابه‌التفاوت قیمت واقعی و تقویم شده سهم‌الشرکه غیرنقدی در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی خواهند داشت. (ماده 98 قانون تجارت)

14- گزینه «3» - (متوسط)

انتقال سهم‌الشرکه در شرکت با مسئولیت محدود به عمل نخواهد آمد، مگر با رضایت عده‌ای از شرکاء که لااقل سه ربع سرمایه متعلق به آن‌ها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند. (ماده 102 قانون تجارت)

15- گزینه «4» - (متوسط)

در شرکت با مسئولیت محدود انتقال سهم‌الشرکه موکول به رضایت شرکایی است که سه چهارم سرمایه متعلق به آن‌ها بوده و اکثریت عددی نیز داشته باشند. (ماده 102 قانون تجارت)

16- گزینه «4» - (متوسط)

انتقال سهم‌الشرکه در شرکت با مسئولیت محدود با موافقت اکثریت حداقل نصف شرکاء که حداقل سه چهارم سرمایه را

دارا باشند صورت می‌گیرد. (ماده 102 قانون تجارت)

17- گزینه «3» - (متوسط)

تصمیمات راجع به شرکت با مسئولیت محدود در بار دوم با اکثریت عددی شرکاء صورت می‌گیرد. (ماده 106 قانون تجارت)

18- گزینه «1» - (متوسط)

تصمیمات راجع به شرکت با مسئولیت محدود با رأی شرکایی که حداقل نصف سرمایه را در اختیار دارند صورت می‌گیرد. (اکثریت سرمایه) و اگر در بار اول این اکثریت حاصل نشد در جلسه دوم تصمیمات با اکثریت عددی شرکاء صورت می‌گیرند. (ماده 106 قانون تجارت)

19- گزینه «4» - (متوسط)

فوت یکی از شرکاء در صورتی موجب انحلال شرکت می‌شود که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد. (ماده 114 بند د)

20- گزینه «4» - (متوسط)

فوت یکی از شرکای شرکت در صورتی که در اساسنامه پیش‌بینی شده باشد از موارد انحلال شرکت است. (بند د ماده 114 قانون تجارت)

21- گزینه «4» - (متوسط)

شرکت با مسئولیت محدود در صورت تصمیم عده‌ای از شرکاء که دارای بیش از نصف سرمایه شرکت منحل می‌شود. (بند ب ماده 114 قانون تجارت)

22- گزینه «3» - (دشوار)

افزایش تعهدات شرکای شرکت امکان‌پذیر نیست مگر به اتفاق آراء. (ماده 112 قانون تجارت)

23- گزینه «4» - (متوسط)

با عنایت به این‌که چنین شرطی اساساً شرط مغایر با قواعد آمده تلقی نمی‌شود، لذا شرطی است صحیح که کسانی که آن را پذیرفته‌اند لزوماً می‌بایست ملتزم به آن باشند، بنابراین تصمیمی که برخلاف چنین شرط صحیحی اخذ شود، می‌تواند موضوع درخواست ابطال از دادگاه قرار گیرد.

24- گزینه «4» - (متوسط)

نظر به این‌که پذیرش شرکت تک شریک مبنای اساسی با اصول پذیرفته شده در حقوق ایران ندارد، لذا در صورت اصلاح قانون تجارت، شرکت‌های تک شریک در قالب شرکت با مسئولیت محدود قابل پذیرش می‌باشد. بنابراین گزینه «4» صحیح است.

- شرکتهای تضامنی و نسبی:

- شرکت تضامنی:

از ماده 116 قانون تجارت تا ماده 140 قانون تجارت در مورد شرکتهای تضامنی صحبت شده است و قانونگذار قواعد و مقررات مربوط به این نوع از شرکتهای را در این مواد متذکر شده است. مواردی از قبیل تشکیل شرکت تضامنی، مسئولیت شرکاء و انحلال شرکت تضامنی.

- تشکیل شرکت تضامنی:

ماده 116 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوص برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل می‌شود.»

با توجه به این ماده برای تشکیل شرکت تضامنی حداقل باید دو نفر شریک وجود داشته باشند و با همدیگر قراردادی را منعقد نمایند و مسئولیت تضامنی برای همدیگر در نظر بگیرند تا اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام یا قسمتی از دیون شرکت کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت باشند به همین ترتیب هر یک از طلبکاران شرکت می‌توانند به هر کدام از شرکاء شرکت که مایل باشند مراجعه کنند و طلب خود را از آنها مطالبه کنند.

مسئولیت تضامنی هر یک از شرکاء شرکت تضامنی برای این است که اگر دارایی شرکت برای پرداخت دیون آن کافی نباشد به منظور حفظ حقوق اشخاص ثالث، شرکاء شرکت مسئول پرداخت آن قروض باشند و در نتیجه اگر شرکاء خلاف این مورد را مقرر دارند که مثلاً یکی از شرکاء مسئولیت تضامنی نداشته باشد یا اینکه تا یک حد معینی مسئولیت داشته باشد این امر در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست ولی در بین خود شرکاء معتبر خواهد بود.

بعنوان مثال: اگر شرکاء یک شرکت تضامنی با همدیگر قرار بگذارند که شریک «الف» تا حد یکصد هزار تومان مسئولیت داشته باشد و شریک «ب» در حد پانصد هزار تومان این امر در مقابل اشخاص ثالث قابل استناد نیست ولی در بین خود شرکاء این مورد معتبر است بنابراین طلبکاران شرکت می‌توانند به هر کدام از شرکاء که تمایل داشته باشند برای دریافت طلب خود رجوع کنند و اگر شریک مزبور بیشتر از میزان مسئولیتی که در قرارداد برای وی ذکر شده، به طلبکار پرداخته باشد می‌تواند برای دریافت مازاد به شرکاء دیگر مراجعه کند. شرکت تضامنی وقتی تشکیل می‌شود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد. (ماده 118 قانون تجارت). در شرکت تضامنی اگر بعضی از شرکاء آورده غیر نقدی داشته باشند سهم الشرکه مزبور باید قبلاً به تراضی «تمام شرکاء» تقویم شود. (ماده 122 قانون تجارت)

برای شرکت تضامنی باید اسمی در نظر گرفت و عبارت «شرکت تضامنی» نیز باید به همراه اسم شرکت آورده شود و اگر اسم شرکت مشتمل بر اسمی تمام شرکاء نباشد باید بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده است عبارتی از قبیل (و شرکاء) یا (و برادران) قید شود. (ماده 117 قانون تجارت)

- حقوق و مسئولیت‌های شرکاء در شرکت تضامنی:

بعد از تشکیل شرکت تضامنی، شرکاء حداقل باید یک نفر را بعنوان مدیر شرکت معرفی کنند که این مدیر می‌تواند یا از میان خود شرکاء انتخاب شود یا از اشخاص خارج از شرکت.

حدود مسئولیت مدیر یا مدیران در شرکت تضامنی در مقابل شرکاء همان مسئولیتی است که وکیل در مقابل موکل دارد. (ماده 121 قانون تجارت)

پس اگر مدیر شرکت در حدود اذن و اختیارات اعطا شده عمل کند مسئول نیست ولی اگر خارج از موضوع شرکت و خارج از مواردی که به عنوان اذن داده شده است عمل کند در مقابل شرکاء ضامن خواهد بود.

در شرکتهای تضامنی منافع به نسبت سهم الشرکه بین شرکاء تقسیم میشود و البته شرکت نامه می‌تواند خلاف این امر را مقرر کند. (ماده 191 قانون تجارت)

البته باید توجه داشت که تقسیم به ترتیب دیگر نمی‌تواند به گونه‌ای باشد که یکی از شرکاء هیچ سودی نبرد زیرا در چنین حالتی شرکت باطل خواهد بود.

شرکت تضامنی در زمره شرکت‌های اشخاص است به همین علت هیچ یک از شرکاء نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء (ماده 123 قانون تجارت)

در طول حیات شرکت تضامنی ممکن است اشخاصی وارد شرکت شوند یا از شرکت خارج شوند در نتیجه هرکس به عنوان شریک ضامن در شرکت تضامنی موجودی داخل شود متضامناً با سایر شرکاء مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته است اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده باشد یا نشده باشد. اگر شرکاء خلاف این امر را توافق کنند این توافق در مقابل اشخاص ثالث باطل و کان لم یکن خواهد بود ولی بین خود شرکاء معتبر است. (ماده 125 قانون تجارت)

در شرکت‌های تضامنی برای اینکه بتوان مسئولیت شرکاء را مطرح کرد و طلبکاران بصورت تضامنی به آنها مراجعه کنند باید شرکت منحل شده باشد و دارائی شرکت برای پرداخت قروض شرکت کافی نباشد. بنابراین مادامی که شرکت تضامنی منحل نشده است مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران می‌توانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکاء که بخواهند یا تمام آنها رجوع کنند و در هر حال هیچ یک از شرکاء نمی‌توانند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می‌نماید از تادیه قروض شرکت امتناع نمایند. فقط در روابط میان شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تادیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آن هم در صورتیکه در شرکتنامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد. (ماده 124 قانون تجارت)

مسئولیت شرکاء در شرکت تضامنی وقتی مطرح میشود که شرکت تضامنی منحل شود و دارائی شرکت برای پرداخت قروض آن کافی نباشد. مسئولیت شرکاء بعد از انحلال و بعد از احراز از این است که دارائی شرکت برای پرداخت قروض

شرکت کافی نیست که در این صورت طلبکاران شرکت حق دارند بقیه طلب خود را از تمام یا فرد شرکاء ضامن مطالبه کنند ولی در این مورد طلبکاران شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم نخواهند داشت. (ماده 126 قانون تجارت) با توجه به وجود مسئولیت تضامنی شرکاء در مقابل طلبکاران شرکت، تنها زمانی می‌توان مسئولیت شریک را مطرح ساخت که شرکت تضامنی منحل شده باشد و دارایی شرکت برای تادیه قروض شرکت کافی نباشد. در صورت مراجعه طلبکاران شرکت به شریک ممکن است طلبکار شرکت، مدیون شریک باشد در این صورت می‌توان بین این دو دین تهاتر صورت داد.

اما در طول حیات شرکت نه مدیون می‌تواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شریک میتواند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او به شرکت داشته باشد به تهاتر استناد کند. دلیل این امر نیز روشن است چرا که شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقلی از شرکاء خود میباشد و دارایی شرکت نیز از دارایی شرکاء جدا می‌باشد فقط در صورت انحلال شرکت است که میتوان بین دیون موجود در بین شریک و طلبکار تهاتر ایجاد کرد (ماده 130 قانون تجارت)

به خاطر وجود شخصیت حقوقی و دارایی مستقل شرکت از شرکاء بین ورشکستگی شرکت و ورشکستگی شرکاء ملازمه قانونی وجود ندارد و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد. (ماده 128 قانون تجارت) یکی دیگر از آثار جدا بودن حقوقی شرکت و جدا بودن دارایی شرکت از دارایی شرکاء این است که طلبکاران شخصی شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول کنند ولی می‌توانند نسبت به سهمیه مدیون خود از منافع شرکت یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد هر اقدام قانونی که مقتضی باشد به عمل آورند. طلبکاران شخصی شرکاء در صورتیکه نتوانسته باشند طلب خود را از دارایی شخصی مدیون خود وصول کنند و سهم مدیون از منافع شرکت کافی برای تادیه طلب آنها نباشد میتوانند انحلال شرکت را تقاضا نمایند (اعم از اینکه شرکت برای مدت محدود یا غیر محدود تشکیل شده باشد) مشروط بر اینکه لااقل 6 ماه قبل قصد خود را به وسیله اظهار نامه رسمی به اطلاع شرکت رسانیده باشند در این صورت شرکت یا بعضی از شرکاء می‌توانند مادامی که حکم نهایی انحلال صادر نشده با تادیه طلب دائنین مزبور تا حد دارایی مدیون در شرکت یا با جلب رضایت آنان به طریق دیگر از انحلال شرکت جلوگیری کنند. (ماده 129 قانون تجارت).

- انحلال شرکت تضامنی:

شرکت تضامنی ممکن است در صورت انجام موضوعی که برای آن تشکیل شده است یا در صورت غیر ممکن شدن موضوع شرکت منحل شود.

یکی دیگر از موارد انحلال شرکت تضامنی انقضاء مدت فعالیت شرکت است.

ورشکستگی شرکت تضامنی نیز از دیگر موارد انحلال آن است. (ماده 199 لایحه قانونی)

این سه مورد از موارد انحلال شرکتهای تجاری است. نیز وجود دارد که به موجب آنها شرکت تضامنی منحل می شود ولی این موارد مختص به شرکتهای تضامنی می باشد.

- شرکت تضامنی در صورت تراضی تمام شرکاء منحل می شود.

- یکی دیگر موارد انحلال شرکت تضامنی این است که اگر یکی از شرکاء به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته و حکم به انحلال بدهد. هر گاه دلایل انحلال منحصرأ مربوط به شریک یا شرکاء معین باشد محکمه میتواند به تقاضای سایر شرکاء به جای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکاء معین را بدهد. - شرکت تضامنی در صورتیکه حق فسخ شرکت در اساسنامه از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد، منحل میشود. تقاضای فسخ باید 6 ماه قبل از فسخ کتبأ به شرکاء اعلام شود. اگر موافق اساسنامه باید سال به سال به حساب شرکت رسیدگی شود فسخ در موقع ختم محاسبه سالیانه به عمل می آید.

- شرکت تضامنی در صورت ورشکستگی شرکاء منحل میشود مشروط بر اینکه مدیر تصفیه کتبأ تقاضای انحلال شرکت را نموده و از تقاضای مزبور شش ماه گذشته و شرکت مدیر تصفیه را از تقاضای انحلال منصرف نکرده باشد.

- در صورت فوت یکی از شرکاء بقاء شرکت موقوف به رضایت سایر شرکاء و قائم مقام متوفی خواهد بود.

اگر سایر شرکاء به بقاء شرکت تصمیم نموده باشند قائم مقام متوفی باید در مدت یکماه از تاریخ فوت رضایت یا عدم رضایت خود را راجع به بقاء شرکت کتبأ اعلام نماید در صورتی که قائم مقام متوفی رضایت خود را اعلام نمود نسبت به اعمال شرکت در مدت مزبور از نفع و ضرر شریک خواهد بود ولی در صورت اعلام عدم رضایت در منافع حاصله در مدت مذکور شریک بوده و نسبت به ضرر آن مدت سهم نخواهد بود.

سکوت تا انقضای یک ماه در حکم اعمال رضایت است. (ماده 139 قانون تجارت)

در مورد محجوریت یکی از شرکاء مطابق مدلوله ماده 139 عمل خواهد شد. (ماده 140 قانون تجارت).

در صورت ورشکستگی یکی از شرکاء و در صورتیکه یکی از طلبکاران شخصی یکی از شرکاء برای وصول طلب خود به شرکت مراجعه کرده و انحلال شرکت را تقاضا کرده است سایر شرکاء میتوانند سهمیه آن شریک را از دارایی شرکت نقدأ تادیه کرده و او را از شرکت خارج کنند. (ماده 131 قانون تجارت)

این ماده در پی بیان این امر است که اگر یکی از شرکاء ورشکسته شود یا اینکه یکی از طلبکاران شریک در پی توقیف کردن منافع یا سهمی که در صورت انحلال شرکت ممکن است به مدیون مزبور تعلق گیرد، باشند و به تبع این امر، انحلال شرکت را تقاضا کنند سایر شرکاء می توانند سهمیه آن شریک را از دارایی شرکت نقدأ تادیه کرده و او را از شرکت خارج کنند. (ماده 131 قانون تجارت)

مطابق ماده 127 قانون تجارت «بعد از انحلال شرکت تضامنی نیز می توان به ورشکستگی شرکت تضامنی حکم داد مشروط به اینکه دارایی شرکت تقسیم نشده باشد.» (ماده 127 قانون تجارت)

- خلاصه مبحث شرکت تضامنی:

- 1- شرکت تضامنی شرکتی است که در تحت اسم مخصوص برای امور تجاری بین دو یا چند نفر با مسئولیت تضامنی تشکیل میشود.
- 2- مسئولیت شرکاء در شرکت تضامنی به صورت تضامنی می‌باشد و اگر دارایی شرکت برای تادیه تمام قروض کافی نباشد هر یک از شرکاء مسئول پرداخت تمام قروض شرکت است.
- 3- تضامنی وقتی تشکیل میشود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد.
- 4- شرکت تضامنی هیچ یک از شرکاء نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء
- 5- که شرکت تضامنی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت به عمل آید و پس از انحلال طلبکاران شرکت میتوانند برای وصول مطالبات خود به هر یک از شرکایی که بخواهند و یا به تمام آنها رجوع کنند، و در هر حال هیچ یک از شرکاء نمی‌توانند به استناد اینکه میزان قروض شرکت از میزان سهم او در شرکت تجاوز می‌نماید از تادیه قروض شرکت امتناع ورزد. فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تادیه قروض شرکت به نسبت سرمایه خواهد بود که در شرکت گذاشته است آنهم در صورتیکه در شرکتنامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد
- 6- ورشکستگی شرکت ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد.
- 7- اگر در نتیجه ضررهای وارده سهم الشرکه شرکاء کم شود مادامی که این کمبود جبران نشده تادیه هر نوع منفعت به شرکاء ممنوع است.
- 8- نه مدیون شرکت میتواند در مقابل طلبی که ممکن است از یکی از شرکاء داشته باشد استناد به تهاتر کند نه خود شریک میتواند در مقابل قرضی که ممکن است طلبکار او به شرکت داشته باشد به تهاتر استناد نماید. معذک کسی که طلبکار شرکت و مدیون به یکی از شرکاء بوده و پس از انحلال شرکت طلب او لاوصول مانده در مقابل آن شریک حق استناد به تهاتر خواهد داشت.
- 9- شرکت تضامنی در صورت تراضی همه شرکاء منحل میشود.
- 10- در اساسنامه شرکت تضامنی می‌توان حق فسخ شرکت توسط شریک را سلب نمود.

- شرکت نسبی

- تشکیل شرکت نسبی:

- شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته. (ماده 183 قانون تجارت)
- برای تشکیل شرکت نسبی حداقل باید دو نفر شریک وجود داشته باشد و برای امور تجاری با هم قرار داد ببندند.

شرکت نسبی وقتی تشکیل میشود که تمام سرمایه نقدی تادیه و سهم الشرکه غیر نقدی نیز تقویم و تسلیم شده باشد. (ماده 118 قانون تجارت)

در اسم شرکت نسبی همانند شرکت تضامنی باید عبارت (شرکت نسبی) و لاقلاً اسم یک نفر از شرکاء باید ذکر شود. در صورتیکه اسم شرکت مشتمل بر اسامی تمامی شرکاء نباشد بعد از اسم شریک یا شرکایی که ذکر شده عبارتی از قبیل « و شرکاء» و «برادران» ضروری است. (ماده 184 قانون تجارت)

در شرکت نسبی هیچ یک از شرکاء نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر به رضایت تمام شرکاء (ماده 123 قانون تجارت)

- حقوق و مسئولیت شرکاء در شرکت نسبی:

شرکاء شرکت نسبی به نسبت سهم الشرکه‌ای که وارد شرکت کرده اند در منافع شرکت سهیم می‌شوند و البته در شرکت نامه می‌توان خلاف این امر را مقرر کرد.

شرکت نسبی در زمره شرکتهای اشخاص است و نقل و انتقال سهم الشرکه به اشخاص دیگر تا حدودی با سخت‌گیری قانون‌گذار همراه می‌باشد چرا که برای انتقال سهم الشرکه باید رضایت تمامی شرکاء را جلب کرد. (ماده 123 قانون تجارت) در شرکت نسبی شرکاء باید لاقلاً یک نفر را بعنوان مدیر معرفی کنند که این مدیر می‌تواند یا از اشخاص داخل شرکت باشد یا شخصی غیر از شرکاء باشد. (ماده 120 قانون تجارت)

مسئولیت شرکاء در شرکت نسبی بصورت تضامنی است ولی به نسبت سرمایه‌ای است که وارد شرکت کرده اند. به عنوان مثال اگر در یک شرکت نسبی چهار شریک حضور داشته باشند و یکی از آنها یک دوم و دیگری یک چهارم و دو نفر از آنها یک هشتم سرمایه شرکت را تأمین کرده باشند مسئولیت هر یک از این شرکاء در صورت انحلال شرکت و عدم کفایت دارایی شرکت برای پرداخت دیون، به نسبت همین سرمایه خواهد بود یعنی طلبکاران شرکت نمی‌توانند بیشتر از میزان سرمایه‌ای که شریک وارد در شرکت کرده است از وی مطالبه کنند.

پس شریکی که یک دوم سرمایه شرکت را تأمین کرده است علاوه بر اینکه در مقابل دیون شرکت این مقدار سرمایه را از دست میدهد به همین میزان نیز از اموال و دارایی خود باید به طلبکاران شرکت بپردازد.

ماده 186 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اگر دارایی شرکت نسبی برای تادیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تادیه قروض شرکت است.

در شرکت تضامنی اگر شرکت منحل می‌شد و دارایی شرکت برای تادیه قروض آن کفایت نمی‌کرد هر یک از شرکاء به تنهایی مسئول پرداخت و تادیه قروض شرکت بودند ولی در شرکت نسبی در صورت انحلال و عدم کفایت دارایی شرکت برای پرداخت دیون خود، هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مسئول تادیه قروض شرکت است.

مسئولیت شرکاء شرکت نسبی برای پرداخت دیون شرکت هنگامی میتوان مطرح کرد که شرکت نسبی منحل شده و

دارایی آن برای پرداخت دیون کافی نباشد بنابراین مادامی که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه دیون آن باید از خود شرکت به عمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می‌توانند به نسبت سرمایه هر یک از شرکاء به فرد فرد شرکاء مراجعه کنند. (ماده 187 قانون تجارت)

اگر شخصی به عنوان شریک ضامن در شرکت نسبی موجودی داخل شود به نسبت سرمایه که در شرکت می‌گذارد مسئول قروضی هم خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته اعم از اینکه در اسم شرکت تغییری داده شده باشد یا نشده باشد. قرار شرکاء برخلاف این ترتیب نسبت به اشخاص ثالث بلااثر خواهد بود. (ماده 188 قانون تجارت)

- انحلال شرکت نسبی:

شرکت نسبی تشابهات زیادی با شرکت تضامنی دارد. در زمینه انحلال شرکت نسبی، تبدیل شرکت نسبی و تغییر شریک (بر اثر خروج، فوت یا محجوریت یکی از شرکاء) مقررات مشترکی بر شرکت نسبی و شرکت تضامنی حاکم است.

شرکت نسبی همانند شرکت تضامنی می‌تواند با تصویب تمام شرکاء به شرکت سهامی مبدل گردد. (ماده 135 قانون تجارت)

- شرکت نسبی در موارد زیر منحل میشود:

1- صورت انجام موضوعی که برای آن تشکیل شده یا غیر ممکن شدن انجام موضوعی که شرکت برای آن تشکیل شده است.

2- در صورت انقضاء مدت شرکت

3- در صورت ورشکستگی شرکت نسبی

این سه مورد جزء موارد عام انحلال شرکت است و در مورد تمامی شرکتها اعمال میشود ولی مواردی نیز وجود دارد که بین شرکت نسبی و شرکت تضامنی مشترک است این موارد در ماده 136 قانون تجارت پیش بینی شده است.

- شرکت نسبی در صورت تراضی تمام شرکاء، منحل میشود.

- در صورتیکه یکی از شرکاء به دلایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نماید و محکمه آن دلایل را موجه دانسته و حکم انحلال شرکت بدهد. البته اگر دلایل انحلال منحصراً مربوط به شریک یا شرکاء معین باشد محکمه میتواند به تقاضای سایر شرکاء به جای انحلال حکم اخراج آن شریک یا شرکای معین را بدهد.

- در صورتیکه یکی از شرکاء با توجه به حقی که در اساسنامه برای فسخ شرکت در نظر گرفته اند اقدام به فسخ کند و قصد اضرار نداشته داشته و تقاضای فسخ را 6 ماه قبل از فسخ کتباً به شرکاء اعلام کند.

- در صورتیکه یکی از شرکاء فوت شود یا محجور شود و شرکاء شرکت و قائم مقام متوفی بر بقای شرکت توافق نکنند در این صورت شرکت منحل میشود.

- نکات مهم شرکتهای نسبی:

- 1- شرکت نسبی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوص بین دو یا چند نفر تشکیل و مسئولیت هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت گذاشته.
- 2- اگر دارایی شرکت نسبی برای تادیه تمام قروض شرکت کافی نباشد هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه‌ای که در شرکت داشته مسئول قروض شرکت است.
- 3- مادامی که شرکت نسبی منحل نشده مطالبه قروض آن باید از خود شرکت بعمل آید فقط پس از انحلال طلبکاران می‌توانند به هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه که در شرکت داشته مراجعه کنند.
- 4- فسخ شرکت مختص شرکتهای تضامنی و نسبی است.
- 5- اگر آورده یکی از شرکاء بصورت غیر نقدی باشد باید به تراضی تمامی شرکاء تقویم گردد.
- 6- انتقال سهم الشرکه در شرکت نسبی باید به تراضی تمام شرکاء صورت گیرد.
- 7- شرکت نسبی در صورت تراضی تمامی شرکاء منحل می‌شود.

مجموعه تست

1- در مقایسه شرکت تضامنی و شرکت نسبی کدام عبارت درست است؟

- 1) نوع مسئولیت شریکی که به هر دو شرکت وارد می‌شود، نسبت به قروض قبلی شرکت تفاوت دارد
 - 2) حدود مسئولیت مدیران و حق شرکاء در نقل و انتقال سهم الشرکه یکسان است
 - 3) نوع مسئولیت شریکی که به هر دو شرکت وارد می‌شود، نسبت به قروض قبلی شرکت یکسان است
 - 4) حدود مسئولیت مدیران یکسان است، لیکن حق شرکا در نقل و انتقال سهم الشرکه متفاوت است
- 2- تقویم سهم الشرکه غیر نقدی در شرکت تضامنی با موافقت..... انجام می‌گیرد.

1) همه شرکاء

2) اکثریت شرکاء

3) شرکاء

4) دارندگان سهم الشرکه

3- طلبکاران شرکت نسبی برای وصول مطالبات خود می‌توانند:

- 1) قبل و بعد از انحلال شرکت، فقط به شرکت مراجعه کنند
- 2) قبل و بعد از انحلال شرکت، به شرکاء شرکت مراجعه کنند
- 3) قبل از انحلال شرکت، هم به شرکت و هم به شرکاء مراجعه کنند
- 4) بعد از انحلال شرکت، در صورت عدم تکافوی اموال شرکت برای طلب طلبکاران به شرکاء مراجعه کند.

4- در کدام یک از شرکتهای تجاری شریک حق فسخ شرکت را دارد؟

1) در همه شرکتهای

2) شرکت تضامنی و نسبی

3) با مسئولیت محدود و تضامنی و نسبی

4) در هیچ یک از شرکتهای تجاری

مجموعه تست

1- در مقایسه شرکت تضامنی و شرکت نسبی کدام عبارت درست است؟

- 1) نوع مسئولیت شریکی که به هر دو شرکت وارد می‌شود، نسبت به فروض قبلی شرکت تفاوت دارد.
- 2) حدود مسئولیت مدیران و حق شرکاء در نقل و انتقال سهم‌الشرکه یکسان است.
- 3) نوع مسئولیت شریکی که به هر دو شرکت وارد می‌شود، نسبت به فروض قبلی شرکت یکسان است.
- 4) حدود مسئولیت مدیران یکسان است، لیکن حق شرکاء در نقل و انتقال سهم‌الشرکه متفاوت است.

2- طلبکاران شرکت نسبی برای وصول مطالبات خود می‌توانند:

- 1) قبل و بعد از انحلال شرکت، فقط به شرکت مراجعه کنند.
- 2) قبل و بعد از انحلال شرکت به شرکاء مراجعه کنند.
- 3) قبل و بعد از انحلال شرکت، هم به شرکت و هم به شرکاء مراجعه کنند.
- 4) بعد از انحلال شرکت، در صورت عدم تکافوی اموال شرکت برای طلبکاران، به شرکاء مراجعه کنند.

3- تقویم سهم‌الشرکه غیرنقدی در شرکت تضامنی با موافقت انجام می‌گیرد.

- 1) همه شرکاء
- 2) اکثریت شرکاء
- 3) $\frac{2}{3}$ شرکاء
- 4) دارندگان $\frac{3}{4}$ سهم‌الشرکه

4- طلبکاران شخصی شرکای شرکت‌های تضامنی از دارایی شرکت استیفای طلب نمایند:

- 1) می‌توانند.
- 2) در صورت موافقت کلیه شرکاء می‌توانند.
- 3) با موافقت شرکای دارنده لااقل سه چهارم سرمایه شرکت می‌توانند.
- 4) حق ندارند.

5- در کدام یک از شرکت‌های تجاری شریک حق فسخ شرکت را دارد؟

- 1) در همه شرکت‌ها
- 2) شرکت تضامنی و نسبی
- 3) با مسئولیت محدود و تضامنی و نسبی
- 4) در هیچ یک از شرکت‌های تجاری

6- هرگاه شرکت نسبی منحل شود، نسبت به دارایی آن، طلبکاران

(1) شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم دارند.

(2) شخصی شرکاء هیچ‌گونه حقی ندارند.

(3) شخصی شرکاء بر طلبکاران شرکت حق تقدم دارند.

(4) شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم ندارند.

7- مسئولیت شرکاء در شرکت تضامنی در مقابل طلبکاران و شرکاء به ترتیب زیر است:

(1) تضامنی - نسبی

(2) تضامنی - تضامنی

(3) نسبی - نسبی

(4) نسبی - تضامنی

8- کدام‌یک از عبارات زیر درست است؟

(1) ورشکستگی شرکت نسبی، برخلاف شرکت تضامنی، ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء آن دارد.

(2) ورشکستگی شرکت نسبی، ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء آن ندارد.

(3) ورشکستگی شرکت نسبی، ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء آن دارد.

(4) ورشکستگی بعضی از شرکاء شرکت تضامنی، ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت دارد.

9- به ورشکستگی شرکت بعد از انحلال

(1) تضامنی - نیز می‌توان حکم داد ولی در مورد شرکت نسبی نمی‌توان حکم داد.

(2) تضامنی - نیز می‌توان حکم داد مشروط به این که دارایی شرکت تقسیم نشده باشد.

(3) تضامنی - مطلقاً نمی‌توان حکم داد.

(4) نسبی - مطلقاً نمی‌توان حکم داد.

10- هرگاه شرکت نسبی منحل شود نسبت به دارایی آن، طلبکاران

(1) شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم دارند.

(2) شخصی شرکاء هیچ‌گونه حقی ندارد.

(3) شخصی شرکاء بر طلبکاران شرکت حق تقدم دارند.

(4) شرکت بر طلبکاران شخصی شرکاء حق تقدم ندارند.

11- شخصی از شرکت نسبی بستانکار است. شرکت تمام دارایی خود را از دست داده و منحل شده است.

بستانکار می تواند برای وصول طلب خود:

(1) به هر یک از شرکاء برای وصول تمام طلب رجوع نماید.

(2) به هر یک از شرکاء به نسبت سرمایه رجوع نماید خواه انفرادی و خواه به نحو اجتماع.

(3) به شرکایی که پس از تحقق دین وارد شده اند رجوع نماید.

(4) فقط به طرفیت همه شرکاء براساس تضامن اقامه دعوی نماید.

12- طلبکاران شرکت تضامنی در چه صورتی می توانند برای وصول مطالبات خود به شرکاء مراجعه نمایند؟

(1) در هیچ صورت

(2) پس از انحلال شرکت

(3) چنانچه شرکت از پرداخت بدهی خود امتناع ورزد.

(4) چنانچه منشأ طلب اسناد تجاری باشد.

13- آقای **a** و دو پسرش شرکت تضامنی را تشکیل داده اند، **B** مدیریت شرکت را نیز به عهده دارد.

طلبکاران شرکت به او مراجعه می کنند و مطالباتشان پرداخت نمی شود. آنان می توانند تقاضای ورشکستگی:

(1) **B** را مطرح نمایند.

(2) **B** و پسرانش را مطرح کنند.

(3) شرکت و شرکاء را همزمان مطرح کنند.

(4) فقط شرکت را مطرح کنند.

14- در شرکت تضامنی، شریک:

(1) نمی تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر با رضایت تمام شرکاء.

(2) نمی تواند سهم خود را منتقل کند مگر با موافقت مدیر عامل شرکت.

(3) می تواند سهم خود را مستقلاً به هر کسی منتقل کند.

(4) می تواند سهم خود را فقط به شریک دیگری از همان شرکت منتقل کند.

15- در شرکت نسبی، اگر سهم الشرکه یک یا چند نفر از شرکاء غیرنقدی باشد باید سهم الشرکه مزبور قبلاً:

(1) به تراضی حداقل سه چهارم شرکاء تقویم شود.

(2) توسط کارشناس رسمی دادگستری تقویم شود.

(3) توسط کارشناس رسمی دادگستری تقویم و به تأیید کلیه شرکاء برسد.

(4) تراضی تمام شرکاء تقویم شود.

16- حدود مسئولیت شرکت تضامنی چیست؟

(1) حدود مسئولیت مدیر را قرارداد یا اساسنامه تعیین می‌نماید.

(2) مدیر در قبال شرکاء مسئولیت دارد.

(3) مسئولیت مدیر در مقابل شرکت همانند مسئولیت وکیل در مقابل موکل می‌باشد.

(4) مدیر در مقابل شرکت و شرکاء مسئول است.

17- در یک شرکت تضامنی آورده «الف» 1000 واحد وجه نقد و آورده «ب» ملکی است که هنگام تشکیل

شرکت 1000 واحد ارزیابی می‌شود. پس از گذشت یک سال ارزش ملک در بازار تغییر می‌کند. در این صورت

سود شرکت چگونه تقسیم می‌گردد؟

(1) به صورت مساوی

(2) مساوی در صورت کاهش ارزش ملک

(3) مساوی در صورت افزایش ارزش ملک

(4) به نسبت آورده نقدی و ارزش روز ملک

پاسخ سوالات

- 1- گزینه (3) صحیح است.
- 2- گزینه (1) صحیح است.
- 3- گزینه (4) صحیح است.
- 4- گزینه (2) صحیح است.

پاسخ نامه

- 1- گزینه «2» - (دشوار)

این سوال دارای ایراد در طراحی است و دو گزینه آن دارای جواب صحیح است. در شرکت‌های تضامنی و نسبی حدود مسئولیت مدیران و حق شرکاء در نقل و انتقال سهم‌الشرکه یکسان است.

- 2- گزینه «4» - (متوسط)

طلبکاران شرکت نسبی و تضامنی بعد از انحلال شرکت می‌توانند به شرکاء شرکت مراجعه کنند، آن‌هم در صورتی که دارایی شرکت برای تأدیه قروض آن کافی نباشد.

- 3- گزینه «1» - (متوسط)

تقویت سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی در شرکت‌های تضامنی و نسبی با موافقت تمامی شرکاء باید صورت گیرد. (ماده 122 قانون تجارت)

- 4- گزینه «4» - (متوسط)

طلبکاران شرکاء حق ندارند طلب خود را از دارایی شرکت تأمین یا وصول نمایند. (ماده 129 قانون تجارت)

- 5- گزینه «2» - (متوسط)

در شرکت‌های تضامنی و نسبی هر یک از شرکاء حق فسخ شرکت را دارند. (بند د ماده 136 قانون تجارت)

- 6- گزینه «1» - (متوسط)

مادام که دیون شرکت تضامنی و نسبی از دارایی این شرکت‌ها تأمین شده. هیچ یک از طلبکاران شخصی شرکاء حقی در آن‌ها ندارند. (ماده 126 قانون تجارت)

- 7- گزینه «1» - (دشوار)

شرکاء شرکت تضامنی در مقابل طلبکاران شرکت مسئولیت تضامنی دارند، ولی در روابط میان شرکاء این مسئولیت به نسبت سرمایه‌ای است که در شرکت دارند. (ماده 124 قانون تجارت)

- 8- گزینه «2» - (متوسط)

ورشکستگی شرکت نسبی و تضامنی لازمه قانونی با ورشکستگی شرکاء و ورشکستگی بعضی از شرکاء ملازمه قانونی با ورشکستگی شرکت ندارد. (ماده 128 قانون تجارت)

9- گزینه «2» - (دشوار)

به ورشکستگی شرکت تضامنی و نسبی بعد از انحلال نیز می‌توان حکم داد، مشروط بر این که دارایی شرکت تقسیم نشده باشد. (ماده 127 قانون تجارت)

10- گزینه «1» - (متوسط)

هرگاه شرکت نسبی و تضامنی منحل شود، مادام که قروض شرکت تأدیه نشده، طلبکاران شخصی شرکاء بر آن هیچ حقی نخواهند داشت.

11- گزینه «2» - (متوسط)

مسئولیت شرکاء شرکت نسبی در مقابل طلبکاران شرکت به نسبت سرمایه‌ای است که آن‌ها در شرکت وارد کرده‌اند. (ماده 183 قانون تجارت)

12- گزینه «2» - (متوسط)

طلبکاران شرکت فقط پس از انحلال شرکت می‌توانند برای وصول مطالبات خود به شرکاء مراجعه نمایند. (ماده 124 قانون تجارت)

13- گزینه «4» - (متوسط)

مطالبه قروض شرکت در وهله اول باید از خود شرکت به عمل آید.

14- گزینه «1» - (دشوار)

در شرکت تضامنی و نسبی شریک نمی‌تواند سهم خود را به دیگری منتقل کند مگر با رضایت تمام شرکاء. (ماده 123 قانون تجارت)

15- گزینه «4» - (متوسط)

تقویم سهم‌الشرکه‌های غیرنقدی در شرکت تضامنی و نسبی باید با توافق تمام شرکاء به عمل آید و نیازی به تقویم کارشناسی رسمی دادگستری نمی‌باشد.

16- گزینه «3» - (متوسط)

مسئولیت مدیر در شرکت تضامنی همان مسئولیت وکیل در مقابل موکل شرکت است. (ماده 121 قانون تجارت)

17- گزینه «1» - (متوسط)

به موجب ماده 119 قانون تجارت که مقرر داشته: «در شرکت تضامنی منافع به نسبت سهم‌الشرکه بین شرکاء تقسیم

می‌شود مگر آن‌که شرکتنامه غیر از این ترتیب مقرر داشته باشد» و نیز با توجه به این‌که آن‌چه اهمیت دارد ارزش تقویم شده آورده غیرنقدی که در شرکت‌نامه درجه شده می‌باشد نه قیمت معاملاتی آن، بنابراین گزینه «1» صحیح است.

- شرکت مختلط غیر سهامی

- معرفی شرکت مختلط غیر سهامی

شرکت مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر شریک با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل میشود. در شرکت مختلط غیر سهامی مسئولیت شرکاء بر دو نوع است: یکسری از شرکاء ضامن هستند و بعضی از شرکاء دارای مسئولیت محدود هستند و تا میزان آورده خود در شرکت مسئول تعهدات شرکت هستند ولی شرکاء ضامن، بصورت تضامنی مسئول دیون و تعهدات شرکت می‌باشند.

ماده 141 قانون تجارت در این رابطه مقرر داشته است «شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود و شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تا میزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد در اسم شرکت باید عبارت «شرکت مختلط» و لااقل اسم یکی از شرکاء ضامن قید شود.»

- اداره شرکت مختلط غیر سهامی

اداره شرکت مختلط غیرسهامی به عهده شریک یا شرکاء ضامن است و حدود اختیارات آنها در اداره امور شرکت همان است که در مورد شرکاء شرکت تضامنی مقرر است. (ماده 144 قانون تجارت)

سوالی که مطرح میشود این است که آیا شرکاء با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی در اداره امور شرکت دخالتی دارند یا نه؟

ماده 145 قانون تجارت به این سوال اینگونه پاسخ میدهد که «شریک با مسئولیت محدود نه به عنوان شریک حق اداره کردن شرکت را دارد نه اداره امور شرکت از وظایف او است» «هر شریک با مسئولیت محدود حق نظارت بر امور شرکت داشته و میتواند از روی دفاتر و اسناد شرکت برای اطلاع شخص خود راجع به وضعیت مالی شرکت صورت خلاصه ترتیب دهد. هر قراردادی که بین شرکاء برخلاف ترتیب داده شود از درجه اعتبار ساقط است.» (ماده 147 قانون تجارت)

با توجه به اینکه اداره امور شرکت مختلط غیر سهامی بر عهده شرکاء ضامن گذاشته شده است بنابراین اگر شریک با مسئولیت محدود معامله‌ای را برای شرکت کند در مورد تعهدات ناشیه از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگر اینکه تصریح کرده باشد معامله را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام میدهد. (ماده 146 قانون تجارت)

- مسئولیت شرکاء در شرکت مختلط غیر سهامی:

- مسئولیت شرکاء با مسئولیت محدود در شرکت غیر سهامی

شریک با مسئولیت محدود به میزان سرمایه‌ای که در شرکت گذارده است دارای مسئولیت است.

(ماده 141 قانون تجارت)

اگر شریک با مسئولیت محدود معامله‌ای را برای شرکت کند در مورد تعهدات ناشی از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگر اینکه تصریح کرده باشد معامله را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام میدهد.

(ماده 146 قانون تجارت)

شرکاء با مسئولیت محدود شرکت مختلط غیر سهامی در مورد تعهداتی که شرکت ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشد در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت او اطلاع داشته اند.

هر گاه شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شود و شریک با مسئولیت محدود هنوز تمام یا قسمتی از سهم الشرکه خود را نپرداخته یا پس از تادیه مسترد داشته است طلبکاران شرکت حق دارند معادل آنچه که از بابت سهم الشرکه باقی مانده است مستقیماً بر علیه شریک با مسئولیت محدود اقامه دعوی نمایند.

اگر شرکت ورشکست شود حق مزبور را مدیر تصفیه خواهد داشت (ماده 152 قانون تجارت)

اگر شخصی بعنوان شریک با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی موجودی داخل شود تا معادل سهم الشرکه خود مسئول قروضی خواهد بود که شرکت قبل از ورود او داشته خواه اسم شرکت عوض شده یا نشده باشد. هر شرطی که بر خلاف این ترتیب باشد در مقابل اشخاص ثالث کان لم یکن خواهد بود. (ماده 155 قانون تجارت)

- مسئولیت شرکاء ضامن در شرکت مختلط غیر سهامی

شریک ضامن را وقتی می‌توان شخصاً برای قروض شرکت تعقیب نمود که شرکت منحل شده باشد (ماده 151 قانون تجارت)

اگر شرکت مختلط غیر سهامی ورشکست شود دارایی شرکت بین طلبکاران خود شرکت برای تادیه تمام قروض آن کافی نباشد طلبکاران آن حق دارند بقیه طلب خود را از دارایی شخصی تمام یا هر یک از شرکاء ضامن وصول کنند در این صورت بین طلبکاران شرکت و طلبکاران شخصی شرکاء ضامن تفاوتی نخواهد بود. (ماده 156 و 157 قانون تجارت)

از مجموع این مواد میتوان دریافت که شرکاء ضامن در شرکت مختلط غیر سهامی بصورت تضامنی مسئول تادیه دیون شرکت در صورت عدم کفایت دارایی شرکت در مقابل طلب طلبکاران میباشند.

شرکاء ضامن در شرکت مختلط غیر سهامی در مقابل اشخاص ثالث مسئولیت تضامنی دارند ولی در روابط میان شرکاء ضامن، مسئولیت آنها به نسبت سرمایه است که وارد در شرکت کرده اند. (ماده 160 قانون تجارت)

- انحلال شرکت مختلط غیر سهامی:

شرکت مختلط غیر سهامی در صورت پایان یافتن انجام موضوع شرکت منحل میشود و در صورت انقضاء مدت شرکت و ورشکستگی شرکت منحل می‌شود.

شرکت مختلط غیر سهامی در صورت تراضی تمام شرکاء منحل می‌گردد.

شرکت مختلط غیر سهامی در صورت فسخ یکی از شرکاء منحل میگردد مشروط بر اینکه در اساسنامه این حق از شرکاء سلب نشده و ناشی از قصد اضرار نباشد و تقاضای فسخ باید شش ماه قبل از فسخ کتباً به شرکاء اعلام شود.

شرکت مختلط غیر سهامی در صورت مرگ یا محجوریت یکی از شرکای ضامن منحل میشود مشروط بر اینکه در ظرف مدت یکماه فرصتی که به قائم مقام متوفی داده میشود تصمیم به انحلال شرکت توسط قائم مقام متوفی و سایر شرکاء اتخاذ شده باشد (ماده 139 قانون تجارت)

در مقابل، مرگ یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکا با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمیشود.

- نکات مهم شرکتهای مختلط غیر سهامی

1- مختلط غیر سهامی شرکتی است که برای امور تجاری در تحت اسم مخصوصی بین یک یا چند نفر شریک ضامن و یک یا چند نفر با مسئولیت محدود بدون انتشار سهام تشکیل میشود.

شریک ضامن مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود شریک با مسئولیت محدود کسی است که مسئولیت او فقط تامیزان سرمایه‌ای است که در شرکت گذارده و یا بایستی بگذارد.

در اسم شرکت باید عبارت (شرکت مختلط) و لاقلاً اسم یکی از شرکای ضامن قید شود.

2- شرکت مختلط غیر سهامی به عهده شریک یا شرکای ضامن و حدود اختیارات آنها همان است که در مورد شرکای شرکت تضامنی مقرر است.

اگر شریک با مسئولیت محدود معامله‌ای برای شرکت کند در مورد تعهدات ناشی از آن معامله در مقابل طرف معامله حکم شریک ضامن را خواهد داشت مگر اینکه تصریح کرده باشد معامله را به سمت وکالت از طرف شرکت انجام میدهد.

3- سهم الشریکه شریک با مسئولیت محدود در شرکت مختلط غیر سهامی با رضایت سایر شرکاء صورت می‌گیرد و اگر بدون رضایت سایر شرکاء اینکار را انجام دهد شخص مزبور نه حق دخالت در اداره شرکت نه حق تفتیش در امور شرکت را خواهند داشت.

4- مورد تعهداتی که شرکت مختلط غیر سهامی ممکن است قبل از ثبت شرکت کرده باشند شریک با مسئولیت محدود در مقابل اشخاص ثالث در حکم شریک ضامن خواهد بود مگر ثابت نماید که اشخاص مزبور از محدود بودن مسئولیت او اطلاع داشته اند.

5- ضامن را وقتی میتوان شخصاً برای بروز شرکت تعقیب نمود شرکت منحل شده و دارایی شرکت برای تادیه قروض آن کافی نباشد.

6- شرکت مختلط غیر سهامی ورشکست شود دارایی شرکت بین طلبکاران خود شرکت تقسیم شده و طلبکاران شخصی شرکاء در آن حقی ندارند، سهم الشرکه شرکاء با مسئولیت نیز جزء دارایی شرکت محسوب است.

7- مختلط غیر سهامی در صورت فسخ یکی از شرکاء منحل میشود مشروط بر اینکه در اساسنامه این حق از آنان سلب نشده و قصد اضرار نیز نداشته باشد. (حق فسخ برای شرکاء ضامن وجود دارد و شرکاء با مسئولیت محدود چنین حقی ندارند)

8- یا محجوریت یا ورشکستگی شریک یا شرکاء با مسئولیت محدود موجب انحلال شرکت نمیشود.

- شرکت مختلط سهامی:

- معرفی شرکت مختلط سهامی

شرکت مختلط سهامی بین یک یا چند شریک ضامن و یک شریک سهامی تشکیل میشود. شرکای سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها بصورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه در آمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند. (ماده 162 قانون تجارت).

در شرکت مختلط سهامی شریک ضامن کسی است که سرمایه او بصورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شرکت تضامنی خواهد بود. (ماده 162 قانون تجارت)

شرکت مختلط سهامی بوسیله شریک یا شرکای ضامن مدیریت می شود. (ماده 164 قانون تجارت)

- اداره شرکت مختلط سهامی:

شرکت مختلط سهامی از یک عده شرکای ضامن و یک عده شرکای سهامی تشکیل می شود. (ماده 162 قانون تجارت) در شرکت مختلط سهامی مدیریت شرکت بر عهده شرکای ضامن است و یک هیأت نظارتی که حداقل مرکب از سه نفر شرکاء باشد برقرار می شود. این هیأت را مجمع عمومی شرکاء بلافاصله بعد از تشکیل قطعی شرکت و قبل از هر اقدامی در امور شرکت معین میکند.

اولین هیأت نظاره برای یکسال انتخاب میشود و باید بلافاصله پس از انتخاب شدن تحقیقی کرده و اطمینان حاصل کند که تمام سرمایه شرکت تعهد شده و اگر سرمایه بصورت غیر نقدی است تمام آن تحویل شده است و اینکه قبل از تشکیل شرکت سهام یا تصدیق موقت با نام یا بی نام صادر نشده باشد. (مواد 28 و 29 و 38 و 39 و 41 و 50 قانون تجارت)

اعضاء هیأت نظاره وظیفه نظارت بر امور شرکت را بر عهده دارند ولی از جهت اعمال اداری و نتایج حاصله از آن هیچ مسئولیتی ندارند لیکن هر یک از آنها در انجام مأموریت خود بر طبق قوانین معموله مملکتی مسئول اعمال و تقصیرات

خود می‌باشند. (ماده 167 قانون تجارت)

پس اگر از اعمال هیأت نظاره خساراتی به شرکت وارد آید با احراز انتساب خسارت به آنها، هیأت مزبور مسئول جبران خسارات وارده خواهند بود.

هیأت نظاره شرکاء را برای انعقاد مجمع عمومی دعوت می‌کند و با موافقت رأی برای مجمع مذکور شرکت را منحل می‌کنند مشروط بر اینکه در اساسنامه این حق برای مجمع عمومی تصریح شده باشد. (ماده 169 و بند ب ماده 181 قانون تجارت)

- مسئولیت شرکاء در شرکت مختلط سهامی

در شرکت مختلط سهامی دو نوع شریک وجود دارد شریک سهامی و شریک ضامن.

شریک سهامی تا میزان آورده خود در شرکت مسئول دیون و تعهدات شرکت است و طلبکاران شرکت بر دارایی شخصی شریک سهامی در صورت عدم کفایت سرمایه شرکت در قبال دیون شرکت حقی نخواهند داشت ولی هرگاه شرکت مختلط سهامی ورشکست شود و شرکاء سهامی تمام قیمت سهام خود را پرداخته باشند مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول می‌کند و اگر شرکت به طریقی غیر از ورشکستگی منحل شود هر یک از طلبکاران شرکت می‌تواند به هر یک از شرکاء سهامی که از بابت قیمت سهام خود مدیون شرکت است رجوع کرده در حدود بدهی آن شریک طلب خود را مطالبه نمایند مادامی که شرکت منحل نشده طلبکاران برای وصول طلب خود حق رجوع به هیچ یک از شرکاء سهامی را ندارند. (ماده 173 و 174 قانون تجارت)

شرکاء ضامن در برابر طلبکاران و برای دیون و تعهدات شرکت مسئولیت تضامنی دارند ولی مادامی که شرکت منحل نشده مطالبه دیون شرکت باید از خود شرکت بعمل آید و پس از انحلال شرکت و عدم کفایت دارایی شرکت برای تادیه دیون آن، طلبکاران می‌توانند به شرکاء ضامن رجوع کنند.

شرکاء ضامن در مقابل طلبکاران بطور تضامنی مسئول هستند ولی در روابط بین شرکاء ضامن مسئولیت آنها به نسبت سرمایه‌ای است که وارد شرکت کرده اند.

- انحلال شرکت مختلط سهامی:

شرکت مختلط سهامی در صورت ورشکستگی و انقضاء مدت شرکت و انجام دادن موضوع شرکت یا منتفی شدن انجام موضوع شرکت منحل می‌شود.

از دیگر مواردیکه منجر به انحلال شرکت مختلط سهامی می‌شود تصمیم مجمع عمومی شرکت مبنی بر انحلال آن است مشروط بر اینکه در اساسنامه این حق برای مجمع مذکور تصریح شده باشد.

در صورتی که مجمع عمومی تصمیم به انحلال شرکت بگیرد و شرکاء ضامن به این امر رضایت دهند شرکت منحل می‌شود. رضایت شرکاء ضامن بر انحلال شرکت زمانی لازم است که در اساسنامه حق انحلال برای مجمع عمومی در نظر

گرفته نشده باشد. که در اینصورت علاوه بر تصمیم مجمع عمومی رضایت شرکاء ضامن نیز لازم است ولی اگر بین مجمع عمومی و شرکاء ضامن راجع به انحلال موافقت حاصل نشود و محکمه دلایل طرفداران انحلال را موجه ببیند حکم به انحلال خواهد داد. همین حکم در موردی نیز جاری است که یکی از شرکاء ضامن بدایلی انحلال شرکت را از محکمه تقاضا نموده و محکمه آن دلایل را موجه ببیند. (ماده 182 قانون تجارت)

در صورت فوت یا محجوریت یکی از شرکاء ضامن در شرکت مختلط سهامی شرکت منحل می‌شود مشروط بر اینکه این امر در اساسنامه تصریح شده باشد.

پس از انحلال شرکت مختلط سهامی طلبکاران شرکت برای وصول طلب خود ابتدا به شرکت مراجعه می‌کنند و اگر دارایی شرکت برای وصول طلب آنها کافی نباشد به شرکاء ضامن مراجعه می‌کنند.

- خلاصه مبحث شرکتهای مختلط سهامی:

1- شرکت مختلط سهامی شرکتی است که در تحت اسم مخصوص بین یک عده شرکاء سهامی و یک یا چند نفر شریک ضامن تشکیل می‌شود.

شرکاء سهامی کسانی هستند که سرمایه آنها بصورت سهام یا قطعات سهام متساوی القیمه در آمده و مسئولیت آنها تا میزان همان سرمایه است که در شرکت دارند.

شریک ضامن کسی است که سرمایه او بصورت سهام در نیامده و مسئول کلیه قروضی است که ممکن است علاوه بر دارایی شرکت پیدا شود. در صورت تعدد شریک ضامن مسئولیت آنها در مقابل طلبکاران و روابط آنها با یکدیگر تابع مقررات شریک تضامنی خواهد بود.

2- شرکت مختلط سهامی مخصوص به شریک یا شرکاء ضامن است.

3- شرکت مختلط سهامی ورشکست شود و شرکاء سهامی تمام قیمت سهام خود را پرداخته باشد مدیر تصفیه آنچه را که بر عهده آنها باقی است وصول می‌کند.

4- شرکت مختلط سهامی ورشکست شود تا قروض شرکت از دارایی آن تادیه نشده طلبکاران شخصی شرکاء ضامن حقی به دارایی شرکت ندارند.

5- مختلط سهامی در صورت تصمیم مجمع عمومی منحل می‌شود مشروط بر اینکه این حق در اساسنامه برای مجمع مذکور در نظر گرفته شده باشد.

6- برای مجمع عمومی شرکت مختلط سهامی حق انحلال در نظر گرفته نشده باشد و بین مجمع عمومی و شرکاء ضامن اختلاف ایجاد شود محکمه به این امر رسیدگی می‌کند.

معرفی شرکت تعاونی

شرکت تعاونی شرکتی است که از اشخاص حقیقی یا حقوقی که به منظور رفع نیازمندی‌های مشترک و بهبود وضع اقتصادی و اجتماعی اعضاء از طریق خودیاری و کمک متقابل و همکاری‌های آنان تشکیل می‌شود. (ماده 2 قانون شرکت‌های تعاونی)

عضویت شرکت تعاونی برای تمامی اشخاصی که محل فعالیت یا سکونت آن‌ها در حوزه عمل شرکت باشد و به تمام یا قسمتی از خدمات شرکت احتیاج داشته باشند آزاد است. (ماده 3 قانون شرکت‌های تعاونی)

شرط عضویت در شرکت تعاونی خرید و پرداخت تمام بهای لاقبل یک سهم می‌باشد. خروج هر عضو از شرکت تعاونی اختیاری است و نمی‌توان آن را منع کرد و بهای سهم یا سهام او حداکثر به ارزش اسمی باید ظرف یک سال از تاریخ خروج عضو از شرکت نقداً پرداخت گردد. (ماده 3 قانون شرکت‌های تعاونی)

شرط عضویت در شرکت تعاونی خرید و پرداخت تمام بهای لاقبل یک سهم می‌باشد. خروج هر عضو از شرکت تعاونی اختیاری است و نمی‌توان آن را منع کرد و بهای سهم یا سهام او حداکثر به ارزش اسمی باید ظرف یک سال از تاریخ خروج عضو از شرکت نقداً پرداخت گردد. (ماده 6 قانون شرکت‌های تعاونی)

سرمایه شرکت تعاونی نامحدود و سهام آن با نام و مسئولیت هر عضو محدود به میزان سهمی است که از سرمایه شرکت خریداری یا تعهد نموده است. (ماده 10 قانون شرکت‌های تعاونی)

مثال - سرمایه شرکت تعاونی:

- 1) محدود است و سهام آن با نام و مسئولیت هر عضو نامحدود است.
- 2) نامحدود است و سهام آن بی‌نام و مسئولیت هر عضو محدود است.
- 3) نامحدود است و سهام آن با نام و مسئولیت هر عضو محدود به میزان سهمی است که از سرمایه شرکت خریداری کرده است.
- 4) محدود است و سهام آن بی‌نام و مسئولیت هر عضو نامحدود است.

1- پاسخ: گزینه «3»

سرمایه شرکت تعاونی نامحدود است و سهام آن با نام و مسئولیت هر عضو محدود به میزان سهمی است که از سرمایه شرکت خریداری کرده است.

تشکیل شرکت تعاونی

شرکت تعاونی طبق تصمیم مجمع عمومی مؤسس تشکیل می‌گردد. در مجمع عمومی مؤسس اساسنامه شرکت مطرح و با رأی اکثریت حاضر در جلسه به تصویب می‌رسد. اولین هیأت مدیره و بازرس یا بازرسان شرکت به اکثریت نسبی

اعضای حاضر انتخاب و مأموریت ثبت شرکت به هیأت مدیره‌ای که قبولی خود را کتباً اعلام کرده باشند، داده می‌شود. در جلسات مجمع مؤسس تعداد اعضای موافق با اساسنامه نباید کم‌تر از 7 نفر باشد. (ماده 19 قانون شرکت‌های تعاونی) در صورتی که ظرف شش ماه از تاریخ پرداخت بهای اسمی به وسیله داوطلبان عضویت نسبت به ثبت شرکت اقدام نشود، هر صاحب سهمی می‌تواند برای استرداد وجوه پرداختی خود به وزارت تعاون یا وزارت کار و امور اجتماعی مراجعه نماید. (تبصره 3 ماده 20 قانون شرکت‌های تعاونی)

کدام گزینه صحیح نیست؟

- 1) شرکت تعاونی طبق تصمیم مجمع عمومی مؤسس تشکیل می‌گردد.
- 2) برای تصویب اساسنامه شرکت تعاونی در مجمع عمومی مؤسس رأی اکثریت نسبی ملاک عمل می‌باشد.
- 3) انتخاب اولین هیأت مدیره و بازرسان شرکت برعهده مجمع عمومی مؤسس است.
- 4) مأموریت ثبت شرکت بر عهده هیأت مدیره شرکت است.

پاسخ: گزینه «2»

تصویب اساسنامه شرکت تعاونی در مجمع عمومی مؤسس با اکثریت آراء صورت می‌گیرد.

ارکان شرکت‌های تعاونی

شرکت تعاونی دارای سه رکن مجامع عمومی، هیأت مدیره و بازرسان شرکت می‌باشد.

مجامع عمومی

مجمع عمومی شرکت تعاونی به سه صورت تشکیل می‌شود:

- 1- مجمع عمومی مؤسس
- 2- مجمع عمومی فوق‌العاده
- 3- مجمع عمومی عادی

الف) مجمع عمومی عادی:

مجمع عمومی عادی بوسیله هیأت مدیره دعوت می‌شود و حداقل سالی یکبار ظرف شش ماه پس از پایان سال مالی شرکت تشکیل می‌شود. در موارد مقتضی می‌توان در هر موقع از سال مجمع عمومی عادی را به‌طور فوق‌العاده تشکیل داد. (ماده 32 قانون شرکت‌های تعاونی)

وظایف مجمع عمومی عادی بدین شرح است:

- 1- انتخاب هیأت مدیره و بازرسان یا بازرسان و یا تغییر هر یک از آنها
- 2- رسیدگی و اتخاذ تصمیم در باره ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت پس از استماع گزارش هیأت مدیره و بازرسان
- 3- اخذ تصمیم نسبت به ذخایر و پرداخت سود سهام و مزاد درآمد و تقسیم آن طبق اساسنامه
- 4- اتخاذ تصمیم درباره پیشنهاد های هیأت مدیره در مورد اعتبارات درخواستی و یا سرمایه‌گذاری های شرکت
- 5- تصویب گزارش تغییرات سرمایه در دوره مالی قبل

6- اتخاذ تصمیم درباره عضویت شرکت در شرکت‌ها و اتحادیه‌های تعاونی. (ماده 23 قانون شرکت‌های تعاونی)
مجمع عمومی عادی با حضور نصف بعلاوه یک اعضا رسمیت پیدا می‌کند. تصمیمات مجمع عمومی عادی با اکثریت
اعضای حاضر در مجمع عمومی اتخاذ می‌شود. مگر در مورد انتخاب هیأت مدیره و بازرسان که تصمیمات مجمع به
اکثریت نسبی خواهد بود. (ماده 34 قانون شرکت‌های تعاونی)

ب) مجمع عمومی فوق‌العاده

مجمع عمومی فوق‌العاده برای رسیدگی و اتخاذ تصمیم نسبت به موارد زیر تشکیل می‌شود:

- 1- تغییر مواد اساسنامه 2- ادغام با شرکت دیگر 3- انحلال شرکت
- مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور حداقل سه چهارم اعضای شرکت رسمیت می‌یابد در صورتی که در جلسه اول این حد
نصاب حاضر نشوند، این مجمع برای بار دوم دعوت می‌شود که این جلسه با حضور حداقل نصف به‌علاوه یک اعضا
رسمیت می‌یابد. در صورتی که در بار دوم نیز این مجمع به حد نصاب نرسد، مجمع برای بار سوم با حد نصاب نصف
بعلاوه یک اعضا دعوت می‌شود. (ماده 37 قانون شرکت‌های تعاونی)
تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت سه چهارم اعضای حاضر در جلسه مجمع اتخاذ می‌گردد.

کدام گزینه صحیح نیست؟

- 1) مجمع عمومی عادی با حضور نصف بعلاوه یک اعضا رسمیت می‌یابد.
 - 2) مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت دو سوم آراء تصمیم‌گیری می‌کند.
 - 3) تغییر مواد اساسنامه از وظایف مجمع عمومی فوق‌العاده است.
 - 4) انتخاب هیأت مدیره و بازرسان از وظایف مجمع عمومی عادی است.
- 2- پاسخ: گزینه «2»
- تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت سه چهارم اعضای حاضر در جلسه مجمع اتخاذ می‌گردد. (ماده 37 قانون
شرکت‌های تعاونی)

هیأت مدیره

اداره امور شرکت طبق اساسنامه برعهده هیأت مدیره‌ای که مرکب از حداقل سه نفر عضو اصلی خواهد بود که در مجمع
عمومی عادی برای مدت سه سال از بین اعضای شرکت با رأی مخفی انتخاب می‌شوند. مجمع عمومی عادی هم‌زمان با
انتخاب این عده دو نفر عضو علی‌البدل نیز با همان شرایط انتخاب خواهد کرد. (ماده 39 قانون شرکت‌های تعاونی) هیأت
مدیره از بین خود یک رئیس و یک نایب رئیس و یک منشی انتخاب خواهند کرد. تصمیمات هیأت مدیره در جلساتی که
با اکثریت اعضای هیأت مدیره به دعوت رئیس و یا نایب رئیس و یا مدیر عامل تشکیل می‌شود اتخاذ می‌گردد.

هیأت مدیره نماینده قانونی شرکت است و می‌تواند مستقیماً و یا با وکالت با حق توکیل این نمایندگی را در دادگاه‌ها و مراجع قانونی و سایر سازمان‌ها اعمال کند.

مسئولیت هیأت مدیره در مقابل شرکت مسئولیت وکیل در مقابل موکل است.

کدام گزینه صحیح نیست؟

1) مسئولیت هیأت مدیره در مقابل شرکاء مسئولیت وکیل در مقابل موکل است.

2) هیأت مدیره نماینده قانونی شرکت است.

3) اداره امور شرکت طبق اساسنامه به عهده هیأت مدیره است.

4) هیأت مدیره می‌تواند نمایندگی خود را در دادگاه اعمال کند.

3- پاسخ: گزینه «1»

مسئولیت هیأت مدیره در مقابل شرکت مسئولیت وکیل در مقابل موکل است.

بازرسان

مجمع عمومی شرکت تعاونی بازرسی یا بازرسانی را از میان اعضای شرکت برای مدت یک‌سال مالی انتخاب می‌کند.

بازرسان شرکت وظیفه نظارت بر انطباق نحوه اداره امور شرکت با مقررات اساسنامه و آئین‌نامه‌های مصوب و تصمیمات مجمع عمومی را دارند.

رسیدگی به حساب‌های حداقل سالی دوبار و مخصوصاً رسیدگی به صورت حساب‌ها و ترازنامه سالانه از وظایف دیگر بازرسان شرکت است.

بازرسان شرکت حق دخالت مستقیم در امر شرکت را ندارند و می‌توانند بدون حق رأی در جلسات هیأت مدیره شرکت کنند.

انحلال شرکت تعاونی

شرکت تعاونی در موارد ذیل منحل می‌شود:

1- کاهش سرمایه به میزانی که ادامه عملیات مقدور و یا صلاح نباشد با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده

2- کاهش تعداد اعضاء از حد نصاب قانونی

3- اتمام برنامه‌ای که به موجب اساسنامه، شرکت برای انجام آن تأسیس شده است.

4- تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده

5- عدم تطبیق عملیات شرکت با اساسنامه و مقررات قانونی (ماده 120 قانون شرکت‌های تعاونی)

نکات کلیدی

- شرکت تعاونی شرکتی است که از اشخاص حقیقی برای رفع نیازمندی‌های مشترک تشکیل می‌شود.
- عضویت شرکت تعاونی برای تمام اشخاصی که محل فعالیت یا سکونت آن‌ها در حوزه عمل شرکت باشد و به تمام یا قسمتی از خدمات شرکت احتیاج داشته باشند آزاد است.
- سرمایه شرکت تعاونی نامحدود و سهام آن با نام است و مسئولیت هر عضو محدود به میزان سهمی است که از سرمایه شرکت خریداری یا تعهد نموده است.
- شرکت تعاونی طبق تصمیم مجمع عمومی مؤسس تشکیل می‌گردد.
- در مجمع عمومی مؤسس اساسنامه شرکت با رأی اکثریت حاضر در جلسه به تصویب می‌رسد.
- اولین هیأت مدیره و بازرسان شرکت به اکثریت نسبی انتخاب می‌شوند.
- مجمع عمومی عادی به وسیله هیأت مدیره دعوت می‌شود.
- انتخاب هیأت مدیره و بازرسان شرکت و تغییر آن‌ها بر عهده مجمع عمومی عادی است.
- اتخاذ تصمیم در مورد عضویت شرکت در شرکت‌های دیگر بر عهده مجمع عمومی عادی است.
- مجمع عمومی عادی با حضور نصف بعلاوه یک اعضاء رسمیت می‌یابد.
- تصمیمات مجمع عمومی با اکثریت اعضای حاضر در مجمع عمومی اتخاذ می‌گردد، مگر در مورد انتخاب هیأت مدیره و بازرسان که با اکثریت نسبی خواهد بود.
- مجمع عمومی فوق‌العاده با حضور حداقل سه چهارم اعضای شرکت رسمیت می‌یابد.
- تصمیمات مجمع عمومی فوق‌العاده با اکثریت سه چهارم اعضای حاضر در جلسه مجمع اتخاذ می‌گردد.
- اداره امور شرکت بر طبق اساسنامه بر عهده هیأت مدیره‌ای مرکب از سه عنصر می‌باشد.
- هیأت مدیره نماینده قانونی شرکت است.
- مسئولیت هیأت مدیره در مقابل شرکت مسئولیت وکیل در مقابل موکل است.
- مجمع عمومی بازرسان شرکت را انتخاب می‌کند.
- بازرسان شرکت تعاونی حق دخالت مستقیم در امر شرکت را ندارند.
- شرکت تعاونی در صورت کاهش سرمایه به میزانی که ادامه عملیات مقدور نباشد با تصویب مجمع عمومی فوق‌العاده منحل می‌شود.
- شرکت تعاونی در صورت کاهش تعداد اعضاء از حد نصاب قانونی منحل می‌شود.
- شرکت تعاونی در صورت تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده منحل می‌شود.

• وظایف مجمع عمومی فوق العاده عبارتند از:

1- تغییر در مواد اساسنامه

2- انحلال یا ادغام چند شرکت تعاونی در یکدیگر

3- تصمیم‌گیری نسبت به عزل یا استعفای هیأت مدیره

• در شرکت تعاونی بایستی حداقل 51% سرمایه به وسیله اعضاء شرکت تأمین گردد.

• تعداد اعضاء مجمع عمومی مؤسس 7 نفر است که حداقل 3 نفر از آن‌ها به عنوان مؤسس بوده و یک نفر به عنوان نماینده در اداره کل تعاون می‌باشد.

• حداقل تعداد اعضای شرکت تعاونی 7 نفر است.

• خروج از شرکت تعاونی اختیاری است.

• حداقل اعضای اصلی هیأت مدیره 3 نفر و حداکثر آن 7 نفر است و تا $\frac{1}{3}$ اعضای اصلی، اعضای علی‌البدل وجود خواهد داشت.

• مدت مدیریت مدیران در شرکت‌های تعاونی قبلاً 2 سال بود اما اکنون 3 سال شده است.

• مدت مأموریت بازرسان در شرکت تعاونی حداکثر 3 سال است.

• در شرکت تعاونی هر سهامداری بدون در نظر گرفتن میزان سرمایه فقط دارای یک رأی است.

- اسناد تجاری « برات - سفته - چک »

- تعریف اسناد تجاری:

اسناد تجاری اسنادی هستند که قابل معامله بوده و به نفع دارنده آن معرف وجود مقدار معینی طلب در سررسید معین می‌باشد. اینگونه اسناد معمولاً مورد استفاده تجار بوده و در معاملات تجارتهی مورد استفاده می‌باشد. اسناد تجاری در زمره اسناد عادی هستند ولی دارای یکسری فوایدی نیز می‌باشند که آنها را از اسناد عادی دیگر متمایز می‌سازد.

- فواید اسناد تجاری

اسناد تجاری دارای سه فایده عمده هستند: 1- وسیله پرداخت 2- وسیله انتقال طلب 3- وسیله کسب اعتبار.

1- وسیله پرداخت:

امروزه در روابط فی مابین بازرگانان از اسناد تجاری استفاده می‌شود و کمتر اتفاق می‌افتد که در روابط میان بازرگانان از پول نقد استفاده شود.

2- وسیله انتقال طلب:

در قرون وسطی بازرگانان که برای انجام معاملات تجارتهی به بازارهای مکاره اروپا رفت و آمد می‌کردند از برات برای تعویض پول و انتقال آن از محل خود به محل مکاره استفاده می‌کردند. بدین ترتیب که از بانک طرف معامله خود می‌خواستند که عملیات تعویض و انتقال را برای آنها خارج از مملکت انجام دهد. بانک براتی خطاب به بانک طرف حساب خود در خارج صادر می‌کرد و دارنده برات با مراجعه به بانک محل مکاره وجوهی را که نیاز داشت دریافت می‌کرد بدین وسیله از حمل و نقل توأم با خطر پول احتراز می‌کرد.

امروزه نیز افراد کمتر پول با خود همراه دارند و با گشایش حسابهای مختلف وجوه خود را به بانکها می‌سپارند و هنگام مسافرت از شعبه بانک در محلی که قرار دارند به دریافت وجه مورد نیاز می‌پردازند بدون اینکه با حمل پول آسایش خیال خود را از دست بدهند.

3- وسیله اعتبار

کمتر اتفاق می‌افتد که معاملات تجارتهی نقداً انجام گیرد بدین سبب که تاجر معمولاً جز وسیله‌ای بین تولید کننده و مصرف کننده اجناس نمی‌باشد و از اینرو باید مهلتی داشته باشد تا کالائی را که خریداری نموده بتواند به مشتریان خود بفروشد و بهای آنرا تادیه نماید.

برای اینکه خریدار مهلت بگیرد به فروشنده سندی می‌دهد و متعهد می‌شود که وجه آنرا در سر وعده معین بپردازد و یا اینکه از فروشنده می‌خواهد که معادل قیمت کالای خریداری شده براتی بعهده او صادر کند که در سررسید مورد توافق کارسازی ندارد.

فروشنده هم مجبور نیست که به انتظار روز پرداخت بماند او می‌تواند با تنزیل اسنادی که در اختیار دارد وجوه آنها را نقد کند. تنزیل یکی از عمده ترین عملیات تجاری است. زیرا به تاجر اطمینان می‌دهد که سند خود را هر وقت بخواهد مورد استفاده قرار دهد و این اطمینان موجب می‌گردد که بتواند به سهولت به خریداران خود اعتبار دهد.

تنزیل کننده با قبول طلب صاحب سند و پرداخت وجه نقد به او سود وجه خود را به نرخ روز و از تاریخ تنزیل تا تاریخ وعده طلب باضافه مخارج و حق الزحمه که برای وصول آن لازم است محاسبه کرده و از وجه سند تقاضا کننده تنزیل کسر می‌گذارد. چون پیدا کردن تاجری که درست معادل مبلغ سند وام بدهد آسان نیست، معمولاً بانکها واسطه برای تسهیل عمل تنزیل هستند.

بدین ترتیب اسناد تجاری وسیله مناسبی برای کسب اعتبار گردیده و به رونق امور تجاری کمک بسزائی نموده است.

- برات

- معرفی برات:

قانون تجارت ایران برات را تعریف نکرده است ولی طبق تعریف کلاسیک، این سند تجاری عبارت از نوشته‌ای است که به موجب آن شخصی به دیگری دستور می‌دهد در وعده‌ای معین یا قابل تعیین مبلغی را به شخص ثالث یا به حواله کرد او پرداخت کند.

دستوردهنده را «برات کش»، «صادر کنند»، یا «برات دهنده» می‌نامند و به شخص که دستور را دریافت می‌کند، «براتگیر» و یا «محال علیه» می‌گویند و شخص ثالث نیز «دارنده برات» نامیده می‌شود.

ماهیت حقوقی برات

برات معمولاً برای پرداخت ما به ازای کالا یا خدمتی صادر می‌شود. بدین معنی که شخص «الف» از شخص «ب» کالایی را خریداری می‌کند مسلماً شخص «الف» باید ثمن معامله را به شخص «ب» بپردازد در این هنگام شخص «الف» براتی را صادر می‌کند و به شخص «ب» می‌دهد و به وی می‌گوید که وجه این برات را شخص «ج» پرداخت خواهد کرد. به این رابطه (انجام معامله بین «الف» و «ب») «رابطه اصلی» گفته می‌شود.

ولی بعد از صدور برات، برات در دست چندین نفر گردش می‌کند و اشخاص به عنوان ظهرنویس و ضامن و برانگیز و یا به عناوین مختلف آن را امضاء می‌کنند. امضاء تعهد جدیدی برای امضاء کننده ایجاد می‌کند که «تعهد براتی» خوانده می‌شود زیرا منحصرأ ناشی از خود برات است.

اغلب کشورها تعهد براتی را از تعهد ناشی از رابطه اصلی مستقل می‌دانند و به دارنده حق می‌دهند که بدون توجه به رابطه اخیر، مبلغ مندرج در برات را از مسئول یا مسئولان برات مطالبه کند. حقی که دارنده در مطالبه مبلغ برات دارد به صرف انعکاس آن در ورقه برات و به شرط امضای متعهد برات ایجاد می‌شود، ساخته ذهن حقوقدانان نیست، بلکه حاصل فکر افرادی است که در زمینه تجارت فعالیت دارند.

تعهد براتی برخلاف تعهد اصلی، همیشه تجاری محسوب می‌شود و لو اینکه صادر کننده آن غیرتاجر بوده و یا برای اموری غیر تجاری داده شده باشد.

ماهیت تعهد ناشی از برات به مقیاس فوق‌العاده زیادی به شکل سند بستگی دارد.

برای توجیه ماهیت تعهد براتی تئوریهای حقوقی مختلفی عنوان گردیده است که این تئوریه‌ها عبارتند از:

1- تئوری انتقال طلب

2- تئوری تبدیل تعهد

3- تئوری وکالت

4- تئوری تعهد یکجانبه

5- تئوری عمل به ظاهر

1- انتقال طلب:

قدیمی‌ترین و ساده‌ترین تئوری توجیه تعهدات ناشی از برات تئوری انتقال طلب است که بموجب آن طلبی را که صادر کننده برات از براتگیر دارد، به دارنده برات منتقل می‌کند. این نظریه با ماهیت برات وفق نمیدهد زیرا اگر برات ماهیتاً به انتقال طلب باشد منتقل‌الیه نمی‌تواند دارای حقوقی بیش از انتقال دهنده بشود و انتقال دهنده فقط وجود طلب را تضمین می‌نماید. در صورتیکه برعکس در برات، براتکش و کلیه ظهرنویسان متضامناً ضامن پرداخت آن بوده و در نتیجه جوابگوی عدم توانایی مالی بدهکار می‌باشند. مضافاً براتگیر نمی‌تواند اعتراضاتی را که نسبت به صادر کننده برات دارد علیه دارندگان با حسن نیت برات عنوان نماید. این قاعده عدم قابلیت اعتراض کاملاً مخالف اصلی است که بموجب آن هیچکس نمی‌تواند بیش از آنچه خودش حق دارد واگذار کند.

2- تئوری تبدیل تعهد:

عده‌ای دیگر از حقوقدانان، تعهد ناشی از برات را یک نوع تبدیل تعهد دانسته‌اند. از نقطه نظر براتگیر، انتقال تعهد با تغییر بستانکار صورت می‌گیرد. او دارنده برات را بجای صادر کننده برات می‌پذیرد. از نقطه نظر دارنده برات، انتقال تعهد با تغییر بدهکار تحقق می‌یابد و براتگیر را به جای براتکش قبول می‌کند. در نتیجه در تبدیل تعهد، دو رابطه حقوقی پیشین جای خود را به یک رابطه حقوقی جدید می‌دهند. متأسفانه تئوری تبدیل تعهد به هیچ وجه توجهی به آثار ناشی از صدور برات ندارد. تعهد جدید از تعهد قدیم ناشی نمی‌شود و تعهد قدیم با ایجاد تعهد جدید زائل نمی‌گردد. کلیه تعهد کنندگان قدیم و جدید مسئولیت تضامنی دارند و این امر ناشی از این است که برات و احکام راجع به آن خارج از ساختمان حقوق مدنی است.

3- تئوری وکالت:

عده‌ای دیگر از علمای حقوق تجارت برای توجیه تعهدات ناشی از برات به تئوری وکالت تمسک جسته‌اند. تشابه بسیار

زیادی میان تعهدات ناشی از برات و وکالت وجود دارد.

موکل به وکیل خود دستور می‌دهد که مبلغی به شخص سوم پرداخت نماید. وکالت با قبول وکیل تحقق می‌یابد. این نظریه نیز نمی‌تواند با تعهدی که از برات منتج می‌گردد موافقت داشته باشد زیرا اولاً تعهدات براتکش و براتگیر بیش از تعهدات موکل و وکیل است و علاوه بر آن فقط در مقابل شخص معین تعهد ندارند، بلکه در مقابل هر کسی که برات را در دست داشته باشد متعهد محسوب می‌شوند و بالاخره نمی‌توان استدلال کرد که در موقع ظهرنویسی قرارداد وکالت تکرار می‌گردد.

4- تئوری تعهد یک جانبه:

به موجب این تئوری صادر کننده برات در قبال دارنده آن مستقیماً متعهد به پرداخت مبلغ برات در سررسید است و این فقط بعلت ظهور قصد و اراده است. به همین کیفیت بعداً هر یک از ظهرنویسان و ضامنین و براتگیر با امضاء برات مستقیماً و با تعهد یک طرفه مسئول پرداخت وجه برات خواهند بود. بدین ترتیب هر یک از امضاء کنندگان برات قبل از اینکه بستانکاری که به نفع او ووجه برات باید پرداخت شود، بدهکار شناخته می‌شوند.

5- تئوری عمل به ظاهر

طبق این نظریه که حقوقدانان ایتالیایی بانی آن هستند، وجود تعهد براتی و حقوق دارنده برات صرفاً ناشی از ظاهر برات است.

به نظر دکتر فخاری، اسناد تجاری واجد ارزش خاص خود هستند و مستقل از اراده کسانی که آنها بوجود آورده اند می‌باشد. برای احتراز از هر نوع تحقیق در مورد علت وجودی و منشاء ایجاد آن ضرورت عمل به ظاهر اقتضاء می‌کند که کلیه افرادی که آنها امضاء نموده اند مسئول پرداخت آن شناخته شوند و هر کسی نیز که آنها بطریق قانونی در اختیار دارد محق به دریافت وجه آن باشد. به همین سبب است که اصولاً بدهکار نمی‌تواند با استناد به علل بطلان یا زوال رابطه اصلی که بر مسایل آن متعهد شده است از ایفای تعهد خود سرباز زند.

- شرایط شکلی برات

- ماده 223 قانون تجارت در مورد شکل برات مقرر می‌کند که:

«برات علاوه بر مهر و امضاء برات دهنده باید دارای شرایط ذیل باشد:

1- قید کلمه برات در روی ورقه

۲- تاریخ تحریر (روز و ماه و سال)

۳- اسم شخصی که باید برات را تادیه کند

۴- تعیین مبلغ برات

۵- تاریخ تادیه وجه برات

۶- مکان تادیه وجه برات اعم از اینکه محل اقامت محل علیه باشد یا محل دیگر

۷- اسم شخصی که برات در وجه یا حواله کرد او پرداخته شود

۸- تصریح به اینکه نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم یا ... است. «

در گذشته، برات بر روی ورقه ساده کاغذ و با دست نوشته می‌شد و در حال حاضر، به صورت چاپی، توسط وزارت دارایی تنظیم و در اختیار افراد قرار داده می‌شود. کسانی که از این نمونه چاپی استفاده می‌کنند، فقط جاهای خالی ورقه برات را با دست یا با ماشین تحریر پر می‌کنند.

فرمهایی که به عنوان برات استفاده می‌شوند در برگیرنده نام برات نیز هستند این سنت که کلمه برات بر روی برگه قید می‌شود در اغلب قوانین دنیا پذیرفته شده است و منطقی می‌باشد چرا که این سند دارای ویژگیهایی است که با اسناد دیگر قابل قیاس نیست و با درج عنوان برات بر روی برگه، امضاء کننده آن به روشنی در خواهد یافت که با چه نوع سندی سر و کار دارد. پس باید کلمه «برات» صراحتاً در ورقه قید گردد تا کسی که آن را امضاء می‌کند به اهمیت امضای خود واقف باشد. عدم قید کلمه برات بر روی برگه باعث بی اعتباری آن نیست.

در روی برگه برات باید تمبر مالیاتی نیز الصاق شود ولی عدم الصاق تمبر مالیاتی باعث بی اعتبار شدن برگه برات نیست بلکه جرم مالیاتی است. «دکتر اسکینی حقوق تجارت، اسناد تجاری»

در روی برگه برات باید تاریخ تحریر برات نیز قید شود و گرنه برات معتبر نخواهد بود این تاریخ تحریر بنا به حکم ماده 225 قانون تجارت باید با تمام حروف نوشته شود ولی نوشتن تاریخ تحریر با عدد باعث بی اعتباری سند نخواهد شد. تعیین تاریخ تحریر متضمن دو فایده عمده است: اول آنکه مشخص می‌کند که صادر کننده سند در حین صدور آن اهلیت انجام دادن معامله را داشته است یا خیر. و همچنین در مورد ورشکستگی معین می‌کند که صادر کننده برات حین صدور می‌توانسته برات صادر کند یا نه، یعنی حکم ورشکستگی او صادر شده بوده است یا خیر؟

دوم اینکه تعیین می‌کند که دارنده برات، برای استفاده از مزایای آن، مهلتهای مندرج در قانون تجارت را برای ارائه برات رعایت کرده است یا نه.

با این تفاسیر در می‌یابیم که تاریخ تحریر باید در برگه برات قید شود و عدم قید آن بر روی برگه برات باعث بی اعتباری آن است ولی اگر تاریخ تحریر به عدد نوشته شود باعث بی اعتباری سند نیست و اگر تاریخ یکی با حروف و دیگری به عدد نوشته شود تاریخ با حروف معتبر خواهد بود.

(ماده 225 قانون تجارت)

- از دیگر شرایط شکلی برات تعیین براتگیر است.

مکانیسم برات متضمن دخالت سه شخص است. براتکش یا صادر کننده برات کسی است که براتی را صادر می‌کند بر عهده محال علیه یا براتگیر و شخص سوم نیز دارنده برات است که در سررسید برات به براتگیر مراجعه می‌کند. بنابراین

حتماً باید براتگیر معین باشد تا دارنده سند بداند که در سررسید برات، وجه را از چه کسی باید مطالبه کند. عدم تعیین براتگیر موجب بی اعتباری سند است. قید نام براتگیر، باید توسط صادر کننده انجام گیرد بنابراین اضافه کردن نام براتگیر توسط خود براتگیر، صحت برات را در زمان صدور تسجیل نمی کند و در صورتی که معلوم شود برات، حین صدور، فاقد نام براتگیر بوده است مشمول مقررات برات نخواهد بود.

سوآلی که مطرح می شود این است که آیا صادر کننده می تواند بر روی خود برات صادر کند؟ به عبارت دیگر آیا عنوان صادر کننده برات و براتگیر می تواند یک شخص باشد؟

به نظر دکتر اسکینی در قانون ایران چنین تصریحی وجود ندارد ولی چنین سندی را باید سفته تلقی کرد تنها تفاوت میان سفته و چنین سندی، شکل ظاهری آنها است اما در صورتی که صادر کننده برات شخص حقوقی باشد در یک صورت، فرض فوق امکانپذیر است و آن صورتی است که شخص حقوقی شعبات مختلف داشته باشد و مؤسسه اصلی (مؤسسه مادر) براتی را روی شعبه خود در محل دیگری صادر کند.

سوآلی که مطرح می شود این است که آیا باید لزوماً برات بر عهده یک براتگیر صادر شود یا امکان صدور برات بر عهده چند براتگیر وجود دارد؟

دکتر اسکینی به این سوال این چنین پاسخ می دهد که در حقوق ایران چنین امری ممنوع نشده است و امکان صدور برات بر عهده چند براتگیر وجود دارد.

- از دیگر شرایط شکلی برات تعیین مبلغ برات است.

در برات مبلغی که براتگیر به دارنده برات باید بپردازد باید قید گردد. مبلغ برات باید به حروف نوشته شود ولی عدم قید مبلغ برات به تمام حروف، موجب خروج برات از شمول مقررات برواتی نمی شود. اگر مبلغ برات دوباره به حروف نوشته شود و به حکم ماده 225 قانون تجارت مبلغ کمتر است و اگر یک مبلغ به حروف و دیگری به عدد نوشته شود مبلغی که با حروف نوشته شده است معتبر خواهد بود.

- یکی دیگر از شرایط شکلی برات تاریخ تادیه وجه برات است.

به موجب برات، دارنده برات در تاریخ معین یا در وعده معینی به براتگیر مراجعه می کند و از وی مبلغ برات را مطالبه می کند. بنابراین در برات باید تاریخی که دارنده برات می تواند به براتگیر رجوع کند را باید ذکر کرد. تاریخ تادیه یا سررسید برات ممکن است به چهار صورت معین شود:

۱- با قید یک روز معین در برات، مانند دهم اردیبهشت 1385

2- با قید مدت معینی از تاریخ صدور، مانند اینکه نوشته شود: ظرف سه ماه از این تاریخ (یعنی تاریخ صدور)

۳- با قید مدت معین از تاریخ رؤیت، مثل اینکه نوشته شود، ظرف سه ماه از تاریخ رؤیت. در چنین حالتی آغاز حق مطالبه، سه ماه از تاریخ ارائه و آغاز مهلت بر حسب مورد از تاریخ قبولی یا اعتراض نکول خواهد بود.

۴- با قید اینکه پرداخت برات به رؤیت خواهد بود. یعنی به محض ارائه، برات پرداخت شود. قانونگذار برای ارائه چنین براتی، حداکثر یکسال از تاریخ صدور به دارنده مهلت داده است و الا او حق مراجعه به ظهرونیستها و نیز به برات دهنده‌ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت. (ماده 274 قانون تجارت)

- از دیگر شرایط شکلی برات مکن تادیه وجه برات است.

برات در اصل بعنوان وسیله‌ای جهت پرداخت در غیر محل صدور مورد استفاده قرار می‌گرفته است ولی امروزه مکان تادیه برات ممکن است در همان محل صادر کننده باشد.

برای تادیه برات ممکن است مکانی غیر از اقامتگاه برات گیر تعیین شود. به همین سبب است که بند 6 از ماده 223 ق.ت. تصریح دارد که مکان تادیه وجه برات اعم از این است که محل اقامت محال علیه باشد یا محل دیگر. دلیل وضع چنین قاعده این است که در پاره‌ای از موارد برای براتگیر امکان پرداخت در محل اقامت وی وجود ندارد. در این صورت دارنده برات پس از آنکه سند را به براتگیر ارائه نمود و قبولی او را گرفت به محل معین در برات مراجعه و وجه آن را دریافت می‌دارد.

تعیین محل پرداخت وجه برات باید بنحوی باشد که دارنده سند بتواند به سهولت به آن مراجعه نماید، در غیر اینصورت صادر کننده برات به تکلیف قانونی خود در تعیین مکان تادیه عمل ننموده است.

عدم تعیین محل تادیه مبلغ برات به حکم ماده 226 باعث خروج سند مذکور از مقررات راجعه به بروات تجاری خواهد بود.

- از دیگر شرایط شکلی برات تعیین دارنده برات است.

برات باید در وجه یا حواله کرد شخص معین صادر گردد و به همین علت صدور برات در وجه حامل صحیح نخواهد بود ولی ظهرونیسی برات بصورت حامل امکانپذیر است.

ماده 224 قانون تجارت مقرر می‌دارد: برات ممکن است به حواله کرد شخص دیگر باشد یا به حواله کرد خود برات دهنده این اختیار که قانون به برات دهنده داده که خود بتواند استفاده کننده از برات باشد متضمن این فایده است که هرگاه نخواهد برات را فوراً به جریان بیندازد، آن را به بانک طرف حساب خود می‌سپارد تا اقدامات مربوط به گرفتن قبولی و دریافت آن را در سررسید انجام داده و یا اینکه بلافاصله پس از قبولی آن را به جریان بگذارد. بدین ترتیب صادر کننده برات با تحصیل قبولی براتگیر سندی کاملاً آماده را در اختیار دارد و می‌تواند در معاملات خود آن را به سهولت واگذار نماید.

لزوم قید نام دارنده برات، امکان صدور برات در وجه حامل را منتفی می‌سازد.

یکی دیگر از شرایط شکلی برات تصریح به این است که نسخه اول یا دوم یا سوم یا چهارم الخ است.

معمولاً برات در چند نسخه صادر می‌شود ولی تعدد نسخ الزامی نیست. فایده متعدد بودن نسخ این است که اگر یک نسخه از آن گم شود، دارنده برات می‌تواند نسخه دیگر را برای گرفتن قبولی و وصول وجه آن به براتگیر ارائه نماید. کلیه

نسخ مربوط به یک تعهد واحد است و باید متن آنها کاملاً یکنواخت باشد و روی هر کدام قید گردد که نسخه اول یا دوم الخ است. سئوالی که مطرح می‌شود این است که در صورت تعدد نسخ و عدم تعیین شماره، هر یک از نسخ، برات علیحده محسوب می‌شود یا این که کلیه نسخ را باید در حکم سند واحد تلقی کرد؟ بنظر می‌رسد که با توجه به این که قانونگذار براتکش را ملزم نمی‌کند که برات را در نسخ متعدد صادر کند صدور برات در نسخ متعدد بدون ذکر شماره هر یک از آنها بمنزله این است که هر کدام سند علیحده است.

قبولی برات روی هر کدام از نسخه‌ها که نوشته شود معتبر است ولی اگر براتگیر چند نسخه از برات را قبولی نوشته باشد، در موقع پرداخت باید کلیه آنها را مطالبه کند و الا در مقابل هر یک از نسخ که قبولی نوشته باشد مسئول شناخته می‌شود.

تمامی این شرایطی که در بالا توضیح آنها گذشت؛ شرایطی بودند که برای تمامی آنها به جز شرط قید کلمه برات در روی برگه برات ضمانت اجرای عدم اعتبار برات در نظر گرفته شده بود.

ولی در صدر ماده 223 قانون تجارت آمده است که برات علاوه بر امضاء یا مهر برات دهنده باید شرایط دیگری نیز داشته باشد.

* سئوالی که مطرح می‌شود این است که ضمانت اجرای عدم وجود مهر یا امضاء برات دهنده بر روی برگه برات چیست؟ در پاسخ به این سوال باید گفت که مهر یا امضاء برات دهنده بیانگر قصد و اراده صادر کننده برات است و بدون مهر یا امضاء راه دیگری برای فهم و دریافت قصد و اراده برات دهنده وجود ندارد بنابراین هر سندی که بدون امضاء یا مهر برات دهنده صادر شده باشد اعتبار ندارد و عنوان سند بر آن اطلاق نمی‌شود چرا که امکان انتساب این سند به صادر کننده وجود ندارد. سندی که بدون مهر یا امضاء برات دهنده باشد نه تنها مشمول مقررات برواتی نمی‌شود بلکه از نظر مدنی نیز قابل استناد نیست.

- شرایط ماهوی برات

صدور برات، بمانند هر عمل حقوقی دیگر در صورتی معتبر است که صادر کننده آن دارای اهلیت باشد و نسبت به صدور آن رضایت داشته باشد.

از شرایط ماهوی برات می‌توان به رضایت و اهلیت صادر کننده برات اشاره کرد.

- رضایت

بنابر ماده 223 قانون تجارت امضاء یا مهر برات دهنده برای صحت برات ضروری است. امضاء یا مهر برات در واقع بیان کننده رضایت صادر کننده برات است.

در حقوق ایران، امضای صادر کننده یا ظهرنویس در صورتی معتبر است که با دست صورت گرفته باشد.

پیش از آنکه برات توسط صادر کننده امضاء یا مهر شود، هیچ گونه اعتباری ندارد هر چند مندرجات آن را خود صادر

کننده نوشته باشد. در صورتی که امضاء صادر کننده جعل شده باشد نیز برات اعتبار ندارد بنابراین صادر کننده‌ای که امضایش جعل شده است در مقابل هر دارنده‌ای می‌تواند به جعلی بودن امضاء ایراد کند و از مسئولیت مبرا شود. با توجه به اصل استقلال امضائات مندرج در برات، وضعیت امضای صادر کننده در تعهدات افراد دیگری که برات را امضاء می‌کنند، موثر نیست و ظهرنویسان و براتگیری که برات را قبول کرده است، در مقابل دارنده برات مسئول هستند. مطابق ماده 227 قانون تجارت: «برات ممکن است به دستور و حساب شخص دیگری صادر شود.»

شخصی که دستور صدور برات را می‌دهد آمر نامیده می‌شود و می‌تواند شخص حقیقی یا حقوقی باشد. قید سمت وکالت در برات الزامی نیست مع ذلک، دارنده‌ای که برات را بدون اطلاع از سمت صادر کننده دریافت کرده است حق دارد بر اساس ظاهر برات، وکیل را اصیل تلقی و برای پرداخت برات به او مراجعه کند.

- اهلیت

صدور برات یک عمل حقوقی محسوب می‌شود بنابراین تنها کسانی می‌توانند برات صادر کنند که اهلیت داشته باشند و بهمین طریق ظهرنویس و ضامن نیز باید دارای اهلیت باشند. هر گاه صادر کننده برات فاقد اهلیت باشد تعهد او باطل است اما تعهد سایر مسئولان برات به قوت خود باقی خواهد بود. این امر، ناشی از «اصل استقلال امضائات» است.

- محل برات

در قانون تجارت ما به محل برات اشاره‌ای نشده است اما اگر بخواهیم از نظر حقوقی تعریفی از محل ارائه دهیم باید گفت «محل برات عبارت است از طلب یا اعتباری که برات دهنده هنگام سر رسید نزد برات گیر دارا می‌باشد.» در بیشتر موارد محل برات، طلب برات دهنده را بیان می‌کند. گاهی محل برات اعتباری است که برات دهنده هنگام سر رسید نزد برات گیر دارا می‌باشد. گاهی بانکها به مشتریان خویش حساب خود اعتبار اعطا می‌کنند. یکی از راههایی که بانکها می‌توانند سپرده‌های کوتاه مدت را خرج کنند همین اعطای اعتبار است. بانک اعتبار را می‌دهد دیگر توجهی به این مسئله ندارد که چگونه فرد آن را مصرف می‌کند.

محل برات الزاماً نیاز نیست که به هنگام صدور برات موجود باشد کافی است که محل برات هنگام سر رسید موجود باشد. بر اساس تئوری محل برات که در حقوق فرانسه وجود دارد به محض صدور برات مالکیت محل برات به دارنده منتقل می‌شود (صرف صدور برات بدون هیچ تشریفات اضافی) ثمره این تئوری زمانی مشخص می‌شود که بین زمان صدور و زمان سر رسید، برات دهنده ورشکسته شود اگر برات دهنده ورشکسته شود امور به دست مدیر تصفیه می‌افتد که این مدیر تصفیه کلیه دارایی تاجر را جمع آوری می‌کند و دارایی و بدهی وی را مشخص می‌کند و به نسبت مساوی بین طلبکاران تقسیم می‌کند. دارنده برات هم یکی از طلبکاران برات دهنده ورشکسته است اما وضعیت وی استثنایی است چرا که محل برات صادر شده در اثر صدور برات و به محض صدور به دارنده انتقال یافته است و برات دهنده حقی بر آن

ندارد بلکه این محل متعلق به برات دهنده است. این تئوری در حقوق فرانسه وجود دارد ولی در حقوق ما رگه‌هایی از این تئوری وجود دارد ولی بطور کامل این تئوری پذیرفته نشده است.

در اکثر موارد وقتی برات صادر می‌شود دارای محل است چون تجار خیلی به پرستیژ تجاری اعتقاد دارند و زمانی برات صادر می‌کنند که معادل مبلغ برات از برات گیر طلبکار باشند. ولی این امکان وجود دارد که برات بدون محل صادر شود و در سررسید مبلغ آن پرداخت شود. این نوع برات که فاقد محل است و صادر کننده‌اش قصد ندارد، حتی در سررسید، محل آن را نزد براتگیر تأمین کند برات سازشی نامیده می‌شود.

هنگامی که صادر کننده نیاز به اعتبار دارد تا بتواند ثمن معامله‌ای را در ظرف موعده معینی بپردازد، براتی صادر می‌کند و براتگیر نیز موافقت می‌کند که آن را قبول کند.

صادر کننده برات در قبال کالا یا خدمتی که از شخصی دریافت کرده است، برات مزبور را به این شخص تسلیم می‌کند، اما قبل از سررسید برات، وجه آن را به دارنده پرداخت می‌کند و برات را از گردش خارج می‌سازد. بدین ترتیب، برات سازشی زمانی مفید است که شخص نیازمند به پول نتواند به وسایل دیگری وجوه مورد نیازش را به دست آورد. در اینصورت، صدور برات سازشی به او امکان می‌دهد ظرف مهلتی که برای پرداخت برات مقرر شده است، وجه لازم را به دست آورد.

- قبول و نکول برات

وقتی براتی صادر می‌شود یکی از شرایط اساسی آن قید نام برات گیر است چرا که دارنده برات باید بتواند در سررسید به شخص مراجعه کند و وجه سند را از وی مطالبه کند.

ولی برات گیری که اسمش در برات نوشته شده در صورتی در قبال دارنده برات متعهد شناخته می‌شود که این برات را قبول کرده باشد. اصطلاح متضاد و متقابل «قبول»، «نکول» می‌باشد.

- قبول برات

قبول برات عبارت است از تعهد براتگیر به اینکه وجه برات را در سر وعده بپردازد.

همانطور که صدور برات نیاز به قصد و اراده برات دهنده دارد که با مهر یا امضاء وی محقق می‌شود قبول برات نیز باید با صدور قصد براتگیر بوسیله مهر یا امضاء سند محقق گردد. به همین منظور دارنده برات مکلف است در سررسید آن، سند را برای اخذ قبولی به براتگیر ارائه کند.

قانونگذار برای صحت قبولی برات شرایطی را مقرر کرده است که رعایت آنها الزامی است.

- ارائه برات برای قبولی

برات باید برای اخذ قبولی به براتگیر ارائه گردد چرا که نه تنها بدین طریق هست که می‌توان فهمید که آیا براتگیر حاضر به قبول برات هست یا خیر.

برات وقتی از سوی برات دهنده صادر می‌شود تا زمانی که برای قبولی به براتگیر ارائه می‌شود ممکن است به اشخاص مختلف منتقل شود و اشخاصی آن را ظهرنویسی کنند یا کسی پرداخت آن را ضمانت کند. طبق مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان برات (ظهرنویس و ضامن) هر شخصی که برات را امضاء کرده باشد متعهد به پرداخت آن در سر وعده می‌باشد حتی اگر امضای آنها قبل از آنکه برات به قبولی براتگیر برسد در برات قید شده باشد. با این وجود قبول برات توسط براتگیر به دارنده برات این اطمینان را می‌دهد که برات در سر وعده پرداخت خواهد شد زیرا به محض امضاء یا مهر برات توسط براتگیر فرض بر این است که او محل برات را دریافت کرده است و نمی‌تواند به عدم وجود محل در نزدش استناد کند و در هر صورت پس از قبولی، وی باید وجه برات را بپردازد چرا که بدهکار اصلی برات شناخته می‌شود.

ارائه برات در محلی که در برات برای ارائه آن در نظر گرفته شده یا در محل اقامت براتگیر به عمل می‌آید. برات باید توسط دارنده برات یا نماینده وی برای قبولی ارائه شود و باید به محض ارائه یا منتهی ظرف 24 ساعت قبول یا نکول شود. (ماده 235 قانون تجارت)

براتگیر نمی‌تواند از دارنده تقاضا کند که برای نوشتن قبولی برات، عین برات نزد او باقی بماند چرا که ممکن است وی آن را با سوء نیت نگه دارد یا آن را از بین ببرد.

قانون تجارت ایران این اختیار را به دارنده برات داده است که برات را به قبولی براتگیر برساند یا نرساند. زمان قبولی برات نیز تا سررسید برات است. اما ممکن است که استثنائاتی باشد مثل:

۱- صادر کننده برات در متن برات قید کند که دارنده برات بعد از مدت معینی می‌تواند سند را برای قبولی به براتگیر ارائه کند. که در این صورت دارنده برات باید از این دستور اطاعت کند و اگر در مدت ممنوعه برات را برای قبولی ارائه کند براتگیر می‌تواند از قبول آن خودداری نماید.

۲- اگر برات به روئت باشد نیازی به ارائه برات برای قبولی نیست چرا که در این مورد برات به محض ارائه باید پرداخت گردد.

۳- ممکن است در برات قید گردد که «قبولی اجباری است» و بدین ترتیب اصل آزادی دارنده برات در ارائه برات برای قبولی محدود شود.

معمولاً زمانی صادر کننده برات قید «قبولی اجباری است» را در سند ذکر می‌کند که می‌خواهد تعهد براتگیر به پرداخت برات در سررسید مسجل شود.

۴- ممکن است صادر کننده برات در متن برات قید کند که «قبولی ممنوع است».

منظور صادر کننده برات از این قید آن می‌باشد که برات فقط برای پرداخت ارائه شود چنین براتی زمانی صادر می‌شود که برات کش هنوز محل برات را به براتگیر نرسانده است و یا مطمئن نیست که براتگیر برات را قبول کند.

۵- برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت، اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارج؛ دارنده برات باید قبولی آن را در ظرف یکسال از تاریخ برات مطالبه کند و الا حق رجوع به ظهنویسها و نیز به برات دهنده‌ای که وجه برات را به محل علیه رسانیده است نخواهد داشت. (ماده 274 قانون تجارت)

اگر در برات به وعده از رؤیت برای تقاضای قبولی مدت بیشتر یا کمتری مقرر شده باشد، دارنده برات باید در همان مدت، قبولی برات را تقاضا کند و الا حق رجوع به ظهنویسها و برات دهنده‌ای که وجه برات را به محل علیه رسانیده است نخواهد داشت. (ماده 275 قانون تجارت)

- شکل قبولی ویژگیهای آن:

در حقوق ایران براتگیر هیچ الزامی را به قبول برات ندارد. براتگیر حتی در فرض مدیون بودن به برات کش (صادر کننده برات) الزامی به قبول برات نخواهد داشت چرا که قبول برات توسط براتگیر، وضع او را از حالتی که قبل از قبول برات در مقابل صادر کننده برات داشته است بدتر می‌کند چرا که برات سندی است که مسئولیت امضاء کنندگان آن تضامنی است و براتگیر با قبول برات در واقع قبول می‌کند که بدهی‌اش با وسیله‌ای پرداخت شود که به سهولت دست به دست می‌شود. اما اگر براتگیر بخواهد برات را قبول کند باید دو شرط را رعایت کند: ۱- کتبی بودن قبول ۲- انعکاس قبولی در خود برات

از لحاظ ماهیتی اگر بخواهیم به قبول برات بنگریم باید گفت که قبولی ماهیتاً اقرار محسوب می‌شود (اقرار به مدیون بودن) چرا که برات گیر ی که برات را قبول می‌کند مدیون است. اما این اقرار باید به صورت کتبی باشد چرا که اسناد تجاری اسنادی هستند که حق داخل سند است یعنی اگر سند از بین برود حق هم از بین می‌رود.

اولین سوالی که به وجود می‌آید این است که آیا باید قبولی در خود برات به عمل آید یا در روی برگه دیگری نیز می‌تواند صورت بگیرد؟

ماده 228 قانون تجارت به این سوال اینگونه پاسخ می‌دهد. « قبولی برات در خود برات با قید تاریخ نوشته شده امضاء یا مهر می‌شود. » پس قبولی در خارج از ورقه برات قبولی محسوب نمی‌شود و برای قبول کننده تعهد برواتی ایجاد نمی‌کند. چنین تعهدی، تعهد مدنی است.

بنابراین قبولی باید در خود سند درج شود چرا که اسناد تجاری اسنادی هستند که حق داخل سند است.

سوال دیگری که می‌توان مطرح کرد این است که آیا قبولی الزاماً باید در روی ورقه برات قید شود یا قید قبولی در پشت ورقه برات نیز ممکن است؟ قانون تجارت ما در این زمینه صراحت ندارد اما با توجه به اینکه در ورقه‌های چاپی برات، محل قبولی در روی برات گنجانده شده است قبولی برات نیز بر روی برگه به عمل می‌آید ولی اگر براتگیر بخواهد قبولی را در پشت ورقه قید کند باید عبارتی را که صراحت در قبولی آن داشته باشد قید کند چرا که ممکن است آن را ظهنویسی محسوب کنند.

پس مشخص شد که اولاً قبولی برات توسط براتگیر و در خود برات باید به عمل آید. در ثانی قبولی برات یا در روی برگه و در جای مخصوص قبولی باید قید شود یا در پشت برگه به همراه عبارتی که ظهور در قبولی داشته باشد تا امکان و احتمال ظهنویسی نداشته باشد قید گردد. یکی دیگر از شرایط قبولی قید تاریخ قبولی در برات است. قانونگذار در ماده 228 قانون تجارت مقرر داشته است که «در صورتی که برات به وعده از رؤیت باشد تاریخ قبولی با تمام حروف نوشته خواهد شد.» براتگیر باید در کنار عبارت قبولی خود، تاریخ قبولی را نیز باید ذکر کند و اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شود تاریخ برات تاریخ رؤیت (تاریخ قبولی) محسوب خواهد شد. براتگیر هر عبارتی که بر روی برات بنویسد قبولی محسوب می‌شود مگر اینکه صریحاً عبارت مشعر بر عدم قبولی باشد. (ماده 229 قانون تجارت)

براتگیر ممکن است فقط برات را امضاء کند و هیچ عبارتی مشعر بر قبولی یا عدم قبولی در آن ذکر نکند که در اینصورت برات قبول شده محسوب می‌شود. (ماده 229 قانون تجارت) در قانون تجارت ایران اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شده باشد برات نکول شده محسوب می‌شود ولی قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته است مسئول پرداخت وجه برات است. (ماده 233 قانون تجارت) اگر عبارتی که براتگیر بر روی برات می‌نویسد فقط مشعر بر عدم قبول یک جزء از برات باشد بقیه وجه برات قبول شده محسوب است. (ماده 229 قانون تجارت)

سوالی که می‌توان مطرح کرد این است که آیا براتگیر، پس از قبول برات، حق عدول از قبولی را دارد یا خیر؟ ماده 231 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «قبول کننده حق نکول ندارد.» بنابراین چه قبل از تسلیم برات و چه بعد از آن، براتگیری که برات را امضاء کرده است نمی‌تواند از امضای خود عدول کند به همین دلیل، حتی خط زدن قبولی بعد از قبول برات توسط براتگیر قبولی برات و تعهد براتگیر را مخدوش نمی‌کند.

- آثار قبولی برات

همانطوری که قبلاً ذکر شد در برات سه شخص باید وجود داشته باشند. شخص اول که صادر کننده برات است براتی را صادر می‌کند به نفع شخصی که دارنده برات شناخته می‌شود و بر عهده شخصی که براتگیر نامیده می‌شود. دارنده برات، برات را برای اخذ قبولی به براتگیر ارائه می‌کند که براتگیر مخیر است که آن را قبول کند یا قبول نکند. با قبول برات توسط براتگیر وی به عنوان بدهکار اصلی برات شناخته می‌شود و در مقابل دارنده برات مسئول خواهد بود. البته با قبول برات توسط براتگیر سایر اشخاص مثل برات دهنده و ظهنویسها و ضامن از مسئولیت بری نمی‌شوند چرا که مطابق ماده 249 قانون تجارت «برات دهنده کسی که برات را قبول می‌کند و ظهنویسها در مقابل دارنده مسئولیت تضامنی دارند.»

براتگیر با قبول برات نمی‌تواند در سر وعده و در صورت رجوع دارنده به وی به عدم وجود محل در نزد وی و عدم مدیونیت خود به صادر کننده برات استناد کند چرا که اصل استقلال تعهد براتی از تعهد اصلی حکم می‌کند که براتگیر، با عدم وجود محل نیز در مقابل دارنده برات مسئول تلقی شود.

براتگیر با قبول برات در واقع به نوعی مدیونیت خود در مقابل صادر کننده برات را اعلام می‌کند ولی براتگیر در مقابل صادر کننده برات می‌تواند عدم وجود محل در نزد خود را اثبات کند چرا که ماده 249 قانون تجارت مسئولیت تضامنی مسئولان برات را در مقابل دارنده برات مطرح می‌کند.

- نکول برات

نکول اصطلاح مقابل قبول است اگر براتگیر با برات موافق نباشد (با هر قسمتی از برات) حق دارد که برات را نکول کند. به موجب ماده 235 قانون تجارت «برات باید به محض ارائه یا منتهی در ظرف 24 ساعت از تاریخ ارائه، قبول یا نکول شود.» برات در سه صورت نکول شده محسوب می‌شود.

۱- در صورتی که براتگیر از قبول یا نکول برات امتناع کند

۲- در صورتی که صراحتاً برات را نکول کند.

۳- در صورتی که برات را بطور مشروط قبول کند.

در این سه فرض برات نکول شده محسوب می‌شود و بدین معنی است که براتگیر در سررسید برات وجه را نمی‌پردازد چرا که وی پیشاپیش اراده خود را اعلام کرده است.

با نکول برات توسط براتگیر دارنده برات دچار نگرانی می‌شود چرا که دارنده برات ممکن است با توجه به اعتباری که برای براتگیر قایل بوده صدور برات توسط صادر کننده را قبول کرده است.

دارنده برات وقتی که با نکول برات مواجه می‌شود باید تصدیق نامه‌ای را که به پروتست یا اعتراض مرسوم است را تنظیم کند و بدین ترتیب نکول برات توسط براتگیر را به ظهرنویسها و برات دهنده و سایر مسئولان برات اطلاع دهد. (ماده 236 قانون تجارت)

قانونگذار برای رفع نگرانی دارنده برات در ماده 237 قانون تجارت به وی حق می‌دهد که به برات دهنده مراجعه کند و در صورت وجود ظهرنویس به ظهرنویسها مراجعه کند و از آنها ضامن بخواهد. در صورتی که این اشخاص (برات دهنده و ظهرنویسها) ضامن ندهند دین موجب به دین حال تبدیل شده و ظهرنویسها و برات دهنده باید فوراً وجه برات را بپردازند. (ماده 247 قانون تجارت)

ضامنی که اشخاص مذکور در ماده 237 قانون تجارت باید معرفی کنند باید مورد قبول دارنده برات باشند چرا که ضمانت عقد است و عقد دو طرف دارد و باید ضامن و مضمون له موافق باشند. پس دارنده برات باید موافق باشد و هر کسی را که به عنوان ضامن معرفی می‌شود باید او هم موافق باشد. مسلماً دخالت ضامن باید برای مضمون له (دارنده

برات) باعث آرامش خاطر وی بوده و از وی رفع نگرانی کند به همین دلیل دارنده برات می‌تواند کسی را که برات دهنده یا ظهرنویسها به عنوان ضامن معرفی می‌کنند را نپذیرد.

در نتیجه دریافتیم که با نکول برات توسط براتگیر وی در رابطه با این سند مسئول نخواهد بود و هیچ تعهدی به پرداخت وجه سند نخواهد داشت.

با نکول برات توسط براتگیر و اعتراض نکول پرداخت وجه برات حال نمی‌شود و تاریخ پرداخت برات فرق نمی‌کند بلکه مطابق ماده 237 قانون تجارت پس از نکول برات توسط براتگیر و اعتراض نکول، دارنده برات می‌تواند از برات دهنده و سایر مسئولان برات ضامن بخواهد و آنها باید برای تادیه وجه برات در سر وعده ضامن معرفی کنند و گرنه دین موجب به دین حال تبدیل شده و باید فوراً وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض نامه تادیه نمایند.

دارنده برات زمانی می‌تواند به برات دهنده و ظهرنویسها مراجعه کند و از آنها برای پرداخت وجه برات در سر وعده ضامن مطالبه کند که قبلاً نسبت به نکول برات اعتراض به عمل آورده باشد.

- قبولی شخص ثالث

یکی از شرایط اساسی برات این است که نام شخص که باید وجه برات را بپردازد در سند قید شود. شخصی که باید وجه برات را بپردازد براتگیر نامیده می‌شود. و وی هیچ تکلیفی و الزامی به قبول برات ندارد حتی اگر بنا به تعهد و رابطه اصلی مدیون به صادر کننده برات باشد چرا که تعهد ناشی از اسناد تجاری سنگین است و اشخاص می‌توانند به هر عنوان زیر بار تعهد براتی نروند. در نتیجه باید این حق را برای براتگیر در نظر گرفت که وی مخیر به قبول یا نکول برات باشد و اگر وی برات را قبول کند باید در سر وعده آن را بپردازد و اگر برات را نکول کند دیگر هیچ مسئولیتی نخواهد داشت. با نکول برات توسط براتگیر به حیثیت تجاری صادر کننده و ظهرنویسان لطمه وارد می‌آید و از طرف دیگر برای دارنده برات نیز نگرانی ایجاد می‌شود. نگرانی از عدم پرداخت برات. قانونگذار برای برطرف کردن این نگرانی تأسیس یا نهاد خاصی به نام قبولی شخص ثالث را بوجود آورده است.

منظور از قبولی شخص ثالث این است که شخص حاضر می‌شود و براتی را که براتگیر نکول کرده است را به عنوان شخص ثالث قبول می‌کند.

- در قانون تجارت ما دو ماده برای قبولی شخص ثالث در نظر گرفته شده است.

اصولاً دو نوع قبولی شخص ثالث می‌تواند مطرح شود یکی اینکه قبولی شخص ثالث در برات پیش بینی شده است. عبارت دیگر ممکن است صادر کننده در حین صدور برات عدم قبولی برات توسط براتگیر را پیش بینی می‌کرده است بنابراین شخص ثالثی را معین کرده که اگر برات گیر، برات را نکول کرد دارنده برات بتواند به آن شخص ثالث مراجعه کند.

صورت دیگر قبولی شخص ثالث این است که خود برات دخالت شخص ثالث پیش بینی نشده است برات خودش در این مورد ساکت است ولی شخص ثالثی برای قبولی برات به میل و ابتکار خود وارد عمل می‌شود.

ماده 239 قانون تجارت مقرر می‌دارد: « هر گاه براتی نکول شد و اعتراض به عمل آمد شخص ثالثی می‌تواند آن را به نام برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها قبول کند، قبولی شخص ثالث باید در اعتراض نامه قید شده و به امضاء او برسد. »

وقتی در برات دخالت شخص ثالثی پیش بینی می‌شود در صورت نکول برات توسط براتگیر دارنده برات مکلف است که این سند را به شخصی که در برات معرفی شده برای قبولی ارائه کند که وی نیز می‌تواند یا برات را قبول کند یا نکول کند. ولی اگر دخالت شخص ثالث در متن سند پیش بینی نشده باشد و شخص ثالثی اعلام آمادگی کند برای قبول برات به نفع صادر کننده یا یکی از ظهرنویسها، دارنده برات می‌تواند این شخص را قبول نکند.

از سوی دیگر شخص ثالثی که برای قبول برات اعلام آمادگی می‌کند باید مشخص کند که به نفع چه کسی برات را قبول کرده است و اگر مشخص نشود که شخص ثالث به نفع چه کسی برات را قبول کرده است چه باید کرد؟

در حقوق ایران به موجب ماده 240 قانون تجارت، حتی بعد از قبولی شخص ثالث نیز تا برات پرداخت نشده است کلیه حقوقی که برای دارنده برات از نکول آن در مقابل برات دهنده و ظهرنویسها حاصل می‌شود محفوظ خواهد بود.

قانونگذار ما با وضع این ماده، در واقع کل فایده قبولی شخص ثالث را از میان برداشته است. اگر قبولی شخص ثالث تأثیری در حق مراجعه دارنده برات ندارد، قبولی برات چه تغییری در وضع برات دهنده یا ظهرنویسی ایجاد می‌کند که شخص ثالث به حساب او برات را قبول می‌کند؟ به نظر دکتر اسکینی، باید ماده 240 قانون تجارت به نحوی تفسیر شود که به موجب آن منظور قانونگذار از حقوق ناشی از نکول، حقوق دارنده بر علیه کسانی از مسئولان انگاشته شود که شخص ثالث به نفع آنها دخالت نکرده است، والا کسی که دخالت به نفع او می‌شود نباید مورد تعرض قرار گیرد.

در واقع علت وضع قبولی شخص ثالث توسط قانونگذار این بوده است که دارنده نتواند علیه کسی که شخص ثالث به حساب او دخالت می‌کند اقدام فوری موضوع ماده 237 قانون تجارت (معرفی ضامن برای پرداخت وجه برات در سر وعده یا پرداخت فوری وجه برات و مخارج اعتراض) را به عمل آورد.

مسئولیت شخص ثالثی که برات را قبول می‌کند همانند مسئولیت شخصی است که ثالث به نفع او دخالت می‌کند، بعبارت دیگر، اگر شخص ثالث به نفع ظهرنویس دخالت کرده باشد، مسئولیت او در حد مسئولیت ظهرنویس است.

در قانون تجارت ما مشخص نشده است که اگر شخص ثالث به صراحت قید نکند که به نفع چه کسی برات را قبول می‌کند چه تصمیمی باید گرفت.

به نظر دکتر اسکینی چون در قانون تجارت ایران نص صریحی در این مورد وجود ندارد، قاضی باید با توجه به اوضاع و احوال هر پرونده تعیین کند که کدامیک از مسئولان برات، مورد نظر شخص ثالث بوده است. البته باید اذعان کرد که در این فرض دخالت به سود صادر کننده محسوب می‌شود و این امر به نفع دارنده است زیرا مهلتی که او برای مراجعه به صادر کننده دارد از مهلتی که قانونگذار برای تعقیب ظهرنویس مقرر کرده است طولانی‌تر است.

ظهر نویسی

ظهرنویسی مکانیسمی است برای انتقال اسناد تجاری و حقوق مترتب بر این اسناد با مکانیسم ظهرنویسی سند و کلیه حقوق مترتب بر آن منتقل می‌شود.

ظهرنویسی بدین منظور به این نام خوانده می‌شود که معمولاً برای انتقال سند پشت سند مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

کسی می‌تواند اقدام به انتقال سند کند که دارنده سند باشد و همین دارنده اراده خویش بر انتقال سند را در پشت سند به عمل آورده و آن را به دیگری منتقل می‌کند.

اسناد تجاری مکانیسم قبض و اقباض است یعنی دارنده سند کسی است که سند در دست وی است و اگر سند در دست شخص دیگری باشد بر اساس «قاعده ید» وی دارنده آن سند شناخته می‌شود.

مکانیسم ظهرنویسی، صورت دیگری از انتقال اسناد تجاری است و با امضاء در پشت سند محقق می‌شود چرا که به حکم ماده 247 «ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است» یعنی اگر در پشت یک سند یک امضایی وجود داشته باشد که اسم و تاریخ نداشته باشد در اینصورت این امضاء ظهرنویسی محسوب خواهد شد.

شخص دارنده ممکن است در هنگام ظهرنویسی اسم خودش و اسم کسی که برات به وی منتقل می‌شود را ذکر کند یا اینکه بدون اینکه اسم خودش را بنویسد سند را به دیگری منتقل کند.

برای ظهرنویسی دو شرط الزامی است:

۱- کتبی بودن

۲- انعکاس آن در ظهر (پشت) سند

- کتبی بودن ظهرنویسی

برای انتقال سند از طریق مکانیسم ظهرنویسی انتقال دهنده باید به نوعی قصد و اراده خود برای انتقال سند را نشان دهد این قصد انتقال باید بصورت کتبی باشد با این اقدام انتقال دهنده اراده خود مبنی بر انتقال سند و حقوق مترتبه بر آن را کتباً اعلام می‌کند.

- انعکاس ظهرنویسی در پشت سند

ظهرنویسی برای انتقال باید در پشت سند صورت بگیرد البته دکتر اسکینی معتقد هستند که ظهرنویسی یک عمل حقوقی است که بوسیله دارنده انجام می‌شود، چه روی برات باشد چه در ظهر آن، و این عمل حقوقی از سایر اعمال حقوقی دیگر که روی برات انجام می‌شود قابل تشخیص است.

سوالی که می‌توان مطرح کرد این است که هر گاه در ورقه برات به علت تعدد ظهرنویسی جایی برای ظهرنویسی جدید نباشد آیا می‌توان ظهرنویسی را روی ورقه جداگانه انجام داد؟ در فرانسه برای حل این مشکل از ورقه‌ای موسوم به

«الونژ» استفاده می‌کنند که این ورقه به ورقه برات ضمیمه می‌شود و اعتبار این ظهرنویسی مانند ظهرنویسی در خود ورقه برات است. در قانون تجارت ما به این مورد اشاره نشده است ولی به نظر اسکینی منطقی است چنین راه حلی در ایران نیز پذیرفته شود. چرا که قانون ما این امر را ممنوع نمی‌کند و در ثانی عدم پذیرش این راه حل باعث می‌شود که برات، در مرحله از حیات خود غیر قابل انتقال شود. بنابراین پس از پر شدن ظهر سند با ضمیمه کردن ورقه‌ای خود برات می‌توان ظهرنویسی را انجام داد. قانون تجارت در ماده 246 مقرر می‌دارد: «ممکن است در ظهرنویسی اسم کسی که برات به او انتقال داده می‌شود، قید گردد» وجود عبارت «ممکن است» در این ماده می‌رساند که برات را می‌توان به نام شخصی معین یا به صورت سفید امضاء و یا حامل ظهرنویسی کرد.

- ظهرنویسی به نام شخص معین:

ظهرنویسی ممکن است به نام شخص دارنده و یا به حواله کرد او باشد. بنابراین وقتی ظهرنویسی به صورت «لطفاً در وجه آقای..... پرداخت شود» نوشته شود ظهور در ظهرنویسی به نام شخص دارنده دارد و اگر ظهرنویسی بدین صورت باشد که پس از ذکر نام شخص، قید به حواله کرد نیز ذکر گردد ظهرنویسی به حواله کرد می‌باشد.

- ظهرنویسی سفید امضاء:

انتقال دهنده می‌تواند بدون ذکر نام منتقل الیه و به صرف امضاء کردن پشت برات، آن را منتقل کند. براتی که بدین طریق منتقل می‌شود به چند طریق از سوی شخص دارنده قابل انتقال است:

۱- دارنده می‌تواند در کنار امضای ظهرنویسی، نام خود یا نام شخص ثالثی را بنویسد و بدین ترتیب با این کار اعلام می‌کند که این سند توسط ظهرنویسی به شخص که اسمش در پشت سند قید شده است منتقل شده است. اگر دارنده برات در کنار اسم ظهرنویسی، اسم شخص ثالثی را قید کند، خود وی از جرگه مسئولان برات خارج می‌شود و نقشی در برات نخواهد داشت.

۲- دارنده برات می‌تواند برای ظهرنویسی سند، خود پشت آنرا امضاء کرده و به دیگری منتقل کند در این صورت خود وی در گردش برات نقش داشته و مسئولیت تضامنی خواهد داشت.

۳- دارنده برات می‌تواند بدون اینکه عبارت دیگری روی سند بنویسد یا بدون اینکه نام شخصی را در سند قید کند آن را با مکانیسم قبض و اقباض به دیگری منتقل کند.

- ظهرنویسی در وجه حامل

همانطور که قبلاً متذکر شدیم برات را نمی‌توان در وجه حامل صادر کرد اما مطابق ماده 246 قانون تجارت ظهرنویسی در وجه حامل اجازه داده شده است.

شرایطی در ظهرنویسی وجود دارد که بعنوان شرایط اختیاری تلقی می‌شود.

ظهر نام منتقل الیه از شرایط اختیاری در ظهرنویسی است اگر نام کسی که ظهرنویسی به نفع وی صورت می‌گیرد در

سند قید نشود لطمه‌ای به ظهرنویسی وارد نمی‌آورد.

قید تاریخ ظهرنویسی نیز از جمله شرایط اختیاری ظهرنویسی تلقی می‌شود که می‌توان ظهرنویسی را مقید به تاریخ کرد یا مقید به تاریخ نمود. اما اگر ظهرنویسی در ظهرنویسی تاریخ مقدمی را قید کند به حکم ماده 248 قانون تجارت مزور شناخته می‌شود.

با ظهرنویسی به اشخاص دیگر منتقل می‌شود و دارنده سند می‌تواند برای مطالبه وجه سند به همه امضاء کنندگان سند مراجعه کند بدون هیچگونه ترتیبی. مثلاً وقتی پنج تا ظهرنویسی داریم دارنده برات می‌تواند قسمتی از وجه برات را از یک نفر و قسمت دیگر را از دیگری مطالبه کند چرا که به حکم ماده 249 قانون تجارت مسئولان برات دارای مسئولیت تضامنی هستند و دارنده برات مخیر است هر کدام از این مسئولان به هر ترتیبی که مایلند رجوع کنند و وجه برات را از آنها مطالبه نمایند.

مطابق ماده 249 قانون تجارت دارنده برات می‌تواند این حق را فقط نسبت به ایادی سابق خود اعمال کند عبارتی دیگر دارنده برات می‌تواند به ظهرنویسان ماقبل خود و برات دهنده مراجعه کند.

به نظر می‌رسد که اگر ظهرنویسها متعدد باشند باید رشته ظهرنویسی مرتب باشد یعنی اینکه فقط تقدم و تأخر ظهرنویسی‌ها معلوم باشد چون هر ظهرنویس می‌تواند به ظهرنویس ماقبل خودش رجوع کند. ظهرنویسی فقط به منظور انتقال سند نیست بلکه ظهرنویسی به دو منظور دیگر نیز صورت می‌گیرد که عبارتند از ظهرنویسی به منظور وکالت و ظهرنویسی به منظور وثیقه.

- ظهرنویسی به منظور وکالت

ظهرنویسی به عنوان وکالت یا نمایندگی جهت وصول عبارت از طریقه‌ای که به موجب آن دارنده برات سند خود را به شخص ثالث تسلیم می‌نماید با وکالت در وصول وجه آن به حساب وی.

این نوع ظهرنویسی معرف این فایده است که به ظهرنویس همچنان صاحب حق باقی می‌ماند و نتیجتاً خواهد توانست در صورت ورشکستگی گیرنده برات سند خود را مطالبه کند. این طریقه زمانی معمولی می‌گردد که سررسید برات نزدیک است و دارنده آن راحت‌تر خواهد بود اگر وجه آنرا به وسیله وکیل دریافت دارد، در اکثر اوقات وکیل بانکی است که دارنده برات با وی حساب دارد.

ظهرنویسی به منظور وکالت امروزه بسیار متداول است و اغلب تجار با ظهرنویسی برات با نام بانکهایی که در آنها حساب جاری دارند دریافت وجه برات را به عهده بانکها محول می‌کند و بانکها با دریافت حق‌الزحمه‌ای وجه برات را وصول کرده و به حساب مشتری منظور می‌دارند.

به موجب ماده 247 قانون تجارت «ظهرنویسی حاکی از انتقال برات است مگر اینکه ظهرنویس وکالت در وصول را قید نموده باشد که در این صورت انتقال برات واقع نشده ولی دارنده برات حق وصول ولدی الاقتضاء حق اعتراض و اقامه

دعوی برای وصول خواهد داشت جز در مواردی که خلاف این در برات تصریح شده باشد. «

- ظهرنویسی به منظور وثیقه

برات می‌تواند به وسیله دارنده براتی که می‌خواهد اعتباری به دست آورد بدون آنکه مالکیت آنرا از دست بدهد به وسیله گذشته شود.

تجار برای انجام امور بازرگانی و تجاری خویش گاهی نیاز به کسب وام یا اعتبار دارند معمولاً بانکها اعتبار کافی برای پرداخت وام به تجار دارند. ولی بانکها برای وام دادن معمولاً از اشخاص وثیقه دریافت می‌کنند که این وثیقه هم اکثراً مال غیر منقول است که هزینه برات و تنظیم سند رسمی هزینه‌اش بالاست و وقت گیر می‌باشد. اما بازرگانان در انجام امور تجاری خود اکثراً تابع سرعت هستند و انجام تشریفات دست و پا گیر باعث کندی انجام امور تجاری می‌شود به همین دلیل برای اینکه بتوانیم از اعتبارات موجود در بانک استفاده کنیم و هم سرعت در روابط تجاری پایین نیاوریم بهتر است که در ظهرنویسی براتی امضایی قید شود عبارتی که مشعر بر وثیقه بودن آن است که این امر بدون هزینه و بدون اتلاف وقت صورت خواهد گرفت و نگهداری آن هم برای بانک بسیار سهل و آسان خواهد بود.

در قانون یکنواخت ژنو در ماده 19 به این نوع ظهرنویسی اشاره شده است ولی در قانون تجارت ما این امر پیش بینی نشده است.

- ضمانت

ماده 249 قانون تجارت اشخاصی را در برات به عنوان مسئول معرفی کرده است یعنی برای افرادی مسئولیت تضامنی قایل شده است که این عده عبارتند از برات دهنده (صادر کننده برات) و براتگیر و ظهرنویسان و شخص ثالث قبول کننده برات. این عده از مسئولان برات در صدر ماده 249 قانون تجارت با عنوان مسئولان با مسئولیت تضامنی معرفی شده اند و در انتهای ماده 249 قانون تجارت فرد یا افرادی را به عنوان ضامن یا ضامنین با مسئولیت تضامنی مطرح کرده است. عبارت اخیر ماده 249 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویس را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت کرده است»

این ماده اظهار می‌دارد که اشخاصی می‌توانند به عنوان ضامن در برات مداخله کنند. ضامن برات دهنده یا ضامن براتگیر یا ضامن ظهرنویس. ضامن فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت کرده است بدین معنی که باید برای مسئول شناختن ضامن به مسئولیت مضمون عنه توجه کرد باید احراز کرد که آیا مضمون عنه وی مسئول است یا نه. اگر مضمون عنه او مسئول است ضامن هم مسئول خواهد بود و اگر به هر دلیل مضمون عنه مسئولیتش ثابت گردد به ضامن مضمون عنه نیز نمی‌توان مراجعه کرد.

وقتی شخص به عنوان ضامن می‌خواهد در سند دخالت کند باید مشخص کند که به نفع چه کسی می‌خواهد ضمانت کند اما اگر ضامن سند را امضاء کند بدون آنکه مضمون عنه را تعیین کند در اینصورت مضمون عنه وی را چگونه باید

مشخص کرد.

در این مورد قانون تجارت ما ساکت است ولی می‌توان از ملاک مواد 272 و 273 قانون تجارت استفاده کرد و اشعار داشت که این شخصی از کسی ضمانت کرده که اشخاص زیادی را بری الزمه می‌کند. (ملاک ماده 273 قانون تجارت)

- در قانون تجارت ما در دو جا دخالت ضامن پیش بینی شده است.

یکی از این موارد (دخالت ضامن) موقعی است که برات توسط براتگیر نکول می‌شود یکی از این موارد (دخالت ضامن) موقعی است که برات توسط براتگیر نکول می‌شود و دارنده برات اعتراض (پروتست) نکول را به عمل می‌آورد و سپس به ظهرنویسها و برات دهنده مراجعه کرده و از آنها ضامن مطالبه می‌کند و اگر آنها از معرفی ضامن برای پرداخت وجه برات در سر وعده خودداری کنند باید وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض نامه به دارنده برات فوراً بپردازند. (دین موجل به دین حال تبدیل می‌شود.)

مورد دیگر دخالت ضامن در سند تجاری موقعی است که شخصی دو تا برات مختلف را قبول کرده و در سر وعده، وجه یکی از آنها را نمی‌پردازد و نسبت به آن اعتراض عدم تادیه صورت می‌گیرد در اینصورت دارنده براتی که همین شخص آن را قبول کرده ولی موعد پرداخت آن هنوز فرا نرسیده است می‌توان از قبول کننده تقاضا کند که برای پرداخت وجه برات ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند. (ماده 138 قانون تجارت)

سوالی که مطرح می‌شود این است که ضامن در برابر چه کسی ضامن است و چه کسانی می‌توانند به وی مراجعه کنند؟ ضامن با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از وی ضمانت کرده است و با مبرا شدن مضمون عنه ضامن نیز بری می‌شود اما دارنده برات و ظهرنویسان ما بعد می‌توانند به شخص ضامن مراجعه کنند و ضامن با پرداخت وجه سند دارنده برات شده و می‌تواند به ظهرنویس ماقبل خود براتگیر رجوع کند. دلیل اینکه شخصی که با پرداخت وجه برات دارنده آن می‌شود نمی‌تواند به ظهرنویسان ما بعد خود مراجعه کند این است که باعث ایجاد دور می‌شود و همینطور ظهرنویسان به همدیگر مراجعه می‌کنند.

- مسئولیت امضاء کنندگان برات

مسئولیت امضاء کنندگان برات تضامنی است. بدین معنی که در صورت عدم تادیه وجه برات از طرف براتگیر، دارنده برات می‌تواند به هر یک از آنان به دلخواه یا به همگی آنان مراجعه نماید. ماده 249 قانون تجارت ناظر به حدود مسئولیت آنها می‌باشد و به موجب آن: «برات دهنده، کسیکه برات را قبول کرده و ظهرنویسها، در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند.»

دارنده برات در صورت عدم تادیه و اعتراض می‌تواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آنها مجتمعاً رجوع نماید. همین حق را هر یک از ظهرنویسها نسبت به برات دهنده و ظهرنویسهای ماقبل خود دارد.

اقامه دعوی علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین برات نیست. اقامه کننده دعوی

ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند. ضامن که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.

- بنابراین مسئولین پرداخت وجه برات عبارتند از:

۱- براتگیر

۲- براتکش

۳- ظهرنویسان

۴- ضامنین

۱- براتگیر:

اصولاً وقتی برات صادر می‌شود، قرار بر این است که وجه آنرا براتگیر پرداخت کند ولی براتگیر تکلیفی در قبول برات ندارد، هر چند که به براتکش مدیون هم باشد. در صورت امضای برات، اصطلاحاً گفته می‌شود برات را قبول کرده است و در این فرض است که مسئول تادیه وجه برات است به همین سبب است که ماده 230 قانون تجارت مقرر می‌دارد: « قبول کننده برات ملزم است وجه آنرا در سر وعده تادیه نماید. »

اگر چه براتگیر موظف به پرداخت وجه برات در سر رسید می‌باشد ولی در مورد براتی که هنوز وعده پرداخت وجه آن نرسیده است ماده 238 قانون تجارت تکلیفی بدین قرار بعهدہ براتگیر محول نموده است: « اگر بر علیه کسی که براتی قبول کرده ولی وجه آنرا نپرداخته اعتراض عدم تادیه شود، دارنده براتی نیز که همان شخص قبول کرده ولی موعد پرداخت آن نرسیده است می‌تواند از قبول کننده تقاضا کند که برای پرداخت وجه آن ضامن دهد یا پرداخت آن را به نحو دیگری تضمین کند. »

وقتی که برات قبول شد، دارنده برات می‌تواند تا حصول مرور زمان برای مطالبه وجه برات علیه براتگیر اقامه دعوی نماید و لو اینکه به تکلیف مقرر از جهت اعتراض عدم تادیه و اقامه دعوی در موعد معین عمل ننموده باشد. (ماده 290 قانون تجارت)

۲- براتکش:

صادر کننده برات با صدور برات مسئولیت تضامنی پیدا می‌کند که این مسئولیت را با توجه به اعتراض نکول و اعتراض عدم تادیه می‌توان در دو قسمت مطالعه کرد.

الف - مسئولیت صادر کننده برات پس از اعتراض نکول:

در صورتیکه برات نکول شود و مورد اعتراض نکول نیز قرار گیرد، دارنده آن می‌تواند به صادر کننده برات مراجعه کرده و مطابق ماده 237 قانون تجارت از وی بخواهد که برای پرداخت وجه برات در سر رسید ضامن بدهد. چنانچه صادر کننده برات از دادن ضامن خودداری نماید، دارنده برات می‌تواند وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض نامه و مخارج برات

رجوعی (اگر باشد) مطالبه کند. در این صورت دین موجد به دین حال تبدیل می‌گردد.

ب - مسئولیت صادر کننده پس از اعتراض عدم تادیه:

برای اینکه دارنده برات بتواند با توجه به مسئولیت تضامنی صادر کننده برات علیه وی اقامه دعوی کند باید اولاً در روز وعده وجه برات را مطالبه کند ثانیاً در صورت عدم تادیه، ظرف ده روز از تاریخ سر رسید، اعتراض عدم تادیه بکند و ثالثاً ظرف مدت یکسال از تاریخ اعتراض در مورد براتیکه باید در ایران پرداخت شود اقامه دعوی بعمل آید. (ماده 286 قانون تجارت) و چنانچه برات در خارج باید تادیه گردد اقامه دعوی باید ظرف مدت دو سال از تاریخ اعتراض بعمل آمده باشد. اگر سر رسید برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت باشد بنا به تصریح ماده 274 قانون تجارت دارنده برات در صورتی می‌تواند علیه صادر کننده برات برای تقاضای وجه برات اقامه دعوی کند که صادر کننده برات وجه برات را به براتگیر نرسانده باشد. بنابراین اگر دارنده برات ظرف مدت یکسال از تاریخ برات، وجه برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت را مطالبه نکند حق رجوع به ظهرنویس و همچنین به برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت. همینطور اگر دارنده برات در ظرف موعده مقرر در مواد 280 و 286 و 287 علیه صادر کننده برات اقامه دعوی ننماید بلکه دعوی وی خارج از مواعید یاد شده طرح گردد، صادر کننده برات می‌تواند با اثبات اینکه وجه برات را به براتگیر رسانیده است تقاضای رد دعوی دارنده برات را بنماید.

۳- ظهرنویسان

ظهرنویسی فقط یک انتقال طلب ساده نیست بلکه علاوه بر انتقال، ظهرنویسی پرداخت وجه برات را نیز تضمین می‌کند. با توجه به این اصل است که انتقال برات رابطه بین ظهرنویس و دارنده برات را قطع نمی‌کند و ظهرنویس همچنان در مقابل دارنده جدید و نیز دارندگان بعدی مسئول پرداخت وجه برات است.

در ماده 249 قانون تجارت مقرر شده است که «ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند.» مسئولیت ظهرنویسان عیناً مانند مسئولیت صادر کننده برات بر حسب اینکه اعتراض نکول یا عدم تادیه صورت گرفته باشد جداگانه مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

الف - مسئولیت ظهرنویسان بعد از اعتراض نکول:

به موجب ماده 237 قانون تجارت پس از نکول برات توسط براتگیر و اعتراض نکول توسط دارنده برات، وی می‌تواند به برات دهنده و ظهرنویسها مراجعه کرده و از آنها ضامن بخواهد تا پرداخت وجه برات در سر وعده را تضمین کند اگر این اشخاص از معرفی ضامن خودداری کنند دین موجد به دین حال تبدیل می‌شود.

ب - مسئولیت ظهرنویسان بعد از اعتراض عدم تادیه:

دارنده برات برای اینکه بتواند مسئولیت تضامنی ظهرنویسها را مطرح کند باید اولاً وجه برات را در سر رسید مطالبه کند و ثانیاً ظرف مدت ده روز از تاریخ سر رسید برات، اعتراض عدم پرداخت را انجام دهد و ثالثاً بر حسب اینکه برات در ایران

پرداخت شود یا در خارج ظرف مدت یکسال و یا دو سال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی کند. ماده 288 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «هر یک از ظهرنویسها بخواهد از حقی که در ماده 249 به او داده شده است استفاده کند باید در موعدی که به موجب مواد 286 و 287 مقرر است اقامه دعوی کند و نسبت به آن موعد از فردای ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است و اگر وجه برات را بدون اینکه علیه او اقامه دعوی شده باشد تادیه نماید از فردای روز تادیه محسوب خواهد شد.

۴- ضامین:

قسمت آخر ماده 249 قانون تجارت ناظر به مسئولیت ضامن است که به موجب آن ضامن که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویس را کرده است فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است. بنابراین در صورتی که بتوان علیه مضمون عنه اقامه دعوی نمود، علیه ضامن نیز می‌توان طرح دعوی کرد.

- پرداخت

به حکم ماده 249 قانون تجارت وقتی که سند تجاری صادر می‌شود و صادر کننده و اشخاص دیگر تحت عناوین ظهرنویس و ضامن آن را امضاء می‌کنند در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند این مسئولیت تضامنی برای پرداخت برات است. وقتی شخصی به عنوان ظهرنویس یا ضامن سند تجاری را امضاء می‌کند وی بدهکار اصلی برات نیست بلکه بدهکار اصلی برات، براتگیر است در نتیجه سایر اشخاصی که به نحوی وجه برات را پرداخت می‌کند، دارنده برات می‌شود و می‌تواند وجه آن را از ظهرنویسهای ماقبل خود و برات دهنده و براتگیر مطالبه کند.

به عنوان مثال اگر براتی داشته باشیم که پنج نفر ظهرنویس آن را امضاء کرده و برات گیر آن را قبول کرده و شخصی هم به عنوان ضامن ظهرنویس سوم آن را امضاء کرده باشد، هشت نفر مسئولیت تضامنی دارند یعنی اگر در سررسید؛ وجه برات از سوی براتگیر پرداخت نشود دارنده سند می‌تواند به همه آنها یا به عده‌ای از آنها رجوع کند.

بدهکار واقعی برات، براتگیر است در نتیجه تفاوت می‌کند که چه کسی وجه برات را می‌پردازد، براتگیر یا اشخاص دیگر. اگر براتگیر وجه برات را بپردازد سایر مسئولان برات بری الزامه می‌شوند و مسئولیت آنها ساقط می‌گردد و این سند بعد از پرداخت تبدیل به لاشه می‌شود و براتگیر هیچ استفاده‌ای نمی‌تواند از آن بکند.

اگر براتگیر از پرداخت وجه برات خودداری کند دارنده برات می‌تواند به سایر مسئولان برات رجوع کند هر یک از این مسئولان با پرداخت وجه برات، دارنده سند شناخته می‌شوند و می‌تواند به اشخاص دیگر رجوع کنند. ظهرنویسان باید به ظهرنویسهای ما قبل خود رجوع کنند در غیر اینصورت دور ایجاد می‌شود.

اگر بخواهیم مقررات مربوط به پرداخت را آنچنان که در قانون تجارت است با مقررات پرداخت در قانون مدنی مقایسه کنیم ملاحظه می‌شود که تفاوت‌های بسیار اساسی بین این مقررات وجود دارد.

- تفاوت اول: مطابق قانون مدنی بدهکار نمی‌تواند بستانکار خود را مکلف کند که قسمتی از دین را بپردازد. اگر کسی

به دیگری یک میلیون تومان بدهکار است، مدیون نمی‌تواند طلبکار خود را مجبور به قبول نیمی از طلب خود بکند. در حالی که در قانون تجارت و بر اساس مقررات مربوط به اسناد تجاری این حق را برای بدهکار سند تجاری پیش بینی کرده اند ماده 232 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «ممکن است قبولی منحصر به یک قسمت از برات باشد، در اینصورت دارنده برات باید برای بقیه اعتراض نماید.»

بنابراین اگر براتگیر یک قسمت از برات را قبول کند، دارنده برات هر چند تمایلی به این امر نداشته باشد، مجبور به قبول آن است.

همچنین بنا به نص صریح ماده 268 قانون تجارت «اگر مبلغی از وجه برات پرداخت شود به همان اندازه برات دهنده و ظهرنویس‌ها بری می‌شوند و دارنده برات فقط نسبت به بقیه می‌تواند اعتراض کند.»

- **تفاوت دوم:** در دیون عادی ممکن است دادگاه با توجه به وضعیت مالی مدیون، پرداخت وجه سند را به تعویق اندازد. این اختیار به موجب قسمت آخر ماده 277 قانون مدنی مقرر شده است. «حاکم می‌تواند نظر به وضعیت مدیون مهلت عادلانه یا قرار اقساط دهد.»

در حالیکه در ماده 269 قانون تجارت مقرر شده است: «حاکم نمی‌تواند بدون رضایت صاحب برات برای تادیه وجه برات مهلتی بدهند.»

- **تفاوت سوم:** در دیون عادی هیچ اشکالی وجود ندارد که داین به مدیون خود مهلت بدهد ولی از نظر تجاری و مطابق قانون تجارت (ماده 257 قانون تجارت) اگر دارنده برات به کسی که قبولی نوشته مهلتی برای پرداخت بدهد به ظهرنویسهای ماقبل خود و برات دهنده که به مهلت مزبور رضایت نداده اند حق رجوع نخواهد داشت.

- **تفاوت چهارم:** مطابق قواعد کلی مدنی اگر مدیون، دین خود را زودتر از موعد مقرر ادا کند اشکالی وجود ندارد ولی مطابق مقررات قانون تجارت اگر مدیون، دین خود را زودتر ادا کند ممکن است باز هم مجبور به پرداخت آن شود. ماده 256 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «شخصی که وجه برات را قبل از موعد تادیه نموده در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حقی دارند مسئول است.»

- **تفاوت پنجم:** مطابق مقررات عمومی و کلی مدنی برای احقاق حق تشریفاتی لازم نیست و مواعد معینی وجود ندارد در حالیکه برای مطالبه وجه برات یا اسناد تجاری باید در موعد معین شده به مسئول برات رجوع کند و رد صورت عدم پرداخت اعتراض عدم تادیه را انجام دهد و در موعد مقرر شده اقامه دعوی کند و عدم اجرای این تشریفات باعث سقوط حق مراجعه به سایر مسئولان برات می‌شود.

برای پرداخت وجه برات، فارغ از اینکه توسط چه کسی به عمل می‌آید (براتگیر یا ظهرنویس) باید بوسیله نوع پولی که در آن معین شده است به عمل آید. ماده 252 قانون تجارت در این مورد مقرر می‌دارد: «پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می‌آید.»

تعیین ارزش خارجی در صورتی میسر است که قوانین داخلی مانع از این امر نباشد چه در این حال مدیون ممنوع از تادیه وجه برات به پول خارجی خواهد بود.

ماده 253 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اگر دارنده برات به برات دهنده یا کسی که برات را به او منتقل کرده است پولی غیر از آن نوع که در برات معین شده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا امتناع از قبول و یا عدم تادیه اعتراض شود دارنده برات می‌تواند از دهنده برات یا انتقال دهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در برات معین شده مطالبه کند ولی از سایر مسئولین وجه برات جز نوع پولی که در برات معین شده قابل مطالبه نیست.»

همانطوری که قبلاً متذکر شدیم برات ممکن است به وعده از رؤیت باشد یا به رؤیت یا اینکه تاریخ سررسید در آن صریحاً معین شده باشد یا به وعده از تاریخ صدور باشد.

در هر صورت برات باید در موعد مقرر به براتگیر ارائه گردد. براتگیر یا سایر مسئولان برات که در نتیجه رجوع دارنده برات، وجه برات را می‌پردازند باید سندی را که در آن قبولی برات نوشته شده را از وی دریافت کنند و گرنه در مقابل شخصی که نسخه قبول شده را دارد مسئول پرداخت وجه آن است. (ماده 260 قانون تجارت)

- پرداخت بوسیله شخص ثالث

اصولاً وجه برات باید بوسیله براتگیر پرداخت گردد ولی از یک طرف او ممکن است همیشه به میزان وجه برات بدهکار نباشد و از طرف دیگر این احتمال وجود دارد که با وجود مدیون بودن از قبول برات و پرداخت وجه آن امتناع نماید. در این مورد برای جلوگیری از تزلزل اعتبار برات دهنده و یا هر یک از ظهرنویسان، ممکن است شخص ثالثی برات را تادیه نماید.

به حکم ماده 270 قانون تجارت پرداخت وجه برات بوسیله شخص ثالث باید بعد از اعتراض عدم تادیه به عمل آید. ماده 270 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «هر شخص ثالثی می‌تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویس‌ها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراض نامه یا در ذیل آن قید شود.» شخص ثالثی که وجه برات را می‌پردازد دارای تمام حقوق و وظایف دارنده برات می‌شود. (ماده 271 قانون تجارت) عبارت دیگر تمام حقوقی را که یک دارنده برات از آنها برخوردار است، شخص ثالث نیز با پرداخت وجه برات از آن حقوق بهره‌مند می‌گردد.

دخالت شخص ثالث برای پرداخت وجه برات از طرف صادر کننده برات یا هر یک از ظهرنویسها با مداخله غیر مدیون در امور مدنی تفاوت دارد زیرا بر حسب ماده 267 قانون مدنی: «ایفاء دین از جانب غیر مدیون هم جایز است اگر چه طرف مدیون اجازه نداشته باشد ولیکن کسی که دین دیگری را اداء می‌کند، اگر با اذن باشد حق مراجعه به او دارد و الا حق رجوع ندارد.»

بنابراین کسی که در دیون مدنی، دین مدیون را ادا می‌کند، در صورتی حق رجوع به وی را دارد که با اذن وی مداخله

نموده باشد، در حالیکه در خصوص اسناد تجاری، شخص ثالث نه تنها حق مراجعه به مدیون را دارد بلکه چون دارنده برات می‌شود، علیه هر یک از متعهدین برات حق مراجعه دارد.

به نظر دکتر فخاری براتگیری که برات را قبول ننموده است و با وجود اعتراض عدم تادیه از پرداخت وجه آن نیز امتناع ننموده ممکن است بعنوان شخص ثالث برات را پرداخت نماید. علت این است که با قصد عدم ایراد لطمه به صادر کننده برات یا هر یک از ظهرنویسان، نمی‌خواهد براتی را که معادل وجه آن بدهکار نیست قبول و پرداخت نموده و به دست خود اماره مدیون بودنش را بوجود آورد. با نکول و عدم تادیه نشان داده که وجه برات را بدهکار نیست ولی بعداً بخاطر حفظ اعتبار کسیکه به نفع وی مداخله نموده برات را پرداخت می‌نماید.

کسی که به عنوان شخص ثالث در برات مداخله می‌کند و وجه آن را می‌پردازد اعلام می‌کند که از طرف چه کسی در برات مداخله می‌کند و وجه آن را می‌پردازد. ماده 272 قانون تجارت مقرر می‌دارد که «اگر وجه برات را شخص ثالث از طرف برات دهنده پرداخت تمام ظهرنویس‌ها بری الذمه می‌شوند و اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویسها به عمل آید ظهرنویسهای بعد از او بری الذمه اند»

اگر دو نفر با هم حاضر به پرداخت وجه برات باشند پیشنهاد کسی مورد قبول است که تادیه وجه از طرف او عده زیادتری از مسئولین را بری الذمه می‌کند. (ماده 273 قانون تجارت)

دخالت خود محال علیه پس از اعتراض عدم تادیه به عنوان شخص ثالث برای پرداخت وجه برات بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد. چرا که با پرداخت وجه برات از سوی برات گیر تمام مسئولان برات را بری الذمه می‌کند.

اگر شخص ثالث معلوم نکند که به نفع چه کسی در برات دخالت کرده و وجه آن را پرداخت کرده است این دخالت به نفع کسی محسوب می‌شود که اشخاص زیادتری را بری می‌کند همین قاعده در مورد دخالت ضامن نیز اجرا می‌شود.

سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا شخص ثالث می‌تواند به نفع براتگیر وجه برات را پرداخت کند؟

برای پاسخ دادن به این سوال باید گفت که اگر براتگیر برات را قبول نکرده باشد چون اصولاً در برات اصلاً مسئولیتی ندارد پس دلیلی هم وجود ندارد که کسی به نفع او عمل کند.

و اگر براتگیر برات را قبول کرده باشد ولی از پرداخت وجه آن امتناع کند باز هم دخالت شخص ثالث به نفع او امکانپذیر نیست چرا که لزومی ندارد قانونگذار از چنین شخصی حمایت کند.

- حقوق و وظایف دارنده برات

در توضیح مکانیسم برات باید گفت که شخص برات را به نفع دیگری صادر می‌کند و وجه این برات باید توسط براتگیر پرداخت شود.

دارنده برات برای اینکه مطمئن شود که آیا براتگیر، برات را قبول می‌کند باید آن را به براتگیر برای اخذ قبولی ارائه دهد ولی دارنده برات الزامی به ارائه کردن برات به براتگیر برای اخذ قبولی ندارد و می‌تواند سند را برای قبولی به براتگیر ارائه

ندهد بلکه تا سر وعده صبر کند اگر براتگیر برات را بپردازد که معلوم است آن را قبول کرده و اگر وجه برات را نپردازد نسبت به آن اعتراض عدم تادیه صورت می‌دهد.

ولی مخیر بودن دارنده برات در ارائه برات به براتگیر برای اخذ قبولی دو تا استثناء دارد:

۱- اگر در خود برات شرط شده باشد که دارنده باید قبولی بگیرد، این شرط باید رعایت گردد و یا اینکه ممکن است در برات شرط شده باشد که تا زمان معینی می‌تواند برای اخذ قبولی به براتگیر رجوع کند. که در این موارد دارنده برات باید حتماً برات را برای گرفتن قبولی ارائه کند.

۲- مطابق ماده 274 قانون تجارت « نسبت به برواتی که وجه آن باید در ایران به رؤیت یا به وعده از رؤیت تادیه شود اعم از اینکه برات در ایران صادر شده باشد یا در خارجه دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را در ظرف یکسال از تاریخ برات مطالبه کند»

مطابق این ماده اگر برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت باشد در اینصورت وی موظف است ظرف مدت یکسال از تاریخ صدور برات برای اخذ قبولی برات را به براتگیر ارائه دهد. ضمانت اجرای عدم رعایت این تکلیف این است که دارنده برات حق رجوع به ظهرنویسها و برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت. (ماده 274 قانون تجارت).

اگر ظهرنویسی برای تقاضای قبولی مدتی معین کرده باشد دارنده برات باید در مدت مزبور تقاضای قبولی نماید و الا در مقابل آن ظهرنویس نمی‌تواند از مقررات مربوطه به برات استفاده کند. (ماده 276 قانون تجارت)

- دارنده برات در سررسید برات وظایفی را نیز بر عهده دارد:

دارنده برات باید روز وعده وجه برات را از براتگیر مطالبه کند. (ماده 279 قانون تجارت) بدون ارائه برات و بدون دریافت برات؛ براتگیر هیچ تکلیفی به پرداخت وجه برات ندارد یعنی اگر شخصی به براتگیر مراجعه کند و وجه آن را از وی مطالبه کند بدون اینکه خود سند را به براتگیر ارائه کند، براتگیر هیچ تکلیفی به پرداخت وجه برات نخواهد داشت حتی اگر دلایلی هم باشد که وی دارنده برات باشد باز هم قابل پرداخت نخواهد بود.

براتگیر همواره در مقابل کسی که نسخه اصلی برات را در اختیار دارد متعهد است و با پرداخت وجه برات به دارنده برات (کسی که سند را در دست دارد) بری الذمه می‌شود.

وقتی برات دهنده به براتگیر رجوع می‌کند دو حالت وجود دارد: یا براتگیر وجه برات را می‌پردازد و کلیه مسئولان برات بری می‌شوند یا اینکه وجه برات را نمی‌پردازد که در اینصورت وظایف دیگری نیز برای دارنده برات بوجود می‌آید:

- اگر براتگیر در سر وعده؛ وجه برات را به دارنده نپردازد، دارنده باید در ظرف مدت ده روز از تاریخ وعده بوسیله نوشته‌ای که اعتراض عدم تادیه نامیده می‌شود، امتناع از پرداخت مسجل سازد.

- دارنده برات در هر صورت باید اعتراض عدم تادیه را بجا آورد. پس اگر دارنده برات به براتگیر رجوع کند و ببیند که

وی فوت شده یا ورشکسته شده است باز هم باید اعتراض عدم تادیه را انجام دهد. حتی اگر دارنده برات قبلاً اعتراض نکولی نیز انجام داده باشد در صورت عدم پرداخت وجه برات در سر وعده باید اعتراض عدم تادیه را صورت دهد. (ماده 283 قانون تجارت)

- دارنده برات پس از انجام اعتراض عدم تادیه باید در ظرف مدت 10 روز از تاریخ اعتراض این امر را به کسی که برات را به وی داده است باید اعلام کند. (ماده 284 قانون تجارت). دارنده برات بعد از اعتراض عدم تادیه و اعلام عدم تادیه به سایر مسئولان برات باید ظرف مدت یکسال از تاریخ اعتراض عدم تادیه، اقامه دعوی کند. دارنده برات برای اینکه بتواند مسئولیت تضامنی مسئولان برات را مطرح کند و به آنها مراجعه کند باید در ظرف مدت یکسال از تاریخ اعتراض عدم تادیه، اقامه دعوی کند. (ماده 286 قانون تجارت).

- در مورد برواتی که باید در خارج تادیه شوند زمان اقامه دعوی تا دو سال از تاریخ اعتراض است.

- مطابق ماده 249 قانون تجارت اگر دارنده برات به ظهرنویس مراجعه کند و ظهرنویس هم وجه برات را نپردازد این ظهرنویس هم حق دارد به ایادی ماقبل خود رجوع کند و وجه برات را از آنها مطالبه کند و اگر ظهرنویس در اثر مراجعه دارنده برات به وی، وجه برات را پرداخته باشد بعد از پرداخت توسط ظهرنویس، خود وی دارنده برات محسوب شده و از فردای روز تادیه مهلت یکسال برای اقامه دعوی شروع می‌شود. (ماده 288 قانون تجارت).

- اگر مهلت یکسال (و برای براتهایی که در خارج باید تادیه شود دو سال) منقضی شود دعوی دارنده برات و ظهرنویسهای برات علیه برات دهنده نیز پذیرفته نمی‌شود مشروط بر اینکه برات دهنده ثابت نماید در سر وعده وجه برات را به محال علیه رسانیده و در اینصورت دارنده برات فقط حق مراجعه به محال علیه خواهد داشت. (ماده 290 قانون تجارت)

- براتهایی که سررسید آنها به رؤیت است مطابق ماده 274 قانون تجارت باید ظرف مدت یکسال باید برات را برای اخذ قبولی به براتگیر ارائه کند در غیر اینصورت دارنده برات حق مراجعه به ظهرنویسان و برات دهنده‌ای که وجه برات را به براتگیر رسانده را از دست می‌دهد.

- اگر براتگیر، برات را نکول کند دارنده برات این حق را پیدا می‌کند که به برات دهنده و ظهرنویسان رجوع کرده و برای پرداخت وجه برات در سر وعده از آنها ضامن بخواهد و اگر آنها از معرفی ضامن خودداری کنند دین موجب به دین حال تبدیل می‌شود.

- اگر در سررسید، دارنده برات به براتگیر مراجعه کند و براتگیر به هر علتی از پرداخت برات خودداری کند دارنده برات حق می‌یابد که به همه امضاء کنندگان مراجعه کند همه امضاء کنندگان در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند و دارنده می‌تواند به همه یا بعضی از آنها رجوع کند اما دارنده برات برای اینکه بتواند از این حقوق بهره مند شود باید اعتراض نکول (در مورد نکول برات) و اعتراض عدم تادیه (در مورد عدم پرداخت برات) را صورت داده باشد.

- دارنده برات می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور تأمین خواسته بکند. مطابق ماده 292 قانون تجارت اگر برات با عدم پرداخت روبه رو گردد و دارنده به وظایف خود از قبیل اعتراض عدم پرداخت و اعلام آن به سایر مسئولان عمل کرده باشد می‌تواند تقاضای صدور تأمین خواسته بکند بدون اینکه هزینه‌ای بابت خسارات احتمالی بدهد.

- اعتراض یا واخواست (پروتست)

کلمه واخواست کلمه‌ای است که فرهنگستان وضع کرده و بسیار متداول است.

واخواست یا اعتراض به معنای تایید رسمی یک امری است. در قانون تجارت، دو نوع واخواست یا اعتراض داریم: ۱- واخواست نکول ۲- واخواست عدم تادیه.

اگر برات توسط برانگیز نکول شود و دارنده برات بخواهد از مزایای نکول برخوردار گردد باید اقدام به واخواست کند و اگر در سررسید، برات با عدم پرداخت روبه رو گردد واخواست عدم تادیه انجام می‌گیرد. (تا دارنده برات از تمامی مزایای سند بهره مند شود.)

- واخواست نکول

این واخواست باید به صورت کتبی به عمل آید.

ورقه‌ای که متضمن این واخواست است واخواست نامه یا اعتراض نامه گفته می‌شود.

این واخواست نامه بعد از نوشته شدن اطلاعات باید روی آن تمبر الصاق شود.

واخواست نامه در سه نسخه تنظیم می‌شود بعد از تنظیم مندرجات واخواست، دارنده سند باید آن را به دایره واخواست برده و در دفتر واخواست ثبت کند.

یک نسخه از واخواست به مخاطب واخواست ابلاغ می‌شود و یک نسخه به ابلاغ کننده داده می‌شود و یک نسخه هم در دایره واخواست بایگانی می‌شود.

واخواست نکول مخصوص برات است و در سایر اسناد تجاری، ما واخواست نکول را نداریم. واخواست عدم تادیه برای برات و سفته بکار می‌رود. در مورد چک واخواست عدم تادیه وجود ندارد پس اگر وجه چک به هر علتی پرداخت نشود دارنده چک الزامی ندارد که اقدام به واخواست نماید چرا که یک رأی هیأت عمومی دیوان عالی کشور در سال 69 صادر شده که چک را از واخواست عدم تادیه معاف می‌کند.

گواهی عدم پرداختی که بانک محال علیه چک صادر می‌کند به منزله واخواست است. این گواهی به تقاضای دارنده چک صادر می‌شود و بدون هیچگونه هزینه‌ای صورت می‌پذیرد.

واخواست نکول در صورتی الزامی است که برات به روئت نباشد چرا که اگر برات به روئت باشد برانگیز مکلف است به محض ارائه برات وجه آن را بپردازد و در صورت عدم پرداخت وجه برات از سوی برانگیز باید واخواست عدم تادیه را انجام داد. هر گاه اعتراض نکول به عمل آید دارنده برات می‌تواند از ظهرنویسها و برات دهنده برای پرداخت برات در سر وعده

ضامن بخواهد. در صورت عدم معرفی ضامن، دین موجب به دین حال تبدیل می‌شود و مسئولان برات باید وجه برات را به انضمام مخارج اعتراض نامه و برات رجوعی (اگر باشد) فوراً پرداخت کنند. (ماده 237 قانون تجارت)

- واخواست عدم تادیه

اگر دارنده برات در سر وعده وجه برات را از براتگیر مطالبه کند و وی از پرداخت آن خودداری کند، دارنده برات باید واخواست عدم تادیه را انجام دهد و آن را ظرف مدت ده روز از تاریخ اعتراض به شخص که سند را از وی دریافت کرده است ابلاغ کند و همین ظهنویس این امر را در مورد ظهننویسی که قبل از او بوده اطلاع دهد.

اگر این اظهار نامه (ارسال اعتراض عدم تادیه به مسئولان برات) ارسال نشود یا برخی این اظهار نامه را بفرستند و برخی دیگر این اظهار نامه را نفرستند چه خواهد شد.

آیا حق دارنده سند در صورت عدم ارسال اظهار نامه از بین می‌رود. (مراجعه به برات دهنده و ظهننویس) هیأت عمومی دیوان عالی کشور رأی وحدت رویه‌ای را صادر کرده و اظهار داشت که عدم ارسال اظهار نامه حق آن فرد را در مراجعه به برات دهنده و ظهننویسان را از بین نمی‌برد.

- برات رجوعی

برات رجوعی به براتی گفته می‌شود که دارنده برات اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراض نامه و تفاوت نرخ به عهده برات دهنده یا یکی از ظهننویسها صادر می‌کند. (ماده 298 قانون تجارت)

در برات رجوعی مبلغ برات اصلی و هزینه واخواست برات اصلی و هزینه صدور برات رجوعی و مبلغی که اصطلاحاً آن را تفاوت نرخ می‌نامند ذکر می‌شود.

- قوانین خارجی

به حکم ماده 305 قانون تجارت «برواتی که در خارج ایران صادر شده شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است.» اگر قسمتی از تعهدات براتی (تعهدات ناشی از ظهننویسی، ضمانت، قبولی و غیره) نیز که در خارجه به وجود آمده تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا بوجود آمده است معذک است اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند حق استناد به این ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهدات آنها مطابق با قوانین خارجی نیست. (ماده 305 قانون تجارت)

پس مطابق این ماده هر تعهدی که در روی برات صورت می‌گیرد تابع قانون کشوری است که ظهننویسی در آن انجام گرفته است. اگر سندی که در خارج صادر شده در ایران مورد استناد قرار گرفته و در یک محکمه ایرانی علیه یک فردی اقامه می‌شود کسی که علیه آن طرح دعوی شده نمی‌تواند بگوید که برات مطابق قانون آن کشور نیست مشروط بر اینکه مطابق قانون ایران آن تعهدات درست باشد. مطابق ماده 306 قانون تجارت اقداماتی همچون واخواست و دادن اطلاعیه تابع قانون کشوری است که در آنجا واخواست داده می‌شود.

- سفته

سفته یافته طلب سندی است که به موجب آن امضاء کننده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید. (ماده 307 قانون تجارت)

در سفته دو شخص دخالت دارند. یک شخص به عنوان صادر کننده سفته است و شخص دیگر به عنوان دارنده سفته است. برای صدور برات نیازی به اخذ قبولی نیست چرا که صادر کننده، خود به عنوان بدهکار اصلی برات شناخته می شود.

- در سفته وجود یکسری شرایط ضروری است.

- سفته باید توسط صادر کننده آن امضاء یا مهر شود و تاریخ صدور آن نیز باید مشخص شود.

- در سفته باید مبلغی که پرداخت می شود با تمام حروف معین شود و گیرنده وجه و تاریخ پرداخت آن نیز باید معین گردد. (ماده 308 قانون تجارت)

- سفته برخلاف برات قابل صدور به صورت حامل نیز می باشد. (ماده 307 قانون تجارت)

- به موجب ماده 309 قانون تجارت مباحث مربوط به وعده سند و ظهرنویسی و مسئولیت پرداخت، تادیه به وسیله ثالث، حقوق و وظایف دارنده سند، وخواست و سند رجوعی و قوانین خارجی در مورد سفته نیز لازم الرعایه هستند ولی شرایط مربوط به شکل برات و قبول و نکول برات و قبولی شخص ثالث در مورد سفته اجرا نمی شوند.

1- تعریف سفته

سفته که در قانون تجارت فته طلب نامیده شده است ، طبق تعریف ماده 307 این قانون سندی است که به موجب آن ، امضاء کننده تعهد می کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید ."

سفته همانطور که در تعریف فوق آمده است ، سند تعهد پرداخت است و امضاء کننده متعهد می شود که مبلغ قید شده در آن را پرداخت کند.

2-تحلیل تعهدها مقید در سند

صدور برات معمولا وجود سه شخص را ایجاب می کند ، براتکش ، براتگیر و دارنده برات . در صورتی که صدور سفته با دو نفر ، یعنی متعهد سفته و دارنده سفته انجام می گیرد . بدون شک ، متعهد سفته نقش همان براتگیر قبول کننده را ایفا می نماید . زیرا اوست که مسئول اصلی پرداخت سفته در سررسید می باشد.

ماده 307 ق ت نیز گویای همین واقعیت می باشد .

3 – تحلیل تجاری یا عادی بودن معامله سند

از بند 8 ماده 2 ق ت اینگونه فهمیده می شود که قانون تجارت معاملات برواتی را اعم از اینکه بین تاجر یا غیر تاجر باشد ، عمل بازرگانی محسوب می دارد . این متن قانونی در خصوص سفته اعمال نمی شود و سند مزبور تابع مقررات عمومی است ، اگر فته طلب (سفته) در معامله بازرگانی ولو بین اشخاص غیر تاجر رد و بدل گردد ، بازرگانی به شمار می رود همچنین در صورتی که سفته به امضای تاجر برسد ، مستنبط از اماره ماده 5 ق ت بازرگانی به حساب می آید ، مگر اینکه شخص ذی نفع خلاف آن را به اثبات برساند .

3-1- اهلیت

در حقوق ما ماده واحد راجع به رشد متعاملین مصوب 1313/6/13 عموماً مورد عمل بوده و ملاک پذیرش اهلیت افراد اعم از تاجر و غیر تاجر شناخته می شود .

مضافاً عدم اهلیت قانونی متعهد سفته یا یکی از ظهر نویسان موجب سلب اعتبار سفته (در امور بازرگانی و غیر آن) نخواهد بود .

3-2- توقیف بدهکار

اگر سفته وصف تجاری داشته باشد یعنی در امور تجاری یا به وسیله بازرگان مورد استفاده قرار گیرد ، متعهد آن مشمول مقررات بازداشت مقید در قانون تجارت می باشد . در حالت عکس متعهد مذکور تابع قانون منتشره در روزنامه رسمی ش 15666 مورخ 77/9/16 خواهد بود .

3-3- مرور زمان

در حقوق عرفی ایران ماده 318 ق ت بیان می کند که دعاوی راجع به برات و فته طلب و چک که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده پس از انقضای 5 سال از تاریخ صدور اعتراضنامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود. به علاوه مطابق ماده 319 ق ت " اگر وجه برات یا فته طلب یا چک را نتوان به واسطه حصول مرور زمان 5 سال مطالبه کرد دارنده برات یا فته طلب یا چک می تواند تا حصول مرور زمان اموال منقول وجه آن را از کسی که به ضرر او استفاده بلا جهت کرده است مطالبه نماید "

بدین صورت چنین برداشت می شود که اگر سفته توسط تجار و یا در معامله تجاری رد و بدل شده باشد مرور زمان کوتاه بازرگانی یعنی 5 سال ، در حالتی که سفته در امور عادی و یا توسط غیر تاجر به کار آید ، مرور زمان طبقه ق . آ . د . م می باشد .

3-4- خسارات قانونی

در حقوق ما دارنده اختیار دارد که مبالغ زیر را درخواست نماید :

1- مبلغ سفته و بهره موافق قرار داد بانکی 2- خسارت تأخیر و تأدیه طبق قرار داد بانکی یا ق . آ . د . م 3-

مخارج و اخواست و ابلاغ و سایر هزینه

3-5- صلاحیت محاکم

الف (صلاحیت ذاتی : طبق مقررات کنونی هیچ اختلافی از نظر شایستگی (صلاحیت) دادگاه ها بین مطالبات ناشی از اسناد تجاری با کاربرد بازرگانی و یا عادی وجود ندارد . در واقع پس از تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب ، دادگاه عام صلاحیت رسیدگی به کلیه امور حقوقی را دارا می باشد .

ب (صلاحیت محلی

از لحاظ صلاحیت محلی اختلافی میان سفته تجاری و عادی به چشم نمی خورد . خواهان مجاز است در دادگاه محل اقامت خواننده و در صورت تعدد ، یکی از آنها به انتخاب محلی که قرارداد در آنجا منعقد گشته و یا تعهد باید انجام شود ، به طرح شکایت حقوقی مبادرت ورزد . همچنین اگر طرفین دعوا نسبت به صلاحیت دادگاه دیگری همعرض دادگاه صالح تراضی کنند ، به همان محکمه مراجعه می نمایند .

مجموعه تست

1- متعهد سفته در مقایسه با مسئولان برات مسئولیت کدامیک از افراد زیر را دارد؟

الف) براتکش ب) دارنده برات ج) براتگیر، بدون قبولی د) براتگیر قبول کننده

2- کدام یک از اسناد تجاری زیر ذاتاً تجاری می باشد؟

الف) چک ب) برات ج) سفته د) قبض انبار

3- اگر یکی از متعهدین سفته با یکی از ظهر نویسان آن دارای اهلیت قانونی نباشد، آن سفته :

الف) در هر حال بی اعتبار است ب) در برخی موارد بی اعتبار است

ج) دارای اعتبار است د) در برخی موارد اعتبار دارد

4- اگر سفته توسط تجار و یا در معامله تجاری رد و بدل شده باشد، مرور زمان آن تابع کدام مورد زیر می

باشد . ؟

الف) مرور زمان ندارد ب) تابع مرور زمان مندرج در ق. آ. د. م

ج) تابع مرور زمان 5 ساله ق. ت. است د) مرور زمان خاص دارد

5- در دعاوی اسناد تجاری کدام دادگاه صالح به رسیدگی می باشد؟

الف) دادگاه تجارت ب) دادگاه کیفری استان

ج) دادگاه مدنی خاص د) دادگاه عمومی

6- صدور سفته

الف) در امور تجاری ذاتاً تجاری می باشد

ب) اگر توسط تاجر صادر شود ذاتاً تجاری می باشد

ج) اگر از محلی به محل دیگر باشد ذاتاً تجاری است .

د) چنانچه توسط تاجر صورت گرفته باشد .

7- در حقوق تجارت ایران صدور برات و سفته در وجه حامل :

الف) مجاز است ب) ممنوع است

ج) در برات مجاز و در سفته ممنوع است . د) در سفته مجاز و در برات ممنوع است

8- کدام گزینه صحیح است ؟

الف (در فته طلب مبلغ باید با تمام حروف قید گردد) ب (در طلب مبلغ باید با حروف و عدد قید گردد

ج (در فته طلب مبلغ باید با عدد قید گردد) د (در فته طلب نیازی به درج مبلغ نیست

9- سفته در کدام مورد از مقررات برات پیروی نمی کند ؟

الف (قبولی شخص ثالث) ب (ظهر نویس) ج (اعتراض) د (پرداخت

10- پرداخت وجه در سفته به چه صورتی می باشد ؟

الف (پرداخت فوری) ب (در موعد معین) ج (عندالمطالبه) د (موارد الف و ب

	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1
	د	الف	الف	د	د	د	ج	ج	ب	د

"پاسخنامه تشریحی"

- 1- گزینه د صحیح است . به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ، مبحث سفته مراجعه شود.
- 2- گزینه ب صحیح است ، به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ، مبحث سفته مراجعه شود
- 3- گزینه ج صحیح است . به فصل اول ،مورد 3 مراجعه شود.
- 4- گزینه ج صحیح است . به فصل اول ، مورد 3 مراجعه شود. .
- 5-5- گزینه د صحیح است . به فصل اول ، مورد 3 مراجعه شود.
- 6- گزینه د صحیح است . به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ، مبحث سفته مراجعه شود .
- 7- گزینه د صحیح است به مواد 223 و 307 قانون تجارت مراجعه شود .
- 8- گزینه الف صحیح است به ماده 308 قانون تجارت مراجعه شود .
- 9- گزینه الف صحیح است . به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صدیق صقری ، مبحث سفته مراجعه شود. .
- 10- گزینه د صحیح است . به ماده 307 قانون تجارت مراجعه شود .

صدور سفته:

شرایط حاکم بر تحریر

طبق مواد 307 و 308 ق. ت. برگه ی فته طلب متضمن موارد زیر است :

1- تاریخ تحریر

2- تعهد به پرداخت وجهی معین

3- نام شخصی که مبلغ در وجه یا به حواله کرد او قابل تأدیه است (یا قید عبارت در وجه حامل)

4- تاریخ پرداخت

5- امضاء متعهد

گفتار اول : تاریخ تنظیم

طبق قسمت نخست ماده 308 ق. ت. ذکر تاریخ تنظیم سفته الزامی می باشد. در برات نیز مطابق ماده 223 ق. ت. ، ذکر تاریخ تنظیم برات از مندرجات الزامی است. در برگه ی چاپی سفته جایی برای قید محل اقامت متعهد وجود دارد. این محل را می توان محل صدور سند در نظر گرفت .

گفتار دوم : تعهد به پرداخت مبلغ معین

همان طور که در مبحث برات ملاحظه گردید ، براتکش به براتگیر نمایندگی تأدیه وجهی مشخص را می دهد اما در سفته ، متعهد مسئول پرداخت مبلغ برگه در سررسید آن به شمار می رود .

این تعهد باید مطلق و بی قید و شرط باشد. پرداخت بانوع پولی که در سند معین شده ، انجام می گیرد مگر اینکه این امر نظر به ضوابط بانک مرکزی ممکن نگردد ، که در این صورت پرداخت مبلغ برگه عوض پول بیگانه ، با نرخ رسمی به ریال قابل ارزیابی و کارسازی است .

ثانیاً مطابق بخش اول ماده 308 ق. ت. مبلغ مذکور می یابد با تمام حروف نوشته شود . مسأله این است که اگر وجه قابل پرداخت تنها به عدد قید گردد ، آیا این امر موجب خروج سند

از اعداد سفته خواهد بود یا خیر ؟ دیوان عالی کشور به این پرسش پاسخ منفی می دهد . نظر دیوان که در حکم 1355 - 1359 مورخ 1316/5/31 از شعبه 4 دیوان عالی صادر شده ، این است که صدور سفته بدون درج مبلغ به صورت حروف ، موجب بی اعتباری سفته نبوده و قید مبلغ فقط به صورت عددی بلا اشکال است .

به استدلال فوق درمورد برات می توان استناد کرد اما در مورد سفته ، قانونگذار صراحتاً قید مبلغ به تمام حروف را لازم دیده است و آنرا ذکر نموده است ، لذا نمی توان درج مبلغ را به عدد ، بدون مجوز قانونی در اعتبار فته طلب موثر دانست .

گفتار سوم: نام شخصی که سفته در وجه یا به حواله کرد او قابل پرداخت است (یا قید عبارت در وجه حامل) ممکن است سفته به صورت در وجه حامل تنظیم گردد.

قسمت اخیر ماده 307 ق ت بر خلاف بخش هفتم ماده 233 همان قانون در مورد برات، این اجازه را می دهد. به موجب آن سفته می تواند در وجه شخص معین و بدون حواله کرد وی باشد یا اینکه عبارت حواله کرد در سند خط خورده شود.

همانند مورد برات در حالت اول، ذی نفع نمی تواند برگه را با ظهر نویسی به دیگری منتقل سازد، خود می باید جهت مطالبه وجه مراجعه نماید.

حال اگر ورقه با ظهر نویسی به گردش در آید، موجب مسئولیت تضامنی و متعاقباً اعمال اصل عدم توجه ایرادات نخواهد بود. زیرا هر دارنده تنها قائم مقام ذی نفع سفته در مراجعه به متعهد آن به حساب می آید و باید ایرادات معاملاتی ابرازی را تحمل کند. در صورت دوم، قطعاً برگه قابل انتقال از راه پشت نویسی می گردد و مسئولیت تضامنی طولی میان ایادی پی در پی موجب اجرای قاعده عدم تأثیر ایرادات معاملاتی و روابط غیر مستقیم براتی می باشد. لذا دارنده به استناد قابلیت انتقال تجاری ورقه و حسن نیت خویش، تمام مبلغ سفته را از متعهد آن پس می گیرد.

اکنون با طرح یک سوال اهمیت قید یا عدم قید نام ذی نفع در سفته را بررسی می نماییم اگر ورقه ای بدون قید عبارت در وجه حامل، حاوی نام ذی نفع هم نباشد تکلیف چیست؟ می توان گفت برای متعهد سفته ای که مبلغ را درج نموده و بدون ذکر نام ذی نفع بر روی عبارت به حواله کرد نیز قلم نگرفته، شخصیت دارنده سند اهمیتی ندارد. لذا متعهد سفته با صدور آن در مقابل هر دارنده ای مسئول پرداخت آن می باشد. بدین ترتیب چنین سفته ای امانی نمی باشد. در حقوق ما ضمانتی اجرایی، نظیر ماده 226 ق ت که در مورد برات وجود دارد، برای سفته در ماده 307 ق ت پیش بینی نشده است و ماده 226 ق ت نیز مطابق ماده 309 ق ت تنها یک قاعده براتی است و در مورد سفته کاربرد ندارد. بنابراین برگه موصوف اعم از سفته یا چک، سند در وجه حامل به حساب می آید. اگر این برگه را سند تجاری ندانیم، ضمانت ضامن از نوع تضامنی نخواهد بود و این امر به زیان دارنده و گردش اسناد مزبور تمام می شود، به ویژه اگر برگه متضمن واخواست باشد.

گفتار چهارم: تاریخ و محل پرداخت

ماده 241 ق ت با اجازه ی داده شده در ماده ق ت، باید ناظر به مورد سفته نیز باشد یعنی سررسید سفته اصولاً می تواند به رویت، به وعده از رویت به وعده از تاریخ سند و یا موکول به روز معین قرار گیرد. اما به صراحت ماده 307 ق ت، سررسید فته طلب (سفته) ممکن است به طریق مطالبه، و یا به موعده معین تنظیم شود. بنا براین تعیین موعده فته طلب به صورت «به وعده از رویت» قانوناً منتفی به نظر می رسد. حال اگر در صورتی که مهلت پرداخت سفته در ظهر آن تمدید گردد، کدام یک از تاریخ های متن و پشت برگه معتبر می باشد؟

با توجه به عدم منع قانون تجارت نسبت به تمدید سررسید سفته و در صورت تراضی ، طرفین می توانند تاریخ سررسید سفته را به زمان دیگری موکول نمایند که در این صورت تاریخ مندرج در پشت سفته ملاک عمل برای واخواست و سایر اقدامات قانونی است .

محل تأدیه وجه سفته از جمله مندرجات اجباری آن به شمار نمی آید اما در برگه های چاپی سفته ، جایی برای نوشتن محل پرداخت پیش بینی شده است .

در صورت عدم تصریح به محل پرداخت وجه سفته ، محل اقامت متعهد مکان پرداخت مبلغ نیز به شمار می آید .

گفتار پنجم : امضاء متعهد

متعهد می تواند ذیل سند را امضا یا مهر کند . البته متعهد می تواند به دیگری اختیار کافی در صدور سفته بدهد ، یعنی شخصی به عنوان وکیل از جانب متعهد ، سفته ای را صادر نماید که مسئولیت آن مطابق با مسئولیت وکیل و موکل در قانون مدنی خواهد بود در صورتی که دو یا چند نفر به عنوان متعهد برگه سفته را امضا نمایند ، مسئولیت طبق قاعده مدنی میان آنان به تساوی تقسیم می گردد ، مگر آنکه قید تضامن کرده باشند (403 ق ت)

نکته 1 : سفته نمی تواند مانند برات در چند نسخه ارائه گردد . زیرا براتگیر قبول کننده تنها یک نسخه را قبولی می نویسد و نسخ دیگر بدون امضای وی باقی می ماند . اگر نسخه های متعدد در سفته نیز مجاز بود متعدد با امضای تمام برگهها ، برای هر کدام از آنها قبول کننده محسوب می شد .

پس این شخص می بایست از عهده پرداخت تمام نسخ برآید و این امر پذیرفتنی نمی باشد .

نکته 2 : گاهی اوقات سفته به طور سازشی (صوری) و خالی از وجه کشیده می شود و متعهد صرفاً قصد ایجاد اعتبار به نفع دارنده را دارد .

آیا چنین سفته ای با این استدلال که متعهد مدیون ذی نفع نیست ، از درجه اعتبار ساقط است؟ از ملاک وحدت ماده 223 ق م برداشت می شود که هر عمل حقوقی که در آن قصد انشاء وجود دارد ، دارای اعتبار می باشد . در نتیجه می توان سفته سازشی را سند تجاری به شمار آورد .

بخش دوم : شرایط حاکم بر تسلیم سفته

مواردی که در برات راجع به صدور و ظهرنویسی توضیح داده شد ، در مورد سفته نیز مصادق دارد .

مجموعه تست

1- طبق قانون تجارت کدام یک از موارد زیر از مندرجات سفته نمی باشد

الف) امضاء ذی نفع ب) تاریخ تحریر ج) تاریخ پرداخت د) امضاء متعهد

2- تاریخ تنظیم در سفته :

الف) می تواند ذکر نگردد ب) الزامی است ج) می تواند ذکر گردد د) الزامی وجود ندارد

3- مسئول پرداخت وجه سفته در سررسید چه کسی می باشد ؟

الف) براتگیر ب) شخص ثالث ج) بانک مرکزی د) متعهد سفته

4- تعهد متعهد سفته باید به چه صورتی باشد ؟

الف) ذکر برخی شرایط در آن اشکال ندارد

ب) متعهد ، چون مسئول سفته است ، می تواند هر شرطی را قرار دهد

ج) این تعهد باید مطلق و بی قید و شرط باشد

د) شرایط راجع به تعهد پایه در آن بلا اشکال است

5- طبق نظر دیوان عالی کشور درج مبلغ سفته تنها به صورت عدد چه حکمی دارد ؟

الف) بلا اشکال است

ب) موجب خروج سفته از اعداد اسناد تجارتي می گردد

ج) بسته به مورد متفاوت می باشد

د) در رابطه متعهد و دارنده اول اشکالی ندارد

6) قید یا عدم قید نام دارنده سفته ، چه تأثیری در مسئولیت متعهد سفته دارد

الف) تأثیری ندارد

ب) عدم قید نام دارنده موجب ، بری شدن متعهد از پرداخت سفته می گردد

ج) عدم قید نام دارنده سبب می شود آن برگه سفته محسوب نگردد

د) عدم قید نام ذی نفع موجب مسدود شدن سفته می شود

7) در سفته ای که نام ذی نفع در آن ذکر شده ، مسئولیت متعهد برای پرداخت به چه صورت می باشد ؟

الف) این سفته امانی است و پرداخت نمی گردد

ب) این سفته به علت مجهول المالک بودن پرداخت نمی گردد

ج) این سفته باید در برابر هر دارنده ای پرداخت گردد

د) این سفته تنها پس از پیدا شدن ذی نفع اصلی پرداخت می شود

8 – کدام یک از موارد زیر در مورد پرداخت سفته مستند قانونی ندارد ؟

الف) پرداخت به رویت
ب) پرداخت به روز معین

ج) پرداخت به وعده از تاریخ سند
د) پرداخت وعده از رویت

9 – کدام یک از موارد پرداخت وجه به سفته می باشد ؟

الف) پرداخت به رویت
ب) پرداخت در روز معین

ج) پرداخت عندالمطالبه
د) پرداخت وعده از رویت

10 – در چه صورتی می توان تاریخ سررسید سفته را تمدید نمود ؟

الف) در هر حال
ب) در صورت تراضی طرفین

ج) در هیچ حال
د) در صورت دستور دادگاه

11 – در صورت تمدید تاریخ پرداخت سفته ، کام یک از تاریخ های متن و پشت سفته برای واخواست و سایر

اقدامات قانونی معتبر می باشد ؟

الف) تفاوتی ندارد
ب) متن سفته
ج) دادگاه معین می کند
د) پشت سفته

12 – در صورت نوشته نشدن مکان پرداخت وجه سفته ، مکان پرداخت وجه سفته در کدام محل می باشد ؟

الف) هر جایی که دارنده بگوید
ب) هر مکانی که متعهد تعیین کند

ج) محل اقامت متعهد
د) تعیین مکان با دادگاه است

13 – امضای سند سفته به چه اشکالی امکان پذیر می باشد ؟

الف) فقط توسط متعهد
ب) توسط وکیل متعهد

ج) محل اقامت متعهد
د) تعیین مکان با دادگاه

14) اگر چند نفر به عنوان متعهد برگه سفته را بدون قید تضامن امضاء کنند ، مسئولیت آنان به چه صورتی می باشد ؟

الف) طبق قاعده مدنی مسئولیت به تساوی است .

ب) درجه مسئولیت طبق تاریخ امضاء افزایش می یابد

ج) دارنده می تواند به هر کدام از آنها و به هر اندازه که بخواهد رجوع کند .

د) هیچکدام

15) کدام یک از موارد زیر از جمله تفاوت های برات و سفته می باشد ؟

الف) فقط برات، دارنده دارد .

ب) فقط برات ، متعهد (براتکش) دارد .

ج) فقط برات ، سند تجاری است .

د) فقط برات در چند نسخه صادر می شود .

16) آیا صدور سفته سازشی همانند برات سازشی امکان پذیر است ؟

الف) در برخی موارد امکان دارد .

ب) در هیچ صورت امکان ندارد .

ج) در هر حال امکان پذیر است .

د) صدور سفته سازشی به صورت غیر متناوب بلا اشکال است .

17) با توجه به اعتبار برات سازشی ، آیا صدور سفته سازشی نیز با توجه به قانون تجارت معتبر است ؟

الف) خیر زیرا نص قانونی وجود ندارد .

ب) بله ، زیرا منع قانونی وجود نداشته و هر عملی حقوقی با قصد استناد معتبر است .

ج) خیر زیرا مقایسه برات با سفته در هر حال منشاء قانونی ندارد .

د) اعتبار آن به نظر دادگاه بستگی دارد .

18) در تفاوت های برات با سفته کدام یک از موارد زیر می تواند صحیح باشد ؟

الف) در وجه شخص معین صادر شدن

ب) در حواله کرد شخص صادر شدن

ج) در وجه حامل صادر شدن

د) هیچکدام

19) پرداخت وجه معین شده در سفته با چه نوع پولی باید صورت پذیرد؟

الف) با هر نوع پولی که دارنده بپذیرد.

ب) هر نوع پولی که متعهد پرداخت کند.

ج) فقط پولی که در سند معین شده است.

د) پولی که در سند معین شده مگر ضوابط بانک مرکزی اجازه ندهد.

20) مقررات شرایط حاکم بر تسلیم سفته (صدور و ظهر نویسی) چه ارتباطی با برات دارد؟

الف) همانند برات است

ب) مقررات خاص دارد

ج) در برخی موارد مانند برات است.

د) با توجه به مبلغ سفته معین می شود.

21- صدور سفته.....قانونا امکان پذیر است؟

الف) با امضاء یا صادرکننده و تاریخ صدور و سایر مندرجات اجباری.

ب) با امضاء صادرکننده و فقط قید تاریخ پرداخت.

ج) فقط با امضای صادرکننده.

د) فقط با امضای صادرکننده و قید تاریخ صدور.

22- فته طلب سندی است که به موجب آن امضاء کننده تعهد می کند مبلغی را در..... بپردازد؟

الف) موعده معین ب) عندالمطالبه ج) زمان فوری د) الف یا ب

23- کدام یک از موارد زیر در مورد سفته مصداق ندارد؟

الف) محل سفته ب) اعتراض نکول

ج) الزامی بودن قید اسم دارنده سفته در هنگام صدور

د) هر سه مورد

24) به موجب قانون تجارت ایران :

الف) تمام مقررات راجع به برات در سفته جاری است.

ب) تمام مقررات برات به جز پروتست در مورد سفته نیز جاری است

ج) مقررات مربوط به قبولی و نکولی برات در سفته جاری نیست.

د) مقررات قبولی و نکولی برات در مورد سفته هم جاری است.

25) کدام مورد زیر جزء وجوه مشترک بین سفته و برات است ؟

- الف) در برات و سفته قبول و نکول شرط است .
- ب) در برات و سفته حداقل نام سه نفر به عنوان مسئولین آن وجود دارد .
- ج) در برات و سفته مکان و محل پرداخت وجه شرط است .
- د) قوانین خارجی که در مورد برات باید رعایت شود ، در مورد سفته نیز لازم الرعایه است

پاسخنامه تشریحی

- 1- گزینه الف صحیح است . به ماده 308 قانون تجارت مراجعه شود .
- 2- گزینه ب صحیح است . به ماده 308 قانون تجارت مراجعه شود.
- 3- گزینه د صحیح است . به فصل دوم ، گفتار دوم مراجعه شود .
- 4- گزینه ج صحیح است به فصل دوم گفتار دوم ، مراجعه شود .
- 5- گزینه الف صحیح است به فصل دوم گفتار دوم ، مراجعه شود .
- 6- گزینه الف صحیح است به فصل دوم گفتار سوم مراجعه شود .
- 7- گزینه ج صحیح است به فصل دوم ، گفتار سوم مراجعه شود .
- 8- گزینه د صحیح است به فصل دوم گفتار چهارم مراجعه شود .
- 9- گزینه ج صحیح است به فصل دوم گفتار چهارم مراجعه شود .
- 10- گزینه ب صحیح است به فصل دوم گفتار چهارم مراجعه شود
- 11- گزینه د صحیح است به فصل دوم گفتار چهارم مراجعه شود.
- 12- گزینه ج صحیح است به فصل دوم گفتار چهارم مراجعه شود.
- 13- - گزینه ج صحیح است به فصل دوم، گفتار پنجم مراجعه شود.
- 14- گزینه الف صحیح است به فصل دوم، گفتار پنجم مراجعه شود.
- 15- گزینه د صحیح است . به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ، مبحث سفته مراجعه شود .
- 16- گزینه ج صحیح است به فصل دوم، گفتار پنجم نکته دوم مراجعه شود.
- 17- گزینه ب صحیح است به فصل دوم، گفتار پنجم نکته دوم مراجعه شود.
- 18- گزینه ج صحیح است . به ماده 307 قانون تجارت مراجعه شود.
- 19- گزینه د صحیح است . به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ، مبحث سفته مراجعه شود.
- 20- گزینه الف صحیح است به فصل دوم بخش دوم ، مراجعه شود.
- 21- گزینه الف صحیح است به مواد 307 و 308 قانون تجارت مراجعه شود .

22- گزینه د صحیح است . به ماده 307 قانون تجارت مراجعه شود

23- گزینه د صحیح است زیرا این موارد مختص برات است .

24- گزینه ج صحیح است به دلیل اختصاص قبولی به برات است

25- گزینه د صحیح است به فصل دوم ، به بخش دوم مراجعه شود .

اصل عدم تأثیر ایرادات

گفتار اول : حدود اصل عدم تأثیر ایرادات

- 1- دارنده سفته نیز باید مانند دارنده برات از طرح ایرادات در امان باشد :
بنابراین صاحب ورقه ی سفته از اصل عدم توجه ایرادات بهره مند می باشد. این امر به گردش سریع سفته همانند برات کمک شایانی می نماید .
- 2- سقوط طلب بستانکار : امضاء کننده مورد مراجعه دارنده نمی تواند ایراد نماید که بدهی او به انتقال گیرنده سند پرداخت و یا به طریقی محاسبه شده است
طبق مواد 309-249 ق ت کسی که سفته صادر نموده است ، در مقابل دارنده سفته مسئول می باشد و اعتراض او به عنوان پرداخت وجه سفته به ظهر نویس پذیرفته نمی باشد .
- 2- تراضی طرفین در تأثیر ایراد :
در صورتی که بین صادر کننده سفته و دارنده آن در مورد توجه ایرادات به ایادی غیر مستقیم تراضی به عمل آمده باشد، در حقوق شخص ثالث بی اثر است .
به موجب حکم دادگاه و مواد 249 و 307 ق ت ، دارنده سفته در صورت پرداختن و اخواست می تواند به هر یک از سفته دهنده و ظهر نویس مراجعه کند و تنظیم قرارداد مخالف این حق ، بین صادر کننده سفته و ظهر نویس رافع این حکم نخواهد بود .
- 4 – انتقال سفته به صورت سازشی (صوری) : امکان دارد که سفته ای به طریق سازشی جهت اعطای اعتبار تنظیم گردیده و به دارنده تسلیم گردد و دارنده نیز سفته را به ثالثی واگذار نماید .
حال اگر دارنده جدید علیه متعهد سفته برای دریافت وجه اقامه دعوی کند ، استناد به ایراد صوری بودن سفته میان نفر اول و دوم ، قابل اعتنا نخواهد بود .

گفتار دوم : محدودیتها

الف) در ایادی غیر مستقیم

- 1- قید ایراد در سند : دارنده سند وقتی با حسن نیت و قابل حمایت تلقی می گردد که ایراد قابل اعتنا در برگه سفته درج نشده باشد. به عنوان مثال اگر ورقه « به حواله کرد » ذی نفع تنظیم شده ، انتقال آن به غیر ظهر نویسی ، حالت تجاری خواهد داشت والا عدم حسن نیت دارنده ای که ورقه بدون حواله کرد را با آگاهی از این ایراد در خور پذیرش تحویل گرفته ، محرز می گردد .

رای مورخه 63/1/29 در شعبه 5 دادگاه عمومی تهران

که بیان می‌دارد. «در متن سفته‌ها اشاره به تضمینی بودن و عناوینی از این قبیل نشده و موجود سفته‌ها نزد خواهان فی نفسه در استحقاق وی و اشتغال ذمه خوانده دلالت دارد». گویای این امر می‌باشد .

2- عدم اهلیت یا جعل امضای متعهد ظاهری : ایراد مربوط به اهلیت نداشتن امضاء کننده و یا جعل امضای شخص مورد مراجعه، مقابل هر دارنده ولو با حسن نیت تاثیر قطعی دارد و در تمام نظامهای حقوقی قابل چشم پوشی نیست .

ب (در ایادی مستقیم

تاثیر اصل در زمانی است که در روابط براتی ناشی از تضامنی طولی ، دستی علیه دست غیر مستقیم به تعقیب حقوقی پردازد . پس اجرای این اصل در روابط دستهای بلا واسطه براتی تاثیر متقابل ایرادات معاملاتی را به دنبال خواهد داشت . چه میان هر دست با دست قبل و بعد از خود غیر از رابطه براتی ، رابطه ابتدایی نیز موجود بوده است . اگر سفته ای را صادر یا ظهرنویسی کرده به جهت وصول کالا یا پرداخت بدهی می‌باشد .

لذا هر دو رابطه ، با منشا واحد ، به جهت وصول کالا یا پرداخت بدهی می‌باشد .

لذا هر دو رابطه ، با منشا واحد ، به طور همزمان در دادگاه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند .

البته این مورد مصادیق خود را در سفته های تضمینی هم باز می‌یابد . به چند رأی صادره از دادگاه های در این زمینه توجه نمایید .

رأی مورخ 27/8/5 شعبه 6 تمیزی دیوان کشور

اگر در سفته مستند مدعی تصریح شده باشد که در مقابل جنس صادر گردیده است و دهنده سفته دلایلی بر تسلیم نکردن جنس مزبور اقامه کرده باشد ، دادگاه باید در زمینه تسلیم جنس ، رسیدگی کرده و سپس رأی دهد .

حکم شعبه 12 دیوان عالی کشور در پرونده کلاسه 310/720

دفاع خوانده متعهد سفته مستند براینکه سند به منظور وثیقه و تضمین و تنظیم سند رسمی انتقال صادر شده به نام تجدید نظر خواه می‌بایست مورد توجه دادگاه قرار گیرد که آیا شرط استفاده از تعهد سفته فراهم آمده یا خیر

ج (شرط خاص تاثیر ایرادات

1- اقامه دعوی متقابل : از روی دیوان عالی استنباط می‌گردد که مدافعات صادر کننده سفته های تضمینی مقابل دعوی براتی دارنده این اوراق ، به میزانی که بتوانند مستقیماً و به روشنی تعهد صاحب امضاء را کاهش داده یا سلب کند ، شنیده می‌شود . در غیر این صورت اگر متعهد متقابلاً ادعایی به عنوان نمونه راجع به فسخ قرارداد پایه داشته باشد ، می‌باید در دعوی تقابل اقدام کند و گر نه چنین ایرادی مسموع نخواهد بود .

این روش موجب تقویت اسناد تجاری است .

2- ایراد در خورد پذیرش : ایرادات در دست مستقیم می‌باید قابل قبول باشد .

3- عدم تحقق شرط : اگر سفته تضمینی باشد می‌بایست شرط تحقق یابد .

4- عدم قابلیت استرداد مبلغ مورد وصول در صورتی که مبلغ سند تضمینی بدون تحقق شرط دریافت شده باشد

قابل استرداد خواهد بود .

مجموعه تست

- 1- اصل عدم تأثیر ایرادات چه تأثیری بر روی اسناد تجاری از جمله سفته دارد ؟
- الف) بی اعتباری سفته ب) گردش سریع سفته ج) کاستن مسئولیت متعهد د) هیچکدام
- 2- آیا متعهد سفته با پرداخت بدهی می تواند از انجام دادن تعهد خود امتناع ورزد؟
- الف) در برخی موارد می تواند
ب) می تواند
ج) نمی تواند
د) در برخی موارد نمی تواند
- 3- آیا انعقاد قرار داد میان صادر کننده سفته و ظهر نویس می تواند دارنده را از حق خود محروم نماید؟
- الف) خیر نمی تواند
ب) بله می تواند
ج) بستگی به مفاد قرار داد دارد
د) هیچکدام
- 4- پس از صدور سفته سازشی و انتقال آن به دارنده ی بعدی مسئولیت متعهد نسبت به دارنده جدید کدام یک از موارد زیر است ؟
- الف) سفته سازشی بوده و متعهد مسئولیتی ندارد .
ب) سفته سازشی فقط میان ایادی مستقیم اعتبار دارد .
ج) سفته سازشی بوده و متعهد در پرداخت مبلغ آن مسئولیت دارد .
د) متعهد مسئول بوده و استناد به سازشی بودن سفته اعتبار ندارد .
- 5- در صورت قید ایراد در سفته استناد دارد به اصل عدم ایرادات چه وضعیتی دارد ؟
- الف) بنابراین اصل هیچ ایرادی پذیرفته نمی باشد .
ب) تنها برخی از ایرادات با قبول متعهد پذیرفته می باشد .
ج) ایرادات قابل اعتنا که در سفته درج شده باشد ، پذیرفته می شود .
د) پیش از یک ایراد پذیرفته نمی شود .

6- جعل امضای متعهد چه تاثیری در تعهد وی نسبت به دارنده دارد؟

الف) تاثیر قطعی دارد .

ب) تاثیر ندارد .

ج) در برخی موارد موثر است

د) بستگی به نظر دادگاه دارد

7- بنا بر اصل عدم تاثیر ایرادات در معامله بین ایادی مستقیم ، آیا تعهد پایه نیز علاوه بر تعهد سفته ای

مورد رسیدگی دادگاه قرار می گیرد؟

الف) در اسناد تجاری تعهد پایه هیچ ارزشی ندارد .

ب) در ایادی مستقیم و غیر مستقیم تعهد پایه معتبر است .

ج) تنها در ایادی غیر مستقیم تعهد پایه اعتبار دارد .

د) تعهد پایه در ایادی مستقیم قابل رسیدگی می باشد .

8- آیا اقامه دعوی متعهد سفته علیه دارنده شنیده می شود؟

الف) شنیده نمی شود

ب) در هر حال شنیده می شود .

ج) در صورتی که این اقامه دعوی مستقیماً تعهد صاحب امضاء را کاهش داده یا سلب کند، شنیده می شود .

د) هیچکدام.

9- کدام یک از ایرادات زیر در مستقیم می تواند قابل قبول باشد؟

الف) هر ایرادی پذیرفته می شود

ب) ایرادات در خور پذیرش قابل قبول است

ج) فقط ایرادات خاص پذیرفته می شود .

د) هیچ ایرادی قابل قبول نمی باشد .

10- اگر سفته به صورت تضمینی صادر شود ، ضمانت اجرای شرط موجود در سفته چیست؟

الف) در صورت تحقیق شرط قابل مطالبه است .

ب) سفته در حال در سررسید قابل متفاوت است

ج) هر نوع شرطی در سفته باطل و بی اثر است

د) فقط برخی از شروط خاص اعتبار دارد .

11- در صورت عدم تحقق شرط در سفته تضمینی و پرداخت وجه آن پرداخت مذکور چه انرژی دارد ؟

الف) این پرداخت صحیح بوده و تحقق شرط در آن اثری ندارد .

ب) بنا بر اصل عدم تاثیر ایرادات وجه مذکور قابل استرداد نیست .

ج) وجه مذکور قابل استرداد نبوده اما باید شرط را اجبارا اجرا نمود .

د) به علت عدم تحقق شرط وجه مذکور قابل استرداد است .

12- الف در دادگاه ثابت می کند که دین خود به « ب » (اولین دارنده سفته) را پرداخته اما از استرداد آن

غفلت نموده است در این صورت:

الف) حق استرداد سفته را مطلقا داراست .

ب) حق استرداد سفته را مطلقا دارا نیست .

ج) حق استرداد سفته را در صورتی که به غیر منتقل نشده باشد داراست

د) هیچکدام .

13 – کدام گزینه صحیح است ؟

الف) ایراد و اعتراض متعهد به عنوان پرداخت وجه سفته به ظهر نویس مسموع است

ب) سفته ذاتاً تجاری است .

ج) سند تجاری پس از صدور دلیلی بر مدیونیت صادر کننده نمی باشد .

د) سند تجاری درید دارنده ظهور در اشتغال ذمه صادر کننده دارد .

14- به منظور تأدیه وجه سفته محاکم در دادن مهلت به مدیون چه اختیاری دارند؟

الف) اختیار مطلق دارند .

ب) هیچ اختیاری ندارند .

ج) تنها با رضایت مدیون اختیار دادن مهلت دارند .

د) هیچکدام .

15 شخصی که وجه سفته را قبل از سررسید بپردازد :

الف) بری الذمه می شود .

ب) بری الذمه نمی شود .

ج) ممکن است بری الذمه نشود .

د) بستگی به نظر دادگاه دارد .

پاسخنامه تشریحی

- 1- گزینه ب صحیح است به فصل سوم ، گفتار اول ، مورد 1 مراجعه شود .
- 2- گزینه ج صحیح است . به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ، مبحث سفته مراجعه شود .
- 3- گزینه الف صحیح است . به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری مبحث سفته مراجعه شود .
- 4- گزینه د صحیح است . به فصل سوم ، گفتار اول ، مورد 4 مراجعه شود .
- 5- گزینه ج صحیح است به فصل سوم ، گفتار اول ، قسمت الف ، مورد 1 مراجعه شود .
- 6- گزینه الف صحیح است . به فصل سوم ، گفتار اول ، قسمت الف ، مورد 2 مراجعه شود .
- 7- گزینه د صحیح است . به فصل سوم ، گفتار اول ، قسمت الف ، مورد 1 مراجعه شود .
- 8- گزینه ج صحیح است . به فصل سوم ، گفتار اول ، قسمت ج ، مورد 1 مراجعه شود .
- 9- گزینه ب صحیح است به فصل سوم ، گفتار اول ، قسمت ب مراجعه شود .
- 10- گزینه الف صحیح است . به فصل سوم ، گفتار اول ، قسمت ج ، مورد 3 مراجعه شود .
- 11- گزینه د صحیح است . به فصل سوم ، گفتار اول ، قسمت ج ، مورد 4 مراجعه شود .
- 12- گزینه ج صحیح است . به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ، مبحث سفته مراجعه شود .
- 13- گزینه د صحیح است . به ماده 320 قانون تجارت کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ، مبحث سفته مراجعه شود .
- 14- گزینه ج صحیح است . به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری مبحث سفته مراجعه شود .
- 15- گزینه ج صحیح است . به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود .

حقوق دارنده سفته

برای این که دارنده سفته بتواند از مزایایی که قانون تجارت برای وصول وجه سفته قائل شده است ، استفاده کند ، باید شرایط و مقرراتی را که ذیلا بیان می گردد رعایت نماید :

الف (مطالبه و واخواست

دارنده سفته باید در سررسید وجه سفته را مطالبه کند . اگر پرداخت صورت نگیرد ، دارنده باید ظرف ده روز از تاریخ سررسید سفته ، واخواست به عمل آورد . اگر روز دهم تعطیل باشد ، واخواست روز بعد از آن انجام می شود . واخواست عبارتست از اعتراض رسمی نسبت به سفته ای که در سررسید پرداخت نشده است . واخواست علیه صادر کننده سفته به عمل می آید و باید به وی ابلاغ گردد.

در واخواست نامه باید مراتب ذیل نوشته شود :

- 1- رو نوشت کامل سفته که به وسیله واخواست کننده نوشته می شود .
 - 2- امر به تأدیه وجه سفته که توسط دادگاه انجام می گیرد .
- برای درک اهمیت واخواست باید به این تذکر قانون توجه شود که هیچ نوشته ای نمی تواند از طرف دارنده سفته جایگزین واخواست نامه گردد .
- واخواست نامه در 3 نسخه تنظیم می شود . مامور ابلاغ ، نسخه دوم واخواست نامه را به ابلاغ شونده یا محل اقامت او می دهد .

نسخه اصلی به واخواست کننده تحویل و نسخه سوم ، در دفتر واخواست ثبت می شود . در سفته عندالمطالبه که سررسید آن به وسیله دارنده تعیین و به صادر کننده ابلاغ می گردد، واخواست باید ظرف 10 روز از سررسید به عمل آید . باید یادآوری نمود که واخواست سفته برای دارنده آن دو مزیت دارد :

- 1- دارنده سفته را قادر می سازد که از مسئولیت تضامنی که به موجب ماده 249 ق ت نفع آن برای صادر کننده و ظهر نویس مقرر است ، به شرط اقامه دعوی در مواعد قانونی استفاده ، کند .
- 2- در صورت اقامه دعوی ، تامین معادل مبلغ سفته را برای دارنده سفته بدون سپردن وثیقه ممکن می سازد .

ب) اقامه دعوی ظرف مهلت مقرر

مستفاد از ماده 286 ق ت اگر دارنده سفته ای که بایستی در ایران تأدیه شود و به علت عدم پرداخت واخواست نماید و بخواهد از حقی که ماده 249 ق ت برای او مقرر داشته استفاده کند ، باید ظرف مدت یک سال از تاریخ واخواست اقامه دعوی نماید و مستفاد از ماده 287 ق ت در مورد سفته ای که باید در خارجه تأدیه شود ، اقامه دعوی بر علیه صادر کننده سفته یا ظهر نویس های مقیم ایران باید ظرف دو سال از تاریخ واخواست به عمل آید .

این محدودیت های زمانی برای استفاده از حق اقامه دعوی در مورد ظهر نویس ها نیز اجرا می شود .

زیرا مستفاد از ماده 288 ق ت ظهر نویسی که وجه سفته را به دارنده آن پرداخته است اگر بخواهد از مسئولیت تضامنی صادر کننده و ظهر نویس های قبل از خود که در ماده 249 ق ت مقرر است ، استفاده نماید ، لازم است در مواعدی که در شماره مزبور گفته شد ، اقامه دعوی نماید .

نسبت به ظهر نویس مزبور ، موعد اقامه دعوی از فردای ابلاغ احضاریه دادگاه محسوب است .
مستفاد از ماده 289 ق ت باید گفت که هر گاه در مهلت های مقرر اقامه دعوی نشود ، دعوی دارنده سفته بر ظهر نویس ها و همچنین دعوی هر یک از ظهر نویس ها بر ظهر نویس قبل از خود ، در دادگاه پذیرفته نخواهد شد .
دارنده سفته همواره ، مطابق مواد 318 و 319 حق مراجعه به متعهدان را به عنوان مسئول اصلی برگه از باب دارایی غیر عادلانه یا استفاده بلا جهت داراست

رأی اصراری ش 827 مورخ 30/7/21 می گوید : « طبق مفهوم ماده 290 و 218 ق ت دارنده سفته بر هر تقدیر می تواند به دهنده آن رجوع کند هر چند نسبت به سفته پروتست نشده باشد . »

البته اقدام به واخواست سفته در حالت های مختلفی قابل تصور باشد .
سفته به رویت یا دیداری طبق ماده 274 ق ت ظرف مدت یکسال از تاریخ صدور واخواست پذیر می باشد . در صورتی که سند به وعده از تاریخ صدور یا موکول به روز معین باشد می بایستی در روز وعده وجه آن مطالبه گردد ، در این حالت ، مطابق ماده 280 ق ت ظرف مهلت ده روز از سررسید به عمل آید .

طبق ماده 284 ق ت دارنده پس از اعتراض می باید عدم تأدییه را ظرف ده روز به واگذارنده اطلاع دهد .
هر ظهر نویس نیز برابر ماده 285 ق ت نسبت ید ما قبل از خود به همین صورت عمل خواهد کرد . وجه قابل مطالبه شامل این مبالغ می باشد :

اصل وجه سفته ، هزینه دادرسی و دفتر ، هزینه واخواست ، حق الوکاله وکیل و خسارت تاخیر تأدییه مطابق قرارداد بانکی . از دیگر مزایای سفته ، تامین خواسته می باشد که به نفع دارنده سفته برقرار می گردد . مستفاد از ماده 292 ق ت ، پس از اقامه دعوی ، دادگاه موظف است به محض تقاضای دارنده سفته ای که به علت عدم پرداخت واخواست شده است معادل وجه سفته را از اموال مدعی علیه (خوانده) به عنوان تامین توفیق نماید . نتیجه تامین خواسته افزوده شدن اعتبار و استحکام موقعیت سفته نسبت به اسناد دیگر است .

در پرداخت سفته اگر دارنده سفته به صادر کننده یا به ظهر نویسی که سفته را به او منتقل نموده پولی غیر از آن نوع که در سفته تعیین شده است بدهد و آن سفته در اثر عدم پرداخت واخواست شود ، دارنده سفته می تواند نسبت به مورد از صادر کننده یا ظهر نویس مزبور ، نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در سفته تعیین شده ، مطالبه کند ولی از سایر مسئولان سفته جز نوع پولی که در سفته تعیین شده قابل مطالبه نیست .

در صورتی که وجه سفته قانوناً نزد متعهد توقیف شده باشد، وی نمی‌تواند آنرا به دارنده سفته پرداخت نماید و در صورت پرداخت در برابر کسی که وجه سفته به نفع او توقیف شده است، مسئول خواهد بود.

پرداخت کننده سفته در هنگام پرداخت سفته باید توالی ظهر نویسی را مراعات نماید و احراز کند که دارنده ی واقعی وجه سفته را دریافت نماید.

هر شخص ثالثی می‌تواند از طرف صادر کننده سفته یا یکی از ظهر نویس ها، وجه سفته وخواست شده را پرداخت نماید.

دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه سفته به دارنده باید در وخواست نامه یا در ذیل آن قید گردد.

اقدام ثالث برای پرداخت وجه سفته به دارنده سفته ممکن است از طرف صادرکننده یا یکی از ظهر نویس ها باشد. در این مورد به موجب مواد 309 و 270 ق ت باید گفت که اگر وجه سفته را شخص ثالث از طرف صادرکننده سفته پرداخت کند، تمام ظهر نویس ها بری الذمه می‌شوند.

اگر پرداخت وجه از طرف یکی از ظهرنویس ها به عمل آید، ظهرنویس های بعد از او بری الذمه می‌شوند. اگر دو نفر همزمان هر یک از جانب یکی از مسئولان سفته برای پرداخت وجه حاضر شود، پیشنهادکسی پذیرفته است که تأدیه وجه از طرف او تعداد زیادتری مسئولان را بری الذمه نماید.

شخص ثالث پس از پرداخت وجه سفته به دارنده سفته نسبت به آن، دارای تمام حقوق و وظایف دارنده سفته خواهد شد و می‌تواند برای دریافت وجه آن در حدود مقررات به آنها رجوع کند.

مجموعه تست

- 1- در نقل و انتقالات متوالی سفته به وسیله ظهرنویسی اگر دارنده فعلی ، دارنده چهارم بوده و به علت عدم تأدیه و اعتراض وجه سفته را از دارنده دوم وصول نماید ، دارنده دوم :
- الف) فقط حق مراجعه به دارنده اول را خواهد داشت .
 - ب) فقط حق مراجعه به صادر کننده را خواهد داشت .
 - ج) حق مراجعه به دارنده اول و صادرکننده را خواهد داشت .
 - د) حق مراجعه به دارنده اول و سوم را خواهد داشت .
- 2- اگر دارنده سفته ظرف مدت مقرر اطلاع نامه ای مبنی بر عدم پرداخت برای کسی که سفته را به او داده

ارسال ندارد

- الف) حق مراجعه خود را از دست نمی دهد .
- ب) حق مراجعه خود را نسبت به آن شخص از دست می دهد .
- ج) حق مراجعه خود را نسبت به مسئولان از دست می دهد .
- د) حق مراجعه خود را از دست نمی دهد ، حتی اگر واخواست نکرده باشد.

3- واخواست سفته در چه مرجعی صورت می گیرد ؟

الف) دفتر اسناد رسمی

ب) اداره ثبت اسناد رسمی

ج) دفتر مخصوص دادگاه

د) بانک های دولتی

4- در چه صورتی دارنده سفته می تواند به ظهرنویس مراجعه کند ؟

- الف) باید ظرف مدت 1 سال از تاریخ ارائه به صادر کننده اقامه دعوی کند .
- ب) باید ظرف مدت یکسال از تاریخ واخواست اقامه دعوی کند .
- ج) باید ظرف مدت شش ماه از تاریخ سررسید اقامه دعوی کند .
- د) باید ظرف مدت 4 ماه از تاریخ واخواست اقامه دعوی کند .

5- شخص ثالثی که وجه سفته را تأدیه می نماید ؟

- الف) دارای تمام حقوق دارنده سفته می باشد.
- ب) حق دارد به شخصی که به نفع او پرداخت کرده ، مراجعه کند .
- ج) می تواند به ایادی ما قبل مراجعه کند.
- د) همه ی موارد.

6- دارنده سفته به علت تصادف و بستری شدن نتوانسته است آنرا واخواست کند ، در نتیجه :

الف دعوی ولی علیه ظهرنویس مسموع نیست .

ب) دعوی وی علیه ظهرنویس مسموع می باشد.

ج) دعوی فقط تا 2 سال علیه ظهر نویس مسموع است .

د) پس از بهبودی می تواند واخواست نماید.

7- برای اینکه دارنده سفته بتواند وجه سفته را از ظهرنویس مطالبه کند، ابلاغ واخواست نامه به ظهرنویس

لازم.....

الف) است

ب) نیست اگر شرط شده باشد .

ج) نیست.

د) است اگر ظهرنویس تاجر باشد.

8- حق دارنده سفته ای که باید در ایران پرداخت شود ولی به علت عدم پرداخت اعتراض شده، در رجوع به

ظهرنویس :

الف) سه ماه است

ب) یکسال است

ج) شش ماه است

د) دوسال است

9- دارندهحتی اگر واخواست هم نشده باشد ،می تواند به صادر کننده آن مراجعه کند ؟

الف) سفته

ب) برات

ج) برات و سفته

د) برات و چک

10- واخواست سفته های عندالمطالبه به استناد نظر به مشورتی 3147-62/12/7

الف) همانند سفته های به رویت می باشد

ب) همانند سفته های با سررسید معین است

ج) از طریق اظهار نامه رسمی دادگستری به عمل می آید .

د) از طریق بانک ها اقدام به واخواست می شود .

11- مهلتی که دارنده سفته بتواند علیه ظهرنویس یا ظهرنویسان اقامه دعوی کند ...است.

الف) یکسال از تاریخ واخواست

ب) یکسال از تاریخ سررسید سفته

ج) سه ماه از تاریخ ارائه سفته

د) شش ماه از تاریخ صدور سفته

12- برای اینکه دارنده سفته بتواند علیه ظهرنویس این سند اقدام کند ، باید ظرف مدت مقرر قانونی از

تاریخ اقامه دعوی کند.

الف) ثبت واخواست نامه

ب) سررسید

ج) ابلاغ واخواست نامه

د) ابلاغ اظهار نامه

13- اگر دارنده سفته مراتب عدم پرداخت وجه سند را به ظهرنویس ماقبل خود اطلاع ندهد، حق مراجعه

خود را:

الف) به آن ظهرنویس ازدست می دهد.

ب) ازدست نمی دهد

ج) نسبت به امضاء کنندگان از دست می دهد .

د) نسبت به صادر کننده سفته از دست می دهد .

14-مهلت اعتراض عدم تأدیه نسبت به سفته پرداخت شده 10 روز است . ابتدای این مدت سررسید و

انقضای آن :

الف) تاریخ ثبت واخواست در دفتر مخصوص است .

ب) تاریخ ابلاغ واخواست است .

ج) تاریخ اقامه دعوی است .

د) تاریخی است که دارنده سند در واخواست تعیین کرده است .

15- برای اینکه دارنده بتواند وجه آن سند را از ظهرنویس مطالبه کند، واخواست نامه باید شود؟

(الف) ثبت

(ب) فقط به ظهر نویس ابلاغ

(ج) به ظهر نویس هم ابلاغ .

(د) به همه مسئولان ابلاغ

16- دارنده سفته برای استفاده از مزایایی که قانون تجارت برای وصول وجه سفته قائل شده است ، باید چه

شرایط و مقرراتی را رعایت نماید ؟

(الف) مطالبه و واخواست

(ب) اقامه دعوی ظرف مهلت مقرر

(ج) موارد الف و ب

(د) هیچکدام

17- مطالبه وجه سفته در چه زمانی بایستی توسط دارنده انجام گیرد و در صورت عدم پرداخت زمان انجام

واخواست چه تاریخی می باشد ؟

(الف) فوراً- یکسال از تاریخ سررسید

(ب) شش ماه پس از صدور سفته - در سررسید

(ج) در سررسید - ده روز از تاریخ سررسید

(د) یکسال پس از صدور سفته - ده روز از تاریخ سررسید

18- کدام یک از موارد زیر از مزایای واخواست سفته می باشد ؟

(الف) پرداخت فوری وجه سفته

(ب) تامین معادل وجه سفته بدون سپردن وثیقه

(ج) زندانی کردن متعهد و توقیف اموال وی

(د) موارد الف و ب

19- مهلت اقامه دعوی برای سفته هایی که باید در ایران و خارج تأدیه گردند به ترتیب و از تاریخ

واخواست می باشد

الف) شش ماه - یکسال

ب) یکسال - دو سال

ج) یک سال - یک سال

د) دوسال - دوسال

20- ضمانت اجرای عدم اقامه دعوی در تاریخ های مقرر قانونی (1 یا 2 سال از تاریخ واخواست) چیست؟

الف) ضمانت اجرایی ندارد

ب) سبب از بین رفتن تعهد تمام مسئولان سفته می باشد.

ج) صادر کننده بری می شود

د) دعوی دارنده سفته علیه ظهرنویس ها پذیرفته نمی باشد.

21 - دارنده سفته حق مراجعه به متعهدان سفته را همواره بنا بر کدام یک از موارد زیر داراست؟

الف) حقوق خاص اسناد تجاری

ب) حق زحمت دارنده با حسن نیت

ج) استفاده بلاجهت

د) هیچکدام

22- کدام یک از وجوه زیر در سفته قابل مطالبه نمی باشد؟

الف) اصل وجه سفته

ب) هزینه های دارنده

ج) هزینه دادرسی

د) هزینه واخواست

23- از کدام یک از مسئولان سفته می توان علاوه بر پولی که در سفته تعیین شده پولی را که به آنها

پرداخت شده است را نیز، دریافت نمود؟

الف) صادرکننده

ب) شخص ثالث

ج) ظهرنویسان مابعد

د) همه موارد

24- در چه صورتی متعهد مجاز است که وجه سفته را به دارنده سفته پرداخت ننماید ؟

الف) در هیچ صورتی مجاز نیست

ب) در هر صورت مجاز است

ج) در صورتی که وجه سفته قانونا نزدوی توقیف باشد

د) در بسیاری از موارد مجاز است

25- اگر شخص ثالث وجه سفته را از سویپرداخت کند، تمام ظهرنویسها بری الذمه می شوند.

الف) صادرکننده

ب) یکی از ظهرنویس ها

ج) خودش

د) همه موارد

پاسخنامه تشریحی

- 1- گزینه ج صحیح است. به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود.
- 2- گزینه د صحیح است. به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ، مبحث سفته مراجعه شود .
- 3- گزینه ج صحیح است. به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ، مبحث سفته مراجعه شود .
- 4- گزینه ب صحیح است. به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود.
- 5- گزینه الف صحیح است. به فصل چهارم ، قسمت ب مراجعه شود.
- 6- گزینه الف صحیح است. به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود.
- 7- گزینه ب صحیح است. به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود.
- 8- گزینه الف صحیح است. به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود
- 9- گزینه ج صحیح است. به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود
- 10- گزینه الف صحیح است. به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ، مبحث سفته مراجعه شود
- 11- گزینه الف صحیح است. به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود
- 12- گزینه د صحیح است. به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود
- 13- گزینه ب صحیح است. به فصل چهارم ، قسمت الف مراجعه شود.
- 14- گزینه الف صحیح است. به فصل چهارم ، قسمت ب مراجعه شود.
- 15- گزینه الف صحیح است. به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود
- 16- گزینه ج صحیح است. به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود
- 17- گزینه ج صحیح است. به فصل چهارم ، قسمت ب مراجعه شود.
- 18- گزینه ب صحیح است. به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ، مبحث سفته مراجعه شود
- 19- گزینه ب صحیح است. به فصل چهارم ، قسمت ب مراجعه شود.
- 20- گزینه د صحیح است. به فصل چهارم ، قسمت ب مراجعه شود.
- 21- گزینه ج صحیح است. به فصل چهارم ، قسمت ب مراجعه شود.
- 22- گزینه ب صحیح است. به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ، مبحث سفته مراجعه شود
- 23- گزینه الف صحیح است. به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود
- 24- گزینه ج صحیح است. به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود
- 25- گزینه الف صحیح است. به فصل چهارم ، قسمت ب مراجعه شود.

مسئولیت تضامنی

مقدمه: آنچه به روشنی مورد بحث قرار گرفت، وجود تضامن طولی میان مسئولان پی در پی برات است. آنها از متعهد سفته گرفته تا آخرین ظهرنویس، هر یک به نحو صد در صد به پرداخت مبلغ سفته متعهد خواهند بود، البته متعهد نقش اصلی و ظهرنویسان نقش فرعی دارند.

در این میان ممکن است متعهد سفته مانند براتکش یا براتگیر، متعدد باشد. همچنین امکان دارد که از راه ظهرنویسی جزئی یا وراثت دو یا چند شخص همزمان مالک مشاع برگه قرار گیرند و با پشت نویسی خود ورقه را به شخص واحد منتقل سازند. در مقابل این بدهکاران، دارنده سفته می تواند بیش از یک نفر در نظر گرفته شود.

حال آیا ما بین این بدهکاران و یا بستانکاران، تضامن منفی و یا مثبت قابل تصور است یا خیر؟

باید گفت که مطابق قاعده مدنی در هر دو مورد، تعهد و حق تجزیه می شود و در آن قاعده تساوی حکمفرما می باشد.

حکم فزونی سهم هر کدام از بدهکاران یا طلبکاران بر دیگری با اصل عدم روبروست و نتیجه، تعارض و تساقط این اصول، برابری سهام است. این ترتیب یا عدم صراحت قانون برات، توان اجرایی خود را در آرای دیوان عالی کشور باز یافته است. هم چنین این آراء حکم در خصوص مسئولیت ظهرنویسان در یک انتقال قابل تعمیم می باشد. به شرطی که حق هریک از آنان در برگه احراز نگردد و الا اگر حقوق آنها در ورقه مشخصا یکسان نباشد، نمی توان تعهداتشان را از میزان حقوق آنان فراتر گرفت.

استثناء وارد بر اصل تساوی (تضامن قراردادی)

تعهدی که در آن دو یا چند متعهد وجود دارد طبیعتاً میان خودشان قابل تقسیم می باشد. بدین صورت که با مراجعه به بستانکار به نسبت سهم هریک از آنها تعهد مزبور کلاً از بین می رود. این همان اصل عدم تضامن است که در حقوق مدنی ایران حکمفرماست البته قابل ذکر است که در حقوق ما ممکن است در معامله براتی مسئولان متعدد هم سطح به صورت تضامن مقابل دارنده متعهد گردند.

این تضامن قراردادی با حکم ماده 406 ق جاز است. حکم فوق در موردی نیز جاری است

که چند نفر به موجب قرارداد یا قانون متضاماً مسئول انجام تعهدی باشند. پس هرگاه چند شخص همعرض یکدیگر متعهد سفته قرار گیرند یا آنرا ظهرنویسی کرده و در برگه سفته پذیرای مسئولیت تضامنی میان خود گردند، دارنده سند می تواند به هریک به میزان کل مبلغ سند رجوع نماید تا وجه آن به آسانی واصل گردد.

به نظر می رسد علاوه بر تضامن قراردادی که بدون شک مورد پذیرش می باشد، زمان آن فرا رسیده است که امضاء کنندگان همعرض برات نیز بنا بر جهات زیر واجد مسئولیت تضامنی باشند.

الف) اصل حقوقی ضم به ذمه حاکم در قانون تجارت

این اصل توسط دادگاه های ماهوی در خصوص ضامنان متعدد از مضمون عنه واحد برخلاف اصل تقسیم مسئولیت میان آنان مطابق ق آ د م به درستی اعمال می گردد. براتکشان، متعهدان و یک سند تجاری هم خصوصیتی ندارد که از اجزای این قاعده سرپیچی کنند.

ب) وحدت ملاک ماده 220 ق ت

گر چه این متن قانونی به ندرت توسط دادگاه ها استفاده شده ، اما این معنی را می رساند که اگر حدود مسئولیت شرکت رسماً اعلام نگردد، مسئولیت هر یک از شرکاء شرکت عملاً مقابل اشخاص ثالث با حسن نیت در تأدیه دین مشترک آنها صد درصد و تضامنی است .

بنابراین متعهدان همسطح سند تجاری که در واقع شرکای صدور یا ظهرنویسی آن هستند علاوه بر اصل حقوقی ضم ذمه به ذمه بنا به مستنبط از ملاک وحدت ماده فوق متضامناً مسئول پرداخت مبلغ آن می باشند.

علاوه بر مطالب فوق ، مستند به ماده 245 ق ت کسی که سفته را امضاء کرده است و ظهرنویس ها در مقابل دارنده مسئولیت تضامنی دارند. دارنده سفته در صورت عدم تأدیه و واخواست می تواند به هر کدام از آنها که بخواهد ، منفرداً یا به دو یا چند نفر یا به تمام آنها مجتمعا رجوع نماید . همین حق را هر یک از ظهرنویس ها نسبت به صادرکننده سفته و ظهر نویس های ما قبل خود دارد .

اقامه دعوی علیه یک یا چند نفر از مسئولین ، موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولین سفته نمی باشد.

اقامه کننده دعوی مجبور نیست که ترتیب پشت نویسی را از لحاظ تاریخ مراعات نماید.

مطلب قابل توجه این است که مسئولیت ظهرنویس ، اگر بیش از یک نفر باشد ضمیمه مسئولیت صادر کننده می شود و اگر ظهرنویس ها بیش از یک نفر باشند، مسئولیت آنها برای پرداخت وجه سفته ، ضمیمه یکدیگر و مسئولیت صادر کننده می گردد. نتیجه این که تمام ظهر نویسان علاوه بر صادر کننده ، مسئول پرداخت وجه سفته قرار می گیرند و بدین ترتیب انبوهی از مسئولیت ها برای تأدیه سفته به وجود می آید.

از آنچه بیان شد معلوم می گردد که در سفته ظهرنویسی شده علاوه بر دارایی هر یک از ظهرنویسان نیز وثیقه وجه سفته می باشد و این امر وضعیت ممتازی برای دارنده سفته ، از لحاظ وصول وجه آن به وجود می آورد و اعتبار در خور توجهی برای سفته به وجود می آورد.

در پایان این نکته را نباید فراموش کرد که تضامن قراردادی میان بستانکاران سند یعنی دارندگان متعدد آن قابل تصور و پذیرش کامل است البته براساس اصل عدم تضامن ، هر یک از مبلغ برگه نصیبی برابر می برند . اما آنها مخیرند ما بین خود توافق کنند که تمام مبلغ سند به هر یک قابل پرداخت بوده و بدین ترتیب بدهکار یا بدهکاران پرداخت کننده براءت حاصل می نمایند. در این مورد اصولاً بستانکار دریافت کننده موظف است سهم دارندگان دیگر را که امانتاً وصول داشته ، به آنها برگرداند.

مجموعه تست

1- در پرداخت وجه سفته کدام یک از افراد زیر مسئول می باشند؟

الف) صادر کننده

ب) ظهرنویسان

ج) الف و ب

د) شخص ثالث

2- چنانچه ظهرنویسی سفته به منظور وکالت صورت گرفته باشد ، شخصی که با آن ظهرنویسی ، دارنده

سفته شده است در صورت عدم وصول وجه سند می تواند:

الف) علاوه بر واخواست جهت اقامه دعوی اقدام کند.

ب) فقط اقدام به واخواست کند.

ج) فقط تعیین وکیل نماید.

د) هیچ گونه اختیاری ندارد.

3- در صورتی که سفته ای در وجه سه نفر صادر شده و آنان ظهر نویسی کرده باشند ، مسئول آنان در

پرداخت وجه آن سنداست.

الف) مشترک

ب) تضامنی

ج) اگر شرط شده باشد مشترک است .

د) حتی اگر شرط مسئولیت تضامنی شده باشد مشترک است .

4) هر گاه ظهرنویس سفته فوت نماید:

الف) دین نسبت به متعهد و ظهرنویس حال می شود.

ب) دین نسبت به متعهد و ظهرنویس حال نمی شود.

ج) دین نسبت به متعهد حال می شود ولی نسبت به ظهرنویس حال نمی شود.

د) دین نسبت به ظهرنویس حال می شود ولی نسبت به متعهد حال نمی شود.

5) قبولی شخص ثالث پس از اعتراض در مورد سفته.....

الف (قابل اعمال است

ب) قابل اعمال نیست

ج) موضوعیت ندارد

د) هیچکدام

6- در سفته برای اینکه ظهرنویسی به منظور انتقال واقع شود:

الف (باید به امضاء ظهر نویس رسیده و مهر شود

ب) علاوه بر امضاء باید تاریخ هم قید شود.

ج) امضاء ظهرنویس در پشت سند کفایت می کند .

د) علاوه بر امضاء قید نام منتقل الیه نیز لازم است .

7- اگر ظهر نویسان سفته چند نفر باشند ، رابطه میان تعهد و حق برای آنان کدام رابطه زیر می باشد ؟

الف (تساوی

ب) تباین

ج) تعهد مقدم بر حق است .

د) حق مقدم بر تعهد است .

8- بنا بر اصل مسئولیت تضامنی در سفته ، دارنده سفته می تواند نسبت به به هر کدام از مسئولان آن

مراجعه نماید .

الف (نسبت به سهم هر کدام

ب (نسبت به تمام مبلغ سفته

ج (فقط نسبت به سهم هر کدام

د (موارد الف و ب

9- مسئولیت تضامنی در سفته می تواند طبق کدام یک از اصول حقوقی زیر باشد؟

الف) اصل نقل ذمه به ذمه

ب) اصل ضم ذمه به ذمه

ج) صل استقلال امضاءها در اسناد تجاری

د) همه موارد

10- بنا بر ملاک وحدت ماده 220 ق ت در مورد شرکت های عملی در مقایسه با سفته کدام اصل را می توان

به سفته نیز سرایت داد ؟

الف (اصل مسئولیت نسبی

ب (اصل مسئولیت مشترک

ج) اصل مسئولیت تضامنی

د (هیچکدام

11- با توجه به اینکه دارنده سفته می تواند به تمام مسئولان آن مراجعه کند ، وضعیت هر یک از ظهر

نویسان به چه ترتیب است .؟

الف (رجوع به تمام مسئولان سفته

ب (رجوع به صادر کننده و ظهرنویسان مابعد

ج (رجوع به صادر کننده

د) رجوع به صادر کننده و ظهر نویسان ماقبل

12-اقامه دعوی علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولان سفته

الف (نمی باشد .

ب (میباشد

ج) ممکن است باشد

د) هیچکدام

13 - مسئولیت ظهرنویس و صادر کننده سفته در برابر دارنده سفته چه ارتباطی با هم دارند؟

الف (ارتباطی ندارند

ب (به همدیگر ضمیمه می شوند

ج (مستقل از هم اند

د (اگر شرط شده باشد ضمیمه می شود

14- در صورت تعدد دارندگان سفته آیا پرداخت وجه سفته به یک دارنده ، باعث بری الذمه شدن متعهد یا

متعهدان سفته می گردد؟

الف (مطلقا خیر

ب (مطلقا بله

ج) بستگی به تاریخ سفته دارد

د (در صورت تضامن قراردادی میان دارندگان ممکن است .

15- در صورت عدم پرداخت سفته ، اقامه کننده دعوی از رعایت کدامیک از موارد زیر معاف است ؟

الف (تنظیم وخواست

ب (مطالبه وجه سفته.

ج (ترتیب ظهرنویسی از لحاظ تاریخ

د) همه موارد .

پاسخنامه تشریحی

- 1- گزینه ج صحیح است به فصل پنجم ، مقدمه مراجعه شود
- 2- گزینه الف صحیح است به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ،مبحث سفته مراجعه شود.
- 3- گزینه الف صحیح است. به فصل پنجم ، مقدمه مراجعه شود.
- 4- گزینه د صحیح است به کتاب اسناد تجاری ،دکتر محمد صقری ،مبحث سفته مراجعه شود
- 5- گزینه ب صحیح است به دلیل عدم وجود مبحث قبولی در سفته .
- 6- گزینه ج صحیح است . به ماده 309 ق ت مراجعه شود
- 7- گزینه الف صحیح است به کتاب اسناد تجاری دکتر محمد صقری مبحث سفته مراجعه شود
- 8- گزینه د صحیح است به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود
- 9- گزینه ب صحیح است به فصل چهارم ، قسمت الف مراجعه شود.
- 10- گزینه ج صحیح است .به استناد اصل مسئولیت تضامنی امضاءکنندگان سفته.
- 11- گزینه د صحیح است به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود .
- 12- گزینه الف صحیح است .به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود .
- 13- گزینه ب صحیح است .به کتاب اسناد تجاری ،دکتر محمد صقری مبحث سفته مراجعه شود.
- 14- گزینه د صحیح است به کتاب اسناد تجاری دکتر محمد صقری مبحث سفته مراجعه شود .
- 15- گزینه ج صحیح است .به کتاب اسناد تجاری دکتر محمد صقری مبحث سفته مراجعه شود

ضمانت

بنابر ماده 309 ق ت ، مطالب راجع به ضمانت برات در مورد سفته نیز مصداق دارد . با توجه به ماده 249 ق ت ضمانت توسط شخصی ثالث یا یکی از صاحبان امضای برات به عمل آید .

در مورد ضمانت از صاحب امضای برگه می توان گفت که بایستی تضمین دارنده افزایش یابد والا آن ضمانت از درجه اعتبار خارج می گردد . به عنوان مثال ، اگر متعهد سفته از ظهرنویس ضمانت کند ، دارنده هیچ نفعی از آن نمی برد . زیرا متعهد مسئول اصلی برگه محسوب می شود و همواره متعهد به شمار می رود .

ولی بالعکس ، ضمانت ظهرنویس از متعهد برگه نسبت به بستانکار مفید خواهد بود ، زیرا به دلیل عدم واخواست یا حصول مرور زمان تعهد ظهر نویس زوال پذیر است .

بنابراین ضمانت وی از متعهد سفته ، به دوام مسئولیت او می انجامد .

با توجه به این که کلا تعهد جزئی ، مانند قبولی جزئی (ماده 232 ق ت) و یا ظهرنویسی جزئی از حقوق براتی ما و جاهت قانونی دارد ، ضمانت جزئی تابع دستور علیحده ای قرار نمی گیرد . در واقع ، دو موضوع از یک دست محکوم به حکم واحدند . لذا می توان متن فوق را در حقوق ایران قابل اجرا دانست .

اگر به مواد 237 ، 249 و 251 و..... اندکی توجه شود در زمینه مورد بحث نیز ، قطعاً حمایت از دارنده قابلیت داشته ، که مستلزم قبول ضمانت بی نام از برای براتکش ، متعهد سفته و یا صادر کننده چک است .

در حقوق ما در اینکه امضای پشت سند ، ظهرنویسی است یا ضمانت ، به اختلاف نظر برخورد می کنیم . مسلماً شخص باید برای ظهرنویسی باید صاحب سند باشد و بخواهد آنرا به غیر انتقال دهد . حال اگر این امر در رسیدگی ماهوی احراز نگردد ، چه باید کرد ؟ به عقیده اداره حقوقی ، مجرد امضاء در ظهربرات یا سفته توسط شخص ثالث ، ظهور در ضمانت امضاءکننده دارد .

در حالت تعدد ضامن ، ممکن است قید تضامن میان آنان شده باشد اما در صورت عدم ذکر تضامن هم دادگاه ها ، دولتی با استناد به اصل حقوقی ضم ذمه به ذمه در حقوق تجارت ، ضامنان متعدد از مضمون عنه واحد را متعهدان متضمن قلمداد می نمایند .

مراجعه به ضامن در اوراق تجاری مشروط به شمار می رود .

بعضی این دادگاه ها این رجوع را همانند مورد ظهر نویس موكول به وظیفه شناسی یا به عبارتی عدم کاهلی دارنده نموده اند . لذا مشارالیه می باید به موقع واخواست و طرح دعوی نموده باشد .

الف (واخواست به موقع

طبق صدور ماده 249 دارنده بایستی سفته را در فرجه قانونی وخواست نموده باشد. در این صورت نامبرده از مسئولیت تضامنی بهره مند می گردد. در این ماده ابتدا تضامن طولی میان دست ها پی در پی برات بیان شده و سپس به تضامن عرضی میان ضامن و مضمون عنه (متعهد فرعی و اصلی) شماره گردیده است. از آنجایی که در حقوق ما اسناد بازرگانی اصولاً گردش محسوب ندارند، معمولاً دارندگان این اوراق به استناد مسئولیت تضامنی طولی به طرح دعوی مبادرت نموده اند.

ولی در عوض، بستانکار برگه عموماً به اعتبار تعهد تضامنی عرضی علیه مضمون عنه و ضامن سفته دعوی اقامه کرده و حکم به مسئولیت تضامنی خوانندگان دریافت داشته است.

البته در صورتی که تعهد مضمون عنه و ضامن برات به شخص واحدی انتقال یابد، مسئولیت تضامنی ساقط خواهد شد و مسئول جدید شخصاً به تأدیه مبلغ سند مکلف می باشد.

ب) دعوی به هنگام

در سلب حق مراجعه دارنده سهل انگار به ظهر نویس و ضامنش محل تردید نیست.

ولی اگر ضمانت را از متعهد سفته به عنوان مسئول اصلی سند در نظر آوریم، آیا دارنده کاهل، باز هم از حق مراجعه به این مسئولان محروم می باشد؟ در این زمینه، دو نظر به وسیله دادگاه ها و شعب دیوان عالی کشور اعمال شده است.

نظر اول: مرور زمان یکساله ماده 286 ق ت منصرف به مورد ظهرنویس بوده و ارتباطی با ضامن متعهد سفته ندارد. نظر

دوم: مطابق ماده 286 ق ت مسئولیت ضامن مانند ظهرنویس از نوع تضامنی است و مراجعه به ضامن فقط در چارچوب

این متن قانونی قابل پذیرش می باشد. ادامه مسئولیت ضامن متعهد سفته پس از مرور زمان ماده 286 ق ت، مسبوق به

ملاحظات عملی در جهت حفظ ارزش و اعتبار اسناد تجاری است.

امکان دارد ضامن بی بضاعت متعهد سفته مستطیع گردد. در این حالت نقل ذمه فقط مانع مشروع دارنده سند را هدف

قرار می دهد و از برای مضمون عنه یعنی مستفید بلا جهت، راه گریز می گذارد. از لحاظ صلاحیت دادگاه ها اگر ضامن

در شهر دیگری مقیم باشد، دارنده می باید زحمت اقامه دعوی در دادگاه آن محل را بر دوش کشد.

یا اینکه با ملاحظه خطرات و تردید ها از تعقیب حقوقی امضاء کننده صرف نظر نماید تا بدین ترتیب اعتبار سفته بیش از

پیش زیر سوال رود.

مجموعه تست

1- ضامن سفته در صورتی حق مراجعه دارد که

- الف) وجه سفته را به شخصی که در قبال او مسئولیت دارد، پرداخت کرده باشد.
- ب) وجه سفته را پرداخته باشد.
- ج) وجه سفته را پرداخت کرده باشد و مضمون عنه اذن داده باشد.
- د) هیچکدام

2- ضامن صادرکننده سفته در قبال مسئول است و

- الف) ظهرنویسان
- ب) دارنده سفته
- ج) صادرکننده
- د) ظهرنویسان و دارنده سفته

3- دارنده سفته ای که در مهلت مقرر واخواست نشده برای وصول وجه آن به کدام از یک اشخاص ذیل می

تواند رجوع نماید؟

- الف) صادر کننده
- ب) ظهرنویس
- ج) ضامن
- د) صادرکننده و ضامن

4- کسی که به عنوان ضامن در سفته امضاء می کند در صورتی که از طرف دارنده سند علیه او اقامه دعوی

شود حق اقامه نماید .

- الف) ندارد
- ب) دارد علیه مضمون عنه خود و ایادی ما قبل او
- ج) دارد علیه مضمون عنه خود
- د) دارد علیه همه امضاء کنندگان

5- ضمانت می تواند توسط چه کسی در مورد متعهدسفته انجام بگیرد ؟

الف) شخص ثالث یا یکی از صاحبان امضای سفته

ب) فقط امضاء سفته

ج) فقط یکی از صاحبان امضای سفته

د) هیچکدام

6- در مورد ضمانت از صاحب امضای برگه می توان گفت که بایستی تضمین دارنده باید

الف) کاهش

ب) افزایش

ج) موارد الف و ب

د) هیچکدام

7- کدام یک از ضمانت های ذیل برای دارنده مفید می باشد ؟

الف) ضمانت مشهد سفته از ظهرنویس

ب) ضمانت ثالث از دیون شخص متعهد

ج) ضمانت ظهرنویس از متعهد سفته

د) هیچکدام

8- با توجه به قواعد حقوق ما و نظر اداره حقوقی، مجرد امضاء در ظهر برات یا سفته ظهور در ...

الف) ظهرنویسی

ب) وکالت

ج) اثری ندارد

د) ضمانت

9- برای مراجعه به ضامن سفته دارنده باید چه شرایطی را مراعات نماید؟

الف) واخواست به موقع

ب) دعوی به هنگام

ج) موارد الف و ب

د) هیچکدام

10- دارنده سفته چنانچه بخواهد علیه ضامن، ظهرنویس اقامه دعوی نماید، ظرف چه مدتی باید اقامه دعوی

کند؟

الف) ظرف یکسال از تاریخ وخواست

ب) دعوی مقید به مهلت خاصی نیست

ج) ظرف سه ماه از تاریخ وخواست

د) ظرف شش ماه از تاریخ وخواست

11- در صورتی که دارنده سفته پس از مهلت قانثنی اقامه دعوی نماید، می تواند به کدام یک از مسئولان

سفته مراجعه کند؟

الف) ظهرنویس ها

ب) ضامن و ظهرنویس ها

ج) متعهد و ظهرنویس

د) ضامن و متعهد

12- اگر ضامن در شهر دیگری مقیم باشد، دارنده باید در کدام دادگاه اقامه دعوی نماید؟

الف) دادگاه محل صدور سفته

ب) دادگاه محل اقامت دارنده

ج) دادگاه محل اقامت

د) دادگاه انقلاب

پاسخنامه تشریحی

- 1- گزینه ج صحیح است به کتاب اسناد تجاری ،دکتر محمد صقری ،مبحث سفته مراجعه شود
- 2- گزینه د صحیح است . به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود
- 3- گزینه د صحیح است . به ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود
- 4- گزینه ب صحیح است.به فصل ششم ماده 309 قانون تجارت مراجعه شود
- 5- گزینه الف صحیح است.به فصل ششم مراجعه شود.
- 6- گزینه ب صحیح است به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ،مبحث سفته مراجعه شود
- 7- گزینه ج صحیح است به کتاب اسناد تجاری ، دکتر محمد صقری ،مبحث سفته مراجعه شود
- 8- گزینه د صحیح است.به فصل ششم مراجعه شود.
- 9- گزینه ج صحیح است. به فصل ششم مراجعه شود.
- 10- گزینه الف صحیح است.به فصل ششم ،قسمت ب مراجعه شود .
- 11- گزینه د صحیح است به فصل ششم مراجعه شود.
- 12- گزینه ج صحیح است به فصل ششم مراجعه شود.

قبض انبار عمومی

مقدمه

این ورق نوعی سفته محسوب می شود که علاوه بر وعده متعهد به پرداخت مبلغی معین در وجه یا به حواله کرد دارنده ، متضمن رهن مقبوض کالای موجود در انبار عمومی می باشد . لذا برگ وثیقه انبار عمومی از حیثیت عمومی از حیث وثایق عینی و شخصی ساختاری خود محکم ترین و معتبرترین سند بازرگانی محسوب می شود.

در ایران قبوض انبار به موجب آیین مورخ شهریور و دیماه 1340 پا به عرصه وجود نهاد . در حال حاضر با افزایش تولید انواع کالا و محدودیت عرضه آن در بازار، توقف بلند مدت مال التجاره در انبارهای عمومی موضوعیت یافته و صدور قبوض قانونی انبار عمومی به طور جدی مطرح گردیده است .

کاربرد قبض انبار

در صورتی که تولید داخلی (یا واردات کالا) از عرضه آن در بازار فراتر رود ، تجار تمایل روز افزونی به ودیعه گذاردن کالا در انبار عمومی از خود نشان خواهند داد. آنان با دریافت قبض انبار موفق به دریافت وام بانکی در جهت راه اندازی سرمایه می گردند تا در فرصتهای تجاری مناسب یا بخشی از کالای ذخیره شده در انبار را هم وارد بازار نمایند .

اگر شهرت حرفه ای تاجر به آن حد نرسیده باشد که بتواند از نظر شخصیت و موقعیت خویش به کسب اعتبار بانکی نائل گردد ، رهن مال التجاره در انبار عمومی تضمین مناسبی برای بازگشت وام اعطایی به شمار می رود.

زیرا بانک وام دهنده با در اختیار داشتن برگ وثیقه امکان می یابد به تنزیل آن نزد بانک دیگر مبادرت ورزد و یا در سررسید از تضمین های وثیقه کالا و مسئولیت تضامنی ظهرنویسان بهره مند شود.

نحوه استفاده از قبوض عمومی انبار

الف) قبض رسید و برگ وثیقه به گونه توام از طریق ظهرنویسی قابل انتقال است .

در این حالت صاحب اولیه کالا ، قصد منتقل ساختن آن را به مشتری دارد .

ب) احتمال دارد صاحب کالا قبض رسید را به طور جداگانه از راه ظهر نویسی انتقال دهد .

در این حالت مالکیت کالا بر خریدار منتقل خواهد گشت . اما فروشنده معمولاً زمانی به این کار دست می زند که قبلاً برگ وثیقه را به غیر انتقال داده و کالای موجود در گروه شخص اخیر قرار گرفته باشد. بدین سان ، دارنده قبض رسید می تواند خود نیز به انتقال برگه اقدام کند.

ج) سرانجام صاحب اولیه کالا یا ر دارنده توام قبض رسید و برگ وثیقه ، اختیار دارد که برگ اخیر را جدا نموده و به میزان بدهی خود ظهرنویسی و تسلیم یک بستانکار ، مثلاً بانک اعتبار دهنده ، نماید .

مجموعه تست

1- قبض انبار عمومی چه نوع برگه ای از اسناد تجاری محسوب می شود؟

الف (سفته

ب (برات

ج (چک

د) هیچکدام

2-قبض انبار علاوه بر وعده تعهد به پرداخت مبلغی معین ، شامل کدام یک از موارد زیر است؟

الف (فایده دیگری ندارد

ب (در حکم چک می باشد .

ج) متضمن رهن مقبوض کالای موجود در انبار است .

د) هیچکدام

3- بازرگان می تواند از قبض انبار در نزد بانکهاچه استفاده ای بکند؟

الف) به عنوان خرید و فروش

ب) به عنوان تضمین و وثیقه کالا

ج) به عنوان برات در وجه حامل

د) همه موارد .

4)قبض انبار به چه طریقی قابل انتقال می باشد؟

الف (قبض و اقباض

ب) ودیعه گذاشتن

ج) ظهرنویسی

د) موارد الف و ب

پاسخنامه تشریحی

- 1- گزینه الف صحیح است به فصل اول مراجعه شود .
- 2- گزینه ج صحیح است به فصل اول مراجعه شود
- 3- گزینه ب صحیح است به فصل اول مراجعه شود.
- 4- گزینه د صحیح است به فصل اول قسمت الف مراجعه شود .

صدور قبض انبار عمومی

قسمت اول تشریفات صدور

اگر صاحب کالا پیش از امانت گذاردن آن در انبار عمومی، متقاضی وام می باشد، می بایست ابتدا با جلب نظر موافق بانک و وصول درخواست مربوط و ملاحظه کالا و کارشناسی آن، مشتری خود را به انبار عمومی بفرستد تا مال التجاره مورد ارزیابی بانک، تودیع گردد. در این مرحله متقاضی اعتبار اظهار نامه مخصوص را تنظیم کرده و به تحویل کالا مبادرت میکند.

پس از تسلیم رسید موقت، ورود کالا به انبار، اداره امور مالی نسبت به اصدار یک سند دو نسخه ای اقدام میکند. نسخه اول همان برگ وثیقه است که برای بانک فرستاده می شود. نسخه دوم قبض رسید می باشد و در اختیار بازرگان صاحب کالا قرار می گیرد.

قسمت دوم: مندرجات متن

براساس م آیین مربوط به متن، دو برگ رسید و وثیقه جهت تحویل به صاحب کالا باید متضمن این موارد باشد:

1- نام و نام خانوادگی و شغل و محل اقامت تودیع کننده کالا

2- نوع، علامت و مشخصات کالا و وزن و تعداد بسته ها

در اساسنامه شرکت ملی انبار های عمومی و گمرکی ایران، راجع به موضوع شرکت، قید گردیده که برای کالاهای موجود در اماکن گمرکی نمیتوان قبوض انبار صادر کرد.

کالا می بایستی از این اماکن ترخیص و تحویل انبار عمومی شده باشد.

قسمت سوم محدودیت بر صدور

1- افراد مجاز به سپردن کالا در انبار عمومی به موجب ماده 9 تصویب نامه عبارتند از، صاحبان صنایع کشاورزان و بازرگانان.

2- تنها مواد اولیه و محصولات صنعتی و کشاورزی و کالاهای ساخته شده می تواند در انبار عمومی پذیرفته شود.

3- کالاهایی که می توان برای آنها برگ وثیقه صادر کرد، به وسیله شورای نظارت و هماهنگی تعیین می گردد.

پرداخت و تضمین های آن

ظهور نویسی اولیه برگه وثیقه باید متضمن سررسید وام باشد. اما موعد پرداخت قانونا به سود بدهکار لحاظ گردیده است. مطابق ماده 9 قانون دارنده قبض رسید اختیار دارد از فرجه مذکور استفاده نکرده و با پرداخت بدهی وثیقه کالای مورد امانت را بستاند. بدین ترتیب دارنده قبض رسید می تواند هر زمان که اراده نماید به حالت وثیقه بودن مال التجاره خاتمه بخشد در غیر این صورت، مالک کالا یعنی دارنده قبض رسید به هیچ وجه اجازه ندارد حتی بانظر کارشناس، معادل مبلغ بدهی برگ وثیقه از کالای موجود در انبار تخصیص داده و مازاد آنرا ترخیص کند.

زیرا وثیقه دین نوعا قابل تجزیه نیست. لذا هر عملی راجع به کمیت کالا و برگ وثیقه صادر شده صرفا با تجویز بانک مرتهن قابل انجام خواهد بود.

رجوع دارنده برگه وثیقه در صورت عدم پرداخت به دو گونه است:

قسمت اول: اجرای وثیقه عینی

در اجرای حق رهن دارنده برگه وثیقه نسبت به کالا، برگه وثیقه سند عادی لازم الاجراء محسوب می شود. البته پرداخت هزینه انبارداری و حق بیمه از حاصل فروش کالا بر طلب دارنده برگ وثیقه تقدم دارد.

اگر صاحبان کالا ظرف مهلت مقرر در ماده 16 آیین نامه حقوق و هزینه های انبارداری را نپردازند، انبار عمومی می تواند به استناد ماده 10 مذکور تقاضا فروش کالای مربوط را بنماید.

قسمت دوم: اجرای وثیقه شخصی

در صورتی که سهم دارنده از حاصل فروش کالا معادل بدهی مقید در پشت برگه وثیقه نباشد، مشارالیه جهت وصول بقیه طلب اختیار دارد از مسئولیت تضامنی ظهنویسان و ضامنان این برگه استفاده کند که، مطابق ماده 249 قانونا عهده دار هیچ گونه تعهد دیگری مقابل دارنده برگه وثیقه و قبض رسید نیستند.

در این زمینه ماده 8 مقرر می دارد که ظهنویسان برگه وثیقه در برابر دارنده آن مسئولان متضامن شناخته می شوند، اما اشاره ای به تعهد ظهنویسان قبض رسید ملاحظه نمی گردد.

زیرا برگه اخیر سند تجاری به شمار نمی رود و تنها مالکیت بر کالا و انتقال آن را به شخص معین بیان می کند.

در صورت عدم اقدام در مدت فرجه اماره قانونی دارنده کاهل برگه وثیقه از حقوق براتی آن محروم می ماند.

البته با توجه به عدم وجود مقررات ویژه برای قبض انبار تمام قواعد و مقررات برات و سفته، قابلیت اجرایی می یابد.

مجموعه تست

1- در صورتی که سهم دارنده قبض انبار از حاصل فروش کالا معادل بدهی مقید در پشت برگه وثیقه نباشد، وی جهت وصول بقیه طلب اختیار خواهد داشت به رجوع نماید؟

الف (صادر کننده

ب (ضامن صادر کننده

ج (ظهرنویسان

د (ضامنان و ظهرنویسان

2- در اجرای حق رهن برگه وثیقه نسبت به کالا ، برگه وثیقه محسوب می شود.

الف (سند رسمی

ب (سند عادی

ج (سند عادی لازم الاجرا

د (سند رسمی متضمن حق عینی

پاسخنامه تشریحی

1- گزینه د صحیح است .به فصل سوم قسمت دوم مراجعه شود.

2- گزینه ج صحیح است به فصل سوم قسمت دوم مراجعه شود.

حفاظت اسنادی

در ماده 11 ص ق عمومی فقط ترتیباتی راجع به مفقود شدن پیش بینی شده است که البته می توان مورد سرقت را به آن افزود چنانچه قبض رسید یا برگ وثیقه مفقود شود ، ذیحق آن می تواند به دادگاه شهرستان محل تودیع کالا مراجعه نماید و دادگاه مکلف است مراتب را در سه نوبت متوالی هر ده روز یک بار در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار محل منتشر نماید.

معترضین می توانند در ظرف دو روز از تاریخ نشر آگهی اعتراض خود را به دادگاه مزبور تسلیم نمایند . در صورتی که اعتراضی به عمل آید ، دادگاه برطبق مقررات به دعوی رسیدگی خواهد نمود و چنانچه اعتراضی نشود دادگاه پس از احراز مالکیت متقاضی یا احراز وقوع وثیقه رأی صادر خواهد نمود .و در هر حال دادگاه می تواند صدور حکم را موکول به اخذ تأمین کافی از طرف متقاضی نماید.

این مقررات نا کافی و مبهم بوده و می توان عندالافتضا از قواعد موجود در بحث حفاظت براتی مدد گرفت.

مجموعه تست

1- در صورت مفقود شدن برگه رسید ،ذی نفع چگونه به حق خود می تواند نائل آید ؟

الف)با مراجعه به دادگاه

ب)با صدور برگه برگه المثنی

ج)با دادن رسید مجدد

د)با مراجعه به دادگاه و انتشار آگهی و حکم دادگاه مربوطه

پاسخنامه

1-پاسخ گزینه 4

- چک:

مطابق تعریفی که قانون از چک ارائه میدهد چک را نوشته‌ای معرفی می‌کند که به موجب آن صادر کننده و جوهی را نزد محال علیه دارد کلاً بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌نماید. (ماده 310 قانون تجارت)

دروغله اول سوالی که مطرح می‌شود این است که آیا چک اعتبارش از سفته کمتر است؟

چرا که قانون در تعریف سفته آن را «سند» معرفی میکند ولی در مورد چک آن را «نوشته» معرفی میکند. در پاسخ باید گفت که چک هم سند است (سند عادی و در حکم سند لازم الجرا است) در چک یک شخص به عنوان صادر کننده است و این چک بر عهده محال علیه صادر میکند و قصد دارد که بدین طریق جوهی را که نزد محال علیه دارد را مسترد داشته و یا آنها را به دیگری واگذار کند. (ماده 310 قانون تجارت)

بنابراین عنوان صادر کننده و دارنده می‌تواند در یک شخص جمع می‌شود یا اینکه میتواند بر دو شخص متفاوت بار شود. با صدور چک، صادر کننده چک محل چک را نیز به دیگری واگذار میکند و با صدور چک جوهی که صادر کننده نزد محال علیه دارد به دارنده منتقل می‌شود.

اگر نظریه انتقال محل با صدور چک به دارنده چک را بپذیریم آثار مهمی بر آن بار میشود به عنوان مثال اگر چکی به تاریخ 85/2/20 صادر شود و چک دیگری از همان صادر کننده و به تاریخ 85/2/22 صادر شود و دارنده چک اول در تاریخ 85/2/24 به بانک مراجعه کند و چک با عدم پرداخت روبه رو گردد چرا که دارنده چک دوم در تاریخ 85/2/22 (یک روز زودتر) به محال علیه (بانک) رجوع کرده و وجه را گرفته است اگر ما معتقد به انتقال محل، با صدور چک باشیم میتوان گفت که دارنده چک اول میتواند به دارنده چک دوم مراجعه کرده و اقامه دعوی کند و وجه خود را مسترد دارد. ماده 211 قانون تجارت مقرر میدارد که در چک باید محل و تاریخ صدور آن قید گردد و به معنای صادر کننده چک برسد و پرداخت وجه نباید وعده داشته باشد.

با توفیق در ماده درمی‌یابیم که عنصر بسیار مهم «مبلغ چک» در این ماده قید نشده است که حتماً در متن چک قید گردد تا معلوم شود که دارنده چک، صادر کننده آن را به پرداخت چه چیزی می‌خواهد الزام کند.

برای صدور چک، تاریخ صدور و محل صدور آن نیز باید نوشت. البته نیازی به تعیین تاریخ نیست چرا که چک حال است و وعده دار نیست تاریخ سر رسید داشته باشد.

اما در عمل اکثر چکهایی که صادر میشود وعده دار هستند و تاریخی ملاک عمل برای تعیین تاریخ صدور است که در چک منعکس شده است.

صادر کننده چک برای اینکه اراده و قصد خود را برای صدور چک به طور کامل اعلام کند باید چک را امضاء کند چرا که چک بدون امضاء هیچ اعتباری ندارد.

ماده 312 قانون تجارت صدور چک به صورت حامل و یا در وجه شخص معین یا به حواله کرد را اجازه داده است.

صادر کننده چک میتواند حین صدور نام دارنده چک را صریحاً در متن چک قید کند یا اینکه چک را به حواله کرد شخص معین صادر کند که این چک نیز با ظهرنویسی قابل انتقال خواهد بود.

البته صادر کننده چک میتواند چک را در وجه حامل صادر کند به این معنی که ارائه کننده چک به بانک به عنوان دارنده محسوب میشود این چک هم با ظهرنویسی و هم با قبض و اقباض قابل نقل و انتقال است.

ماده 313 قانون تجارت مقرر میدارد: «وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود.»

بدین توضیح که شخصی که چکی را صادر میکند باید معادل مبلغ چک در بانک دارای محل باشد چرا که بانک هم تکلیفی ندارد در صورت عدم وجود محل برای صادر کننده وجه چک را به دارنده بپردازد.

ماده 314 قانون تجارت صدور چک را عمل تجارته ذاتی نمیداند ولی اگر بین تجار این چک را صادر شده باشد عمل تجارته محسوب می‌شود.

با وجود اینکه ذاتاً نیست اما قانونگذار پاره‌ای از مقررات برات را در مورد چک لازم الاجرا میداند.

1- ضمانت صادر کننده و ظهرنویسان

2- اعتراض

منظور از ضمانت در عبارت «ضمانت صادر کننده و ظهرنویسان» مسئولیت است چرا که در فقه اصطلاح ضمان را برای مسئولیت بکار می‌برند.

در قانون تجارت ما برای صادر کننده و ظهرنویس همان مسئولیتی را که برات دهنده و ظهرنویسان در برات دارند را در نظر گرفته شده است یعنی اینها هم مسئولیت تضامنی دارند.

اگر چک با عدم پرداخت رو به رو گردد بانک یک گواهی عدم پرداختی را صادر میکند که این گواهی مطابق رأی وحدت رویه سال 1369 هیأت عمومی دیوان عالی کشور به منزله واخواست است. پس دارنده چک بادر یافت گواهی عدم پرداخت، اعتراض یا واخواست انجام می‌دهد.

پس از دریافت گواهی عدم پرداخت، اقامه دعوی ضمان (اقامه دعوی مسئولیت) علیه صادر کننده و ظهرنویسان صورت می‌گیرد که باید همان مقررات مربوط به برات را در مورد آن اجرا کنیم.

ماده 315 قانون تجارت مقرر میدارد که «اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تادیه گردد دارنده چک باید در ظرف پانزده روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد باید در ظرف چهل و پنج روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود. اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکوره در این ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او بر علیه ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود دعوی دارنده چک بر علیه صادر کننده نیز در محکمه مسموع نیست»

این ماده در مورد مهلتی است که دارنده چک میتواند برای دریافت وجه چک به مال علیه رجوع کند اگر چک در همان

مکانی که صادر شده است باید مطالبه شود. دارنده چک پانزده روز از تاریخ صدور فرصت دارد که آن را مطالبه کند و اگر وجه چک در مکانی غیر از محل صدور چک مطالبه شود دارنده چک ظرف مدت چهل و پنج روز از تاریخ صدور فرصت دارد که به محال علیه رجوع کند.

ضمانت اجرای عدم رعایت این مواعد این است که دعوی دارنده چک علیه ظهرنویسها مسموع نخواهد بود.

چک

مقدمه

1- چک در اصل برات به رویت تلقی می شود و فوری بودن پرداخت آن اختلافی آشکار با برات است که نقش اعتباری غالب دارد .

علاوه بر مورد مذکور ، محال علیه در چک تنها یک بانک یا موسسه اعتباری می باشد ولی عنوان براتگیر را هر شخصی می تواند احراز نماید .

ولی با وجود این ملاحظات می توان گفت که چک ، جزء خانواده اسناد تجاری قرار دارد و در کنار برات سفته و قبض انبار قرار می گیرد. ویژگی های مهم این سند عبارتند از :

قابلیت انتقال

موضوع پولی

انعکاس تمام حقوق در سند

تعهد پرداخت فوری ، خصوصیات فوق در سایر اسناد نیز مشاهده می گردد.

ماده 310 ق ت چک را بدین صورت تعریف می کند: «چک نوشته ای است که به موجب آن صادر کننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد کلا یا بعضا مسترد یا به دیگری واگذار می نماید.»

از تعریف زیر نکاتی بدین نحو به دست می آید :

الف (چک، برات به رویت یا عندالمطالبه است که پرداخت آن نمی تواند به تاخیر بیافتد

ب (محل چک از وجوه موجود در نزد محال علیه است .

امکان دارد که محیل این مبالغ را نزد محال علیه ودیعه گذاشته و یا اینکه شخص اخیر به صادرکننده اختصاص داده تا از آن به دلخواه خویش استفاده نماید.

لازم به ذکر است که صدور چک قائم به سه شخص است ، صادر کننده محال علیه (بانک) دریافت دارد بایستی به این نکته توجه نمود که هر گاه صادر کننده ، چک را برای خود صادر کند در آن صورت خود وی می تواند وجه چک را از بانک دریافت کند.

ج) از عبارت « و وجوهی را که نزد محال علیه دارد ...» در ماده 310 ق ت دانسته می شود که محال علیه بایستی موسسه ای باشد با امکانات نگهداری پول ، تا اشخاص مقادیری از آن نزد وی امانت گذارند یا از او اخذ اعتبار نمایند .لذا در درجه اول ، بانک ها و در وهله بعد سایر موسسات اعتباری و صندوق های قرض الحسنه مشمول این تعریف قرار می گیرند و محال علیه قید در ماده 310 ق ت به شمار می آیند.

د) صادر کننده بایستی معادل مبلغ چک یا بیش از آن موجودی قابل استفاده داشته باشد .
زیرا ،همان طور که در تعریف ماده 310 ق ت بیان شده است ، چک وسیله استرداد وجه یعنی وسیله دریافت آن به وسیله شخص صادر کننده از محال علیه و یا واگذاری و انتقال آن به دیگری است . با توجه به توضیحات مذکور می توان بدین ترتیب ، تعریف روشنتری از چک ارائه کرد : چک سندی است که طبق آن صادر کننده به بانک یا هر موسسه مالی و اعتباری دیگری دستور پرداخت مبلغی معین و موجود را به خود یا به دیگری می دهد.

کاربرد چک

چک در اصل تنها یک وسیله پرداخت می باشد ولی تدریجا ابزار کسب اعتبار کوتاه مدت نیز قرار گرفته است .

الف) وسیله پرداخت

چک جهت خارج کردن وجوه از حساب صادرکننده در بانک یا موسسه اعتباری به کار می رود و لذا سند مزبور بنا بر جهاتی بر سایر اسناد تجاری برتری دارد .

اولا صادر کننده از پرداخت مالیات صدور و واخواست معاف است .

دوماً چک در سطح جهان و همین طور داخل کشورها گردش اسکناس را محدود نموده و از مضرات آن جلوگیری به عمل آورده است. وصول اکثر چک ها به وسیله بانک ها صورت گرفته و تأدیه آن به روش تهاتری انجام می پذیرد. لزوم استفاده از چک به عنوان ابزار پرداخت از مواد 310 و 313 ق ت سرچشمه می گیرد .

چک در نقش ابزار پرداخت ،مورد توجه قانون صدور چک نیز قرار دارد .

براساس ماده 2 ق ص چک ، چک در حکم سند لازم الاجرا بوده و دارنده می تواند با انجام تشریفات لازم مبلغ وصول نشده را از طریق اجرای ثبت دریافت کند. براساس ماده 3 ق ص چ ، صادرکننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال علیه محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد و در غیر ان صورت به مجازات مقرر در ماده 7 ق ص چ محکوم خواهد شد .

ماده 13 ق ص چ به صورت وعده دار را غیر قابل تعقیب در دادگاه کیفری دانسته است .

ولی برای دارنده چک بلا محل اجازه تعقیب حقوقی امضاء کنندگان ، اعم از صادر کننده ، ظهر نویس و ضامن بر اساس ماده 315 به بعد ق ت پیش بینی شده است .

ب) ابزار کسب اعتبار

اصل حاکم بر حقوق چک یعنی عندالمطالبه بودن نباید این فکر را سبب شود که سند مزبور اساساً با هر نوع فکر اعتبار بیگانه می باشد .

زیرا در آغاز ، چک سندی با امکان پرداخت فوری به حساب می رفت ولی در حال حاضر با توجه به مقررات فعلی ، این وضع تغییر کرده است .

اولاً به موجب ماده 9 ق ص چ صادر کننده نه تنها مجاز به پرداخت وجه چک (در زمانی پس از تاریخ صدور و پیش از تاریخ شکایت کیفری دارنده) می باشد ، بلکه بر اساس ماده 12 ق ص چ در صورت انجام تعقیب مزبور نیز تا قبل از صدور حکم قطعی با پرداخت وجه چک قرار موقوفی صادر خواهد شد .

البته این امر مانع از آن نخواهد بود که دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه رسیدگی و صدور حکم کند . در این صورت هر گاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند و یا اینکه محکوم وجه چک را در صندوق دادگستری یا اجراء ثبت تودیع نماید و کلاً موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تأخیر تأدیه و سایر خسارات را فراهم نماید ، اجرای حکم متوقف خواهد شد و محکوم علیه فقط ملزم خواهد بود مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم را به دستور دادستان به نفع دولت بپردازد . (مستنبط از ماده 2 ق ص چ)

مقررات فوق اجازه خواهد داد که اشخاص نه در زمان صدور ، که مدتی طولانی پس از آن به تشکیل محل مبادرت ورزند و طبق قوانین فوق چک وسیله کسب اعتبار شناخته شده است .

نکته قابل توجه این است که قابلیت ظهر نویسی چک ، یکی دیگر از وجبات بسط دامنه ویژگی کسب اعتبار در آن تلقی می شود . زیرا این سند در آغاز با اتکالی به امضای صادر کننده به گردش در می آید ولی سپس به تدریج در اثر ظهور نویسی واجد ارزش و اعتباری فراتر می شود.

این امر نیز به صادر کننده اجازه خواهد داد تا محل را در زمانی بعد از تحویل آن نزد بانک محل علیه تامین کند . خصوصیت مورد اشاره همراه با معافیت مالیاتی در صدور و اخواست (گواهینامه عدم پرداخت) به رکورد و نهایتاً سقوط سایر اوراق تجاری خواهد انجامید .

انواع چک

الف (چک های عادی

این چک، اکثر چک های موجود و مورد استفاده را دربر می گیرد . براساس ماده 1 ق ص چ « چک عادی ، چکی است که اشخاص عهده بانک ها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادر کننده ندارد .

صادر کنندگان این نوع چک اشخاص مختلف حقیقی و حقوقی می باشند که به نام خود در بانک ایرانی حساب جاری باز نموده و دسته چک دریافت کرده اند .

دریافت کنندگان چک مزبور ،

چک های موصوف را که محل آن باید به صورت نقد یا اعتبار قابل استفاده باشد در وجه اشخاص معین و با قلم گرفتن عبارت حواله کرد، یا به حاله کرد شخص معین، و یا در وجه حامل تنظیم کرده و تسلیم اشخاص ذی نفع می نمایند. این اوراق از لحاظ تعقیب حقوقی امضاء کنندگان اعم از صادر کننده ظهر نویس و ضامن، و هم چنین توقیف اموال آنان تابع مقررات براتی قانون تجارت است.

علاوه بر آن دارندگان این قبیل چک ها اگر با عدم پرداخت مواجه شوند، می توانند براساس قانون صدور چک بلا محل، علیه صادر کننده آن درخواست صدور اجرائیه ثبتی کنند و یا به شکایت کیفری متوسل گردند. لازم به ذکر است که چک هایی که صندوق قرض الحسنه (یا هر موسسه ای غیر از بانک) در اختیار مشتریان خود می گذارند که در طرح و اندازه چک های عادی می باشد، بدون شک داخل در تعریف ماده 310 ق ت بوده و چک به شمار می رود.

این اسناد در صورت فقد موجودی یا کسر آن، به صدور گواهی عدم پرداخت هم منتهی خواهد شد. اوراق مذکور، از لحاظ تعقیب چه از نظر حقوقی و چه از نظر کیفری شامل مقررات قانون تجارت و قانون صدور چک نخواهد بود

البته لازم به ذکر است که از لحاظ تعقیب حقوقی، این گونه چک ها تابع سیستم قانون مدنی خواهند بود.

ب) چک های فوق العاده

چک های فوق العاده به چک هایی گفته می شود که تابع مقررات خاص خود، قانون تجارت و یا قانون صدور چک که محل آن در بانک محال علیه دارنده تثبیت شده، می باشد و لذا تعقیب صادر کننده و دیگر مسئولان سند به علت عدم پرداخت منتفی خواهد بود لازم به ذکر است که از لحاظ مقررات حفاظتی (راجع به فقدان، سرقت و ...) این اسناد مشمول قوانین مشترک میان کلیه چک ها می باشد.

نوع اول چک تضمین شده

براساس بند 3 ماده 1 ق ص چ «چک تضمین شده چکی است که توسط بانک به عهده همین بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می شود. در این مورد سه نکته قابل توجه می باشد:»

اولا: براساس مواد 2 و 3 ق ص چ مشتری درخواست کننده، چک تضمین شده، صادر کننده آن محسوب خواهد شد. در حالی که بر اساس این تعریف، بانک واجد دو عنوان محیل و محال علیه در صدور چک تضمین شده می باشد. لذا مشتری فقط ذی نفع برگه به حساب می آید و فرض فوت، حجرو ورشکستگی وی همانند بانک صادر کننده قابل بررسی نیست.

ثانیا : باتوجه به متن ق ص چ 1372 صدور چک تضمین شده از انحصار بانک ملی ایران خارج گردیده و کلیه بانک ها مجاز به صدور آن هستند.

ثالثا : از آنجایی که این نوع چک برای نخستین بار در قانون صدور چک قید شده ، الزاما مشمول مقررات ماده 14 این قانون و اصلاحات بعدی آن می باشد . این چک ها نیز می توانند به طریق در وجه شخص معین ، یا در وجه حامل تنظیم گردند.

چک بانکی

به این چک که چک صندوق نیز گفته می شود عبارت است از سندی که به وسیله بانک برعهده خود یا عهده شعبه دیگر بانک صادر می شود .

این چک به تقاضای مشتری بانک با دریافت وجه نقد تنظیم و تسلیم می گردد .

البته چون بانک محال علیه خود محیل است ، عموما بانک ها عقیده دارند که این چک مشمول تعریف ماده 310 ق ت نخواهد بود ولی چک ماهیتا برات به رویت عهده بانک تلقی می گردد و در برات به استناد مفهوم ماده 224 محیل ممکن است محال علیه نیز قرار بگیرد .

علاوه بر این امکان دارد این چک به صورت در وجه یا حواله کرد مشتری (یعنی ذی نفع) یا شخص معین و یا حامل تحریر گردد.

نوع دوم: چک مسافرتی

براساس بند 4 ماده 1 ق ص چ « چک مسافرتی ، چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می گردد.» این سند که چک در گردش هم نامیده می شود ، در متن آن بانک صادرکننده به شعب بانک یا نمایندگان آن در داخل یا خارج از کشور دستور پرداخت مبلغ مشخصی را در وجه شخص معین یا به حواله کرد او می دهد.

بانک ها همواره در صدد ایجاد انواعی از چک مسافرتی با کارآیی و اطمینان بیشتر بوده اند تا بدین طریق نظر مشتریان را تأمین کرده و موجبات جذب سرمایه های آنان را فراهم کنند.

چک مسافرتی در مقایسه با چک عادی بانکی دارای ویژگی های زیر است :

براساس ماده 311 ق ت در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده باشد و به امضای صادر کننده برسد ولی این گونه چک ها فاقد تاریخ و محل پرداخت بوده و در کلیه شعب بانک قابل تأدیه است .

بر اساس ماده 312 ق ت ، امکان چک در وجه حامل یا شخص عین و یا به حواله کرد باشد و از طریق ظهرنویسی به دیگری منتقل شود ، ولی چک مسافرتی در وجه کسی صادر نمی گردد و با داشتن محل امضای خریدار و واگذاری در متن چک قابل پرداخت است.

چک مذکور می تواند با قبض و اقباض و بدون ظهرو نویسی نیز گردش کند و آخرین منتقل الیه به بانک مراجعه کرده و وجه آن را دریافت کند.

از آنجایی که مبلغ موجود در حساب جاری برای گیرنده چک شخص نیست ، صادر کننده می تواند مبلغ چک را پیش از مبلغ موجود در حساب مرقوم نماید ولی صعود روند صدور چک های بلا محل ناشی از این امر می باشد و سبب عدم اعتماد چک است .

در حالی که مبلغ چک مسافرتی در متن آن تعیین شده و با ارائه چک مزبور بانک ملزم به پرداخت آن می باشد ، در نتیجه امکان بلا محل بودن چک متتنع است .

قانونگذار جهت حفظ حقوق دارنده چک اقدام به وضع سلسله مقرراتی از قبیل مسئولیت تضامنی صادر کننده و ظهر نویسان چک و مسئولیت کیفری و اجرایی چک نموده و از طرفی استفاده از این حقوق را محدود به رعایت مواعیدی در مراجعه به بانک و مراجع قانونی کرده است، اما فروش سپه چک منوط به کارسازی وجه آن در بانک می باشد و تشریفات مورد ذکر قابل اجرا نیست .

نوع سوم : چک تأیید شده

بر اساس بند 2 ماده 1 ق ص چ « چک تأیید شده چکی است که اشخاص عهده بانک ها

به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه وجه آن تأیید می شود .

» با توجه به این امر چک گواهی شد ، همان چک عادی شخصی است که قبل از جریان ، صحت صدور و قابلیت پرداخت آن به تأیید و قبولی بانک محال علیه می رسد.

اشخاصی که امضای آنها در محل صدور چک شناخته شده نیست، برای جلب اعتماد طرف مقابل، از بانک در روز سند پذیرش می گیرند .

اشخاص بعد از تأیید چک مشتری که حکم قبولی برات را دارد، موظف به مسدود نمودن مبلغ آن به نفع دارنده در مهلتهای قانونی خواهد بود .

این نوع چک بخش اندکی از چک های صادره در سیستم بانکی ما را تشکیل می دهد و مشمول مقررات مواد 262 به بعد ق ت ، در مورد گم شدن چک و ماده 14 ق ص چ از حیث امکان صدور و دستور عدم پرداخت آن می باشد

نوع چهارم : چک دولتی

چک دولتی ، چکی است با محل و متضمن علت پرداخت که توسط وزارتخانه ها ، موسسات و شرکت های دولتی جهت بیرون کشیدن وجوه ، به عنوان تنخواه گردان ، و یا انتقال آن به حساب اشخاص معین و بدون حواله کرد به پیوست تأییدیه ذی حسابی سازمان مربوطه برای مبالغ ده میلیون ریال و بالاتر ، قابل صدور بوده و به وسیله شعبه مخصوص بانک محال علیه کارسازی می شود.

چک دولتی از طریق ظهننویسی قابل انتقال نبوده و غیر قابل صدور به صورت در وجه حامل است .

بیرون کشیدن وجوه از حساب وزارتخانه، موسسه یا شرکت دولتی فقط جهت تنخواه گردان پذیرفته شده است و این تمهد به خاطر حفظ بیت المال از گزندهای احتمالی می باشد.

تامین محل حسابهای پرداخت دستگاههای دولتی ، حسب مورد از طریق خزانه یا نمایندگی خزانه در استانها و یا از طریق سایر حساب های پرداخت دستگاه اجرایی ذی ربط بوده و واریز در آمدهای دستگاههای اجرایی مذکور به خصوص شرکت های دولتی مستقیما به حسابهای پرداخت آنها ممنوع می باشد.

بر اساس بخشنامه وزارت دارایی ، وزارتخانه ها و شرکتهای دولتی بر اساس قانون محاسبات عمومی برای کلیه وجوه قابل دریافت و پرداخت خود بایستی حساب های بانکی مربوطه را از طریق خزانه در مرکز جمهوری اسلامی ابلاغ شده است ، افتتاح نمایند بدین منظور در مرکز از طرف خزانه و در استانهای دیگر از جانب نمایندگی خزانه مجوز لازم صادر می گردد . بدون این اجازه نامه افتتاح حساب از سوی بانک مربوطه غیر ممکن خواهد بود .

مهلت پرداخت چک های دولتی 6 ماه از تاریخ صدور بوده و در صورت گذشتن مهلت مذکور ، تأدیه آن منوط به اجازه کتبی ذی حسابی سازمان مربوطه می باشد .

چک رسمی

این چک، به عنوان قبض اقساطی در مواد 28 و 30 آئین نامه دفتر اسناد رسمی مصوب سال 1317 و ماده یک آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا آمده است .

چک رسمی محضری توسط دفترخانه های اسنادرسمی تنظیم می شود.

در صورت عدم پرداخت امضاء کنندگان آن هنگام رسیدن موعد ، و تقاضای ذی نفع به صدور اجرائیه مبادرت می گردد..

نقش اقتصادی چک

الف (منافع مشتری بانک

وصول سهل و ساده موجودی در هر شرایط زمانی و مکانی ، بدون پرداخت مالیات و دادن رسید بابت آن از منافع چک برای مشتری بانک می باشد.

ب) منافع بانک

افزایش ذخیره پولی در بانک ها و تجهیز امکانات فوق العاده در جهت تدارک فعالیت های بزرگ تجاری و تولیدی داخلی و خارجی از منافع چک برای بانک ها می باشد.

ج) منافع دولت

استفاده انبوه و فراگیر از تأمین حقوق چک به کمک اسکناس که ابزار پرداخت ثمن در معاملات است ، آمده است .

از آنجائیکه صدور و گردش چک بر اساس نیاز و به صورت تدریجی و به تناسب عملیات مختلف صورت می گیرد تثبیت ارزش پول را برای دولت به ارمغان خواهد آورد

ولی اگر کارایی چک جزئا یا کلا از بین رود ، به ناچار می باید در زمان افزایش میزان معاملات بر حجم پول افزوده شود . این در حالی است که علاوه بر کاهش ارزش آن گهگاه تقلیل ثانوی عملیات مختلف به سبب تورم فزاینده اسکناس های گردان می گردد و می تواند به بحران اقتصادی دامن بزند.

مضافا دولت باید از طریق بستن مالیات ، تعادلی میان چک های وعده دار و براوت از حیثیت مالیات صدور و واخواست به نفع خزانه برقرار سازد .

بنا بر مراتب فوق برگ چک به عنوان نمونه بارز ابزار پرداخت (برخلاف برات که وسیله کسب اعتبار است) باید از دو اصل کلی متابعت نماید :

لزوم تامین امنیت دارنده ورقه از طریق اعمال اصول عدم تأثیر ایرادات و استقلال امضاءها
جلوگیری از کسب نقش اعتباری اسناد تجاری . برخلاف برات ، چک به عنوان ابزار پرداخت فوری از شمول ماده 45 قانون مالیاتهای مستقیم خارج بوده و تابع ماده 44 همان قانون می باشد.

ماهیت حقوقی چک

الف) معامله چک به عنوان ابزار پرداخت

در این حالت ، معامله چک (چه در صدور و چه در ظهرنویسی) با حواله منطبق خواهد گشت زیرا در حواله نیز بدهکار پرداخت طلب بستانکار را به شخص ثالث محول می نماید.

ب) صدور چک جهت استرداد وجه از بانک

بر اساس ماده 310 ق ت ، چک می تواند وسیله استرداد وجوه از بانک قرار گیرد .

صدور چک در این فرض ، ماهیتا فسخ عقد ودیعه می باشد.

زیرا عبارت قانونی وجوهی را که نزد محال علیه دارد امانت گذاردن پول را در زمانی قبل از صدور چک نزد بانک تداعی می کند ، که با تعریف عقد ودیعه انطباق پیدا می کند. لذا می توان گفت استرداد تمام یا قسمتی از وجه ، فسخ عقد ودیعه به طور کلی یا به صورت جزئی است.

معامله اصلی ، انتقال چک و خطر تبدیل تعهد

نکته مهم این است که آیا انتقال چک به عنوان ابزار پرداخت موجب تبدیل تعهد ابتدایی به تعهد ناشی از چک است ؟

الف) احراز تبدیل تعهد

بدون تردید برای تبدیل تعهد می بایست طرفین به تعهد سابق پایان داده و تعهد جدیدی را جایگزین آن نمایند و برای اینکه تعهد جدید صرفاً اقراری بر تعهد قدیم نباشد، اختلاف آن دو از جهت موضوع، بستانکار یا بدهکار بایستی مورد بررسی قرار گیرد. لذا لازم است تا قصد اسقاط تعهد قدیم و ایجاد تعهد نوین کشف شود.

گاهی صراحتاً به تبدیل تعهد اشاره می کنند ولی اکثر اوقات چنین نیست و بایستی این اراده را از اعمال حقوقی صورت گرفته، استخراج کرد.

نکته اول: این امکان وجود دارد که چکی به حواله کرد متعهد له معامله ابتدایی صادر یا ظهرنویسی شود و نامبرده نیز با ظهرنویسی آن را انتقال دهد.

در این حالت تبدیل تعهد به اعتبار تغییر بستانکار موضوع قسمت سوم ماده 292 ق م احرز می گردد.

وقتی که متعهد له ما فی الذمه متعهد را به کسی دیگر منتقل نماید، در حقیقت طلبکار مذکور از امکانات معاملاتی سند استفاده برده و مانند کسی است که وجه طلب را وصول داشته و با آن معامله دیگری انجام داده است، مگر اینکه دارنده با عدم پرداخت مواجه شود و به اخذ مبلغ از ظهر نویس متعهد له موفق گردد.

نکته دوم:

اگر چک در وجه یا به حواله کرد در این صادر شود و با عدم پرداخت، منتهی به توقیف مال از شخص صادر کننده گردد نیز قصد تبدیل تعهد محرز می باشد.

قبول زیرا بازداشت مال از مدیون چک به معنای قبول تضمینات آن به جای امکانات حقوقی قرار داد ابتدایی دارد.

در این صورت اگر تعقیب داین فقط به توقیف مال از شخص صادر کننده بیانجامد، تبدیل تعهد منتفی خواهد شد.

زیرا در این صورت متعهد له نمی تواند متعهد باز داشت شده را به جای بدهی وی مورد استفاده قرار دهد و توقیف شخص نیز از باب ممنوعیت صدور [چک بلا محل می باشد.

نکته سوم: حالتی را فرض کنید که چکی که قبلاً توسط شخصی به حواله کرد صادر و به وسیله متعهد معامله ابتدایی ظهرنویسی یا ضمانت شده و در اختیار متعهد له قرار می گیرد در این حالت، اگر شخص اخیر با استفاده از اصل عدم تأثیر ایرادات قانونا علیه دست غیر مستقیم اقدام کند، قصد تبدیل تعهد محرز است. پذیرش داین در اقدام علیه صدر کننده چک موصوف با رضایت مدیون معامله اصلی تغییر بدهکار به شمار می رود در حقیقت چک، از طریقت خارج گشته و موضوعیت می یابد، مشروط بر این که به توقیف مال یا پرداخت بیانجامد

نکته چهارم: در صورتی که چک در وجه حامل به بستانکار تسلیم شود، شخص اخیر می تواند سند مذکور را به غیر انتقال دهد، یا خود علیه شخص ثالث امضاء کننده اقدام قانونی به عمل آورد.

نکته پنجم: این امکان وجود دارد که مدیون چکی بی نام در اختیار داین قرار دهد و این احتمال وجود دارد که دارنده با درج عبارت در وجه حامل، چک را به حالت نکته چهارم در آورد البته چک می تواند به همان صورت یا با قید نام منتقل

الیه جدید انتقال یابد (مورد اول) اگر بستانکار معامله اصلی، خود به مطالبه وجه چک مذکور بپردازد، دو حالت وجود دارد یا صادر کننده شخص بدهکار است که در صورت عدم پرداخت، امکانات حقوقی قرار داد اصلی قابل بهره برداری خواهد بود مگر اینکه در ادامه تعقیب، اموال امضاء کننده چک توقیف شود (نکته دوم) و یا صادر کننده شخص غیر است که در این حالت، اگر با عدم پرداخت، دارنده علیه او به تعقیب قانونی مبادرت ورزد، تبدیل تعهد به اعتبار غیر بدهکار مصداق پیدا می کند. (نکته سوم)

نکته ششم: اگر چکی تضمین پرداخت سفته ای قرار گرفته باشد و مبلغ سفته کارسازی شود، مسئولیت مدنی صادر کننده آن چک تبعاً سلب می گردد، همچنین مسئولیتی کیفری او نیز بر اساس ماده 13 ق ص چ منتفی شده است.

(ب) عدم تبدیل تعهد

همان گونه که قبلاً اشاره شد، اصل بر عدم تبدیل تعهد قرار دارد و تسلیم سند تجاری نیز عرفاً استمهال از داین تلقی می شود. در حقیقت، اگر در اجرای قرار داد با اتکای به ضمانت اجرایی قابل ملاحظه، چک تحویل شده ولی بلا پرداخت مانده است با توجه به امکانات بستانکار در رابطه، پایه فرض تبدیل تعهد دور از اصول حقوقی و عدل و انصاف خواهد بود. زیرا عادتاً هیچ عاقلی به آن رضایت نخواهد داد.

و علاوه بر این بانک ها و اشخاص دیگر که اعتبارات شخصی و ذمی واگذار می کنند از آن لطمه فراوان خواهند دید و در نهایت صرف نظر از متروک ماندن اسناد تجاری، معاملات نسبه بازاری نیز دچار اختلال خواهد گردید.

لذا در موارد زیر، با عدم احراز یکی از حالات سه گانه ماده 292 ق م متعهد له می تواند به ضمانتهای اجرایی اصلی متوسل گردد.

مورد اول: در صورتی که چک به وسیله بستانکار رابطه پایه وصول نشود استفاده از امکانات حقوقی معامله ابتدایی مانعی نخواهد داشت.

مورد دوم: اگر بدهکار چکی را ظهر نویسی نماید و پرداخت نشده باشد و بستانکار از تضمینات چک استفاده نکنند، اراده تبدیل تعهد نداشته و درخواست وی دایر بر اجرای حقوقی ناشی از معامله ابتدایی بلا اشکال خواهد بود.

مورد سوم: وقتی چک به حواله کرد تنظیم گردیده و دارای امضاهایی باشد ولی با کاهلی دارنده (و بستانکار معامله ابتدایی) تضمینات آن سلب شود، حق استفاده از امکانات حقوقی قرار داد پایه به قوت خود باقی خواهد ماند، مشروط بر آنکه خسارت انتقال دهنده از بابت سهل انگاری دارنده جبران گردد.

مورد چهارم: اگر متعهد له، چک در وجه حامل یا بی نام از متعهد صادر کننده بگیرد ولی نتواند نقد کند و به دیگری نیز انتقال نداده باشد، مجاز در استفاده از تضمینات معامله اصلی خواهد بود.

مخابرات اجرای تبدیل تعهد

الف) پایمال شدن حقوق بستانکار وثیقه گیرنده و ورشکستگی بدهکار صادر کننده با ظهرنویس چک

ب) افزایش خطر تغییر عنوان بدهکار به مجرم در صدور چک بلا محل

ج) خطر عدم وصول مبلغ چک و عدم امکان تصرف در مورد اجاره یا از دست رفتن خیار تاخیر ثمن در بیع و نظایر آن

گسترش بدبینی نسبت به دستگاه قضا

د) افزایش جرم صدور چک های بلا محل

و: فرض خلاف واقع وجود تعادل میان تضمینات چک و امکانات حقوقی قرارداد اصلی

8- معیار عدم وجود قصد تبدیل تعهد

الف) عدم استفاده از چک واگذاری به عنوان ابزار پرداخت (و مال منقول) در معاملات

ب) عدم بهره برداری از تضمینات چک بلا محل و روی آوردن به امکانات قرار داد اصلی

مجموع تست

1- در مورد چک کدام گزینه نادرست است؟

- الف) چک، نوعی برات است به رویت یا عندالمطالبه
- ب) محال علیه چک باید موسسه ای با امکانات نگهداری پول باشد.
- ج) فقط بانک های دولتی و خصوصی می توانند محل علیه چک قرار گیرند.
- د) محل چک عبارت است وجوه موجود نزد محال علیه.

2- در مورد چک و وسیله کسب اعتبار کدام گزینه صحیح است؟

- الف) اصل حاکم بر حقوق چک، عندالمطالبه بودن است.
- ب) سند چک، اساساً با هر نوع اعتبار بیگانه است
- ج) بر اساس قوانین فعلی، اشخاص می بایست در زمان صدور چک، به تشکیل محل مبادرت ورزند.
- د) بر اساس عرف بانکداری فعلی، دارنده چک مدت دار، مجاز به ارائه و مطالبه مبلغ آن پیش از تاریخ سند خواهد بود.

3- در مورد چک عادی کدام گزینه نادرست است؟

- الف) چک هایی که صندوق های قرض الحسنه صادر می کنند، چک عادی به شمار می رود.
- ب) چک هایی مذکور در مورد الف، در صورت کسر موجودی به صدور گواهی عدم پرداخت منجر می گردند.
- ج) دارنده چک عادی در صورت عدم پرداخت می تواند با گواهی عدم پرداخت شکایت حقوقی نماید.
- د) چک های صادره توسط موسسات قرض الحسنه، قابل تعقیب کیفری و ثبتی می باشند.

4- تعریف زیر شامل کدام نوع از چک می باشد؟

« چک هایی هستند که تابع مقررات خاص خود، قانون تجارت و یا صدور چک که محل آن نزد بانک محال علیه به نفع دارنده تثبیت شده و لذا تعقیب صادر کننده و دیگر مسئولان به علت عدم پرداخت منتفی است.»

الف) چک های عادی

ب) چک های رسمی

ج) چک های فوق العاده

د) چک های تضمینی و عادی

5- در مورد چک مسافرتی کدام گزینه نادرست است؟

- الف) این نوع چک، چک در گرک می تواند با قدش هم نامیده می شود.
- ب) این نوع چک، فاقد تاریخ و محل پرداخت بوده و در کلیه شعب بانک قابل تأدیه می باشد.
- ج) این نوع چک می تواند با قبض و اقباض و بدون ظهرنویسی نیز گردش کند.
- د) این نوع چک فاقد تاریخ صدور بوده و در هر زمان قابل وصول در کلیه شعب بانک صادر کننده می باشد.

6- در مورد چک دولتی کدام گزینه نادرست است؟

- الف) مهلت پرداخت چک های دولتی شش ماه از تاریخ صدور می باشد.
- ب) پس از گذشت مهلت مذکور در گزینه الف دریافت وجه چک دولتی به هیچ وجه مقدور نمی باشد.
- ج) چک های دولتی از طریق ظهرنویسی قابل انتقال نیست .
- د) چک های دولتی نمی توانند به صورت « دروجه حامل » صادر شوند.

7- در مورد احراز تبدیل تعهد با صدور چک کدام گزینه نادرست است ؟

- الف) اگر چکی به حواله کرد متعهدله معامله ابتدایی صادر یا ظهرنویسی گردردو نامبرده نیز به نوبه خود آن را با ظهرنویسی منتقل سازد ، تبدیل تعهد صورت خواهد گرفت
- ب) اگر چک در وجه یا به حواله کرد داین صادر گردد و با عدم پرداخت منتهی به توقیف مال از شخص صادر کننده گردد ، قصد تبدیل تعهد احراز خواهد شد .
- ج) اگر چک در وجه یا به حواله کرد داین صادر گردد و با عدم پرداخت منتهی به توقیف شخص صادر کننده گردد ، قصد تبدیل تعهد احراز خواهد شد .
- د) هیچکدام

8- اگر چکی تضمین پرداخت سفته ای قرار گیرد و مبلغ سفته کارسازی شود ، مسئولیت مدنی صادر کننده

.....و مسئولیت کیفری وی (بر اساس ماده 13 ق ص چ)

- الف) از بین خواهد رفت - سلب خواهد شد
- ب) باقی خواهد ماند - منتفی نخواهد بود.
- ج) باقی خواهد بود - منتفی خواهد شد .
- د) باقی نخواهد ماند - منتفی نخواهد شد .

9- کدام مورد از مخاطرات اجرای تبدیل تعهد به وسیله صدور و تحویل چک نیست ؟

- الف) پامال شدن حقوق بستانکار در ورشکستگی بدهکار صادر کننده یا ظهر نویس چک
- ب) از دست رفتن اختیار تاخیر ثمن ، شرط و غبن در معامله اصلی
- ج) افزایش صدور جرم چک های بلا محل با توجه به نقاط ضعیف قانون صدور چک
- د) خطر عدم وصول مبلغ چک و بدبینی نسبت به دستگاه قضا

10- کدام گزینه جزء معیارهای عدم وجود قصد تبدیل تعهد با صدور چک نیست ؟

الف) اسقاط خیار شرط و تاخیر ثمن در معامله اصلی

ب) عدم استفاده از چک واگذاری به عنوان ابزار پرداخت (و مال منقول) در معاملات

ج) عدم بهره برداری از تضمینات چک بلا محل و روی آوردن به امکانات قرار داد اصلی

د) هیچکدام

11- مطابق قانون تجارت ، محال علیه چک :

الف) الزاما باید بانک دولتی باشد .

ب) الزاما باید بانک خصوصی باشد

ج) الزاما نباید بانک باشد .

د) الزاما نباید صندوق قرض الحسنه باشد .

12- انتقال سند تجارتي ممکن است :

الف) با قبض و اقباض

ب) در حکم در وجه حامل با قبض و اقباض

ج) در وجه شخص معین با قبض و اقباض

د) فقط با ظهر نویسی

13- مزیت چک در وجه حامل در مقایسه با چک در وجه شخص معین برای دارنده آن چیست ؟

الف) انتقال بدون ظهر نویسی

ب) اعطا وکالت به بانک جهت وصول

ج) تقلیل خطر ناشی از فقدان چک

د) عدم قابلیت استناد به ایرادات

14- از دیدگاه قانون تجارت ، چکی که در آن با تصریح به عنوان چک، مهلت جهت پرداخت تعیین شده

باشد.....

الف) برات محسوب می گردد.

ب) چک محسوب می گردد و مهلت مذکور معتبر است .

ج) چک محسوب نمی گردد و اعتبار برات را نیز ندارد .

د) چک محسوب می گردد اما مهلت مذکور کان لم یکن است .

15 چک تضمین شده ، چکی است که به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین

می شود .

الف (فقط توسط بانک ملی ایران

ب) فقط توسط بانک مرکزی

ج) توسط بانک به عهده همان بانک یا بانک دیگر

د) توسط بانک به عهده همان بانک

16- در صورتی که صادر کننده ورشکسته شود ، محل آن سند فقط حق انحصاری دارنده سند محسوب

می شود الف) چک تایید شده

ب) چک معمولی

ج) چک تضمین شده

د) برات

17- چک تایید شده :

الف) چکی است که اشخاص از حساب خود صادر و پرداخت آن توسط بانک تایید می شود .

ب) یعنی چک تضمینی .

ج) همان چک به عنوان وثیقه است .

د) یعنی چک به شرط تایید صادر کننده .

18- از جمله ویژگی های چک مسافرتی عبارت است از :

الف) وحدت شخصیت صادر کننده و محال علیه ، عدم قابلیت ظهرنویسی

ب) صدور از ناحیه بانک، وحدت شخصیت صادر کننده و محال علیه

ج) عدم قابلیت ظهرنویسی ، قابلیت پرداخت در شعب خاص .

د) عدم قابلیت ظهرنویسی ، صدور از ناحیه بانک

19- چک مسافرتی ، چکی است که توسط :

الف) اشخاص صادر و وجه آن فقط در شعب بانک ملی ایران پرداخت می گردد.

ب) اشخاص صادر و بانک محال علیه وجه آن را تضمین می کند .

ج) اشخاص صادر می شود و بانک محال علیه پرداخت وجه آن را تایید می کند .

د) بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک قابل پرداخت است.

20- چک :

الف (سند رسمی لازم الاجراست.

ب) سند رسمی است .

ج) ممکن است رسمی باشد .

د) سند عادی لازم الاجراست .

پاسخنامه

15	14	13	12	11	10	9	8	7	6	5	4	3	2	1
د	د	الف	ب	ج	الف	ب	الف	ج	ب	د	ج	د	الف	ج
										20	19	18	17	16
										د	د	ب	الف	ج

صدور چک

صدور چک مستلزم دو عمل می باشد: تنظیم و تسلیم

تعریف: تنظیم یا تحریر عبارت است از عمل حقوقی قبول تعهد از طریق الحال امضاء محیل به ذیل فرم قانونی چک قبل از واگذاری آن، اعم از اینکه متن سند را صاحب آن یا شخص دیگری مثل ذی نفع تکمیل کرده باشد. چنانکه از قانون بازرگانی و قانون صدور چک بر می آید، سند متضمن موارد زیر است:

تاریخ تنظیم، محل تنظیم، محال علیه، دستور پرداخت مبلغی معین، ذی نفع، نام صادر کننده و امضای صادر کننده.

قسمت اول: تاریخ تنظیم

در قانون از تاریخ صدور صحبت به میان آمده است، اما صدور به معنای تسلیم چک به ذی نفع که عمل مادی به شمار می رود نیز می باشد.

مقنن در بند 2 ماده 223 و ماده 225 تجارت، راجع به برات منحصرا به تاریخ اشاره می کند و در چک نیز ویژگی خاصی احساس نمی شود که به تاریخ تحویل و نه تاریخ تنظیم توجه شده باشد. با توجه به این امر صدور قانونا مفهوم تحریر را دارد.

لذا اگر هنگام نگارش و هنگام واگذاری در یک روز نباشد، مبدا شروع مواعد 315 و 317 ق ت و ماده 11 ق ص چ را می باید تاریخ منعکس در متن سند یعنی همان تاریخ تنظیم در نظر گرفت و نه تاریخ تحویل ورقه. اینک بعضی اصطلاحات راجع به چک مورد بررسی قرار می گیرد.

1- چک بدون تاریخ

به موجب ماده 311 ق ت، (چک باید تاریخ صدور قید شده و). این قاعده امری از آن حکایت دارد که به نظر قانون گذار چک بایستی متضمن تاریخ بوده و به علاوه تاریخ واقعی تنظیم با تاریخ ظاهری آن در متن سند منطبق باشد ضمانت اجرای عدم ذکر تاریخ تنظیم از ارکان اساسی شرایط شکلی آن تلقی می شود، لذا عدم رعایت آن، بنابر مستنبط از تبصره ذیل ماده 319 ق ت خروج چک از عداد اسناد بازرگانی خواهد بود. به نظر اداره حقوقی مورخ 47/5/19 چک بدون تاریخ طبق ماده 311 ق ت یکی از ارکان اساسی آنرا فاقد است و چک به معنای قانونی آن نیست.

اما این امر دور از منطق حقوقی و عدل است که صادر کننده بر اثر عدم اجرای ماده فوق به زیان دارنده در موقعیت بهتری قرار گیرد و بنحوی موثر موجبات سلب تضمینات سند واگذاری را فراهم آورد.

به نظر می رسد که قانون بازرگانی صرفا انعکاس تاریخ تحریر را در برگه ضروری می داند.

اینکه شخص امضاء کننده متن سند را تکمیل کرده یا دیگری تفاوتی نمی کند.

زیرا قید تاریخ به وسیله صادر کننده پیش از امضای ورقه یا پس از آن و حتی بعد از تسلیم به ذی نفع مجاز بوده و از اعتبار ورقه نمی‌کاهد .

همین عمل را ذی نفع نیز می‌تواند به نیابت صورت دهد تنها اگر شخص اخیر بدون انجام این سهم قصد وصول چک بدون تاریخ را داشته باشد با مانع قانونی مواجه خواهد شد .

2- فقدان تاریخ بر حسب سال

آیا عدم ذکر تاریخ صدور بر حسب سال ، در حالی که روز و ماه قید شده است وصف چک را دارد یا نه؟
اگر در چک تاریخ سال قید نگردد چک بدون تاریخ محسوب و اعتبار و امتیاز چک را ندارد .

3- چک به تاریخ موخر

ممکن است تاریخ واقعی تنظیم چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن آن باشد ، در این صورت آیا این سند مانند چک های روز معتبر است یا خیر ؟

چک به تاریخ موخر، چک محسوب شده و شمول مقررات قانون چک خواهد بود .

سوال دیگر اینکه آیا تاریخ واقعی تحریر معتبر است و یا تاریخ موخر مقید در چک؟

در این خصوص ، به رجحان تاریخ مقید در برگه نظر داده شده است . زیرا اسناد تجاری طبق صورت ظاهر خود معامله شده و اقدامات قانونی نیز قهرا بر مبنای مندرجات آن قابلیت اجرایی دارد .

در ضمن اگر تاریخ تسلیم چک ، موخر بر تاریخ مندرج در متن آن باشد، باز هم راه حل همان است .

نتیجه گیری :چنانکه ملاحظه می‌گردد نیاز مبرم به صدور انواع چک وعده دار وجود دارد .

در عوض برات نیز سرکوب شدنی نیست .

فلذا می‌باید در جهت اثبات اعتبار تاریخ ظاهری چک دلایلی به شرح زیر ارائه کرد .

- 1- جلوگیری از تضرر صادر کننده در عدم امکان استفاده از تضمینات چک .
- 2- حفظ حقوق دارنده با حسن نیت که با اعتماد به تاریخ ظاهری چک ، آنرا از ذی نفع تحویل می‌گیرد.
- 3- توافق ارده صادر کننده و ذی نفع در تسلیم برگه مخصوصی به نام چک.
- 4- لزوم حفظ گردش چک با تکیه بر فرم و شکل ظاهری آن

5- ضرورت وضع جریمه مالیاتی از برای صادر کننده و چکی که تاریخ ظاهری آن با تاریخ واقعی صدور منطبق نمی‌باشد اجرای قواعد مهلت‌های کوتاه مرور زمان به استناد تاریخ ظاهری تحریر .

قسمت دوم : محل تنظیم

به موجب ماده 311 ق ت « در چک باید محل صدور قید شده و به امضای صادر کننده برسد .»

ذکر محل از لحاظ رعایت مقررات بخش نخست ماده 315 ق ت دارای اهمیت است .

« اگر چک در همان مکانی که صادر شده است باید تأدیه گردد گردد دارنده چک باید در ظرف 15 روز از تاریخ صدور وجه آن را مطالبه کند و اگر از یک نقطه به نقطه دیگر ایران صادر شده باشد ، باید در ظرف 45 روز از تاریخ صدور چک مطالبه شود»

ضمانت اجرای عدم رعایت این مواعد سلب مسئولیت تضامنی ظهنویسان و ضامنان آنهاست . مطابق بخش دوم این ماده اگر دارنده چک در ظرف مواعد مذکور در این ماده پرداخت وجه آنرا مطالبه نکند، دیگر دعوی او علیه ظهنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود ، دعوی دارنده چک بر علیه صادر کننده نیز در محکمه مسموع نیست.

این مواعد کوتاه 15 روزه و 45 روزه از آن جهت می باشد که چک وسیله پرداخت و نه کسب اعتبار به حساب می آید . اگر مقصود خواستن مهلت مهلت باشد ، به جای چک بایستی از برات استفاده شود. وقتی که صدور چک از مکانی به مکان دیگر باشد برای حفظ حقوق دارنده، قید مکان صدور ضرورت می یابد تا وی ظرف 45 روز راجع به اخذ گواهی عدم پرداخت اقدام نماید .

قسمت سوم :براتگیر

در ماده 310 ق ت با اصطلاح « محال علیه » سرو کار داریم . در چک به غیر از بانک هر موسسه اعتباری مالی ، می تواند صادر کننده دسته چک باشد . در چک بر اساس صورت ظاهر خود و انطباق با مقررات قانون بازرگانی واجد این عنوان می گردد . البته چکی که محال علیه آن بانک نباشد ، از مشول قانون صدور چک خواهد بود (به صراحت ماده 2 این قانون) بنابراین این تعقیب جزایی و لازم الاجرا یی فقط در مورد چک های صادر شده عهده بانک های مصداق پیدا می کند.

قسمت چهارم : دستور پرداخت مبلغی معین

این دستور از ماده 310 ق ت استنباط است. چک سفید نوشته ای است که به موجب آن صادر کننده وجهی در سند قید نکند و آن را به همان صورت تحویل ذی نفع دهد.

چنین برکه ای اصطلاحاً سفید امضاء نامیده شده و به اعتبار چک های دیگر است . دارنده به عنوان امین سفید امضاء می باید به درج مبلغ مورد توافق اقدام نموده و از ورقه استفاده کند . دستور پرداخت در متن چک برابر مقررات ق ت باید بدون قید و شرط نوشته شود و در صورت وجود شرط طبق ماده 28 قانون تجارت «چک به رویت قابل پرداخت است و شرط خلاف کان لم یکن می باشد».

گر چه ماده 310 ق ت اشاره ای به آن نمی کند اما طبق قاعده مذکور در ذیل ماده 3 ص چ « هر گاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد ».

تنها موارد استفاده قید و شرط از برای صادر کننده ، استناد به ایراد معاملاتی در صورت مراجعه دارنده چک است .

قسمت پنجم : ذی نفع یا گیرنده

مطابق ماده 313 ق ت « چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا بحواله کرد باشد».

بنابراین ، در ذیل متن چک ، نام شخص معین یعنی دارنده یا خود صاحب حساب که در وجه یا بحواله کرد وی مبلغ سند باید به وسیله براتگیر پرداخت شود قید می گردد . ولی بجای شخص معین ، قانونگذار اجازه می دهد که از عبارت در وجه حامل نیز استفاده شود. این اصطلاح به معنای دارنده نام معین بوده و با سند بی نام تفاوتی ندارد . در سند اخیر جای دارنده خالی گذارده می شود اما اطلاق چک بدان بلا مانع است .

زیرا قید نام ذی نفع قانونا الزام آور به شمار نمی رود .

پس در این حالت آورنده چک به بانک صاحب برگه تلقی می گردد.

قسمت ششم: نام صادر کننده

به ماده 6 ق ص چ بانک ها مکلفند در روی هر برگ چک نام و نام خانوادگی صاحب حساب را قید نمایند ..

این مقدمه چینی به منظور تأمین مالی صاحب حساب و صادر کننده و دارنده چک منظور گردیده است .

به این ترتیب با انعکاس نام شخص حقیقی یا حقوقی صاحب حساب جاری ، امکان سوء استفاده از چک توسط

غیر به طور محسوس کاهش می یابد.

مسلما اگر نام و نشان دارنده حساب روی برگ چک قید شده باشد هیچ گاه یابنده یا رباینده آن چنین سوء استفاده ای

از ورقه نمی کند ، به علاوه در صورتی که ذی نفع بدون دانستن هویت دقیق امضاء کننده ، چکی با نام دیگری از وی

بپذیرد ، مطلقا به زیان خود عمل کرده است .

زیرا ایراد شکلی اوراق تجاری نسبت به هر انتقال گیرنده قابلیت طرح و بررسی دارد.

به علاوه وقتی حساب جاری میان دو یا چند مشترک باشدو آنها طبق شرایط عمومی آن می باید متفقا به صدور اقدام به

صدور چک نمایند، اجرای ماده 6 فوق الذکر توسط بانک ها از ورود خسارت به اشخاص ذی نفع ممانعت به عمل خواهد آورد .

قسمت هفتم : امضای صادر کننده

امضای محیل به حکم ماده 311 ق ت در ذیل متن چک الزامی است . « در چک باید محل تاریخ صدور قید شده و به

امضای صادر کننده برسد.»

در اینجا اختلاف با صدر ماده 223 ق ت راجع به شرایط شکلی برات ظاهر می گردد .

سند اخیر می تواند متضمن امضاء یا مهر باشد اما چک با توجه به ویژگی و خاصیت آن از نظر مقررات حقوقی و کیفری

بایستی حتما تسلیم محتال شود .

بانک نیز پس از احراز مطابقت کامل امضای ذیل چک با نمونه امضای موجود در بانک به پرداخت آن خواهد کرد.

در مواردی اشخاص حقیقی و بویژه اشخاص حقوقی از امضاء و مهر مخصوص استفاده می نمایند .

این سوال مطرح شده است که حجر امضای صادر کننده برای پرداخت ورقه به دارنده کفایت می کند یا وجود مهر همراه امضاء ضرورت قانونی نیز دارد.

بنا بر این اگر صاحب امضای چک شرکتی ، نقش مهر موسسه را در کنار امضای خود فراموش کرده ، امکان دارد به لحاظ روابط داخل شرکت ، اساسنامه و تصمیمات مجامع عمومی تخلف نموده باشد.

اما بانک به مقررات مذکور ، مجاز نیست چنین چکی را نپردازد و دست دارنده نا آگاه و با حسن نیت را خالی گذارد .
یعنی آنچه صورت قانونی دارد تطبیق نمونه امضای موجود در بانک با امضای صادر کننده است و اضافه بر آن قانوناً تکلیفی بر عهده متصدی بانک قرار نمی دهد .

و سر انجام در صورتی که حسابی متعلق به دو یا چند شخص بوده و صدور هر برگ چک مستلزم امضای همگی آنان باشد ، یک نفر مجاز به صدور چک بدون امضای دیگران نخواهد بود .

مجموع تست

1- چکی که بدون مبلغ صادر شده است ، توسط دارنده تکمیل می شود . در این صورت سند مزبور.....

الف) چک محسوب می شود

ج) اگر در حدود اختیار تکمیل شده باشد چک محسوب می شود .

د) فقط نسبت به دارندگان نا آگاه چک محسوب می شود .

2- به موجب قانون برای صدور چک کدام مورد معتبر است ؟

الف) فقط امضاء

ب) فقط مهر

ج) امضاء و مهر

د) امضاء یا مهر

3- چنان چه چکی به حواله کرد الف یا حامل تنظیم گردد :

الف) چک در وجه شخص معین محسوب است .

ب) چک در وجه شخص معین یا به حواله کرد محسوب می شود .

ج) چک در وجه حامل محسوب و بدون ظهر نویسی قابل انتقال است .

د) چک در وجه حامل محسوب است ، اما بدون ظهر نویسی منتقل نمی گردد .

4- اگر عبارت حواله کرد در متن چک قلم خورده باشد ، چک.....

الف) غیر قابل انتقال است

ب) طبق قانون مدنی ، قابل انتقال است .

ج) بدون اجازه صادر کننده قابل انتقال است .

د) قابل انتقال و تابع قانون تجارت است

5- صدور چک :

الف) از اعمال تجاری ذاتی است .

ب) ذاتا عمل تجاری است .

ج) همانند برات و سفته عمل تجاری است .

د) ذاتا عمل تجاری نیست .

پاسخنامه

1-ج

2-الف

3-الف

4-ج

5-ب

6-د

ظهر نویسی

قسمت اول : اشکال ظهر نویسی

گفتار اول : محل ظهر نویسی

آیا باید صرفا در پشت برگه اقدام به این کار کرد و اگر بدلیل وجود امضاءها و مهرهای متعدد این کار میسر نباشد ، تکلیف چیست ؟

در ظهر نویسی در ماده 11 ق ص چ غیر از ظهر نویسی به معنای واقعی کلمه است و این امر ممکن است در برگه جداگانه صورت پذیرد .

علاوه بر این بنا به ضرورت عملی نیز ظهر نویسی روی برگ جداگانه را ، رویه قضایی نیز می پذیرد.

گفتار دوم : ظهر نویسی وکالتی و تضمینی

پشت نویسی می تواند انتقالی نبوده و عنوان وکالت در وصول داشته باشد .

این ترتیب در ماده 247 ق ت پیش بینی شده است .

اما آیا ظهر نویسی چک برای تضمین و حسن انجام یک قرار داد نیز صورت قانونی دارد .

اصولا با توجه به اینکه چک، قانونا فقط یک وسیله پرداخت به شمار می رود مورد تضمین قرار گرفتن آن قابل طرح نمی باشد .

در حالت احراز قصد تضمین میان دارنده و انتقال گیرنده چک همچنان فورا قابل مطالبه و پرداخت بوده

و ارتباطی به تحقق شرط مقید در پشت سند ندارد .

لذا در صورتی که چک با عدم پرداخت رو برو گردد با توجه به متن آن ، به تناسب مورد شمول ماده 3 و یا ماده 13 آن قانون می باشد .

گفتار سوم : ظهر نویسی مشروط

با توجه به ماده 247 ق ت که مطابق قانون ظهر نویسی انتقالی و یا وکالتی تجویز شده است ، هر شرطی در احراز آن بی تاثیر است .

گفتار چهارم : ظهر نویسی در وجه حامل

اصولا سند بی نام در حکم سند در وجه حامل می باشد .

گفتار پنجم : ظهر نویسی جزئی

در حقوق ما ظهر نویسی جزئی بلا اشکال تلقی می گردد.

گفتار ششم : ظهر نویسی برای محال علیه

در حقوق ما واگذاری چک به شعبه محال علیه بانک ، حکم رسید دریافت وجه را از حساب جاری صادر کننده دارد ، اما تحویل چک به شعبه دیگر همان بانک ، وصولی یا وکالتی در نظر گرفته می شود ، مگر آنکه حساب مشتری بدهکار باشد که در این صورت ظهرنویسی ، ماهیتا انتقالی یا نزولی محسوب می گردد .

گفتار هفتم : ظهرنویسی براتگیر

ظهرنویسی براتگیر در حقوق ما باطل نیست . اما با توجه به اینکه پس از ارائه به بانک و تأدیه مبلغ از درجه اعتبار خارج می شود ، می توان به اجرای آن پی برد.

قسمت دوم : آثار ظهرنویسی

بر اساس ماده 312 ق ت « چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا بحواله کرد صادر گردد ».

از این ماده قانونی ترتیبات زیر قابل استخراج است.

1- چک قابل پرداخت به شخص معین یا به حواله کرد او می باشد.

2- چک قابل پرداخت به شخص معین بوده و عبارت « حواله کرد » قلم گرفته شده است .

2- چک در وجه حامل تنظیم شده است . تفاوتی نمی کند که این عبارت به تنهایی قید گردیده و یا پس از نام شخص معین و اثر آورنده قید و موجود باشد .

گفتار اول : چک قابل انتقال تجاری

الف) ممکن است ذی نفع نام دیگری را بالای امضای خود در ظهر سند درج کند تا ظهر نویسی به صورت با نام در آید . بدیهی است صاحب برگه همین شخص انتقال گیرنده خواهد بود .

مگر آنکه ذی نفع از انتقال گیرنده خواهد بود . مگر آنکه ذی نفع از انتقال آن منصرف شده و پشت نویسی خود را قلم بگیرد یا از تسلیم ورقه مزبور به شخص موصوف صرف نظر نماید .

اما در حالت تحول آن ، دارنده جدید حق دارد چک را به نوبه خود امضاء کرده و به غیر منتقل سازد .

در اینجا نیز امکان دارد ظهر نویس دوم با نام باشد .

در این صورت سلسله ظهر نویسی پدیدار می گردد.

علاوه بر آن ظهر نویس مجاز است به صرف امضاء در ظهر ، چک را منتقل نماید.

کافی است دارنده برای ایجاد تسلسل امضاء ها و مسئولیت تضامنی و اجرای اصل عدم توجه ایرادات نام خود یا دارنده جدید را در آن قید کند و این عمل یک یا چند بار به وسیله اشخاص بعدی تکرار می شود .

در صورتی که جزئا یا کلا با عدم پرداخت روبرو شود ، دارنده می تواند طبق ماده 315 ق ت

به کسب گواهی عدم پرداخت همت گمارد و از تضمینات تجاری سند استفاده نماید.

ب) امکان دارد ذی نفع یا هر یک از انتقال گیرندگان مجرد امضاء در پشت برگه را مقید به عبارت « در وجه حامل » نماید . در اینجا ذکر عبارت مذکور در بالای امضاء کفایت می کند و تبعا ورقه به گونه سند در وجه حامل در می آید.

گفتار دوم: چک غیر قابل انتقال تجاری

این نوع چک اگر چه تضمین نام دارنده می باشد ولی اگر عبارت به حواله کرد قلم گرفته شده باشد حکایت از این دارد که صادرکننده راه نقل و انتقال براتی و آثار مرتبط بر آن رابسته است هر دارنده باملاحظه سند از آن اطلاع یافته و می دانسته که ویژگی مسؤلیت تضامنی ظهرنویسان و ضامنان آنان و متعاقباً اصل عدم تاثیر ایرادات در این برگه مفقود است چون ورقه را باین ویژگی پذیرفته نمی توانند نسبت به آن اظهار ناآگاهی و حسن نیت نماید پس در این حالت هر امضاء در پشت سند ظهور بر ضمانت از صادرکننده است بعضی نویسندگان این استدلال را پذیرفته اند

رویه قضایی منکر وجود هر نوع اثر بر قلم خوردگی عبارت حواله کرد می باشد

طرح مساله: اگر عبارت حواله کرد در متن چکی که در وجه مشخص معین است قلم گرفته شده باشد آیا آن شخص می تواند چک را با ظهر نویسی به دیگری منتقل کند یا خیر؟

خط خوردن «حواله کرد» موجب سلب مصونیت دارنده مقابل صاحب امضاء در مورد ادعای معاملاتی وی نسبت به انتقال گیرنده اولیه است.

یعنی در حالت وجود حواله کرد ظهر نویسی طبق قانون تجارت و در صورت حذف آن انتقال عادی خواهد بود. روشن است که تنها انتقال تجاری موجب مسؤلیت تضامنی طولی میان دستهای پی در پی چک و اجرای اصل عدم تاثیر ایرادات می باشد .

انتقال غیر تجاری در حالی که عبارت به حواله کرد حذف گردیده ، متضمن آثار فوق نیست .

در واقع در انتقال نوع دوم هر دارنده نیز همان حقوقی را بدست می آورد که دارنده مقابل صادر کننده داشته است. لذا ایرادات معامله ابتدایی صادر کننده نسبت به ذی نفع در برابر هر دارنده نیز قابل طرح خواهد بود . در حالت مذکور امضاء کنندگان پشت چک مسؤلیت تضامنی طولی ندارند مگر آنکه آنان بر عنوان ضمانت از صادر کننده هر یک به تنهایی معادل مبلغ سند مسئول باشد .

شایان ذکر است که عبارت حواله کرد از لحاظ شمول مقررت کیفری نیز اثری دارد .

در نهایت باید دانست که بر اساس حقوق تجارت نه تنها صادر کننده که هر ظهرنویس می تواند ظهرنویس های بعد از خود را در راه استیفای حقوق خویش در مقابل انتقال گیرنده بی تاثیر ساخته و منع نماید.

گفتار سوم : چک در وجه حامل

اگر در متن چک عبارت « در وجه حامل » ذکر شود چک با قبض اقباض قابل داد و ستد می باشد، در صورتی که محل مربوط به دارنده کاملاً خالی بماند ، چک بی نام بوده و در حکم سند در وجه حامل تلقی می گردد در این شرایط آورنده

سند مالک آن تلقی می گردد مگر در صورت اثبات خلاف . بدیهی است که نامبرده می تواند با مراجعه به بانک محال علیه نقدا مبلغ برگه را دریافت دارد، یا آنکه یک چک جهت وصول نامبرده در بانک خوابانیده شود. چون سند مذکور نیاز به ظهر نویسی ندارد، وجود یک یا چند امضاء در پشت برگه حاکی از ضمانت می باشد . اما در صورت احراز انجام ظهر نویسی بدون این که سند از حالت در وجه حامل خارج شود ، ظهرنویس مطابق نظم تضامن طولی مسئولیت خواهد داشت .

اصل عدم توجه ایرادات

دارنده چک حقوق بیشتری از ذی نفع آن کسب می کند ایرادات غیرقابل استنادمقابل شخص دارنده که در واقع ناشی از توافق در شکل ظاهری و مندرجات چک بوده همواره مورد تایید دادگاه هابوده است یادآوری می شود که اگر عبارت حواله کرد حذف یا موردقابل ایراد در سند نوشته شده باشد تمام ایرادات قابل عنوان در برابر ذی نفع نسبت به دارنده نیز قابلیت طرح و توجه خواهد داشت زیرا شخص ثالث در این حالت نمی تواند خود را ناآگاه و باحسن نیت قلمداد کند درحقیقت شخص مذکور با قبول چنین برگه ای به انتقال ساده راضی شده و حاضر به تاثیر هر ایراد موجه از جانب محیل در مقابل ذی نفع برگه می باشد

برعکس اگر چک به حواله کرد ویابدون آن به صورت بی نام صادرشود ذی نفع می تواند بجای قیداسم خودنام انتقال گیرنده بعدی را بنویسد در این صورت مراجعه شخص اخیره امضاء کننده سند فقط یادآور رابطه براتی بوده و به رغم ظاهر چک دست مستقیم و رابطه ابتدایی مفقوداست بنابراین هرگونه ایراد معامله اصلی در میزان مسؤلیت صادرکننده بی تاثیر خواهدبود.

مجموعه تست

1- انتقال سند تجاریممکن است .

الف) با قبض و اقباض

ب) در وجه شخص معین با قبض و اقباض

ج) در حکم در وجه حامل با قبض و اقباض

د) در حکم در وجه حامل با قبض و اقباض

2- مزیت چک در وجه حامل در مقایسه با چک در وجه شخص معین برای دارنده ی آن چیست ؟

الف) انتقال بدون ظهرنویسی

ب) اعطاء وکالت به بانک جهت وصول

ج) تقلیل خطر ناشی از فقدان چک

د) عدم قابلیت استناد به ایرادات

3- الف چکی را به حواله کرد ب صادر می نماید .ب آن را صرفا با امضاء ج منتقل و وی نیز آن را بدون ظهر

نویسی به «د» واگذار می کند بنابراین

الف) هر دو انتقال صحیح است .

ب) هر دو انتقال نادرست است .

ج) فقط انتقال از ب به ج درست است .

د فقط انتقال از ج به د درست است.

4- الف چکی را در وجه ب یا امل صادر نموده است ، این چکاست .

الف) باطل

ب) در حکم چک در وجه حامل و شخص معین

ج) در حکم چک در وجه شخص معین

د) در حکم چک در وجه حامل

5- از جمله معایب چک در وجه حامل در مقایسه با چک در وجه شخص معین از دیدگاه دارنده آن ، عبارت

است از:

الف) اساسا برای دارنده تفاوتی ندارد .

ب) امکان انتقال بدون ظهر نویسی.

ج) خطر ناشی از فقدان چک

د) محرومیت از مزایای اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات .

6- اگر عبارت حواله کرد در متن چک قلم خورده باشد ، چک

الف) غیر قابل انتقال است .

ب) قابل انتقال لیکن تابع قانون مدنی

ج) بدون اجازه صادر کننده قابل انتقال نیست .

د) قابل انتقال و تابع قانون تجارت است.

7- مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان چک در چه صورتی محقق می گردد ؟

الف) به محض امضاء

ب) با عدم تأدیه از سوی محال علیه

ج) با عدم تأدیه از سوی صادر کننده

د) با عدم تأدیه از سوی صادر کننده و محال علیه

8- مستند به قانون تجارت صرف امضاء در ظهر چک

الف) ظهور در نقل ذمه به ذمه دارد .

ب) دلالت بر وکالت در وصول دارد .

ج) حاکی از انتقال سند است .

د) حاکی از ضمانت است .

پاسخنامه

1-ج

2-الف

3-الف

4-د

5-ج

6-ب

7-الف

8-د

پرداخت

از آنجایی که چک در اصل همانند اسکناس وسیله پرداخت فوری بوده و برای کاهش جریان و تورم پول در نظر گرفته شده موضوع تأدیه آن از برات و سفته حساس تر متجلی می گردد . بر همین اساس قانونگذار علاوه بر تضمین های پرداخت فوق العاده حقوق و تکالیفی مشخص و مخصوص نه تنها برای استفاده کنندگان از چک که جهت مراجع رسمی نیز در نظر گرفته است

قسمت اول :استفاده کنندگان چک

این اشخاص شامل بستانکار یا دارنده و صادر کننده آن می باشد

گفتار اول تکالیف و حقوق دارنده چک

مطلب نخست : تکالیف

مبحث اول : در تعقیب حقوقی

بند اول : مراجعه به محال علیه

برای استفاده از مزایای حقوقی براتی دارنده مکلف است مطابق مواد 315 و 317 ق ت چک را ظرف مدت 15 روز (اگر سند در همان محلی که صادر شده باید پرداخت گردد)و یا 45 روز (در صورتی که چک از یک نسبت به مطالبه وجه سند و در حالت فقد محل به اخذ گواهی مربوط اقدام نماید .

اگر دارنده چک در ظرف موارد مذکور پرداخت وجه آن را مطالبه نکند دیگر دعوی او بر علیه ظهر نویس مسموع نخواهد بود. و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود دعوی دارنده چک بر علیه صادر کننده نیز در محکمه مسموع نیست مسئولیت ظهرنویس در مورد چک وقتی محرز و محقق می گردد که وفق مقررات و شرایط مندرج در ماده 315 ق ت دارنده چک در ظرف مهلت 15 روز به بانک محال علیه مراجعه و گواهی صادره از طرف بانک دایر به عدم تأدیه وجه چک که به منزله واخواست می باشد ،اخذ نماید.

بند دوم

دارنده وفق ماده 286 یا 287 ق ت . می باید به ظرفیت ظهر نویس و ضامن او ظرف یک سال یا دو سال از تاریخ گواهی عدم پرداخت ، مبادرت به طرح دعوی حقوقی نماید هر ظهر نویس پرداخت کننده نیز اگر بخواهد از حقی که در ماده 249 به او داده شده است ، استفاده نماید ، باید در مواعدی که به موجب مواد 286 و 287 ق ت ،اقامه دعوی کند و نسبت به او موعد از فردای ابلاغ احضاریه محکمه محسوب است .

و اگر وجه برات را بدون اینکه بر علیه او اقامه دعوی شده باشد تأدیه نماید ،از فردای روز تأدیه محسوب است (ماده 288ق ت) پس از انقضای مواعد مقرر در مواد فوق دعوی دارنده برات بر ظهر نویسها و همچنین دعوی هر یک از ظهرنویسها برید سابق خود در محکمه پذیرفته نخواهد شد .

مبحث دوم : در تعقیب کیفری

بند اول : کسب گواهی عدم پرداخت

در چک های به روز یا بی وعده ، وفق مواد 4 و 5 ت ص چ بانک در برگ مخصوصی که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادر کننده در آن ذکر شده باشد، علت یا عدم پرداخت را صریحاً قید و آن را امضاء و مهر نموده و به دارنده چک تسلیم می نماید .

مطابق قسمت اول ماده 11 قانون ، در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ برای وصول آن به بانک مراجعه نکند دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت.

اما در انواع چک هایی که متضمن تاریخی موخر بر تاریخ واقعی تحریر می باشند ، نقطه شروع مرور زمان شش ماهه فوق کدام است؟ تاریخ ظاهری یا تاریخ واقعی ؟

در این خصوص، برخی دادگاه ها جرم ماده 13 ق ص چ را جرمی مجزا و منفک از جرم ماده 3 این قانون دانسته و عقیده داشته اند که از حیثه شمول مرور زمان ماده 11 آن قانون خارج است .

بنابراین شکایت دارنده چک بلا محل موضوع ماده فوق به ظرفیت صادر کننده مهلت خاصی نداشته و همواره قابل تعقیب خواهد بود .

مع ذلک محاکم اکثراً نظر به تفسیر قانون به نفع متهم و بدهکار ، ممنوعیت عمومی صدور چک های بلا محل و وحدت ملاک ماده 11 ق ص چ تاریخ واقعی صدور چک های موضوع ماده 13 را مبدأ شروع مرور زمان شش ماهه می دانند.

بند دوم : شکایت کیفری

استفاده از تضمین تعقیب جزایی صادر کننده چک بلا محل که منتهی به صدور گواهی عدم تأدیه شده ، در بند طرح شکایت طی مدت شش ماه است: « در صورتیکه دارنده چک ...ظرف شش ماه از تاریخ گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت .»

قسمت دوم : حقوق مبحث اول : تعقیب حقوقی

در صورتی که دارنده مطابق مقررات مواد 315 و 317 ق ت عمل کند ، حق مراجعه به کلیه امضاء کنندگان اعم از صادر کننده ، ظهرنویسان و ضامنان آنان را کسب می نماید (استنباط خلاف از قسمت دوم ماده 315 مذکور) .

این حق شامل اقامه دعوی و حق درخواست صدور قرار تأمین خواسته به تضامن علیه اشخاص مزبور می باشد.

مطابق حکم ش 1205 مورخ 24/8/3 از شعبه 4 دیوان عالی : « برابر دو ماده 249 و 214 ق ت ، صادر کننده چک در مقابل آن مسئول است و به موجب ذیل ماده 315 ق .مذکور، دعوی دارنده چک در صورتی که در ظرف مواعد مذکور در همان ماده پرداخت وجه آن را مطالبه نکند ، دیگر دعوی او علیه ظهر نویس شنیده نمی شود و نسبت به صادر کننده در صورتی دعوی مسموع خواهد بود که وجه چک به علتی که مربوط به مجال علیه است از بین برود .

گفتنی است که بعضی صدور قرار تامین خواسته مطابق مواد آ.د.م و 292 ق ت را مستلزم اصدار گواهی عدم پرداخت در فرجه قانونی می دانند. اما به عقیده گروهی دیگر به موجب ماده 2 ق ص چ این سند نسبت به صادر کننده در حکم سند رسمی بوده که وفق بند مواد ق آ.د.م. نیازی به سپردن خسارت احتمالی ندارد.

چون چک های صادر کننده بر عهده بانک های مجاز در حکم اسناد لازم الاجرا می باشند، لذا در صورتیکه بر علیه صادر کننده آنها اقامه دعوی شود، نیازی به ایداع خسارت متحمله جهت صدور قرار تأمین خواسته نیست و اقامه دعوی به طرفیت صادر کننده چک و در خواست تأمین خواسته مهلتی ندارد.

مبحث دوم: تعقیب جزایی

حق تعقیب کیفری صادرکننده برای مواد 3 و 7 و 10 و 13 ق ص چ از برای دارنده قانونی آن شناخته شده است که می تواند مشتمل بر مجازات کیفری از جمله حبس باشد.

مبحث دوم: حق دارنده سهل انگار

در صورت فوت مهلتهای مقرر، دارنده همچنان می تواند مبلغ چک را از بانک درخواست کند. حتی پس از گذشت مدت شش ماهه قانونی هم باید مبالغ موجود در حساب صادر کننده به دارنده سند پرداخت شود. زیرا مبلغ چک در زمان صدور آن از ملکیت محیل خارج شده و جزو اموال محال به شمار می رود.

به همین جهت بند 2 مقررات و شرایط عمومی حساب جاری مقرر می دارد: «مهلت ارائه چک به بانک جهت وصول از تاریخ چک ده سال است». قید هرگونه عبارتی در متن چک که مهلت گفته شده را محدود نماید، مانند «فقط یک ماه اعتبار دارد». از نظر بانک فاقد اعتبار بوده و نباید به آن ترتیب اثر داد.

مبحث چهارم: دستور عدم پرداخت و حق دارنده

طبق حکم مقرر در قسمت دوم 14 ق ص چ «دارنده چکی می تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده، شکایت کند

و هر گاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد، دستور دهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده 7 این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.

ذی نفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد (یا چکی در وجه حامل به او واگذار گردیده) (تبصره اول همان ماده) حق شکایت همچنین از برای دارنده چک تضمین شده و مسافرتی در صورت ادعای جعل و دستور عدم پرداخت در نظر گرفته شده است.

حق دارنده در صورت فوت صادر کننده

بر حسب ماده 15 ق ص چ « دارنده می تواند وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه کند . «. بدین منظور می باید دادخواست ضرر و زیان تا اولین جلسه رسیدگی تقدیم مرجع قضایی رسیدگی کننده بشود خسارت دادرسی از باب تسبیب و خسارت تاخیر تادیه نیز در صورت مطالبه دارنده مورد لحوق حکم قرار می گیرد .

مبحث ششم : حق دارنده در صورت فوت صادر کننده

با توجه به اینکه مالکیت محل در چک به هنگام صدور از آن ذی نفع بوده و به وی انتقال می یابد، در گذشتن امضاء کننده در حق دارنده نخواهد داشت .

با توجه به ماده 310 ق ت که می گوید « چک نوشته ای است که به موجب آن صادر کننده وجوهی را که نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد و یا به دیگری واگذار می نماید».

به نظر می رسد بانک بتواند وجه چک هایی را که صاحب آن در زمان حیات خود صادر کرده و سپس فوت کرده است پرداخت نماید.

زیرا به محض صدور چک صاحب حساب وجه آن را به شخص دیگری واگذار کرده است.

در صورتی که چک موصوف بلا محل باشد مطالبه وجه آن از وراث صورت قانونی دارد .

اما حق شکایت کیفری سلب می شود .

مبحث هفتم : حق دارنده در حالت ورشکستگی صادر کننده

دارنده چک می تواند در صورت توقف رسمی صادر کننده ظرف مهلتهای معین وارد غرماء گردد.

اگر بدون عذر موجه اعلام طلب ننماید ، طلب وی در ورشکستگی مردود است اما نامبرده پس از ختم عمل تصفیه و اعلان آن در روزنامه ، اجازه تعقیب بدهکار را خواهد داشت .

زیرا آن هنگام دیگر دعوی جمعی خاتمه یافته و تعقیبات شخصی از سر گرفته می شود . اگر دارنده در دوران مشکوک موفق به وصول وجه چک شود ، قانوناً مطابق شق دوم ماده 423 ق ت ملزم به استرداد آن خواهد بود.

تأدیه هر قرض اعم از حال یا موجد به هر وسیله که به عمل آمده باشد باطل و بلا اثر است . بعلاوه ، پرداخت دین یکی از بستانکاران بر خلاف قاعده تساوی در ورشکستگی بوده و از موارد الزامی ورشکستگی به تقصیر به شمار می رود .

قسمت دوم : تکالیف حقوق صادر کننده

مطلب نخست – تکالیف

در مرحله تنظیم و تسلیم سند

مبحث اول : نحوه تحریر

صادر کننده می بایست مطابق مواد 311 و 312 ق ت عمل کند ، یعنی نامبرده محل و تاریخ صدور واقعی را اصولاً در سند قید می نماید. این ورقه می تواند در وجه حامل شخص معین بدون حواله کرد ، و یا به حواله کرد شخص معین باشد امضای ذیل ورقه هم ضروری است.

مبحث دوم : شرایط تسلیم

مطابق ماده 3 ق ص چ صادر کننده چک باید در تاریخ صدور معادل مبلغ چک در بانک محال علیه محل (نقد یا اعتباری قابل استفاده) داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده است به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد. همچنین وی باید چک را به صورتی تنظیم کند که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضاء یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و غیره از پرداخت وجه چک خودداری نماید.

به عبارتی ، تحریرکننده چک باید لزوماً چک بلا محل ، در اختیار ذی نفع قرار دهد و صدور چک با محل مطابق ماده 7 این قانون جرم و قابل مجازات می باشد.

علاوه بر این هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید ، عمل وی در حکم صدور چک بی محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در موارد ق ص چ مکوم می گردد . (ماده 10 ق ص چ) از نظر حقوقی ، وجود سند در دست غیر ، دلیل اشتغال ذمه صادر کننده است و در صورت عدم اثبات خلاف بقای آن استصحاب می شود.

در رویه قضایی صدور چک دلیل اشتغال ذمه صادر کننده است .

در ضمن تسلیم سند به غیر ، معنای تملیک مال به دیگری را دارد .

لذا ادعای امانی بودن چک و تقاضای استرداد آن مستلزم دلایل کافی است.

مطلب دوم : حقوق صادر کننده

مبحث اول : استرداد چک یا وجه آن

در صورتی که چک نه در اصطلاح عرفی آن و به معنای تضمین بلکه به معنی حقوقی کلمه ، یعنی (امانت صرف) نزد شخصی موجود باشد ، قابل استرداد می باشد . حال اگر حکم به استرداد چک در دادگاه صادر شود و محکوم علیه بعداً سند مذکور را به غیر منتقل ساخته و یا خود مورد استفاده قرار دهد ، نسبت به صادر کننده مرتکب جرم شده است . استرداد وجه چک نیز در حالت وصول مبلغ از طرف ذی نفع و حصول دارایی غیر عادلانه وی امکان پذیر است . بنابراین ، حق خواهان در استرداد وجه باید ثابت شود و صرف استناد به ماده 265 ق م کفایت نمی کند .

مطابق حکم مورخ 71/4/22 شعبه 44 دادگاه حقوقی تهران : « حکم به استرداد وجه چک علیه گیرنده آن در صورتی صحیح است که استحقاق صادر کننده در استرداد وجه چک بر دادگاه ثابت گردد و استناد به اصل برائت و همچنین استناد به ماده 265 ق م برای اثبات امر مزبور کافی نخواهد بود .»

مبحث دوم : دستور عدم پرداخت

بر اساس ماده 14 ق ص چ صادر کننده حق دارد به عنوان تمهید حفاظتی دستور عدم پرداخت چک را به بانک محال علیه بدهد:

در صورت گم شدن ، سرقت یا جعل سند

تحصیل چک در نتیجه کلاهبرداری ، خیانت در امانت و جرائم دیگر

بانک پس از احراز هویت دستور دهنده ، از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد .

مبحث سوم : سلب مسئولیت جزایی

صادر کننده در موارد مشروحه ماده 12 ق ص چ عنوان کیفری مجرم به صدور چک بلا محل را از دست می دهد. می توان انواع چک های حقوقی را پس از سال 1372 برشمرد..

- 1- چکی که دارنده آن کاهل باشد .
- 2- چکی که تصرف آن به رضایت صادر کننده ظاهری نباشد.
- 3- چکی که صادر کننده آن فوت کند .
- 4- چکی که دارنده آن حق تعقیب جزایی نداشته باشد.
- 5- چکی که صادر کننده آن ورشکست شود.
- 6- چکی که بدون حواله کرد باشد و به ثالث انتقال یابد.
- 7- چکی که در وجه آن ربا باشد .
- 8- چکی که باید به صادر کننده آن مسترد شود.
- 9- چک فاقد تاریخ .

قسمت دوم : تکالیف و اختیارات مراجع رسمی

گفتار اول : تکالیف و اختیارات بانک محال علیه

همواره ابتدایی ترین وظیفه بانک افتتاح حساب جاری مطابق مقررات موجود و ارسال صورتحساب به درخواست مشتری می باشد.

وظایف و اختیارات بانک در خصوص چک با محل

به هنگام پرداخت چکی که دارای موجودی باشد، بانک بایستی برابر قانون، نکات زیر را مراعات کند تا حتی الامکان وجه مربوط به صاحب واقعی سند پرداخت گردد و گر نه محال علیه ممکن است با تأدیه مبلغ به غیر ذی نفع، برائت حاصل نموده و به پرداخت مجدد و قانونی محکومیت حاصل کند.

بند اول: سرقت و مفقود شدن سند

در مورد چک مفقود شده که صادر کننده آن مراتب را گزارش داده، بانک بایستی مطلقاً از پرداخت خودداری نماید. همین حکم در مورد چک مسروقه نیز جاری است. مطابق این ماده صادر می شود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستور دهنده در حساب مسدود نگهداری نماید.»

بند دوم: جعل و تزویر چک

اگر امضای صادر کننده جعل شده و با نمونه امضاء موجود در بانک مطابقت ننماید، بانک ملزم است از پرداخت چنین سند مجعولی اجتناب ورزد.

هنگامی که در مندرجات چک هم به طور غیر معمولی خدشه وارد شده یا موسسه مذکور در حدود عرف بانکداری مجبور به عدم تأدیه خواهد بود.

بند سوم: بررسی تسلسل ظهنویسی

در صورتی که چک از طریق ظهنویسی دست به دست انتقال یافته، بانک محال علیه بایستی سلسله امضاء های سند را مورد توجه قرار دهد.

بند چهارم احراز هویت دارنده

متصدی بانک می باید به هنگام پرداخت امضای صادر کننده را با نمونه مضای موجود در بانک تطبیق نماید. علاوه بر آن برابر مقررات و شرایط عمومی حساب جاری اعم از آنکه سند در وجه شخص معین یا در وجه حامل باشد، بانک موظف به احراز هویت دارنده، یعنی آخرین امضاء کننده چک خواهد بود.

قسمت دوم ماده 11 ق ص چ نیز صراحت در این امر دارد.

بند پنجم: اهلیت دارنده و صاحب حساب

مطابق مقررات مدنی بستانکار می باید برای دریافت وجه اهلیت داشته باشد. این شرط برای بده کار در تأدیه دین موثر است. اما سرعت عملیات و تقویت اعتبارات اجازه اجرای این قاعده را امور تجاری و بانکی نمی دهد. در واقع بانک وفق ماده 400 ق ت نماینده مشتری در پرداخت بوده و تأدیه مبلغ به بستانکار ظاهری موجب برائت ذمه موسسه اخیر است و مطابق ماده 313 ق ت وجه چک باید به محض ارائه کارسازی شود.

همچنین مطابق مقررات و شرایط عمومی حساب جاری بند 19 چنانچه صاحب حساب و یا در مورد حسابهای مشترک یکی از صاحبان حساب فوت نماید، مادام که بانک رسماً از فوت صاحب حساب مطلع نشده است در صورت پرداخت وجه چک مسئولیتی ندارد .

البته موارد حجر و ورشکستگی نامبردگان ملحق به مورد در گذشتشان می باشد ولی در این مورد تنها دیگر تاریخ مندرج در چک موخر به حدوث وقایع فوق باشد سند قابل پرداخت نمی باشد .

بند ششم : امضای دارنده در ذیل چک

بانک می باید بر اساس 316 ق ت قبل از پرداخت وجه امضاء یا مهر دریافت کننده در ظهر چک اخذ نماید .

بند هفتم : نگهداری وجه در حساب مسدود

در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق ماده 14 ق ص چ صادر می شود ، « بانک مکلف است که وجه چک را تا تعیین تکلیف در مرجع رسیدگی یا انصراف دستور دهنده در حساب مسدود نگهداری نماید .

بند هشتم : وظایف بانک در ارتباط با چک های موضوع ماده 13 ق ص چ

مطابق دستورالعمل اجرایی ماده مذکور ، توسط بانک مرکزی به کلیه بانک کشور ابلاغ گردیده است .

الف) چک های وعده دار را قبل از تاریخ مندرج در آن ، تأدیه ننموده و به تقاضای دارنده گوهینامه عدم پرداخت تنظیم و تحویل بدهد . این اسناد به عنوان وصولی نیز قابل پذیرش نیستند .

ب) چک هایی را که به عنوان تضمین یا تامین اعتبار و یا مشروط صادر شده است ، وفق ذیل ماده 3 ق ص چ در صورت وجود محل پرداخت نماید

ج) چک های سفید امضاء را که دارنده تکمیل و ارائه می دهد در صورت احراز شرایط مانند اوراق بند (ب)

مبحث دوم : وظایف و اختیارات بانک در خصوص چک بی محل

بند اول : صدور گواهی عدم پرداخت

به هنگام مراجعه دارنده ، در صورت عدم محل یا کسر آن بانک بایستی بنا به درخواست وی مبادرت به تنظیم برگه ای که گواهینامه عدم پرداخت نام دارد ، اقدام نماید .

در این ورقه ، مشخصات چک به هویت و نشانی کامل صادر کننده و همچنین علت یا علل عدم تأدیه صریحاً قید و امضاء و مهر شده و به دارنده چک تسلیم می گردد .

(مواد 4 و 5 ق ص چ) مطابقت امضای صادر کننده با نمونه امضاء موجود در بانک و یا عدم مطابقت آن از طرف بانک در برگه مزبور تصدیق می شود .

بانک موظف است به منظور اطلاع صادر کننده چک فوراً نسخه دوم این برگه را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد .

در برگه اخیر باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارنده نیز قید گردد .

بند دوم: بستن حساب صادر کننده

بانک ها موظفند کلیه حساب های اشخاصی را که پیش از یک بار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفر خاص شده باشد ، بسته و تا سه سال به نام حساب جاری باز ننمایند . مسئولین شعب هر بانکی که به تکلیف فوق عمل ننمایند حساب مورد نظر با توجه شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به یکی از مجازاتهای مقرر در ماده 9 قانون رسیدگی به تخلفات اداری محکوم می گردند.

بند سوم : عدم پرداخت چک بلا محل

از آنجایی که بانک ها طبق روش جاری جز به موجب قرار داد خاص اعتبار مالی برای دارنده های حسابهای جاری در نظر نمی گیرند . چکهای خالی از وجه باید با عدم و تحویل گواهینامه عدم پرداخت مواجه گردد .

بند چهارم : از انسداد حساب در صورت تامین ثانوی محل « در صورتی که صادر کننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم نماید ...

بانک مذکور مکلف است تا میزان وجه چک ، حساب صادر کننده را مسدود نماید و به محض مراجعه دارنده و تسلیم چک وجه آن را بپردازد » (ماده 9 ق ص چ)

بند پنجم : تعیین دارنده قانونی

برای تشخیص این که چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است ، بانک ها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک هویت کامل و دقیق او را پشت چک با ذکر تاریخ قید نمایند .

(قسمت دوم ماده 11 ق ص چ)

گفتار دوم : وظایف و اختیارات بانک مرکزی

بانک مرکزی مکلف است صوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بلا محل نموده اند به صورت مرتب و منظم ، ضبط و نگهداری نماید و فهرست این اشخاص را در اجرای مقررات قانون صدور چک در اختیار کلیه بانک های

کشور قرار دهد (تبصره 1 ماده 1 ق ص چ)

گفتار سوم وظایف و اختیارات دادگاه صادر کننده حکم

مبحث اول : رسیدگی غیابی و صدور حکم

هر گاه پرونده مربوط به اتهام صدور چک بلا محل طبق موازین قانونی آماده برای اظهار نظر باشد ، رسیدگی و صدور حکم در غیاب متهم خالی از اشکال است .

مبحث دوم : اعلام صدور چک بلا محل به بانک مرکزی

این سوال قابل طرح است که با توجه به قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب 73 و انحلال دادسرا در راستای اعلام کیفر خواست به بانک مرکزی ایران در مورد اتهام صدور چک بلا محل مشخص نیست به عهده دادگاه صادر کننده حکم میباشد یا به عهده رئیس دادگستری در مرحله اجرای حکم؟

در مواردی که با تشکیل دادگاه های عمومی در محل قانون تشکیل دادگاه های عمومی و انقلاب اجرا می شود که نتیجه آن حذف پست دادستانی و منطقی شدن صدور کیفر خواست است دادگاه عمومی در زمانی که پرونده را با رسیدگی مقدماتی آماده برای اتخاذ تصمیم نهایی می بینید باید مراتب صدور چک بلا محل و شکایت ذی نفع را با اطلاعات مورد نیاز با توجه به ماده 21 ق ص چ و تبصره ذیل ماده ماده 3 و ماده 5 آیین نامه ضوابط محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری به بانک مرکزی اطلاع دهد .

مجموعه تست

1- شکایت کیفری علیه صادر کننده چک بی محل به مرجع صالح مانع چیست؟

- الف) درخواست صدور اجرائیه برای وصول وجه چک از طریق ثبت می باشد.
- ب) درخواست صدور ارائیه برای وصول وجه چک از طریق اداره ثبت نیست.
- ج) تقدیم دادخواست به دادگاه حقوقی است .
- د) تقدیم دادخواست ضرر و زیان به دادگاه کیفری است .

2- در مورد چک بلا محل اجرائیه علیه کلیه اموال صادر می شود

- الف) صادر کننده چک
- ب) صادر کننده چک به استثنای مستثنیات دین
- ج) منقول صادر کننده چک
- د) منقول صادر کننده چک به استثنای مستثنیات دین

3- چک های صادره به عهده بانک های ایرانی در حکم چه اسنادی هستند

- الف) اسناد بانکی
- ب) اسناد رسمی
- ج) اسناد عادی
- د) اسناد الازم الاجرا

4- هر گاه در متن چک شرطی درج شده باشد که با تحقق آن شرط ، چک قابل پرداخت باشد

- الف) بانک باید به شرط عمل کند
- ب) دارنده در هر صورتی چک را پرداخت کند
- ج) آن چک باطل و غیر قابل پرداخت است
- د) شرط باطل است .

5- اگر ظهر نویس چک را مشروط به شرط نماید بانک محال علیه به شرط عمل کند

- الف) باید
- ب) نباید
- ج) نباید در صورتی که آخرین دارنده در بانک مذکور دارای حساب باشد .
- د) هیچکدام

6- آیا گواهینامه عدم پرداخت در چک به منزله واخواست می باشد؟

الف (بله

ب) خیر

ج) دارنده چک باید ظرف 15 روز از تاریخ چک گواهی عدم پرداخت دریافت دارد .

د) هیچکدام

7- شخصی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده است :

الف (حق شکایت کیفری نخواهدداشت .مگر آنکه انتقال قهری داشته باشد .

ب) دارنده چک محسوب نمی شود

ج) حق شکایت کیفری نخواهدداشت .

د (هیچگونه حقی ندارد .

8- شخصی که مدعی است دارنده چک تضمین شده بودهبه بانک صادر کننده آن چک دستور دهد از

پرداخت آن سند خودداری نماید .

الف (می تواند با ادعای جعل

ب (می تواند با ادعای سرقت

ج) می تواند با ادعای مفقود شدن

د) نمی تواند

9-پرداخت چک های مسافرتی را با ادعای ... می توان متوقف کرد

الف (گم شدن

ب (سرقت

ج (جعل امضای صادر کننده

د (جعل امضای دارنده

10- اگر صادر کننده سند تجاری ادعا کند اهلیت امضاء نداشته است

الف (ایراد او در برابر دارنده مستقیم موثر می باشد

ب (ایراد ، هیچ تاثیری در اعتبار سند ندارد

ج (ایراد او در برابر دارنده غیر مستقیم موثر می باشد .

د (ایراد سند تجاری را به سند عادی تبدیل می کند

11- هر گاه مدیریت یک شرکت تجاری به نام و به حساب شرکت تجاری چکی صادر نماید و وجه آن تأدیه

نگردد ، اصولاً پرداخت وجه آن به عهده کیست ؟

الف (فقط شرکت

ب) فقط مدیر شرکت

ج) شرکت و مدیر شرکت به صورت مشترک

د) شرکت و مدیر شرکت به صورت تضامنی

12- کسی که چک را به وکالت یا نمایندگی از طرف حساب امضاء می کند

الف (شخصاً مسئول پرداخت وجه چک است .

ب) با صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخته وجه مذکور است.

ج) اساساً مسئولیتی ندارد

د) با صاحب حساب متساویاً مسئول پرداخت وجه چک است .

13- در صورتی که چک به نمایندگی از صاحب حساب صادر شود ، مسئولیت چگونه است ؟

الف (مسئولیت صادر کننده و صاحب حساب تضامنی است .

ب) مسئولیت صادر کننده و صاحب حساب بالمناصقه است.

ج) فقط صادر کننده مسئولیت دارد

د) فقط صاحب حساب مسئولیت دارد .

14- جمله « وجود سند تجاری رد ید دارنده ظهور در اشتغال ذمه صادر کننده دارد » مبین.....در اسناد

تجاری است .

الف (وصف تجریدی

ب) وصف تنجیزی

ج) وصف استقلالی

د) وصف شکلی

پاسخنامه

ب-2	ب-1
د-4	د-3
ج-6	ب-5
د-8	الف-7
الف-10	ج-9
ب-12	د-11
الف-14	الف-13

تضمین های پرداخت چک

1- تضمینات عادی چک مبحث اول: محل در قانون ما از محل تعریفی ارائه نشده است، ولی از مقررات موجود چنین بر می آید که زمان صدور ورقه، مالکیت محل در صورت وجود وجه ذی نفع مستقل می شود. به عبارتی می توان گفت محل چک، وجوهی است که صادر کننده در حساب خود نزد بانک محال علیه دارد. علاوه بر وجوهی که خود صادر کننده به حساب جاری خود واریز کرده است ممکن است بانک مربوط اعتباری را به وی اختصاص داده و در حساب وی منظور نماید، لذا در این مورد محل چک ممکن است وجوه نقدی صادر کننده یا اعتباری باشد که از طرف بانک در اختیار او قرار گرفته است.

بر اساس قانون تجارت فوق صادر کننده تأثیری در حق دارنده نسبت به مبلغ چک ندارد و محال علیه ملزم به پرداخت خواهد بود. در صورت ورشکستگی محیل نیاگر چک اگر چک قابل پرداخت نباشد به جهت بسته شدن حساب از روز صدور حکم توقف است و در این صورت دارنده به عنوان بستانکار عادی، یعنی بدون وثیقه عینی طلب خود را نزد اداره یا مدیر تسویه اعلام می دارد.

در برات، سه ویژگی محل عبارتند از مسلم بودن طلب، قابلیت مطالبه و معین بودن وجه آن، ولی در چک دو ویژگی برای محل وجود دارد و آن مسبوق بودن و صدور ورقه و قابلیت فوری می باشد.

قابلیت استفاده فوری بدین معناست که محل چک می بایست علاوه بر وجود زمان صدور، دارای سه ویژگی یاد شده در برات نیز باشد تا قابلیت استفاده فوری از مبلغ امکان پذیر شود ولی با وجود این، عدم تشکیل محل در چک، همانند برات موجب بطلان و بی اعتباری آن نخواهد بود. لازم به ذکر است که محل هیچ گاه شرط صحت چک نبوده است بهترین دلیل این امر نیز، امکان بهره گیری دارنده از تضمینات چک بلا محل و از جمله مسئولیت تضامنی صادر کننده ظهر نویسان و ضامنان آنها می باشد. لازم به ذکر است که صادر کننده می تواند به رغم عدم پرداخت، وجود محل را نزد بانک محال علیه ثابت کند و دارنده را روانه آن سازد.

الف) محل و تمهیدات بانکی

قانونگذار در ماده 21 ق ص چ اختیارات و مسئولیت در ارتباط با چک بی محل برای بانک ها در نظر گرفته است. براساس ماده فوق بانک ها مکلفند کلیه حساب های جاری اشخاصی را که بیش از یکبار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفر خواست شده باشد، بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگری باز ننماید. بانک مرکزی ج.ا.ا. نیز مکلف شده است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بلا نموده اند، به صورت مرتب و منظم ضبط و نگهداری نماید و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات ق ص چ در اختیار کلیه بانک های کشور قرار دهد.

ب) محل و تمهیدات حقوقی

نکته اول این است که دارنده به محض صدور چک ، بر اساس ماده 310 ق ت مالک محل موجود در بانک می گردد. و بانک نیز بر اساس ماده 313 ق ت مکلف به تأدیه فوری آن است لذا وجه مذکور به وسیله بستانکار از صادر کننده نزد محال علیه قابل توقیف نخواهد بود ، مگر اینکه چک صادر شده به عنوان معامله به قصد فرار از دین باطل اعلام گردد. نکته دوم اینکه دارنده کاهل ، بر اساس مقررات ماده 315 ق ت ، می تواند دعوی محل را علیه محیل یا محال علیه مطرح سازد و اگر مثلاً بر اثر ورشکستگی بانک محال علیه محل تشکیل شده از میان برود ، دارنده علیه صادر کننده حق اقامه دعوی محل ندارد .

زیرا در این صورت نامبرده با تودیع وجوه مربوطه ، وظیفه قانونی خود را به جا آورد و به نحو غیر عادلانه دارایی حاصل نکرده و به اصطلاح استفاده کننده بلا جهت به حساب نخواهد آمد

ج) محل تمهیدات جزایی

بر اساس ماده 3 ق ص چ محل باید به صورت نقد یا اعتباری قابل استفاده در تاریخ صدور نزد بانک محال علیه موجود باشد والا صادر کننده به مجازات مقرر در ماده 7 همان قانون محکوم خواهد شد .

ولی ما مشاهده می کنیم که اگر مبلغ در این زمان وجود نداشته ولی پس از آن و هنگام مراجعه دارنده قابل پرداخت باشد ، چنین چکی بلا محل محسوب نخواهد شد .

حتی این امر نیز امکان دارد که چک بی محل صادر شده و منتهی به تعقیب کیفری صادر کننده یا صدور اجرائیه ثبتی علیه او بگردد.

در صورتی که دارنده وجه سند را از صادر کننده وصول کند و یا شاکی گذشت کند ، از ویژگی مسبوق بودن محل بر تنظیم چک عدول شده و قانونگذار به جهات عملی این امر را نادیده می انگارد .

بر اساس ماده 12 ق ص چ هر گاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت نماید و یا اینکه متهم وجه چک و خسارات تاخیر تأدیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند ، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات آن را فراهم نماید.

یا در صندوق دادگستری یا ثبت تودیع نماید ، مرجع رسیدگی قرار وقفی تعقیب صادر خواهد کرد.

حالات مذکور ممکن است پس از صدور حکم قطعی دادگاه حادث گردد که در این صورت اجرای حکم متوقف شده و محکوم علیه ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد بود .

2- مسئولیت تضامنی

مبحث اول : چک کیفری

منظور از چک کیفری ، چکی است که در قانون صدور چک ملون (قابل تنبیه) است.

الف) مسئولیت تضامنی نماینده و صاحب حساب

بر اساس ماده 19 ق ص چ در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد ، صادر کننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجرائیه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می شود .

ب) مسئولیت تضامنی صادر کنندگان یک چک

تضامن کیفری

اگر هر یک از امضاء کنندگان چک بلا محل به طور جداگانه به صدور این نوع چک مبادرت ورزند ، حبس و جریمه نقدی به طور کامل مستقلاً نسبت به هر یک قابل اجرا خواهد بود .

تضامن حقوقی

اگر امضاء کنندگان یک چک بلا محل دو نفر یا بیشتر باشند ، با توجه به ارتکاب جرم از سوی هر یک ، در صورتی که هیچ یک از آنها سهم خویش را از ضرر و زیان ناشی از جرم تأدیه نکند ، مسئولیت تضامنی میان آنها استقرار خواهد یافت .

مبحث دوم : چک حقوقی

ماده 249 ق ت با توجه به ماده 314 همان قانون ، مسئولیت تضامنی طولی را برای ایادی پشت سر هم که ظهر چک را امضاء نموده اند ، در نظر گرفته است .

در حقیقت از صادر کننده چک گرفته تا آخرین ظهرنویس هر یک به میزان کل مبلغ مندرج در برگه چک ، تعهد به تأدیه دارند . در صورت وجود ضامن، وی نیز بر اساس ماده 249 ق ت مسئول خواهد بود .

نکته قابل توجه است که در صورتی که ضامن ها متعدد باشند به اجرای قاعده مدنی تساوی ، اصل تجاری ذمه به ذمه به اجرا در خواهد آمد .

این امکان وجود دارد که صادر کننده چک متعدد بوده و یا دو نفر از راه ظهر نویسی جزئی یا وارث ، مالک مشاع چک گردند و با ظهرنویسی خویش چک را به شخص واحدی انتقال دهند .

در ضمن دارنده سند نیز که طلبکار وجه چک است ممکن است بیشتر از یک نفر باشد .

بنا براین در فروض یاد شده در حال حاضر در رویه قضایی و عمل براساس قانون مدنی ، تعهد و حق تجزیه شده و در آن به قاعده تساوی به شرط عدم تصریح به تضامن قرار دادی رعایت می گردد. ولی در حقوق بازرگانی اصل بر مسئولیت تضامنی امضاء کنندگان قرار دارد و می بایست بر این اساس ، رویه های فعلی تغییر یابد .

مبحث سوم : چک لازم الاجرا

بر اساس ماده 19 ق ص چ چک های اشخاص حقیقی و یا حقوقی که از ناحیه نمایندگان صادر می شود ، در صورت عدم پرداخت و صدور گواهینامه مربوط ، متضمن وثیقه شخصی برای دارنده خواهد بود و در صورت تقاضای دارنده براساس

ماده 252 آئین نامه اجرای اسناد رسمی لازم الاجرا ، اجرائیه ثبتی علیه نماینده و صاحب حساب که مسئولیت تضامنی دارند به نحو تضامن صادر خواهد گردید .

ولی اگر صادر کننده چک لازم الاجراء متعدد باشد با توجه به مسئولیت حقوقی آنها ، اصولاً اجرائیه فوق به طرفیت آنها متساویاً قابل صدور خواهد بود ، مگر اینکه اشخاص اخیر الذکر ، خود به صورت قرار دادی چک چک را به نحو تضامن امضاء کرده باشد که در این صورت اجرائیه می تواند متضامناً علیه صادر کنندگان تنظیم شود .

3- تنظیمات فوق العاده چک

بر اساس قانون صدور چک علاوه بر تعقیب حقوقی ، دو تضمین اضافی برای چک هایی که محال علیه آن بانک ایرانی می باشد در نظر گرفته شده است .

تضمین اول اجرائیه ثبتی است و تضمین دوم تعقیب جزایی

مبحث اول : تضمین اجرائیه ثبتی

بر اساس مقررات ، چک سند عادی لازم الاجرا می باشد .

این برگه از جهت اجراء ، در حکم اسناد رسمی لازم الاجراء قرار دارد و بدون نیاز به حکم دادگاه قابلیت و قدرت اجرایی دارد .

الف) گسترده تضمین اجرائیه چک

دارنده چک می تواند با ارائه اصل چک و گواهی عدم پرداخت در فرم مخصوصی که در اجرای ثبت موجود است ، متقاضی صدور اجرائیه از دایره اجرای ثبت گردد .

علاوه بر گواهینامه مذکور در ماده 4 ق ص چ دارنده چک برای دریافت اجرائیه می تواند فقط گواهی نامه مذکور در ماده 5 ق ص چ را به اجرای ثبت تحویل دهد .

اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا را صادر خواهد کرد که مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادر کننده در بانک ، از طرف بانک گواهی شده باشد ، دارنده چک در این فرض اعم از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او ظهر نویسی شده یا حامل چک ، (در مورد چک های در وجه حامل) یا قائم مقام آنان .

بایستی متذکر شد که کسی که چک بعد از صدور گواهینامه عدم پرداخت بانک به او منتقل شده است نیز

خواهد توانست از اجرای ثبت در خواست صدور اجرائیه کرده و از این طریق وجه آن را وصول نماید

اجرائیه ثبت فقط علیه صادر کننده چک صادر می گردد و وصول چک از طریق اجرای ثبت از ظهر نویسان و ضامنان آنها امکان پذیر نیست .

ولی اگر چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجرائیه ثبت ، به نحو تضامن ، علیه هر دو صادر می شود .

براساس بند 2 مقررات و شرایط عمومی حساب جاری، مدت مهلت ارائه چک به بانک جهت وصول از تاریخ صدور چک، به مدت ده سال است. لذا بعد از گذشت این مدت دارنده موفق به کسب گواهی عدم پرداخت که متضمن تصدیق مطابقت امضای چک با امضای موجود در بانک باشد نخواهد شد و لذا از مراجعه به اجرای ثبت باز خواهد ماند. همچنین بر اساس ماده 20 آئین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا ابتدا مهلتی ده روزه برای پرداخت وجه چک به صادر کننده خواهد شد.

در صورتی که وی در مهلت مذکور اقدامی به عمل نیاورد، اموال وی توسط دارنده سند معرفی و بازداشت خواهد گردید این اموال پس از طی تشریفات قانونی به حراج گذارده خواهد شد که از محل در آمد حراج مذکور، معادل وجه چک، هزینه اجرا (عشر طلب مقید در چک)

و هزینه حراج، کسر شده و مازاد آن در صورت موجود به صادر کننده چک بلا محل یا نماینده حقوقی که چک را صادر نموده و اجرائیه علیه او به ثبت رسیده قابل استرداد خواهد بود.

در مورد وسعت شمول اجرائیه بایستی به نکات زیر توجه نمود.

نکته اول: برای تقاضای صدور اجرائیه، قانونگذار مهلتی تعیین نکرده، لذا بدون نص صریح قانونی نمی توان دارنده چک را از حق خود محروم ساخت.

نکته دوم: به دلیل اولویت حق دارنده به مبلغ چک، قانون صدور چک، تمام موارد عدم نفوذ یک سند از قبیل قلم خوردگی، اختلاف در مندرجات و

و یا چک های ماده 130 ق ص چ را نادیده گرفته و قطع نظر از ایرادات یاد شده صدور اجرائیه ثبتی را بلا مانع دانسته است و این امر امتیاز چک را نسبت به سایر اسناد لازم الاجرا نشان می دهد.

تنها موردی که صرف نظر از آن ممکن نبوده، مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادر کننده است.

نکته سوم: بر اساس مقررات صدور ماده 2 ق ص چ، در موارد عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد، صدور اجرائیه علمی خواهد بود.

ولی بر اساس ماده 50 آئین نامه دفاتر اسناد رسمی و تبصره 2 ماده 4 آئین نامه اجرای مفاد اسناد

رسمی لازم الاجراء «ورقه اجرائیه را فقط نسبت به موضوعاتی می توان صادر کرد که در سند منجزاً قید شده باشد».

لذا مشاهده می کنیم که در مورد چک، قانونگذار یک تضمین اجرایی ثبتی کامل ارائه نموده که حتی چک های معیوب و ناقص را طبق مقررات ثبتی و بازرگانی در بر می گیرد.

نکته چهارم: اگر قرار بر این باشد که در حساب جاری مشترک که طبق توافق دارندگان آن، برداشت از حساب بادو امضاء باید انجام پذیرد، ممکن است چک به امضای واحد صادر شده و منجر به عدم پرداخت و صدور گواهی عدم مربوط

گردد. عبارت «...یا به هر علت دیگر...» در ماده 2 ق ص چ، مجوز صدور اجرائیه علیه صاحب امضاء خواهد بود.

نکته پنجم: اعلام جرم علیه صادر کننده چک بی محل به مقامات صلاحیتدار مانع در خواست صدور اجرائیه برای وصول وجه چک از طریق اداره ثبت نخواهد بود، مگر اینکه دستوری در این باره از طرف مقامات قضایی صادر گردد.

ب) محدودیتهای تضمین اجرائیه ثبتی

تمام مواردی که موجب شکایت موثر از دستور اجراء چک و یا از عملیات اجرایی مربوط به آن گردد، بر تضمین ناشی از اجرائیه ثبتی محدودیتهایی وارد خواهد ساخت.

در این باره محدودیتهای دیگری نیز وجود دارد که در ذیل به هر دو خواهیم پرداخت.

محدودیت نوع اول: شکایات موجه اجرایی

حالت اول: شکایت از صدور اجرائیه

ممکن است مبنای شکایت جعل امضاء و یا جعل و تزویر در مندرجات چک باشد، اعم از اینکه جاعل تعیین شود یا نشود.

در اینصورت اگر مراتب موجود در دادگاه به اثبات رسد، ابطال اجرائیه ثبتی لازم الاجرا خواهد بود.

همچنین در صورتی که دستور اجرای چک خلاف قانون باشد، متعهد برگه می تواند به دادگاه صالح شکایت نماید

برای مثال صادر کننده مجاز است با اثبات اینکه مبلغ چک قبلاً به دارنده تأدیه شده و یا چک مشروط بوده و به شرط عمل نشده است و یا سند در معامله ای با جهت نامشروع تنظیم و تسلیم گردیده و یا پس از مصادره اموال تحویل شده است، در خواست صدور حکم بر بطلان اجرائیه صادره را تقدیم دارد.

در موردی نیز که اجرائیه صادر شده و توجهی به شخص مورد تعقیب نداشته باشد، اجرائیه باطل خواهد شد. حالت دوم: شکایت از عملیات اجرایی

عملیات اجرایی بعد از صدور دستور اجراء شروع گردیده و هر کس که از عملیات اجرایی شکایت داشته باشد، می تواند شکایت خود را با ذکر دلیل و مدرک به رئیس ثبت محل تسلیم نماید و رئیس ثبت مکلف است فوراً رسیدگی کرده و با ذکر دلیل اقدام به صدور رأی نماید.

نظر رئیس ثبت در هر حال به اشخاص ذی نفع ابلاغ خواهد شد و اشخاص ذی نفع در صورتی که شکایتی از تصمیم رئیس ثبت داشته باشند می توانند ظرف 10 روز از تاریخ ابلاغ، شکایت خود را به ثبت محل و یا هیئت نظارت صلاحیتدار تسلیم نمایند تا موضوع برابر بند هشت ماده 25 اصلاحی قانون ثبت در هیئت نظارت طرح رسیدگی شود

نوع دوم: سایر محدودیتهای

بر اساس ماده 253 آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم الاجرا در مورد چک های وعده دار اجرائیه پس از سررسید صادر خواهد شد.

اگر صادر کننده پیش از موعد سند فوت کند ، به علت بسته شدن حساب بانکی ، تقاضای وی در صدور اجرائیه رد خواهد شد .

حالت فوق در مورد ورشکستگی نیز صادق خواهد بود .

زیرا اداره ثبت مرجع تعقیبات شخصی متکی به اسناد لازم الاجراست و از تاریخ صدور حکم توقف ، با منع تعقیبات مذکور و شروع تعقیبات جمعی ، بستانکار سند لازم الاجراء می بایست به اداره تصفیه مراجعه نموده و در ترتیبات گروه بستانکاران مشارکت نماید .

مبحث دوم : تضمین تعقیب جزائی

چک ملون در حقوق جزاء صرفاً یک وسیله اثبات وقوع جرم صدور بلا محل نیست .

این سند بانکی از آن جهت نقشی اساسی دارد که « در بر گیرنده منحصر هیئت جرم » مذکور محسوب می شود ، در این جرم مانند سایر جرایم ، وجود اصل برگ چک و گواهی عدم پرداخت بانکی که انعکاس جرم را در متن چک به اثبات می رساند ، برای تعقیب کیفری مجرم ، یعنی صادر کننده چک ، ضروری خواهد بود .

الف (عناصر تشکیل دهنده جرم

عناصر قانونی : در حال حاضر بر اساس مجموعه قوانین ، چک های صادره عهده بانک ها ، به غیر از چک های مذکور در ماده 13 ق ص چ قابل پی گرد از طریق کیفری می باشد .

در حال حاضر عدم تنظیم چک طبق قانون بازرگانی ، در احراز وقوع جرم صدور چک بلا محل بی تاثیر است و تنها شرط تعقیب جزایی رعایت ماده 13 ق ص چ با بانک بودن محال علیه می باشد.

بر اصل قابلیت تعقیب کیفری کلیه چک های صادره عهده بانک ها (به غیر از چک های موضوع ماده 13 ق ص چ) استثنائاتی به شرح زیر می توان قائل شد:

استثناء اول : عدم طرح شکایت کیفری

در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید ، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت . (ماده 11 ق ص چ)

استثناء دوم : انتقال ثانوی پس از مراجعه به بانک

شخصی حق شکایت کیفری علیه صادر کننده چک بلا محل را دارد که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است .

استثناء سوم : چک های صادره عهده بانک های غیر ایرانی

ماده 2 ق ص چ دایره شمول این قانون را به اوراقی که عهده بانک های ایرانی صادر می شود ، محدود کرده است . لذا چک های بی محل که در ایران بر عهده بانک های خارجی صادر می شوند از شمول مقررات فوق خارج می باشد.

استثناء چهارم : فوت صادر کننده چک بلا محل

براساس قانون صدور چک ، تنها فرد صادر کننده چک بی محل قابل تعقیب کیفری است . جنبه شخصی جرم مذکور این اثر را خواهد داشت که با فوت فرد مجرد وراثت او و یا ظهر نویس یا ضامن چک، مصون از اتهام فوق فقط دارای مسئولیت حقوقی باشند.

استثناء پنجم : چک فاقد تاریخ

در این مورد نیز بایستی اشاره نمود که اگر چک فاقد تاریخ باشد قابل پرداخت توسط بانک نخواهد بود و لذا متعاقباً گواهی عدم پرداخت که براساس آن بتوان شکایت کیفری علیه صادر کننده آن تنظیم نمود ، صادر نخواهد شد . فقط می توان گفت که در صورتی چک فاقد تاریخ باشد و بعداً با درج تاریخ ، جهت دریافت وجه آن به بانک مراجعه و گواهی عدم پرداخت دریافت شود می توان در این صورت نسبت به آن چک و صادر کننده آن شکایت کیفری نمود .

عنصر مادی

عنصر مادی عبارت است از تنظیم چک غیر قابل پرداخت و تسلیم آن به ذی نفع . لذا در صورتی که سند به میل و رضای صادر کننده نوشته و تسلیم نشود و در حقیقت بر اثر سرقت و یا غیره به دست ذی نفع افتاده باشد ، قابل شکایت به عنوان چک بلا محل نخواهد بود و بر اساس ماده 14 ق ص چ صادر کننده می تواند دستور عدم پرداخت را کتباً به بانک محال علیه ارائه دهد .

البته در صورتیکه دستور عدم پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد . (ذیل ماده 14 ق ص چ)
تحریر چک بی محل و تحویل آن به ذی نفع قانوناً در یکی از حالات زیر قابل تعقیب جزایی است . حالت اول : وقتی که صادر کننده عالم به بسته بودن حساب بانکی خود بوده است (ماده 10 ق ص چ) .

حالت دوم : وقتی که صادر کننده به نمایندگی از طرف صاحب حساب اقدام نموده و عدم پرداخت مستند به عمل اوست (ماده 19) .

حالت سوم : وقتی که صادر کننده پس از صدور چک در سر رسید یک بخش و یا تمام محل را از بانک خارج می کند . (ماده 3 ق ص چ) .

حالت چهارم : در صورتی که صادر کننده در تاریخ چک مبلغ آن را در بانک محال علیه به صورت نقد و یا اعتبار قابل استفاده نداشته باشد .

لازم به ذکر است که گرچه قانونگذار صدور چک بی محل را با اوصاف یاد شده قابل مجازات می داند ، ولی استثنائاتی به شرح زیر نیز بر آن وارد است .

استثناء اول : افقار، سرقت ، اجبار در صدور ، جعل امضاء یا مندرجات چک و از این قبیل .

در این موارد صادر کننده ظاهری عدم تحقق مفهوم صدور چک بلا محل را اثبات می نماید (مانند اخلاص در قبول تعهد منعکس در سند و یا اخلاص در انتقال آن به ذی نفع) .

استثناء دوم: اگر چک با عنوان « امانت صرف » به کسی سپرده شد و مورد سوء استفاده قرار گرفته و یا با اثبات عدم استحقاق دارنده، حکم بر استرداد آن به صادر کننده شده باشد، تعقیب کیفری منتفی خواهد شد.

هم چنین ممکن است پس از شکایت کیفری، صادر کننده لاشه چک را ضمیمه پرونده نماید.

استثناء سوم: در صورتی که چک بی محل بابت ربا یا رشوه یا کالای غیر مجاز تنظیم گردد و تسلیم ذی نفع شود و ذی نفع خد اقدام به شکایت نماید و یا با وجود قلم گرفتگی عبارت حواله کرد به شخص ثالث شاکی منتقل کرده باشد، سند باطل و از درجه اعتبار ساقط است.

مگر آنکه سند مذکور قابل انتقال تجاری بوده و شخص ثالث با حسن نیت از کسب گواهی عدم پرداخت، اقدام به تعقیب کیفری صادر کننده آن نماید.

در حالت فوق رویه قضایی عدم تاثیر ایرادات را اجرایی می کند.

عنصر معنوی

برای شناخت عنصر معنوی جرم صدور چک بلا محل می بایست به مفهوم وجود محل توجه کرد.

مفهوم عینی محل: همین که صادر کننده چک بی محل از فقدان محل در بانک آگاه باشد و یا نتواند نسبت به آن اظهار کند، جرم صدور چک بلا محل محرز می باشد.

مفهوم ذهنی محل: در این مورد بایستی وجود این قصد مجرمانه ثابت شود که صادر کننده با صدور چک بی محل قصد داشته تا کالا یا خدمتی را دریافت کند، بدون آنکه مبلغی از بابت آن داده باشد.

در حقوق ما جرم صدور چک بلا محل از حیثیت عنصر معنوی از مفهوم عینی تبعیت می کند.

در حال حاضر می توان گفت با حصول عنصر مادی، عنصر معنوی جرم مفروض تلقی می شود.

یعنی فقط به دست آوردن چک به وسیله دارنده می بایست صورت قانونی داشته باشد تا آنکه دارنده اصولاً بتواند از تضمین کیفری بهره مند گردد.

ولی با این وجود براین مورد نیز استثنائاتی به شرح ذیل می بایست در نظر گرفت:

استثناء اول: ورشکستگی صادر کننده

اگر صادر کننده پس از صدور چک به علت ورشکستگی یا سلب اختیار از مداخله در امال مواجه گردیده و حساب جاری وی مسدود شود، عدم پرداخت آن توسط بانک محال علیه با فرض وجود محل، موجب سقوط جنبه کیفری چک غیر قابل تأدیه خواهد بود زیرا در این مورد، عنصر معنوی جرم مفقود است.

استثناء دوم: حجر صادر کننده در صورتی که صادر کننده با حکم حجر و تعیین تاریخ شروع قانوناً محجور گردد، صدور چک های بلا محل وی در طول مدت حجر واقعی (پیش از صدور حکم) به دلیل سقوط عنصر معنوی، قابل مجازات نخواهد بود.

استثناء سوم : چک بدون حواله کرد

در چک هایی که صرفاً جهت استفاده ذی نفع صادر شده و عبارت حواله کرد قلم گرفته شده و یا با عبارت بدون حواله کرد مشاهده می شود ، اگر بستانکار چک را به شخص ثالث انتقال دهد مسئولیت کیفری آن ساقط خواهد شد . البته در این مورد انتقال چک جهت نمایندگی در وصول استثناء خواهد بود .

استثناء چهارم : پرداخت ثانوی چک

اگر صادر کننده بر اساس ماده 9 یا ماده 12 ق ص چ موجبات پرداخت وجه چک را فراهم آورد ، از تعقیب جزایی یا اعمال کیفر مقرر در حکم در امان خواهد ماند .

زیرا با این عمل عنصر معنوی جرم ساقط گردیده و چک عنوان جزایی خود را از دست خواهد داد.

(ب) شرایط دارنده چک کیفری

- دارنده واقعی

حق شکایت کیفری با دارنده واقعی است . البته فرض بر این قرار داد که دارنده ظاهری در حقیقت نیز صاحب چک می باشد . لازم به ذکر است که اصل ظهور در این مورد با اثبات خلاف آن ، از درجه اعتبار خارج خواهد شد .

دارنده دست اول

براساس ماده 11 ق ص چ « منظور از دارنده چک شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است... کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت...» این محدودیت قانونی به منظور جلوگیری از فریبکاری دارنده ، پس از ملاحظه فقدان محل در بانک محال علیه برای انتقال آن به شخص دیگر و کاستن از شکایات چک بی محل در نظر گرفته شده است .

بر اساس تبصره ماده 11 ق ص چ تنها موردی که قانوناً مجاز به شمار می رود ، اعطای نمایندگی در وصول وجه چک به شخص دیگر نظیر بانک است .

لازم به ذکر است در صورتیکه دارنده پس از مراجعه به بانک و عدم پرداخت چک را به انتقال دهنده بر گرداند و طلب خود را نقدا دریافت دارد ، گیرنده مذکور از تضمین کیفری علیه صادر کننده برخوردار نخواهد بود .

بنابراین اگر اولین ارائه دهنده چک به بانک محال علیه بدون اینکه گواهی عدم پرداخت بانکی بگیرد آن را به شخص قبلی برگرداند و پول خودش را بگیرد ، با توجه به ماده 10 ق ص چ شخص اول حق شکایت کیفری نخواهد داشت .

فوت ، حجر و ورشکستگی دارنده

در مواردی که انتقال قهری باشد ، بر اساس ماده 11 ق ص چ موجب سلب شکایت جزایی نخواهد بود . لذا در صورت فوت دارنده وراثت وی حق تعقیب کیفری صادر کننده را خواهند داشت . مورد حجر و ورشکستگی نیز مانند فوت بوده در

این صورت ولی یا قیم و مدیر تصفیه یا اداره تصفیه (حسب مورد) حق اقدام کیفری علیه صادر کننده را جهت وصول مطالبات وی خواهند داشت .

- دارنده چک بدون حواله کرد

در صورتی که عبارت حواله کرد قلم گرفته شده باشد با توجه به قید کلمه اعم در ماده 2 ق ص چ ، دارنده چک بدون حواله کرد ، بدون در نظر گرفتن مورد مذکور قائم مقام ذی نفع چک تلقی خواهد شد و در همان اندازه خواهد توانست حقوق ناشی از چک را به اجرا در آورد .

ج) شرایط صادر کننده چک کیفری

حالت اول : در صورتی که صادر کننده شخص حقیقی باشد.

مورد اول: واحد بودن صادر کننده

در قانون صدور چک اصل بر در قید حیات بودن صادر کننده می باشد.

در صورت عکس یعنی زمانی که صادر کننده فوت شده است اعم از اینکه چک به روز باشد ، یا مدت دار ، دارنده فقط خواهد توانست با استناد به مواد 231 و 232 ق 1 . حسبی به طرفیت وراثت برای اثبات طلب خود و استیفای آن از موارد ترکه متوفی اقامه دعوی نماید .

مورد دوم : متعدد بودن صادر کننده

اگر امضاء کنندگان چک بلا محل دو نفر یا بیشتر باشند ، با توجه به اینکه هر یک از امضاء کنندگان مستقلاً مرتکب جرم صدور چک بلا محل شده اند ، قابل تعقیب کیفری خواهد بود .

حالت دوم : در صورتی که صادر کننده شخص حقوقی باشد .

بر اساس ماده 19 ق ص چ امضاء کننده چک بلا محل به عنوان صادر کننده متهم بوده و مسئولیت کیفری دارد و در صورتی که ثابت نماید عدم پرداخت مستند به عمل دیگری است از مسئولیت بری بوده و کسی که موجب عدم پرداخت گردیده ، قابل تعقیب جزایی خواهد بود .

د) شرایط چک کیفری

مورد اول : چک های ارزی

ممکن است مبلغ مورد پرداخت چک به یکی از پولهای خارجی باشد .

بر اساس ماده 252 ق ت ، « پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می آید .» بر اساس ماده 314 ق ت ، این حکم در مورد چک نیز لازم الرعایه می باشد .

در صورت عدم تأدیه مبلغ نیز دارنده خواهد توانست از تضمین کیفری استفاده نماید .

در این مورد بایستی به چند نکته توجه نمود :

اولاً، وجه چک بر اساس آنچه که در متن چک بر اساس آنچه که در متن چک نوشته شده است اعم از اینکه ریال باشد یا ارز، دریافت خواهد شد.

ثانیاً، اخذ تأمین ارزی از متهم اصولاً امکان پذیر نیست، زیرا قانوناً ارزش اموال منقول و غیر منقول در ایران بر اساس وجه رایج تعیین می شود.

لذا توقیف مال به میزانی غیر از معادل ریالی ارز مورد نظر، غیر قابل اجرا خواهد بود در این مورد نیز بایستی در نظر داشت که آن نرخ که بتواند در اخذ تأمین موثر واقع شود، نرخ بازار روز است که صرفاً طبق آن ارز را در اختیار مشتریان قرار می دهند.

ثالثاً، تعیین جزای نقدی در خصوص چک مذکور به ارز در صورتی بلا اشکال خواهد بود که در حکم دادگاه معدل ریالی قابل وصول نیز قید شده باشد و بعداً به نحو شایسته تعیین گردد.

مورد دوم: چک های عهده بانک های خارجی

بر اساس ماده 8 ق ص چ «چک هایی که در ایران عهده بانک های واقع در خارج کشور صادر شده و منتهی به گواهی عدم پرداخت شده باشد از لحاظ کیفری مشمول مقررات این قانون خواهد بود».

اطلاق ماده فوق، چک های صادره عهده بانک های غیر ایرانی را نیز در بر می گیرد.

با وجود این در صدر ماده 2 همان قانون، تنها چک های صادره عهده شعب بانک های ایرانی در خارج همراه چک های داخلی، مشمول مقررات این قانون قرار گرفته است.

لذا بهتر آن است که ماده 8 ق ص چ را صرفاً ناظر بر چک های خارجی موضوع ماده 2 همان قانون تلقی نمائیم.

مورد سوم: چک بابت ربا، رشوه و یا کالای قاچاق

ذی نفع این گونه چک ها، حق تعقیب جزایی صادر کننده را نخواهد داشت.

زیرا اصولاً به دلیل بطلان و حرمت معامله مذکور، چک موصوف نیز که در بر گیرنده وجه آن است، از درجه اعتبار ساقط خواهد بود، مگر جهت معامله در چک انعکاسی نداشته و این برگه به حواله کرد یعنی قابل انتقال تجاری باشد. در حالت فوق، شخص ثالث اصولاً نا آگاه و با حسن نیت تلقی خواهد شد و بطلان استناد چک مذکور میان صادر کننده و ذی نفع نسبت به وی استناد نخواهد بود.

مورد چهارم: چک متضمن وجه و نه لاشه چک

اگر به علت تبدیل تعهد، فسخ معامله، پرداخت وجه چک و یا استرداد آن به صادر کننده، سند فوق از وجه قابل ملاحظه خالی گردد، شکایت کیفری علیه صادر کننده نیز مبنای خود را از دست خواهد داد.

مورد پنجم: چک با امضای یکی از صاحبان حساب

اگر حساب جاری میان دو نفر مشتری باشد و بر اساس توافق به عمل آمده ، صدور هر برگ چک می بایست در بر دارنده امضای همه آنها باشد ، و یکی از دارندگان اقدام به صدور چک نماید و این چک به دلیل فقدان امضاء سایر مسئولان بلا پرداخت بماند ، عمل وی در حکم صدور چک بلا محل خواهد بود.

ه) مرور زمان ماده 11 ق ص چ

جرایم مذکور در قانون صدور چک بر اساس شکایت دارنده و رعایت مواعد ماده فوق قابلیت رسیدگی خواهد داشت و امکان وصول مبلغ چک ضمن رسیدگی جزایی

مبلغ چک به عنوان طلبی که منشأ آن پیش از وقوع جرم صدور چک بلا محل می باشد ،نبایستی قاعدتاً در حین رسیدگی کیفری مطرح گردد ، ولی با این وجود ، این رسیدگی توأم علاوه بر اجتناب از طرح دعوی حقوقی ثانوی ، موجبات احاطه تمام جوانب صدور چک بلا محل را فراهم خواهد ساخت و احياناً در تعیین میزان مجازات صادر کننده نقش سازنده ایفا خواهد کرد .

در این مورد رعایت قواعد دادرسی و تنظیم دادخواست حقوقی توسط شاکی خصوصی جلسه رسیدگی نیز ضرورت دارد .
ی) امکان رسیدگی غیابی به اتهام صادر کننده چک بلا محل ، طبق موازین قانونی آماده برای صدور رأی باشد ، طبق رویه قضایی رسیدگی و صدور حکم در غیاب متهم انجام گرفته و در مواردی که شاکی گذشت نماید ، بر اساس ماده 12 ق ص چ دادگاه رأی به توقیف تعقیب متهم خواهد داد .

4- دستور عدم پرداخت موضوع ماده 14 ق ص چ

مبحث اول : تأمینات

این مورد به مفهوم وسیع کلمه شامل توقیف مال شخص صادر کننده گردد .

این مهم به منظور امکان دسترسی به متهم و یا دستیابی به وجه سپرده وی، در جهت اجرای مجازات و پرداخت مبلغ چک یعنی ضرر و زیان ناشی از جرم می باشد .

الف) توقیف مال

بر اساس ماده 18 ق ص چ مرجع رسیدگی کننده جرایم مربوط به چک بلا محل ، از متهمان در صورت توجه اتهام حسب مورد کی از قرار دادهای تامین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانت نامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول) اخذ می نماید .

در این صورت با شروع مجازات می بایست در صورت عدم تخلف متهم ، وجه الضمان به وی مسترد شود ، مگر در حالت صدور قرار داد تأمین وجه چک که به همان میزان خواسته از وجه الضمان به متهم برگردانده نخواهد شد .

مورد اول : اخذ وجه الضمان

منظور از صدور این قرار تأمین ، اصولاً جلوگیری از فرار متهم و همچنین تسهیل در پرداخت وجه ضرر و زیان مدعی خصوصی است .

در صورتی که فردی به عنوان مدیر شرکت متهم به صدور چک بلا محل از حساب شخص حقوقی گردد ، خود مکلف به تودیع وجه الضمان است و در صورتیکه نامبرده به وظیفه خویش عمل نکند ، شرکت ملزم به ودیعه گذاردن وجه الضمان نخواهد بود .

اگر دارنده چک نخست به اجرای ثبت مراجعه کند ، قاضی تحقیق مکلف به اخذ وجه الضمان یا ...نیست ، بلکه می بایست تأمین متناسب دیگری اخذ نماید و در صورتی که دارنده چک ابتدا به دادسرا مراجعه و متهم را تعقیب کند و سپس به اجرای ثبت برود ، چنانچه قبل از جلب متهم و صدور قرار وجه الضمان نقدی یا ضمانت نامه بانکی ، از طریق اجرای ثبت موفق به توقیف اموال صادر کننده چک شود ، بایستی خود را به دادگاه اطلاع داده شود تا به شرح فوق اقدام به عمل آید .البته این امکان نیز وجود دارد که متهم در مراحل اولیه رسیدگی و قبل از صدور قرار قرار تأمین وجه الضمان نقدی ، مبلغ مندرج در چک را به صندوق دادگستری بپردازد تا بدین عنوان به شاکی داده شود .

اگر شخصی با صدور چک بلا محل در مرجع تعقیب حضور یابد و وجه چک را به صورت تأمین پرداخت کند ولی از دادگاه تقاضا نماید که مبلغ ایداعی به طلبکار داده نشود ، دادگاه نمی تواند پرداخت مبلغ را تا روشن شدن تکلیف قضیه به تعویق اندازد .

در صورتی که شخصی مبادرت به صدور چند فقره چک بلا محل نماید ، قرار وجه الضمان می بایست معادل وجه چک های بلا محل از ناحیه متهم صادر گردد .

زیرا صدور قرار تأمین نه تنها برای در دسترس بودن متهم ، بلکه برای تأمین ضرر و زیان شکایت وی نیز می باشد . این امکان وجود دارد که جرم صدور چک بلا محل توأم با جرایم دیگری نیز باشد در این مورد افزایش میزان وجه الضمان نقدی با توجه به تعدد و جرم فاقد اشکال قانونی خواهد بود .

ب) توقیف شخص

اگر صادره کننده چک بلا محل ، معادل وجه آن را در صندوق دادگستری به عنوان وجه الضمان یا پرداخت وجه برگه تودیع ننماید و یا تأمین مذکور در ماده 18 ق ص چ را ندهد ، باز داشت می گردد.

مبحث دوم : تنبیهات

اگر وجه مورد نظر در اجرای ماده 12 ق ص چ تأدیه نگردد، اجرای تنبیهات قانونی اجتناب ناپذیر خواهد بود.

الف) حبس

مجازات حبس پس از رسیدگی به امر کیفری صدور چک بلا محل اعمال می گردد و ارتباطی با تقدیم دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم ، که امری حقوقی است ، ندارد . برخلاف صادر کننده چک بلا محل ، معرف در افتتاح حساب جاری

مسئولیت کیفری نداشته و معاون جرم مذکور نیز شناخته نخواهد شد . در صورتی که حساب جاری متعلق به دو نفر باشد و چک بلا محل پرداخت فقط دارای امضاء یکی از صاحبان امضاء باشد ، مشمول ماده 7 ق ص چ بوده و قابل تعقیب کیفری است ، ولی عنوان کلاهبرداری بر آن صادق نیست . در حالت عکس اگر امضاء کننده چک که صاحب حساب نمی باشد چک را به عنوان چک متعلق به خود ، به شخص غیر در برابر اخذ وجه واگذار نماید ، اقدام وی کلاهبرداری محسوب گردیده و در دایره مشمول ماده یک قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء ، اختلاف و کلاهبرداری قرار خواهد گرفت .

ب) جریمه

جزای نقدی عبارت است از مجازات مالی مجرم به نفع صندوق دولت که در صورت تعدد صادر کننده قاعدتاً نبایستی جریمه میان آنان به طور مساوی تقسیم شود .

زیرا افراد مزبور مستقلاً مرتکب جرم جداگانه ای شده اند .

ولی در عمل این امر به دلیل رعایت حال محکومان صورت می پذیرد . در صورتی که جزای نقدی مقرر در حکم پرداخت نشود به حبس قابل تبدیل خواهد بود .

نکته : تاثیر رضایت شاکی

بر اساس ماده 12 ق ص چ اگر پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت نماید ، اجرای حکم متوقف خواهد شد و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود .

ولی این امکان وجود دارد که قبل از حکم قطعی شاکی رضایت دهد .

مثلاً چنانچه حکم صادره غیابی بوده و متهم لاشه چک را به دادگاه ارائه دهد که در این صورت اگر از حکم غیابی واخواهی شده باشد باید به مرجع صادر کننده حکم غیابی فرستاده قرار موقوفی تعقیب صادر گردد، ولی اگر واخواهی نشده و قطعی شده باشد ، محکوم علیه می بایست جریمه مقرر را پرداخت نماید.

مجموعه تست

1- در مورد مالکیت محل در چک کدام گزینه نادرست است ؟

- الف) از زمان صدور چک ، مالکیت محل در صورت وجود ، به ذی نفع منتقل می شود .
ب) فوت صادرکننده تاثیری در حق دارنده نسبت به مبلغ چک نخواهد داشت .
ج) در صورت ورشکستگی صادر کننده ، اگر چک قابل پرداخت به علت بسته شدن حساب نباشد ، خسارت تاخیری تأدیه از روز صدور حکم توقف است .
د) هیچکدام

2- ویژگی های محل در برات و چک کدامند ؟

- الف) در برات : مسلم بودن ، قابلیت مطالبه و مسبوق بودن بر صدور ورقه - در چک : قابلیت استفاده و معین بودن ب) در برات : مسلم بودن طلب ، قابلیت مطالبه و معین بودن وجه آن - در چک : مسبوق بودن بر صدور و قابلیت استفاده فوری
ج) در برات : قابلیت مطالبه و مسبوق بودن بر صدور - در چک : قابلیت استفاده فوری و مسلم بودن
د) در برات مسبوق بودن به صدور ورقه و قابلیت مطالبه - در چک : مسلم بودن و قابلیت استفاده فوری
3- محل باید به صورت در نزد بانک محال علیه موجود باشد والا صادر کننده

- الف) وجه نقد یا اعتبار قابل استفاده - تاریخ چک - به مجازات مقرر در ماده 7 ق ص چ محکوم خواهد شد .
ب) وجه نقد فقط - تاریخ چک - مجازات مقرر در ماده 7 ق ص چ محکوم خواهد شد .
ج) وجه نقد فقط - تاریخ چک - فقط به پرداخت خسارت دارنده محکوم خواهد شد .
د) وجه نقد یا اعتبار قابل استفاده تاریخ مذکور چک - فقط به پرداخت خسارت دارنده محکوم خواهد شد .

4- در مورد مسئولیت افراد امضاء کننده کدام مورد صحیح است ؟

- الف) در مسئولیت ضامن صادر کننده و ظهر نویس بایستی مواعد رعایت گردد
ب) در مورد مسئولیت ظهر نویس و ضامنان ظهر نویس و صادر کنندگان بایستی مواعد رعایت گردد.
ج) در مورد ظهرنویسان و ضامنان آنها بایستی مواعد رعایت گردد. ولی در مورد صادر کننده و ضامن او رعایت موعده لازم نیست .
د) در صورت متعدد بودن ضامنان ، اصل تجاری مسئولیت به تساوی ، اجرا خواهد شد .

5- در صورتی که مدیر عامل یک شرکت تجاری به نمایندگی از طرف شرکت چکی صادر کند که منتهی به گواهی عدم پرداخت شود:

الف) فقط مدیر عامل که چک را صادر کرده است مسئولیت کیفری دارد .

ب) مدیر عامل مسئولیت کیفری و مسئولیت تضامنی و حقوقی متوجه هر دو شخص می باشد .

ج) مدیر عامل و عضو هیئت مدیره مسئولیت حقوقی و کیفری دارند .

د) مدیر عامل مسئولیت کیفری و شرکت مسئولیت حقوقی دارد .

6- تضمین اجرایی ثبتی و تعقیب جزایی صادر کننده بلا محل برای چه نوع چک هایی در نظر گرفته شده است ؟

الف) هر دو برای چک هایی که محال علیه آن بانک ایرانی است .

ب) هر دو برای چک هایی که محال علیه آن خارجی است .

ج) اولی برای چک هایی که محال علیه آن بانک ایرانی است و دومی برای چک هایی که محال علیه بانک خارجی است.

د) اولی برای چک هایی که محال علیه آن بانک خارجی است و دومی برای چک هایی که محال علیه بانک ایرانی است .

7- در مورد صدور اجرائیه ثبتی کدام گزینه نادرست است ؟

الف) مدت زمان تقاضا برای دستور اجرایی ده سال است .

ب) اولویت حق دارنده به مبلغ چک موجب شده است تا تمام موارد عدم نفوذ یک سند، جز عدم مطابقت امضاء نادیده گرفته شود.

ج) در حساب جاری مشترک که برداشت با امضاء دو نفر امکان پذیر است ، ممکن است چک به امضای واحد صادر شده و منجر به عدم پرداخت و صدور گواهی گردد.

د) چک های اشخاص حقوقی نیز قابلیت صدور اجرائیه را دارد .

8- در صورتی که مدیر شرکت از حساب شرکت چک صادر کندمسئول پرداخت وجه چک می باشد .

الف) صاحب حساب

ب) مدیر

ج) صاحب حساب و مدیر مشترکاً

د) صاحب حساب و مدیر متضامناً

9- به موجب قانون صدور چک در صورت صدور چک به وکالت مسئولیت پرداخت وجه آن بر عهده کیست ؟

الف) فقط موکل

ب) فقط وکیل

ج) وکیل و موکل متضامناً

د) وکیل و موکل بالمناصفه

10- در صورت شکایت از صدور اجراییه ثبتی ، کدام گزینه نادرست است ؟

- الف (ممکن است مبنای شکایت ، جعل امضاء و یا جعل و تزویر در مندرجات چک باشد .
- ب (در صورتی که دستور اجرای چک خلاف قانون باشد ، متعهد برگه می تواند به دادگاه صالح شکایت کند.
- ج) در صورت اثبات مراتب جعل و تزویر چک در دادگاه حکم به ابطال اجراییه ثبتی لازم الاجرا خواهد بود .
- د) هیچکدام

11- کدام مورد جزء استثنائات اصل قابلیت کیفری چک های صادره عهده بانک ها نمی باشد ؟

- الف (چک فاقد تاریخ
 - ب) فوت صادر کننده چک بلا محل
 - ج) انتقال اولیه به بانک
 - د) حصول مرور زمان جزایی
- 12- تحریر چک بلا محل و تحویل آن به ذی نفع ، در کدام یک از حالات زیر قابل تعقیب جزایی نیست ؟

- الف (وقتی که صادر کننده عالم به بسته بودن حساب بانکی خود بوده است.
- ب) زمانی که محیل پس از صدور چک ، یک بخش و یا تمام محل را از بانک خارج کند.
- ج) وقتی که صادر کننده به نمایندگی از طرف صاحب حساب اقدام نموده و عدم پرداخت مستند به عمل اوست .
- د (هیچکدام

13- کدام مورد درباره چک هایی که مبلغ آنها به پول خارجی باشد ، نادرست است ؟

- الف (دارنده می تواند از تضمین کیفری استفاده نماید .
- ب) اخذ تامین ارزی از متهم امکانپذیر است .
- ج) تعیین جزای نقدی در خصوص این نوع چک در صورتی بلا اشکال است که در حکم دادگاه معادل ریالی قابل وصول نیز قید شده باشد .
- د) هیچ کدام

14- اگر چکی در ایران به عهده یک بانک خارجی صادر شود و با عدم تأدیه مواجه گردد برای اینکه دارنده

چک بتواند صادر کننده را در ایران تحت تعقیب قرار دهد، باید

- الف) دارنده مراتب عدم پرداخت را طی اظهار نامه به صادر کننده اعلام کرده باشد .
- ب) واخواست عدم تأدیه صادر شده از بانک محال علیه را ارایه کند .
- ج) واخواست عدم تأدیه به عمل آمده باشد .
- د) هم از بانک محال علیه گواهی عدم پرداخت صادر شود و هم طی اظهارنامه به صادر کننده ابلاغ شده باشد که چک را پرداخت کند .

15- کدام گزینه در خصوص دفاتر تجاری و چک صحیح است ؟

- الف (هر دو سند عادی هستند .
- ب (هر دو سند رسمی هستند .
- ج) دفاتر تجاری ، سند رسمی و چک سند عادی است .
- د) دفاتر تجاری ، سند عادی و چک ، سند رسمی است.

16- وصول وجه چک از طریق دایره اجرای ثبت در صورتی ممکن است که :

- الف (مطابقت امضاء صادر کننده چک با نمونه امضا موجود در بانک توسط بانک گواهی شود.
- ب) دارنده چک ظرف مدت 15 روز از تاریخ مندرج در چک آن را به بانک ارائه و گواهی عدم پرداخت تحصیل کرده باشد.
- ج) دارنده چک مبادرت به طرح شکایت کیفری و دعوی حقوقی نکرده باشد و امضاء صادر کننده چک با نمونه امضای موجود در بانک تطبیق نماید .
- د (دارنده چک صرف مدت 15 روز از تاریخ مندرج در چک آن را به بانک ارائه و امضاء صادر کننده چک با نمونه امضاء موجود در بانک تطبیق کند.

17- به موجب قانون صدور چک ، اجرائیه ثبت را علیهو به میزانصادر می نماید.

- الف (صادر کننده - مبلغ چک
 - ب) صادر کننده و ظهر نویسان -مبلغ چک
 - ج) صادر کننده - مبلغ چک و خسارت تاخیر و تأدیه
 - د) صادر کننده و ظهر نویسان مبلغ چک و خسارات تاخیر و تأدیه
- 18- در مقایسه چک و برات ، کدام مورد نادرست است ؟

- الف (هر دو سند متضمن دستور پرداخت هستند .
 - ب) هر دو سند در حکم اسناد رسمی لازم الاجرا هستند .
 - ج) هر دو سند مشمول اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات هستند .
 - د) هر دو سند عدم تأدیه از سوی محال علیه شرط مراجعه به سایر مسئولین است .
- 19- در مورد صدور چک بلا محل اجرائیه علیه کلیه اموالصادر می شود .

- الف (صادر کننده چک
- ب (منقول صادر کننده چک
- ج) صادر کننده چک ، به استثنای مستثنیات دین .
- د) منقول صادر کننده چک، به استثنای مستثنیات دین .

20- اگر در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد:

الف) به آن شرط ترتیب اثر داده می شود .

ب) به آن شرط ترتیب اثر داده نمی شود .

ج) آن چک از درجه اعتبار ساقط است .

د) آن چک عنوان چک را ندارد .

21- صدور چک بلا محل از حساب با علم به انسداد:

الف) کلاهبرداری محسوب است

ب) اصولاً صدور چنین چکی از شمول قانون چک بلا محل خارج است

ج) مع ذلک چک بلا محل محسوب و مشمول قانون صدور چک می باشد .

د) فقط در صورتیکه چک ها متعدد با مبلغ کلان باشد در حکم کلاهبرداری است .

22- شخصی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده است

الف) هیچگونه حقی نسبت به چک نخواهد داشت .

ب) دارنده چک محسوب نمی شود .

ج) حق شکایت کیفری نخواهد داشت

د) حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آنکه انتقال قهری باشد.

23- در مورد صدور چک های تضمینی ، اعتباری مشروط ، وعده دار و سفید امضاء:

الف) از میان چک های مذکور فقط صدور چک بلا محل به صورت وعده دار جرم است .

ب) صرف صدور چک جرم است و نیازی به شکایت شاکی است .

ج) صدور چک به صور مذکور جرم بوده ولی تعقیب جرم منوط به شکایت شاکی است .

صدور چک به صورت مذکور جرم نیست و فقط از لحاظ حقوقی قابل طرح دعوا می باشند.

24- صادر کننده چک می تواند به بانک محال علیه دستور عدم پرداخت چک را بدهد

الف) بدون ذکر علت

ب) به علت اختلاف حساب

ج) به علت تضمینی بودن

د) به علت گم شدن

25- پرداخت چک های مسافرتی را با ادعایمی توان متوقف کرد.

الف (جعل امضای دارنده

ب) سرقت

ج) جعل امضای صادر کننده

د) کلاهبرداری

پاسخنامه

ب-2	د-1
ج-4	د-3
الف-6	ب-5
د-8	الف-7
د-10	ج-9
د-12	ج-11
ب-14	ب-13
الف-16	الف-15
ب-18	
ب-20	
د-22	
د-24	

رجوع های چک

شرط تشریفاتی رجوع - واخواست یا گواهی عدم تأدیه

در کشور ما دلمشغولی دائمی دادگاه ها و دست اندر کاران امور حقوقی، لزوم یا عدم لزوم انجام واخواست چک با وجود روش صدور گواهی عدم پرداخت توسط بانک ها بوده است. البته با توجه به صراحت مواد 2 و 3 و 4 و ق.ص.ج. در کفایت این گواهی برای تعقیب کیفری و صدور اجرائیه ثبتی علیه صادر کننده چک بلا محل، تردیدی وجود ندارد، اعم از اینکه عدم تأدیه وجه، کلی یا جزئی در نظر گرفته شود. ولی در مورد اعمال حق مراجعه به دارنده به ظهرونیسان و ضامن برشمرده اند.

ولی برخی دیگر، ارسال اظهار نامه رسمی به این مسئولان را در حکم واخواست دانسته و با اتکالی به آن، دارنده را ذی حق در رجوع به آنان تلقی کرده اند.

آرای هیئت عمومی دیوان عالی کشور نیز اخیراً را ترجیح می دهد.

اجرای رجوعهای چک

مبحث اول: مبالغ قابل مطالبه

الف) مبلغ مندرج در چک

دادگاه به شرطی در این مورد اظهار نظر خواهد کرد که دارنده چک تا اولین جلسه رسیدگی به شکایت جزایی، دادخواست حقوقی راجع به آن رانیز ضمیمه پرونده نموده باشد و در غیر این صورت فقط به مجازات حبس و جریمه نقدی حکم می گردد. در این حالت دارنده خواهد توانست به استناد محکومیت کیفری صادر کننده، در یک دعوی حقوقی مبلغ مورد نظر را مطالبه کند.

ب) خسارات

مورد اول: خسارات تأخیر تأدیه موضوع ماده 12 ق ص چ

این خسارت بر مبنای تورم قابل مطالبه می باشد.

مورد دوم: هزینه دادرسی و حق الوکاله

مورد سوم: خسارات مذکور در ماده 14 ق ص چ.

براساس قانون دارنده چک می تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هر گاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده، ثابت گردد، دستور دهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده 7 ق ص چ به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد.

مبحث دوم: نحوه مراجعه

دارنده چک ملون در قانون تجارت ، می تواند علاوه بر صادر کننده علیه ظهرنویس و ضامن نیز به طرح دعوی مبادرت ورزد.

اشخاص فوق الذکر به عنوان مسئولان متضامن با رعایت ماده 315 ق ت و به شرط اقامه دعوی ظرف مدت یک سال از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت متعهد به پرداخت وجه چک مربوط می باشد . البته مراجعه به صادر کننده و ضامن وی تابع تشریفات مزبور نمی باشد .

نکته قابل توجه این است که ضامن یا ظهر نویس در صورت اثبات پرداخت قبلی جزئی از مبلغ چک توسط امضاء کننده دیگر ، فقط به تأدیه مابقی وجه لاوصول محکوم خواهد شد .

در حقیقت بر اساس قانون تجارت (ماده 314) چک می بایست وا خواست شود و مراتب اعتراض عدم تأدیه بر اساس مواد 293 و 294 ق ت به ظهر نویس و ضامن قانونا ابلاغ گردد.

لذا در صورت پرداخت هر میزان از مبلغ سند، مامور اجرا مراتب را در ذیل وا خواستنامه قید می کند، تا حقی از کسی زایل نشود .

مجموعه تست

1- آیا گواهینامه عدم پرداخت در چک به منزله وخواست نامه می باشد یا خیر ؟

الف (بلی

ب) خیر

ج) علاوه بر گواهینامه مزبور تنظیم وخواست نامه الزامی است .

د) دارنده چک باید ظرف 15 روز از تاریخ چک گواهی مزبور را دریافت کند که در این صورت به منزله وخواست می باشد .

2- صادر کننده (به عنوان تضمین) به مجازات مقرر محکوم خواهد شد.

الف) به هر حال

ب) در صورت شکایت ذی نفع

ج) در صورت عدم پرداخت

د) در صورت شکایت ذی نفع و عدم پرداخت

پاسخنامه

1- گزینه د صحیح است.

2- گزینه د صحیح است .

حفاظت قانونی چک

جعل و تزویر در چک

مبحث اول : حفظ حقوق صادر کننده واقعی

صادر کننده واقعی کسی است که فرم چک متعلق به خود را تنظیم و با امضای خویش تکمیل نموده و به اختیار تحویل ذی نفع داده است .

الف (جعل تاریخ

این امکان وجود دارد که کسی تاریخ تحریر چک را عوض کند . مثلا صادر کننده چک را به تاریخ ماه بعد تنظیم نماید ، ولی دارنده با جلو کشیدن آن به مطالبه فوری اقدام کند .

ب (جعل مبلغ

دارنده چک می تواند در وجه مندرج در متن سند دست برد و بدون رضایت صادر کننده آن را در جهت افزایش تعدیل نماید.

مبحث دوم : حفظ حقوق صادر کننده ظاهری

صادر کننده ظاهری کسی است که از ظاهر سند صاحب امضاء و مسئول پرداخت آن به حساب می آید ، ولی در حقیقت صدور چک از ناحیه وی نبوده است.

الف (فقدان نمایندگی

پر کردن مندرجات چک بدون داشتن سمت نمایندگی از سوی صاحب حساب و امضاء کردن آن ، جرمی سنگین تر از جعل و تزویر و از مصادیق کلاهبرداری است .

تقلید امضاء، صاحب حساب با اجازه وی ، جرم تلقی نمی شود ولی انعکاس امضایی به عنوان امضاء صاحب حساب دسته چک مسروقه یا مفقود ، اعم از اینکه شباهتی به امضای شخص اخیر داشته باشد یا نه ، از مصادیق جعل امضاء به شمار می رود .

مبحث سوم : جعل چک های بانکی

مبحث چهارم : سوء استفاده از چک سفید امضاء

چک سفید امضاء برگه ای است که در آن مبلغ درج نگردیده و با امضاء صادر کننده برای منظور معین تحویل ذی نفع شده است . حال در صورتی که شخص اخیر ورقه مزبور را با درج مبلغ به محال علیه ابراز و وجه آن را از بانک مزبور وصول داشته و حیف و میل نماید ، عمل او به تناسب مورد می تواند تحت عناوین خیانت در امانت و یا جعل و تزویر قابل مجازات باشد .

سرقت یا گم شدن چک

مبحث اول : مطالبه المثنی یا وجه

بر اساس ماده 263 ق ت ، اگر شخصی برات را گم کرده باشد ، پس از اثبات اینکه برات متعلق به اوست می تواند با دادن ضامن وجه آن را بر اساس امر محکمه مطالبه نماید و به دستور ماده 314 ق ت ، این دستور در مورد چک نیز لازم الرعایه می باشد . اگر چک در وجه حامل باشد ، می بایست بر اساس مقررات مواد 332 و 324 و 333 ق ت ضمن ابطال سند مذکور ، حکم به پرداخت وجه نیز صادر می شود .

چک های مسافرتی و چک های تضمینی نیز چک بانکی محسوب می گردد ولی در زمینه صدورالمثنی برای این نوع چک ها بایستی مواردی را در نظر گرفت .

اگر صادر کننده و محال علیه چک مفقود شده ، شعبه معینی بوده باشد و چک موصوف در زمره چک های صادره میان بانک ها ، با تعیین نام بانک گیرنده ، نام شماره حساب دارنده و کد ویژه باشد ، صدور المثنی با اخذ سفته به رویت تضمینی بلا اشکال خواهد بود ، ولی اگر چک های بانکی عادی و به نام شخص معین بوده یا انواع چک های مسافرتی باشد ، صدور المثنی به لحاظ حفظ حقوق انتقال گیرندگان آنها که با حسن نیت و نا آگاهی از جریان گم شدن چک به معامله پرداخته اند و هم چنین مالا حفظ ارزش مبادلاتی این اوراق ، امکان پذیر نخواهد بود .

لذا به جز در مورد اعلام جعل توسط بانک صادر کننده در هیچ شرایط دیگری نمی توان از پرداخت وجه اصلی این قبیل اسناد ممانعت به عمل آورد.

ب (امکان دستور عدم پرداخت

بر خلاف مورد چک های تضمین شده و مسافرتی که دستور عدم پرداخت دارنده واقعی آن منع قانونی داشته و می بایست به مرجع قضایی صالح مراجعه شود ، صادر کننده یا ذی نفع چک عادی مفقود ، مسروقه ، مجعول و می تواند بر اساس قسمت اول ماده 14 ق ص چ کتبا دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک محال علیه بدهد.

مبحث دوم : مسئولیت دارنده غیر واقعی

الف (سوء استفاده از چک تحریر شده

این امکان وجود دارد که چک مفقود قبلا تنظیم گردیده و آماده وصول باشد .

اگر شخصی این نوع چک را پیدا کند و به بانک بردیا در مقابل دریافت جنس به شخص ثالثی دهد ، مشمول مجازات قسمت اخیر ماده 2 ق . تشدید مجازات مرتکبین اختلاس ، ارتشاء و کلاهبرداری خواهد بود .

ب (سوء استفاده از فرم چک

هر کسی از دسته چکی که به سرقت رفته برگه ای را پس از تحریر در ازاء کالا به غیر واگذار نماید و یا به نحو دیگری از آن استفاده کند ، کلاهبردار محسوب گردیده و به مجازات مقرر در ماده 1 ق . تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء ، اختلاس و کلاهبرداری خواهد شد.

مجموعه تست

1- در مورد جعل امضاء کدام گزینه نادرست است ؟

الف (تقلید امضاء صاحب حساب با اجازه وی ، جرم نیست .

ب (انعکاس امضایی به عنوان امضای صاحب حساب در دسته چک مفقود در صورتیکه امضاء شباهتی به امضای شخصی اخیر داشته باشد ، جرم است .

ج (انعکاس امضایی به عنوان امضای صاحب حساب در دسته چک مسروقه اعم از اینکه شباهتی به امضای شخصی اخیر داشته یا نداشته باشد ، جرم است .

د (هیچکدام

2- آقای الف چکی را از بانک ملی شعبهعهدده بانک ملی شعبهدریافت می نماید در بین راه چک

مزبور مفقود می شود. الف چگونه می تواند آن را وصول کند ؟

الف چک در حکم پول است لذا با مفقود شدن آن وصول آن به هیچ وجه ممکن نیست .

ب (دارنده پس از اثبات تعلق چک به خود می تواند ضمن دادن ضامن به موجب امر محکمه آن را مطالبه کند.

ج (فقط در مورد چک های مسافرتی می توان به ترتیب گزینه ب آن را وصول کرد.

د (فقط در مورد چک های تضمینی می توان به ترتیب گزینه ب آن را وصول کرد .

3- صادر کننده چک می تواندبه بانک محال علیه دستور عدم پرداخت چک را بدهد .

الف (بدون ذکر علت

ب (به علت اختلاف حساب

ج) به علت تضمینی بودن

د (به علت گم شدن

4) پرداخت چک های مسافرتی را با ادعایمی توان متوقف کرد .

الف (گم شدن

ب (سرقت

ج (جعل امضای صادر کننده

د) جعل امضای دارنده

5- شخصی که مدعی است دارنده چک تضمین شده بود به بانک صادر کننده آن چک دستور دهد از

پرداخت آن سند خودداری نماید؟

الف) نمی تواند

ب) می تواند با ادعای جعل

ج) می تواند با ادعای سرقت

د) می تواند با ادعای مفقود شدن

پاسخنامه

1-ب	2-ب
3-د	4-ج
5-الف	

اسناد در وجه حامل

مقدمه

1- سند در وجه حامل ورقه ای است که به موجب آن امضاء کننده تعهد می کند مبلغی را به هر شخصی که آورنده آن در سر رسید باشد بپردازد .

سند بی نام یا برگه ای که نام ذی نفع در آن قید نشده باشد و محل مربوط به آن خالی گذارده شده باشد در حکم سند در وجه حامل می باشد . اختیار تکمیل متن با دارنده برگه است که می تواند آن را به حواله کرد ، در وجه شخص معین و یا در وجه شخص حامل قرار دهد .

ولی تا زمانی که محل نام ذی نفع در این اوراق خالی می باشد مانند اسناد در وجه حامل با قبض و اقباض قابل انتقال می باشند .

2- در ایران محدودیتی بر کار برد این اسناد وضع نگردیده است ولی سوء استفاده هایی بسیاری از این قبیل اوراق ملاحظه می گردد .

3- طلبکاران ، مخصوصاً در امور بازرگانی ، چک در وجه حامل مطالبه می کنند تا از یک طرف اثری از خود در معاملات به جای نگذارند و از طرف دیگر با ایجاد ترس و واهمه کیفری چک بلا محل بدهکاران را ملزم به پرداخت نمایند .

4- استعمال سند در وجه حامل بیانگر عدم وجود روح تعاون و هم بستگی در صنف تجار بوده و نشانگر محیط نا امن تجاری می باشد .

مجموعه تست

1- در مورد سند در وجه حامل کدام گزینه نادرست است ؟

- الف (سند بی نامی که نام ذی نفع در آن قید نگردیده است ، سند در وجه حامل می باشد .
ب (در سند در وجه حامل ، اختیار تکمیل با دارنده ورقه است .
ج) تا زمانی که محل نام ذی نفع در اسناد در وجه حامل خالی است مانند اسناد در وجه حامل با قبض و اقباض منتقل می شوند.
د) هیچکدام

3- در مورد اسناد در وجه حامل ، کدام گزینه نادرست است ؟

- الف (استعمال سند در وجه حامل بیانگر عدم وجود روح تعاون و هم بستگی میان تجار است .
ب (در ایران محدودیتی برای استعمال اسناد در وجه حامل وجود دارد .
ج) بستانکاران در معاملات برای اینکه رد پایی از خود به جا نگذارند ، از اسناد وجه حامل استفاده می کنند .
د) هیچکدام

پاسخنامه

- 1- گزینه د صحیح است .
2- گزینه ب صحیح است .

مقایسه اسناد در وجه حامل و اسناد با نام

1- اسناد در وجه حامل

انعکاس حقوق در اسناد در وجه حامل ، انعکاسی کامل به شمار می آید .

سند در وجه حامل یک عامل غیر مادی ، یعنی حق مطالبه مبلغی طلب می باشد ، ولی با وجود این با وجود یک شیء مادی منقول می ماند .مهمترین اثر این شباهت در تصرف ظهور می کند .ماده 320 ق ت . از حق مالکیت دارنده بر ورقه صحبت می کند .

تصرف سند در وجه حامل به مفهوم دارا بودن حق مقید در آن می باشد .

حقوق سند در وجه حامل را می توان به قطعات مساوی تقسیم کرد . این کار به وسیله انتشار اوراق کوپن صورت می گیرد .(مواد 322 به بعد قانون تجارت)

اگر سند قبل از تسلیم به ذی نفع به طور غیر قانونی تصرف شود ، نفعی از آن عاید دارنده نخواهد شد .

زیرا تصرف بایستی به طریق مشروع و قانونی صورت گیرد .سند در وجه حامل نمونه کامل سندی است که با حقوق مقید در آن اختلاف پیدا می کند ، مشروط بر آنکه از ذی نفع ، به شخص ثالث انتقال یابد .

2- اسناد به حواله کرد شخص معین

دارنده سند با نام می تواند علیه صادر کننده یک حق مستقل و فارغ از توجه هر ایراد مقابل دست ما قبل خود ، مطالبه کند .

لذا ملاحظه می شود که اگر چه میان سند بی نام و با نام اختلاف در وجه وجود دارد ، ولی در عوض طبیعت و ماهیت هر دو یکی است .انعکاس طلب ، در سند در وجه حامل کامل محسوب می شود ، اما در سند به حواله کرد شخص معین به طور ناقص ملاحظه می شود .

در اولی صرف قبض و اقباض کفایت می کند و امضای پشت سند ضمانت محسوب خواهد شد .

ولی در دومی تنها تصرف بر اساس ماده 320 ق ت . کافی نبوده و می بایست ظهر نویسی هم تحقق یابد .

لازم به ذکر است که به وثیقه گذاردن سند تجاری با نام مانند سند تجاری بی نام ایرادی ندارد .

مجموعه تست

1- امضای شخص ثالث در پشت سند در وجه حامل ، بیانگر چه چیزی است ؟

الف) ظهر نویسی

ب) وکالت در وصول

ج) توثیق سند تجاری

د) ضمانت

2- در مقایسه سند در وجه حامل با سند با نام کدام گزینه نادرست است ؟

الف) طبیعت و ماهیت هر دو سند یکی است .

ب) طلب در سند در وجه حامل ، کامل محسوب گردیده ولی در سند به حواله کرد شخص معین ، به طور ناقص ملاحظه می شود .

ج) در سند در وجه حامل ، صرف قبض و اقباض برای انتقال مالکیت کفایت دارد ، ولی در اسناد در وجه شخص معین بایستی ظهر نویسی جهت انتقال انجام گیرد .

د) هیچکدام

پاسخنامه

1- گزینه د صحیح است

2- گزینه د صحیح است .

تمهید حفاظتی - گم شدن اسناد در وجه حامل

1- سند در وجه حامل متضمن اوراق کوپن

در ماده 322 ق ت ، از اسنادی نامبرده شده که اصل سند باقی است ، ولی حقوق آن ، یا به صورت اوراق کوپن و یا به گونه سود و ربح ، تدریجاً مورد استفاده قرار می گیرد .

در صورت گم شدن این نوع اسناد ، مدعی باید در محکمه محل اقامت مدیون معلوم کند که سند در تصرف او بوده و فعلاً مفقود گشته است .

اگر مدعی اوراق یا ضمیمه مربوط به سند خود را مفقود کرده باشد ، ابراز خود سند کافی به شمار خواهد رفت .

اگر دادگاه ادعای مدعی را بنا بر اوضاع و احوال تشخیص دهد می بایست به وسیله اعلان در جراید به دارنده مجهول سند اخطار نماید .

هر گاه از تاریخ انتشار اولین اعلان تا سه سال سند ابراز نشود ، محکمه حکم به بطلان آن صادر خواهد کرد محکمه می تواند در صورت اقتضاء مدتی بیش از سه سال تعیین نماید .

اگر پس از اعلان فوق سند مفقود ابراز شود محکمه به مدعی مهلت مناسب داده و اخطار خواهد کرد که هرگاه تا انقضای مهلت دعوی خود را تعقیب و دلایل خود را اظهار نکند ، محکوم شده و سند به ابراز کننده آن مسترد خواهد گردید . (ماده 328 ق.ت.) اگر در ظرف مدتی که بر اساس 324 ق ت مقرر و اعلان شده سند ابراز نگردد ، محکمه حکم بطلان آن را صادر خواهد کرد (ماده 329 ق.ت)

2- سند در وجه حامل متضمن اوراق کوپن

در ماده 322 ق ت اوراقی مورد توجه قرار دارد که فقط متضمن حق مطالبه مبلغی پول است .

این اسناد پس از پرداخت از درجه اعتبار خارج خواهند شد ، مانند مانند سفته و چک .

بر اساس ماده فوق (322 ق.ت) هر گاه سند گم شده از اسناد مذکور در ماده 322 نباشد ، به ترتیب ذیل رفتار خواهد شد محکمه در صورتی که ادعا مدعی سبق تصرف و گم کردن سند را قابل اعتماد دید حکم می دهد مدیون وجه سند را فوراً در صورتی که حال باشد و پس از انقضای اجل در صورت موجد بودن به صندوق عدلیه بسپارد .

اگر قبل از انقضای مدت مرور زمانی که وجه سند مفقود پس از آن مدت قابل مطالبه نیست ، سند ابراز شد ، مطابق ماده 328 رفتار والا وجهی که در صندوق عدلیه امانت گذاشته شده به مدعی داده می شود .

لازم به ذکر است که ، حق مطالبه مبلغ در سند منعکس بوده و با آن امتزاج حاصل کرده است .

بنابراین همان گونه که ماده 321 ق ت اشعار می دارد ، مدیون ورقه فقط با اخذ سند و یا بطلان آن موظف به پرداخت است .

در صورت فقدان سند ، به جهت گم شدن یا سرقت ، دادگاه به غیر از ابطال آن ، و دستور تأدیه وجه به بستانکار وظیفه دیگری ندارد .

مجموعه تست

1- اگر دارنده سند در وجه حامل، دلایلی به متعهد آن سند ارایه کند و بر اساس آن ثابت گردد دارنده

سند می باشد و به سند دسترسی ندارد)

الف) متعهد باید وجه سند را به او بپردازد .

ب) در صورت صدور حکم بر بطلان سند ملزم به پرداخت می باشد .

ج) موظف به پرداخت نیست .

د) تعهد او به تأدیه از بین می رود .

2- صدور حکم به بطلان سند در وجه حامل :

الف) با رعایت مقررات قانون تجارت مجاز است .

ب) با رعایت مقررات قانون مدنی مجاز است

ج) بدون تشریفات رسیدگی مجاز است .

د) ممنوع است .

پاسخنامه

1- گزینه ب صحیح است .

2- گزینه الف صحیح است .

بروات بیگانه

قبول تعهدات بروات و قواعد حل تعارض

انتقال بروات از کشوری به کشور دیگر مستلزم انتقال کلیه حقوق و تکالیف منعکس در آن به مالک جدید است، ولی دارنده بایستی برای بهره مندی از تضمینات قانونی بر گه مزبور که آن را در اثر پرداخت مبلغ آن به دست آورده، به وظایف قانونی خویش عمل نماید.

تنظیم

بر اساس قاعده حقوق بین الملل خصوصی، اسناد از حیث طرز تنظیم تابع قانون محل تحریر خود می باشد (ماده 969 ق.م.ا) اصل مزبور در مورد متن و ظهر اسناد نیز قابلیت اعمال دارد.

ولی در مورد ظهر روی اسناد تجاری، ماده 305 ق.ت به علت حفظ اعتبار و سرعت گردش آن قائل به اجرای اصل و استثناء شده است.

الف) اصل

تنظیم ظهر و متن برات، (یا تحریر، ظهرنویسی، ضمانت) تابع قانون محل تنظیم می باشد.

در مورد برواتی که در خارج ایران تنظیم شده، شرایط اساسی برات تابع قوانین مملکت صدور است. هر قسمت از سایر تعهدات براتی نیز که در خارج به وجود آمده، تابع قوانین مملکتی است که تعهد در آنجا وجود پیدا کرده است. (ماده 305 ق.ت) مشروط بر آنکه کشور محل تنظیم سند به موجب قوانین خود یا عهد عمل متقابل عمل نموده و اسناد تنظیم شده در ایران را معتبر بشناسد.

اجرای اصل فوق، اثر قبول نظریه چندگانگی قوانین حاکم می باشد که خود، انعکاسی از اصل استقلال امضاءها در حقوق بین الملل خصوصی به حساب آمده تا هر تعهدی را تحت حاکمیت قانون محل ویژه خود گرداند.

ب) استثناء

با توجه به جهات عملی در حفظ ارزش تعهدات براتی، قانون محل اجرای تعهد موخر، زمانی که صورت برات یا یکی از تعهدات مقدم طبق مقررات محل تنظیم خود صحیح نیست، قابل اعمال می باشد: «اگر شرایط اساسی برات مطابق قانون ایران موجود و یا تعهدات براتی موافق قانون ایران صحیح باشد کسانی که در ایران تعهداتی کرده اند حق اسناد به این را ندارند که شرایط اساسی برات یا تعهدات براتی مقدم بر تعهد آنها مطابق با قوانین خارجی نیست» (ذیل ماده

305 ق ت)

واگذاری

مبحث اول: قصد و رضای طرفین

الف) اصل قصد انشاء معامله براتی بر خلاف اصل حاکمیت اراده تابع قانون محل وقوع عقد یا مقررات محل تسلیم برات است .

یعنی اگر واگذاری سند در ایران باشد ، مقررات مواد 191 به بعد قانون مدنی ایران حاکم خواهد بود و چنانچه تحویل برگه بهادار در کشور بیگانه اتفاق افتد ، مشمول مقررات همان کشور خواهد بود .

ب) استثناء

در صورتی که انتقال دهنده و گیرنده ورقه مزبور از اتباع خارجه باشند ، می توانند به اراده خود ، معامله براتی را در ایران صریحاً و یا ضمناً تابع قانون دیگری قرار دهد .

مبحث دوم : اهلیت

الف) اصل

در مورد اشخاص حقیقی ، بر اساس ماده 6 ق م « قوانین مربوط به احوال شخصیه از قبیل ... اهلیت اشخاص در مورد کلیه اتباع ایران ولو اینکه مقیم در خارجه باشند مجری خواهد بود . » و بر اساس ماده 7 همان قانون ، اتباع خارجه مقیم در خاک ایران ، از حیث مسائل مربوطه به احوال شخصیه و اهلیت خود و هم چنین از حیث حقوق ارثیه در حدود معاهدات مطیع قوانین و مقررات دولت مطبوع خود می باشند . در این مورد اعم از اینکه شخص تبعه خارجه یا ایران باشد ، قانون ملی فرد پذیرفته شده است .

ب) استثناء

بر اساس ماده 962 ق م . تشخیص اهلیت هر کس برای انجام معامله بر اساس قانون دولت متبوع اوست ولی با وجود این امر اگر یک فرد تبعه خارجه در ایران عمل حقوقی انجام دهد و بر اساس قوانین ایران واجد اهلیت باشد و بر اساس قانون دولت متبوع خویش فاقد اهلیت بوده یا دارای اهلیت ناقص باشد ، شخص مزبور برای انجام آن عمل دارای اهلیت محسوب خواهد شد . این مورد درباره معاملات براتی نیز صادر خواهد بود .

مبحث سوم : موضوع معین

بر اساس ماده 214 ق . ، « مورد معامله باید مال یا عملی باشد که هر یک از متعاملین تعهد تسلیم یا ایفای آن را می کنند .

لذا اگر انتقال سند تجاری در ایران صورت گیرد ، از مجموع مواد 19 و 966 ق م ، می توان دریافت که اوصاف ورقه بهادار مزبور می بایست مطابق قانون ایران باشد .

این حقوق می بایست در کشور دیگر هم به رسمیت شناخته شود .

مبحث چهارم : مشروعیت جهت معامله

در این مورد قاعده قابل پذیرش ، قاعده محل وقوع عقد است . (ماده 968 ق.م) لذا در معامله براتی لازم نیست که جهت تصریح شود ، ولی در صورت تصریح بایستی مشروع باشد و الا معامله باطل خواهد بود . (ماده 217 ق م .)

تست

1- در مورد برواتی که در خارج از ایران صادر شده ، شرایط اساسی تابع ... است .

الف) ایران

ب) کنواسیون ژنو

ج) مملکت صدور

د) محل تسلیم برات

گزینه ج صحیح است .

اجرای تعهدات بروات و قواعد حل تعارض

در خواست قبولی یا پرداخت و واخواست

بر اساس ماده 306 ق.ت در این مورد قانون محل پرداخت حاکم خواهد بود .

مبحث اول :مطالبه قبولی و پرداخت

در صورتی که تأدیه برات در ایران باشد ، فروض زیر مطرح خواهد شد :

الف) برات به رویت و به وعده از رویت

بر اساس ماده 274 ق ت دارنده برات مکلف است پرداخت یا قبولی آن را ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نماید .

ماده 275 ق.ت. نیز مدت اخذ قبولی برات صادره در خارجه را مانند داخلی ، که در متن سند مقید است

لازم الاجرا دانسته است .

ب) بروات به وعده (از تاریخ سند یا از تاریخ رویت)

بر اساس ماده 254 ق . ت ، برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخت شود .

ج) بروات موکول به روز معین

دارنده برات باید روز وعده وجه برات را مطالبه کند . (ماده 279 ق . ت)

مبحث دوم : انجام واخواست

هدف از واخواست از یک سو مطالبه قبولی یا وجه سند به طور امکان ناپذیر و احراز نکول یا عدم پرداخت بوده

و از سوی دیگر اطلاع مراتب به مسئولان برات برای این که حیثیت و اعتبارشان در برابر توقیف اموال و رجوع غیر

منتظره خدشه دار نگردد ، می باشد .

واخواست طبق ماده 306 ق ت ، براساس قانون محل اجرا صورت می گیرد و اگر محل پرداخت در ایران باشد بایستی در این مورد میان بروات قائل به تفکیک شد .

الف (بروات به وعده

در این اسناد ، بر اساس ماده 280 ق ت ، می بایست واخواست ظرف مهلت ده روز از تاریخ وعده به وسیله نوشته ای که اعتراض عدم تأدیه نامیده می شود ، معلوم گردد .

ب (بروات بی وعده

بر اساس ماده 274 ق ت . ، دارنده می تواند ظرف یکسال از تاریخ برات یک یا چند بار سند تجاری را به براتگیر ارائه دهد و هر زمان از تأدیه نا امید شد ، واخواست به عمل آورد .

طرح دعوی و تأمین خواسته

ممکن است متعهد برات در ایران ساکن باشد بر اساس ماده 252 ق ت . پرداخت برات با نوع پولی که در آن معین شده به عمل می آید . بر این اساس ، متعهد می بایست برات ارزی را به همان پول مقید در برگه تأدیه کند .

خواسته نیز در طرح دعوی بر همین اساس معین خواهد شد . ولی برای تعیین هزینه واخواست و میزان تمبر مالی دادخواست و هم چنین مبلغ تأمین خواسته و خسارات قانونی لازم است تا معادل ریالی وجه برات ارزی به نرخ رسمی مشخص گردد .

مرور زمان طرح دعوی برای براتی که پرداخت آن در ایران باشد ، یکسال از تاریخ انجام واخواست جهت استفاده از مسئولیت تضامنی خواهد بود . (ماده 286 ق ت)

بر اساس ماده 287 ق ت ، در صورتی که محل پرداخت برات در خارجه باشد ، اقامه دعوی به طرفیت امضاء کنندگان ساکن ایران در مدت دو سال امکان پذیر خواهد بود .

اگر طرح دعوا و تأمین خواسته در خارجه می بایست صورت پذیرد ، به استناد ماده 306 ق ت ، قانون کشور محل انجام اقدامات قانونی مذکور قابلیت اجرایی دارد

چک

صادر کنندگان چک بی محل در ایران و برخی از کشورها به غیر از تعقیب حقوقی ، مشمول مقررات جزایی نیز می گردند .

ولی این مهم وقتی امکان پذیر خواهد بود که سند مذکور در یک کشور صادر و قابل تعقیب باشد .

در حالی که گاهی تنها صدور چک بلا محل در ایران یا در خارجه انجام می گیرد .

مبحث اول : صدور چک در ایران

الف (چک ملون در قانون صدور چک

این امکان وجود دارد که صادر کننده چک بی محل برعهده بانک ایرانی یا شعبه آن در خارج ، از بیم مجازات قانون صدور چک در خارج اقامت داشته باشد.

در این صورت بایستی برای استرداد ، معاهده ای وجود داشته باشد .

ب) چک کیفی مضمول قواعد عمومی

در این مورد ، منظور چکی است که عهده بانک ایرانی صادر نشده است .

در این مورد قانون صدور چک ایران حاکم نخواهد بود .

مبحث دوم : صدور چک در خارج

اگر چک بی محل برعهده بانک ایرانی در خارج صادر شود و صادر کننده نیز در همان کشور یا کشوری دیگر مقیم باشد ، قواعد کاملاً دقیقی وجود دارد و حسب مورد عمل خواهد شد .

حفاظت قانونی بروات وقوه قاهره

بر اساس عمومات ماده 306 ق . ت . ، موارد جعل ، تزویر ، سرقت و گم شدن اسناد تجاری و هم چنین تاثیر قوه قاهره تابع مقررات محل پرداخت خواهد بود .

تست

1- چنانچه دارنده براتی که وجه آن باید در ایران به رویت تأدیه شود ، پرداخت آن را در مهلت مقرر مطالبه

نماید ، حق رجوع به کدام یک از مسئولین وجه برات را نخواهد داشت ؟

الف) به ظهر نویس ها و همچنین برات دهنده ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده است .

ب) فقط به برات دهنده ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده است .

ج) به ظهرنویس ها و محال علیه .

د) به برات دهنده و محال علیه

2- حفاظت قانونی بروات و قوه قاهره تابع است .

الف) محل صدور

ب) محل تنظیم و یا تسلیم

ج) محل پرداخت

د) محل وقوع هریک از موارد مربوط

پاسخنامه

1- گزینه الف صحیح است

2- گزینه ج صحیح است .

- خلاصه مبحث اسناد تجاری:

- 1- اسناد تجاری، اسنادی هستند که بعنوان ابزارها و وسایل پرداخت بکار برده می‌شوند. عبارت دیگر سند تجاری سندی است که قابل معامله بوده و به نفع دارنده آن معرف وجود طلبی در سر رسید کوتاه مدت بوده و معمولاً بین بازرگانان در معاملات بازرگانی مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- 2- در قانون تجارت ایران برات و سفته و چک بعنوان اسناد تجاری شناخته می‌شوند.
- 3- برای سندی است که در مکانیسم آن یک شخص بعنوان صادر کننده برات و شخص دیگری بعنوان براتگیر و شخصی نیز بعنوان دارنده برات دخالت دارد.
- 4- در برات باید شرایط شکلی آن رعایت شود و اسم کسی که برات را صادر می‌کند و اسم شخصی که باید وجه برات را بپردازد و کسی که دارنده برات است باید قید گردد اگر این شرایط در برات قید نگردد در آن سند برات محسوب نمی‌شود.
- 5- برات را نمی‌توان در وجه حامل صادر کرد ولی می‌توان برات را به نمایندگی صادر کرد.
- 6- امضاء یا مهر صادر کننده برات باید در برات آورده شود و گرنه این سند حتی از لحاظ مدنی نیز قابل مطالبه نخواهد بود. عبارت دیگر عدم وجود امضاء برات را از اعتبار ساقط می‌کند.
- 7- تاریخ سر رسید برات ممکن است به یکی از صور ذیل تعیین گردد:
 - الف- برات به رویت: بدین توضیح که دارنده برات هر موقع که به براتگیر رجوع کرد، وی موظف به پرداخت آن می‌باشد.
 - ب- به وعده از رویت: به این معنی است که از موقعی که دارنده برات، را به براتگیر برای قبولی ارائه می‌دهد مدت معینی از آن تاریخ (تاریخ قبولی) باید سپری شود تا دارنده بتواند برای مطالبه وجه به براتگیر رجوع کند.
 - ج- به وعده از تاریخ صدور: ممکن است در برات تاریخ پرداخت را بدین نحو معین کنند که سه ماه بعد از صدور برات، سر رسید برات باشد.
 - د- تعیین کامل تاریخ سر رسید: ممکن است در برات تاریخ سر رسید را بطور کامل با روز و ماه و سال معین کنند که دارنده فقط در این تاریخ برای مطالبه وجه آن به وی رجوع کند.
- 8- دارنده برات، برات را برای قبولی به براتگیر ارائه می‌دهد و براتگیر هیچ الزامی به قبول آن ندارد و می‌تواند برات را یا قبول کند یا آن را نکول نماید.
- 9- اگر براتگیر را قبول کند تاریخ قبولی را نیز در آن باید ذکر کند و اگر قبولی بدون تاریخ نوشته شود تاریخ صدور برات، تاریخ قبولی محسوب می‌شود.
- 10- اگر براتگیر، برات را نکول کند، دارنده برات باید واخواست نکول را انجام دهد و آن را به سایر مسئولان برات اعلام کند اثر این اعتراض این است که وی می‌تواند به ظهرنویس و برات دهنده رجوع کرده و از آنها برای پرداخت وجه برات در سر وعده ضامن بخواهد و اگر از دادن ضامن خودداری کنند دین موجدل به دین حال تبدیل می‌شود.

- 11- شخص ثالث می‌تواند پس از نکول برات توسط براتگیر، برات را به نفع برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها قبول کند.
- 12- اسناد تجاری بوسیله ظهرنویسی به اشخاص دیگر منتقل می‌شوند در ظهرنویسی انتقال دهنده باید آن را امضاء کرده و تاریخ ظهرنویسی را معین کند و نام کسی را که برات به او منتقل شده است را نیز قبول کند.
- 13- برات دهنده و کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویسها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تادیه و اعتراض می‌تواند به هر کدام از آنها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا تمام آنها مجتمعاً رجوع کند.
- همین حق را هر یک از ظهرنویسها نسبت به برات دهنده ظهرنویسهای ما قبل خود دارد. ضامنی که ضمانت برات دهنده یا محال علیه یا ظهرنویس را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت کرده است.
- 14- هر شخص ثالثی می‌تواند از طرف برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها وجه برات اعتراض شده را کارسازی نماید. دخالت شخص ثالث و پرداخت وجه باید در اعتراض نامه یا در ذیل آن قید شود.
- 15- اگر دو شخص متفقاً هر یک از جانب یکی از مسئولین برات برای پرداخت وجه حاضر شوند پیشنهاد آن کس پذیرفته است که تادیه وجه از طرف او عده زیادتری از مسئولین را برای الذمه می‌کند. اگر خود محال علیه پس از اعتراض برای تادیه وجه حاضر شود بر هر شخص ثالثی ترجیح دارد.
- 16- براتهای به رؤیت و به وعده از رؤیت هستند اگر در ایران باید مطالبه شوند باید ظرف مدت یکسال از تاریخ برات مطالبه شوند و اگر در خارج از ایران باید مطالبه شوند ظرف مدت دو سال از تاریخ برات باید مطالبه شوند وگرنه دارنده برات حق رجوع به ظهرنویسها و برات دهنده که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت.
- 17- نه فوت محال علیه نه ورشکستگی او نه اعتراض نکولی دارنده برات را از اعتراض عدم تادیه مستغنی نخواهد کرد.
- 18- برات رجوعی براتی است که دارنده برات اصلی پس از اعتراض برای دریافت وجه آن و مخارج صدور اعتراض نامه و تفاوت نرخ به عهده برات دهنده یا یکی از ظهرنویسها صادر می‌کند.
- 19- سفته سندی است که به موجب آن امضاء کننده تعهد می‌کند مبلغی در موعد معین یا عندالمطالبه در وجه حامل یا شخص معین و یا به حواله کرد آن شخص کارسازی نماید.
- 20- چک در حکم سند لازم الاجرا است که دارنده آن باید در ظرف مدت 15 روز و اگر محل مطالبه آن مکانی غیر از محل صدور باشد در ظرف مدت 45 روز آن را از محال علیه مطالبه کند. وگرنه حق رجوع به ظهرنویسها را نخواهد داشت.
- 21- چک ممکن است در وجه حامل یا شخص معین یا به حواله کرد باشد.
- چک ممکن است به صرف امضاء در ظهر آن به دیگری منتقل شود.
- 22- دعوای راجعه به برات و سفته و چک که از طرف تجار یا برای امور تجاری صادر شده پس از انقضای پنج سال از تاریخ صدور اعتراض نامه و یا آخرین تعقیب قضایی در محاکم مسموع نخواهد بود مگر اینکه در ظرف این مدت رسماً اقرار به دین شده باشد که در اینصورت مبدأ مرور زمان از تاریخ اقرار محسوب است.

مجموعه تست

1- برات صادره به وعده ده روز از رویت روز سه شنبه به رویت می‌رسد. با فرض اینکه محل تادیه تهران باشد، زمان تادیه برات عبارت است از:

- | | |
|----------------------|----------------------|
| (1) جمعه هفته بعد | (2) پنجشنبه هفته بعد |
| (3) شنبه دو هفته بعد | (4) جمعه دو هفته بعد |

2- سفته صادره از سوی شخص (الف) با ظهرنویسی شخص (ب) به شخص (ج) و با ظهرنویسی شخص (ج) به شخص (د) منتقل می‌شود و بعلاوه شخص (ض) پرداخت آن را از سوی (ج) ضمانت می‌کند. در صورت عدم تادیه و اعتراض:

- (1) شخص (د) ابتدائاً حق رجوع به (ض) ندارد
 - (2) شخص (د) حق رجوع همزمان به شخص (ض) و شخص (ج) را ندارد
 - (3) شخص (د) می‌تواند به شخص (د) رجوع نماید اما شخص (ض) حق رجوع به شخص (ج) را ندارد
 - (4) شخص (د) می‌تواند به شخص (ض) رجوع نماید و شخص (ض) همین حق را نسبت به شخص (ج) دارد
- 3- سفته‌ای توسط شخص (الف) در تاریخ 81/1/1 به سر رسید 82/4/1 در وجه شخص (ب) صادر شد و شخص (ب) نیز آن را ظهرنویسی کرده به شخص (ج) انتقال داد. شخص (ج) برای دریافت وجه در تاریخ 83/5/1 مراجعه و با عدم پرداخت مواجه شد. بنابراین شخص (ج):

- (1) نمی‌تواند علیه هیچکدام از اشخاص (الف) و (ب) طرح دعوی نماید
- (2) می‌تواند تنها علیه شخص (ب) طرح دعوی نماید
- (3) می‌تواند علیه اشخاص (الف) و (ب) طرح دعوی نماید
- (4) می‌تواند تنها علیه شخص (الف) طرح دعوی نماید

4- در انتقال سند تجاری کدام گزینه صحیح است؟

- (1) کلیه تضمینات مربوط به تعهد پایه و صدور سند تجاری منتقل می‌شود
- (2) کلیه تضمینات مربوط به تعهد پایه و تعهد براتی منتقل می‌شود
- (3) صرفاً تضمینات مربوط به تعهد براتی منتقل می‌شود
- (4) هیچ یک از تضمینات مربوط به تعهد پایه و تعهد براتی منتقل نمی‌شود.

5- شخص (الف) سفته‌ای را در وجه شخص (ب) صادر نموده و شخص (ب) آن را در وجه شخص (ج) ظهرنویسی می‌کند. شخص (ج) مجدداً آن را در وجه شخص (ب) ظهرنویسی می‌کند. دارنده در صورت عدم تادیه و اعتراض:

1) فقط حق رجوع به شخص (ج) را دارد

2) فقط حق رجوع به شخص (الف) را دارد

3) حق رجوع به اشخاص (ج) و (الف) را دارد

4) دارنده سند تلقی نمی‌شود و حق رجوع به هیچیک را ندارد

6- به موجب قانون صدور چک، اجرای ثبت، اجرائیه را علیه..... و به میزان..... صادر می‌نماید:

1) صادر کننده - مبلغ چک

2) صادر کننده و ظهرنویسان - مبلغ چک

3) صادر کننده - مبلغ چک و خسارت تاخیر تادیه

4) صادر کننده و ظهرنویسان - مبلغ چک و خسارت تاخیر تادیه

7- از جمله ویژگیهای چک مسافرتی عبارت است از:

1) عدم قابلیت ظهرنویسی، صدور از ناحیه بانک

2) عدم قابلیت ظهرنویسی، قابلیت پرداخت در همه شعب

3) وحدت شخصیت صادر کننده و محال علیه، عدم قابلیت ظهرنویسی

4) وحدت شخصیت صادر کننده و محال علیه، صدور از ناحیه بانک

8- دارنده چک جهت مطالبه وجه آن پنج ماه پس از تاریخ صدور آن به بانک مراجعه می‌نماید اما با ورشکستگی بانک مواجه می‌شود. در اینصورت چنانچه موجودی صادر کننده در بانک کافی بوده باشد، دارنده می‌تواند:

1) فقط داخل در گرماء قرار گیرد

2) فقط به صادر کننده رجوع کند

3) داخل در گرماء قرار گیرد و به شخص (الف) نیز رجوع کند.

4) داخل در گرماء قرار گیرد و به شخص (الف) و ظهرنویسان نیز رجوع کند.

9- شخص (الف) چک در وجه حامل را جهت وصول وجه آن به محال علیه ارائه می دهد در اینصورت امضای

ظهر چک توسط دارنده به منزله است.

(1) انتقال چک به محال علیه و رسید وجه (2) وکالت در وصول

(3) انتقال چک به محال علیه (4) رسید وجه چک

10- چک مسافرتی، چکی است که توسط:

(1) اشخاص صادر و وجه آن فقط در شعب بانک ملی ایران پرداخت می گردد

(2) اشخاص صادر و وجه آن در هر یک از شعب بانکها پرداخت می گردد

(3) اشخاص صادر می شود و بانک محال علیه پرداخت وجه آن را تایید می نماید

(4) بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می گردد.

11- چنانچه دارنده براتی که وجه آن باید در ایران به رویت تادیه شود، پرداخت آن را در مهلت مقرر مطالبه

نمایند، حق رجوع به کدام یک از مسئولین وجه برات را نخواهند داشت؟

(1) به ظهرنویسها و همچنین برات دهنده ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده است

(2) فقط به برات دهنده ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده است

(3) به ظهرنویسها و محال علیه

(4) به برات دهنده و محال علیه

12- شخص ثالثی که وجه سند تجارتي را بدون اذن مسئول سند می پردازد:

(1) همانند حقوق مدنی، حق مراجعه به مسئول سند را ندارد

(2) همانند حقوق مدنی، حق مراجعه به مسئول سند را دارد

(3) برخلاف حقوق مدنی، حق مراجعه به مسئول سند را ندارد

(4) برخلاف حقوق مدنی، حق مراجعه به مسئول سند را دارد

13- برای اینکه دارنده سفته ای که باید در ایران تادیه شود، بتواند از مسئولیت ظهرنویسان استفاده کند،

ظرف چه مدتی باید علیه آنان اقامه دعوی کند؟

(1) ده روز از تاریخ سر رسید (2) ده روز از تاریخ اعتراض

(3) یکسال از تاریخ اعتراض (4) یکسال از تاریخ سر رسید

14- در مقایسه چک و برات کدام عبارت نادرست است؟

- 1) هر دو سند متضمن دستور پرداخت هستند
- 2) هر دو سند در حکم اسناد رسمی الاجرا هستند
- 3) هر دو سند مشمول اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات هستند
- 4) در هر دو سند مشمول اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات هستند

15- براتگیر، در صورت نکول برات:

- 1) با براتکش و ظهرنویسها مسئولیت تضامنی پیدا می کند
- 2) به تنهایی متعهد به پرداخت وجه برات می گردد
- 3) فقط در برابر براتکش مسئولیت پیدا می کند
- 4) هیچگونه مسئولیت و تعهدی پیدا نمی کند

16- براتگیر پس از نکول..... قبول کند.

- 1) نمی تواند آن را بعنوان شخص ثالث
- 2) فقط با رضایت دارنده و براتکش می تواند آن را بعنوان شخص ثالث
- 3) فقط با رضایت براتکش می تواند آن را بعنوان شخص ثالث
- 4) می تواند بدون رضایت مسئولان برات، آن را بعنوان شخص ثالث

17- موعد پرداخت برات به وعده از رویت بوسیله کدام یک از موارد زیر مشخص می شود؟

- 1) فقط تاریخ قبولی
- 2) تاریخ وخواست عدم تادیه
- 3) تاریخ قبولی یا تاریخ وخواست نکول
- 4) فقط تاریخ وخواست عدم تادیه

18- صادر کننده براتی که قبول شده ولی پرداخت نگردیده است اگر با ظهرنویسی دارنده برات شود:

- 1) حق طرح دعوی علیه ظهرنویسان و براتگیر را خواهند داشت
- 2) فقط حق طرح دعوی علیه ظهرنویسان را خواهد داشت
- 3) فقط حق طرح دعوی علیه براتگیر را خواهد داشت
- 4) حق طرح دعوی علیه براتکش، ظهرنویسان و براتگیر را خواهند داشت

مجموعه تست

1- برات صادره به وعده ده روز از رؤیت روز سه شنبه به رؤیت می رسد. با فرض این که محل تأدیه تهران باشد، زمان تأدیه برات عبارت است از:

- 1) جمعه هفته بعد (2) پنجشنبه هفته بعد (3) شنبه دو هفته بعد (4) جمعه دو هفته بعد
- 2- سفته صادره از سوی شخص (الف) با ظهرنویسی شخص (ب) و به شخص (ج) و با ظهرنویسی شخص (ج) به شخص (د) منتقل می شود و به علاوه شخص (ض) پرداخت آن را از سوی (ج) ضمانت می کند. در صورت عدم تأدیه و اعتراض:

- 1) شخص (د) ابتدائاً حق رجوع به شخص (ض) ندارد.
 - 2) شخص (د) حق رجوع همزمان به شخص (ض) و شخص (ج) را ندارد.
 - 3) شخص (د) می تواند به شخص (ض) رجوع نماید اما شخص (ض) حق رجوع به شخص (ج) را ندارد.
 - 4) شخص (د) می تواند به شخص (ض) رجوع نماید و شخص (ض) همین حق را نسبت به شخص (ج) دارد.
- 3- سفته ای توسط شخص (الف) در تاریخ 81/1/1 به سررسید 82/4/1 در وجه شخص (ب) صادر شد و شخص (ب) نیز آن را ظهرنویسی کرده و به شخص (ج) انتقال داد. شخص (ج) برای دریافت وجه در تاریخ 83/5/1 مراجعه و با عدم پرداخت مواجه شد. بنابراین شخص (ج)

- 1) نمی توان علیه هیچ کدام از اشخاص (الف) و (ب) طرح دعوی نماید.
- 2) می تواند تنها علیه شخص (ب) طرح دعوی نماید.
- 3) می تواند علیه اشخاص (الف) و (ب) طرح دعوی نماید.
- 4) می تواند علیه شخص (الف) طرح دعوی نماید.

4- در انتقال سند تجاری کدام گزینه صحیح است؟

- 1) کلیه تضمینات مربوط به تعهد پایه صدور سند تجاری منتقل می شود.
- 2) کلیه تضمینات مربوط به تعهد پایه و تعهد براتی منتقل می شود.
- 3) صرفاً تضمینات مربوط به تعهد براتی منتقل می شود.
- 4) هیچ یک از تضمینات مربوط به تعهد پایه و تعهد براتی منتقل نمی شود.

5- شخص (الف) سفته‌ای را در وجه شخص (ب) صادر نموده و شخص (ب) آن را در وجه شخص (ج) ظهرنویسی می‌کند. شخص (ج) مجدداً آن را در وجه شخص (ب) ظهرنویسی می‌کند. دارنده در صورت عدم تأدیه و اعتراض:

1) فقط حق رجوع به شخص (ج) را دارد.

2) فقط حق رجوع به شخص (الف) را دارد.

3) حق رجوع به اشخاص (ج) و (الف) را دارد.

4) دارنده سند تلقی نمی‌شود و حق رجوع به هیچ‌یک را ندارد.

6- به موجب قانون صدور چک، اجرای ثبت، اجرائیه را علیه و به میزان صادر می‌نماید:

1) صادرکننده - مبلغ چک

2) صادرکننده و ظهرنویسان - مبلغ چک

3) صادرکننده - مبلغ چک و خسارت تأخیر تأدیه

4) صادرکننده و ظهرنویسان - مبلغ چک و خسارت تأخیر تأدیه

7- از جمله ویژگی‌های چک مسافرتی عبارت است:

1) عدم قابلیت ظهرنویسی، صدور از ناحیه بانک

2) عدم قابلیت ظهرنویسی، قابلیت پرداخت در همه شعب

3) وحدت شخصیت صادرکننده و محال علیه، عدم قابلیت ظهرنویسی

4) وحدت شخصیت صادرکننده و محال علیه، صدور از ناحیه بانک

8- دارنده چک جهت مطالبه وجه آن پنج ماه پس از تاریخ صدور آن به بانک مراجعه می‌نماید اما با ورشکستگی بانک مواجه می‌شود. در این صورت چنانچه موجودی صادرکننده در بانک کافی بوده باشد، دارنده می‌تواند:

1) فقط داخل در غرماء قرار گیرد.

2) فقط به صادرکننده رجوع کند.

3) داخل در غرماء قرار گیرد و به شخص (الف) نیز رجوع کند.

4) داخل در غرماء قرار گیرد و به شخص (الف) و ظهرنویسان نیز رجوع کند.

9- شخص (الف) چک در وجه حامل را جهت وصول وجه آن به محال علیه ارائه می‌دهد. در این صورت امضای ظهرچک توسط دارنده به منزله است.

- 1) انتقال چک به محال علیه و رسید وجه (2) وکالت در وصول
- 3) انتقال چک به محال علیه (4) رسید وجه چک

10- در صورتی که برات مورد نکول براتگیر واقع شود، دارنده برات می‌تواند از تقاضای ضامن نماید.

- 1) برات‌دهنده (2) برات‌دهنده براتگیر
- 3) برات‌دهنده و ظهرنویس (4) براتگیر

11- منظور از ماده 242 قانون تجارت که مقرر می‌دارد: «هرگاه برات بی‌وعده قبول شد، باید فوراً پرداخت شود این است که :

- 1) اگر سررسید تعیین نشده باشد، موعد پرداخت حال محسوب می‌شود.
- 2) سررسید به رؤیت تلقی می‌شود و باید فوراً پرداخت شود.
- 3) اگر بدون درنظر گرفتن سررسید تعیین شده براتگیر قبول کند، باید فوراً پرداخت شود.
- 4) اگر دارنده برات تقاضا کند، دارنده باید فوراً پرداخت کند.

12- در صورتی که دارنده برات بدون ارائه سند سررسید، تقاضای پرداخت وجه را بنماید و براتگیر از تأدیه خودداری کند، برای مطالبه مبلغ برات مراجعه کند.

- 1) می‌تواند به برات‌دهنده (2) می‌تواند به ضامن براتگیر
- 3) می‌تواند به همه امضاءدهنده (4) نمی‌تواند به هیچ‌کدام از امضاءکنندگان

13- در صورتی که براتگیر برات به وعده از رؤیت را نکول نماید، تاریخ نکول محسوب می‌شود:

- 1) تاریخ صدور (2) تاریخ ابلاغ وخواست نکول
- 3) تاریخ ثبت وخواست نکول (4) تاریخ ثبت دادخواست

14- در صورتی که ضامن برات و سفته مورد مراجعه دارنده آن اسناد قرار گیرد، می‌تواند از پرداخت خودداری کند. مشروط بر آن که

- 1) مضمون عنه قابل دسترسی نباشد.
- 2) دارنده سند حق مراجعه به مضمون‌عنه را نداشته باشد.
- 3) مضمون‌عنه بدهکار نباشد.
- 4) مضمون‌عنه ورشکسته شده باشد.

15- در وصول چک از طریق اجرای ثبت، قابل مطالبه است.

- 1) فقط مبلغ چک از صادرکننده
 - 2) مبلغ چک و خسارت تأخیر تأدیه از صادرکننده
 - 3) فقط مبلغ چک از صادرکننده و ظهرنویسان
 - 4) مبلغ چک و خسارت تأدیه از صادرکننده و ظهرنویسان
- 16- چک مسافرتی، چکی است که توسط:

- 1) اشخاص صادر و وجه آن فقط در شعب بانک ملی ایران پرداخت می‌گردد.
 - 2) اشخاص صادر و وجه آن در هر یک از بانکها پرداخت می‌گردد.
 - 3) اشخاص صادر می‌شود و بانک محال علیه پرداخت و وجه آن را تأیید می‌نماید.
 - 4) بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب آن یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌گردد.
- 17- چنانچه دارنده برات که وجه آن باید در ایران به رؤیت تأدیه شود، پرداخت آن را در مهلت مقرر مطالبه

نمایید، حق رجوع به کدامیک از مسئولین وجه برات را نخواهد داشت؟

- 1) به ظهرنویسها و همچنین برات‌دهنده‌ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده است.
- 2) فقط به برات‌دهنده‌ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده است.
- 3) به ظهرنویسها و محال علیه
- 4) به برات‌دهنده و محال علیه

18- پس از رسیدن اجل دین اصلی، ضامن ملزم به تأدیه است.

- 1) نیست، ولو این که بواسطه ورشکستگی یا موت مدیون اصلی دین مؤجل او حال شده باشد.
- 2) نیست، مگر بواسطه ورشکستگی مدیون اصلی دین مؤجل او حال شده باشد.
- 3) نیست، مگر بواسطه فوت مدیون اصلی دین مؤجل او حال شده باشد.
- 4) می‌باشد.

19- شخص ثالثی که وجه سند تجارتي را بدون اذن مسئول سند می‌پردازد:

- 1) همانند حقوق مدنی، حق مراجعه به مسئول سند را دارد.
- 2) همانند حقوق مدنی، حق مراجعه به مسئول سند را ندارد.
- 3) برخلاف حقوق مدنی، حق مراجعه به مسئول سند را ندارد.
- 4) برخلاف حقوق مدنی، حق مراجعه به مسئول سند را دارد.

20- برای این که دارنده سفته‌ای که باید در ایران تأدیه شود، بتواند از مسئولیت ظهرنویسان استفاده کند،

ظرف چه مدتی باید علیه آنان اقامه دعوی کند؟

- 1) ده روز از تاریخ سررسید
- 2) ده روز از تاریخ اعتراض
- 3) یک سال از تاریخ اعتراض
- 4) یک سال از تاریخ سررسید

21- در مقایسه چک و برات کدام عبارت نادرست است؟

- 1) هر دو سند متضمن دستور پرداخت هستند.
- 2) هر دو سند در حکم اسناد رسمی لازم‌الاجرا هستند.
- 3) هر دو سند مشمول اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات هستند.
- 4) در هر دو سند عدم تأدیه از سوی محال علیه شرط مراجعه به سایر مسئولین است.

22- براتگیر، در صورت نکول برات:

- 1) با براتکش و ظهرنویس‌ها مسئولیت تضامنی پیدا می‌کند.
- 2) به تنهایی متعهد وجه برات می‌گردد.
- 3) فقط در برابر براتکش مسئولیت پیدا می‌کند.
- 4) هیچ‌گونه مسئولیت و تعهدی پیدا نمی‌کند.

23- کدام یک از عبارات زیر صحیح است؟

- 1) دارا بودن محل (اعتبار) شرط صحت صدور برات نیست، ولی شرط صحت صدور چک می‌باشد.
- 2) دارا بودن محل (اعتبار) شرط صدور چک است، ولی شرط صحت صدور برات نمی‌باشد.
- 3) ذکر نام گیرنده وجه شرط صحت صدور چک می‌باشد.
- 4) ذکر نام گیرنده وجه، شرط صحت صدور برات نمی‌باشد.

24- شخص ثالثی که مداخله می‌کند، می‌تواند برات را به نام قبول کند.

- 1) همه امضاءکنندگان
- 2) برات‌دهنده و ظهرنویسان
- 3) برات‌دهنده یا یکی از ظهرنویسان
- 4) براتگیر

25- شخصی که وجه سفته را قبل از سررسید بپردازد

- 1) بری‌الذمه می‌شود.
- 2) بری‌الذمه نمی‌شود.
- 3) ممکن است بری‌الذمه نشود.
- 4) در صورت نبودن دستور مرجع قضایی بر منع پرداخت بری‌الذمه می‌شود.

26- کسی که در برات به عنوان ضامن دخالت کرده، وقتی مسئول است که دارنده سند به مراجعه

کرده و پرداخت صورت نگرفته باشد.

(1) مضمون عنه او (2) براتگیر (3) براتگیر قبول کننده (4) برات‌دهنده

27- در نقل و انتقالات متوالی به وسیله ظهرنویسی اگر دارنده فعلی، دارنده چهارم بوده و به علت عدم

تأدیه و اعتراض وجه سفته را از دارنده دوم وصول نماید، دارنده دوم:

(1) فقط حق مراجعه به دارنده اول را خواهد داشت.

(2) فقط حق مراجعه به صادرکننده را خواهد داشت.

(3) حق مراجعه به دارنده اول و صادرکننده را خواهد داشت.

(4) حق مراجعه به صادرکننده و اولین دارنده و سومین دارنده را خواهد داشت.

28- براتگیر پس از نکول برات قبول کند.

(1) نمی‌تواند آن را به عنوان شخص ثالث

(2) فقط با رضایت براتکش می‌تواند آن را به عنوان شخص ثالث

(3) فقط با رضایت دارنده می‌تواند آن را به عنوان شخص ثالث

(4) می‌تواند بدون رضایت مسئولان برات، آن را به عنوان شخص ثالث

29- موعد پرداخت برات به وعده از رؤیت به وسیله کدام یک از موارد زیر مشخص می‌شود؟

(1) فقط تاریخ قبولی

(2) تاریخ وخواست عدم تأدیه

(3) تاریخ قبولی یا تاریخ وخواست نکول

(4) فقط تاریخ وخواست نکول

30- حق مراجعه دارنده برات به ضامن ظهرنویس، منوط به عدم تأدیه وجه برات از سوی

(1) صادرکننده

(2) محال علیه

(3) مضمون عنه

(4) مضمون عنه و محال علیه

31- صادرکننده براتی که قبول شده ولی پرداخت نگردیده است اگر با ظهرنویسی، دارنده برات شود:

(1) حق طرح دعوی علیه ظهرنویسان و براتگیر را خواهد داشت.

(2) فقط حق طرح دعوی علیه ظهرنویسان را خواهد داشت.

(3) فقط حق طرح دعوی علیه براتگیر را خواهد داشت.

(4) حق طرح دعوی علیه براتکش، ظهرنویسان و براتگیر را خواهد داشت.

32- هرگاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی قید کند، شناخته می‌شود.

(1) کلاهبردار (2) جاعل (3) خائن در امانت (4) متقلب

33- ضامن در برات صورت پرداخت وجه سند حق دارد جهت استرداد مبلغی که پرداخت کرده است

..... مراجعه کند.

(1) به مضمون عنه و کسانی که مضمون عنه حق رجوع به آن‌ها را دارد.

(2) فقط به مضمون عنه و ایادی ماقبل او

(3) به مضمون عنه و ایادی ماقبل او

(4) به مضمون عنهی که اذن پرداخت داده است.

34- چک در حکم سند رسمی لازم‌الاجرا است یعنی:

(1) چک سند رسمی و لازم‌الاجرا است.

(2) مفاد چک بدون حکم دادگاه به اجراء در می‌آید.

(3) پرداخت چک فوری بوده و نباید وعده داشته باشد.

(4) وجود چک در دست دارنده آن دلیل مدیونیت صادرکننده آن است.

35- قاعده جواز صدور برات به دستور و حساب شخص دیگر دلالت دارد بر:

(1) صدور براتی که سبب آن حق‌العمل‌کاری باشد.

(2) صدور براتی که لزوماً از محل یک حساب بانکی پرداخت می‌گردد.

(3) صدور به وکالت از سوی صادرکننده‌ای که شخص حقوقی باشد.

(4) صدور به وکالت از سوی صادرکننده اعم از این که شخص حقیقی یا حقوقی باشد.

36- مسئولیت براتگیر در برابر دارنده برات وقتی محقق می‌گردد که:

(1) براتگیر برات را قبول کرده باشد ولو آن که به صادرکننده بدهکار نباشد.

(2) براتگیر برات را قبول کرده باشد و به صادرکننده بدهکار نباشد.

(3) براتگیر به صادرکننده بدهکار باشد ولو آن که برات را قبول نکرده باشد.

(4) برات صادر می‌شود ولو آن که برات را قبول نکرده و به صادرکننده بدهکار نباشد.

37- اثر امتناع از قبول و نکول برات برای دارنده آن:

- (1) همان اثر قبول است.
(2) همان اثر نکول است.
(3) اثر قبولی مشروط محدود است.
(4) اثر قبولی مشروط است.

38- (برات به وعده) باید:

- (1) روز آخر وعده پرداخته شود.
(2) روز پس از وعده پرداخته شود.
(3) از روی رؤیت وعده‌اش محاسبه شود.
(4) ظرف یک سال از تاریخ برات پرداخت شود.

39- (الف) در دادگاه ثابت می‌کند که دین خود به (ب) (اولین دارنده سفته) را پرداخته اما از استرداد آن

غفلت نموده است. در این صورت (الف):

- (1) حق استرداد سفته را مطلقاً داراست.
(2) حق استرداد سفته را مطلقاً دارا نیست.
(3) حق استرداد سفته را در صورتی که به غیرمنتقل نشده باشد داراست.
(4) حق استرداد سفته را فقط در صورتی که در وجه (ب) یا بحواله کرد صادر شده باشد داراست.
40- براتی به سررسید 10 روز پس از رؤیت صادر و در تاریخ 14 اردیبهشت به رؤیت محال علیه می‌رسد. در

این صورت موعد پرداخت اردیبهشت خواهد بود؟

- (1) 23 (2) 24 (3) 25 (4) 26

41- ماده 242 ق.ت. مقرر می‌دارد: (هرگاه برات بی‌وعده قبول شد باید فوراً پرداخت شود). این ماده ناظر به

براتی است که:

- (1) به رؤیت باشد و بی‌وعده قبول شود.
(2) به رؤیت باشد و با وعده قبول شود.
(3) به وعده است و باید ظرف 48 ساعت پرداخت شود.
(4) به وعده باشد.

42- (الف) هزار ریال به (ب) قرض داده و در ازاء آن براتی به مبلغ یک دلار در وجه خود دریافت می‌کند که

منجر به عدم تأدیه و اعتراض می‌شود. در این صورت (ب) با پرداخت بری‌الذمه می‌شود.

- (1) دلار یا ریال
(2) دلار یا ریال حسب تقاضای «الف»
(3) فقط دلار
(4) به وعده باشد

- 43- (الف) چکی را در وجه (ب) یا حامل صادر نموده است. این چک است.
- 1) باطل
 - 2) در حکم چک در وجه حامل و شخص معین
 - 3) در حکم چک در وجه شخص معین
 - 4) در حکم چک در وجه حامل
- 44- عبارت (لطفاً پس از وصول به حساب اینجانب واریز نمایید) در ظهر چک ظهور در دارد.
- 1) انتقال به غیر
 - 2) توثیق دین
 - 3) قبولی
 - 4) وکالت در وصول
- 45- هرگاه تاجر ورشکسته براتی صادر کرده باشد که قبول نشده، سایر اشخاصی که مسئول تأدیه وجه برات شده‌اند.
- 1) باید وجه آن را نقداً بپردازند یا تأدیه آن را در سر وعده تأمین کنند.
 - 2) بری‌الذمه می‌شوند.
 - 3) منحصراً باید وجه آن را نقداً بپردازند.
 - 4) منحصراً باید تأدیه آن را در سر وعده تأمین کنند.
- 46- در صورتی که مبلغ چک با عدد و حروف نوشته شده و بین آن‌ها اختلاف باشد
- 1) مبلغ با حروف قابل مطالبه است.
 - 2) چک قابل مطالبه نیست.
 - 3) مبلغ کمتر قابل مطالبه است.
 - 4) مبلغ موردنظر صادرکننده قابل مطالبه است.
- 47- برای این که دارنده سفته بتواند وجه آن سند را از ظهرنویس مطالبه کند، واخواستنامه باید شود:
- 1) ثبت
 - 2) فقط به ظهرنویس ابلاغ
 - 3) به ظهرنویس هم ابلاغ
 - 4) به همه امضاءکنندگان ابلاغ
- 48- اگر براتگیر برات را به‌طور مشروط قبول کند، دارنده برات حق دارد قبل از سررسید به برات‌دهنده مراجعه کند و از او بخواهد:
- 1) ضامن
 - 2) وجه برات را
 - 3) تضمین
 - 4) تغییر نام براتگیر را
- 49- اگر برات قبول شده مفقود گردد، شخصی که مدعی است دارنده آن است حق دارد تقاضای پرداخت نماید:
- 1) با دادن ضامن از براتگیر
 - 2) از برات‌دهنده
 - 3) از دادگاه بخواهد با صدور دستور به او امکان دهد از برات‌دهنده
 - 4) با ارائه نسخه دیگری از برات و دادن ضامن و با اخذ دستور دادگاه

50- صدور چک اگر تجارتي است:

- 1) محل صدور و محل پرداخت آن در دو شهر مختلف باشد ذاتاً
- 2) صادرکننده و دارنده آن هر دو تاجر باشند ذاتاً
- 3) معامله‌ای که از بابت آن صادر شده تجارتي باشد
- 4) صادرکننده و دارنده تاجر باشند

51- از جمله معایب چک در وجه حامل در مقایسه با چک در وجه شخص معین، از دیدگاه دارنده آن عبارت است از:

- 1) اساساً برای دارنده تفاوتی ندارد. (2) امکان انتقال بدون ظهرنویسی
 - 3) خطر ناشی از فقدان چک (4) محرومیت از مزایای اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات
- 52- اگر دارنده برات به وعده از رؤیت، آن را ظرف یک سال از تاریخ برات، به رؤیت محال علیه که وجه برات را دریافت کرده، نرساند

- 1) حق مراجعه به ظهرنویس‌ها و برات‌دهنده را ندارد. (2) حق ندارد به محال علیه مراجعه نماید.
- 3) فقط حق مراجعه به ظهرنویس‌ها را ندارد. (4) فقط می‌تواند به براتکش مراجعه نماید.

53- در چه صورت برات نکول شده محسوب می‌شود؟

- 1) تصریح به پرداخت در خارج محل اقامت (2) فقط امضای برات
- 3) قبول بدون ذکر تاریخ (4) قبولی مشروط

54- اعتراض‌نامه نکول برات باید به محل اقامت کدام شخص ابلاغ شود؟

- 1) براتکش یا ظهرنویس (2) براتکش یا براتگیر
- 3) براتگیر یا ظهرنویس (4) ظهرنویس یا ضامن

55- شخص ثالث از طرف کدام یک مسئولین برات می‌تواند وجه برات را بپردازد؟

- 1) براتکش یا ظهرنویس (2) براتکش یا براتگیر
- 3) براتگیر یا ظهرنویس (4) ظهرنویس یا ضامن

56- کدام مورد از جمله مزایای اسناد تجاری نیست؟

- 1) اصل عدم امکان استناد به ایرادات
- 2) امکان تأمین خواسته بدون تودیع خسارات احتمالی
- 3) امکان اجرای موقت حکم
- 4) مسوولیت تضامنی صادرکننده و ظهرنویس

57- ماده 233 قانون تجارت مقرر می‌دارد: اگر قبولی مشروط به شرط نوشته شد، برات نکول شده محسوب است ولی قبول کننده به شرط در حدود شرطی که نوشته، مسئول پرداخت وجه برات است. در این صورت مسئول یا مسئولین برات عبارتند از:

- 1) براتگیر، مشروط به تحقق شرط و سایر امضاءکنندگان
- 2) صادرکننده و ظهرنویسان، مشروط به عدم تحقق شرط
- 3) فقط صادرکننده
- 4) فقط براتگیر، مشروط به تحقق شرط

58- (الف) چکی را در وجه (ب) صادر نماید. اینک تحقق عمل حقوقی انتقال چک از «ب» به «ج» موکول است به:

- 1) امضای «ب» در ظهر چک با تصریح به پرداخت در وجه «ج»
- 2) امضای «ب» در ظهر چک و قبض و اقباض آن
- 3) امضای «ب» در ظهر چک
- 4) فقط قبض و اقباض چک میان «ب» و «ج»

59- هرگاه براتگیر، برات را بدون قید تاریخ قبول کند:

- 1) این قبولی فاقد اعتبار است.
- 2) تاریخ رؤیت، تاریخ قبولی محسوب می‌شود.
- 3) تاریخ تحریر برات، تاریخ قبولی محسوب می‌شود.
- 4) دارنده برات می‌تواند برای قبولی به براتکش رجوع کند.

60- هرگاه براتی که سررسید آن پنج ماه از تاریخ تحریر است نکول شود، طلب‌دارنده برات:

- 1) به هیچ وجه حال نمی‌شود.
- 2) حال نمی‌شود مگر در صورتی که براتکش و ظهرنویس‌ها به تقاضای او ضامنی برای تأدیه وجه برات ندهند.
- 3) حال می‌شود.
- 4) حال می‌شود، در صورتی که در برات قید شده باشد.

61- در برات‌های به رؤیت و به وعده از رؤیت دارنده برات باید ظرف چه مدتی از تاریخ برات پرداخت یا

قبولی آن مطالبه نماید تا رجوع به ظهرنویس‌ها و دارنده برات را داشته باشد؟

- 1 سال (2) 3 ماه (3) 4 ماه (4) 6 ماه

62- کدام یک از موارد زیر شرایط شکلی اعتبار برات محسوب نمی شود؟

(1) تاریخ تحریر

(2) تعیین مبلغ برات

(3) مکان تأدیه وجه برات

(4) محل صدور برات

63- چک که به عهده غیربانک صادر می شود از نظر قانون تجارت،

(1) چک محسوب نمی گردد اما مشمول قانون صدور چک هست.

(2) چک محسوب نمی گردد و مشمول قانون صدور چک هم نیست.

(3) چک محسوب می گردد اما مشمول قانون صدور چک نیست.

(4) چک محسوب می گردد و مشمول قانون صدور چک هم هست.

64- (الف) چکی را در وجه حامل تنظیم و به «ب» تسلیم می کند. «ب» نیز آن را بدون ظهرنویسی به «ج»

تسلیم می نماید، در این صورت:

(1) انتقال سند انجام شده اما «ب» مسئولیتی در مقابل «ج» ندارد.

(2) انتقال صورت پذیرفته و همچنان «ب» دارنده سند شناخته می شود.

(3) انتقال انجام شده و «الف» و «ب» مسئول می باشند.

(4) انتقال صورت پذیرفته اما «ب» با توجه به اصل عدم قابلیت استناد به ایرادات در مقابل «ج» مسئول است.

65- در برات صادره عهده ی «الف» در وجه «ب» شخص «الف» و «ب» به ترتیب، و نامیده

می شوند.

(1) محیل - محال له

(2) محال له - محال علیه

(3) محل علیه - محال له

(4) محل له - محیل

66- چکی را که «الف» در وجه «ب» صادر نموده است و قبلاً توسط «ض» ضمانت شده، با ظهرنویسی به «ج»

و «د» منتقل می شود. «د» به دلیل برگشت چک آن را به «ض» تسلیم نموده و وجه چک را وصول می کند که

در این صورت «ض»:

(1) حق مراجعه به «الف» و «ب» را دارد.

(2) حق مراجعه به همه امضاءکنندگان را دارد.

(3) حق مراجعه به هیچ یک از امضاءکنندگان را ندارد.

(4) فقط حق مراجعه به «الف» را دارد.

67- دارنده چکی که به اعتبار وجود محل تأیید شده است، پنج ماه پس از صدور به بانک مراجعه می کند اما

به دلیل ورشکستگی بانک موفق به وصول آن نمی شود. در این صورت مسئول یا مسئولین سند عبارتند از:

(1) فقط صادرکننده
(2) فقط بانک محال علیه

(3) فقط بانک محال علیه و صادرکننده
(4) بانک محال علیه، صادرکننده و ظهرنویسان

68- چکی که بدون مبلغ صادر شده است توسط دارنده تکمیل می شود، در این صورت سند مزبور

(1) چک محسوب می شود.

(2) چک محسوب نمی شود.

(3) اگر در حدود اختیار تکمیل شده باشد چک محسوب می شود.

(4) فقط نسبت به دارندگان ناآگاه چک محسوب می شود.

69- پشت چک صادره در وجه «ب»، فقط امضای ساده «ب» ملاحظه می شود و سند در تصرف «ج» است،

بنابراین:

(1) «ج» دارنده نیست.

(2) «ج» دارنده است و «ب» انتقال دهنده

(3) «ج» دارنده است و «ب» ظهرنویس به عنوان ضامن

(4) «ج» پس از تکمیل ظهرنویسی در وجه خود، دارنده تلقی می شود.

70- «الف» چکی را به حواله کرد «ب» صادر می کند و سپس فقط با امضای «ب» در ظهر آن چک به «ج»

منتقل می شود. در این صورت برای انتقال چک از «ج» به «د» حداقل اقدامات لازم عبارتند از:

(1) تسلیم چک

(2) امضای ساده «ج» و تسلیم چک

(3) ظهرنویسی توسط «ج» در وجه «د»

(4) تکمیل ظهرنویسی «ب» در وجه «ج» و تسلیم چک

71- شرکت «الف» بابت ثمن معامله، سفته ای در وجه «ب» صادر نموده که متعاقباً باید معامله ای، در وجه

«ج» ظهرنویسی می شود. در صورت فسخ معامله اول، ایراد صادرکننده در برابر

(1) «ب» و «ج» قابل استناد است.

(2) «ب» و «ج» قابل استناد نیست.

(3) «ب» قابل استناد و در برابر «ج» غیرقابل استناد است.

(4) «ج» قابل استناد و در برابر «ب» غیرقابل استناد است.

72- «الف» سفته‌ای را به مبلغ 100 ریال در وجه «ب» صادر نموده است. «ب» با تزویر در سند مبلغ آن را به 1000 ریال افزایش داده و به «ج» منتقل می‌کند. در این صورت حداکثر مسئولیت «الف» و «ب» در برابر دارنده به ترتیب عبارت است از:

- | | |
|---------------------|----------------------|
| (1) صفر و 1000 ریال | (2) 100 و 900 ریال |
| (3) 100 و 1000 ریال | (4) 1000 و 1000 ریال |

73- در وصول چک از طریق اجرای ثبت

- (1) مبلغ مندرج در چک از صادرکننده قابل وصل است.
 - (2) مبلغ مندرج در چک از صادرکننده و ضامن صادرکننده قابل وصول است.
 - (3) مبلغ مندرج در چک از صادرکننده و محال علیه، در صورت تأیید چک قابل وصول است.
 - (4) مبلغ مندرج در چک و خسارت تأخیر تأدیه در صورت وجود تورم فاحش از صادرکننده قابل وصول است.
- 74- شخصی دارنده دو فقره چک است که اولی به علت عدم مطابقت امضا منجر به صدور گواهی عدم پرداخت شده و چک دوم نیز بخشی از مبلغ آن پرداخت شده و به جای عین آن، گواهینامه مشتمل بر مشخصات چک و مبلغ پرداخت شده را از بانک دریافت کرده است. در صورت تقاضای صدور اجرائیه نسبت به تمام مبلغ چک اول و مانده چک دوم، اداره ثبت:

- (1) نسبت به هر دو چک اجرائیه صادر می‌کند.
 - (2) نسبت به چک دوم اجرائیه صادر می‌کند اما نسبت به چک اول خیر
 - (3) نسبت به چک اول اجرائیه صادر می‌کند اما نسبت به چک دوم خیر
 - (4) نسبت به هیچ‌کدام از چک‌های مذکور اجرائیه صادر نمی‌کند.
- 75- سفته‌ای را که «ب» در وجه «ص» صادر کرده با امضای ساده «ص» در پشت به «ه» منتقل شده و «م» نیز با ظهرنویسی، پرداخت آن را از سوی «ص» ضمانت می‌کند. اگر دارنده پس از اعتراض عدم تأدیه وجه سفته را از «م» دریافت کند، «م»

- (1) حق مراجعه به «ب» و «ص» را دارد. (2) فقط حق مراجعه به «ب» را دارد.
- (3) فقط حق مراجعه به «ص» را دارد. (4) حق مراجعه به هیچ‌یک را ندارد.

76- «ه» چک صادره در وجه «الف» یا حامل را که فقط دارای ظهرنویسی «ج» در وجه «د» است و چک صادره در وجه «الف» یا به حواله کرد را که فقط امضای ساده «الف» را در پشت داراست به بانک ارائه می دهد. از نظر بانک

(1) «ه» فقط دارنده چک اول محسوب می شود. (2) «ه» فقط دارنده چک دوم محسوب می شود.

(3) «ه» دارنده هر دو چک محسوب می شود. (4) «ه» دارنده هیچ یک از دو چک محسوب نمی شود.

77- مدیر عامل شرکت با تصریح به سمت نمایندگی، چکی را در وجه «الف» تنظیم نموده و ظهر آن را نیز امضا و آن گاه به «الف» تسلیم می کند. امضای مدیر عامل در ظهر،

(1) چک را به چک در وجه حامل تبدیل می کند. (2) وکالت در وصول محسوب می شود.

(3) ضمانت محسوب می شود. (4) فاقد اثر است.

78- هرگاه مدیر عامل یک شرکت تجاری، چکی را به نمایندگی از طرف شرکت صادر نماید

(1) فقط شرکت مسئول است.

(2) مسئولیت مدیرعامل و شرکت، تضامنی است.

(3) فقط مدیرعامل مسئولیت پرداخت را برعهده دارد.

(4) مدیرعامل به همراه هیأت مدیره با شرکت مسئولیت تضامنی دارد.

79- اگر در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد

(1) بانک به شرط مزبور ترتیب اثر می دهد.

(2) دادگاه به شرط مزبور ترتیب اثر نمی دهد.

(3) هم بانک و هم دادگاه به شرط مزبور ترتیب اثر می دهند.

(4) نه بانک و نه دادگاه به شرط مزبور ترتیب اثر نمی دهند.

80- یک بانک با تخلف از قانون صدور چک مبادرت به افتتاح حساب جاری برای شخصی می کند که سابقه

صدور چک های بی محل دارد. چک های صادره از این حساب

(1) فقط از شمول قانون صدور چک خارج هستند.

(2) مطلقاً مشمول قانون تجارت و قانون صدور چک محسوب نمی گردند.

(3) در هر حال مشمول قانون تجارت و قانون صدور چک هستند.

(4) فقط در برابر دارندگان ناآگاه از این امر، چک محسوب می گردند.

81- در مورد مسئولیت صادرکنندگان متعدد سند تجارتي، کدام گزینه صحيح است؟

(1) قانون حکم صريحي ندارد.

(2) قانون صريحاً حکم به مسئوليت تضامني آنها داده است.

(3) قانون صريحاً حکم به مسئوليت اشتراكي صادرکنندگان داده است.

(4) قانون فقط در مورد چک صريحاً حکم به مسئوليت تضامني آنها داده است.

82- موجودی فقط برای یکی از دو چکی که در تاريخهای متفاوت در وجه یک شخص صادر و توأمأً به بانک

ارائه شده کافی است. در این صورت گواهينامه عدم پرداخت برای کدام چک صادر می شود؟

(1) باید برای هر دو گواهينامه کسر موجودی صادر شود.

(2) هر یک که تاخیر صدور آن مقدم است.

(3) هر یک را که صادرکننده تقاضا کند.

(4) هر یک را که دارنده تقاضا کند.

83- «الف» سفته‌ای را در وجه «ب» صادر می کند. در این صورت اثبات این که قرارداد منشأ صدور سفته

باطل است، «الف» را از قید مسئوليت ناشی از سفته در برابر «ب»

(1) رها می کند.

(2) مطلقاً رها نمی کند.

(3) فقط در صورت سوء نیت دارنده، رها می کند.

(4) فقط در صورت تصریح به جهت صدور در متن سفته، رها می کند.

پاسخ سوالات چهارگزینه‌ای

- 1- گزینه (3) صحیح است.
- 2- گزینه (4) صحیح است.
- 3- گزینه (4) صحیح است.
- 4- گزینه (3) صحیح است.
- 5- گزینه (3) صحیح است.
- 6- گزینه (1) صحیح است.
- 7- گزینه (2) صحیح است.
- 8- گزینه (1) صحیح است.
- 9- گزینه (4) صحیح است.
- 10- گزینه (4) صحیح است.
- 11- گزینه (1) صحیح است.
- 12- گزینه (4) صحیح است.
- 13- گزینه (3) صحیح است.
- 14- گزینه (2) صحیح است.
- 15- گزینه (4) صحیح است.
- 16- گزینه (1) صحیح است.
- 17- گزینه (3) صحیح است.
- 18- گزینه (3) صحیح است.

مجموعه تست

1- گزینه «3» - (ساده)

ماده 25 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «روز رؤیت در برواتی که به وعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد.»
و مطابق ماده 244 قانون تجارت «اگر موعد پرداخت برات با تعطیل رسمی مصادف باشد باید روز بعد از تعطیل تأدیه شود.» روز دهم روز جمعه است که موعد تأدیه به شنبه منتقل می‌شود.

2- گزینه «4» - (متوسط)

تمامی امضاءکنندگان برات و سفته در مقابل دارنده برات و سفته مسئولیت تضامنی دارند و وی می‌تواند به هر کدام از آن‌ها که بخواهد رجوع می‌کند، ولی اگر دارنده برات یا سفته به ضامن ظهرنویس مراجعه کند ضامن نیز می‌تواند به مضمون عنه خود رجوع کند. (ماده 249 قانون تجارت)

2- گزینه «4» - (دشوار)

وجه سفته باید در سررسید آن مطالبه شود و اگر ظرف مدت یک سال از تاریخ اعتراض یا انقضای مهلت اعتراض اقامه دعوی نکند فقط حق رجوع به صادرکننده را خواهد داشت (ماده 249 و 280، ماده 309 قانون تجارت)

3- گزینه «3» - (متوسط)

در انتقال سند تجاری صرفاً تضمینات مربوط به تعهد برات منتقل می‌شود.

4- گزینه «3» - (دشوار)

دارنده سند تجاری (سفته) می‌تواند به تمامی مسئولان سند مراجعه کند. مسئولان سفته شخص الف و ج هستند و دارنده نیز سفته را از شخص ج تحویل گرفته است. (ماده 249 قانون تجارت)

5- گزینه «1» - (دشوار)

چک سند در حکم لازم‌الاجرا است و می‌توان برای آن اجرائیه صادر گردد. بنابراین وجه چک را می‌توان مطالبه کرد تنها علیه صادرکننده می‌توان اجرائیه صادر کرد. (ماده 2 قانون صدور چک)

6- گزینه «4» - (دشوار)

چک‌های مسافرتی قابل ظهرنویسی هستند و توسط بانک صادر و در شعب مختلف آن قابل وصول است.

7- گزینه «1» - (دشوار)

دارنده چک باید ظرف مدت 15 روز یا 45 روز وجه چک را مطالبه کند و پس از گذشت این موعد دیگر دعوی او بر علیه

ظهرنویس مسموع نخواهد بود و اگر وجه چک به سببی که مربوط به محال علیه است از بین برود، دعوی دارنده چک بر علیه صادرکننده نیز در دادگاه مسموع نخواهد بود. بنابراین دارنده چک فقط حق رجوع به محال علیه را دارد و چون محال علیه ورشکسته شده است داخل در صف غرماء می‌شود. (ماده 315 قانون تجارت)

8- گزینه «4»- (متوسط)

کسی که وجه چک را دریافت می‌کند باید ظهر آن را امضاء یا مهر نماید اگرچه در وجه حامل باشد. (ماده 316 قانون تجارت)

امضای ظهرچک توسط دارنده به منزله رسید وجه چک است.

9- گزینه «3»- (متوسط)

با نکول برات توسط براتگیر وی از جرگه مسئولان برات خارج شده و دارنده برات می‌تواند از برات‌دهنده و ظهرنویس‌ها تقاضای ضامن کند. (ماده 237 قانون تجارت)

10- گزینه «2»- (متوسط)

منظور از برات بی‌وعده برات به رؤیت است و در آن نیازی به قبول یا نکول نیست و براتگیر یا وجه آن را می‌پردازد یا امتناع می‌کند.

11- گزینه «4»- (دشوار)

بدون ارائه برات، براتگیر هیچ الزامی به پرداخت وجه آن ندارد، در نتیجه اعتراض عدم تأدیه را باید پس از عدم پرداخت وجه برات توسط براتگیر به عمل آورده سپس به مسئولان برات رجوع کرد.

12- گزینه «3»- (دشوار)

تاریخ نکول تاریخ ثبت و اخواست نکول است به همین دلیل باید نکول برات به‌طور رسمی ثبت گردد. ماده 236 قانون تجارت در همین راستا مقرر می‌دارد: «نکول برات باید به موجب تصدیق نامه‌ای رسماً تنظیم می‌شود محقق گردد تصدیق‌نامه مزبور مرسوم است به اعتراض (پروتست) نکول.

13- گزینه «2»- (دشوار)

ضامن فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از وی ضمانت کرده است. بنابراین اگر به دلیلی دارنده برات نتواند به مضمون عنه رجوع کند حق رجوع به ضامن را نیز نخواهد داشت. با از بین رفتن دین ضمانت هم از بین می‌رود. در نتیجه اگر مضمون عنه از دین بری شود ضامن هم بری می‌شود (ماده 249 قانون تجارت)

14- گزینه «1»- (دشوار)

در صورتی که با استفاده از خصیصه در حکم سند لازم‌الاجرا بودن چک نسبت به صدور اجرائیه اقدام شود، تنها مبلغ چک از صادرکننده قابل مطالبه خواهد بود. (ماده 2 قانون صدور چک)

15- گزینه «4» - (متوسط)

چک مسافرتی چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می‌شود.

16- گزینه «1» - (دشوار)

برات به رؤیت باید ظرف مدت یک سال از تاریخ صدور به رؤیت براتگیر رسیده و وجه آن مطالبه شود در غیراین صورت دارنده برات حق رجوع به ظهرنویس و برات‌دهنده‌ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت. (ماده 274 قانون تجارت)

17- گزینه «4» - (متوسط)

پس از رسیدن اجل دین اصلی، دارنده سند یا مضمون له می‌تواند وجه سند یا دین را از ضامن مطالبه کند. (ماده 249 و ماده 405 قانون تجارت)

18- گزینه «3» - (متوسط)

اگر شخص ثالثی بخواهد وجه سند را بپردازد باید این امر را با اذن دارنده سند بپردازد و سند را به عنوان دارنده آن در اختیار بگیرد ولی اگر بدون اجازه و بدون این که دخالت وی در پرداخت در اعتراض نامه قید شود، وجه سند را بپردازد مسئول برات هیچ مسئولیتی در قبال وی نخواهد داشت (ماده 270 قانون تجارت)

19- گزینه «3» - (دشوار)

دارنده برات یا سفته مدت یک سال از تاریخ اعتراض باید علیه ظهرنویسان یا صادرکننده سند اقامه دعوی کند وگرنه حق رجوع خود را نسبت به آنها از دست می‌دهد. (ماده 286 قانون تجارت)

20- گزینه «2» - (متوسط)

برات و چک هر دو متضمن دستور پرداخت هستند و متعهد برات و چک نمی‌توانند در مقابل دارنده به ایرادات رابطه مبنایی استناد کند. برات یک سند عادی است ولی چک سند در حکم لازم‌الاجرا است و هیچ‌کدام سند رسمی نمی‌باشند.

21- گزینه «4» - (دشوار)

با نکول برات توسط براتگیر وی از جرگه مسئولان برات خارج می‌شود.

22- گزینه «1» - (دشوار)

این سؤال دارای ایراد در طراحی است چرا که گزینه 1 و 2 عیناً یک مطلب را بیان می‌کنند. وجود محل به نظر بسیاری از حقوقدانان شرط صحت صدور چک است، چرا که سندی حال است ولی در برات وجود محل شرط صحت صدور آن نیست. از سوی دیگر در چک حتماً لازم نیست نام گیرنده ذکر شود، چرا که امکان صدور آن به صورت حامل وجود دارد.

23- گزینه «3»- (متوسط)

شخص ثالث می‌تواند برات را به نفع برات‌دهنده یا یکی از ظهرنویس‌ها قبول نماید. (ماده 239 ق.ت)

24- گزینه «3»- (متوسط)

مستفاد از ماده 256 قانون تجارت شخصی که وجه برات را قبل از موعد تأدیه نماید، در مقابل اشخاصی که نسبت به وجه برات حق دارند مسئول است.

25- گزینه «3»- (متوسط)

مسئولیت تضامنی امضاءکنندگان برات زمانی مطرح می‌شود که دارندنده به براتگیر رجوع کرده و وی را از پرداخت وجه برات خودداری نماید، در این صورت وی اعتراض عدم تأدیه را به عمل آورده و می‌تواند علیه هر یک از امضاءکنندگان برات اقامه دعوی نماید. (مواد 280 و 286 قانون تجارت)

26- گزینه «3»- (متوسط)

هر یک از ظهرنویسان حق رجوع به ظهرنویسان ماقبل خود و صادرکننده برات را دارد. (ماده 249 قانون تجارت)

27- گزینه «4»- (متوسط)

براتگیر می‌تواند برات را قبول نکند و با قبول برات به عنوان شخص ثالث مبلغ آن را تأدیه کند زیرا ممکن است او میل نداشته باشد که تعهدات سنگین برات شامل او شود و بخواهد تعهد او فقط یک تعهد مدنی باشد.

28- گزینه «3»- (متوسط)

موعد پرداخت برات به وعده از رؤیت به وسیله تاریخ قبولی یا تاریخ واخواست معین می‌شود (ماده 274 قانون تجارت)

29- گزینه «2»- (دشوار)

اگر برات با عدم پرداخت روبه‌رو شود، دارندنده باید اعتراض عدم تأدیه را به‌جا آورده و پس از آن می‌تواند علیه هر یک از سئوالات برات به دلخواه اقامه دعوی نماید (ماده 249 قانون تجارت)

30- گزینه «1»- (دشوار)

تنها مسئول اصلی برات، براتگیر است و دیگر مسئولان برات در صورتی که دارندنده برات شوند حق مراجعه به ظهرنویسان و براتگیر را خواهند داشت. صادرکننده برات اگر به نحوی دارندنده برات شود، می‌تواند به ظهرنویسان و براتگیر مراجعه کند.

31- گزینه «4»- (متوسط)

هرگاه ظهرنویس در ظهرنویسی تاریخ مقدمی را قید کند مزور (مقلب) شناخته می‌شود. (ماده 248 قانون تجارت)

32- گزینه «1»- (متوسط)

ضامن به عنوان یکی از مسئولان برات است و در صورتی که وجه برات را بپردازد دارندنده آن شده و می‌تواند به مضمون

عنه خود و کسانی که مضمون عنه او می‌توانسته رجوع کند، مراجعه نماید. (ماده 249 قانون تجارت)

33- گزینه «2» - (دشوار)

چک سندی عادی است اما قانونگذار به آن خصیصه رسمی داده و آن را در حکم سند لازم‌الاجرا دانسته است. بنابراین مفاد چک بدون حکم دادگاه نیز قابل اجرا است. (ماده 2 قانون صدور چک)

34- گزینه «4» - (متوسط)

صدور برات به دستور و حساب شخص دیگر دلالت بر صدور به وکالت از سوی صادرکننده اعم از این که شخص حقیقی یا حقوقی باشد، می‌باشد.

35- گزینه «1» - (دشوار)

با قبول برات توسط برانگیر وی مسئول براتی شناخته شده و ملزم به تأدیه وجه آن است حتی اگر به صادرکننده مدیون نباشد.

36- گزینه «2» - (متوسط)

امتناع برانگیر از قبول یا رد برات، نکول محسوب می‌شود.

37- گزینه «1» - (متوسط)

برات به وعده باید روز آخر وعده پرداخته شود. (ماده 254 قانون تجارت)

38- گزینه «3» - (متوسط)

برانگیر باید وجه برات را بعد از اخذ سند به دارنده بپردازد وگرنه ممکن است در مقابل اشخاص دیگر مسئول شناخته شود.

39- گزینه «2» - (متوسط)

برات به وعده روز آخر وعده پرداخت می‌شود که آن هم تاریخ 24 اردیبهشت است در ثانی روز رؤیت در برواتی که به وعده از رؤیت است حساب نمی‌شود. (مواد 254 و 255 قانون تجارت)

40- گزینه «1» - (متوسط)

برات به رؤیت همان برات بی‌وعده است و به محض رؤیت باید پرداخت شود.

41- گزینه «2» - (متوسط)

اگر دارنده برات به برات‌دهنده پولی غیر از نوع که در برات معین شده است بدهد و آن برات در نتیجه نکول یا امتناع از قبول یا عدم تأدیه اعتراض شود، دارنده برات می‌تواند از دهنده برات یا انتقال‌دهنده نوع پولی را که داده یا نوع پولی که در برات معین شده مطالبه کند. (ماده 253 قانون تجارت)

42- گزینه «4» - (دشوار)

چک ممکن است در وجه شخص معین صادر شده، ولی متضمن عبارت «یا در وجه حامل» نیز باشد. در این صورت چک در وجه حامل محسوب می‌شود.

43- گزینه «4»- (ساده)

دارنده چک می‌تواند به بانک وکالت دهد که وجه آن را وصول نماید.

44- گزینه «1»- (دشوار)

هرگاه تاجر ورشکسته براتی را صادر کرده که قبول نشده سایر اشخاصی که مسئول تأدیه وجه آن هستند، باید با رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت وجه آن را نقداً بپردازند یا تأدیه آن را در سر وعده تأمین نمایند. (ماده 422 قانون تجارت)

45- گزینه «1»- (متوسط)

در صورتی که در چک مبلغ هم به عدد و هم به حروف نوشته شده باشد مبلغ با حروف معتبر است. (مستفاد از ماده 225 قانون تجارت)

46- گزینه «4»- (دشوار)

واخواست اعتراض باید به همه امضاءکنندگان سفته ابلاغ شود تا بتوان علیه آن‌ها اقامه دعوی کرد.

47- گزینه «1»- (دشوار)

قبولی مشروط برات، در حکم نکول است و می‌توان با انجام دادن اعتراض نکول از برات‌دهنده و مسئولان برات ضامن بخواهد. (ماده 237 قانون تجارت)

48- گزینه «4»- (دشوار)

اگر شخصی که برات را گم کرده اعم از این که قبولی نوشته شده یا نشده باشد، می‌تواند نسخه ثانی یا ثالث یا رابع را تحصیل نماید پس از اثبات این که برات متعلق به اوست می‌تواند با دادن ضامن تأدیه وجه آن را به موجب امر محکمه مطالبه کند. (ماده 263 قانون تجارت)

49- گزینه «3»- (دشوار)

صدور چک ذاتاً تجارتي نیست ولی اگر از طرف تاجر یا برای امور تجارتي صادر شود تبعاً تجارتي محسوب می‌شود. (ماده 314 قانون تجارت)

50- گزینه «3»- (دشوار)

چک در وجه حامل با قبض و اقباض منتقل می‌شود و کسی دارنده آن شناخته می‌شود که چک در دست او باشد. بنابراین در صورت گم شدن چک دارنده آن باید اثبات نماید که چک متعلق به اوست.

51- گزینه «1»- (دشوار)

اگر دارنده برات به رؤیت یا به وعده از رؤیت، آن را ظرف یک سال از تاریخ برات مطالبه نکند حق مراجعه به ظهرنویس‌ها

و برات‌دهنده‌ای که وجه برات را به محال علیه رسانیده است نخواهد داشت. (ماده 274 قانون تجارت)

52- گزینه «4» - (متوسط)

در صورتی که براتگیر برات را به صورت مشروط قبول کند برات نکول شده محسوب می‌شود. (ماده 233 قانون تجارت)

53- گزینه «4» - (متوسط)

اعتراض‌نامه نکول برات باید به همه مسئولان برات ابلاغ شود.

54- گزینه «1» - (متوسط)

شخص ثالث می‌تواند از طرف صادرکننده یا یکی از ظهرنویسان وجه برات را پرداخت کند. (ماده 270 قانون تجارت)

55- گزینه «3» - (دشوار)

مزایای اسناد تجاری عبارتند از: اصل عدم امکان استناد به ایرادات، امکان تأمین خواسته بدون تودیع خسارات احتمالی، مسئولیت تضامنی صادرکننده و ظهرنویس.

56- گزینه «1» - (دشوار)

با قبول مشروط برات توسط براتگیر، برات نکول شده محسوب می‌شود ولی با تحقق شرط براتگیر به همراه سایر امضاءکنندگان مسئول برات محسوب می‌شوند.

57- گزینه «2» - (دشوار)

اگر چک در وجه شخص معین باشد با امضای دارنده به دیگری منتقل می‌شود.

58- گزینه «3» - (دشوار)

در صورتی که قبولی برات بدون تاریخ نوشته شود تاریخ صدور برات تاریخ قبولی محسوب می‌شود. (ماده 228 قانون تجارت)

59- گزینه «2» - (دشوار)

هرگاه برات نکول شود دارنده آن می‌تواند از مسئولان برات تقاضای ضامن کند و اگر آن‌ها از دادن ضامن خودداری کنند دین مؤجل به دین حال تبدیل می‌شود. (ماده 237 قانون تجارت)

60- گزینه «1» - (متوسط)

برات‌های به رؤیت و به وعده از رؤیت باید ظرف مدت یک‌سال از تاریخ برات مطالبه شوند. (ماده 274 قانون تجارت)

61- گزینه «4» - (دشوار)

محل صدور برات از شرایط شکلی اعتبار برات محسوب نمی‌شود. (ماده 223 قانون تجارت)

62- گزینه «3» - (دشوار)

چکی که برعهده غیربانک صادر می‌شود طبق قانون تجارت محسوب می‌شود اما مشمول قانون صدور چک نمی‌باشد

چون طبق قانون صدور چک محال علیه حتماً باید بانک باشد.

63- گزینه «1»- (دشوار)

تنها کسانی در سند در وجه حامل مسئول شناخته می‌شوند که آن را امضاء کرده و ردیابی از خود در سند به‌جا گذاشته باشند.

64- گزینه «3»- (ساده)

در برات سه شخص دخالت دارند. شخصی به عنوان صادرکننده است که این برات را عموماً برعهده شخصی که از وی طلبکار است صادر می‌کند که به وی براتگیر یا محال علیه گفته می‌شود و شخص دیگری نیز به عنوان دارنده برات دخالت دارد که وجه برات را معمولاً از براتگیر وصول می‌نماید.

65- گزینه «4»- (متوسط)

ضامن فقط حق مراجعه به کسی را دارد که از وی ضمانت کرده است در مثال مذکور چک توسط شخص «ض» ضمانت شده ولی مضمون عنه وی «الف» بوده است و از سوی دیگر ضامن حق مراجعه به ایادی ما قبل خود را دارد نه ایادی مابعد. به عبارت دیگر ضامن با پرداخت وجه چک دارنده آن شده و می‌تواند به ایادی ما قبل خود رجوع کند نه ایادی مابعد چون با مراجعه به ایادی مابعد دور ایجاد می‌شود.

66- گزینه «2»- (متوسط)

چک تأیید شده چکی است که اشخاص عهده بانک‌ها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تأیید می‌شود. در این صورت کاملاً معلوم است که فقط بانک مسئول پرداخت چک است. (ماده 1 قانون صدور چک)

67- گزینه «1»- (متوسط)

چکی که بدون مبلغ صادر شده است متضمن این معنی است که صادرکننده به دارنده وکالت داده است تا مفاد چک توسط دارنده تکمیل گردد چنین سندی چک محسوب می‌شود.

68- گزینه «2»- (متوسط)

اگر فقط یک امضاء بدون ذکر نام و بدون ذکر ضمانت یا امر دیگری باشد این امضاء دلیل بر ظهرنویسی خواهد بود.

69- گزینه «1»- (متوسط)

ظهرنویسی با امضای انتقال‌دهنده در ظهر آن منتقل می‌شود و انتقال گیرنده نیز می‌تواند بدون این که ردیابی از خویش در ظهر سند به‌جا گذارد آن را به دیگری تسلیم می‌کند و به عبارت دیگر از چرخه مسئولان برات یا سفته یا چک (اسناد تجاری) خارج می‌شود.

70- گزینه «3»- (متوسط)

اسناد تجاری از رابطه مبنایی جدا هستند به عبارت دیگر شخصی به اعتبار این که سندی را امضاء کرده ملزم به مفاد آن

است و نمی‌تواند به استناد به این که چون این سند را عنوان معامله‌ای صادر کرده است که بطلان آن معامله ثابت شده است، از ایفای مفاد تعهد سند سرباز زند. اما این استناد در مقابل کسی که طرف معامله بوده و سند را بابت آن دریافت کرده است معتبر خواهد بود. در مثال مذکور نیز صادرکننده سفته می‌تواند از ایفای تعهد خود در مقابل «ب» سر باز زند ولی در مقابل شخص «ج» نمی‌تواند به آن استناد کند.

71- گزینه «3» - (دشوار)

«الف» سفته را با مبلغ 100 ریال صادر کرده است و به همین اندازه مسئولیت دارد و شخصی که با تزویر مبلغ آن را افزایش می‌دهد در مقابل اشخاص دیگر مسئول خواهد بود.

72- گزینه «1» - (متوسط)

با عنایت به «آیین‌نامه نحوه‌ی اجرای اسناد رسمی لازم‌الاجرا و طرز رسیدگی به شکایت از عملیات اجرایی» چنانچه دارنده‌ی چک برای وصول مبلغ مندرج در آن از طریق اجرای ثبت اقدام نماید این مبلغ از صادرکننده قابل وصول است.

73- گزینه «2» - (متوسط)

براساس ماده 250 آیین‌نامه اجرای مفاد اسناد رسمی لازم‌الاجرا «اگر عدم پرداخت وجه چک به علت عدم مطابقت امضای ذیل چک با امضای کسی که حق صدور چک را دارد، باشد در اداره ثبت اجرائیه صادر نخواهد شد.»

74- گزینه «1» - (متوسط)

با عنایت به این که «م» ضامن پرداخت سفته است، در واقع مسئولیت وی مسئولیت اصلی در سند تجاری محسوب نمی‌شود بلکه مسئولیت فرعی است بنابراین «م» به عنوان ضامن حق مراجعه به «ص» به عنوان ظهرنویس سفته و «ب» به عنوان صادرکننده در مدیون اصلی سفته را خواهد داشت.

75- گزینه «3» - (متوسط)

در مورد چک دوم، چک در وجه الف صادر شده و الف ظهر آن را امضاء نموده یعنی در وجه حامل ظهرنویسی کرده پس ارائه‌کننده چنین چکی دارنده آن محسوب می‌شود، چک اول نیز چون در وجه الف یا حامل است بنابراین در هر حال ارائه‌دهنده‌ی آن به عنوان حامل چک محسوب شده و دارنده به حساب می‌آید.

76- گزینه «3» - (متوسط)

امضاء ظهر چک اگر قابل انتساب به دارنده‌ی سابق چک باشد اصولاً به عنوان ظهرنویسی تلقی می‌شود لکن اگر قابل انتساب به دارنده‌ی سابق چک نباشد یقیناً و حتماً ضمانت محسوب می‌شود. زیرا ظهرنویسی عملی است که فقط دارنده‌ی چک می‌تواند انجام دهد. بنابراین چون مدیرعامل دارنده چک محسوب نمی‌شود لذا امضاء وی ظهر چک فقط به عنوان ضمانت قابل تعبیر است.

77- گزینه «2» - (متوسط)

با توجه به ماده 18 قانون صدور چک که مقرر داشته: «در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادرکننده چک و صاحب حساب متضامناً مسئول پرداخت وجه چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان براساس تضامن علیه هر دو صادر می‌شود...». لذا گزینه «2» صحیح است.

78- گزینه «2» - (متوسط)

به موجب ماده 2 قانون صدور چک: «... هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد، بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد.» ولی در عین حال دلیلی وجود ندارد چنانچه شرطی در متن چک قید شده باشد در صورت طرح در دادگاه، دادگاه به آن ترتیب اثر ندهد. بنابراین گزینه «2» صحیح است.

79- گزینه «3» - (متوسط)

عدم رعایت شرایط قانونی افتتاح حساب جاری نه از موجبات عدم شمول مقررات قانون تجارت نسبت به چک‌های صادره از چنین حسابی است و نه از موجبات عدم شمول قانون صدور چک. بنابراین چکهایی که از چنین حساب جاری صادر می‌گردد در هر حال مشمول مقررات هر دو قانون بوده و لذا گزینه «3» صحیح است.

80- گزینه «1» - (متوسط)

با وجود به مقررات قانونی مندرج در قانون تجارت در باب چهارم ذیل عنوان برات، فته طلب و چک، قانون حکم صریحی در باب نسبی بودن یا تضامنی بودن مسئولیت صادرکنندگان متعدد سند تجاری ندارد. لذا گزینه «1» صحیح است.

81- گزینه «4» - (متوسط)

سرنوشت چک از جهت ارائه به بانک محال علیه و تقاضای صدور گواهی عدم پرداخت برای آن یا صرف نظر کردن از این تقاضا و نیز تقاضای پرداخت وجه آن، کلاً بسته به خواست و اراده دارنده چک است. این اختیار به راحتی از ماده 4 قانون صدور چک قابل استنباط است. لذا گزینه «4» صحیح است.

82- گزینه «1» - (متوسط)

اگرچه مستنداً به اصل عدم توجه به ایرادات، ایرادات راجع به قرارداد منشأ صدور اسناد تجاری، نمی‌تواند این اسناد را تحت تأثیر قرار دهد، ولی به‌طور استثناء این ایرادات در مقابل ید مستقیم (اولین دارنده سند تجاری) همواره قابل استناد است. بنابراین از آن جا که قرارداد منشأ بین «الف» و «ب» منعقد شده و «ب» اولین دارنده سفته است، «الف» می‌تواند فقط در مقابل او به این ایراد استناد نموده و از مسئولیت رها شود. لذا گزینه «1» صحیح است.

- دلالی:

الف - تعریف:

دلال کسی است که طرفین معامله را به یکدیگر نزدیک و معرفی نموده و شرایط و خصوصیات معامله را برای طرفین تشریح کرده و سعی می‌کند با تطبیق منافع طرفین، معامله را جوش دهد و بعضی اوقات در تنظیم سند معامله نیز همکاری می‌نماید. ماده 335 قانون تجارت دلال را بشرح زیر تعریف می‌کند: « دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید. « طرف معامله پیدا می‌کند. اصولاً قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است. »

طبق بند 3 ماده 2 قانون تجارت هر قسم عملیات دلالی تجارتي محسوب می‌شود و دلال تاجر شناخته می‌شود. چون شناسایی طرف معامله کار آسانی نیست و تاجر مخصوصاً در مواردی که آشنایی به وضع محل نداشته باشند و خارجی باشند باید وقت زیادی را صرف پیدا کردن طرف معامله نمایند، ترجیح می‌دهند به اشخاصی که کارشان واسطه معاملات است مراجعه کرده و یا پرداخت مبلغ مختصری بعنوان حق دلالی مشتریان معتبر پیدا کنند. به این جهت در گذشته که وسایل نشر اطلاعات و تبلیغات مانند زمان حاضر وجود نداشت و شغل دلالی اهمیت زیادی داشت، در بعضی از کشورها شغل دلالی جنبه رسمی و دولتی داشت.

ب - وظایف و مسئولیت دلال:

دلالی شغلی است آزاد و طبق بند 3 ماده 2 قانون تجارت دلال تاجر شناخته می‌شود. دلال در شغل خود استقلال دارد و به هیچوجه سمت نمایندگی یا حق‌العمل کاری را ندارد، ولی در عمل ممکن است شغل دلالی با نمایندگی یا حق‌العمل کاری توأم شود و قانون به هیچ وجه مداخله دلال را بعنوان نماینده یا حق‌العمل کاری منع ننموده است.

- وظایف دلال طبق قانون تجارت بشرح زیر می‌باشد:

1- طبق ماده 337 قانون تجارت: « دلال باید در نهایت صحت و از روی صداقت طرفین معامله را از جزئیات راجعه به معامله مطلع سازد ولو اینکه دلالی را فقط برای یکی از طرفین بکند. دلال در مقابل هر یک از طرفین مسئول تقلب و تقصیرات خویش می‌باشد. « بطوریکه ملاحظه می‌شود وظیفه دلال تشریح جزئیات راجع به معامله می‌باشد و اگر جزئیات معامله را از روی صحت و صداقت برای طرفین تشریح نمود و آنان را به یکدیگر معرفی کرد، دیگر مسئولیتی راجع به خوبی و بدی جنس یا اعتبار طرفین معامله ندارد. زیرا ماده 343 قانون تجارت تصریح می‌کند که: « دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می‌کند و ضامن اجرای معاملاتی که به توسط او می‌شود، نیست. » و ماده 344 اضافه می‌کند: « دلال در خصوص ارزش یا جنس مال‌التجاره‌ای که مورد معامله بوده مسئول نیست، مگر اینکه ثابت شود تقصیر از جانب او بوده. »

2- **وظیفه مهم دلال معرفی طرفین معامله به یکدیگر است.** بنابراین دلال باید هویت طرفین معامله را تصدیق کند و مسئول صحت این معرفی است. ماده 342 قانون تجارت تصریح می‌کند: «هرگاه معامله بتوسط دلال واقع و نوشتجات و اسنادی راجع به آن معامله بین طرفین بتوسط او رد و بدل شود، در صورتیکه امضاءها راجع به اشخاصی باشد که بتوسط او معامله را کرده اند، دلال ضامن صحت و اعتبار امضاءهای نوشتجات و اسناد مزبور است.»

3- **وظیفه دلال معرفی طرفین معامله به یکدیگر است و چون به وکالت و نمایندگی از طرف اصحاب معامله انجام وظیفه می‌کند، باید در معامله بی طرف باشد و چنانچه دلالی را فقط برای یک طرف انجام دهد یا اینکه یکی از طرفین اختیارات مخصوصی به او داده شده باشد، باید طرف دیگر معامله را از این اختیارات مطلع سازد و طبق ماده 338 قانون تجارت: «دلال نمی‌تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تادیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را بموقع اجرا گذارده، مگر اینکه اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.»**

ماده 341 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «دلال می‌تواند در زمان واحد برای چند آمر در یک رشته یا رشته‌های مختلف دلالی کند، ولی در اینصورت باید آمرین را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود، مطلع نماید.»

4- **دلال نسبت به طرفین معامله امین محسوب می‌شود و در صورتیکه نسبت به شرایط معامله بین آنان اختلاف حاصل شود، باید بتواند با بی طرفی شرایط معامله را تشریح کند.** به این جهت ماده 340 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «در موردی که فروش از روی نمونه باشد، دلال باید نمونه مال‌التجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد، مگر اینکه طرفین معامله او را از این قید معاف دارند.»

معمولاً نمونه‌های مال‌التجاره لاک و مهر می‌شود که بعداً درباره آن اختلافی حاصل نشود، به همین جهت طبق ماده 339 قانون تجارت: «دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده، مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیاء یا اسناد مزبوره مربوط به شخص او نبوده است.»

5- بطوریکه در بالا گفته شد دلال ضامن اعتبار طرفین معامله و خصوصیات جنس نیست، ولی در بعضی موارد که طرفین معامله با یکدیگر آشنایی ندارند، ممکن است از دلال بخواهند تعهدات طرف دیگر را نیز ضمانت نماید. به این جهت ماده 345 قانون تجارت مقرر می‌دارد که: «هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نمود، دلال ضامن است.»

6- اصولاً دلال شخصاً نفعی در معامله که می‌شود ندارد و طرف معامله قرار نمی‌گیرد، ولی چون قانون تجارت دلال را منع ننموده است از اینکه تجارت دیگری نیز غیر از دلالی بنماید، اتفاق می‌افتد که دلال مال مورد معامله را شخصاً حاضر داشته باشد، در اینصورت دیگر موضوع دلالی از بین می‌رود و دلال نمی‌تواند با بی طرفی اقدام کند و چنانچه طرف دیگر از این موضوع مطلع شود، دقت زیادتری در معامله می‌نماید. به این جهت ماده 346 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «در

صورتیکه دلال در نفس معامله منتفع یا سهیم باشد، باید به طرفی که این نکته را نمی‌داند اطلاع دهد والا مسئول خسارات وارده بوده و بعلاوه به پانصد تا 3 هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. «
و ماده 347 اضافه می‌کند: «در صورتیکه دلال در معامله سهیم باشد، با آمر خود متضامناً مسئول اجرای تعهد خواهد بود.

7- دلال چون تاجر محسوب می‌شود، مانند کلیه تجار باید دارای دفاتر تجارتي قانونی که در ماده 6 قانون تجارت تصریح شده است، ولی دلالی واسطه معامله می‌باشد، برای آنکه در صورت اختلاف طرفین معامله بتواند به مدارک دلال مراجعه نمایند، قانون دلال را موظف به نگاهداری دفاتر دیگری نموده است.

8- دلال موظف است دقت کند که معامله‌ای که انجام می‌گیرد، بر خلاف قوانین و از معاملات ممنوعه نباشد و دلال نمی‌تواند به اعتبار اینکه مسئول خصوصیات جنس مورد معامله نیست، واسطه چنین معاملاتی گردد. این موضوع صراحتاً در قانون راجع به دلالات ذکر نشده است، زیرا تابع اصل و قواعد کلی است و کسانی که در معاملات ممنوعه به نحوی از انحاء شرکت نمایند یا معامله را تسهیل نمایند، شریک جرم محسوب می‌گردند و طبق قوانین جزایی قابل تعقیب می‌باشند. با وجود این در قانون تجارت و آیین نامه دلالات بازرگانی بشرح زیر مواردی پیش بینی شده است:

ماده 353 قانون تجارت: «دلالتی معاملات ممنوعه اجرت ندارد. «

ماده 13 آیین نامه دلالات بازرگانی: «دلالات موظف هستند، در صورتیکه برای کالایی از طرف دولت نرخ رسمی معین شود، در معاملات خود نرخ دولتی را رعایت نمایند. «

ماده 12 آیین نامه دلالات بازرگانی: «دلال نباید واسطه دلالتی برای صدور کالاهای مورد نیاز عمومی که ممنوع الصدور تشخیص داده شده بشود. «

ج - حقوق و اجرت دلال:

دلال تاجر محسوب می‌شود و کلیه معاملات او تابع مقررات حقوق تجارت است، حتی اگر معاملاتی که واسطه انجام آن می‌شود، اصولاً دلال در شغل خود آزادی عمل دارد و قانون دلال را از اینکه تجارت دیگری هم داشته باشد منع نمی‌کند، بنابراین دلال می‌تواند علاوه بر شغل دلالی تجارت دیگری نیز داشته باشد، اغلب دلال‌ها به حق‌العمل کاری نیز مبادرت می‌نمایند. قانون تجارت و قانون راجع به دلالات نیز در چند مورد حق دلال را درباره اشتغال به عملیات دیگر تصریح می‌نماید. بنا به مراتب بالا طبق مقررات حقوق تجارت و قانون راجع به دلالات حقوق دلالات را می‌توان بشرح زیر خلاصه نمود:

1- دلال می‌تواند علاوه بر شغل دلالی اشتغال دیگری داشته باشد.

2- دلال می‌تواند در معاملاتی که واسطه می‌باشد و عنوان دلال دارد، ذینفع باشد. در اینصورت طبق ماده 346 قانون تجارت مراتب را باید بطرفی که این نکته را نمی‌داند، اطلاع دهد والا مسئول خسارات وارده خواهد بود.

3- دلال در خصوص فروش جنس یا درباره اعتبار طرفین معامله مسئولیتی ندارد، ولی می‌تواند ارزش جنس و اعتبار یکی از طرفین معامله یا اعتبار طرفین معامله را شخصاً تضمین نماید و در اینصورت دلال ضامن خواهد بود.

4- طبق ماده 341 قانون تجارت: « دلال می‌تواند در زمان واحد برای چند امر در یک رشته یا رشته‌های مختلف دلالی کند، ولی در اینصورت باید آمرین را از این ترتیب و امور دیگری که ممکن است موجب تغییر رأی آنها شود مطلع نماید. »

5- دلال حق دارد در مقابل عملی که انجام می‌دهد، مطالبه حق الزحمه نماید و ماده 348 قانون تجارت بشرح زیر تایید می‌کند: « دلال نمی‌تواند حق دلالی را مطالبه کند، مگر در صورتیکه معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد. » بنابراین دلال می‌تواند در صورتیکه معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد، حق دلالی مطالبه کند. باید توضیح داده شود که قانون تجارت تصریح می‌کند، در صورتیکه معامله تمام شده باشد، بنابراین اگر معامله انجام نشود، دلال مستحق دریافت اجرت نیست، گرچه فعالیت زیادی برای آن کرده باشد. در معاملات مشروط به شرط تعلیقی طبق ماده 350 قانون تجارت دلال پس از حصول شرط مستحق دریافت اجرت می‌باشد و اگر شرط حاصل نشود چون معامله انجام نگرفته است، دلال مستحق اجرت نخواهد بود.

به محض آنکه معامله انجام گرفت، دلال استحقاق دریافت اجرت را دارد، حتی اگر معامله بعداً فسخ شود. ماده 352 قانون تجارت مقرر می‌دارد: « در صورتیکه معامله به رضایت طرفین یا بواسطه یکی از خيارات قانونی فسخ بشود، حق مطالبه دلالی را از دلال سلب نمی‌شود، مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد. »

مخارج و هزینه دلال - اصولاً هزینه‌های دلال بر عهده خود اوست و دلال فقط مستحق حق الزحمه دلالی است، آن هم در صورتیکه معامله به وساطت او انجام گرفته باشد، ولی بعضی اوقات ممکن است به دستور آمر دلال مجبور به مخارجی شود که از حد معمول و متعارف تجاوز کند، بنابراین چون طبق دستور آمر این مخارج صورت گرفته است، دستور دهنده مسئول پرداخت آن می‌باشد. به این جهت ماده 351 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اگر شرط شده باشد، مخارجی که دلال می‌کند به او داده شود، دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سر نگیرد. همین ترتیب در موردی نیز جاری است که صرفاً عرف تجارتي محل به پرداخت مخارجی که دلال کرده، حکم کند. »

نکات مهم مبحث دلالی:

1- دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می‌خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می‌کند.

2- قرارداد دلالی تابع مقررات راجع به وکالت است.

3- دلال نمی‌تواند عوض یکی از طرفین معامله قبض وجه یا تادیه دین نماید و یا آنکه تعهدات آنها را به موقع اجرا گذارد مگر آنکه اجازه مخصوصی داشته باشد.

4- دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معاملات به او داده شده مگر اینکه ثابت نماید که ضایع یا تلف

شدن اشیاء یا اسناد مزبور مربوط به شخص او نبوده است.

5- در موردیکه فروش از روی نمونه است دلال باید نمونه مالالتجاره را تا موقع ختم معامله نگاه بدارد.

6- دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آنها دلالی می کند نیست.

7- دلال ضامن اجرای معاملاتی که توسط او می شود نیست.

8- هرگاه طرفین معامله یا یکی از آنها به اعتبار تعهد شخص دلال معامله نماید دلال ضامن معامله است.

9- دلال نمی تواند حق دلالی را مطالبه نماید مگر در صورتیکه معامله به راهنمایی یا وساطت او تمام شده باشد.

10- هرگاه معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد دلال پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.

11- اگر شرط شده باشد مخارجی که دلال می کند به او داده شود دلال مستحق اخذ مخارج خواهد بود ولو آنکه معامله سر نگیرد.

12- در صورتیکه معامله به رضایت طرفین یا به واسطه یکی از اختیارات قانونی فسخ شود حق مطالبه دلالی را از دلال سلب نمی شود مشروط بر اینکه فسخ معامله مستند به دلال نباشد.

13- دلالی معاملات ممنوعه اجرت ندارد.

14- هر دلال باید دفتری داشته باشد و کلیه معاملاتی را که به دلالی او انجام گرفته در آن ذکر شود.

15- دفتر دلالی تابع کلیه مقررات راجع به دفاتر تجاری است.

مجموعه تست

1- قرارداد دلالی:

(1) جایز است

(2) لازم است

(3) فقط از سوی دلال جایز است

(4) فقط از سوی آمر جایز است.

2- کدام عبارت صحیح است؟

(1) دلال ضامن اجرای معاملاتی است که به توسط او انجام می شود

(2) دلال ضامن اعتبار اشخاصی است که برای آنها دلالی می کند.

(3) دلال ضامن اعتبار اشخاصی است که برای آنها دلالی می کند و ضامن اجرای معاملاتی مه به توسط او انجام می شود، نیست.

(4) دلال ضامن اعتبار اشخاصی است که برای آنها دلالی می کند ولی ضامن اجرای معاملاتی که به توسط او انجام می شود، نیست.

3- از نظر قانون تجارت، کدام گزینه در مورد دلالی درست است؟

(1) دلالی ماهیتا نمایندگی محسوب نمی شود

(2) دلالی یک نوع حق العمل کاری است.

(3) دلالی ماهیتا نوعی نمایندگی است و تابع مقررات قانون تجارت است.

(4) دلالی ماهیتا نوعی نمایندگی است و تابع مقررات عقد وکالت قانون مدنی است.

مجموع تست

1- قرارداد دلالی

- (1) جایز است.
 - (2) لازم است.
 - (3) فقط از سوی دلال جایز است.
 - (4) فقط از سوی آمر جایز است.
- 2- دلال در مورد اشیاء و اسنادی که در ضمن معاملات به او داده شده
(1) مسئول نیست، در صورتی که ثابت نماید تلف شدن مربوط به او نبوده است.
(2) امین محسوب می شود.
(3) مسئول است.
(4) مسئول نیست.

3- هرگاه معامله با وساطت دلال انجام می شود و این معامله مشروط به شرط تعلیقی باشد در این صورت

دلال در چه زمانی استحقاق دریافت اجرت خود را دارد؟

- (1) با وقوع معامله مستحق دریافت اجرت می باشد.
- (2) پس از حصول شرط مستحق اجرت خواهد بود.
- (3) چنانچه تا یک سال شرط حاصل نشود دلال مستحق دریافت اجرت خود می باشد.
- (4) دلال مستحق اجرت نمی باشد.

4- از نظر قانون تجارت، کدام گزینه در مورد دلالی درست است؟

- (1) دلالی ماهیتاً نمایندگی محسوب نمی شود.
 - (2) دلالی یک نوع حق العمل کاری است.
 - (3) دلالی ماهیتاً نوعی نمایندگی است و تابع مقررات قانون تجارت است.
 - (4) دلالی ماهیتاً نوعی نمایندگی است و تابع مقررات عقد وکالت قانون مدنی است.
- 5- دلال حق دارد مخارجی را که برای انجام معامله متحمل شده است مطالبه کند، مشروط بر این که:
(1) معامله انجام شده باشد.
(2) هر دو طرف معامله حاضر به پرداخت باشند.
(3) در قرارداد استحقاق مطالبه آن شرط شده باشد. (4) حق الزحمه دلال در قرارداد پیش بینی شده باشد.

6- به موجب ماده 348 قانون تجارت، دلال وقتی مستحق اجرت می شود که نتیجه مورد نظر، یعنی انجام معامله به وساطت او محقق گردیده باشد، بدین ترتیب قرارداد دلالی با کدام یک از عقود معین شده در قانون مدنی بیشترین انطباق را دارد؟

(1) اجاره اشخاص (2) بیع (3) جعاله (4) مضاربه

7- ماده 344 قانون تجارت مقرر می دارد: دلال در خصوص ارزش یا جنس مال التجاره ای که مورد معامله بوده مسئول نیست، مگر این که ثابت شود تقصیر از جانب او بوده است. بنابراین دلال در مورد ارزش یا جنس مال التجاره:

(1) در صورت خروج از حدود متعارف مسئولیت دارد.

(2) فقط در صورت دارا بودن سوء نیت مسئول است.

(3) مطلقاً مسئولیت ندارد.

(4) مطلقاً مسئول است.

8- اگر دلال در معامله سهیم باشد، مسئولیت اجرای تعهد به عهده است:

(1) دلال و آمر به نحو ضامن (2) دلال

(3) دلال و آمر به نسبت (4) دلال و آمر بالتساوی

9- با توجه به ماده 343 قانون تجارت که مقرر می دارد، دلال ضامن اعتبار اشخاصی که برای آن ها دلالی می کند و ضامن اجرای معاملاتی که توسط او انجام می شود نیست، شرط ضامن بودن دلال:

(1) در هر دو مورد صحیح است. (2) در هر دو مورد باطل است.

(3) فقط در مورد اعتبار طرف معامله صحیح است. (4) فقط در مورد اجرای معامله صحیح است.

10- دلالی برخلاف دستور آمر به جای یافتن طرف معامله، کالا را به نام خود و به حساب آمر می فروشد، در این صورت دلال:

(1) فقط مستحق حق العمل است.

(2) فقط مستحق حق دلالی است.

(3) مستحق حق دلالی و حق العمل نیست.

(4) مستحق حق العمل یا حق دلالی (هر کدام که کم تر است) می باشد.

11- آمر در ضمن معامله، مالی را در اختیار دلال قرار می‌دهد و هنگام مطالبه، دلال مدعی می‌شود مال مذکور به دلیلی که مربوط به او نیست، تلف شده است. در دعوی آمر بر دلال دادگاه چه تصمیمی اتخاذ می‌کند؟

- 1) دلال را مسئول نمی‌داند مگر این‌که آمر تعدی و تفریط وی را ثابت کند.
- 2) دلال را در صورتی که نتواند ثابت کند که تلف مستند به وی نیست، مسئول می‌داند.
- 3) دلال را فقط در صورتی مسئول نمی‌داند که استناد تلف به فعل آمر را ثابت کند.
- 4) دلال را فقط در صورتی مسئول نمی‌داند که ثابت کند قوه قاهره سبب تلف شده است.

12- نداشتن پروانه مانع از حکومت مقررات

- 1) حق‌العمل‌کاری قانون تجارت نیست اما دلال را از شمول مقررات دلالی خارج می‌کند.
- 2) دلالی قانون تجارت نیست اما حق‌العمل‌کار را از شمول مقررات حق‌العمل‌کاری خارج می‌کند.
- 3) دلالی و حق‌العمل‌کاری قانون تجارت است.
- 4) دلالی و حق‌العمل‌کاری قانون تجارت نیست.

13- قرارداد اجاره به وساطت دلال منعقد می‌گردد، در این صورت طبق قانون تجارت

- 1) فقط دریافت مال‌الاجاره توسط دلال منوط به اجازه است.
- 2) فقط تحویل عین مستأجره توسط دلال منوط به اجازه است.
- 3) تحویل عین مستأجره و دریافت مال‌الاجاره توسط دلال منوط به اجازه است.
- 4) تحویل عین مستأجره و دریافت مال‌الاجاره توسط دلال منوط به اجازه نیست.

14- یک شخص حقوقی به عنوان کارگزار سهام، اوراق بهادار را برای دیگران و به حساب آن‌ها معامله می‌کند، چنین شخصی

- 1) دلال محسوب می‌شود.
- 2) حق‌العمل‌کار محسوب می‌شود.
- 3) دلال و حق‌العمل‌کار محسوب می‌شود.
- 4) دلال و حق‌العمل‌کار محسوب نمی‌شود.

پاسخنامه

1- گزینه (1) صحیح است.

2- گزینه (3) صحیح است.

3- گزینه (1) صحیح است.

پاسخنامه

1- گزینه «1» - (دشوار)

قرارداد دلالی تابع مقررات مربوط به وکالت است و به همین دلیل قراردادی جایز است.

2- گزینه «1» - (دشوار)

دلال مسئول تمام اشیاء و اسنادی است که در ضمن معامله به وی داده شده است مگر این که ثابت کند که تلف شدن مربوط به او نبوده است. (ماده 339 قانون تجارت)

3- گزینه «2» - (دشوار)

اگر معامله مشروط به شرط باشد دلال پس از تحقق شرط مستحق اجرت خواهد بود. (ماده 350 قانون تجارت)

4- گزینه «1» - (دشوار)

دلالی تابع مقررات وکالت بوده و قراردادی جایز و مستقل است و ماهیتاً نمایندگی محسوب نمی‌شود.

5- گزینه «3» - (متوسط)

دلال در صورتی مستحق مطالبه مخارجی که برای معامله نموده است خواهد بود که این امر در قرارداد شرط شده باشد. (ماده 351 قانون تجارت)

6- گزینه «3» - (دشوار)

جعله وقتی شخص مستحق جعل (اجرت) است که آن چه را که مورد توافق است را انجام داده باشد.

7- گزینه «1» - (متوسط)

برای تحقق مسئولیت دلال در مورد جنس یا ارزش مال التجاره وجود تقصیر او ضروری است.

8- گزینه «1» - (متوسط)

اگر دلال در معامله سهیم باشد مسئولیت اجرای تعهد بر عهده آمر و دلال به نحو تضامنی خواهد بود. (ماده 347 قانون تجارت)

9- گزینه «1» - (متوسط)

دلال ضامن اعتبار اشخاص و ضامن اجرای معامله نیست ولی اگر چنین تعهدی را قبول کند یا چنین شرطی بر وی شده باشند که ضامن اعتبار طرف معامله یا ضامن اجرای معامله باشد چنین شرطی صحیح خواهد بود.

10- گزینه «3» - (دشوار)

در صورتی که دلال به جای پیدا کردن طرف معامله، کالا را به نام خودش و به حساب آمر به فروش رساند از حدود دلالی خارج شده و وارد در حق العمل کاری می شود که خارج از حدود وکالتش است. بنابراین حق مطالبه حق العمل را ندارد و از سوی دیگر دلال معامله را به عنوان دلالی انجام نداده است. بنابراین حق مطالبه حق دلالی را نخواهد داشت.

11- گزینه «2» - (متوسط)

با عنایت به ماده 339 قانون تجارت که دلال را مسئول تمام اشیاء و اسنادی می داند که در ضمن معامله به او داده شده است، مگر این که ثابت نماید تلف یا ضایع شدن آن اشیاء یا اسناد مربوط به او نبوده است.

12- گزینه «4» - (متوسط)

نداشتن پروانه حق العمل کاری یا دلالی عملاً یک تخلف صنفی محسوب می شود و از حیث مقررات قانونی آثار و تبعاتی را برای متخلف به همراه دارد لکن به هیچ وجه باعث عدم تسری الزامات قانونی حق العمل کاران و دلالان که در قانون تجارت برای آنها تصریح شده، نمی باشد.

13- گزینه «3» - (متوسط)

با توجه به ماده 338 قانون تجارت که مقرر می دارد: «دلال نمی تواند عوض یکی از طرفین معامله، قبض وجه یا تأدیه دین نماید و یا آن که تعهدات آنها را به موقع اجرا گذارد مگر این که اجازه نامه مخصوصی داشته باشد.» لذا گزینه «3» صحیح است.

14- گزینه «4» - (متوسط)

به موجب ماده 335 قانون تجارت: «دلال کسی است که در مقابل اجرت واسطه انجام معاملاتی شده یا برای کسی که می خواهد معاملاتی نماید طرف معامله پیدا می کند» و به موجب ماده 357 همان قانون «حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می دارد» بنابراین هیچ یک از این تعاریفات منطبق با ماهیت و صورت اقداماتی که توسط کارگزاران بورس انجام می شود نیست. لذا گزینه «4» صحیح است.

- حق العمل کاری

الف - تعریف:

حق العمل کارتاجریست که معاملاتی بنام خود، ولی به حساب دیگران می‌کند. ماده 357 قانون تجارت، حق العمل کار را بشرح زیر تعریف می‌کند: «حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری (آمر) معاملاتی کرده و در مقابل حق‌العمرلی دریافت می‌دارد.» و ماده 358 قانون تجارت تصریح می‌کند که: «جز در مواردی که به موجب مواد ذیل استثناء شده، مقررات راجعه به وکالت در حق‌العمرل کاری نیز رعایت خواهد شد.» ولی باید توجه داشت که حق‌العمرل کاری با نمایندگی و وکالت تفاوت زیادی دارد، زیرا در نمایندگی عادی یا وکالت نماینده یا وکیل بنام آمر یا موکل خود عمل می‌کند، در صورتیکه حق‌العمرل کار اغلب نام آمر خود را کتمان می‌کند و حتی طرف معامله حق‌العمرل کار نمی‌داند، معامله برای کیست و فقط حق‌العمرل کار را در مقابل خود می‌شناسد. حق‌العمرل کاری عملی است تجارتي و بند 3 ماده 2 قانون تجارت هر قسم عملیات حق‌العمرل کاری را جزء معاملات تجارتي نام برده است.

قانون تجارت هیچگونه شرطی برای مبادرت به حق‌العمرل کاری در نظر نگرفته و هر کسی که اهلیت تاجر بودن را دارا باشد، می‌تواند به حق‌العمرل کاری مبادرت نماید، علاوه بر آن هیچگونه پروانه یا اجازه مخصوصی برای اشتغال به حق‌العمرل کاری لازم نیست، در صورتیکه بطوریکه در فصل قبل شرح داده شد، اشتغال به شغل دلالی شرایط مخصوصی دارد. حق‌العمرل کارو دلال هر دو واسطه معاملات می‌باشند. منتهی بین عمل دلال و عمل حق‌العمرل کار فرق بسیار موجود است، دلال جز معرفی طرفین معامله به یکدیگر وظیفه‌ای ندارد و جز با اجازه مخصوص نمی‌تواند نمایندگی یکی از طرفین را عهده دار باشد یا آنکه طرف معامله قرار گیرد و به همین ترتیب جز در مواردی که یکی از طرفین معامله ضمانت کرده باشد، دلال هیچگونه تعهدی نسبت به اجرای معامله و حسن انجام تعهدات طرفین ندارد. با انجام معامله عمل دلال خاتمه می‌یابد، در صورتیکه حق‌العمرل کار طرف معامله بوده و علاوه بر آنکه در مقابل طرف معامله مسئول انجام تعهداتی می‌باشد که بنام خود تقبل کرده است، در مقابل آمر نیز مسئول است که حاصل معامله را به او واگذار نماید. بنابراین حق‌العمرل کار دو تعهد مستقیم دارد؛ یکی در مقابل طرف معامله که صرفنظر از اینکه آمر او معامله را قبول کند یا خیر، مسئول انجام تعهداتی است که تقبل کرده است و دیگر در مقابل آمر که باید انجام معامله را به اطلاع او برساند و حاصل معامله را در اختیار او بگذارد. ولی باید در نظر داشت که در صورتیکه حق‌العمرل کار حسن انجام معامله را ضمانت نکرده باشد و در صورتیکه تقصیری مرتکب نشده باشد، در مقابل آمر مسئول عدم اجرای معامله از جانب طرف معامله نخواهد بود. حق‌العمرل کاری در تجارت بین‌المللی و بین شهرهای مختلف دارای فواید بسیاری است، زیرا تاجر خارجی که به وضع محل در کشورهای دیگر آشنایی ندارد، می‌تواند به این ترتیب معاملات خود را بوسیله تجاری که در محل مستقر می‌باشند و بصیرت کافی دارند انجام دهد و با اعتماد به حق‌العمرل کار به جای آنکه شخصاً عمل کند، بوسیله حق‌العمرل کار امور خود را انجام دهد، مخصوصاً اگر معامله متضمن معاملات بسیار دیگری باشد. مثلاً تاجر اروپایی احتیاج

به خرید مقدار زیادی پنبه ایران دارد برای آنکه بتواند پنبه را از کشاورزان مختلف خریداری کند، مجبور خواهد بود، دستگاه بزرگ و پرخرجی را تهیه نماید، در صورتیکه با مراجعه به یک تاجر ایرانی بعنوان حق‌العمل کارمی تواند سرمایه لازم را در اختیار او گذارد تا او قراردادهای لازم را با کشاورزان منعقد کند و بعداً پنبه‌های خریداری شده که حق‌العمل کاربنام خود خریده است، برای تاجر اروپایی بفرستد، می‌تواند اجناس خود را برای حق‌العمل ارسال دارد و حق‌العمل کار با فروش کالای مزبور به خریداران مختلف حاصل فروش را بعداً برای فروشنده اصلی ارسال خواهد داشت. به این ترتیب صاحبان کارخانجات و تجار عمده بدون آنکه محتاج به ایجاد سازمانها و تشکیلات مخصوصی در محل‌های دیگر باشند، می‌توانند کالای خود را بوسیله حق‌العمل کاران بفروشند یا کالای دیگران را بخرند. البته اگر حق‌العمل کار وجوه کافی در اختیار داشته باشد، می‌تواند مانند یک تاجر معمولی با آمر طرف معامله قرار گیرد، بدون اینکه سمت حق‌العمل کاری داشته باشد. بدیهی است که در چنین صورتی چون کلیه نفع و ضرر معاملات تاجر به خود او مربوط می‌شود، قیمتی که تاجر فروشنده تعیین می‌کند، زیادتر از مبلغی خواهد بود که جنس بوسیله حق‌العمل کار خریداری می‌شود به همین طریق در مورد خرید اجناس چون بعد از خریداری جنس باز کلیه نفع و ضرر آن متوجه تاجر خریدار است، خریدار سعی خواهد نمود مبلغ کمتری بابت بهای جنس پرداخت کند. ولی چون اغلب اوقات تاجر حق‌العمل کار سرمایه لازم را به اندازه کافی در اختیار ندارد، معامله را بعنوان حق‌العمل کارانجام می‌دهد تا بتواند اجناسی را که آنها را بفروش می‌رساند پس از دریافت حق‌العمل کارخود حاصل فروش را به فروشنده اصلی برساند و در مورد خرید اجناس با دریافت مبالغ لازم خریدار مبادرت به معاملات لازم بنماید و پس از ارسال اجناس و احتساب حق‌العمل کار خود حساب خود را با آمر تصفیه کند.

ب- وظایف حق‌العمل کار

1- انجام دستورات آمر:

بطور کلی حق‌العمل کارموظف است، معاملاتی را که آمر به او دستور می‌دهد، انجام دهد. بنابراین در صورت عدم انجام دستورات آمر یا تقصیر و اهمال و غفلت در انجام دستورات مزبور حق‌العمل کارمسئول می‌باشد. قانون تجارت راجع به این وظیفه اصلی حق‌العمل کارنص صریحی ندارد، فقط ماده 364 پیش بینی می‌کند: «اگر حق‌العمل کارتقصیر کرده باشد، باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید.» اگر عبارت این ماده را بطور محدود تفسیر کنیم، باید گفت مفاد آن شامل مواردی می‌شود که آمر دستور منجزی به حق‌العمل کارراجع به معامله داده باشد و حق‌العمل کارمطابق آن دستور عمل نکند، ولی اگر بطور کلی حق‌العمل کاربا وجود دریافت دستور مربوط به انجام معامله اصولاً درصدد انجام معامله برنیاید یا آنکه در نتیجه اهمال و تاخیر او در این حین تغییراتی حاصل شود و در نتیجه آمر زیان ببیند، آیا حق‌العمل کار مسئول است یا خیر؟ قانون تجارت ساکت است، ولی چون ماده 358 تصریح می‌کند که: «جز در مواردیکه به موجب مواد ذیل استثناء شده، مقررات راجعه به وکالت در حق‌العمل کاری نیز رعایت

خواهد شد. « و طبق ماده 666 قانون مدنی «هرگاه از تقصیر وکیل خسارتی به موکل متوجه شود که عرفاً وکیل مسبب آن محسوب خواهد بود. « بنابراین در صورت ثبوت تقصیر حق العمل کار مکلف به جبران خسارت وارده به آمر خواهد بود. دستورات آمر اصولاً بر دو نوع است: یکی دستورات آمرانه و اجباری، دیگر دستورات اختیاری. در مورد دستورات آمرانه و اجباری حق العمل کار موظف به تبعیت کامل از دستورات آمر است، چنانچه آنها را رعایت نکند نه تنها آمر می‌تواند از قبول معامله خودداری کند، بلکه اگر خسارتی متوجه او گردد، می‌تواند تقاضای جبران خسارات حاصله را بنماید. مثلاً آمر تصریح کرده است که در فروش اجناس از حداقل قیمتی که معین شده، خودداری کند، د اینصورت اگر حق العمل کار جنس را به قیمت کمتری بفروشد، مسئول است. ولی اگر آمر دستور دهد که جنس را به بهترین قیمت بفروشد، در اینصورت این دستور نشانه است و چون حداقل قیمت تعیین نشده، در صورتیکه حق العمل کار تقصیر و غفلی نکرده باشد، قیمتی را که انتخاب می‌کند، چون به عقده او بهترین قیمت بوده است، نمی‌تواند مورد ایراد و اعتراض قرار گیرد. بنا بر مراتب بالا اولین وظیفه حق العمل کار انجام دستورات آمر است و ماده 364 قانون تجارت مقرر می‌دارد. «اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد، باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم دستور آمر ناشی شده برآید. «

2- انجام معامله بنام خود:

حق العمل کار گر چه به حساب آمر عمل می‌کند، ولی معامله را باید بنام خود انجام دهد و جز در مواردیکه آمر اجازه داده باشد، حق ندارد نام آمر را افشاء کند و حتی در بعضی موارد حق العمل کار بموجب قانون از لحاظ اسرار شغلی باید نام آمر را مکتوم نگاه دارد.

مانند معاملات بورسی که کارگزاران بورس در عین حال ممکن است، بعنوان دلال و یا حق العمل کار عمل کنند. مکلفند نام طرفین معامله را افشاء نکنند.

3- ذینفع نبودن در معامله:

حق العمل کار نمی‌تواند شخصاً طرف معامله قرار گیرد، زیرا در اینصورت ممکن است نفع خود را بر نفع آمر ترجیح دهد، بعلاوه در صورتیکه شخصاً طرف معامله قرار گیرد، موضوع حق العمل کاری از بین می‌رود. ولی اغلب اوقات تجاری که حق العمل کاری می‌کنند، به این ترتیب ممکن است علاوه بر دریافت قیمت مبلغی نیز بعنوان حق العمل کاری دریافت دارند. این موضوع یعنی اینکه حق العمل کار شخصاً طرف معامله قرار نگیرد، گرچه طبق اصول تجاری مورد قبول است، ولی در قانون تجارت ایران صراحتاً به این موضوع اشاره نشده است. فقط ماده 373 قانون تجارت ایران صراحتاً به این موضوع اشاره نشده است. فقط ماده 373 قانون تجارت مقرر می‌دارد:

«اگر حق العمل کار مأمور به خرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجاری یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورسی یا بازاری دارد، می‌تواند چیزی را که مأمور به خرید آن بوده، شخصاً بعنوان خریدار نگاه دارد، مگر اینکه آمر دستور مخالفی داده باشد. «

با در نظر گرفتن مفاد این ماده فقط در موارد اجناس که مظنه بورسی دارند، ظرف معامله قرار گرفتن حق العمل کار را تجویز می‌کند، می‌توان چنین نتیجه گرفت که در سایر موارد حق العمل کار حق ندارد، شخصاً طرف معامله قرار گیرد.

4- اطلاع به آمر:

طبق ماده 359 قانون تجارت: «حق العمل کار باید آمر را از جریان اقدامات خود مستحضر داشته و مخصوصاً در صورت انجام مأموریت این نکته را به فوریت به او اطلاع دهد.» رعایت این موضوع در حق العمل کاری فوق‌العاده اهمیت دارد، زیرا قیمت اجناس همیشه ثابت نیست و ممکن است ترقی یا تنزل نماید و در مواردیکه جنس ترقی پیدا می‌کند، اگر حق العمل کار فوراً معامله را اطلاع نداده باشد، به وسوسه خواهد افتاد که معامله را برای خود نگاه دارد و از نفع آن استفاده ببرد، در صورتیکه اگر انجام معامله را فوراً اطلاع داده باشد، دیگر نمی‌تواند معامله را برای خود نگاه دارد. به این جهت قانون حق العمل کار را موظف کرده است که انجام معامله را فوراً اطلاع دهد و اگر نیز به این وظیفه قانونی عمل نکند، آمر می‌تواند از قبول معامله خودداری کند. مثلاً اگر معامله شد و قیمت اجناس تنزل کرده باشد، در اینصورت اگر حق العمل کار فوراً انجام معامله را اطلاع نداده باشد، آمر می‌تواند با این عذر از قبول معامله که به زیان حتمی او است، خودداری کند.

5- وکالت و امانت:

حق العمل کار وکیل و امین آمر محسوب می‌شود و در مواردیکه اجناس را بحساب آمر خریداری می‌کند و نزد خود نگاه می‌دارد یا اجناسی را از آمر دریافت می‌دارد که بعداً به فروش برساند، باید منتهای کوشش را برای حفظ مال التجاره و حفظ حقوق احتمالی آمر بعمل آورد.

- به این جهت طبق ماده 361 قانون تجارت:

«اگر مال التجاره‌ای که برای فروش نزد حق العمل کار ارسال شده دارای عیوب ظاهری باشد، حق العمل کار باید برای محفوظ داشتن حق رجوع بر علیه متصدی حمل و نقل و تعیین میزان خسارات بحری (آواری) به وسایل مقتضیه و محافظت مال التجاره اقدامات لازمه بعمل آورده و آمر را از اقدامات خود مستحضر کند والا مسئول خسارات ناشیه از این غفلت خواهد بود.»

زیرا بطوریکه در قسمت مسئولیت متصدی حمل و نقل خواهیم دید، طبق ماده 391 قانون تجارت اگر مال التجاره بدون هیچگونه قیدی قبول و کرایه آن تادیه شود دیگر دعوی بر علیه متصدی حمل و نقل پذیرفته نمی‌شود، بهر حال اقدامات و ادعاهای بر علیه متصدی حمل و نقل منتهای تا هشت روز بعد از تحویل مال التجاره باید اطلاع داده شود، چون در موقع تحویل مال التجاره حضور ندارد و تحویل بوسیله حق العمل کار انجام می‌شود. بنابراین حق العمل کار موظف است، منافع آمر را رعایت کند و اگر متصدی حمل و نقل مال التجاره را صحیح و سالم تحویل ندهد، اقدامات لازم برای حفظ منافع آمر که صاحب مال التجاره است بعمل آورد تا خسارات وارده را وصول کند.

گرچه ماده 360 قانون تجارت مقرر می‌دارد که: «حق‌العمل کارمکلف است به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است، نیست، مگر اینکه امر دستور داده باشد.» ولی مسلم است که در مواردی که کالا بیمه شده است، اگر به کالا خسارتی وارد شده باشد، حق‌العمل کارموظف است اقدامات لازم را برای تعیین میزان خسارات و حفظ حقوق امر در مقابل شرکت بیمه برای وصول خسارات بعمل آورد.

طبق ماده 362 قانون تجارت: «اگر بیم فساد سریع مال‌التجاره‌ای رود که نزد حق‌العمل کاربرای فروش ارسال شده، حق‌العمل کارمی تواند و حتی در صورتیکه منافع امر ایجاب کند، مکلف است مال‌التجاره را با اطلاع مدعی‌العموم محلی که مال‌التجاره در آنجا است یا نماینده او بفروش برساند.» بنابراین، ئپدر مورد کالای فاسد شدنی، حق‌العمل کارنباید منتظر دستور صریح امر بشود، زیرا در اینصورت ممکن است کالا از بین برود و خسارت غیر قابل جبرانی به امر وارد شود.

6- بیمه اجناس:

طبق ماده 360 قانون تجارت: «حق‌العمل کارمکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست، مگر اینکه امر دستور داده باشد.» بنابراین اگر حق‌العمل کارمال‌التجاره‌ای را بیمه نکند، به او ایرادی نمی‌توان گرفت، ولی اگر بدون دستور امر مبادرت به بیمه نماید آیا می‌تواند حق بیمه را از امر وصول کند یا خیر؟ بنابراین در مورد بیمه بهتر است، حق‌العمل کار قبل از اقدام به بیمه از امر دستور صریح بخواهد.

7- منافع معامله:

بطوریکه تذکر داده شد، گرچه حق‌العمل کارمعامله را بنام خود می‌نماید، ولی معامله به حساب امر و کلیه نفع و ضرری که از معامله حاصل می‌شود، متعلق به امر است. به این جهت اگر در معاملاتی که می‌کنند، نفع بیشتری حاصل شود، این نفع متعلق به امر است و نمی‌تواند آن را به حساب خود منظور کند. به این جهت ماده 365 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اگر حق‌العمل کار مال‌التجاره را به کمتر از قیمتی که امر معین کرده بخرد و یا به بیشتر از قیمتی که امر معین نموده، بفروش رساند، حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب امر محسوب دارد.»

8- معاملات اعتباری:

حق‌العمل کار نمی‌تواند بدون رضایت امر معاملاتی اعتباری و معاملات به نسیه کند و در صورتیکه مبادرت به چنین معاملاتی کند، شخصاً مسئول پرداخت مبلغ معامله می‌باشد، اگر چه مبلغ معامله بعداً وصول نشود یا اینکه طرف معامله ورشکست شود. ماده 366 قانون تجارت تصریح می‌کند: «اگر حق‌العمل کار بدون رضایت امر مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطی دهد، ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود، معذالک اگر فروش به نسیه داخل در عرف تجارتي محل باشد، حق‌العمل کارمادون به آن محسوب می‌شود، مگر در صورت دستور مخالف امر.»

ج - حقوق و حق الزحمه حق العمل کار:

طبق بند 3 ماده 2 قانون تجارت هر قسم عملیات حق العمل کاری تجارتي محسوب می شود. حق العمل کار تاجر بوده و در شغل خود آزادی عمل دارد. قانون تجارت حق العمل کار را از اینکه تجارت دیگری هم داشته باشد، منع ننموده و اغلب اوقات حق العمل کاری یکی از کارهای تاجر می باشد. بنابراین حقوق حق العمل کار را می توان بشرح زیر خلاصه نمود:

- 1- حق العمل کاری می تواند علاوه بر شغل حق العمل کاری اشتغال به تجارت دیگری نیز داشته باشد.
- 2- حق العمل کار می تواند در عین حال برای چند امر حق العمل کاری می کند، مگر آنکه قرارداد دیگری بین طرفین گذاشته شده باشد.
- 3- حق العمل کار در صورتیکه معامله را طبق دستور امر انجام دهد و تقصیر و غفلیتی ننموده باشد، مسئول اجرای معامله نیست و در صورتیکه نفع و ضرری در معامله حاصل شود یا آنکه طرف معامله وظایف خود را انجام ندهد، حق العمل کار ضامن انجام تعهدات طرف معامله نیست و نتایج معامله متوجه امر می باشد.
- 4- حق العمل کار در مقابل عملی که انجام می دهد، حق مطالبه حق الزحمه دارد و حق الزحمه حق العمل کار کمیسیون یا حق العمل نامیده می شود و میزان کمیسیون معمولاً چند درصدی از مبلغ معامله تعیین می شود.
به محض اینکه حق العمل کار وظیفه خود را انجام داد و معامله تحقق پیدا نمود، مستحق دریافت حق العمل کاری شود و ماده 369 قانون تجارت مقرر می دارد: «وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل کاری می شود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل امر باشد. نسبت به اموری که در نتیجه علل دیگری انجام پذیر نشده، حق العمل کار برای اقدامات خود فقط مستحق اجرتی خواهد بود که عرف و عادت محل معین می نماید.»
- حق العمل کار در صورتی استحقاق دریافت حق العمل کار را دارد که مأموریت خود را به درستی انجام داده باشد و ماده 370 قانون تجارت تصریح می کند که در صورتیکه حق العمل کار نادرستی نموده باشد، مستحق حق العمل کار نخواهد بود.
- 5- طبق ماده 368 قانون تجارت: «مخارجی که حق العمل کار کرده و برای انجام معامله و نفع امر لازم بوده و همچنین هر مساعده که به نفع امر داده باشد، باید اصلاً و منفعتاً به حق العمل کار مسترد شود. حق العمل کار می تواند مخارج انبارداری و حمل و نقل را نیز به حساب امر گذارد.» بنابراین، اصولاً حق العمل کار علاوه بر دریافت حق العمل خود مخارجی را هم که برای ترتیب انجام معامله متقبل می شود، باید دریافت و همچنین اگر برای انجام معامله مساعده داده باشد، چون مبلغی وجه نقد از اموال خود پرداخته، مستحق دریافت بهره این مبالغ نیز می باشد. ولی باید در نظر داشت که این موضوع در صورتی است که معاملات تجارتي مورد حق العمل کار معاملات عادی تجارتي باشد. زیرا، درباره انجام معاملات بزرگ و معاملاتی که مال التجاره مورد بحث قبلاً در نزد حق العمل کار تودیع نمی شود یا کمیسیون وجه دیگری بابت مخارج پرداخت نمی کند و مخارجی که حق العمل کار برای انجام معامله می نماید، بعهد خود او می باشد. مثلاً حق العمل کاری که سعی می کند، مخارج و هزینه های زیادی متقبل شود. در این قبیل موارد امر تصریح می کند که

عهده دار مخارج حق العمل کار نمی شود و معامله تقریباً بصورت دلالتی در می آید. بهر حال آمر و حق العمل کار موافقت کند، آمر می تواند پرداخت مخارج حق العمل کار را به عهده نگیرد.

6- حق العمل کار برای وصول مطالبات خود از آمر یک نوع حق ممتاز به اموالی که موضوع معامله است، دارد و می تواند از تسلیم اموال مزبور تا زمانیکه مطالبات او از طرف آمر پرداخت نشده، خودداری کند. ماده 371 قانون تجارت تصریح می کند: « حق العمل کار در مقابل آمر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و با نسبت به قیمتی که اخذ کرده، حق حبس خواهد داشت. »

7 - در موردیکه آمر مال التجاره را بدون دادن دستور نزد حق العمل کار معطل بگذارد. چون ممکن است از این بابت مخارجی به حق العمل کار تحمیل شود یا اینکه خساراتی به او وارد گردد، حق العمل کار می تواند با در نظر گرفتن منافع آمر مال التجاره مزبوره را بفروش برساند.

و ماده 372 قانون تجارت مقرر می دارد:

« اگر فروش مال ممکن نشده و یا آمر اجازه فروش رجوع کرده و مال التجاره را بیش از حد متعارف نزد حق العمل کار بگذارد، حق العمل کاری می تواند آن را با نظارت مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او بطریق مزایده بفروش برساند اگر آمر در محل نبوده و در آنجا نماینده نیز نداشته باشد، فروش بدون حضور او یا نماینده او بعمل خواهد آمد، ولی در هر حال قبلاً باید به او اخطاریه ارسال گردد، مگر اینکه اموال از جمله اموال سریع الفساد باشد. »

8- بطوریکه شرح داده شد، حق العمل کار نمی تواند شخصاً طرف معامله قرار گیرد، زیرا در اینصورت دیگر سمت حق العمل کاری او از بین می رود. ولی در مواردیکه موضوع معامله خرید و فروش مال التجاره یا اسناد تجارتي و سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بورس یا بازاری دارد، حق العمل کاری می تواند چیزی را که مأمور به خرید آن بوده خود شخصاً بعنوان فروشنده تسلیم کند و یا چیزی را که مأمور بفروش آن بوده شخصاً بعنوان خریدار نگه دارد، مگر آنکه دستور مخالفی داده باشد و در این قبیل موارد حق العمل کار باید قیمت را بر طبق مظنه بورس یا نرخ بازار در روزی که وکالت خود را انجام می دهد، منظور دارد و حق خواهد داشت که هم حق العمل کار و هم مخارج عادیه حق العمل کاری را برداشت کند (مواد 373 و 374 قانون تجارت). علاوه بر آن طبق ماده 375 قانون تجارت: «در هر موردی که حق العمل کار شخصاً می تواند خریدار یا فروشنده واقع شود، اگر انجام معامله را به آمر بدون تعیین معامله اطلاع دهد، خود طرف معامله محسوب خواهد شد. »

د - مسئولیت حق العمل کار:

حق العمل کار وکیل و امین آمر محسوب می شود و در هر موردی که در انجام مأموریت خود قصور نماید، طبق اصول کلی حقوقی مسئول خساراتی است که در نتیجه عمل او به آمر وارد گردد. علاوه بر آن در مواردی که حق العمل کار نادرستی کند یا در معامله تقلب کند طبق قوانین جزایی قابل تعقیب جزایی بوده و به مجازات خیانت محکوم خواهد شد.

با توجه به مقررات قانون تجارت و آنچه در مباحث بالا گفته شد، مسئولیت حق العمل کار را می توان بشرح زیر خلاصه نمود:

1- حق العمل کار باید مأموریت خود را با درستی انجام دهد و در صورتیکه نادرستی کند، علاوه بر آنکه مستحق دریافت اجرت نمی باشد، قابل تعقیب جزایی بعنوان خیانت در امانت می باشد.

2- حق العمل کار باید خرید یا فروشهای خود را مطابق واقع به حساب آمر بگذارد، اگر قیمتی علاوه بر خرید یا قیمتی کمتر از قیمت بفروش به حساب آمر گذارد، مستحق دریافت حق العمل نمی باشد و تفاوت را باید به آمر پرداخت کند. علاوه بر آن قالا تعقیب جزایی بعنوان خیانت در امانت می باشد.

3- چنانچه حق العمل کار بدون سوء نیت در انجام وظیفه خود قصور کند و از این قصور خساراتی به آمر وارد شود، حق العمل کار مسئول جبران خسارت آمر می باشد.

4- در صورتیکه حق العمل کار مال التجاره را که در نزد اوست به کمتر از حداقل قیمتی که آمر معین کرده بفروش رساند، مسئول تفاوت خواهد بود، مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتر احتراز کرده بفروش رساند، مسئول تفاوت خواهد بود، مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتر احتراز کرده و تحصیل اجازه آمر در موقع مقدور نبوده است.

5- اگر حق العمل کار بدون رضایت آمر معامله اعتباری نماید یا مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطی دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود، معذالک اگر فروش به نسیه داخل در عرف تجارته محل باشد، حق العمل کار ماذون به آن محسوب می شود، مگر در صورت دستور مخالف آمر.

6- حق العمل کار مسئول اجرای معامله نیست، مگر آنکه شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده باشد یا عرف تجارته او را ضامن بشمارد یا آنکه در انجام وظایف خود قصور کرده باشد. مثلاً معامله را با شخصی که اصولاً قابل اعتماد نیست یا دارای اعتبار نباشد، انجام داده باشد.

نکات مهم مبحث حق العمل کاری:

- 1- حق العمل کار کسی است که به اسم خود ولی به حساب دیگری امر معاملاتی کرده و در مقابل حق العملی دریافت می کند.
- 2- حق العمل کار مکلف به بیمه کردن اموالی که موضوع معامله است نیست مگر اینکه امر دستور داده باشد.
- 3- اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از حداقل قیمتی که امر معین کرده بفروش رساند مسئول تفاوت خواهد بود مگر اینکه ثابت نماید از ضرر بیشتری احتراز کرده و تحصیل اجازه امر در موقع مقدور نبوده است.
- 4- اگر حق العمل کار تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور امر ناشی شده برآید.
- 5- اگر حق العمل کار مال التجاره را به کمتر از قیمتی که امر معین کرده بخرد یا به بیشتر از قیمتی که امر تعیین کرده به فروش برساند حق استفاده از تفاوت نداشته و باید آن را در حساب امر محسوب دارد.
- 6- حق العمل کار در مقابل امر مسئول پرداخت وجوه و یا انجام سایر تعهدات طرف معامله نیست مگر اینکه مجاز در معامله به اعتبار نبوده و یا شخصاً ضمانت طرف معامله را کرده و یا عرف تجارتي بلد، او را مسئول قرار دهد.
- 7- وقتی حق العمل کار مستحق حق العمل می شود که معامله اجرا شده و یا عدم اجرای آن مستند به فعل امر باشد.
- 8- حق العمل کار در مقابل امر برای وصول مطالبات خود از او نسبت به اموالی که موضوع معامله بوده و یا نسبت به قیمتی که اخذ کرده حق حبس خواهد داشت.
- 9- اگر حق العمل کار مأمور به خرید یا فروش مال التجاره یا اسناد تجارتي یا سایر اوراق بهاداری باشد که مظنه بوری یا بازاری دارد می تواند چیزی را که مأمور به خرید آن بوده خود شخصاً بعنوان فروشنده تسلیم کند و یا چیزی را که مأمور به فروش آن بوده شخصاً بعنوان خریدار نگاه دارد.
- 10- در هر موردی که حق العمل کار شخصاً می تواند خریدار یا فروشنده واقع شود اگر انجام معامله را به امر بدون تعیین طرف معامله اطلاع دهد خود طرف معامله محسوب خواهد شد.

مجموعه تست

1- حق العمل کار به آمر اعلام می کند که کالای مورد نظر وی را به مبلغ هزار ریال خریداری نموده، در حالیکه آن را به 900 ریال خریده است. در اینصورت آمر می تواند کالا را به.....

(1) وی مسترد داشته و هزار ریال را مطالبه کند.

(2) فروشنده مسترد نموده و ثمن را مطالبه کند.

(3) وی مسترد داشته و فقط 900 ریال را مطالبه کند.

(4) وی مسترد نموده و در ازای آن وجهی مطالبه کند.

2- ماده 364 قانون تجارت مقرر می دارد: اگر حق العمل کار در حفظ مال التجاره تقصیر کرده باشد باید از عهده کلیه خساراتی نیز که از عدم رعایت دستور آمر ناشی شده برآید. بنابراین: (سراسری 82)

(1) عدم رعایت دستور آمر در بعضی موارد ضمان آور نیست.

(2) عدم رعایت دستور آمر در هر حال ضمان آور است.

(3) عدم رعایت دستور آمر تقصیر تلقی نمی گردد.

(4) چنانچه حق العمل کار در حفظ مال التجاره تقصیر نماید به هیچ وجه مجاز به عدم رعایت دستور آمر نیست.

3- مستفاد از تعریف حق العمل کار در قانون تجارت آن است که حق العمل کار در مقابل: (سراسری 82)

(1) آمر و ثالث اصیل محسوب می گردد.

(2) آمر و ثالث وکیل محسوب است.

(3) آمر، وکیل و در مقابل ثالث اصیل محسوب می گردد.

(4) آمر، وکیل و در مقابل ثالث فقط در صورت عدم افشای سمت خویش اصیل محسوب است.

پاسخنامه

1- گزینه (1) صحیح است.

2- گزینه (2) صحیح است.

3- گزینه (3) صحیح است.

قرارداد حمل و نقل:

تعریف قرارداد حمل و نقل

قانون تجارت تعریفی از قرارداد حمل و نقل ننموده است، ماده 377 قانون تجارت متصدی حمل و نقل را بشرح زیر تعریف می‌کند: «متصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیاء را بعهده می‌گیرد.» و ماده 378 قانون تجارت اضافه می‌کند:

«قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت خواهد بود، مگر در مواردی که ذیلاً استثناء شده باشد.»

بطوریکه ملاحظه می‌شود، تعریف فوق به هیچ وجه کافی نیست و علاوه بر آن راجع به حمل و نقل مسافر هیچگونه پیش بینی نشده است.

بطور کلی قرارداد حمل و نقل عبارت است از قراردادی که به موجب آن متصدی حمل و نقل تعهد می‌کند در مقابل دریافت اجرت، اشیایی را که به او تسلیم شده، در محل دیگری تحویل دهد یا اشخاصی را با وسایل نقلیه از محلی به محل دیگر ببرد.

حمل و نقل بار و مسافر را نباید با اجازه وسایل نقلیه اشتباه نمود، البته در موارد بخصوصی ممکن است، متصدی حمل و نقل وسیله نقلیه مخصوصی را در اختیار اشخاص قرار دهد و این موضوع تابع مقررات اجاره خواهد بود. ولی در حمل و نقل معمولی متصدی حمل و نقل وسیله مخصوصی را در اختیار فرستنده بار یا مسافر قرار نمی‌دهد، بلکه حمل و نقل بار یا مسافر را طبق تشخیص خود با وسیله نقلیه‌ای که متناسب می‌داند، انجام می‌دهد، به این ترتیب متصدی حمل و نقل در کار خود استقلال دارد و تابع اداره فرستنده کالا یا مسافر نیست، بلکه فرستنده کالا یا مسافر باید از دستورات و مقررات متصدی حمل و نقل پیروی کند.

قرارداد حمل و نقل بطور معمول شامل عملیات دیگری نیز می‌شود که قبل از حمل و نقل یا بعد از حمل باید انجام گیرد مانند:

1- تسلیم اجناس موضوع حمل و نقل نگاهداری آنها از طرف متصدی حمل و نقل و نگاهداری آنها از طرف متصدی حمل و نقل تا زمان حمل.

2- بارگیری و خالی کردن بار

3- نگاهداری کالا بعد از رسیدن به مقصد و تحویل آن به گیرنده

ولی ممکن است طبق توافق طرفین مثلاً در مواردیکه وسیله نقلیه در دست در اختیار فرستنده کالا گذاشته می‌شود، این اعمال از وظایف متصدی حمل و نقل خارج گردد.

قرارداد حمل و نقل اصولاً با رضایت طرفین و آزادانه تنظیم می‌شود، ولی از آنجا که اغلب متصدیان حمل و نقل شرایط خود را قبلاً اعلام نموده اند و همواره تحت این شرایط حاضر به قبول بار و مسافر می‌باشند، کافی است که مسافر یا

فرستنده بار قصد و اراده خود را اعلام کند، تا قرارداد منعقد شود. به این جهت با تسلیم مال التجاره و قبولی آن از طرف متصدی حمل و نقل و در مورد مسافر با سوار شدن در وسیله نقلیه قرارداد حمل و نقل منعقد تلقی می‌شود و زمان قرارداد حمل و نقل از اولین محلی که برای اجرای آن صورت می‌گیرد، شروع می‌شود. معمولاً قرارداد حمل و نقل در مورد بار عنوان بارنامه یا رسید را دارد و در مورد مسافران بلیط و مسافرت می‌باشد.

بارنامه زمینی گر چه ممکن است، در عمل با بارنامه دریایی شباهت داشته باشد، ولی دارای آثار حقوقی کمتری است. بارنامه به منزله رسیدی است که از طرف متصدی حمل و نقل به فرستنده کالا داده می‌شود و بار نامه زمینی قابل معامله نیست. بنابراین در تجارت اهمیت و سندیت کمتری از بارنامه دریایی دارد و در حمل و نقل زمینی صدور بارنامه در وجه حامل معمول نیست، به همین طریق بلیط مسافرتی قابل معامله و نقل و انتقال نمی‌باشد.

- در قرارداد حمل و نقل طرفین معامله عبارتند از:

- 1- متصدی حمل و نقل که با را قبول می‌کند.
- 2- فرستنده که بار را برای حمل تحویل متصدی حمل و نقل می‌دهد.
- 3- گیرندگان کالا که ممکن است همان شخص فرستنده باشد یا شخص دیگری، در اینصورت بموجب قرارداد حمل و نقل گیرنده کالا که در انعقاد قرارداد شرکت ندارد، دارای حقوق مخصوصی می‌گردد که می‌تواند از آن حقوق استفاده کند.

4- در مورد مسافرت قرارداد حمل و نقل بین متصدی حمل و نقل و مسافر منعقد می‌شود.

با توجه به مراتب مذکور وظایف هر کدام از طرفین قرارداد را ذیلاً شرح می‌دهد:

- حقوق و وظایف ارسال کننده:

طبق ماده 379 و 380 قانون تجارت ارسال کننده باید نکات ذیل را به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند: آدرس صحیح مرسل الیه، محل تسلیم مال، عده عدل یا بسته و طرز عدل بندی، وزن و محتوی عدلها، مدتی که مال باید در آن مدت تسلیم شود، راهی که حمل باید از آن راه بعمل آید و قیمت اشیایی که گرانبها است. ارسال کننده باید مواظبت کند که مال التجاره بطور مناسبی عدل بندی شود.

بدیهی است که ارسال کننده باید مال التجاره را که می‌خواهد به محل دیگری بفرستد، به متصدی حمل و نقل تسلیم کند و نکات بالا را به اطلاع متصدی حمل و نقل برساند، بر اساس اطلاعات بالا متصدی حمل و نقل مال التجاره را قبول می‌کند و برای حمل و نقل کرایه تعیین می‌گردد. ارسال کننده مسئول صحت اطلاعات بالاست و اگر در اثر عدم تعیین صحیح نکات بالا یا از تعیین آنها به غلط خسارتی متوجه شود، مسئول آن ارسال کننده است. مثلاً اگر ارسال کننده نشانی گیرنده را غلط تعیین کند و متصدی حمل و نقل مجبور شود، دو مرتبه مال التجاره را به محل دیگری حمل کند، هزینه این حمل مجدد بعهد ارسال کننده است یا اینکه چنانچه محمولات عدلها با آنچه اعلام شده است، تطبیق نکند،

مثلاً بجای خشکبار که اعلام شده است، اشیاء قاچاق کشف شود یا آنکه کالای فاسد شدنی یا محترقه باشد که ممکن است به سایر کالاها خسارتی وارد کند، در تمام این موارد خسارت وارده از این امر متوجه ارسال کننده خواهد بود. مثلاً اگر در نتیجه کشف اشیاء قاچاق وسایل نقلیه متصدی حمل و نقل توقیف گردد و جرایمی به او تعلق گیرد یا اینکه در نتیجه احتراق مواد محترقه سایر کالاهایی که حمل می‌شود، خسارت ببیند، در تمام این موارد اگر ارسال کننده اظهار خلاف واقع کرده باشد، مسئول خسارات است.

بهر حال اطلاعات از طرف فرستنده کالا اعلام می‌گردد، اساس تنظیم بارنامه قرار می‌گیرد و بر علیه فرستنده سندیت دارد.

فرستنده اصولاً مسئول پرداخت کرایه حمل است، ولی بعضی اوقات ممکن است متصدی حمل و نقل موافقت کند که کرایه از گیرنده دریافت شود و با وجود این در صورتیکه گیرنده کالا از تحویل گرفتن مالالتجاره خودداری کند، در هر صورت فرستنده مسئول پرداخت کرایه حمل می‌باشد و متصدی حمل و نقل می‌تواند برای دریافت کرایه به او مراجعه کند. طبق ماده 384 قانون تجارت:

«اگر مرسل الیه مالالتجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مالالتجاره تادیه نشود و یا به مرسل الیه دسترسی نباشد، متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع ارسال کننده رسانیده و مالالتجاره را موقتاً نزد خود بطور امانت نگاه داشته یا نزد ثالثی امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج و هر نقص و عیب بعهده ارسال کننده خواهد بود. اگر ارسال کننده و یا مرسل الیه در مدت مناسبی تکلیف مالالتجاره را معین نکند، متصدی حمل و نقل می‌تواند مطابق ماده 362 آن را بفروش برساند.»

بعد از آنکه کالا به متصدی حمل و نقل مسترد دارد یا آنکه دستور دیگری به متصدی حمل و نقل بدهد. ماده 382 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «ارسال کننده می‌تواند مادام که مالالتجاره در ید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات را پس بگیرد.» ولی چنانچه متصدی حمل و نقل تعهدی در مقابل گیرنده کالا نموده باشد، فرستنده دیگر حقی بر کالا نداشته و نمی‌تواند از حق استرداد خود استفاده کند و ماده 363 قانون تجارت مقرر می‌دارد:

«در موارد ذیل ارسال کننده نمی‌تواند از حق استرداد مذکوره در ماده 382 استفاده کند:

- 1- در صورتیکه بارنامه‌ای توسط ارسال کننده تهیه و بوسیله متصدی حمل و نقل به مرسل الیه تسلیم شده باشد.
- 2- در صورتیکه متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده و ارسال کننده نتواند آن را پس دهد.
- 3- در صورتیکه متصدی حمل و نقل به مرسل الیه اعلام کرده باشد، که مالالتجاره به مقصد رسیده و باید آن را تحویل گیرد.
- 4- در صورتیکه پس از وصول مالالتجاره به مقصد، مرسل الیه تسلیم آن را تقاضا کرده باشد. در این موارد متصدی حمل

و نقل باید مطابق دستور مرسل الیه عمل کند. معذالک اگر متصدی حمل و نقل رسیدی به ارسال کننده داده مادام که مال التجاره به مقصد نرسیده مکلف به رعایت دستور مرسل الیه نخواهد بود، مگر اینکه رسید به مرسل الیه تسلیم شده باشد. «

- حقوق و وظایف متصدی حمل و نقل:

تصدی به امر حمل و نقل عملی است تجارتي و طبق بند 2 ماده 2 قانون تجارت تصدی حمل و نقل از راه خشکی یا آب و هوا بهر نحوی که باشد، معاملات تجارتي محسوب می‌شود. طبق ماده 1 قانون مؤسسات حمل و نقل و تعمیرگاههای اتومبیل و گاراژ عمومی مصوب 25 تیرماه 1345 تأسیس بنگاههای حمل و نقل اعم از مسافربری و باربری تعمیرگاه ثابت و سیار، اتومبیل شویی، اتوسرویس، توقفگاه، گاراژ عمومی، مغازه برای کرایه دادن اتومبیل و آموزشگاههای رانندگی مستلزم تحصیل پروانه است که در اداره اماکن عمومی نیروی انتظامی با رعایت حقوق صنف پس از موافقت شهرداری محل صادر خواهند بود.

آیین نامه اجرایی قانون تأسیسات حمل و نقل و تعمیرگاه و گاراژ عمومی مصوب 26 تیرماه 1346 شرایط صدور پروانه را تعیین کرده است.

حمل و نقل با راه آهن در انحصار راه آهن دولتی ایران است و تابع مقررات مخصوص می‌باشد که ضمن تعرفه حمل کالا و مسافر مصوب 5 خرداد ماه 1343 تصویب شده است، راجع به حمل و نقل دریایی و هوایی به کتاب حقوق دریایی و هوایی مراجعه شود. مراقبت در نگاهداری کالا- متصدی حمل و نقل موظف است مال التجاره را که تحویل می‌گیرد یا مسافری را که سوار می‌کند، صحیح و سالم به مقصد برساند. بنابراین متصدی حمل و نقل موظف است مال التجاره را تحویل بگیرد و تا زمان انجام حمل در محل مناسبی آنها را نگاهداری و حفظ نماید و مراقبت لازم نسبت به آنها معمول دارد، در مدتی که مال التجاره هنوز حمل نشده است، متصدی حمل و نقل امین محسوب می‌شود.

به همین ترتیب در مورد حمل مسافر متصدی حمل و نقل باید محل مناسبی برای انتظار مسافران داشته باشند. حمل کالا- متصدی حمل و نقل موظف است مال التجاره را بوسیله‌ای که مورد توافق صریح یا ضمنی فرستنده قرار گرفته است، طبق برنامه مرتب و منظمی حمل نماید. متصدی حمل و نقل مسئول کلیه خساراتی است که از طرف کارکنان و عمال او و حتی از طرف سایر متصدیان حمل و نقلی که مال التجاره را حمل کرده اند، وارد شود. ماده 388 قانون تجارت تصریح می‌کند:

«متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده، اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده و یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد. بدیهی است که در صورت اخیر حق رجوع او به متصدی حمل و نقلی که از جانب او مأمور شده، محفوظ است. «

مسئولیت متصدی حمل و نقل نسبت به عملیاتی که از طرف عمال و کارکنان متصدی حمل و نقل انجام می‌گیرد،

واضح و روشن است. ولی در مواردیکه حمل و نقل بوسیله متصدیان دیگری انجام می‌شود اغلب مورد اعتراض مؤسسات حمل و نقل قرار می‌گیرد، مخصوصاً مؤسساتی که در عین حال که مبادرت به امور حمل و نقل می‌کنند، شخصاً عملیات حمل و نقل را انجام نمی‌دهند، مخصوصاً در حمل و نقل بین‌المللی که مال‌التجاره که به مؤسسه حمل و نقل داده می‌شود قسمتی در داخله کشور با وسایل مؤسسه یا بوسیله متصدیان حمل و نقل دیگر حمل می‌شود و بعداً با کشتی یا هواپیما یا راه آهن به خارج حمل می‌گردد و در مقصد نیز با وسایل حمل و نقل متصدیان دیگری به مقصد ارسال می‌شود. این قبیل مؤسسات بین‌المللی که بنام Travsitair رسیده‌ایی که برای بارها می‌دهند، تصریح می‌کنند که عملیات مزبور را به نمایندگی و وکالت از طرف فرستنده بار و متصدیان حمل و نقل دیگر انجام می‌دهند و در مواقعی که خسارتی رخ می‌دهد، چون طبق رسیدی که داده اند، خود را وکیل و نماینده می‌دانند، سعی می‌کنند، مسئولیت خسارات را بعهدہ متصدیان حمل و نقلی که بار را حمل کرده اند بگذارند. ولی دادگاههای ایران تا بحال از قبول این استدلال خودداری کرده اند و مؤسسه حمل و نقلی را که بار را قبول کرده است، مسئول خسارات حاصله، اگر چه مربوط به متصدیان حمل و نقل دیگری باشد، می‌دانند. حتی در مواردی که تلف شدن کالا مربوط به عمل شخص دیگری بوده است، دادخواست فرستنده بار را علیه آن شخص وارد تشخیص نداده اند. مثلاً در مورد رأی هیئت عمومی دیوان کشور (شماره 1920 مورخ اسفند 1329) که یک عدل فرش که به متصدی حمل و نقل در همدان تحویل داده شده که بعداً در گاراژی واقع در کرمانشاه سرقت می‌شود با وجود آنکه سرقت یک عدل فرش مزبور در گاراژ کرمانشاه مسلم و تایید شده بود، دیوان کشور دادخواست صاحب کالا را علیه متصدی گاراژ کرمانشاه قابل قبول ندانسته است و خواهان می‌بایستی علیه متصدی حمل و نقل در همدان اقامه دعوی کند. هیئت عمومی دیوان کشور رأی شعبه اول دادگاه استان پنجم را بشرح زیر تایید نموده است:

«اعتراضات وکیل وخواه نسبت به دادنامه غیابی صادر از این دادگاه وارد و دادنامه مخدوش تلقی می‌شود، زیرا مطابق ماده 388 قانون تجارت هرگونه مسئولیت کیر و نقصان محمولات در جریان حمل و نقل متوجه متصدی حمل و نقل است، ولو مباشر حمل و نقل دیگری باشد و در این مورد که بارنامه حاکی از تعهد مؤسسه حمل و نقل همدان در رسانیدن بار به اداره گمرک و یا شخص صاحب مال و اخذ رسید از مشارالیه می‌باشد، نمی‌توان تخلف در مؤسسه مذکور را موجب مسئولیت وخواه دانست و با توجه به حکم مستند بها و مقررات قانون تجارت که در بیان احکام بخصوص از موارد خاصه بوده، ید متصدی حمل و نقل را ید مسئول دانسته است، تسری دادن احکام ضمان مطلقاً در مورد به استناد اظهار وخواه به ورود اموال به گاراژ مشارالیه صورت قانونی ندارد. لذا دادنامه وخواسته گسیخته شده و حکم به بی‌حقی خواهان در مراجعه به خوانده صادر می‌گردد.»

- مسئولیت متصدی حمل و نقل:

متصدی حمل و نقل موظف است مال‌التجاره را صحیح و سالم به مقصد برساند. ماده 386 قانون تجارت تصریح می‌کند:

«اگر مال التجاره تلف یا گم شود، متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود، مگر اینکه ثابت نماید، تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده و یا مرسل الیه و یا ناشی از تعلیماتی بوده که یکی از آنها داده اند و یا مربوط به حوادثی بوده که هیچ متصدی مواظبی نیز نمی‌توانست از آن جلوگیری نماید. قرارداد طرفین می‌تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیادتر از قیمت کامل مال التجاره معین نماید.» ماده 378 اضافه می‌کند: «در مورد خسارات ناشیه از تاخیر تسلیم یا نقص یا خسارات بحری (آواری) مال التجاره نیز متصدی حمل و نقل در حدود ماده فوق مسئول خواهد بود. خسارات مزبور نمی‌تواند از خساراتی که ممکن بود در صورت تلف شدن تمام مال التجاره حکم به آن شود تجاوز نماید، مگر اینکه قرارداد طرفین خلاف این ترتیب را مقرر داشته باشد.»

بنا به مراتب متصدی حمل و نقل مسئول تلف شدن یا گم شدن یا نقص یا تاخیر در حمل و نقل کالا است، مگر در موارد زیر و آنهم در صورتی است که متصدی حمل و نقل نتواند موارد زیر را به اثبات برساند.

یک - خسارات ناشیه از جنس کالا:

کالایی که ارسال می‌شود باید صحیح و سالم به مقصد برسد ولی بعضی اوقات خسارت از جنس خود کالا ناشی می‌شود، مثلاً خشکبار کرم می‌زند، پنیر می‌گندد، ماهی فاسد می‌شود، اینگونه خسارات چون مختص خود کالا است، مسئولیتی برای متصدی حمل و نقل ایجاد نمی‌کند، مگر آنکه متصدی حمل و نقل برای حمل آنها تعهد مخصوصی کرده باشد. مثلاً اگر می‌بایستی ماهی با کامیون یخچالی حمل شود، متصدی حمل و نقل آن را با کامیونهای عادی فرستاده باشد. در مورد نقص و تلف شدن مقداری از کالا نیز بسته به نوع کالا ممکن است چند درصدی از کسری مشمول خسارت نشود، مثلاً در مورد حمل غلات و زغال که بدون بسته بندی حمل می‌شود اگر یک درصد کم شود، امری طبیعی محسوب می‌شود و همینطور در مورد کالاهایی که در اثر خشکی هوا مانند توتون ممکن است وزن آنها کم شود به همین ترتیب در مورد بعضی از کالاهای متصدیان حمل و نقل مسئولیت قبول نمی‌کنند، مانند مواد منفجره که در صورت انفجار متصدی حمل و نقل خسارت را قبول نمی‌کند یا در مورد اشیاء گرانقیمت که متصدی حمل و نقل مسئولیت دزدی آنها را قبول نمی‌کند.

دو - خسارات ناشی از تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه:

فرستنده کالا باید کالا را به نحو مناسبی عدل بندی کند، بنابراین اگر مثلاً کالای شکستنی درست عدل بندی نشود، و در نتیجه شکسته شود، متصدی حمل و نقل مسئول نیست. معهداً ماده 381 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اگر عدل بندی عیب ظاهر داشته و متصدی حمل و نقل مال را بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد، مسئول آواری خواهد بود.» زیرا در این مورد با علم به اینکه عدل بندی مناسب نیست متصدی مسئولیت را بعهده گرفته است. به همین ترتیب در مواردیکه کالای عدل بندی شده بدون دست خوردگی تحویل می‌شود، اگر کالا مطابق مشخصات اظهار شده از طرف فروشنده نباشد، باز متصدی حمل و نقل مسئولیتی ندارد.

سه - خسارات ناشی از تعلیمات ارسال کننده یا مرسل الیه:

متصدی حمل و نقل معمولاً، کالا را طبق اصول و قواعد فنی باید حمل کند، ولی بعضی اوقات ممکن است فروشنده یا گیرنده کالا دستور مخصوصی برای حمل کالا بدهند. مثلاً با وجود آنکه هوا گرم است، فروشنده دستور دهد، ماهی یا گوشت بوسیله وسایل نقلیه عادی فرستاده شود یا با وجود آنکه هوا بارانی است و طوفان است دستور حمل بدهد و در نتیجه کالا خسارت ببیند یا آنکه قبل از حمل و یا بعد از رسیدن کالا به مقصد طبق دستور فرستنده یا گیرنده کالا در محل‌های مخصوصی که از طرف آنها تعیین شده است، بگذارند و در نتیجه کالا خسارت ببیند، در این قبیل موارد نیز متصدی حمل و نقل که طبق دستور فرستنده یا گیرنده عمل کرده است، مسئولیتی ندارد.

چهار - خسارات ناشی از حوادثی که هیچ متصدی مواظبی نتواند از آن جلوگیری کند. (قوه قهریه)

متصدی حمل و نقل امین محسوب می‌شود و باید مواظبت و دقت لازم کالا را حمل نماید، ولی بعضی اوقات حوادثی اتفاق می‌افتد که قابل پیش بینی نیست. مثلاً طوفان می‌شود و سیل راه می‌افتد و در نتیجه کالا را از بین می‌برد یا آنکه در نتیجه شورش و اغتشاش کالا مورد تاراج قرار می‌گیرد.

موارد مربوط به فرس ماژور و قوه قهریه از موادی است که برای متصدی حمل و نقل مسئولیت ایجاد نمی‌کند. فرس ماژور بطور کلی هر امری است که بدون آنکه متصدی حمل و نقل تقصیر یا غفلی کرده باشد، موجب از بین رفتن یا خسارت کالا می‌شود و موارد مهم آن به قرار زیر است:

- بلایای طبیعی مانند طوفان، سیل، زلزله، و غیره.

- امر حاکم مانند توقیف اموال، بستن راه‌ها و غیره.

- جنگ و نتایج آن.

- عملیات دشمنان جامعه.

- محدودیتهای قرنطینه.

- اعتصاب

- شورش و اغتشاش

- بطور کلی هر امری که پیش بینی آن ممکن نباشد.

- خسارت تاخیر:

در مورد تاخیر اغلب متصدیان حمل و نقل مسئولیتی بعدده نمی‌گیرند، مگر آنکه صراحتاً مدت معینی را برای حمل بار قبول کرده باشند. ولی با وجود این در مواردی که متصدی حمل و نقل غفلت و تقصیر کرده باشد، مسئول است. مگر اگر در موقع حمل باری را جا گذاشته و فراموش کرده باشد یا آنکه بعد از رسیدن کالا به مقصد گیرنده را از رسیدن کالا مطلع نسازد. زیرا ماده 389 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «متصدی حمل و نقل باید به محض وصول مال التجاره مرسل

الیه را مستحضر نماید. »

- محدودیت مسئولیت:

متصدیان حمل و نقل همواره سعی می‌کنند از زیر بار مسئولیت شانه خالی کنند و در قراردادهای حمل نقل قید می‌کنند که حمل و نقل بدون مسئولیت متصدی حمل و نقل انجام می‌گیرد و در اغلب کشورها قوانین موضوعه این قید را بلا اثر دانسته و جایز نمی‌دانند که متصدی حمل و نقل هیچگونه مسئولیتی قبول نکند. به همین ترتیب در مواردیکه متصدی حمل و نقل مسئولیت خود را بقدری محدود می‌کند که مانند آن باشد که هیچگونه مسئولیتی قبول نکرده است، چنین قراری را باطل اعلام می‌دارند.

قانون تجارت ایران گرچه عدم مسئولیت کلی متصدی حمل و نقل را قبول نکرده است، ولی آخر ماده 386 مقرر می‌دارد که: «قرارداد طرفین می‌تواند برای میزان خسارت مبلغی کمتر یا زیادتر از قیمت کامل مال التجاره معین نماید.» و به این ترتیب متصدیان حمل و نقل می‌توانند با تعیین مبلغ کمی خود را از قید مسئولیتها رها سازند. البته در صورتی است که از طرف متصدی حمل و نقل تقصیر یا غفلی سر نزده باشد که در این قبیل موارد بر اساس تقصیر و غفلت، متصدی حمل و نقل مسئول کلیه خسارات وارده است. ولی اشکال امر این است که فرستنده باید تقصیر متصدی حمل و نقل را ثابت کند و این امر برای فرستنده کنترلی بر حمل و نقل ندارد، فوق‌العاده مشکل است.

تسلیم کالا و پایان مسئولیت متصدی حمل و نقل:

متصدی حمل و نقل موظف است به محضی که کالا به مقصد رسید، گیرنده را از وصول کالا مطلع نماید. بعد از تسلیم کالا به گیرنده چنانچه کالا صحیح و سالم تحویل شود، مسئولیت متصدی حمل و نقل پایان می‌یابد. برای آنکه متصدیان حمل و نقل همواره مورد تعقیب قرار نگیرند و در موردی که کالا بعد از تحویل خسارتی ببینند، مسئول قلمداد نشوند، کلیه قوانین مدت خیلی کمی را برای ایراد اعتراضات پیش بینی کرده اند. ماده 391 قانون تجارت نیز پیش بینی می‌کند:

«اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تادیه شود، دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد شد، مگر در مورد تدلیس و تقصیر عمده بعلاوه متصدی حمل و نقل مسئول آواری غیر ظاهر نیز خواهد بود، در صورتیکه مرسل الیه آن آواری را در مدتی که مطابق اوضاع و احوال رسیدگی به مال التجاره ممکن بود، بعمل آید و یا بایستی بعمل آمده باشد، مشاهده کرده و فوراً پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. در هر حال این اطلاع باید منتها تا هشت روز بعد از تحویل گرفتن مال التجاره داده شود.»

بنابراین اگر مال التجاره بدون قید و شرط قبول شود و یا آنکه در مورد آواری تا هشت روز بعد از تحویل اعتراضی نشود، مسئولیت متصدی حمل و نقل پایان می‌یابد.

سایر وظایف و حقوق متصدی حمل و نقل:

متصدی حمل و نقل مکن است، علاوه بر حمل و نقل کالا مسئولیتهای دیگری طبق قرار طرفین قبول کند. مهمترین این موارد به قرار زیر می‌باشد: ممکن است فرستنده کالا متصدی حمل و نقل را مأمور کند که در موقع تحویل کالا بهای آن را از گیرنده دریافت دارد، بدیهی است در چنین موردی اگر متصدی حمل و نقل کالا را بدون دریافت قیمت آن تحویل دهد، در مقابل فرستنده مسئول می‌باشد.

چنانچه گیرنده کالا از قبول کالا و پرداخت قیمت آن خودداری کند، فرستنده مسئول مخارج و هزینه‌های متصدی حمل و نقل می‌باشد و ماده 384 قانون تجارت مقرر می‌دارد:

«اگر مرسل الیه مال التجاره را قبول نکند و یا مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره تادیه نشود و یا به مرسل الیه دسترسی نباشد، متصدی حمل و نقل باید مراتب را به اطلاع ارسال کننده رسانیده و مال التجاره را موقتا نزد خود بطور امانت نگاه داشته یا نزد ثالثی امانت گذارد و در هر دو صورت مخارج و هر نقص و عیب بعهدہ ارسال کننده خواهد بود. اگر ارسال کننده و یا مرسل الیه در مدت مناسبی تکلیف مال التجاره را معین نکند، متصدی حمل و نقل می‌تواند مطابق ماده 362 آن را بفروش رساند.»

یعنی اگر بیم فساد سریع مال التجاره رود مال التجاره باید با اطلاع دادستان محلی که مال التجاره در آنجا است یا نماینده او برسد. به همین ترتیب ماده 385 قانون تجارت تاکید می‌کنند:

«اگر مال التجاره در معرض تضییع سریع باشد و یا قیمتی که می‌توان برای آن فرض کرد با مخارجی که برای آن تکافو ننماید، متصدی حمل و نقل باید فوراً مراتب را به اطلاع مدعی العموم بدایت محل یا نماینده او رسانیده و با نظارت او مال را بفروش رساند. حتی المقدور ارسال کننده و مرسل الیه را باید از اینکه مال التجاره بفروش خواهد رسید مسبوق نمود.»

بطوریکه ملاحظه می‌شود متصدی حمل و نقل حق ممتاز و حق حسن مال التجاره را دارد و چنانچه کرایه و هزینه‌های او پرداخت نشود، می‌تواند از حاصل فروش مال التجاره کرایه و هزینه‌های خود را دریافت دارد. البته این در صورتی است که مال التجاره تحویل گیرنده نشده باشد، زیرا بعد از تحویل، طلب متصدی حمل و نقل مثل سایر مطالبات عادی خواهد بود، حق ممتاز بر کالا تا زمانی است که کالا در ید متصدی حمل و نقل است.

وظایف گیرنده کالا:

اصولاً در قرارداد حمل و نقل گیرنده کالا شخصاً طرف معامله قرار نمی‌گیرد، مگر آنکه فرستنده و گیرنده یک نفر باشد و در قرارداد حمل فرستنده مالا به نفع گیرنده اعمالی انجام می‌دهد، وظیفه گیرنده کالا تحویل مال التجاره است، ولی باید مراقبت نماید که کالا صحیح و سالم باشد. زیرا طبق ماده 391 قانون تجارت:

«اگر مال التجاره بدون هیچ قیدی قبول و کرایه آن تادیه شود، دیگر بر علیه متصدی حمل و نقل دعوی پذیرفته نخواهد

شد، مگر در مورد تدلیس یا تقصیر عمده، بعلاوه متصدی حمل و نقل مسئول آواری غیر ظاهر نیز خواهد بود. در صورتیکه مرسل الیه آن آواری را در مدتی که مطابق اوضاع و احوال رسیدگی نال التجاره ممکن بود، بعمل آید و یا بایستی بعمل آمده باشد، مشاهده کرده و فوراً پس از مشاهده به متصدی حمل و نقل اطلاع دهد. در هر حال این اطلاع باید منتها تا هشت روز بعد از تحویل گرفتن مال التجاره داده شود.»

بطوریکه توضیح داده شد، گیرنده مستقیماً تعهدی در مقابل متصدی حمل و نقل ندارد و اختیار دارد از تحویل گرفتن کالا خودداری کند. ولی چون از عمل او خساراتی متوجه فرستنده کالا خواهد گردید، اگر ارسال کالا طبق توافق قبلی بوده است، فرستنده کالا می‌تواند بر علیه گیرنده اقامه دعوا برای دریافت خسارات حاصله بنماید، بهر حال ماده 390 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اگر مرسل الیه میزان مخارج و سایر وجوهی را که متصدی حمل و نقل بابت مال التجاره مطالبه می‌نماید، قبول نکند، حق تقاضای تسلیم مال التجاره را نخواهد داشت، مگر اینکه مبلغ متنازع فیله را تا ختم اختلاف در صندوق عدلیه امانت گذارد.»

به همین ترتیب اگر بین مرسل الیه و متصدی حمل و نقل اختلاف باشد، طبق ماده 392 قانون تجارت: «محکمه صلاحیت دار می‌تواند به تقاضای یکی از طرفین امر دهد، مال التجاره نزد ثالثی امانت گذارده شده یا لدی الاقتضاء فروخته شود. در صورت اخیر فروش باید پس از تنظیم صورتمجلسی حاکی از آنکه مال التجاره در چه حال بوده بعمل آید.»

بوسیله پرداخت تمام مخارج و وجوهی که بابت مال التجاره ادعا می‌شود و یا سپردن آن به صندوق عدلیه از فروش مال التجاره می‌توان جلوگیری کرد.

مرور زمان دعاوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل:

در کلیه قوانین برای اینکه اختلافات با متصدی حمل و نقل طولانی نشود، مرور زمانی کمتر از معمول پیش بینی شده، زیرا مشاهده و تایید خسارت باید فوراً صورت گیرد. ماده 393 قانون تجارت نیز تصریح می‌کند:

«نسبت به دعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یکسال است. مبدا این مدت در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و یا تاخیر در تسلیم روزی است که تسلیم بایستی در آن روز بعمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری) روزی که مال به مرسل الیه تسلیم شده.»

موضوعی که در مورد مرور زمان اهمیت دارد حق رجوعی است که متصدیان حمل و نقل بر علیه متصدیان حمل و نقل دیگری که قسمتی از حمل و نقل را انجام داده اند، دارا می‌باشند و معلوم نیست اگر فرستنده یا گیرنده کالا در آخرین روز موعدی که می‌توانند اقامه دعوی نمایند، دعاوی خود را بر علیه متصدی حمل و نقل اصلی طرح نمایند، آیا این اقامه دعوی مرور زمان متصدی حمل و نقل اصلی را نیز بر علیه متصدی حمل و نقل دست دوم قطع می‌کند یا خیر؟ زیرا فرستنده فقط حق اقامه دعوی بر علیه متصدی حمل و نقل اصلی را دارد و شرایط بین متصدی حمل و نقل اصلی و

متصدی حمل و نقل دست دوم نیز تابع مقررات قانون تجارت است و اگر در ظرف یک سال اقامه دعوی نشود ممکن است حق او تضييع شود، درای باره هنوز رویه‌ای در بین نیست، ولی چون حق رجوع متصدی حمل و نقل اصلی بر اساس ضمان است و اقامه دعوی قاطع مرور زمان تلقی می‌شود، می‌توان استدلال نمود که حق رجوع متصدی حمل و نقل اصلی به متصدی حمل و نقل دوم محفوظ است.

طبق اصول کلی که در قانون آیین دادرسی مدنی پیش بینی شده است، موارد تعلیق یا انقطاع مرور زمان در مورد زمان بر علیه متصدی حمل و نقل نیز جاری است و طی ماده 761 قانون آیین دادرسی مدنی مرور زمان بوسیله مطالبه حق از طریق تقدیم دادخواست یا اظهارنامه قانونی یا در صورتیکه متصدی حمل و نقل در دادگاه یا بوسیله سندی اقرار به دین خود نماید قطع می‌شود.

طبق ماده 766 قانون آیین دادرسی در صورت قطع مرور زمان در مدت مرور زمان یک ساله شش ماه علاوه بر بقیه مدت مرور زمان قبل از انقطاع خواهد بود و مرور زمان طبق ماده 765 قانون آیین دادرسی مدنی بیش از یک دفعه منقطع نمی‌گردد.

نکات مهم مبحث قرارداد حمل و نقل:

- 1- متصدی حمل و نقل کسی است که در مقابل اجرت حمل اشیاء را بعهدہ می‌گیرد.
- 2- قرارداد حمل و نقل تابع مقررات وکالت است و در بعضی از موارد تابع قانون تجارت است.
- 3- خسارات بحری (آواری) ناشی از عیوب عدل بندی بعهدہ ارسال کننده است.
- 4- اگر عدل بندی عیب ظاهر داشته باشد و متصدی حمل و نقل مال را بدون قید عدم مسئولیت قبول کرده باشد مسئول آواری خواهد بود.
- 5- ارسال کننده می‌تواند مادام که مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل است آن را با پرداخت مخارجی که متصدی حمل و نقل کرده و خسارات او پس بگیرد.
- 6- اگر بارنامه به مرسل الیه تسلیم شده باشد ارسال کننده نمی‌تواند حتی با وجود مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل آن را پس بگیرد.
- 7- اگر متصدی حمل و نقل به ارسال کننده رسیدی داده باشد و ارسال کننده نتواند آن را به متصدی حمل و نقل پس بدهد، ارسال کننده نمی‌تواند مال التجاره را از متصدی حمل و نقل بگیرد.
- 8- پس از وصول مال التجاره به مقصد و تسلیم آن به مرسل الیه، ارسال کننده نمی‌تواند خواستار بازگرداندن آن شود.
- 9- اگر مال التجاره تلف یا گم شود متصدی حمل و نقل مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه ثابت کند تلف یا گم شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا مستند به تقصیر ارسال کننده یا مرسل الیه بوده است.
- 10- متصدی حمل و نقل مسئول حوادث و تقصیراتی است که در مدت حمل و نقل واقع شده اعم از اینکه خود مباشرت به حمل و نقل کرده یا حمل و نقل کننده دیگری را مأمور کرده باشد.
- 11- نسبت به دعوی خسارت بر علیه متصدی حمل و نقل مدت مرور زمان یکسال است.
- 12- مبدا مرور زمان اقامه دعوی خسارت علیه متصدی حمل و نقل در صورت تلف یا گم شدن مال التجاره و یا تاخیر در تسلیم روزی است که تسلیم باید در آن روز به عمل آمده باشد و در صورت خسارات بحری (آواری) روزی که مال به مرسل الیه تسلیم شده است.

مجموعه تست

1- ارسال کننده مال التجاره پس از تسلیم آن به متصدی حمل و نقل، تا چه موقع می تواند مال التجاره را پس

بگیرد؟

(1) قبل از آنکه مال التجاره بارگیری شود.

(2) مادام که مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل است.

(3) قبل از آنکه مال التجاره بارگیری شود، به شرط آنکه متصدی حمل و نقل تقاضای ارسال کننده را بپذیرد.

(4) مادام که مال التجاره در ید متصدی حمل و نقل است، به شرط آنکه متصدی حمل و نقل تقاضای ارسال کننده را

بپذیرد.

2- اگر مال التجاره تلف شود، متصدی حمل و نقل: (سراسری 79)

(1) مسئول قیمت آن خواهد بود، مگر اینکه ثابت کند تلف شدن مربوط به جنس خود مال التجاره یا..... بوده است.

(2) مسئول قیمت آن نخواهد بود، مگر اینکه ثابت شود که تعدی و تفریط کرده است.

(3) مسئول رد مثل آن است

(4) هیچگونه مسئولیتی ندارد

3- اگر کالا به طرز مناسبی عدل بندی نشده باشد، خسارات ناشی از عیوب عدل بندی بعهدہ کیست؟

(1) ارسال کننده

(2) متصدی حمل و نقل

(3) مرسل الیه

(4) متصدی حمل و نقل و مرسل الیه

4- اگر مال التجاره گم شود، متصدی حمل و نقل: (سراسری 74)

(1) مطلقاً مسئولیتی ندارد

(2) مسئول پیدا کردن آن است

(3) مسئول قیمت آن خواهد بود مگر اینکه با اثبات عوامل مقرر در قانون، از خود رفع مسئولیت نماید.

(4) و راننده وسیله نقلیه، نسبت به قیمت آن مسئولیت تضامنی دارند.

5- اگر مرسل الیه با تنظیم صورت مجلس تخلیه، کالاهای موضوع قرارداد حمل را بدون هیچگونه قیدی تحویل بگیرد، در صورت تدلیس یا تقصیر عمده متصدی حمل، حق دارد علیه وی ادعای مطالبه و خسارت نماید، مشروط بر اینکه:

(1) در مدت 8 روز از زمان تحویل طرح دعوی نماید

(2) ظرف مدت یک ماه از هنگام تحویل طرح دعوی نماید

(3) هر زمانی که مایل باشد اقامه دعوی نماید

(4) ظرف مدت یکسال از تاریخ تحویل، دعوای خود را مطرح سازد.

پاسخنامه

1- گزینه (2) صحیح است.

2- گزینه (1) صحیح است.

3- گزینه (1) صحیح است.

4- گزینه (3) صحیح است.

5- گزینه (1) صحیح است.

قائم مقام تجاری

مؤسسات تجارتي در صورتی که به صورت شرکت نباشند، شخصیت حقوقی نداشته و کلیه کارهای تجارتخانه به نام صاحب تجارتخانه انجام می‌گیرد. صاحب تجارتخانه در صورتی که نتواند شخصاً کلیه امور تجارتخانه را انجام دهد، ناچار است از طرف خود نمایندگی تعیین کند که تمام یا قسمتی از امور تجارتخانه را انجام دهند. این نمایندگان که تحت امر و به نام و به حساب صاحب تجارتخانه مبادرت به عملیات تجارتي می‌کنند، تاجر محسوب نمی‌شوند زیرا نتیجه کار آنها مربوط به صاحب تجارتخانه‌ها است، مهم‌ترین این نمایندگان قائم مقام تجارتي می‌باشد. ماده 395 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «قائم مقام تجارتي کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوط به تجارتخانه یا یکی از شعب آن نایب خود قرار داده و امضای او برای تجارتخانه الزام‌آور است. سمت مزبور ممکن است کتباً داده شود یا عملاً.» مثلاً درباره امور مهم مانند فروش اموال تجارتخانه یا مراجعه به مقامات دولتی باید با وکالتنامه کتبی باشد وگرنه انجام امور روزمره تجارتخانه به صورت وکالت شفاهی نیز ممکن می‌باشد. برای رسمیت یافتن سمت قائم‌مقام تجارتي بهتر است وکالتنامه مخصوصی برای او تنظیم شود و اختیارات او تعیین گردد زیرا در صورت عدم وجود وکالتنامه از لحاظ عرف و عادت تجارتي کلیه اموری را که قائم مقام تجارتي انجام دهد، برای صاحب تجارتخانه الزام‌آور است. ماده 396 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «تحدید اختیارات قائم مقام تجارتي در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته‌اند معتبر نیست.

مثال 1- کدام یک از اشخاص زیر تاجر محسوب نمی‌شود؟

- 1) حق‌العمل‌کار (2) دلال (3) عامل (4) قائم مقام تجارتي
- 4- پاسخ: گزینه «4»

قائم مقام تجارتي چون به نام و حساب خود عمل نمی‌کند تاجر محسوب نمی‌شود.

اجتماع قائم مقامان تجارتي

ممکن است چند نفر به عنوان قائم مقام تجارتي تعیین شوند. در این صورت کدام یک از آنها اختیارات لازم را برای اداره امور تجارتخانه دارا خواهند بود؟ در صورتی که تصریح نشود کلیه قائم‌مقامان تجارتي مجتمعاً باید امضاء نمایند دارای حق امضای انفرادی می‌باشند. ماده 397 قانون تجارت در این مورد مقرر می‌دارد: «قائم مقامی تجارتي ممکن است به چند نفر مجتمعاً داده شود با قید این که تا امضاء نکنند تجارتخانه ملزم نخواهد شد ولی در مقابل اشخاص ثالثی که از این قید اطلاع نداشته‌اند فقط در صورتی می‌توان از آن استفاده کرد که این قید به ثبت رسیده و اعلان شده باشد.» ماده 398 قانون تجارت تصریح می‌کند که بدون اجازه رئیس تجارتخانه قائم مقام تجارتي در صورتی که ماذون نباشد، حتی به مسئولیت خود نمی‌تواند به دیگران وکالت نمایندگی در امور تجارتخانه بدهد. در صورتی که این اجازه به او داده شده باشد می‌تواند نمایندگان دیگری برای تجارتخانه معین کند.

مثال 2- کدام گزینه صحیح نیست؟

- 1) امضای قائم مقام تجاری برای تجارتخانه الزام‌آور است.
- 2) قائم مقام تجاری ممکن است به چند نفر مجتمعاً داده شود.
- 3) قائم مقام تجاری می‌تواند به مسئولیت خود اموری را که به وی محول شده است به دیگران وکالت دهد.
- 4) در صورتی که چند نفر قائم مقام تجاری باشند با امضاء تمام آن‌ها تجارتخانه ملزم می‌شود.

پاسخ: گزینه «3»

قائم مقام تجاری نمی‌تواند بدون اذن آمر کسی را در کارهای تجارتخانه نایب خود قرار دهد وی حتی به مسئولیت خودش نمی‌تواند این کار را انجام دهد بلکه اذن آمر لازم است. (ماده 398 قانون تجارت)

عزل قائم مقام تجاری

صاحب تجارتخانه در هر موقع می‌تواند قائم مقام خود را عزل نماید، منتهی این عزل باید به اطلاع عموم برسد. در صورتی که وکالت قائم مقام تجاری به ثبت برسد و اگر عزل قائم مقام به ثبت برسد در مقابل اشخاص ثالثی که از عزل مطلع نبوده وکالت باقی محسوب می‌شود.

قائم مقامی تجاری تفاوت فاحشی با وکالت دارد که در ماده 400 قانون مدنی ذکر شده است مطابق این ماده: «با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم مقام تجاری منعزل نیست» در حالی که وکالت با فوت یا حجر موکل از بین می‌رود. در صورتی که تجارتخانه منحل شود قائم مقام تجاری منعزل می‌شود. (ماده 400 قانون تجارت)

مثال 3- کدام گزینه صحیح نیست؟

- 1) آمر می‌تواند قائم مقام تجاری را عزل کند.
- 2) با حجر آمر، قائم مقام تجاری منعزل می‌شود.
- 3) با انحلال تجارتخانه قائم مقام تجاری منعزل می‌شود.
- 4) عزل قائم مقام تجاری باید ثبت شود.

پاسخ: گزینه «2»

با فوت یا حجر قائم مقام تجاری منعزل نمی‌شود. (ماده 400 قانون تجارت)

نکات کلیدی

- قائم مقام تجارتي کسی است که رئیس تجارتخانه او را برای انجام کلیه امور مربوطه به تجارتخانه نایب خود قرار می‌دهد.
- امضای قائم مقام تجارتي برای تجارتخانه الزام‌آور است.
- سمت قائم مقامی ممکن است کتباً داده شود یا عملاً
- تحدید اختیارات قائم مقام تجارتي در مقابل اشخاصی که از آن اطلاع نداشته‌اند معتبر نیست.
- قائم مقامی تجارتي ممکن است به چند نفر مجتمعاً داده شود.
- در صورت اجتماع قائم مقامان تجارتي با امضاء تمامی آنها تجارتخانه ملزم می‌شود.
- قائم مقام تجارتي بدون اذن رئیس تجارتخانه نمی‌تواند کسی را در کلیه کارهای تجارتخانه نایب خود قرار دهد.
- عزل قائم مقام تجارتي در صورتی که وکالت او به ثبت رسیده باشد به ثبت برسد.
- با فوت یا حجر رئیس تجارتخانه قائم مقام تجارتي منعزل نمی‌شود.
- با انحلال تجارتخانه قائم مقام تجارتي منعزل می‌شود.

- ورشکستگی

تعریف ورشکستگی:

از نظر عرفی، ورشکسته به کسی گفته می‌شود که وضعیت مالی او به هم ریخته و بدهیهایش را نمی‌پردازد. یعنی همکاران این شخص و اشخاصی که با وی معامله دارند، او را ورشکسته می‌دانند و اصطلاح ورشکستگی را در مورد وی بکار می‌برند.

اما از نظر حقوقی ورشکسته به تاجری گفته می‌شود که قادر به پرداخت دیونش نباشد و حکم ورشکستگی وی صادر شده باشد. بعبارت دیگر بنظر دکتر فخاری تا زمانی که حکم ورشکستگی تاجری صادر نشده باشد، نمی‌توان وصف ورشکستگی را به وی داد.

- شرایط ورشکستگی:

ماده 412 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود. حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یک سال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود.»

- اولین شرط صدور ورشکستگی تاجر بودن است.

در ماده 412 قانون تجارت آمده است که ورشکستگی تاجر و شرکتهای تجاری را می‌توان صادر نمود. چرا که ما برای اشخاص عادی و غیر تاجر ورشکستگی نداریم بلکه برای اشخاص عادی واژه معسر را بکار می‌بریم. مسئله‌ای که مطرح می‌شود این است که تاجر به چه کسی گفته می‌شود؟

در قانون‌ها عنوان تاجر هم بر شرکتهای تجاری و هم بر اشخاص حقیقی تاجر اطلاق می‌شود. ماده 20 قانون تجارت شرکتهای تجاری را معرفی می‌کند. شرکتهای تضامنی و نسبی و با مسئولیت محدود شرکتهای مختلط سهامی و مختلط غیر سهامی و شرکتهای تعاونی.

از میان این شرکتهای تجارتی شرکتهای مختلط سهامی و مختلط غیر سهامی در حقوق ایران بندرت بوجود آمده‌اند و شرکتهای تعاونی نیز در واقع امر شرکت تجارتی نیستند. چذا که در واقع تسهیلاتی را به نفع اعضاء می‌دهند.

در نتیجه اشخاص حقوقی تاجر را از روی اتکیت می‌شناسیم و کافی است که به مرجع ثبت شرکتهای مراجعه کنیم و تاجر بودن آنها را احراز کنیم.

اما شناسایی اشخاص حقیقی تاجر، کار خیلی ساده‌ای نیست چرا که در سیستم حقوقی ما سیستم موضوعی است.

ماده 1 قانون تجارت کسی را تاجر می‌داند که شغل معمولی خود را معاملات تجارتی قرار دهد و ماده 2 قانون تجارت نیز امور تجارتی را احصاء کرده است. در واقع دادگاه باید مورد را بررسی کند و احراز کند که آیا شخص مورد نظر شغل معمولی خود را مواردی قرار داده است که در ماده 2 قانون تجارت شمارش شده است تا پس از آن بتواند او را مشمول

حکم ورشکستگی بنماید. البته لازم به ذکر است که منظور از اینکه «تاجر کسی است که شخص معمولی خود را معاملات تجارتي قرار دهد» به این معنا نیست که شغل معمولی انحصاری او شغل تجاری باشد بلکه ممکن است شخصی در پاره‌ای از اوقات خود کار غیر تجارتي را انجام دهد و در بخشی از اوقات خود کار تجارتي انجام دهد. چنین فردی نیز تاجر محسوب می‌شود.

دومین شرط برای صدور حکم ورشکستگی شخص تاجر توقف در پرداخت است: اگر تاجر، بدهی خودش را که بصورت وجه نقدی است نپردازد می‌تواند ورشکسته محسوب شود. وگرنه اگر تاجریکی از تعهدات خود را انجام ندهد نمی‌توان ورشکستگی او را صادر کرد. چرا که ممکن است تاجر تعهدی غیر از پرداخت وجه نقد داشته باشد مثلاً متصدی حمل و نقل (که تاجر محسوب می‌شود) تعهد داده است که کالایی را حمل کند اما به تعهد خود عمل ننموده است به علت عدم انجام این تعهد نمی‌توان حکم ورشکستگی او را صادر کرد.

با تدقیق در ماده 412 قانون تجارت با توجه به اینکه واژه «توقف» بکار برده شده است می‌توان دریافت که زمانی ورشکستگی تاجر را می‌توان صادر کرد که وی یکی از دیون خود را نپردازد.

قانونگذار بعلت عدم پرداخت توجهی ندارد، تاجر به هر علتی ممکن است دیون خودش را نپردازد. تاجر ممکن است کلیه امورش به هم ریخته باشد و نتواند دین خودش را بپردازد ولی در عین حال ممکن است اموال بسیاری داشته باشد. بنابراین نپرداختن و علت توقف پرداخت عبارتست از نداشتن نقدینگی، حتی در مواردی وضع مالیش خوب است و نقدینگی هم دارد ولی از لحاظ روانی نمی‌تواند بپردازد، اینجا عدم پرداخت مهم نیست چرا که آنچه را که محکمه باید احراز کند عدم پرداخت است نه علت.

مقدار بدهی برای صدور حکم ورشکستگی مهم نیست عدم پرداخت بدهی کم هم می‌تواند عامل صدور حکم ورشکستگی باشد.

- دینی که تاجر دارد می‌تواند مدنی باشد و یا اینکه می‌تواند دین تجاری باشد.

اگر تاجر برای امور شخصی خود معامله‌ای را انجام دهد ولی دین خود را نتواند انجام دهد به خاطر عدم پرداخت چنین دینی که مدنی محسوب می‌شود، می‌توان حکم ورشکستگی را صادر کرد. بدهی تاجر باید مسلم باشد، مسلم بودن دین تاجر به دو طریق قابل احراز است:

اول: طلبکار تاجر حکمی از دادگاه مبنی بر مدیونیت تاجر را می‌گیرد و حکم دادگاه را مستند قرار داده و از دادگاه تقاضای صدور حکم ورشکستگی می‌کند.

دوم: طلبکار ممکن است سندی دال بر طلبکار بودن از تاجر را داشته باشد مثلاً چکی از تاجر دارد که تاجر آن را نمی‌پردازد در اینصورت دادگاه به این امر رسیدگی کرده و اگر دین وی را مسلم تشخیص دهد می‌تواند ورشکستگی وی را صادر کند.

حاصل شده است توقف خود را به دفتر محکمه اعلام کند و صورتحساب دارایی و کلیه دفاتر تجاری خود را به محکمه مزبور تسلیم کند.

اگر تاجر ورشکسته به دستور مواد 413 و 414 قانون تجارت عمل نکند دادگاه باید در حکم ورشکستگی قرار توقیف تاجر را نیز بدهد. (ماده 435 قانون تجارت)

این توقیف کاملاً جنبه احتیاطی دارد و مقنن یک بدبینی کاملی را نسبت به تاجر ابراز می‌کند آزادی این تاجر ممکن است موجب اخلال امر ورشکستگی شود. چرا که تاجر ممکن است اموالش را حیف و میل کند و داراییهایش را به دیگران بدهد یا اینکه بطور صوری عده‌ای طلبکار درست کند لذا این امر تاجر به منافع جامعه هم مرتبط است و آزادی وی موجب اختلال نظم جامعه است.

2- طلبکاران تاجر:

طلبکاران تاجر برای وصول طلب خود به تاجر رجوع می‌کنند و وقتی با عدم پرداخت طلبشان روبه رو می‌شوند حق دارند که از دادگاه تقاضای صدور حکم ورشکستگی بکنند. طلبکاران در امر ورشکستگی از حقوق مساوی برخوردار هستند.

3- دادستان:

هر کسی که بنحوی نظم جامعه را بر هم می‌زند باید شخصی به نمایندگی از جامعه مقابل او باشد این شخص هم باید دارای تشکیلاتی باشد که این تشکیلات دادسرا می‌باشد. تاجری که بدهکار است و خودش اقدامی نکرده است بتدریج هم وضع خودش به هم می‌ریزد و هم نظم جامعه به هم می‌خورد لذا قانونگذار اجازه می‌دهد که دادستان، ورشکستگی وی را مطرح کند.

- محتویات حکم ورشکستگی:

پس از درخواست اشخاص ذینفع از دادگاه صالح، دادگاه به امر ورشکستگی تاجر رسیدگی می‌کند و در این زمینه حکم صادر می‌کند ولی قبل از صدور حکم باید دو شرط را احراز کند: یکی تاجر بودن و دیگری توقف در پرداخت بدهی. بنابراین دادگاه ورشکستگی کسی را می‌تواند مطرح کند که اولاً تاجر بوده و ثانیاً بدهی مسلمش را نپرداخته باشد. با صدور حکم ورشکستگی تاجر، وی به حکم 418 قانون تجارت از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است. بنابراین دادگاه شخصی را بعنوان مدیر تصفیه معین می‌کند و اگر در مقر آن دادگاه اداره تصفیه وجود داشته باشد دادگاه امور تاجر ورشکسته را حسب مورد به مدیر تصفیه یا اداره تصفیه واگذار می‌کند.

دادگاه در ضمن حکم ورشکستگی امر به مهر و موم اموال و دارایی تاجر را می‌دهد. از سوی دیگر ماده 417 قانون تجارت مقرر می‌دارد که: «حکم ورشکستگی بطور موقت اجرا می‌شود.» اگر چه عبارتهای بکار رفته در این دو ماده متفاوت

هستند ولی هر دو مفهوم واحدی را القاء می‌کنند. اجرای موقت حکم متضمن انجام کلیه اعمالی است که اگر حکم در مرحله بعدی فسخ شد، اعاده وضع به حالت قبلی ممکن است.

- مهر و موم کردن یعنی اجرای موقت که برای محافظت از دارائیهای تاجر است.

از جمله محتویات حکم ورشکستگی این است که محکمه قرار توقیف تاجری را صادر می‌کند که در ظرف مدت سه روز از تاریخ وقفه، اعلام توقف نکرده است.

از جمله مواردی که در ضمن حکم ورشکستگی به آن رسیدگی می‌شود تاریخ توقف است. تاریخ توقف یعنی تاریخ اولین توقف.

به موجب ماده 416 قانون تجارت دادگاه باید در ضمن حکم ورشکستگی، تاریخ توقف تاجر را مشخص کند و اگر در حکم معین نشده باشد، تاریخ حکم تاریخ توقف محسوب می‌شود.

تاریخ توقیفی که در حکم ورشکستگی معین می‌شود از طرف طلبکاران قابل اعتراض است و اگر طلبکاری نسبت به آن اعتراض کند این اعتراض از سوی دادگاه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد و در صورتی که بر اساس دلایل ابراز شده، تاریخ دیگری بعنوان تاریخ توقف قابل تشخیص باشد دادگاه آن تاریخ را تاریخ توقف اعلام می‌کند.

ماده 536 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «حکم اعلان ورشکستگی و همچنین حکمی که به موجب آن تاریخ توقف تاجر در زمانی قبل از اعلان ورشکستگی تشخیص شود قابل اعتراض است. ماده 537 قانون تجارت مقرر می‌دارد که: «اعتراض باید از طرف تاجر ورشکسته در ظرف ده روز و از طرف اشخاص ذینفع که در ایران مقیم هستند در ظرف یکماه و از طرف آنهایی که در خارجه اقامت دارند در ظرف دو ماه از تاریخ اعلان حکم ورشکستگی بعمل آید.» اشخاصی که در جریان صدور حکم ورشکستگی بوده اند و از نظر مالی با تاجر مرتبط بوده اند می‌توانند نسبت به حکم صادره اعتراض کنند.

همانطور که ملاحظه کردیم ماده 537 قانون تجارت مهلت‌های ده روز و یکماه و دو ماه را به ترتیب برای تاجر، اشخاص مقیم داخل، اشخاص مقیم خارج در نظر گرفته است ولی ماده 538 این مهلتها را بطور تلویحی افزایش داده است. ماده 538 قانون تجارت مقرر می‌کند: «پس از انقضای مهلتی که برای تشخیص و تصدیق مطالبات طلبکارها معین شده است دیگر هیچ تقاضایی از طرف طلبکارها راجع به تعیین تاریخ توقف به غیر آن تاریخی که به موجب حکم ورشکستگی یا حکم دیگری که در این باب صادر شده قبول نخواهد شد. همین که مهلت مزبور منقضی شد تاریخ توقف نسبت به طلبکارها قطعی و غیر قابل تغییر خواهد بود.

- خصوصیات حکم ورشکستگی:

حکمی که در مورد ورشکستگی صادر می‌شود با دیگر احکام صادره در زمینه حقوقی تفاوت‌هایی دارد:

1- نسبی بودن اثر احکام:

وقتی حکمی از دادگاه صادر می‌شود این حکم تنها نسبت به طرفین دعوی اثر دارد و آثارش نسبت به آنها بار می‌شود و اشخاص ثالث نه از حکم منتفع و نه متضرر می‌شوند. ولی حکمی که در مورد ورشکستگی یک تاجر صادر می‌شود اثر آن نسبت به تمامی کسانی که بنحوی از نظر مالی با تاجر در ارتباط بوده اند تسری پیدا می‌کند.

2- قاعده فراغ از دادرسی:

وقتی قاضی در دادگاه به امری رسیدگی کرد و نسبت به آن حکم صادر کرد دیگر حق تغییر آن را ندارد حتی اگر به این نتیجه برسد که در صدور حکم اشتباه کرده است بنابراین اگر اصحاب دعوی اعتراض به حکم داشته باشند باید آن را در دادگاه تجدید نظر اقامه کنند. در حالیکه در مورد حکم ورشکستگی اگر اعتراضی وجود داشته باشد دادگاه صادر کننده حکم به آن اعتراض رسیدگی می‌کند.

3- قاعده اعتبار امر مختومه:

چنانچه دعوایی بین دو شخص مطرح شده باشد و مورد رسیدگی قرار گرفته و حکم قطعی هم صادر گردد این دعوی دیگر بین آن دو نفر قابل طرح نیست و اگر هم طرح شود قابل رسیدگی نیست. اما علی‌رغم قاعده اعتبار امر مختومه، حکمی که در زمینه ورشکستگی صادر می‌شود اگر چه اعتبار امر مختومه را پیدا کرده باشد مجدداً قابل اعتراض است و همان دادگاه صادر کننده به اعتراض رسیدگی می‌کند.

4- اجرای حکم:

در امور حقوقی وقتی حکمی صادر می‌شود آن حکم خود به خود اجرا نمی‌گردد بلکه پس از صدور حکم آن حکم ابلاغ می‌شود و پرونده مختومه می‌گردد. علی‌الاصول محکوم علیه کاری می‌کند که حکم اجرا نگردد اما اگر محکوم له بخواهد حکم اجرا گردد باید تقاضای صدور اجرائیه بکند. در زمینه حکم ورشکستگی اجرای حکم نیازی به تقاضای صدور اجرائیه ندارد زیرا اداره تصفیه و یا مدیر تصفیه به محض اطلاع، حکم را به مرحله اجرا در می‌آورد. اجرای حکم ورشکستگی یعنی اجرای اموری که اداره تصفیه موظف است در مورد تاجر ورشکسته بنماید.

5- وقتی در امور حقوقی اجرائیه صادر می‌شود، محکوم له، قدم به قدم باید دنبال پرونده اجرائی باشد، اینطور نیست که وقتی تقاضای صدور اجرائیه می‌کند همه نیروها بسیج شوند تا حق طرف را بگیرند، بلکه باید محکوم علیه کجا اموال دارد تا این اموال توقیف نشوند. و اگر محکوم له در مرحله‌ای امر اجرای پرونده را پیگیری نکند، اجرا در هر مرحله‌ای که باشد متوقف می‌گردد. در صورتی که اجرای حکم ورشکستگی هیچگاه متوقف نمی‌شود، بلکه مدیر یا اداره تصفیه باید کلیه وظایفی را که به موجب قانون، عهده دار آن است باید تا پایان کار دنبال کند تا عملیات تصفیه خاتمه یابد. تنها یک عامل می‌تواند اجرای حکم ورشکستگی را متوقف کند که آن هم انعقاد قرارداد ارفاقی است.

- آثار حکم ورشکستگی:

وقتی که دادگاه حکم ورشکستگی تاجری را صادر می‌کند از این حکم صادره آثاری بوجود می‌آید. اولین اثر حکم

ورشکستگی منع مداخله تاجر در احوال و حقوق مالی خود است.

ماده 418 قانون تجارت تاجر ورشکسته را از نظر دخالت در امور مالی مجبور اعلام می‌کند. این ماده مقرر می‌دارد: «تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد، ممنوع است.» در این رابطه ما دو تاریخ داریم یکی تاریخ صدور حکم و دیگری تاریخ اعلان حکم. در برخی موارد مبدا از تاریخ اعلان حکم است و در برخی از موارد مبدا تاریخ صدور حکم است که این امر در ماده 418 قانون تجارت پیش بینی شده است یعنی تاریخی که محکمه حکم را صادر می‌کند. تاریخ مهمی در حکم ورشکستگی وجود دارد و آن هم تاریخ توقف است که محکمه در حکمش آن تاریخ را معلوم می‌کند که این تاریخ مبدا یکسری آثار است یعنی ممکن است تاجر معاملاتی را قبل از تاریخ توقف و یکسری معاملات را بعد از تاریخ توقف انجام دهد و بعضی از معاملات را نیز بعد از صدور حکم ورشکستگی انجام داده باشد که هر کدام از این معاملات آثار مختلفی خواهند داشت. اثر دوم حکم ورشکستگی در مورد برقراری قائم مقام قانونی برای تاجر که ورشکسته شده و از دخالت در امور مالی ممنوع شده، می‌باشد.

با صدور حکم ورشکستگی، تاجر از دخالت در امور مالی ممنوع می‌شود و شخص را بعنوان مدیر تصفیه برای نظارت بر امور مالی تاجر معین می‌کنند. اما تاجر حق دارد که در امور غیر مالی خود مداخله کند.

- اثر حکم ورشکستگی نسبت به معاملات تاجر:

تاجر در طول دورانی که فعالیت می‌کرده معاملات زیادی را انجام داده است و اگر بخواهیم این معاملات را از نظر زمان وقوع، طبقه بندی کنیم باید قایل به سه دوره باشیم:

1- دوره قبل از تاریخ توقف

2- دوره بین تاریخ توقف و تاریخ صدور حکم ورشکستگی

3- دوره بعد از صدور حکم ورشکستگی

این معاملات را باید از نظر حقوقی بررسی کنیم و وضعیت این معامله را از لحاظ صحیح بودن یا قابل فسخ بودن یا باطل بودن بررسی نماییم.

تاریخ توقف، یعنی تاریخی که اولین وقفه در بدهیهای تاجر پیدا شده، این تاریخ در زندگی تجاری تاجر اهمیت زیادی دارد این تاریخ به حکم ماده 536 و 537 قانون تجارت قابل اعتراض است.

- دوره اول: دوره قبل از تاریخ توقف تاجر:

علی الاصول معاملات تاجر در این دوره محمول بر صحت است یعنی اصل بر صحت معاملات تاجر در دوران قبل از تاریخ توقف است. قانونگذار تعدادی از معاملات تاجر را در آن دوره قابل فسخ دانسته و تعدادی را باطل اعلام کرده است.

1- معاملات قابل فسخ:

ماده 424 مقرر می‌دارد: «هرگاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را بپردازد. دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می‌شود.»

با توجه به اینکه در معاملات قبل از تاریخ توقف اصل بر صحت آنها هست نمی‌توان متعرض این معاملات شد مگر اینکه به نوعی دریابیم که این معاملات به قصد اضرار فرار از ادای دین هستند. پس اگر تاجر قبل از تاریخ توقف خود و برای فرار از ادای دین یا به قصد اضرار به طلبکاران معامله‌ای را انجام دهد که این معامله متضمن ضرری بیش از یک چهارم قیمت حین معامله باشد طلبکاران تاجر و مدیر تصفیه یا اداره تصفیه می‌تواند علیه طرف معامله یا علیه قائم مقام قانونی وی اقامه دعوی کرده و معامله را فسخ کنند. دعوی فسخ را تا دو سال از تاریخ وقوع معامله می‌توان علیه طرف معامله یا قائم مقام قانونی وی اقامه دعوی کرد.

اما اگر طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ، تفاوت قیمت را به شخص ذینفع بپردازد معامله فسخ نخواهد شد. منظور از قائم مقام قانونی چه کسانی هستند؟ منظور از قائم مقام قانونی وارث قانونی شناخته نمی‌شود چرا که منتقل الیه دوم بعنوان شخص ثالث تلقی می‌شود و امنیت معاملات، اقتضای آنرا دارد که اشخاص ثالث مورد حمایت قرار گیرند. پس اگر طرف معامله، مورد معامله را به دیگری واگذار کرده باشد، خواسته نمی‌تواند فسخ معامله باشد بلکه خواسته عبارت خواهد بود. از صدور حکم بر الزام طرف معامله با تاجر به پرداخت تفاوت قیمت.

در صورتی معاملات تاجر، قبل از تاریخ توقف بر اساس ماده 424 قانون تجارت قابل فسخ است که تاجر به قصد فرار از ادای دین یا به قصد اضرار به طلبکاران، مبادرت به معامله کرده باشد. این قصد معمولاً با یکسری قرائن و نشانه‌های خارجی قابل احراز است اما اگر تاجر بدون قصد فرار از ادای دین و یا بدون قصد اضرار به طلبکاران، مالی را ارزانتر از قیمت روز فروخته باشد، آن معامله قابل فسخ نمی‌باشد.

ماده 425 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «هرگاه محکمه به موجب ماده قبل، حکم فسخ معامله را صادر نماید محکوم علیه باید پس از قطعی شدن حکم، مالی را که موضوع معامله بوده است، عیناً به مدیر تصفیه، تسلیم و قیمت حین معامله آنرا قبل از آنکه دارایی تاجر به غرماً تقسیم شود دریافت دارد و اگر عین مال مزبور در تصرف او نباشد، تفاوت قیمت را خواهد داد.

مطالبه عین مال از کسی که طرف معامله با تاجر بوده ولی مالی را به قیمتی کمتر از قیمت معمول خریده در صورت فسخ، در صورتی ممکن است که حین معامله را به طرف معامله بپردازند.

در صورت فسخ معامله‌ای که متضمن ضرری بیش از یک چهارم قیمت حین معامله بوده، طرف معامله باید عین مال را

به مدیر تصفیه یا ارگان تصفیه مسترد بردارد و مدیر تصفیه نیز باید قیمت حین معامله را به وی بدهد و نمی‌تواند وی را برای مطالبه وجه خود داخل در صف غرما کند.

ماده 426 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «اگر در محکمه ثابت شود که معامله بطور صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معامله خود به خود باطل و عین و منافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و طرف معامله اگر طلبکار شود جزء غرما حصه‌ای خواهد برد.»

این ماده در پی بیان این است که ممکن است تاجر قبل از اینکه در ادای دیونش وقفه ایجاد شود یکسری معاملاتی را بطور صوری یا با تبانی منعقد می‌کند بعبارت دیگر در معامله صوری بدون اینکه واقعا ثمنی رد و بدل شود، تاجر اموال خود را به اشخاص مورد اعتماد خود منتقل می‌کند تا به دست طلبکاران نیفتد. چنین معاملاتی بدلیل عدم وجود قصد است.

وقتی شخصی بطور صوری با تاجر وارد در معامله می‌شود به جرات می‌توان گفت که وی دارای سوء نیت است و قانونگذار از چنین شخصی حمایت نمی‌کند و در ماده 426 مقرر می‌دارد که چنین شخصی باید عین و منافع مال را که موضوع معامله بوده است، مسترد دارد و طرف معامله اگر چیزی به تاجر پرداخته است باید برای مطالبه آن وارد در صف غرما شود.

- دوره دوم: دوره بین تاریخ توقف و تاریخ صدور حکم ورشکستگی:

این دوره که از تاریخ توقف شروع می‌شود و تا تاریخ صدور حکم ورشکستگی ادامه دارد، دوره‌ای است که قانونگذار با شک و تردید به تاجر و معاملات وی می‌نگرد. چرا که تاجر زودتر و بهتر از هر کس دیگری اوضاع خود را درک می‌کند در نتیجه برای فرار از دست طلبکاران و برای دور کردن اموال خود از معرض طلبکاران ممکن است اموال خود را به دیگری منتقل کند. بنابراین ماده 423 قانون تجارت بعضی از معاملات و اقدامات تاجر را باطل و بلا اثر می‌داند:

«1- هر صلح محاباتی یا هبه و بطور کلی هر نقل و انتقال بلاعوض اعم از اینکه راجع به منقول یا غیر منقول باشد.

2- تادیه هر قرض اعم از حال یا موجد به هر وسیله که بعمل آمده باشد.

3- هر معامله‌ای که مالی از اموال منقول یا غیر منقول تاجر را مقید نماید و به ضرر طلبکاران تمام شود.»

با تدقیق در این ماده در می‌یابیم که چون قانونگذار بعد از تاریخ توقف به تاجر با شک و تردید می‌نگرد و دیگر اصل را بر صحت معاملات وی نمی‌داند، معاملاتی را که ممکن است به ضرر طلبکاران باشد و یا اینکه یکسری اشخاصی را دارای حقوق ممتازه اند و یا اینکه بعضی از طلبکاران را بر سایرین ترجیح دهد و دین آنها را زودتر بپردازد، چنین معاملات و اقداماتی را قانونگذار باطل اعلام می‌کند تا به حقوق طلبکاران لطمه‌ای وارد نیاید.

- سوالی که مطرح می‌شود این است که اگر در دوره بین تاریخ توقف و تاریخ صدور حکم ورشکستگی که دوره مشکوک

نیز نامیده می‌شود، شخص معامله‌ای از نوع موضوع ماده 424 قانون تجارت را انجام دهد یا معامله مسبوق به تبانی که موضوع ماده 426 قانون تجارت است را در دوره مشکوک انجام دهد آیا این معاملات قابل فسخ و قابل ابطال خواهند بود؟ در پاسخ باید گفت که وقتی که معاملات تاجر در دوره‌ای که معمول بر صحت است از طرف قانونگذار از باطل و قابل فسخ اعلام می‌شود به طریق اولی دو دوره مشکوک که قانونگذار با شک و تردید به معاملات تاجر نگاه می‌کند، این معاملات بر حسب مورد قابل فسخ یا ابطال خواهند بود.

ماده 423 قانون تجارت، معاملات بلاعوض یا پرداختن دین حال یا موجد یکی از طلبکاران و یا مقد کردن بعضی از اموال توسط تاجر را باطل اعلام می‌کند ولی ماده 557 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «کلیه قراردادهایی که پس از تاریخ توقف تاجر منعقد شده باشد نسبت به هر کس حتی خود تاجر ورشکسته محکوم به بطلان است.

طرف قرارداد مجبور است که وجوه یا اموالی را که به موجب قرارداد باطل شده دریافت کرده و به اشخاص ذی حق مسترد دارد.» این ماده چنین القاء می‌کند که تمام قراردادهای تاجر بعد از تاریخ توقف باطل هستند در نتیجه این سوال پیش می‌آید پس چرا ماده 423 قانون تجارت بعضی از آنها را باطل اعلام کرده است؟ به نظر دکتر اسکینی ماده 557 قانون تجارت که در فصل مربوط به جرایم ورشکستگی آورده شده است به مواردی اختصاص دارد که معامله ناشی از جرایم مندرج در فصل مزبور بوده باشد که بدیهی است همراه با سوء نیت و به ضرر طلبکاران است چرا که از میزان دارایی تاجر ورشکسته که وثیقه طلب طلبکاران است می‌کاهد، در حالیکه ماده 423 قانون تجارت به مواردی اختصاص دارد که معامله متضمن ارتکاب جرمی از جرایم موضوع مواد 551 به بعد قانون تجارت نباشد.

- دوره سوم: دوره بعد از صدور حکم ورشکستگی:

بر اساس ماده 418 ق. ت، تاجر از تاریخ صدور حکم ورشکستگی، هم از مداخله در اموال و هم از مداخله در حقوق مالی خود ممنوع می‌باشد. درست است که قانونگذار، اثر این بطلان را مشخص نکرده ولی محققا وقتی قانونگذار معامله‌ای را باطل می‌کند یعنی اشخاص را از مداخله در امور مالی خود ممنوع اعلام می‌کند، باید قایل به این شویم که اگر مداخله صورت بگیرد، آن معامله باید باطل تلقی شود اما به این نکته توجه کرد که مقررات قانون تجارت کشور ما در زمینه ورشکستگی، همچون زمینه‌های دیگر از قانون تجارت سابق فرانسه اقتباس شده است و در بسیاری از موارد، مواد قانون تجارت کشور ما ترجمه صرف مواد قانون تجارت آن کشور است و در فرانسه دو نوع بطلان وجود دارد. یکی بطلان مطلق و دیگری بطلان نسبی، بطلانی که در مورد معاملات تاجر باید مطرح شود، بطلان نسبی است نه بطلان مطلق؛ بعنوان مثال اگر تاجری بعد از صدور حکم ورشکستگی، زمینی را خریداری کند فرضا از قرار متری صد تومان و مدتی بعد ارزش این زمین به متری دویست تومان افزایش پیدا کند و فروشنده اقامه دعوی کند و تقاضای بطلان معامله را مطرح کند با این استدلال که هنگام انجام معامله نمی‌دانسته که خریدار، تاجر ورشکسته است، مسلما دادگاه نباید حکم به بطلان این دعوی صادر کند به این استدلال که بطلان نسبی است و فقط کسانی حق استناد به آنرا دارند که بطلان در جهت حفظ

حقوق و منافع آنها بوجود آمده است، در توقف و تاریخ صدور حکم ورشکستگی، همین قاعده باید اعمال گردد، بعد در کلیه مواردی که فسخ یا بطلان معامله به نفع طلبکاران باشد و دعوی از طرف طلبکاران یا از ناحیه ارگان تصفیه اقامه گردد، دادگاه باید معترض آن معامله بشود. باید توجه کرد که مطابق ماده 2 قانون آئین دادرسی مدنی شخصی که اقامه دعوی می کند باید در این دعوی ذینفع، ذینفع مادی نیست، بلکه ذینفع حقوقی است یعنی به کسی ذینفع گفته می شود که حق اقامه دعوی از ناحیه قانونگذار به نفع او برقرار گردیده باشد، بنابراین دادگاه می تواند به استناد ذینفع نبودن، هر دعوایی را که از طرف اشخاص غیر بستانکار و یا غیر ارگان تصفیه برای بی اعتبار کردن معاملات تاجر مطرح می گردد مردود اعلام نماید. (نظر دکتر فخاری).

« ولی دکتر اسکینی به بطلان مطلق اینگونه معاملات در این برهه نظر داده اند. »

- قرارداد ارفاقی:

قرارداد ارفاقی همانطوری که از نامش پیداست به منظور ارفاق، با تاجر ورشکسته منعقد می شود. دو نوع قرارداد ارفاقی داریم: یکی قرارداد ارفاقی قبل از صدور حکم ورشکستگی و دیگری قرارداد ارفاقی بعد از صدور حکم ورشکستگی. قانون تجارت ما فقط قرارداد ارفاقی بعد از صدور حکم ورشکستگی را پیش بینی کرده است.

- طرفین قرارداد ارفاقی عبارتند از:

1- **خود تاجر ورشکسته:** با وجود آنکه با صدور حکم ورشکستگی تاجر از دخالت در امور مالی خود ممنوع می باشد اما در زمینه انعقاد قرارداد ارفاقی این حق به تاجر داده شده که طرف قرارداد قرار گیرد.

2- **طلبکاران تاجر ورشکسته:** برای انعقاد قرارداد ارفاقی یا باید کلیه طلبکاران راضی باشند یا نصف بعلاوه یک طلبکارانی که سه ربع کلیه معاملات تشخیص و تصدیق شده به آنها متعلق باشد. در حقیقت دو اکثریت لازم است یکی اکثریت مطلق عددی شرکاء و دیگر اکثریت سه چهارم طلبها.

تنها کسانی از میان طلبکاران می توانند طرف قرارداد ارفاقی قرار بگیرند که طلب آنها تشخیص یا تصدیق شده و یا موقتا قبول شده است.

بعد از انعقاد قرارداد ارفاقی، قرارداد مزبور باید در دادگاه صادر کننده حکم ورشکستگی مورد تنفیذ قرار گیرد.

اگر در انعقاد قرارداد ارفاقی عده ای از طلبکاران موافق نباشند با این طلبکاران چگونه برخورد می شود؟ سهم گرمایی طلبکاران به آنها داده می شود البته با رعایت اصل تساوی حقوق طلبکاران.

طلبکارانی که با انعقاد قرارداد ارفاقی مخالفت دارند تا زمانی که تاجر، کلیه طلبهای طلبکاران موافق قرارداد ارفاقی را پرداخت نکرده باشد برای دریافت آن مقدار از مطالباتشان که پرداخت نشده است، حق مراجعه به تاجر را ندارند. طبیعی است که تاجر در ابتدا باید تلاش کند هم به تعهدات ناشی از قرارداد ارفاقی عمل کند و هم اگر تعهدات را ایفاء کرد و هنوز قسمتی از طلب طلبکاران موافق قرارداد ارفاقی پرداخت نشده باشد، نسبت به تادیه آن قسمتها نیز اقدامی نماید

ولی اگر تاجر، کلیه طلب طلبکاران موافق قرارداد ارفاقی را پرداخت کند آنگاه طلبکارانی که مخالف قرارداد ارفاقی بوده و همه مطالباتشان پرداخت نشده، می‌توانند به تاجر مراجعه کنند و آن قسمت از مطالبات را مورد مطالبه قرار دهند. قرارداد ارفاقی در مواردی قابل فسخ است و آن در صورتی است که تاجر، تعهدات ناشی از قرارداد ارفاقی را ایفاء نکند. در اینصورت طلبکاران حق دارند فسخ قرارداد ارفاقی را از دادگاه تایید کننده قرارداد تقاضا کنند. البته لازم نیست که همه طلبکاران، تقاضای فسخ قرارداد ارفاقی نمایند. حتی اگر یکی از آنان نیز این درخواست را طرح کند، دادگاه باید با صدور حکم، قرارداد ارفاقی را فسخ کند. همچنین قرارداد ارفاقی در دو مورد باطل می‌باشد و هر ذینفعی می‌تواند از دادگاه تقاضای صدور حکم بر بطلان آن قرارداد را بعمل آورد که این موارد عبارتند از:

1- آنجایی که تاجر، به جرم ورشکستگی به تقلب، محکوم شده باشد؛ هنگام انعقاد قرارداد ارفاقی، حکمی صادر نشده باشد یا اگر تاجر، به چنین اتهامی محکوم نشده باشد از آن اطلاعی نداشته باشد؛ بنابراین بعد از صدور حکم، در صورتی که تاجر به این اتهام محکومیت پیدا کند و یا معلوم شود که چنین محکومیتی وجود داشته و از آن اطلاع حاصل نشده، دادگاه باید قرارداد ارفاقی را ابطال نماید. البته می‌توان با تاجری که به اتهام ورشکستگی به تقصیر، محکومیت یافته، قرارداد ارفاقی منعقد نمود.

2- مورد دیگر از موارد ابطال قرارداد ارفاقی آنجایی است که در صورت طلبکاران، تقلب صورت گرفته باشد، همانطوری که می‌دانیم، بدهیهای تاجر، عمدتاً مبتنی بر اسناد عادی است و ساختن سند عادی کار ساده‌ای است، تاجر می‌تواند به تاریخ قبل از صدور حکم ورشکستگی خود را به اشخاصی که به آنان اعتماد دارد بدهکار و متعهد قلمداد کند و آن اشخاص بعنوان طلبکار به ارگان تصفیه مراجعه کنند و ارگان تصفیه آنها را بعنوان طلبکار به رسمیت بشناسند و بعداً معلوم شود که در این امر، تقلب صورت گرفته است؛ این اشخاص طلبکار واقعی نیستند. در صورت اثبات این امر، دادگاه باید قرارداد ارفاقی را ابطال نماید. با انعقاد قرارداد ارفاقی حکم ورشکستگی ملغی الاثر نمی‌شود؛ بلکه به حالت تعلیق در می‌آید، بنابراین هرگاه قرارداد ارفاقی به حکم دادگاه فسخ و یا ابطال شود، لازم نیست حکم ورشکستگی دیگری صادر شود، بلکه حکم ورشکستگی سابق الصدور از حالت تعلیق خارج می‌شود و مجدداً ارگان تصفیه، به وظایف خود در مورد تصفیه امور بازرگان ورشکسته می‌پردازد، در مواردی که با تاجر قرارداد ارفاقی بسته می‌شود و بعداً آن قرارداد فسخ و یا باطل می‌گردد، ممکن است تاجر با عده‌ای دیگر معامله کرده و به آنها بدهکار شده باشد، اگر قرارداد ارفاقی از اثر بیفتد این طلبکاران نیز حق دارند همچون طلبکاران قبل از انعقاد قرارداد ارفاقی، داخل در غرما شوند، مشروط بر اینکه طلب آنان واقعی باشد و تقلبی صورت نگرفته باشد. (نظر دکتر فخاری).

- اعاده اعتبار:

تاجری که ورشکسته می‌شود، مطابق ماده 418 قانون تجارت از دخالت در امور مالی خود ممنوع می‌شود و به این ترتیب، اعتبارش از دست می‌رود ولی با رعایت یکسری شرایط معینی تاجر مزبور می‌تواند اعاده اعتبار کند.

- دو نوع اعاده اعتبار در قانون تجارت کشور ما پیش بینی شده است:

1- اعاده اعتبار واقعی

2- اعاده اعتبار قانونی

3- اعاده اعتبار قانونی

ماده 561 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات و مخارجی که به آن تعلق گرفته است کاملاً بپردازد حقا اعاده اعتبار می‌نماید.»

مطابق این ماده هر تاجر ورشکسته‌ای که بخواهد بطور واقعی اعاده اعتبار بکند باید تمامی دیون خود و متفرعاتی که از بابت تاخیر در اداء طلب ایجاد شده را بطور کامل به طلبکاران بپردازد. این ماده در مورد اعاده اعتبار واقعی است.

ماده 565 قانون تجارت اشعار می‌دارد: «تاجر ورشکسته در دو مورد ذیل پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می‌تواند اعتبار خود را اعاده نمایند:

1- تاجر ورشکسته که تحصیل قرارداد ارفاقی نموده و تمامی وجوهی را که به موجب قرارداد بعهدہ گرفته است پرداخته باشد، این ترتیب در مورد شریک شرکت ورشکسته تحصیل قرارداد ارفاقی جداگانه نموده است نیز رعایت می‌شود.

2- تاجر ورشکسته که کلیه طلبکاران ذمه او را بری کرده یا به اعاده اعتبار او رضایت داده اند.»

مطابق این ماده برای اینکه تاجر ورشکسته بتواند بطور قانونی اعاده اعتبار کند باید:

اولاً: مدت پنج سال از تاریخ اعلان حکم ورشکستگی گذشته باشد.

ثانیاً: در این مدت پنج سال صحت عمل خود را به اثبات برساند.

پس از فراهم شدن این دو شرط مقدماتی، باید یکی از دو شرط زیر نیز وجود داشته باشند. بعبارت دیگر پس از گذشت پنج سال از تاریخ اعلان حکم ورشکستگی و اثبات صحت عمل تاجر ورشکسته در این مدت، اگر تاجر ورشکسته با طلبکارانش قرارداد ارفاقی بسته باشد به کلیه تعهدات ناشی از قرارداد ارفاقی عمل نموده باشد.

یا اینکه کلیه طلبکاران ذمه تاجر ورشکسته را بری کرده باشند یا به اعاده اعتبار او رضایت داده باشند.

بهر حال اعاده اعتبار چه واقعی باشد یا قانونی، نیاز به حکم دادگاه دارد و این دادگاه همان دادگاهی است که حکم ورشکستگی تاجر را صادر کرده است.

- ورشکستگی به تقلب و ورشکستگی به تقصیر:

در قانون تجارت یک نوع ورشکستگی بیشتر نداریم بلکه با توجه به یکسری اعمالی که تاجر در حین ورشکستگی انجام می‌دهد باعث بوجود آمدن جنبه جزائی نیز می‌شود. یکی از این موارد ورشکستگی به تقلب است.

ماده 549 قانون تجارت در مورد ورشکستگی به تقلب است و مقرر می‌دارد که «هر تاجر ورشکسته که دفاتر خود را مفقود نموده یا قسمتی از دارایی خود را مخفی کرده و یا بطریق مواضعه و معاملات صوری از میان برده و همچنین هر

تاجر ورشکسته که خود را بوسیله اسناد یا بوسیله صورت دارایی و قروض بطور تقلب به میزانی که در حقیقت مدیون نمی‌باشد مدیون قلمداد نموده است ورشکسته به تقلب اعلام و مطابق قانون جزا مجازات می‌شود. «
مطابق این ماده اگر تاجر ورشکسته دفاتر تجاری خود را از بین ببرد و یا به مدیر تصفیه ارائه ندهد و یا اینکه قسمتی از دارایی خود را از دید مدیر تصفیه دور کند و مخفی کند یا اینکه با انجام معاملات صوری و با انجام تبانی قسمتی از اموال خود را به دیگران منتقل کند تا به دست مدیر تصفیه نیفتد یا اینکه اسناد ساختگی درست کند برای اینکه خود را مدیون جلوه کند، همه اینها از مواردی هستند که باعث می‌شوند که تاجر ورشکسته بعنوان ورشکسته به تقلب تحت تعقیب قرار گیرد.

ماده 541 قانون تجارت مقرر می‌دارد: «تاجر در موارد ذیل ورشکسته به تقصیر اعلان می‌شود:»

- 1- اگر مخارج وی با توجه به درآمدش فوق‌العاده بوده باشد.
- 2- اگر تاجر معاملات موهوم و معاملاتی که احتمال سودآوری در آن اتفاق محض باشد را انجام داده باشد.
- 3- اگر تاجر برای به تاخیر انداختن ورشکستگی خود خریدهایی بالاتر از مظنه بازار و فروشهایی کمتر از مظنه بازار داشته باشد.
- 4- اگر یکی از طلبکاران را بر سایر طلبکاران پس از تاریخ توقف ترجیح داده باشد. «
اگر دادگاه یکی از این موارد را در مورد تاجر ورشکسته احراز کند باید حکم به ورشکستگی به تقصیر بدهد ولی اگر تاجر به حساب دیگری و بدون آنکه در مقابل عوضی دریافت کند تعهداتی کرده باشد که نظر به وضعیت مالی او در حین انجام آنها آن تعهدات فوق‌العاده باشد.
و اگر مطابق دستور ماده 413 قانون تجارت عمل نکند در اینصورت دادگاه می‌تواند (مخیر است) حکم به ورشکستگی به تقصیر وی بدهد.

- نکات مهم مبحث ورشکستگی:

- 1- ورشکستگی تاجر یا شرکت تجاری در نتیجه توقف از تادیه وجوهی که بر عهده اوست حاصل می‌شود.
- 2- حکم ورشکستگی تاجری را که حین الفوت در حال توقف بوده تا یکسال بعد از مرگ او نیز می‌توان صادر نمود.
- 3- ورشکستگی تاجر به حکم دادگاه بر حسب اظهار خود تاجر و به موجب تقاضای یک یا چند نفر از طلبکارها و بر حسب تقاضای دادستان صادر می‌شود.
- 4- محکمه باید در حکم تاریخ توقف تاجر را معین نماید.
- 5- اگر محکمه در حکم خود تاریخ توقف را معین نکرده باشد، تاریخ حکم توقف محسوب می‌شود.
- 6- حکم ورشکستگی بطور موقت اجرا می‌شود.

- 7- تاجر ورشکسته از تاریخ صدور حکم از مداخله در تمام اموال خود حتی آنچه که ممکن است در مدت ورشکستگی عاید او گردد ممنوع است.
- 8- از تاریخ حکم ورشکستگی هر کس دعوایی را علیه تاجر بخواهد اقامه کند باید به طرفیت مدیر تصفیه آن را اقامه کند.
- 9- با صدور حکم ورشکستگی تاجر، دیون موجل وی به دیون حال تبدیل می‌شوند.
- 10- بعد از تاریخ توقف بعضی از معاملات تاجر باطل و بعضی دیگر صحیح هستند.
- 11- بعد از تاریخ توقف هر نوع نقل و انتقالات بلاعوض و معاملاتی که اموالی از تاجر را مقید کند و به ضرر طلبکاران باشد باطل و بلا اثر است.
- 12- اگر تاجر ورشکسته قبل از تاریخ توقف و برای فرار از اداری دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله‌ای را که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است را بنماید آن معامله قابل فسخ است.
- 13- اگر در دادگاه ثابت شود که معامله صوری و مسبوق به تبانی بوده است آن معامله باطل است.
- 14- قرارداد ارفاقی وقتی منعقد می‌شود که لاقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکارانی که لاقل سه ربع از مطالباتی را که تشخیص و تصدیق شده است را دارا باشند.
- 15- قرارداد ارفاقی میان تاجر ورشکسته و طلبکارها منعقد می‌شود.
- 16- اگر تاجر بعنوان ورشکسته به تقلب محکوم شده باشد قرارداد ارفاقی منعقد نمی‌شود.
- 17- انعقاد قرارداد ارفاقی با تاجری که ورشکسته به تقصیر است جایز است.
- 18- کلیه طلبکارهایی که حق شرکت در انعقاد قرارداد ارفاقی داشته اند می‌توانند راجع به قرارداد اعتراض کنند.
- 19- قرارداد ارفاقی باید به تصدیق دادگاه برسد.
- 20- همین که قرارداد ارفاقی تصدیق شد نسبت به طلبکارهایی که در اکثریت بوده اند یا در ظرف ده روز از تاریخ تصدیق آن را امضاء نموده اند قطعی خواهد بود.
- 21- پس از تصدیق شدن قرارداد ارفاقی دعوی بطلان نسبت به آن قبول نمی‌شود.
- 22- در صورت محکومیت تاجر به ورشکستگی به تقلب قرارداد ارفاقی باطل می‌شود.
- 23- اگر معلوم شود در میزان طلب طلبکارها حيله‌ای بکار رفته است قرارداد ارفاقی باطل می‌شود.
- 24- اگر تاجر ورشکسته شرایط قرارداد را اجرا نکرد ممکن است برای فسخ قرارداد مزبور علیه او اقامه دعوی کرد.
- 25- اگر اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را یا یا چند نفر ضمانت کرده باشند طلبکارها می‌توانند اجرای تمام یا قسمتی از قرارداد را که ضامن دارد از او بخواهند.
- 26- معاملاتی را که تاجر ورشکسته پس از صدور حکم راجع به تصدیق قرارداد ارفاقی تا صدور حکم بطلان یا فسخ

- قرارداد مزبور نموده باطل نمی‌شود مگر در صورتیکه معلوم شود به قصد اضرار و به ضرر طلبکاران هم باشد.
- 27- طلبکارها می‌توانند تجارت تاجر ورشکسته را ادامه دهند و برای این امر وکیل یا عامل مخصوصی بگیرند.
- 28- تاجر ممکن است به ورشکستگی به تقلب یا ورشکستگی به تقصیر محکوم شود.
- 29- اگر تاجر ورشکسته دفاتر خود را از بین برده باشد یا یکسری از اموال خود را مخفی کرده باشد ورشکسته به تقلب شناخته خواهد شد.
- 30- هر تاجر ورشکسته که کلیه دیون خود را با متفرعات آن کاملاً بپردازد حقا اعاده اعتبار می‌کند.
- 31- تاجر ورشکسته پس از اثبات صحت عمل در مدت پنج سال از تاریخ اعلان ورشکستگی می‌تواند اعاده اعتبار کند. (اعاده اعتبار قانونی).
- 32- اگر طلبکاران تاجر ذمه وی را بری کنند یا به اعاده اعتبار وی رضایت دهند که این اعاده اعتبار، اعاده اعتبار قانونی می‌باشد.
- 33- اگر تاجر و طلبکاران قرارداد ارفاقی منعقد کرده باشند و تاجر تعهدات خود را در این رابطه به خوبی انجام دهد می‌تواند اعاده اعتبار قانونی بنماید.

مجموعه تست

- 1- هرگاه در دادگاه ثابت شود که معامله تاجر قبل از توقف انجام گرفته، مسبوق به تبانی بوده است:
 - 1) معامله مزبور در صورتی باطل است که ضرر طلبکاران بوده باشد.
 - 2) معامله مزبور صرفاً به درخواست مدیر تصفیه باطل است.
 - 3) معامله مزبور قابل فسخ است.
 - 4) معامله مزبور باطل است
- 2- شخص (الف) کالایی را با حق فسخ به مدت شش ماه به شخص (ب) می‌فروشد. در اینصورت با ورشکستگی شخص (ب) و آغاز عملیات تصفیه، حق فسخ شخص (الف):
 - 1) ساقط می‌شود
 - 2) ساقط نمی‌شود
 - 3) در صورت دریافت ثمن ساقط می‌شود
 - 4) تا قبل از وصول کالا از سوی شخص (ب) محفوظ می‌ماند.
- 3- تاجر ورشکسته فقط دارای ملکی است که در رهن شخص (الف) بوده و مازاد آن در رهن شخص (ب) است و همچنین شخص (ج) دارای طلب ممتاز است. در این صورت حاصل فروش ملک:
 - 1) به ترتیب به اشخاص الف، ب و ج پرداخت می‌شود.
 - 2) به ترتیب به اشخاص ج، الف و ب پرداخت می‌شود.
 - 3) در صورت عدم کفایت فقط میان اشخاص الف و ب نسبت طلب تقسیم می‌شود.
 - 4) به ترتیب به شخص ج و مانده در صورت عدم کفایت به نسبت طلب میان اشخاص الف و ب تقسیم می‌شود.
- 4- اگر در فاصله میان زمان توقف تا صدور حکم ورشکستگی، طلب یکی از طلبکاران از طریق اجرای احکام مدنی وصول شود در اینصورت:
 - 1) چنانچه منشاء طلب طلبکار قبل از تاریخ توقف باشد، پرداخت صحیح و طلبکار مزبور از عداد غرماء خارج می‌شود.
 - 2) پرداخت باطل بوده و وجه پرداختی باید مسترد سشود ولی طلبکار مزبور در عداد غرماء قرار نمی‌گیرد.
 - 3) پرداخت باطل بوده و وجه پرداختی باید مسترد شود و طلبکار مزبور در عداد غرماء قرار گیرد.
 - 4) پرداخت صحیح بوده و طلبکار مزبور از عداد غرماء خارج می‌شود.

5- در مقایسه میان مدیر تصفیه و اداره تصفیه کدام گزینه صحیح است؟

1) اداره تصفیه جایگزین مدیر تصفیه است

2) اداره تصفیه، مدیر تصفیه را انتخاب می کند

3) کارمندان اداره تصفیه، جایگزین مدیر تصفیه هستند

4) اداره تصفیه و مدیر تصفیه مشترکاً عهده دار امر تصفیه هستند

6- فوت یا ورشکستگی متعهد سفته چه تاثیری بر مسئولیت ظهرنویس سفته دارد؟

1) فوت و ورشکستگی متعهد سفته (مدیون اصلی) تاثیری بر مسئولیت سایر مسئولین سند تجاری ندارد و دین نسبت به آنها رجوع نمی شود.

2) با فوت و ورشکستگی متعهد سفته، سند تجاری باید وجه آن را نقداً بپردازند یا برای تادیه آن در سر وعده تأمین بدهند

3) فوت متعهد سفته تاثیری بر مسئولیت ظهرنویس تا سر رسید سفته ندارد اما با ورشکستگی متعهد، ظهرنویس باید وجه سفته را نقداً (پیش از موعد) بپردازد یا تأمین بدهد.

4) ورشکستگی متعهد سفته (مدیون اصلی) هیچ تاثیری بر مسئولیت ظهرنویس سفته ندارد.

8- بر معاملات تاجر ورشکسته که بین تاریخ توقف و صدور حکم ورشکستگی صورت گرفته چه اثری مترتب است؟

1) تمام معاملات صحیح است

2) بعضی معاملات باطل است

3) تمام معاملات باطل است

4) تمام معاملات قابل فسخ است

9- تداوم تجارت تاجر ورشکسته ممکن نیست، مگر در صورت موافقت.....

1) طلبکاران (2) طلبکاران و مدیر تصفیه

3) طلبکاران و عضو ناظر (4) طلبکاران و خود تاجر ورشکسته

10- در کدامیک از موارد زیر ممکن است دادگاه تاجر را ورشکسته به تقصیر اعلان نماید؟

1) نداشتن دفتر تجاری

2) فوق العاده بودن مخارج شخصی نسبت به درآمد او در ایام عادی

3) ترجیح دادن یکی از طلبکارها بر دیگری بعد از توقف، از طریق پرداخت طلب او

4) انجام معامله خارج از مظنه روز به قصد تاخیر انداختن ورشکستگی

11- ماده 437 قانون تجارت مقرر می‌دارد اگر تاجر مقروض فرار کند، امین صلح می‌تواند بنا به تقاضای یک یا

چند تن از طلبکاران اموال تاجر را مهر و موم کند. بنابراین:

(1) مقروض بودن تاجر یا فرار وی از امارات توقف است

(2) مقروض بودن تاجر و فرار وی از امارات توقف است

(3) مقروض بودن تاجر و فرار وی موجب حکم ورشکستگی است

(4) مقروض بودن تاجر و فرار وی از جمله صدور حکم ورشکستگی است

12- دعوای مالی علیه تاجر، حکم ورشکستگی وی اقامه شده است، پس از صدور حکم ورشکستگی به

طرفیت چه شخصی باید تعقیب شود؟

(1) دادستان

(2) مدیر تصفیه

(3) تاجر ورشکسته

(4) تاجر ورشکسته و مدیر تصفیه

13- معامله قبل از تاریخ توقف، برای فرار از دین، در صورتی که متضمن ضرری..... قیمت حین معامله باشد،

قابل فسخ است؟

(1) بیش از ربع

(2) بیش از نصف

(3) معادل ربع

(4) بیش از سه ربع

14- قرارداد ارفاقی باید به تصدیق چه مرجعی برسد؟

(1) مدیر تصفیه

(2) عضو ناظر

(3) دادگاه

(4) اکثریت عددی طلبکارها که دارای سه ربع از مطالبات باشند.

15- به موجب ماده 471 تجارت چنانچه طلبی مورد تعقیب جزائی واقع شده باشد، دادگاه نمی‌تواند صاحب

آن طلب را موقتا جزء طلبکاران تاجر ورشکسته قبول نماید. مبنای این حکم عبارت است از:

(1) حمایت از تاجر در برابر طلبکاران

(2) حمایت از طلبکاری که علیه او دعوی کیفری مطرح شده است

(3) حمایت از طلبکاری که برای وصول طلب مبادرت به طرح دعوی کیفری نموده است

(4) حمایت طلبکاران در برابر مدعی طلبی که مورد تعقیب جزائی واقع شده است.

مجموعه تست

1- هرگاه در دادگاه ثابت شود که معامله تاجر که قبل از توقف انجام گرفته، مسبوق به تبانی بوده است:

(1) معامله مزبور در صورتی باطل است که به ضرر طلبکاران بوده باشد.

(2) معامله مزبور صرفاً به درخواست مدیر تصفیه باطل است.

(3) معامله مزبور قابل فسخ است.

(4) معامله مزبور باطل است.

2- شخص (الف) کالایی را با حق فسخ به مدت شش ماه به شخص (ب) می‌فروشد. در این صورت با

ورشکستگی شخص (ب) و آغاز عملیات تصفیه، حق فسخ شخص (الف):

(1) ساقط می‌شود.

(2) ساقط نمی‌شود.

(3) در صورت دریافت ثمن ساقط نمی‌شود.

(4) تا قبل از وصول کالا از سوی شخص (ب) محفوظ می‌ماند.

3- تاجر ورشکسته فقط دارای ملکی است که در رهن شخص (الف) بوده و مازاد آن در رهن شخص (ب)

است. همچنین شخص (ج) دارای طلب ممتاز است در این صورت حاصل فروش ملک:

(1) به ترتیب به اشخاص الف، ب و ج پرداخت می‌شود.

(2) به ترتیب به اشخاص ج، الف و ب پرداخت می‌شود.

(3) در صورت عدم کفایت فقط میان اشخاص الف و ب به نسبت طلب تقسیم می‌شود.

(4) به ترتیب به شخص ج و مانده در صورت عدم کفایت به نسبت طلب میان اشخاص الف و ب تقسیم می‌شود.

4- اگر در فاصله میان زمان توقف تا صدور حکم ورشکستگی، طلب یکی از طلبکاران از طریق اجرای احکام

مدنی وصول شود. در این صورت:

(1) چنانچه منشاء طلب طلبکار قبل از تاریخ توقف باشد، پرداخت صحیح و طلبکار مزبور از عداد گرماء خارج می‌شود.

(2) پرداخت باطل بوده و وجوه پرداختی باید مسترد شود و طلبکار مزبور در عداد گرماء قرار گیرد.

(3) پرداخت باطل بوده و وجوه پرداختی باید مسترد شود و طلبکار مزبور در عداد گرماء قرار گیرد.

(4) پرداخت صحیح بوده و طلبکار مزبور از عداد گرماء خارج می‌شود.

5- در مقایسه میان مدیر تصفیه و اداره تصفیه کدام گزینه صحیح است؟

(1) اداره تصفیه جایگزین مدیر تصفیه است.

(2) اداره تصفیه، مدیر تصفیه را انتخاب می کند.

(3) کارمندان اداره تصفیه، جایگزین مدیر تصفیه هستند.

(4) اداره تصفیه و مدیر تصفیه مشترکاً عهده دار امر تصفیه هستند.

6- بر معاملات تاجر ورشکسته که بین تاریخ توقف و صدور حکم ورشکستگی صورت گرفته چه اثری مترتب

است؟

(1) تمام معاملات صحیح است. (2) بعضی از معاملات باطل است.

(3) تمام معاملات باطل است. (4) تمام معاملات قابل فسخ است.

7- تداوم تجارت تاجر ورشکسته ممکن نیست، مگر در صورت موافقت

(1) طلبکاران (2) طلبکاران و مدیر تصفیه

(3) طلبکاران و عضو ناظر (4) طلبکاران و خود تاجر ورشکسته

8- در کدامیک از موارد زیر ممکن است دادگاه تاجر را ورشکسته به تقصیر اعلان نماید؟

(1) نداشتن دفتر تجاری

(2) فوق العاده بودن مخارج شخصی نسبت به درآمد او در ایام عادی

(3) ترجیح دادن یکی از طلبکارها بر دیگری بعد از توقف، از طریق پرداخت طلب او

(4) انجام معامله خارج از مظنه روز به قصد به تأخیر انداختن ورشکستگی

9- دعوای مالی که علیه تاجر قبل از صدور حکم ورشکستگی وی اقامه شده است، پس از صدور حکم

ورشکستگی به طرفیت چه شخصی باید تعقیب شود؟

(1) دادستان (2) مدیر تصفیه

(3) تاجر ورشکسته (4) تاجر ورشکسته و مدیر تصفیه

10- معامله تاجر قبل از تاریخ توقف، برای فرار از دین، در صورتی که متضمن ضرری قیمت حین المعامله

باشد، قابل فسخ است:

(1) بیش از ربع (2) بیش از نصف (3) معادل ربع (4) بیش از سه ربع

11- برای انعقاد قرارداد ارفاقی، قبول تاجر

(1) شرط است (2) مطلقاً شرط نیست.

(3) در صورت قبول مدیر تصفیه، شرط نیست. (4) در صورت اتفاق آرای طلبکاران، شرط نیست.

12- قرارداد ارفاقی باید به تصدیق چه مرجعی برسد؟

1) مدیر تصفیه

2) عضوناظر

3) دادگاه

4) اکثریت عددی طلبکارها که دارای سه ربع از مطالبات باشند.

13- به موجب ماده 471 قانون تجارت چنانچه طلبی مورد تعقیب جزائی شده باشد، دادگاه نمی تواند صاحب

آن طلب را موقتاً جزء طلبکاران تاجر ورشکسته قبول نماید. مبنای این حکم عبارت از:

1) حمایت تاجر در برابر طلبکاران

2) حمایت از طلبکاری که علیه او دعوی کیفری مطرح شده است.

3) حمایت از طلبکاری که برای وصول طلب مبادرت به طرح دعوی کیفری نموده است.

4) حمایت از طلبکاران در برابر مدعی طلبی که مورد تعقیب جزایی واقع شده است.

14- ماده 495 قانون تجارت راجع به قرارداد ارفاقی مقرر می دارد: (در صورتی که اجرای تمام یا قسمتی از

قرارداد را یک یا چند نفر ضمانت کرده باشند، طلبکارها می توانند اجرای تمام یا قسمتی از قراردادی را که

ضامن دارد از او بخواهند و در مورد اخیر آن قسمت از قرارداد که ضامن نداشته فسخ می شود.) (

1) طلبکاران جهت اجرای قرارداد فقط به ضامنین حق مراجعه خواهند داشت و دعوای فسخ آنان نسبت به قرارداد مگر

آن قسمت که ضامن ندارد، محکوم به رد است.

2) بستانکاران فقط میان فسخ قرارداد و یا مطالبه خسارات از ضامنین حق انتخاب دارند.

3) قرارداد ارفاقی صرف نظر از وجود یا عدم وجود ضامن قابل تجزیه نیست و طلبکاران نمی توانند آن را جزئاً فسخ کنند.

4) طلبکاران میان فسخ قرارداد ارفاقی و مراجعه به ضامنین مخیر هستند.

15- اثر مخالفت ناظر، مدیر تصفیه و تاجر ورشکسته در انعقاد قرارداد ارفاقی چیست؟

1) مخالفت هیچ یک موثر نیست. 2) فقط مخالفت تاخر موثر است.

3) مخالفت هر سه موثر است. 4) فقط مخالفت ناظر و تاجر موثر است.

16- اگر تاجر ظرف سه روز از تاریخ وقفه در پرداخت دیونش، توقف خود را به دفتر دادگاه محل اقامت خود

اظهار نکند:

- 1) قطعاً ورشکسته به تقلب اعلان می‌شود.
- 2) قطعاً ورشکسته به تقصیر اعلان می‌شود.
- 3) ممکن است ورشکسته به تقصیر اعلان شود.
- 4) ممکن است ورشکسته به تقلب اعلان شود.

17- در صورت توقف شرکت‌های تضامنی:

- 1) شرکای شرکت ورشکسته می‌شوند.
 - 2) اموال شرکای ضامن مهر و موم می‌شود.
 - 3) باید اسامی و محل اقامت شرکای ضامن به دادگاه اعلام شود.
 - 4) بعضی از شرکای شرکت ورشکسته و اموال آن‌ها مهر و موم می‌شود.
- 18- نقش بطلان و فسخ قرارداد ارفاقی نسبت به معاملاتی که تاجر در این مدت انجام داده است چه تاثیری

خواهد داشت؟

- 1) اصولاً بی‌تاثیر است.
 - 2) موجب بطلان معاملات تاجر است.
 - 3) فقط بطلان قرارداد ارفاقی موجب بطلان معاملات تاجر است.
 - 4) فسخ قرارداد ارفاقی موجب بطلان معاملات تاجر است.
- 19- اگر شرکت تضامنی ورشکست شود، طلبکارهای شرکت می‌توانند قرارداد ارفاقی را منعقد کنند.

- 1) فقط با شرکت
 - 2) منحصراً با یکی از شرکای ضامن
 - 3) منحصراً با تمام شرکای ضامن
 - 4) با شرکت یا منحصراً با یک یا چند نفر از شرکای ضامن.
- 20- (الف) کالایی را به «ب» فروخته و «ب» پس از آن که آن را به «ج» فروخت ورشکسته می‌شود. در این

صورت «الف»:

- 1) حق استرداد کالا را نخواهد داشت.
- 2) در هر حال وجود کالا نزد «ب» حق استرداد خواهد داشت.
- 3) در صورت وجود کالا نزد «ب» حق استرداد خواهد داشت.
- 4) در صورت عدم پرداخت ثمن از سوی «ج» حق استرداد خواهد داشت.

21- ماده 474 ق. ت. مقرر می‌دارد اشخاصی که نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی‌های خیراتی

دارند و صرفنظر از آن نمی‌کنند باید آن را در حین تصفیه به موقع اجرا گذارند. بنابراین ماده:

- (1) مدت اعمال خیار محدود شده است. (2) اعمال خیار با تحقق ورشکستگی الزامی شده است.
- (3) حق اعمال خیار به مدیر تصفیه انتقال یافته است. (4) اعمال خیار به قبل از پایان عملیات تصفیه الزامی است.

22- اسباب خروج تاجر ورشکسته از حجر در امور مالی عبارت است از:

- (1) اعاده اعتبار حقی - اعاده اعتبار قانونی
 - (2) ختم عمل ورشکستگی - اعاده اعتبار حقی
 - (3) تصدیق قرارداد ارفاقی توسط دادگاه - اعاده اعتبار حقی
 - (4) تصدیق قرارداد ارفاقی توسط دادگاه - ختم عمل ورشکستگی.
- 23- پیش از رسیدن اجل دین اصلی، ضامن ملزم به تأدیه نیست، مگر این که:

- (1) بواسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی، دین مؤجل او حال شده باشد.
- (2) بواسطه فوت مدیون اصلی، دین مؤجل او حال شده باشد.
- (3) بواسطه ورشکستگی مدیون اصلی، دین مؤجل او حال شده باشد.
- (4) ضامن حال باشد.

24- هر شخص نسبت به تاجر ورشکسته دعوایی دارد، باید دعوی خود را علیه چه کسی اقامه کند؟

- (1) فقط مدیر تصفیه
- (2) تاجر ورشکسته و مدیر تصفیه
- (3) تاجر ورشکسته یا مدیر تصفیه
- (4) تاجر ورشکسته.

25- حکم ورشکستگی به طور موقت اجراء می‌شود، یعنی:

- (1) از حکم ورشکستگی با اعاده اعتبار رفع اثر می‌گردد.
- (2) حکم باید ظرف مدت هشت ماه به اجراء درآید.
- (3) حکم ورشکستگی قبل از قطعیت به اجراء درمی‌آید.
- (4) حکم ورشکستگی قابل اعتراض است.

26- طبق قانون تجارت ایران، همین که حکم ورشکستگی تاجر صادر شد:

- (1) قروض و مطالبات مؤجل وی حال می‌شود.
- (2) قروض مؤجل وی حال می‌شود.
- (3) مطالبات مؤجل تاجر حال می‌شود.
- (4) مطالبات مؤجل تاجر حال می‌شود ولی قروض مؤجل وی حال نمی‌شود.

27- قرارداد ارفاقی بین تاجر ورشکسته و طلبکاران فقط وقتی منعقد می‌شود که طلبکارهای حاضر

(1) از حیث عده و از حیث سرمایه اکثریت معین در قانون را داشته باشند.

(2) حداقل سه ربع کل طلبکارها باشند و در قرارداد شرکت کرده باشند.

(3) فقط از حیث عده اکثریت معین در قانون را داشته باشند.

(4) فقط از حیث سرمایه اکثریت معین در قانون را داشته باشند.

28- حق العمل کار، کالایی را برای (الف) خریداری نموده اما وجه آن را هنوز به فروشنده نپرداخته است. در

صورتی که حق العمل کار ورشکسته عین کالا نزد وی موجود باشد:

(1) خریداری حق مطالبه آن را دارد.

(2) فروشنده داخل در غرماء قرار می‌گیرد.

(3) فروشنده حق استرداد آن را دارد.

(4) عودت کالا را به فروشنده در اختیار مدیر تصفیه است.

29- در دعوی ورشکستگی، کدام شخص دارنده حق استرداد است؟

(1) طلبکار دارای رهنه غیرمنقول و مالک عین مال موجود نزد ورشکسته

(2) طلبکار دارای رهنه منقول

(3) طلبکار دارای رهنه غیرمنقول

(4) مالک عین مال موجود نزد ورشکسته.

30- طلب «الف» از ورشکسته مستند به سفته، طلب «ب» مستند به سند رسمی و طلب «ج» مستند به

دفاتر تجارتي طرفین است. در این صورت:

(1) «ب» نسبت به «الف» و «ج» حق تقدم دارد.

(2) «ب» نسبت به «الف» و «الف» نسبت به «ج» حق تقدم دارد.

(3) «ب» نسبت به «ج» و «ج» نسبت به «الف» حق تقدم دارد.

(4) هر سه طلبکاران از اموال ورشکسته به نسبت طلب خود سهم می‌برند.

31- کدام گزینه در مورد رابطه ورشکستگی و انحلال شرکت سهامی صحیح است؟

(1) حکم ورشکستگی، به خودی خود موجب انحلال است.

(2) پس از صدور حکم ورشکستگی، دادگاه باید حکم انحلال را نیز صادر نماید.

(3) پس از صدور حکم ورشکستگی، مجمع عمومی شرکت باید رأی به انحلال دهد.

(4) پس از صدور حکم ورشکستگی، به تقاضای هر ذینفع حکم انحلال صادر می‌شود.

32- صدور حکم ورشکستگی، موجب:

(1) انتقال اموال تاجر به مدیر تصفیه می‌شود.

(2) تغییری در مالکیت اموال تاجر نمی‌شود.

(3) انتقال اموال تاجر به طلبکاران می‌شود.

(4) ایجاد شخصیت حقوقی برای اموال تاجر می‌شود.

33- هرگاه در فاصله بین توقف تاجر و صدور حکم ورشکستگی، طلبکاران از طریق اجرای احکام مدنی

پرداخت شود ...

(1) پرداخت صحیح بوده و مبلغ پرداختی قابل استرداد نمی‌باشد.

(2) اگر منشاء طلب طلبکار مزبور قبل از تاریخ توقف باشد پرداخت صحیح است.

(3) پرداخت باطل بوده و وجوه پرداختی مسترد می‌شود ولی طلبکار در عداد غرما قرار نمی‌گیرد.

(4) پرداخت باطل بوده و وجوه پرداختی باید مسترد شود و طلبکار در عداد غرما قرار می‌گیرد.

34- اگر معامله تاجر در زمان قبل از توقف مسبوق به تبانی بوده باشد، این معامله:

- 1) غیرنافذ است و با تأیید مدیر تصفیه یا هیأت طلبکاران نافذ می‌شود.
- 2) در صورتی که متضمن ضرری بیش از $\frac{1}{4}$ قیمت حین‌المعامله باشد قابل فسخ است.
- 3) قابل ابطال بوده و در صورت ابطال، طرف معامله باید فقط عین مورد معامله را مسترد دارد.
- 4) باطل بوده و هیچ اثری بر آن مترتب نمی‌باشد و طرف معامله باید عین و منافع آن را مسترد دارد.

35- کدام عبارت در خصوص نسبت میان توقف و ورشکستگی صحیح است؟

- 1) توقف شرط کافی برای ورشکستگی است.
- 2) توقف شرط لازم برای ورشکستگی است.
- 3) ورشکستگی سبب توقف است.
- 4) توقف همان ورشکستگی است.

36- مال التجاره‌هایی که تاجر ورشکسته به حساب دیگری خریداری کرده است از طرف فروشنده قابل

استرداد است اگر:

- 1) عین آن نزد تاجر موجود باشد.
- 2) عین آن نزد تاجر موجود باشد و قیمت آن پرداخت نشده باشد.
- 3) عین آن نزد تاجر موجود باشد و قیمت آن پرداخت شده باشد.
- 4) عین آن به خریدار داده شده باشد ولی قیمت آن پرداخت نشده باشد.

37- چنانچه پس از انعقاد قرارداد ارفاقی، حکم به بی‌حقی شخصی که موقتاً طلبکار شناخته شده بود صادر

شود، قرارداد مزبور

- 1) باطل است.
- 2) همچنان صحیح تلقی می‌شود.
- 3) به تقاضای هر ذینفع قابل فسخ است.
- 4) در صورتی که همچنان اکثریت مقرر در قانون محفوظ بماند، صحیح تلقی می‌شود.

38- با صدور حکم ورشکستگی

- 1) فقط دیون تاجر حال می‌شود.
- 2) فقط مطالبات تاجر حال می‌شود.
- 3) فقط دیون ناشی از عقد قرض حال می‌شود.
- 4) دیون و مطالبات تاجر حال می‌شود.

39- در مورد رابطه ختم مأموریت مدیر تصفیه و برائت ذمه ورشکسته، کدام گزینه صحیح است؟

- 1) ختم مأموریت مدیر تصفیه به منزله برائت ذمه ورشکسته است.
 - 2) ختم مأموریت مدیر تصفیه ملازمه‌ای با برائت ذمه ورشکسته ندارد.
 - 3) ختم مأموریت مدیر تصفیه از طریق انعقاد قرارداد ارفاقی به منزله برائت ذمه ورشکسته است.
 - 4) ختم مأموریت مدیر تصفیه از طریق فروش و تقسیم اموال به منزله برائت ذمه ورشکسته است.
- 40- در نتیجه اولین دعوت از طلبکاران ورشکسته همه طلبکاران دارای حق رأی که شامل 10 نفر با طلب‌های مساوی هستند در جلسه حاضر شده و 7 نفر از آنان به قرارداد ارفاقی رأی مثبت داده و بقیه با آن مخالفت می‌کنند. در این صورت

- 1) مدیر تصفیه باید برای تشکیل جلسه ثانی اقدام نماید.
- 2) مدیر تصفیه مجاز است که برای تشکیل جلسه ثانی اقدام نماید.
- 3) مدیر تصفیه باید به فروش و تقسیم اموال مبادرت ورزد.
- 4) قرارداد ارفاقی منعقد شده و باید برای تصدیق به دادگاه ارجاع شود.

41- مفهوم اجرا موقت حکم ورشکستگی

- 1) جواز تعلیق اجرای حکم است.
- 2) جواز عزل مجری حکم است.
- 3) محدود بودن مدت اجرای حکم است.
- 4) جواز اجرای حکم پیش از قطعیت است.

42- دارندگان حق شرکت در قرارداد ارفاقی عبارتند از:

- «الف» که در مجلس قرارداد ارفاقی شرکت ننموده است.
- «ب» که در مجلس قرارداد ارفاقی شرکت نموده اما رأی منفی داده است.
- «ج» که در مجلس قرارداد ارفاقی شرکت نموده و رأی مثبت داده است.

دارندگان حق اعتراض به قرارداد منعقد شده عبارتند از:

- 1) فقط «الف»
- 2) فقط «ب»
- 3) فقط «الف» و «ب»
- 4) «الف»، «ب» و «ج»

43- شرکت تجارتي «ب» که ملکی را از شرکت «الف» با بیع نامه عادی و وکالت رسمی خریداری نموده منحل شده و یک نفر به عنوان مدیر تصفیه تعیین می شود. در این صورت برای انتقال ملک در دفتر اسناد رسمی در دوره تصفیه، امضای ضروری است.

(1) مدیر تصفیه (2) مدیر تصفیه و ناظر

(3) صاحبان امضای مجاز شرکت قبل از انحلال (4) صاحبان امضای مجاز شرکت در زمان اخذ وکالت
44- 300 واحد از حاصل فروش اموال ورشکسته به طور مساوی بین طلبکاران «الف» و «ب» تقسیم می شود و پس از اتمام مهلت قانونی، طلبکار سوم «ج» سر می رسد. با فرض مساوی بودن طلب های 450 واحد بعدی حاصل از فروش، چگونه تقسیم می شود؟

(1) الف: 100، ب: 100 و ج: 250 (2) الف: 112/5، ب: 112/5 و ج: 225

(3) الف: 150، ب: 150 و ج: 150 (4) الف: 225، ب: 225 و ج: صفر

45- کدام اقدام بر تشکیل سریع تر جلسه قرارداد ارفاقی با تاجر ورشکسته تاثیر مستقیم دارد؟

(1) تعقیب کیفری طلبکاران ادعایی ورشکسته

(2) موقتاً طلبکار شناختن اشخاص

(3) اقدامات تأمینیه نسبت به بدهکاران تاجر

(4) اقدامات تأمینیه و موقتاً طلبکار شناختن اشخاص

46- در فاصله توقف تا صدور حکم ورشکستگی، تاجر دو معامله انجام داده است که در اولی تاجر مغبون و در دومی طرف دیگر معامله مغبون شده است، در این صورت

(1) معامله اول باطل و معامله دوم صحیح است. (2) معامله اول صحیح و معامله دوم باطل است.

(3) هر دو معامله صحیح هستند. (4) هر دو معامله محکوم به بطلان هستند.

47- در مجلس انعقاد قرارداد ارفاقی با تاجر ورشکسته، اشخاص حقوقی طلبکار

(1) در صورتی که تاجر باشند دارای حق رأی هستند.

(2) دارای حق رأی متفاوت از اشخاص حقیقی هستند.

(3) همانند اشخاص حقیقی دارای حق رأی هستند.

(4) فاقد حق رأی هستند.

پاسخ سوالات چهار گزینه‌ای

- 1- گزینه (4) صحیح است.
- 2- گزینه (2) صحیح است.
- 3- گزینه (1) صحیح است.
- 4- گزینه (3) صحیح است.
- 5- گزینه (1) صحیح است.
- 6- گزینه (3) صحیح است.
- 7- گزینه (2) صحیح است.
- 8- گزینه (2) صحیح است.
- 9- گزینه (1) صحیح است.
- 10- گزینه (2) صحیح است.
- 11- گزینه (2) صحیح است.
- 12- گزینه (2) صحیح است.
- 13- گزینه (1) صحیح است.
- 14- گزینه (3) صحیح است.
- 15- گزینه (4) صحیح است.

پاسخنامه

- 1- گزینه «4» - (دشوار)
اگر تاجر قبل از تاریخ توقف معاملات صوری انجام دهد این معاملات باطل خواهند بود. (ماده 426 قانون تجارت)
- 2- گزینه «2» - (دشوار)
با صدور حکم ورشکستگی تاجر حقوقی را که اشخاص نسبت به اموال او دارند از بین نمی‌رود. (ماده 474 قانون تجارت)
- 3- گزینه «1» - (دشوار)
طلبکارانی که دارای رهن هستند ابتدا طلب آن‌ها پرداخت می‌شود و سپس از اموال تاجر طلب طلبکارانی دارای حقوق ممتازه پرداخت می‌شود. (ماده 58 قانون اداره تصفیه)
- 4- گزینه «3» - (متوسط)
اگر تاجر در فاصله بین تاریخ توقف و صدور حکم ورشکستگی طلب یکی از بستانکاران را بپردازد این پرداخت باطل است و شخصی که وجه را گرفته باید آن را مسترد دارد و وارد در صف غرما شود. (ماده 423 قانون تجارت)
- 5- گزینه «1» - (متوسط)
در شهرهایی که اداره تصفیه وجود ندارد دادگاه برای تصفیه امور ورشکسته مدیر تصفیه معین می‌کند.
- 6- گزینه «2» - (متوسط)
دوره بین تاریخ توقف و صدور حکم ورشکستگی را دوره مشکوک می‌نامند و بعضی از معاملات در این دوره باطل هستند.
- 7- گزینه «1» - (متوسط)
تداوم تجارت تاجر در صورت موافقت طلبکاران تاجر ممکن است. (ماده 507 قانون تجارت)
- 8- گزینه «1» - (متوسط)
نداشتن دفتر تجارتي از موجبات صدور ورشکستگی به تقصیر اختیاری است. (ماده 542 قانون تجارت)
- 9- گزینه «2» - (متوسط)
با صدور حکم ورشکستگی تمامی امور تاجر ورشکسته به دست مدیر تصفیه می‌افتد. (ماده 418 قانون تجارت)
- 10- گزینه «1» - (دشوار)
اگر معامله تاجر قبل از تاریخ توقف برای فرار از دین متضمن ضرری بیش از یک چهارم قیمت حین‌المعامله باشد معامل قابل فسخ است. (ماده 424 قانون تجارت)
- 11- گزینه «1» - (دشوار)
قرارداد ارفاقی بین تاجر و طلبکاران منعقد می‌شود. (ماده 479 قانون تجارت)

12- گزینه «3» - (متوسط)

بعد از انعقاد قرارداد ارفاقی میان تاجر و طلبکاران، قرارداد مزبور باید به تصدیق دادگاه برسد. (ماده 486 قانون تجارت)

13- گزینه «4» - (دشوار)

مدیر تصفیه وظیفه دارد برای حفظ حقوق سایر طلبکاران دقیقاً در مورد طلب سایر طلبکاران تحقیق کند.

14- گزینه «4» - (دشوار)

طلبکاران میان فسخ قرارداد ارفاقی و مراجعه به ضامنین مخیر هستند و در صورت عدم اجرای تعهدات توسط تاجر حتی با وجود ضامن می‌توان فسخ قرارداد را درخواست نمود.

15- گزینه «2» - (دشوار)

قرارداد ارفاقی میان تاجر و طلبکاران منعقد می‌شود و مخالفت این دو در انعقاد قرارداد موثر می‌باشد.

16- گزینه «3» - (دشوار)

از مواردی که ممکن است باعث صدور حکم ورشکستگی به تقصیر شود عدم اعلام توقف در ظرف سه روز از تاریخ توقف می‌باشد. (ماده 542 قانون تجارت).

17- گزینه «4» - (متوسط)

ورشکستگی شرکت تضامنی ملازمه‌ای با ورشکستگی شرکاء شرکت ندارد بلکه ممکن است بعضی از شرکاء ورشکست شوند.

18- گزینه «1» - (دشوار)

نفس بطلان یا فسخ قرارداد ارفاقی در وضعیت معاملات تأثیری ندارد مگر این که به قصد اضرار بوده و به ضرر طلبکاران هم باشد. (ماده 500 قانون تجارت)

19- گزینه «4» - (دشوار)

اگر شرکت تضامنی، مختلط سهامی یا غیرسهامی، یا نسبی ورشکست شود طلبکارها می‌توانند قرارداد ارفاقی را با شرکت یا منحصرأ با یک یا چند نفر از شرکاء ضامن منعقد نمایند. (ماده 506 قانون تجارت)

20- گزینه «4» - (دشوار)

اگر تاجر کالایی را از شخصی بخرد ولی وجه آن را نپردازد فروشنده می‌تواند این کالا را از دست هر کسی که باشد پس بگیرد. (ماده 530 قانون تجارت)

21- گزینه «4» - (دشوار)

کسانی که نسبت به اموال متصرفی تاجر ورشکسته دعوی خیراتی دارند و از آن صرفنظر نمی‌کنند باید آن را تا قبل از

پایان عملیات تصفیه اعمال نمایند.

22- گزینه «1» - (دشوار)

تاجر با اعاده اعتبار (قانونی یا واقعی) می‌تواند از حجر خارج شده و تصرف در اموال خود را به دست بگیرد.

23- گزینه «4» - (دشوار)

پیش از رسیدن اجل دین اصلی ضامن ملزم به تأدیه نیست ولو این که به واسطه ورشکستگی یا فوت مدیون اصلی دین مؤجل او حال شده باشد ولی اگر ضمان حال باشد ضامن ملزم به پرداخت است. (ماده 405 و 406 قانون تجارت)

24- گزینه «1» - (متوسط)

بعد از صدور حکم ورشکستگی مدیر تصفیه قائم‌مقام تاجر می‌شود و دعوی را باید علیه مدیر تصفیه اقامه کرد. (ماده 418 قانون تجارت)

25- گزینه «4» - (متوسط)

حکم ورشکستگی قابل اعتراض است و با مهرو موم اموال تاجر سعی می‌شود که در صورت نقض حکم امکان برگشت امور به حالت قبلی وجود داشته باشد. البته گزینه (3) نیز نادرست نمی‌باشد.

26- گزینه «2» - (متوسط)

با صدور حکم ورشکستگی فقط قروض مؤجل تاجر حال می‌شود. (ماده 421 قانون تجارت)

27- گزینه «1» - (دشوار)

برای انعقاد قرارداد ارفاقی رأی طلبکارانی که عدداً و مبلغاً سه چهارم کل طلبکارها باشند ضروری است.

28- گزینه «1» - (دشوار)

اگر تاجر کالایی را از دیگری خریداری کرده باشد ولی وجه آن را نپرداخته باشد صاحب کالا می‌توند کالا را پس بگیرد.

29- گزینه «4» - (دشوار)

مالک کالایی که عین آن نزد تاجر ورشکسته باشد دارای حق استرداد آن کالا می‌باشد.

30- گزینه «4» - (متوسط)

کسانی که طلبکار با وثیقه محسوب می‌شوند در وصول طلب خود از ورشکسته حق تقدم دارند وگرنه کسانی که طلبشان به استناد سند رسمی یا عادی یا یک سند تجاری باشد به نسبت طلب خود از اموال ورشکسته سهم می‌برند.

31- گزینه «1» - (ساده)

با صدور حکم ورشکستگی شرکت سهامی، این نوع شرکت منحل می‌شود و امور آن به دست مدیر تصفیه می‌افتد. (ماده 199 لایحه اصلاحی قانون تجارت)

32- گزینه «2» - (ساده)

صدور حکم ورشکستگی تغییری در مالکیت اموال تاجر ایجاد نمی‌کند بلکه مدیر تصفیه قائم‌مقام تاجر در انجام تصرفات مالی وی می‌شود. (ماده 418 قانون تجارت)

33- گزینه «4» - (دشوار)

به حکم ماده 423 قانون تجارت هر پرداختی در فاصله بین توقف تاجر و صدور حکم ورشکستگی تاجر انجام گردد باطل است.

34- گزینه «4» - (متوسط)

اگر در محکمه ثابت شود که معامله به طور صوری یا مسبوق به تبانی بوده است آن معامله خود به خود باطل بوده و عین و منافع مالی که موضوع معامله بوده مسترد و ظرف معامله اگر طلبکار شود جزو حصه‌ای خواهد بود. (ماده 426 قانون تجارت)

35- گزینه «2» - (دشوار)

ورشکستگی تاجر با شرکت تجاری در نتیجه توقف از تأدیه وجوهی که برعهده اوست حاصل می‌شود. (ماده 412 قانون تجارت)

36- گزینه «2» - (متوسط)

اگر تاجر اموالی را برای دیگری خریداری کند و وجه آن‌ها را نپرداخته باشد در صورتی که ورشکسته شود و عین آن اموال نزد وی باقی باشد فروشنده می‌تواند آن اموال را پس بگیرد. (ماده 530 قانون تجارت)

37- گزینه «2» - (متوسط)

پس از انعقاد قرارداد ارفاقی اصل بر این است که قرارداد صحیح بوده و عاملی که باعث بطلان آن باشد حادث نشده است چرا که موارد بطلان در ماده 492 قانون تجارت آمده است.

38- گزینه «1» - (متوسط)

با عنایت به ماده 421 قانون تجارت که مقرر می‌دارد «همین که حکم ورشکستگی صادر شد قروض موجب رعایت تخفیفات مقتضیه نسبت به مدت به قروض حال تبدیل می‌شود»

39- گزینه «2» - (متوسط)

با عنایت به این که ورشکستگی یعنی این که اموال و دارایی تاجر کفاف دیون وی را ننماید و با نظر به این که عملیات تصفیه یعنی تقسیم همین اموال باقی مانده به نسبت طلب بین بستانکاران تاجر بنابراین هیچ ملازمه‌ای بین ختم مأموریت مدیر تصفیه یا پایان عملیات تصفیه وجود ندارد.

40- گزینه «3» - (متوسط)

با عنایت به ماده 480 قانون تجارت که شرط تحقق قرارداد ارفاقی را توافق نصب به علاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن

لااقل سه ربع کلیه مطالبات دانسته و با عنایت به این که در فرض سؤال اگر به عنوان مثال تصور کنیم هر یک از

طلبکارها 4 واحد طلب دارند مجموع مطالبات 40 واحد خواهد بود و برای آنکه اکثریت $\frac{3}{4}$ مطالبات حاصل شود حداقل می‌بایست 8 نفر از طلبکارها با انعقاد قرارداد ارفاقی موافقت نمایند، در حالی که با موافقت 7 نفر (فرض سؤال) معیار $\frac{3}{4}$ کل مطالبات فراهم نشده و بنابراین، قرارداد ارفاقی قاب انعقاد نیست و روند تصفیه ادامه می‌یابد.

41- گزینه «4» - (متوسط)

با عنایت به این که احکام صادره از مراجع قضایی به موجب قانون به مرحله‌ای اجرا در نمی‌آیند مگر این که به طور قطعی صادر شده باشند و یا قطعیت یافته باشد و نظر به اینکه حکم ورشکستگی به لحاظ وضعیت ویژه‌ای که دارد باید بلافاصله پس از صدور منشاء اثر گشته و به اجرا درآید لذا حکم ورشکستگی پیش از قطعیت اجرا می‌شود و این امر به معنی اجرای موقت حکم ورشکستگی است.

42- گزینه «4» - (متوسط)

با عنایت به ماده 489 قانون تجارت، از آنجا که امکان شرکت در قرارداد ارفاقی پس از تصویب آن حداکثر ظرف سه روز برای تمامی طلبکاران واجد شرایط مهیا است.

43- گزینه «1» - (متوسط)

با توجه به ماده 212 لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که مقرر داشته: «مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه بوده و کلیه اختیارات لازم جهت امر تصفیه حتی از طریق طرح دعوی و ارجاع به داوری و حق سازش دارا می‌باشند و می‌توانند برای طرح دعاوی و دفاع از دعاوی وکیل تعیین نمایند. محدود کردن اختیارات مدیران تصفیه باطل و کان‌لم‌یکن است.» لذا گزینه «1» صحیح است.

44- گزینه «3» - (متوسط)

با توجه به ماده 473 قانون تجارت که مقرر داشته: «طلبکارهایی که در مواعد معینه حاضر نشده و مطابق ماده 462 عمل نکردند، نسبت به عملیات و تشخیصات و تصمیماتی که راجع به تقسیم وجوه قبل از آمدن آنها به عمل آمده حق هیچ‌گونه اعتراضی ندارد، ولی در تقسیماتی که ممکن است به عمل آید، جزء غرما حساب می‌شوند بدون این که حق داشته باشند حصه‌ای را که در تقسیمات سابق به آنها تعلق می‌گرفته از اموالی که هنوز تقسیم نشده مطالبه نمایند.» لذا گزینه «3» صحیح است.

45- گزینه «2» - (متوسط)

با توجه به این که به موجب ماده 480 قانون تجارت که مقرر داشته است: «قرارداد ارفاقی فقط وقتی منعقد می‌شود که لااقل نصف به علاوه یک نفر از طلبکارها با داشتن لااقل سه ربع از کلیه مطالباتی که مطابق مبحث پنجم از فصل ششم

تشخیص و تصدیق شده یا موقتاً قبول گشته است در آن قرارداد شرکت نموده باشند...» بنابراین قبول موقت طلب طلبکاران که در تحقق نصاب قانونی لازم جهت انعقاد قرارداد ارفاقی تأثیر مستقیم دارد، موجب تسریع در تشکیل سریع تر جلسه انعقاد قرارداد ارفاقی می شود، لذا گزینه «2» صحیح است.

46- گزینه «3» - (متوسط)

با توجه به ماده 423 قانون تجارت که وضعیت معاملات بین توقف و صدور حکم ورشکستگی تاجر ورشکسته را اعلام نموده، معامله ای که در نتیجه آن تاجر مغبون شده یا طرف مقابل مغبون شود، در زمره معاملات باطل احصاء شده در ماده مذکور نمی گنجد و با توجه به اصل کلی ممنوعیت تصرف تاجر در اموال و امور مالی خود بعد از صدور حکم توقف، چنین معاملاتی غیرنافذ و در صورت تنفیذ مدیر تصفیه درست و در صورت رد وی باطل خواهد بود و از آنجا که در مفهوم اعم اصطلاح «معامله صحیح» شامل معاملات غیرنافذ و درست، هر دو می شود. بنابراین معاملاتی که تاجر بعد از تاریخ توقف و قبل از صدور حکم ورشکستگی انجام می دهد و در شمول ماده 423 قانون تجارت نمی گنجد و در مفهوم اعم صحیح است. لذا گزینه «3» صحیح است.

47- گزینه «3» - (متوسط)

از این حیث تفاوت بین اشخاص حقیقی و حقوقی نیست. چرا که داشتن حق رای در مجلس انعقاد قرارداد ارفاقی صرفاً منوط به قبول موقت یا تصدیق مطالبات است اعم از این که طلبکار تاجر باشد یا غیرتاجر و اعم از این که شخص حقیقی باشد یا حقوقی. لذا گزینه «3» صحیح است.

مجموعه تست

1- کالایی که جهت حمل به متصدی حمل و نقل تحویل داده شده است اصولاً تا چه هنگام از سوی ارسال-

کننده قابل استرداد است؟

(1) قبل از حمل

(2) قبل از رسیدن به مقصد

(3) قبل از تسلیم به مرسل الیه

(4) قبل از تحویل کالا از سوی متصدی به مباشر حمل

2- مصوبه مجمع عمومی عادی که مغایر اساسنامه است، توسط هیأت مدیره جهت اجرا به مدیر عامل ابلاغ

می‌گردد. در این صورت مدیر عامل

(1) مکلف به اجراست

(2) مکلف به عدم اجراست

(3) مکلف به اجرای توأم با تذکر به هیأت مدیره است

(4) مکلف به اجرا پس از اخذ تأیید مجدد هیات مدیره است.

3- در شرکت سهامی، در موردی که افزایش سرمایه از طریق صدور سهام جدید صورت گیرد، کلیه افزایش

سرمایه باید

(1) نقداً پرداخت شود.

(2) کلاً تهاتر شود.

(3) کلاً پرداخته یا تهاتر شود.

(4) توسط بانک عامل تضمین گردد.

4- در شرکت سهامی عام، افزایش مبلغ اسمی سهام از طریق انتقال اضافه ارزش سهام

(1) مجاز است، به شرط آنکه اساسنامه شرکت اجازه داده باشد.

(2) مجاز است، حتی اگر مبلغ اسمی سهام از ده هزار ریال بیشتر باشد.

(3) ممنوع است، زیرا موجب افزایش تعهدات سهامداران می‌شود.

(4) مجاز است، به شرط آنکه مبلغ اسمی سهام از ده هزار ریال بیشتر نشود.

5- شریک ضامن را زمانی می‌تواند شخصاً برای قروض شرکت تضامنی تعقیب نمود که

(1) شرکت منحل شده باشد.

(2) شرکت ورشکسته شده باشد.

(3) خودش ورشکسته شده باشد.

(4) شرکت دیون خود را نپرداخته باشد.

6- انتقال سهم‌الشرکه در شرکت با مسئولیت محدود با رضایت دارندگان لاقلاً سه ربع سرمایه که دارای اکثریت عددی باشند به عمل می‌آید. در این صورت چنانچه شرکت 10 شریک با سهم‌الشرکه مساوی باشد برای انتقال سهم‌الشرکه رأی مثبت شریک لازم است.

5 (1) 6 (2) 7 (3) 8 (4)

7- در شرکت با مسئولیت محدود، مسئولیت شرکا نسبت به ارزش آورده غیرنقدی در حین تشکیل شرکت، است.

1) تضامنی 2) مشترک

3) به نسبت سرمایه آن‌ها 4) محدود به میزان سرمایه آن‌ها

8- طبق ماده 212 ل.ا.ق.ت (1347) مدیران تصفیه نماینده شرکت در حال تصفیه هستند و اختیار طرح دعوی را دارند. مفهوم این اختیار، این است که مدیران

1) شخصاً می‌توانند طرح دعوا نمایند. 2) باید خودشان شخصا طرح دعوا نمایند.

3) برای طرح دعوا الزاماً باید وکیل انتخاب نمایند. 4) برای طرح دعوا الزاماً باید نماینده تعیین کنند.

9- محال علیه این عبارت را در برات درج نموده و امضا می‌کند: «در صورت اجرای کامل تعهدات صادرکننده قبول است». در صورت عدم تأدیه وجه برات در سررسید دارنده:

1) فقط حق مراجعه به صادرکننده را دارد.

2) حق مراجعه به صادرکننده و محال علیه را صرف‌نظر از تحقق شرط دارد.

3) حق مراجعه به صادرکننده و محال علیه را در صورت تحقق شرط دارد.

4) حق مراجعه به هیچ یک را ندارد.

10- سفته صادره در وجه «ب» توسط یابنده با جعل امضای «ب» در وجه «ج» ظهرونی می‌شود، در این صورت «ج»:

1) دارنده است.

2) دارنده نیست.

3) در فرض آگاهی به جعل دارنده نیست.

4) در فرض آگاهی به زیان صادرکننده، دارنده نیست.

11- «الف» ضامن صادرکننده سفته و «ب» ضامن ظهرنویس است. چنانچه دارنده یک سال پس از سررسید

مبادرت به اعتراض نماید حق رجوع به

(1) «الف» را از دست می‌دهد. (2) «ب» را از دست می‌دهد.

(3) هر دو ضامن را از دست می‌دهد. (4) ضامن‌ها را از دست نمی‌دهد.

12- «الف» چکی را در وجه «ب» صادر نموده و «ب» نیز آن را در وجه «ج» ظهرنویسی می‌کند. «ج» ظرف

مدت پنج روز از تاریخ صدور به بانک مراجعه نموده و با ورشکستگی بانک مواجه می‌شود. در این صورت

(1) فقط «الف» در برابر دارنده مسئول است.

(2) «الف» و «ب» در برابر دارنده مسئولند.

(3) مشروط به عدم وجود محل فقط «الف» در برابر دارنده مسئول است.

(4) مشروط به عدم وجود محل، «الف» و «ب» در برابر دارنده مسئولند.

13- دارنده سفته‌ای که باید در ایران تأدیه شود، اگر بخواهد از مسئولیت تضامنی مقرر در ماده 249 قانون

تجارت استفاده کند، باید ظرف مدت ... اقامه دعوی نماید.

(1) ده روز از تاریخ سررسید

(2) ده روز از تاریخ اعتراض

(3) یک سال از تاریخ سررسید

(4) یک سال از تاریخ اعتراض

14- اجرای ثبت نسبت به مبلغ اجرائیه صادر می‌کند.

(1) چک (2) چک و سفته

(3) چک و سفته و خسارت تأخیر تأدیه (4) چک و خسارت تأخیر تأدیه

15- «الف» دو برات در وجه «ب» صادر می‌کند. پشت هر دو برات به ترتیب امضای «ب» و ظهرنویسی «ج» در

وجه «د» مشاهده می‌شود. این که اگر برات اول در تصرف «د» و برات دوم در تصرف «ه» باشد

(1) فقط «ه» دارنده برات محسوب می‌شود.

(2) فقط «د» دارنده برات محسوب می‌شود.

(3) «د» و «ه» هر دو دارنده برات محسوب می‌شوند.

(4) هیچ یک از «د» و «ه» دارنده برات محسوب نمی‌شوند.

16- «الف» پیش از توقف «ب» یک میلیون تومان از وی طلبکار بوده و «ب» پس از توقف یک میلیون تومان

به «الف» هبه می‌کند. در این صورت

1) هبه باطل است و طلب ناشی از هبه‌ی باطل با طلب «الف» از «ب» تهاتر می‌شود.

2) هبه صحیح است و «الف» باید برای وصول طلب داخل در غرما قرار گیرد.

3) «الف» داخل در غرما قرار نگرفته و ضمناً باید مورد هبه را مسترد دارد.

4) «الف» باید مورد هبه را مسترد داشته و برای وصول طلب داخل در غرما قرار گیرد.

17- اگر کسی سند تجاری خود را برای وصول به تاجر داده باشد و تاجر پس از وصول وجه آن و پیش از

پرداخت ورشکست شود دارنده‌ی سند جزو طلبکاران محسوب می‌شود.

1) با حق تقدم تاجر ورشکسته

2) عادی تاجر ورشکسته

3) با حق وثیقه تاجر ورشکسته

4) ویژه تاجر ورشکسته

18- دو کالا برای فروش به تاجر تسلیم شده است. اولی فروخته شده و وجه آن نزد تاجر است و دومی

فروخته نشده و نزد تاجر است. در صورت ورشکستگی تاجر، آمر نسبت به

1) هر دو کالا داخل در غرما قرار می‌گیرد.

2) هر دو کالا دارای حق استرداد است.

3) اولی طلبکار دارای حق رجحان است و نسبت به دومی حق استرداد کالا را دارد.

4) اولی داخل در غرما قرار می‌گیرد و نسبت به دومی حق استرداد کالا را دارد.

19- در شرکت تضامنی مسئولیت شرکت در قبال بدهی خود است.

1) تضامنی

2) نامحدود

3) به میزان دارایی شرکت

4) به میزان سرمایه شرکت.

20- اگر معامله‌ای که تاجر ورشکسته قبل از تاریخ توقف خود انجام داده است به دلیل اضرار به طلبکارها

فسخ شود، طرف مقابل باشد

- 1) عین مال را تسلیم کند و آنچه را که پرداخت کرده دریافت می‌دارد.
- 2) عین مال را تسلیم کند و بابت آنچه پرداخت کرده وارد غرما می‌شود.
- 3) عین مال و منافع آن را تسلیم کند و آنچه را پرداخت کرده دریافت می‌دارد.
- 4) عین مال و منافع آن را تسلیم کند و بابت آنچه پرداخت کرده وارد غرما می‌شود.

پاسخ تشریحی

1- گزینه «3»

مطابق مواد 328 و 383 قانون تجارت تا زمانی که کالا به مرسل‌الیه تسلیم نشده باشد، از سوی ارسال‌کننده قابل استرداد است.

2- گزینه «2»

مجمع عمومی عادی نمی‌تواند خلاف اساسنامه تصمیمی بگیرد و این تصمیم قابلیت اجرایی ندارد و مدیر عامل هم مکلف به عدم اجرا می‌باشد.

3- گزینه «3»

مطابق ماده 158 لایحه در افزایش سرمایه از طریق حدود سهام جدید، کلیه افزایش سرمایه باید کاملاً پرداخت شود یا تهاتر شود زیرا تهاتر نیز در حکم پرداخت است.

4- گزینه «4»

یکی از موارد افزایش سرمایه، افزایش مبلغ اسمی سهام از طریق انتقال اضافه ارزش سهام می‌باشد. (م 160 لایحه) اما در هر صورت مطابق ماده 29 لایحه در شرکت سهامی عام مبلغ سهمی هر سهم از ده هزار ریال نباید بیش‌تر شود.

5- گزینه «1»

مطابق ماده 126 قانون تجارت مادام که شرکت منحل نشده باشد، شریک ضامن مورد تعقیب قرار نمی‌گیرد.

6- گزینه «2»

دارندگان سه ربع سرمایه شرکت در صورتی که شرکت دارای 10 نفر باشد 8 نفر است، زیرا با 7 نفر حد نصاب سه ربع سرمایه حاصل نمی‌شود.

7- گزینه «1»

مطابق ماده 58 قانون تجارت مسئولیت شرکای شرکت با مسئولیت محدود نسبت به قیمت تسهیم شرکت غیرنقدی حین تشکیل شرکت مسئولیت تضامنی است.

8- گزینه «1»

مدیران تصفیه می‌توانند شخصاً دعوا طرح کنند زیرا خود، نماینده شرکت می‌باشند.

9- گزینه «3»

از طرفی چون محال‌الیه به صورت مشروط، برات را قبول کرده است با این که برای نکول شده محسوب می‌گردد اما محال‌الیه در حدود شرطی که نوشته مطابق ماده 233 قانون تجارت، مسئولیت پرداخت وجه برات است. و از طرفی برای دارنده برات حق رجوع به دارنده نیز وجود دارد.

10- گزینه «1»

طبق اصل عمل به ظاهر در اسناد تجاری «ج» دارنده سند محسوب می‌شود.

11- گزینه «2»

دارنده حق رجوع به ظهرنویس را در فرض این مسئله ندارد و به تبع آن حق رجوع به ضامن ظهرنویس را ندارد اما حق رجوع به دارنده را دارد و به تبع آن حق رجوع به ضامن صادرکننده یعنی «الف» را خواهد داشت.

12- گزینه «2»

مطابق ماده 249 قانون تجارت دارنده حق رجوع به صادرکننده و ظهرنویس‌ها را دارد که در مقابل دارنده مسئولیت تضامنی دارند.

13- گزینه «4»

مطابق ماده 278 قانون تجارت دارنده سفته‌ای که باید در ایران تأدیه گردد، اگر بخواهد از مسئولیت تضامنی مقرر در ماده 249 قانون تجارت استفاده کند باید ظرف مدت یک سال از تاریخ اعتراض اقامه دعوی کند.

14- گزینه «1»

اجرای ثبت تنها نسبت به مبلغ چک اجرائیه صادر می‌کند (مطابق ماده 2 قانون صدور چک)

15- گزینه «2»

در فرض این مسأله فقط «د» دارنده برات محسوب می‌شود.

16- گزینه «1»

مطابق بند (1) ماده 423 قانون تجارت «الف» باید مورد هبه را مسترد داشته و برای وصول طلب داخل در غرما شود.

17- گزینه «2»

چون تاجر وجه سند تجاری را وصول کرده است، پس دارنده آن سند دیگر طلبکار با حق وثیقه یا با حق تقدم محسوب نمی‌شود و تنها یک طلبکار عادی است و باید در صف غرما قرار گیرد. پس گزینه (2) صحیح است.

18- گزینه «4»

مطابق ماده 531 و 528 قانون تجارت، آمر برای کالایی که فروخته شده و وجه آن نزد تاجر است باید داخل در غرما قرار گیرد و نسبت به کالایی که فروخته نشده و نزد تاجر است حق استرداد کالا را دارد.

19- گزینه «3»

مسئولیت تضامنی در قبال بدهی خود محدود به میزان دارایی شرکت است و مازاد بر دارایی شرکت به عهده شرکای ضامن شرکت است.

20- گزینه «1»

مطابق مواد 424 و 425 قانون تجارت اگر تاجر ورشکسته قبل از تاریخ توقف معامله‌ای انجام دهد و به ضرر طلبکار باشد و آن معامله فسخ شود، طرف مقابل عین مال را باید تسلیم کند که آنچه که پرداخت کرده دریافت می‌دارد و وارد صف غرما نخواهد شد.

مجموعه تست

1- کدام دفتر تراز مال سالیانه تاجر را مشخص می‌کند؟

(1) دفتر کل (2) دفتر دارایی (3) دفتر روزنامه (4) دفتر کپی

2- شخصی مال التجاره‌ای را به صورت نسبی از حق‌العملکار می‌خرد اما امر ثابت می‌کند که حق‌العملکار

ماذون در فروش به صورت نسبی نبوده است در این صورت معامله

(1) صحیح است (2) باطل است

(3) غیرنافذ است. (4) در صورت رعایت غبطه امر صحیح است.

3- در حالی که تعهدات ناشی از قرارداد پیمانکاری شرکت به اتمام نرسیده، مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت

را منحل می‌کند در این صورت تصمیم مجمع

(1) قانونی و تعهدات شرکت باقی است. (2) غیرقانونی و تعهدات شرکت باقی است.

(3) قانونی و قرارداد مزبور منفسخ است. (4) قانونی و شرکت در ادامه یا فسخ قراردادها مخیر است.

4- در لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت (1347) «اضافه ارزش سهام» به کدام معنا است؟

(1) اضافه ارزشی که خریدار سهام یک شرکت سهامی با فروش آن در بورس اوراق بهادار به دست می‌آورد.

(2) ارزش افزوده سهام علاوه بر مبلغ اسمی آن که به مرور زمان برای سهام شرکا حاصل می‌شود.

(3) مبلغی که علاوه بر مبلغ اسمی سهم از خریداران سهام جدید دریافت می‌شود.

(4) بخشی از سود خالص شرکت است که در طول فعالیت شرکت ذخیره می‌شود.

5- عنصر شخصیت حقوقی:

(1) از عناصر سازنده شرکت تجاری است.

(2) هیچ ارتباطی به ساختار شرکت تجاری ندارد.

(3) از ارکان اداره شرکت تجاری محسوب می‌شود.

(4) در برخی از شرکت‌های تجاری عنصر سازنده محسوب می‌شود.

6- در روابط بین شرکای شرکت تضامنی، مسئولیت هر شریک نسبت به قروض شرکت

(1) تضامنی است.

(2) همیشه به میزان سهم‌الشرکه اوست.

(3) اصولاً به نسبت سهم‌الشرکه اوست.

(4) به نسبت سهم‌الشرکه اوست مگر به حکم دادگاه.

7- در شرکت نسبی، سهم‌الشرکه غیرنقدی چگونه باید تقویم شود؟

(1) توسط کارشناس رسمی دادگستری (2) به تراضی تمام شرکا

(3) به تراضی حداقل سه چهارم شرکا (4) توسط کارشناس رسمی دادگستری و تمامی شرکا.

8- در شرکت سهامی هرگاه مبلغ پرداخت نشده سهام مطالبه شود و مبلغ مورد مطالبه در مهلت مقرر پرداخت نشود، حق دریافت اندوخته قابل تقسیم.....

(1) به این گونه سهام تعلق نمی‌گیرد.

(2) نسبت به این گونه سهام معلق خواهد ماند.

(3) به این گونه سهام تعلق نمی‌گیرد ولی حق دریافت سود قابل تقسیم نسبت به این گونه سهام معلق خواهد ماند.

(4) نسبت به این گونه سهام معلق خواهد ماند ولی حق دریافت سود قابل تقسیم نسبت به این گونه سهام تعلق نمی‌گیرد.

9- براتی که به سررسید یک هفته پس از رویت صادر شده در روز پنج‌شنبه رویت می‌گردد. با فرض اینکه جز

روز جمعه تعطیل رسمی دیگری وجود نداشته باشد، سررسید سند کدام روز است؟

(1) شنبه (2) چهارشنبه (3) پنج‌شنبه (4) جمعه

10- با وقوع قبولی مشروط، صادرکننده برات تضمین می‌دهد که وجه برات در سررسید، پرداخت گردد. در این صورت دارنده در سررسید.....

(1) فقط باید به صادرکننده رجوع کند.

(2) باید ابتدا به محال علیه رجوع کند.

(3) باید ابتدا در صورت تحقق شرط به محال علیه رجوع کند.

(4) به هر یک از صادرکننده و محال علیه حق رجوع دارد.

11- در شرکت سهامی، هرگاه مدیر تصفیه شرکت استعفا دهد، استعفای وی.....

(1) پس از ثبت و آگهی در روزنامه‌های مربوط موثر است.

(2) از تاریخ قبول مجمع عمومی عادی موثر است.

(3) از تاریخ استعفا موثر است.

(4) به هیچ وجه پذیرفته نمی‌شود.

12- چک فاقد مبلغ به محال علیه تسلیم و توسط وی تکمیل می‌گردد. در این صورت سند مزبور.....

(1) چک محسوب می‌گردد.

(2) چک محسوب نمی‌گردد.

(3) فقط در برابر دارندگان ناآگاه چک محسوب می‌شود.

(4) فقط در صورت تکمیل در حدود اختیار، چک محسوب می‌شود.

13- شخص «الف» و «ب» سفته‌ای را از سوی ظهرنویس ضمانت می‌کنند. در این صورت دارنده پس از

اعتراض حق رجوع به دارد.

1) هریک را به اندازه نصف مبلغ سفته در صورت عدم تادیه از سوی مضمون عنه

2) یک را به اندازه تمام مبلغ در صورت عدم تادیه از سوی مضمون عنه.

3) هریک را به اندازه نصف مبلغ سفته.

4) هر دو را به اندازه تمام مبلغ سفته.

14- عقب رفتن تاریخ توقف تاجر:

1) همواره به نفع طلبکاران است. 2) همواره به زیان طلبکاران است.

3) ممکن است به نفع یا ضرر طلبکاران باشد. 4) ممکن است به نفع طلبکاران باشد اما زبانی ندارد.

15- تاجر در فاصله توقف تا صدور حکم ورشکستگی مالی را از طریق مزایده و به صورت نقدی فروخته است،

معامله مزبور

1) باطل است. 2) غیرنافذ است. 3) صحیح و مجاز است. 4) صحیح اما ممنوع است.

پاسخ تشریحی

1- گزینه «2»

دفتر دارایی دفتری است که تاجر باید هر سال صورت جامعی از کلیه دارایی منقول و غیرمنقول و دیون و مطالبات سال گذشته خود را به ریز ترتیب داده در آن دفتر ثبت و امضا نماید و این کار باید تا پانزدهم فروردین سال بعد انجام پذیرد.

21- گزینه «1»

در صورتی که حق‌العاملکار بدون اذن آمر مالی را نسیه بفروشد، معامله‌ای که واقع گردیده است صحیح است و در صورتی که از این معامله به آمر ضرر مستقیم بلاواسطه‌ای رسیده باشد، حق‌العاملکار ضامن جبران خسارات ناشی از آن خواهد بود. به موجب ماده 366 قانون تجارت «اگر حق‌العامل کار بدون رضایت آمر مالی را به نسیه بفروشد یا پیش قسطی دهد ضررهای ناشیه از آن متوجه خود او خواهد بود معذک اگر فروش به نسیه داخل در عرف تجاری محل باشد حق‌العامل کار مأذون به آن محسوب می‌شود مگر در صورت دستور مخالف آمر.»

22- گزینه «1»

مجمع عمومی فوق‌العاده در هر حال اختیار دارد رای بر انحلال شرکت بدهد و مجری بودن قراردادهای شرکت مانع از این تصمیم نخواهند بود، منتهی در شخصیت حقوقی شرکت تا انجام کامل تعهداتش باقی خواهد ماند و مدیر یا مدیران تصفیه مسئول انجام تعهدات شرکت خواهند بود. لذا تصمیم مجمع عمومی فوق‌العاده صحیح و قرارداد مزبور معتبر خواهد بود.

23- گزینه «3»

بند 3 ماده 158 لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب 1347 و ماده 160 قانون مزبور از این اصطلاح «اضافه ارزش سهام» نام می‌برد که منظور از آن مبلغی است که علاوه بر مبلغ اسمی سهم از خریداران سهام جدید دریافت می‌شود. مطابق ماده 160 لایحه «شرکت می‌تواند سهام جدید را برای مبلغ اسمی بفروشند یا این که مبلغی علاوه بر مبلغ اسمی سهم به عنوان اضافه ارزش سهم از خریداران دریافت کند. شرکت می‌تواند عواید حاصله از اضافه ارزش سهام فروخته شده را به اندوخته منتقل سازد یا نقداً بین صاحبان سهام سابق تقسیم کند یا در ازاء آن سهام جدید به صاحبان سهام سابق بدهد.»

24- گزینه «1»

کلیه شرکت‌های تجاری مذکور در قانون دارای شخصیت حقوقی می‌باشند و «شخصیت حقوقی» از عناصر سازنده کلیه شرکت‌های تجاری می‌باشد. مطابق ماده 583 قانون تجارت: «کلیه شرکتهای تجاری مذکور در این قانون شخصیت حقوقی دارند.»

25- گزینه «3»

هریک از شرکای شرکت تضامنی در مقابل طلبکاران شرکت، سوای میزان سهم‌الشرکه‌ای که دارند مسئول پرداخت کلیه قروضی می‌باشند که ناشی از تعهدات شرکت است. اما فقط در روابط بین شرکاء مسئولیت هر یک از آنها در تأدیه قروض شرکت به نسبت سرمایه‌ای خواهد بود که در شرکت گذاشته است آن هم در صورتی که در شرکتنامه ترتیب دیگری اتخاذ نشده باشد. بنابراین در روابط بین شرکای شرکت تضامنی، مسئولیت هر شریک نسبت به قروض شرکت اصولاً به نسبت سهم‌الشرکه اوست.

26- گزینه «2»

در شرکت نسبی سهم‌الشرکه غیرنقدی به تراضی تمام شرکاء تقویم می‌شود. در این خصوص رجوع شود به ماده 122 قانون تجارت که ناظر بر ماده 185 آن قانون می‌باشد.

27- گزینه «2»

ماده 37 لایحه قانون تجارت در بیان ضمانت اجرای پرداختن مبلغ باقی مانده از سهام چنین مقرر می‌دارد: «دارندگان سهام مذکور در ماده 35 حق حضور و رأی در مجامع عمومی صاحبان سهام شرکت را نخواهند داشت و در احتساب حد نصاب تشکیل مجامع عمومی تعداد این‌گونه سهام از کل تعداد سهام شرکت کسر خواهد شد. به‌علاوه حق دریافت سود قابل تقسیم و حق رجحان در خرید سهام جدید شرکت و هم‌چنین حق دریافت اندوخته قابل تقسیم نسبت به این‌گونه سهام متعلق خواهد ماند»

28- گزینه «3»

مطابق ماده 255 قانون تجارت «... روز رؤیت در برواتی که به وعده از رؤیت است و روز صدور برات در برواتی که به وعده از تاریخ صدور است حساب نخواهد شد.» بنابراین تاریخ سررسید براتی که وعده آن یک هفته از تاریخ رؤیت است و سند در روز پنجشنبه رؤیت گردیده، پنج‌شنبه هفته آینده‌اش خواهد بود. لازم به دقت است که در امور آیین دادرسی روز ابلاغ و روز اقدام، جزء مهلت قانونی محسوب نمی‌گردد، اما در اسناد تجاری این‌گونه نمی‌باشد و تنها روز ابلاغ و رویت را جزء مهلت محسوب نمی‌کنیم.

29- گزینه «؟»

گزینه‌های این سؤال دارای اشکال می‌باشد و سازمان سنجش نیز از پاسخ‌گویی بدین سوال امتناع کرده است. در واقع دارنده براتی که به صورت مشروط قبول شده است، در حدود شرط حق رجوع به محال علیه را دارد، و از طرفی، قبولی مشروط را می‌تواند نکول محسوب کند و به صادرکننده برات رجوع کند. بنابراین در صورت تحقق شرط هم حق رجوع به محال علیه را دارد و هم حق رجوع به صادرکننده برات را. اما در صورتی که شرط محقق نگردد حق رجوع به محال علیه را ندارد و تنها می‌تواند به صادرکننده آن برات رجوع کند.

30- گزینه «1»

ماده 230 لایحه قانون تجارت در این خصوص مقرر می‌دارد: «در صورتی که مدیر تصفیه قصد استعفا از سمت خود را داشته باشد باید مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت را جهت اعلام استعفای خود و تعیین جانشین دعوت نماید. در صورتی که مجمع عمومی عادی مزبور تشکیل نشود یا نتواند مدیر تصفیه‌ی جدیدی را انتخاب کند و نیز هرگاه مدیر تصفیه توسط دادگاه تعیین شده باشد مدیر تصفیه مکلف است که قصد استعفای خود را به دادگاه اعلام کند و تعیین مدیر تصفیه جدید را از دادگاه بخواهد در هر حال استعفای مدیر تصفیه تا هنگامی که جانشین او به ترتیب مذکور در این ماده انتخاب نشده و مراتب طبق ماده 209 این قانون ثبت و آگهی نشده باشد کان‌لم‌یکن است.»

31- گزینه «1»

در صورتی که چک بدون مبلغ به محال علیه تقدیم شده باشد، ظهور در این امر دارد که صادرکننده چک در تعیین مبلغ چک به محال علیه وکالت داده است و این سند قطعاً چک محسوب می‌گردد.

32- گزینه «4»

بنابه صریح ماده 249 قانون تجارت «برات‌دهنده - کسی که برات را قبول کرده و ظهرنویس‌ها در مقابل دارنده برات مسئولیت تضامنی دارند. دارنده برات در صورت عدم تأدیه و اعتراض می‌تواند به هر کدام از آن‌ها که بخواهد منفرداً یا به چند نفر یا به تمام آن‌ها مجتمعاً رجوع نماید. همین حق را هر یک از ظهرنویس‌ها نسبت به برات‌دهنده و ظهرنویس‌های ماقبل خود دارد. اقامه دعوی بر علیه یک یا چند نفر از مسئولین موجب اسقاط حق رجوع به سایر مسئولیت برات نیست - اقامه‌کننده دعوی ملزم نیست ترتیب ظهرنویسی را از حیث تاریخ رعایت کند. ضامنی که ضمانت برات‌دهنده یا محال علیه یا ظهرنویسی را کرده فقط با کسی مسئولیت تضامنی دارد که از او ضمانت نموده است.» بنابراین ضامنان ظهرنویس نیز نسبت به کل مبلغ سفته همراه با کسی که از وی ضمانت کرده‌اند (ظهرنویس)، مسئولیت تضامنی دارند.

33- گزینه «4»

عقب رفتن تاریخ توقف تاجر ممکن است به نفع طلبکاران باشد، بدین صورت که منع حمایتی و قانونی تاجر ورشکسته از تصرف اموالش و در برخی موارد فسخ نمودن یا ابطال معاملاتی که تاجر در دوران توقف انجام داده است، ممکن است به نفع طلبکاران باشد، از طرفی ممکن است تاجر در این دوران معاملاتی را صورت نداده باشد و عقب بردن تاریخ توقف سودی برای طلبکاران نداشته باشد. اما در هیچ حالت برای طلبکاران زیانی ندارد، زیرا در اصل وصول طلبشان، هیچ اثری ندارد. آن‌چه که ممکن است به نفع یا ضرر طلبکاران باشد، تغییر «تاریخ ورشکستگی» می‌باشد، زیرا تغییر در این تاریخ سبب می‌شود که عده‌ای از طلبکاران به تعداد طلبکاران تاجر اضافه گردد که این امر سبب می‌گردد که سهم عده‌ای از طلبکاران، از مابقی اموال تاجر، کم‌تر گردد و از سوی دیگر برای کسانی که طلبکار تاجر شناخته شده‌اند سبب می‌گردد که بتوانند طلبشان را با حمایت قوانین ورشکستگی وصول کنند.

34- گزینه «3»

معاملاتی که تاجر در فاصله توقف تا صدور حکم ورشکستگی انجام می‌دهد اصولاً صحیح می‌باشند. مفهوم ماده مواد 423 تا 426 قانون تجارت این است که اصولاً معاملاتی که در این دوران انجام می‌گیرد، صحیح است مگر در مواردی که در مواد مذکور، مصرح است.

منابع

- 1- دکتر اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، کلیات معاملات تجاری، جلد اول، انتشارات سمت، سال 78,
- 2- دکتر اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، شرکت‌های سهامی، جلد دوم، انتشارات سمت، سال 81,
- 3- دکتر اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت اسناد تجاری، انتشارات سمت، سال 81,
- 4- دکتر اسکینی، ربیعا، حقوق تجارت، ورشکستگی و تصفیه امور ورشکسته، جلد چهارم، انتشارات سمت، سال 81,
- 5- دکتر ستوده تهران، حسن، حقوق تجارت، جلد اول، نشر دادگستر، سال 78,
- 6- دکتر ستوده تهران، حسن، حقوق تجارت، جلد دوم، نشر دادگستر، سال 78,
- 7- دمیرچیلی، حاتمی، قرایی، قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، نشر میثاق عدالت، سال 82.